



اقتصاد و برنامه ریزی شهری

دوره ۵، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳

۸	بررسی سازوکار مؤلفه اجتماعی-فرهنگی شهر آموزش دهنده مبتنی بر تجارب جهانی سارا فعلی، فرح حبیب، حسین ذبیحی
۲۴	تحلیل جنبش پیاده‌محوری از نظر نارسایی کیفیت فضایی در پیاده‌راه ارک تبریز افرنگ بیگ‌نژاد هریس، رضا ولی‌زاده، علی پناهی
۴۴	تبیین عوامل مؤثر در ضعف گردشگری شهری در طرح‌های توسعه شهری کلان شهر تبریز رؤیا سرداری، ابراهیم تقوی، بختیار عزت پناه
۶۰	ارزیابی بازآفرینی شهری برای توسعه گردشگری میراث فرهنگی در بافت تاریخی شهر تبریز لادن عقل آراء، حسن احمدزاده، علی پناهی
۷۸	ارائه چهار چوب طراحی شهری حساس و پاسخ‌دهنده به شرایط پاندمی محیا حسینی مرند، اصغر مولانی، معصومه آیشم
۹۴	ارائه سناریوهای بازآفرینی شهری در محله خواجه ربیع در شهر مشهد محمد رحیم رهنما، مرضیه صبوری، مهسا غفوریان
۱۱۰	برآورد ظرفیت برد گردشگری شهر یاسوج و ارائه برنامه راهبردی با کمک مدل تحلیل سوات وجیهه قربان نیا خیبری، الهه عظیمی، محسن آرمین
۱۲۴	تبیین الگوی آمیخته اکتشافی استقرار شهرهای جدید نسل نو (مطالعه موردی: شهر تیس) نسیم قاسمی قریه عالی، حمیدرضا صارمی، آرش یغدادی
۱۴۰	ارزیابی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی سکونت‌های غیر رسمی شهر تبریز ناصر محمدی میوه‌رود، کریم حسین‌زاده دلیر، داریوش ستارزاده
۱۵۴	سنجش پذیرش شهر هوشمند آموزش دهنده‌ار دیبل فرید زوارزاده مقدم، مصطفی بصیری، آرش ثقفی اصل
۱۷۰	مقایسه‌ای تحلیلی؛ بر چالش‌ها و فرصت‌های مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی شهری یزد و رشت رعنا عباسی، آزاده شاهچراغی، فرح حبیب
۱۸۲	بررسی روند، جهت و عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان شهری تهران مهشید سادات ذبیحی، هاشم داداش پور
۲۰۵	نقش هوشمندسازی شهر در حکمروایی کارآمد نوشین آقایی مهابادی، سروش فتحی، زهرا زارع
۲۲۰	بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت پیاده‌روها با تأکید بر شهرهای ایرانی اسلامی (نمونه موردی: شهر بهبهان) مسعود صفایی پور، اقبال نصیری برم‌الوان





اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری

فصلنامه



اعضای هیات تحریریه

دکتر بهناز امین زاده گوهرریزی

استاد، گروه شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دکتر پروین پرتوی

استاد، گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

دکتر حسین پناهی

استاد، گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

دکتر محمد تقی پیربابایی

استاد، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

دکتر علی خاکساری رفسنجانی

استاد، گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

دکتر رضا خیرالدین

دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

دکتر هاشم داداش پور

استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دکتر رضا رنجپور

دانشیار، گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

دکتر سید سعید زاهد زاهدانی

دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

دکتر علی اصغر عنابستانی

استاد، جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

دکتر حسین کالانتری خلیل آباد

استاد، گروه برنامه‌ریزی شهری، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

دکتر محمد منان رئیسی

دانشیار، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه قم، قم، ایران

مدیر مسئول

دکتر عطاءالله رفیعی آتانی

رئیس مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

ایمیل: rafieiatani@iust.ac.ir

سر دبیر

دکتر هاشم داداش پور

استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت

مدرس، تهران، ایران

ایمیل: h-dadashpoor@modares.ac.ir

مدیر اجرایی

مهندس زهرا روحی دهکردی

پژوهشگر دکتری گروه شهرسازی، دانشکده هنرهای

زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ایمیل: zhr.rouhi@ut.ac.ir

ویراستار انگلیسی

مهندس لیلا قاسم پور

دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه

تربیت مدرس، تهران، ایران

طراح جلد و صفحه‌آرا

مهندس مرضیه نظرزاده

اطلاعات تماس نشریه

آدرس: تهران، خیابان استادحسن بنا شمالی، بالاتر از

تقاطع اتوبان همت و امام علی، کوچه شقایق، مرکز

نواوری و پارک فناوری شهر تهران

کد پستی: ۱۶۷۳۹۶۵۵۱۱

تلفن: ۰۲۱۹۶۰۱۵۴۲۴ و ۰۹۰۲۲۴۵۸۴۵۷

فکس: ۰۲۱۹۶۰۹۰۶۴۱

ایمیل: info@juep.net

وبسایت: JUEP.net

چاپخانه:

نشر شهر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ۱ بررسی سازوکار مؤلفه اجتماعی-فرهنگی شهر آموزش دهنده مبتنی بر تجارب جهانی ۸
سارا فعلی، فرح حبیب، حسین ذبیحی
- ۲ تحلیل جنبش پیاده‌محوری از نظر نارسایی کیفیت فضایی در پیاده‌راه‌ها در تبریز ۲۴
افرنک بیگ‌نژاد هریس، رضا ولی‌زاده، علی پناهی
- ۳ تبیین عوامل مؤثر در ضعف گردشگری شهری در طرح‌های توسعه شهری کلان‌شهر تبریز ۴۴
رؤیا سرداری، ابراهیم تقوی، بختیار عزت پناه
- ۴ ارزیابی بازآفرینی شهری برای توسعه گردشگری میراث فرهنگی در بافت تاریخی شهر تبریز ۶۰
لادن عقل آراء، حسن احمدزاده، علی پناهی
- ۵ ارائه چهارچوب طراحی شهری حساس و پاسخ‌ده به شرایط پاندمی ۷۸
محیا حسینی مرند، اصغر مولائی، معصومه آیشم
- ۶ ارائه سناریوهای بازآفرینی شهری در محله خواجه ربیع در شهر مشهد ۹۴
محمد رحیم رهنما، مرصیه صبوری، مهسا غفوریان
- ۷ برآورد ظرفیت برد گردشگری شهر یاسوج و ارائه برنامه راهبردی با کمک مدل تحلیل سوات ۱۱۰
وجیهه قربان‌نیا خیبری، الهه عظیمی، محسن آرمین
- ۸ تبیین الگوی آمیخته اکتشافی استقرار شهرهای جدید نسل نو (مطالعه موردی: شهر تیس) ۱۲۴
نسیم قاسمی قریه عالی، حمیدرضا صارمی، آرش بغدادی
- ۹ ارزیابی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی سکونت‌های غیررسمی شهر تبریز ۱۴۰
ناصر محمدی میوه‌رود، کریم حسین‌زاده دلیر، داریوش ستارزاده
- ۱۰ سنجش پذیرش شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل ۱۵۴
فرید زوارزاده مقدم، مصطفی بصیری، آرش تقفی اصل
- ۱۱ مقایسه‌ای تحلیلی؛ بر چالش‌ها و فرصت‌های مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی شهری یزد و رشت ۱۷۰
رنا عباسی، آزاده شاهچراغی، فرح حبیب
- ۱۲ بررسی روند، جهت و عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران ۱۸۲
مهشید سادات ذبیحی، هاشم داداش‌پور
- ۱۳ نقش هوشمندسازی شهر در حکمروایی کارآمد ۲۰۵
نوشین آباقری مهابادی، سروش فتحی، زهرا زارع
- ۱۴ بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت پیاده‌روها با تأکید بر شهرهای ایرانی اسلامی (نمونه موردی: شهر بهبهان) ۲۲۰
مسعود صفایی‌پور، اقبال نصیری برم‌الوان

CONTENTS

Vol 5(2), Summer 2024

1	Investigating the Mechanism of Socio-Cultural Component in The Educating City Based on Global Experiences Sara Feli, Farah Habib, Hossein Zabihi	7
2	Pedestrian-Oriented Movement Analysis in Terms of the Lack of Air Quality in Tabriz's Arak Sidewalks Afrang Beignejad Heric, Reza Valizadeh, Ali Panahi	23
3	Explanation of the Effective Factors in the Weakness of Urban Tourism in the Urban Development Plans of Tabriz Metropolis Roya Sardari, Ebrahim Taghavli, Bakhtiyar Ezzat Panah	41
4	Evaluation of Urban Regeneration for the Development of Cultural Heritage Tourism in the Historical Context of Tabriz City Ladan Aghlara, Hassan Ahmadzadeh, Ali Panahi	59
5	Providing a Sensitive and Responsive Urban Design Framework to Pandemic Conditions Mahya Hassani Marand, Asghar Molaei, Masoumeh Ayashm	77
6	Presentation of Urban Regeneration Scenarios in Khajeh Rabi Neighborhood in Mashhad Mohammad Rahim Rahnama, Marzieh Sabouri, Mahsa Ghafourian	93
7	Estimating the Tourism Carrying Capacity of Yasouj City and Presenting a Strategic Plan with the Help of a SWOT Analysis Model Vajihe Ghorbannia Kheybari, Elahe Azimi, Mohsen Armin	109
8	Explaining the Exploratory Mixed Model of Establishing the New Generation of New Towns (Case Study: Tiss City) Nasim Ghasemi Gharyeh Aali, Hamidreza Saremi, Arash Baghdadi	123
9	Evaluation of Economic-Social Characteristics of Informal Settlements in Tabriz City Naser Mohammadi Mivehrood, Karim Hosseinzadeh Dalir, Daruosh Sattarzadeh	139
10	Teaching Smart City Acceptance Measurement Ardabil Farid Zavarzadeh Moghadam, Mostafa Basiri, Arash Saghafi Asl	153
11	Analytical Comparison; On the Challenges and Opportunities of Architectural Components Influencing Urban Branding in Yazd and Rasht Rana Abbasi, Azadeh Shahcheraghi, Farah Habib	169
12	Investigating the Trend, Direction, and Factors Affecting Land Use Transition in the Tehran Metropolitan Region Mahshid Sadat Zabihi, Hashem Dadashpoor	181
13	Urban Smartization and Efficient Governance Noushin Abagheri Mahabadi, Soroush Fathi, Zahra Zare	204
14	Investigating the Effective Factors on Improving the Quality of Sidewalks with an Emphasis on Islamic Iranian Cities (Case Example: Behbahan City) Masoud Safaeepour, Eghbal Nasiri Barmalvan	219

was presented. In the second step, introduced experiences were compared, classified, and categorized by the method of content analysis and were presented in the form of criteria and indicators of the socio-cultural component, including encouraging social participation, fighting discrimination, improving educational policies, improving the quality of life, preserving cultural identity and creating ideological foundation criteria. In the third step, a questionnaire compiled for experts from the criteria and indicators identified from the sociocultural component was given to 10 experts (urban development experts) to give their opinions regarding the criteria and indicators selected to present and according to the mixed method (quantitative-qualitative), quality criteria and indicators be converted into quantitative numbers. In the fourth step, the reliability of the questionnaire was checked by Cronbach's alpha test. Then, to measure the validity of the questionnaire, the exploratory factor analysis method was used. In this method, the Kaiser-Mayer-Olkin (KMO) index and Bartlett's test were used to confirm or reject the appropriateness of the desired data for factor analysis. To perform the exploratory factor analysis method, the principle component method was used to extract the criteria, and the Varimax Rotation method with Kaiser Normalization was used to rotate the factors. Then, research criteria and indicators were prioritized using the Friedman method, and after that, the impact of the indicators on the social, cultural, economic, and individual aspects of lifelong learning was analyzed using the path analysis method. In the fifth step, the conceptual model of the research was presented and finally, the conclusion was explained.

Findings

First, the reliability and validity of the research measurement tool (questionnaire) were ensured. The reliability of the questionnaire was measured by Cronbach's alpha test. The results of the test revealed that the used questionnaire had the necessary accuracy and reliability. In the following, exploratory factor analysis was used to measure the validity of the questionnaire. In this method, first, it was ensured that the number of data is suitable for factor analysis or not. For this reason, the KMO index and Bartlett's test were used. The value of the KMO index was equal to 0/906 (more than 0/6), so the number of samples (number of respondents) was sufficient for factor analysis. Also, the sig value of Bartlett's test was equal to zero (less than 0/05). This showed that factor analysis is suitable for identifying the structure of the factor model and the hypothesis of the correlation matrix being known was rejected. Further, in the exploratory factor analysis, the principal components method was used to extract the criteria, and the Varimax method with Keyser normalization was used to rotate the factors. The decision criterion for survival or removal of questionnaire questions from factor analysis was their extracted commonality values. In addition, eigenvalues higher than 1 and factor scores higher than 0/4 are considered decision

criteria for question classification. In the following, according to the analyses carried out, with the achievement of the extracted commonality value of more than 0/5 for all questions, it is not necessary to exclude any of the questionnaire questions from the factor analysis. In addition, according to these analyses, 6 criteria with a characteristic value higher than one were extracted, and all the questions related to the socio-cultural component of the educating city were included in these 6 criteria. Also, considering the factor loads of the questions, each of the questions had the highest factor load in the same factor that was determined in advance. Therefore, each question measures the same factor for which it was designed, so the questions of the questionnaire have the necessary validity. Friedman's test was used to check the importance and rank of the criteria and indicators of the socio-cultural component of the educating city. According to the results, among the criteria of the research, creating an ideological foundation, improving the quality of life, fighting discrimination, improving educational policies, encouraging social participation, and preserving cultural identity are respectively weighted 3/71, 3/54, 3/48, 3/45, 3/42 and 3/40 are the most and least important. 33 research indicators were assigned different weights respectively. In the last part of the findings, the path analysis method was used to investigate the impact of research indicators on lifelong learning. The test results showed that the research indicators were effective in lifelong learning with a path coefficient of 0/7 on the social dimension, 0/51 on the economic dimension, 0/50 on the cultural dimension, and 0/44 on the individual dimension.

Conclusion

Educating cities has an essential role in the education process by emphasizing the socio-cultural component. By creating an ideological foundation, improving the quality of life, fighting discrimination, improving educational policies, encouraging social participation, and preserving cultural identity, these cities provide a suitable platform for the development of lifelong learning processes and they reduce the obstacles related to the time and place limitations of education and this makes it possible for everyone to access it more easily. In addition, by overcoming challenges and emphasizing potential, these cities offer educational opportunities to various groups in society, including minorities, the disadvantaged, and the elderly. As centers of educational opportunities, these cities contribute to the development of society by improving the level of knowledge and awareness of citizens. The investigated indicators of the socio-cultural component of the teaching city directly affect the 4 social, economic, cultural, and individual dimensions of lifelong learning. These results show that the social and cultural actions and activities that are carried out to improve the platform of an educating city, can directly contribute to the promotion of lifelong learning processes.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Feli S. Habib F. Zabih H. Investigating the Mechanism of Socio-Cultural Component in The Educating City Based on Global Experiences. Urban Economics and Planning Vol 5(2):6-21. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.446497.1474



Investigating the Mechanism of Socio-Cultural Component in The Educating City Based on Global Experiences*

Original Article

Sara Feli¹, Farah Habib^{2**}, Hossein Zabihi³

1- Ph.D. Candidate, Department of Urban Development, Faculty of Civil Engineering, Architecture and Art, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2- Professor, Department of Urban Development, Faculty of Civil Engineering, Architecture and Art, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3- Associate Professor, Department of Urban Development, Faculty of Civil Engineering, Architecture, and Art, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-03-18

Revised: 2024-04-30

Accepted: 2024-07-01

Keywords

Educating City

Global Experiences

Lifelong Learning

Socio-Cultural Component

ABSTRACT

Introduction

Formal education as a foundation for further education is necessary but insufficient. Therefore, education should be brought to a space where all people can attend without any restrictions, that is, the entry of education into the city and its connection with urban life. In many countries, the city has been used for education and valuable experiences have been gained. Now, in Iran, some people need education. In this situation, in some cases, the limitation of access to education has led to the imposition of many costs. Despite the upcoming challenges, the capacity of the city as a platform and tool in the service of education to increase readiness in solving challenges has been neglected; Therefore, the problem of the current research is that in the topic of the educating city with the application of the socio-cultural component, the existing knowledge is not practical enough to create a suitable platform for educating adults and Citizens should act based on their learning from the educational resources of the cities. Therefore, in the upcoming research, an effort has been made to resolve the gap in the field of the city and the socio-cultural component of education by using the category of the educating city based on successful global experiences. Therefore, this research aims to investigate the mechanism of the sociocultural component of the educating city based on global experiences, and seeks to find answers to these questions: The conceptual model of the sociocultural component of the educating city in Iran is based on global experiences, based on what criteria and indicators? How are they prioritized? How effective are the indicators identified from the socio-cultural component of the educating city on each of the dimensions of lifelong learning?

Materials and Methods

With an interpretive philosophy and an inductive approach, the present research is placed in the group of applied research (based on the goal) and descriptive of the type of content analysis (from the point of view of nature) in terms of strategy. Also, in terms of selection, it has mixed data (qualitative-quantitative), based on the time frame of the single-section method (in the second half of 1402), collecting its data using the library-field method and the tools of existing documents and documents. The questionnaire was for experts.

Conducting this research was based on five steps: In the first place, this research, using the library method and the tools of existing documents, examines the theoretical concepts and selects and introduces 17 examples of successful global experiences from the teaching city according to various criteria (including access to the document valid, using a special program in it and achieving successful results). In the following, the background of the research was stated. At the end of this section, the conceptual model of the research

* This article is taken from the doctoral dissertation of the first author entitled "Explaining the place of the physical component in the educational role of the city with an emphasis on citizenship culture (case study: selected public spaces of Tehran)" under the guidance of Dr. Farah Habib and the advice of Dr. Hossein Zabihi in the Faculty of Civil Engineering, Architecture and art, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran.

** Corresponding author: f.habib@srbiau.ac.ir

بررسی سازوکار مؤلفه اجتماعی- فرهنگی شهر آموزش دهنده مبتنی بر تجارب جهانی*

مقاله پژوهشی

سارا فعلی^۱؛ فرح حبیب^{۲*}؛ حسین ذبیحی^۳

۱- دانشجوی دکتری، گروه تخصصی شهرسازی، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 ۲- استاد، گروه تخصصی شهرسازی، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 ۳- دانشیار، گروه تخصصی شهرسازی، دانشکده عمران، معماری و هنر، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه

آموزش رسمی به عنوان پایه‌ای برای آموزش‌های بعدی ضروری اما ناکافی است؛ پس آموزش باید به فضایی کشیده شود که همه افراد بی‌هیچ محدودیتی بتوانند در آن حاضر شوند، یعنی ورود آموزش به شهر و پیوند آن با زندگی شهری. در بسیاری از کشورها، شهر به خدمت آموزش گرفته شده و تجربیات ارزنده‌ای به دست آمده است. حال در کشور ایران، هستند افرادی که به آموزش بی‌نیاز نیستند. در این شرایط در مواردی محدودیت دسترسی به آموزش به تحمیل هزینه‌های بسیار منجر شده است. با وجود چالش‌های پیش رو، ظرفیت شهر به عنوان بستر و ابزار در خدمت آموزش برای افزایش آمادگی در حل چالش‌ها نادیده انگاشته شده؛ از این رو مسئله پژوهش حاضر این است که در محث شهر آموزش دهنده با کاربست مؤلفه اجتماعی- فرهنگی، دانش موجود به قدر کافی کاربردی نیست تا ایجاد بستری مناسب برای آموزش به بزرگسالان میسر باشد و شهروندان براساس یادگیری خود از منابع آموزشی شهرها رفتار کنند. بنابراین در پژوهش پیش رو، کوشش شده است تا شکاف موجود در حوزه شهر و مؤلفه اجتماعی- فرهنگی آموزش با بهره‌گیری از مقوله شهر آموزش دهنده مبتنی بر تجارب جهانی موفق رفع شود. به این سبب این تحقیق با هدف بررسی سازوکار مؤلفه اجتماعی- فرهنگی شهر آموزش دهنده مبتنی بر تجارب جهانی، در پی دستیابی به پاسخ به این پرسش‌ها است: الگوی مفهومی مؤلفه اجتماعی- فرهنگی شهر آموزش دهنده در ایران مبتنی بر تجارب جهانی بر پایه چه معیارها و شاخص‌هایی است؟ اولویت‌بندی آن‌ها به چه ترتیب است؟ شاخص‌های شناسایی شده از مؤلفه اجتماعی- فرهنگی شهر آموزش دهنده بر هر یک از ابعاد یادگیری مادام‌العمر چقدر مؤثر است؟

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر با داشتن فلسفه تفسیرگرایانه و رویکرد استقرایی، به لحاظ راهبرد در گروه پژوهش‌های کاربردی (مبتنی بر هدف) و توصیفی از نوع تحلیل محتوا (از منظر ماهیت) قرار گرفته است. همچنین از حیث انتخاب دارای داده‌های آمیخته (کیفی- کمی)، بر اساس بازه زمانی روش تک‌مقطعی (در نیمه دوم سال ۱۴۰۲)، گردآوری داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای- میدانی و ابزار اسناد و مدارک موجود و پرسشنامه خبرگان بوده است.

انجام این پژوهش بر پایه پنج گام بنا نهاده شد: در وهله نخست، این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و ابزار اسناد و مدارک موجود، به بررسی مفاهیم نظری و انتخاب و معرفی ۱۷ نمونه از تجارب موفق جهانی از شهر آموزش دهنده با توجه به ملاک‌های گوناگون (از جمله دسترسی به سند معتبر، به کارگیری برنامه اختصاصی در آن و حصول نتیجه موفق) پرداخت. در ادامه، پیشینه پژوهش بیان شد. در انتهای این بخش مدل مفهومی پژوهش ارائه شد. در گام دوم، تجارب معرفی شده به روش

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۱

کلمات کلیدی

تجارب جهانی
 شهر آموزش دهنده
 مؤلفه اجتماعی- فرهنگی
 یادگیری مادام‌العمر

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین جایگاه مؤلفه کالبدی در نقش آموزشی شهر با تأکید بر فرهنگ شهروندی (موردپژوهی: فضاهای عمومی منتخب شهر تهران)» با راهنمایی دکتر فرح حبیب و مشاوره دکتر حسین ذبیحی در دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران است.
 ** نویسنده مسئول: f.habib@srbiau.ac.ir

انجام شده، با حاصل شدن مقدار اشتراک استخراجی بیش از ۰/۵ برای همه سؤالات، لازم نیست هیچ یک از پرسش‌های پرسشنامه از تحلیل عاملی کنار گذاشته شود. به علاوه، با توجه به این تحلیل‌ها، ۶ معیار با مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج شد که همه سؤالات مربوط به مؤلفه اجتماعی-فرهنگی شهر آموزش دهنده در این ۶ معیار قرار گرفتند. همچنین با توجه به بارهای عاملی پرسش‌ها، هر یک از سؤالات بیشترین بار عاملی را در همان عاملی که از قبل معین شده بود، داشته‌اند. پس هر سؤال دقیقاً همان عاملی را اندازه‌گیری کرده که برای آن طراحی شده است، لذا پرسش‌های پرسشنامه از روایی لازم برخوردارند.

به منظور بررسی اهمیت و رتبه معیارها و شاخص‌های مؤلفه اجتماعی-فرهنگی شهر آموزش دهنده از آزمون فریدمن استفاده شد. مطابق نتایج حاصله، در میان معیارهای پژوهش ایجاد بنیان ایدئولوژیکی، بهبود کیفیت زندگی، مبارزه با تبعیض، بهبود سیاست‌های آموزشی، تشویق به مشارکت اجتماعی و حفظ هویت فرهنگی به ترتیب با وزن ۳/۷۱، ۳/۵۴، ۳/۴۸، ۳/۴۵، ۳/۴۲ و ۳/۴۰ از بیشترین و کمترین اهمیت برخوردارند. ۳۳ شاخص پژوهش نیز به ترتیب وزن‌های متفاوتی را به خود اختصاص دادند.

در آخرین بخش از یافته‌ها، به منظور بررسی میزان تأثیر شاخص‌های پژوهش بر یادگیری مادام‌العمر از روش تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد شاخص‌های پژوهش بر یادگیری مادام‌العمر با ضریب مسیر ۰/۷ بر بعد اجتماعی، ۰/۵۱ بر بعد اقتصادی، ۰/۵۰ بر بعد فرهنگی و ۰/۴۴ بر بعد فردی مؤثر بوده است.

نتیجه‌گیری

شهرهای آموزش دهنده با تأکید بر مؤلفه اجتماعی-فرهنگی نقش اساسی در فرایند آموزش دارند. این شهرها از طریق ایجاد بنیان ایدئولوژیکی، بهبود کیفیت زندگی، مبارزه با تبعیض، بهبود سیاست‌های آموزشی، تشویق به مشارکت اجتماعی و حفظ هویت فرهنگی، بستر مناسبی را برای توسعه فرایندهای یادگیری مادام‌العمر ارائه می‌دهند و موانع مربوط به محدودیت‌های زمانی و مکانی آموزش را کاهش می‌دهند و این امکان را فراهم می‌سازند که دسترسی همه افراد به یادگیری سهولت یابد. به علاوه، با غلبه بر چالش‌ها و تأکید بر پتانسیل‌ها، این شهرها به گروه‌های مختلفی از جامعه، شامل اقلیت‌ها، افراد محروم و سالمندان، فرصت‌های آموزشی را ارائه می‌دهند. این شهرها به عنوان مراکز فرصت‌های آموزشی، با ارتقای سطح دانش و آگاهی شهروندان، به توسعه جامعه کمک می‌کند. شاخص‌های مورد بررسی از مؤلفه اجتماعی-فرهنگی شهر آموزش دهنده، به طور مستقیم بر ابعاد ۴ گانه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فردی از یادگیری مادام‌العمر تأثیر دارند. این نتایج نشان می‌دهند اقدامات و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی که در جهت بهبود بستر یک شهر آموزش دهنده انجام می‌شود، می‌تواند به طور مستقیم به ارتقای فرایندهای یادگیری مادام‌العمر کمک کند.

تحلیل محتوا، مقایسه، دسته‌بندی و مقوله‌بندی شد و به صورت معیارها و شاخص‌های مؤلفه اجتماعی-فرهنگی شامل معیارهای تشویق به مشارکت اجتماعی، مبارزه با تبعیض، بهبود سیاست‌های آموزشی، بهبود کیفیت زندگی، حفظ هویت فرهنگی و ایجاد بنیان ایدئولوژیکی ارائه شد. در گام سوم، پرسشنامه تدوین شده‌ای برای خبرگان از معیارها و شاخص‌های شناسایی شده از مؤلفه اجتماعی-فرهنگی در اختیار ۱۰ نفر از خبرگان (متخصص شهرسازی) قرار داده شد تا آرای خودشان را در ارتباط با معیارها و شاخص‌های انتخاب شده ارائه کنند و مطابق با روش آمیخته (کمی-کیفی)، معیارها و شاخص‌های کیفی به اعدادی کمی تبدیل شوند. در چهارمین گام، ابتدا پایایی پرسشنامه توسط آزمون آلفای کرونباخ بررسی شد. سپس، به قصد سنجش روایی پرسشنامه روش تحلیل عاملی اکتشافی به کار گرفته شد. در این روش به منظور تأیید یا رد مناسب بودن تعداد داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی از (KMO) و آزمون بارتلت استفاده شد. در راستای انجام روش تحلیل عاملی اکتشافی برای استخراج معیارها از روش مؤلفه‌های اصلی و برای چرخش عامل‌ها از روش واریماکس با نرمال‌سازی کیسز بهره گرفته شد. سپس معیارها و شاخص‌های پژوهش با به‌کارگیری روش فریدمن اولویت‌بندی شدند و پس از آن، میزان تأثیر شاخص‌ها بر ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فردی یادگیری مادام‌العمر با استفاده از روش تحلیل مسیر مورد تحلیل قرار گرفت. در گام پنجم الگوی مفهومی پژوهش ارائه شد و در نهایت نتیجه‌گیری تشریح شد.

یافته‌ها

ابتدا از پایایی و روایی ابزار اندازه‌گیری پژوهش (پرسشنامه) اطمینان حاصل شد. پایایی پرسشنامه توسط آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد. نتایج آزمون آشکار ساخت که پرسشنامه مورد استفاده از دقت لازم و پایایی برخوردار بوده است.

در ادامه، با هدف سنجش روایی پرسشنامه تحلیل عاملی اکتشافی به کار گرفته شد. در این روش نخست از این مسئله اطمینان حاصل شد که آیا تعداد داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب است یا خیر؟ به همین دلیل از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. مقدار شاخص KMO برابر ۰/۹۰۶ (بیش از ۰/۶) حاصل شد، بنابراین تعداد نمونه (تعداد پاسخ‌دهندگان) برای تحلیل عاملی کافی بوده است. همچنین مقدار sig آزمون بارتلت، برابر صفر (کمتر از ۰/۰۵) به دست آمد؛ که نشان داد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی مناسب است و فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی، رد شد.

در ادامه، در تحلیل عاملی اکتشافی برای استخراج معیارها از روش مؤلفه‌های اصلی و برای چرخش عامل‌ها از روش واریماکس با نرمال‌سازی کیسز بهره گرفته شد. ملاک تصمیم‌گیری برای بقا یا حذف سؤالات پرسشنامه از تحلیل عاملی، مقادیر اشتراک استخراجی آن‌ها بوده است. به علاوه، ملاک تصمیم‌گیری برای دسته‌بندی سؤالات، مقادیر ویژه بالاتر از یک و نمرات عاملی بالاتر از ۰/۴ در نظر گرفته شده است. در ادامه، با توجه به تحلیل‌های

مقدمه

تقسیم‌بندی، روش‌های آموزشی شامل آموزش مستقیم (Direct education) و آموزش غیرمستقیم (Indirect education) [۲۲] هستند. آموزش مستقیم با داشتن سازمان‌دهی دقیق [۲۳] روش تدریس صریح و مستقیم مهارت‌ها است [۲۴]. آموزش غیرمستقیم به دنبال مشارکت شاگردان در تولید دانش جدید است [۲۲].

محیط آموزشی یک زمینه کالبدی، اجتماعی و یادگیری است که در آن آموزش در نظر گرفته شده [۲۵] است. انواع محیط آموزشی عبارت‌اند از: خانواده اولین محیط آموزشی [۲۶] و والدین اولین مربیان کودکان هستند [۲۷]. مدرسه یکی از محیط‌های مهم اکولوژیک [۲۸] و از محورهای اصلی در آموزش علوم اجتماعی [۲۹] که بر آموزش کودکان [۳۰] و ایجاد شهروندی [۳۱] مؤثر است. رسانه‌های گروهی سومین گروه محیط آموزشی است، استفاده از آن از اوایل کودکی تشخیص داده می‌شود [۳۲]. جامعه نیز نقش به‌سزایی در توسعه آموزش دارد [۳۳] و باید از همان ابتدا آغاز شود [۳۴].

شهر آموزش‌دهنده

شهرهای آموزش‌دهنده با داشتن یک سازمان بین‌المللی و منشور پذیرفته‌شده [۳۵] با پشتیبانی از یادگیری مادام‌العمر [۳۶] در سال ۱۹۹۰ در اولین کنفرانس بین‌المللی شهرهای آموزش‌دهنده در بارسلونا [۳۷] آغاز به کار کرد. این منشور پس از مدتی در سال ۲۰۲۰ بازنگری شد تا با «چالش‌ها و نیازهای اجتماعی جدید» تطبیق یابد [۳۸]. این منشور بر اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، انجمن حقوق کودک (۱۹۸۹)، اعلامیه جهانی آموزش برای همه (۱۹۹۰) و اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی (۲۰۰۱) [۳۹] منطبق بوده است.

شهر آموزش‌دهنده، محیط، ابزار و هدف یادگیری [۴۰] است با تعهد به ارتقای کیفیت زندگی شهروندان [۴۱] که به هر فرد امکان می‌دهد [۴۲] به یادگیری دائمی، هم‌بستگی و گفت‌وگو با چشم‌انداز تعمیق دموکراسی و تقویت آزادی‌ها سوق [۴۳] یابد. در شهرهای آموزش‌دهنده شهر موضوع را آموزش می‌دهد و این آموزش باید فرایندهای انسان‌سازی را در هر یک تحریک کند [۴۴]. شهر آموزش‌دهنده زمینه مناسبی را برای اجرای نوآوری‌های اجتماعی [۴۵] فراهم می‌کند. طبق گفته انجمن شهرهای آموزش‌دهنده، برای اینکه شهری تربیت‌پذیر قلمداد شود، باید به مفروضات مندرج در این منشور متعهد شود: مشارکت شهروندان، تقویت احساس تعلق و حفظ هماهنگی فرهنگی، استفاده از فضای عمومی و توجه کامل به مردم و ترویج شیوه‌های پایدار در محیط مدارس و اطراف آن، به منظور کمک به توسعه دانش‌آموزان، خانواده‌ها، جوامع و شهر [۴۶]. منشور شهرهای آموزش‌دهنده مبتنی بر سه اصل کلیدی است: اول، حق برخورداری از یک شهر آموزش‌دهنده؛ دوم، تعهد شهر به حفظ و تسهیل دسترسی کامل به هویت فرهنگی خود برای همه؛ سوم، دسترسی به خدمات فرهنگی برای ساکنان شهر، به‌ویژه برای نسل‌های جوان [۴۷].

شهرهای آموزش‌دهنده دارای تجارب موفق بسیاری است که هر یک از این تجارب به منظور دستیابی به اهداف آموزشی و تربیتی مشخص، از یک یا چندین مؤلفه مختلف بهره گرفته‌اند. هر یک از این مؤلفه‌ها نقش ویژه‌ای دارند و در یک سیاق کلی و هماهنگ با یکدیگر عمل کرده‌اند تا به نتایج بهتری دست یابند. از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی، کالبدی، زیست‌محیطی، سیاسی و غیره اشاره کرد.

معرفی تجارب جهانی شهر آموزش‌دهنده در زمینه مؤلفه اجتماعی-فرهنگی

در جدول ۱ به معرفی ۱۷ تجربه جهانی از شهرهای آموزش‌دهنده در زمینه مؤلفه اجتماعی-فرهنگی اشاره شده است. این جدول شامل مسائل شهری مختلفی است که در این شهرها وجود داشته و برنامه‌های متفاوتی که برای حل یا کاهش این مشکلات اجرا شده است.

آموزش رسمی به عنوان پایه‌ای برای آموزش‌های بعدی ضروری اما ناکافی است، زیرا زمان آن محدود است و همه شهروندان را تحت پوشش قرار نمی‌دهد. پس آموزش به عنوان یکی از ابعاد مهم زندگی باید به فضایی کشیده شود که همه افراد بی‌هیچ محدودیتی بتوانند در آن حاضر شوند؛ یعنی ورود آموزش به شهر و پیوند با زندگی شهری. بسیاری از کشورها به این امر پرداخته‌اند، شهر را به خدمت آموزش گرفته و تجربیات ارزنده‌ای به دست آورده‌اند. حال در کشور ایران، با توجه به شیب صعودی شهرنشینی، افزایش مهاجرت‌ها و در مواردی، فقدان آگاهی کافی برای ایجاد تعامل بهتر با شهر و سایر شهروندان، هستند افرادی که در شهر زندگی می‌کنند بدون آنکه به آموزش بی‌نیاز باشند. در این شرایط در مواردی محدودیت دسترسی به آموزش منجر به تحمیل هزینه‌های بسیار شده است. با وجود چالش‌های پیش رو، ظرفیت شهر به عنوان بستر و ابزاری در خدمت آموزش به منظور افزایش آمادگی در حل چالش‌ها نادیده انگاشته شده؛ از این رو مسئله پژوهش حاضر این است که در مبحث شهر آموزش‌دهنده با کاربری مؤلفه اجتماعی-فرهنگی، دانش موجود به قدر کافی کاربردی نیست تا ایجاد بستری مناسب برای آموزش به بزرگسالان میسر باشد و شهروندان براساس یادگیری خود از منابع آموزشی شهرها رفتار کنند. بنابراین در پژوهش پیش رو، کوشش شده است تا شکاف موجود در حوزه شهر و مؤلفه اجتماعی-فرهنگی آموزش با بهره‌گیری از مقوله شهر آموزش‌دهنده مبتنی بر تجارب جهانی موفق رفع شود. به این سبب، این تحقیق با هدف بررسی سازوکار مؤلفه اجتماعی-فرهنگی شهر آموزش‌دهنده مبتنی بر تجارب جهانی، در پی دستیابی به پاسخ به این پرسش‌ها است: الگوی مفهومی مؤلفه اجتماعی-فرهنگی شهر آموزش‌دهنده در ایران مبتنی بر تجارب جهانی بر پایه چه معیارها و شاخص‌هایی است؟ اولویت‌بندی آن‌ها به چه ترتیب است؟ شاخص‌های شناسایی شده از مؤلفه اجتماعی-فرهنگی شهر آموزش‌دهنده بر هر یک از ابعاد یادگیری مادام‌العمر چقدر مؤثر است؟ فرایند انجام پژوهش مقابل بر اساس پنج گام نهاده شد: در وهله نخست، ارائه مبانی نظری، گزینش و معرفی تجارب جهانی شهر آموزش‌دهنده و پیشینه پژوهش، در گام دوم، تدوین پرسشنامه خبرگان از تجارب معرفی شده، گام سوم، تکمیل پرسشنامه توسط خبرگان، گام چهارم تحلیل داده‌های گردآوری شده و گام پنجم، ارائه الگوی مفهومی و نتیجه‌گیری پژوهش.

مبانی نظری پژوهش

آموزش

آموزش به عنوان آمادگی برای زندگی [۱]، دستیابی به پایداری [۲]، یک حق برای همه [۳] و یک کالای عمومی [۴] است. آموزش به فعالیت یا تدبیر از پیش طرح‌ریزی شده‌ای گفته می‌شود که هدف آن [۵] تسهیل یادگیری، از سوی آموزش‌دهنده [۶] است. مقصود از آموزش تعلیم روش صحیح تفکر و زندگی [۷] است. آموزش به سه شکل وجود دارد: آموزش رسمی (formal education)، آموزش نیمه‌رسمی (Non-formal education) و آموزش غیررسمی (Informal education) [۸]. آموزش رسمی بر پایه انتقال مطلق دانش [۹] نظام مدرسه‌ای را مدیریت می‌کند [۱۰]. آموزش نیمه‌رسمی یک فرایند داوطلبانه، برنامه‌ریزی شده و ساختارمند تعریف می‌شود [۱۱]. آموزش غیررسمی خارج از کلاس درس [۱۲] و به طور غیرسازمان‌یافته، نامحدود، رایگان و در دسترس افراد در سنین مختلف [۱۳] اتفاق می‌افتد. جامعه‌پذیری گسترده جوانان [۱۴]، شکل‌گیری شخصیت منابع انسانی [۱۵]، استفاده از انتخاب آزاد [۱۶] از مزیت‌های آن است. آموزش مادام‌العمر (Lifelong education) شکل دیگری از آموزش و ابزاری اساسی برای کیفیت زندگی [۱۷]، مترادف با آموزش بزرگسالان [۱۸]، از طریق فراهم آوردن تجربیاتی [۱۹] در هر زمان و مکان [۲۰] دانش‌سازنده را ایجاد می‌کند [۲۱]. در یک

جدول ۱. معرفی تجارب جهانی از شهر آموزش دهنده در زمینه مؤلفه اجتماعی-فرهنگی

منبع	تصویر	نام برنامه (سال)	مسئله موجود	نام شهر
[۴۸]		سازمان بونکچیکتوت (Buntkicktgut) (۱۹۹۷)	مهاجر بودن بیش از ۵۰ درصد کودکان و جوانان	مونخ (آلمان)
[۴۹]		کارخانه هنرها و تعاملات اوربیت (Orbit) (۲۰۰۰)	بزهکاری، سوء تغذیه، خشونت خانگی و بارداری در اوایل زندگی	مکزیکوسیتی (مکزیک)
[۵۰]		پروژه آموزش ضد نژادپرستی (۲۰۰۳)	نابرابری نژادی	سانتوس (برزیل)
[۵۱]		پروژه مسیر فعال تفریحی (۲۰۰۴)	-	گوادالاخارا (Guadalajara) (مکزیک)
[۵۲]		بازآفرینی شهری (۲۰۰۴-۲۰۰۷)	عدم سازماندهی و کیفیت و تخریب فضای عمومی و فقدان زیرساخت‌های آموزشی	مدلین (Medellin) (کلمبیا)
[۵۳]		پروژه پیشگیری نوزامبول (Noz' Ambule) (۲۰۰۸)	وجود تعداد قابل توجه جوانان	رن (Rennes) (فرانسه)
[۵۴]		پروژه ایجاد یک محله بهتر (۲۰۰۸-۲۰۲۰)	وجود مسائل زیست‌محیطی و عدم احساس تعلق شهروندان	چانگ‌وون (Changwon) (کره جنوبی)
[۵۵]		طرح بازآفرینی شهری مرکز تاریخی (۲۰۰۹)	کاهش جمعیت و رها شدن مرکز تاریخی قدیمی	گانسان (Gunsan) (کره جنوبی)
[۵۶]	-	شهر فراگیر، کارآفرین، جهان‌وطنی (۲۰۰۹)	سطح پایین درآمد و ممانعت آن از ساخت سازماندهی فضاهای شهری	پرایا (Praia) (کیپ ورده)
[۴۹]		کمیته مشارکت کوتره (Cotre) (۲۰۱۰)	نبود حق رأی دادن ساکنان خارجی	تولوز (Toulouse) (فرانسه)

منبع	تصویر	نام برنامه (سال)	مسئله موجود	نام شهر
[۵۵]		برنامه محله ما، شهر ما (۲۰۱۲)	بیکاری و فقر، نبود ساختار جامعه، کمبود امکانات عمومی، تنش و خشونت	ستوبال (پرتغال) (Setúbal)
[۵۷]		پروژه حیاط من را آراسته کنید (۲۰۱۳-۲۰۱۹)	وجود حیاطهای مغفول در داخل شهر	کاتوویتس (لهستان) (Katowice)
[۳۸]	-	پروژه شهر به عنوان سامانه آموزشی (۲۰۱۴)	ارائه یک سامانه آموزشی برای شهر	سیراکوز (ایتالیا) (Syracuse)
[۵۷]		پروژه نوازندگان اورو (Ouro Musicians) (۲۰۱۴)	وجود کودکان و جوانان در موقعیت‌های آسیب‌پذیر اجتماعی	گندومار (پرتغال) (Gondomar)
[۵۸]		برنامه امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی (۲۰۱۶)	مرفه نشینی و نرخ قابل توجه بیکاری و مهاجرت	کوردوبا (اسپانیا) (Cordova)
[۵۹]		جشنواره آموزشی اسکارابو (Scarabo) (۲۰۱۷)	-	ماکراتا (ایتالیا) (Macerata)
[۶۰]		طرح مسیرهای زندگی در محیط مدرسه (۲۰۱۹)	ارزیابی خدمات آموزشی در داخل و خارج از مدرسه	برانسون (فرانسه) (Besanson)

معیارهای مؤلفه اجتماعی- فرهنگی شهر آموزش دهنده

مشارکت اجتماعی (social participation)

مشارکت اجتماعی طیف وسیعی از اقدامات مختلف [۶۱] در نتیجه تعامل بین فرد و محیط [۶۲] است که به عنوان یک فرایند سازمان یافته، به افراد این امکان را می‌دهد تا با کنش‌های خاص جمعی، آگاهانه و داوطلبانه، به خودشکوفایی و دستیابی به اهداف برسند [۶۳]. این فرایند تأثیرات قابل توجهی بر تجربیات اجتماعی، رشد اجتماعی- عاطفی و سلامت جسمی و روانی دارد [۶۴] و به عنوان یک شرط اساسی برای رشد دانش‌آموزان محسوب می‌شود؛ زیرا آن‌ها هنگام تعامل با دیگران، مهارت‌های اجتماعی را توسعه می‌دهند و دانش جمع‌آوری می‌کنند [۶۵]. از این‌رو، مشارکت اجتماعی در شهرهای آموزش دهنده نه تنها به عنوان یک ابزار برای بهبود فرایند آموزشی، بلکه به عنوان یک فرصت برای تحریک و ترویج مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی مورد تأکید قرار می‌گیرد.

مبارزه با تبعیض (Fight against discrimination)

تبعیض به معنای عدم تخصیص یکسان منابع بین گروه‌های مشابه است [۶۶] و حدود اصل برابری را معین می‌سازد [۶۷]. این شکل مشخص از رفتار نادرست اخلاقی، افراد را هدف قرار می‌دهد، زیرا آن‌ها به گروه تعلق دارند در حالی که افراد دیگری که به این گروه تعلق ندارند در امان می‌مانند [۶۸]. اگر نوعی تبعیض تا حد قابل توجهی ناعادلانه و مضر باشد (و شاید اگر مبتنی بر ویژگی باشد که به راحتی قابل کنترل نیست) آن نوع تبعیض بد است [۶۹]؛ بنابراین مبارزه با تبعیض یک الزام اخلاقی است [۷۰]؛ زیرا به مردم آسیب می‌رساند [۷۱]؛ بنابراین، برای رسیدن به یک جامعه عادلانه و پایدار، مبارزه با تبعیض در شهرهای آموزش دهنده امری ضروری و اخلاقی است.

سیاست‌های آموزشی (Educational policies)

سیاست‌های آموزشی ابزاری است که برای اجرای برنامه‌های آموزشی [۷۲]

آنجا که شناخت و حفظ هویت و روح فرهنگی مردمان هیچ سرزمینی بدون صیانت از میراث فرهنگی و آثار باقی مانده از قرون گذشته امکان پذیر نخواهد بود [۸۳]؛ بنابراین به منظور حفظ هویت فرهنگی عوامل تاریخ ساز و گذشته هر بوم را یادآور شده و زمان و تداوم آن را برای مردم احیا خواهد کرد [۸۴].

بنیان ایدئولوژیکی (Ideological foundation)

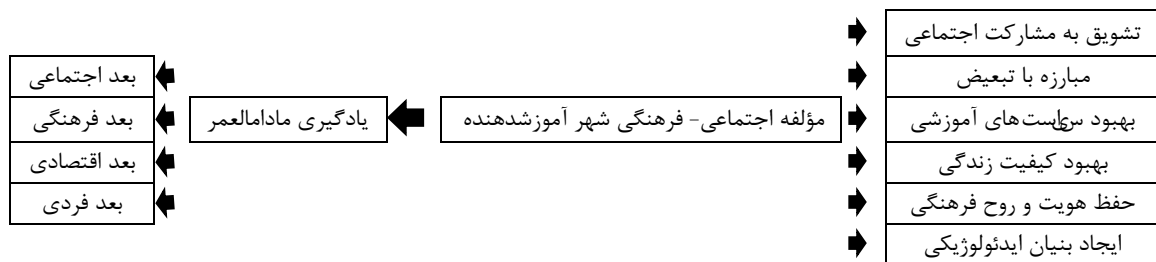
در شهرهای آموزش دهنده، بنیان ایدئولوژیکی از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا در اجرای برنامه های آموزشی نقش مهمی ایفا می کند. این بنیان ایدئولوژیکی به واسطه شفافیت عملی که فرایندهای آموزشی را تحت پوشش قرار می دهد، باعث ایجاد انگیزه برای تعامل بین افراد و جوامع می شود [۸۵].

یادگیری مادام العمر

یادگیری مادام العمر یک فرایند حمایتی مستمر است که افراد را تحریک و توانمند می سازد تا تمام دانش، ارزش ها، مهارت ها و درک مورد نیاز را طی زندگی خود به دست آورند و آن ها را [۸۶] در ارضای نیازهای شخصی و شغلی و بهبود کیفیت زندگی خود به کار [۸۷] گیرند. یادگیری مادام العمر شامل بهبود دانش، مهارت و شایستگی شخصی به منظور مشارکت فعال در جامعه طی عمر و نه فقط در زندگی کاری است [۸۸]. مؤسسه آموزشی یونسکو (UIE) ویژگی های آموزش مادام العمر را به شرح زیر مشخص کرده است: کل گرای، انسجام، انعطاف پذیری، فرصت یا انگیزش، وجه تمایز اجرایی و کیفیت زندگی و یادگیری [۸۹]. اهمیت یادگیری مادام العمر یک ضرورت شخصی و اقتصادی است [۹۰]. در واقع اهمیت یادگیری مادام العمر در ارتقای توسعه اقتصادی و اجتماعی [۹۱] است. با درک اهمیت یادگیری مادام العمر، ممکن است مراکز آموزشی برای بزرگسالان برنامه های آموزشی اختصاصی داشته باشند. هدف آن ها ارائه آموزش به افرادی است که ممکن است فرصت های آموزش رسمی را از دست داده باشند یا بخواهند در آینده به یادگیری ادامه دهند [۹۲].

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به آنچه بیان شد، مدل مفهومی پژوهش به صورت شکل ۱ اراده شد:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

دادند. در تحقیق یاد شده این نتیجه حاصل شد که فضای عمومی می تواند بستر تازه ای را برای فراتر رفتن از استانداردهای آموزشی فراهم کند. در تحقیقی که توسط مجتبی زاده و همکاران [۹۵] با عنوان «نقش شهر آموزش محور در مدیریت مشارکتی» صورت گرفت، آشکار شد که برای دستیابی به شهر مشارکت محور می توان از طریق آموزش در شهر آموزش دهنده این امکان را برای تمامی اقشار جامعه فراهم کرد. همچنین از میان مطالعات انجام شده خارجی پیرامون شهر آموزش دهنده می توان به موارد زیر اشاره کرد: در پژوهشی که توسط امینی و همکاران [۹۶] با عنوان «توسعه پارادایم جدید برای اجرای نظریه شهر آموزش دهنده در ایرشهرهای فناوری پیشرفته، مورد: تهران، ایران» انجام شد، به اثبات رسید شهر تهران برای دستیابی به اهداف شهر آموزش دهنده موانع زیادی دارد که

تعریف و اجرا می شود. این سیاست ها به منظور توانمندسازی افراد و توسعه شخصی آنان [۷۳] طراحی می شوند و به منظور رشد و مدیریت فرایند آموزش، با اصول، اهداف، برنامه های درسی و ابزارهای تعریف شده قانونی هماهنگ [۷۴] می شوند. اهداف سیاست های آموزشی با شناخت نیازهای زمان تعیین می شود تا بتوانند به بهترین شکل پاسخ گوی نیازها و شرایط آموزشی کشور باشند [۷۵].

شهرهای آموزش دهنده با بهبود سیاست های آموزشی، می توانند ارتقای چشمگیری در فرایند آموزش داشته باشند. این سیاست ها می توانند با توجه به نیازهای محلی و ملی، برنامه های آموزشی را بهینه سازی کنند و به ارتقای کیفیت و کارایی آموزش در شهرها کمک کنند.

کیفیت زندگی (Quality of Life)

کیفیت زندگی موضوعی چندبعدی است [۷۶] که به عنوان ادراک افراد از موقعیت خود در زندگی در چارچوب فرهنگ و نظام ارزشی که در آن زندگی می کنند، تعریف می شود [۷۷]. در مجموع، در اصطلاح کیفیت زندگی تمام ارتباطات دوستانه، پویایی به همراه ویژگی های فیزیکی توصیف می شود [۷۸]. در این راستا، شهرهای آموزش دهنده در ارائه برنامه های آموزشی خود به دنبال ارتقای این ادراکات و افزایش احساس رضایت کلی از زندگی [۷۹] هستند. با توجه به تفاوت های فرهنگی و تجربه فردی [۸۰]، برنامه های آموزشی در شهرهای آموزش دهنده باید به گونه ای طراحی شوند که نیازها و انتظارات مخاطبان را برآورده کنند و باعث افزایش کیفیت زندگی در ابعاد مختلف شود. از این رو، اجرای برنامه های آموزشی در شهرهای آموزش دهنده می تواند بهبود قابل ملاحظه ای در کیفیت زندگی جامعه داشته باشد.

هویت فرهنگی (Cultural identity)

محور اصلی هویت فرهنگی دلبستگی به فرهنگ خود است [۸۱]. هویت فرهنگی نشان دهنده آگاهی افراد و احساس تعلق آن ها به جامعه است [۸۲]. از این رو شهرهای آموزش دهنده که به دنبال افزایش آگاهی و حس تعلق شهروندان به جامعه خود هستند، به حفظ هویت فرهنگی می پردازند، اما از

پیشینه پژوهش

در مجموع تحقیقات گسترده ای پیرامون موضوع شهر آموزش دهنده انجام نشده است. از میان آن ها می توان به پژوهش های داخلی زیر اشاره کرد: مقاله ای که به کوشش مهدوی نژاد و همکاران [۹۳] تحت عنوان «ارائه الگوها و روش های مطلوب تبدیل شهر تهران به شهر آموزش دهنده (با تاکید بر اصول و تجارب جهانی)» انجام شد، ادعان داشت که چهار اصل اساسی برای تبدیل شهر تهران به شهر آموزش دهنده نیاز است که عبارتند از: توجه به آموزش های غیرمستقیم محیط، آموزش متقابل شهروندان و مخاطبان شهر بر هم، تعامل جهان بینی حاکم بر شهر با اندیشه های افراد، اصل پویایی و تعاملی بودن انسان و شهر. عبدلی و همکاران [۹۴] تحقیقی با عنوان «فضای عمومی ماکسین گرین فراتر از حصارهای آموزش و پرورش استاندارد» انجام

و ابزار اسناد و مدارک موجود و پرسشنامه خبرگان بوده است. انجام این پژوهش بر پایه پنج گام بنا نهاده شد: در وهله نخست، این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و ابزار اسناد و مدارک موجود، به بررسی مفاهیم نظری و انتخاب و معرفی ۱۷ نمونه از تجارب موفق جهانی از شهر آموزش دهنده با توجه به ملاک‌های گوناگون (از جمله دسترسی به سند معتبر، به کارگیری برنامه اختصاصی در آن و حصول نتیجه موفق) پرداخت. در ادامه پیشینه پژوهش بیان شد. در انتهای این بخش مدل مفهومی پژوهش ارائه شد. در گام دوم، تجارب معرفی شده به روش تحلیل محتوا، مقایسه، دسته‌بندی و مقوله‌بندی شد و به صورت معیارها و شاخص‌های مؤلفه اجتماعی-فرهنگی ارائه شد که حاصل آن در جدول ۲ آمده است. در گام سوم، پرسشنامه تدوین شده‌ای برای خبرگان از معیارها و شاخص‌های شناسایی شده از مؤلفه اجتماعی-فرهنگی در اختیار ۱۰ نفر از خبرگان (متخصص شهرسازی) قرار داده شد تا آرای خودشان را در ارتباط با معیارها و شاخص‌های انتخاب شده ارائه کنند و منطبق با روش آمیخته (کمی-کیفی)، معیارها و شاخص‌های کیفی به اعداد کمی تبدیل شوند. در چهارمین گام، ابتدا پایایی پرسشنامه توسط آزمون آلفای کرونباخ (Cronbach's alpha) بررسی شد. سپس، به قصد سنجش روایی پرسشنامه روش تحلیل عاملی اکتشافی به کار گرفته شد. در این روش به منظور تأیید یا رد مناسب بودن تعداد داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی از شاخص Kaiser-Mayer-Olkin (KMO) و آزمون بارلت (Bartlett's test) استفاده شد. در راستای انجام روش تحلیل عاملی اکتشافی برای استخراج معیارها از روش مؤلفه‌های اصلی (Principle Component) و برای چرخش عامل‌ها از روش واریماکس (Kaiser Normalization) به کار گرفته شد. سپس نرمال‌سازی کیسر (Kaiser Normalization) بهره گرفته شد. معیارها و شاخص‌های پژوهش با به کارگیری روش فریدمن اولویت‌بندی شدند و پس از آن، میزان تأثیر شاخص‌ها بر ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فردی یادگیری مادام‌العمر با استفاده از روش تحلیل مسیر مورد تحلیل قرار گرفت. در گام پنجم الگوی مفهومی پژوهش ارائه شد و در نهایت نتیجه‌گیری تشریح شد.

باید برطرف شود. در پژوهش «تلفیق مناطق ارزشمند شهری با توجه به پارادایم‌های محیط آموزش دهنده، مورد مطالعه: یزد، ایران» که توسط مهدوی‌نژاد و همکاران [۹۷] صورت گرفت، این نتیجه حاصل شد که یک رویکرد اجتماعی-رفتاری به پارادایم‌های محیط آموزش دهنده می‌تواند برای این موارد در کشورهای در حال توسعه به‌ویژه ایران مفید باشد. تحقیقی که با تلاش آگودو و هردیا [۹۸] تحت عنوان «شمول، آموزش شهر و افراد سالمند، چالش فراگیر کنونی» انجام شد، بیانگر آن است که آموزش بدون محدودیت زمانی و مکانی به یکی از ابعاد خود زندگی تبدیل می‌شود. پژوهشی که توسط اسومبا و همکاران [۹۹] در خصوص عنوان «آموزش برای توسعه پایدار در شهرهای آموزش دهنده: به سوی رویکردی تحول‌آفرین از آموزش غیررسمی» صورت گرفت، نتایج پژوهش یادشده نشان داد شهرهای آموزش دهنده چارچوب‌های مناسبی برای غلبه بر آموزش فعلی برای چالش‌های توسعه پایدار هستند. آموزش آن‌ها برای ابتکارات توسعه پایدار تأثیر قابل توجهی بر شهروندی دارد.

با مرور تحقیقات ارائه شده تصریح می‌شود بیشترین قرابت موضوع مطالعه حاضر با مقاله مهدوی‌نژاد و همکاران [۹۳] بوده است، زیرا هر دو با داشتن روش تحلیل محتوا به بررسی تجارب جهانی پرداخته‌اند، لکن به خلاف سایر تحقیقات مرتبط با شهر آموزش دهنده که به ارائه کلیات پرداخته‌اند، در تحقیق حاضر، به طور اخص به بررسی سازوکار مؤلفه اجتماعی-فرهنگی در شهر آموزش دهنده پرداخته شده تا با بهره‌گیری از نتایج این تحقیق، اقدامات لازم در راستای بهبود وضعیت کنونی و کاهش محدودیت زمانی و مکانی آموزش و ارائه یادگیری مادام‌العمر به شهروندان صورت پذیرد.

■ مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر با داشتن فلسفه تفسیرگرایانه و رویکرد استقرایی، به لحاظ راهبرد در گروه پژوهش‌های کاربردی (مبتنی بر هدف) و توصیفی از نوع تحلیل محتوا (از منظر ماهیت) قرار گرفته است. همچنین از حیث انتخاب دارای داده‌های آمیخته (کیفی-کمی)، بر اساس بازه زمانی روش تک‌مقطع (در نیمه دوم سال ۱۴۰۲)، گردآوری داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای-میدانی

جدول ۲. معیار و شاخص‌های مؤلفه اجتماعی-فرهنگی شهر آموزش دهنده مبتنی بر تجارب جهانی

منبع	شاخص	معیار
[۵۷]	ارتقای دسترسی به فرهنگ	تشویق به مشارکت اجتماعی
[۳۸]	ارتقای کسب مهارت‌های اجتماعی و رابطه‌ای	
[۳۸]	ترویج ساخت شبکه‌های پشتیبانی محلی	
[۴۸] و [۵۵]	افزایش و پشتیبانی از فعالیت‌های اجتماعی در حوزه مشارکت اجتماعی	
[۵۵]	کاربست فعالیت‌های آگاهی‌بخشی به منظور افزایش مشارکت اجتماعی	
[۵۵]	سازمان‌دهی گروه‌های محلی متنوع	
[۵۷]	تقویت روابط مثبت بین فردی و بین نسلی	
[۵۵]	توانمندسازی شهروندان	مبارزه با تبعیض
[۴۹]	شناسایی نیازهای اجتماعی و فرهنگی اقلیت‌ها	
[۴۹]	ارزیابی وضعیت حقوق گروه‌های مطرود و اقلیت‌ها	
[۴۹]	ارتقای حقوق و فرصت‌های برابر و متنوع	
[۴۹] و [۵۵]	گردهم‌آوری شهروندان به منظور برجسته کردن سهم اجتماعی و اقتصادی آن‌ها	
[۵۰]	ایجاد فرصت شکوفایی برای گروه‌های مطرود	

منبع	شاخص	معیار
[۴۹]	سازمان دهی امکان مشارکت دموکراتیک اقلیت‌ها در کمیته‌های مختلف	مبارزه با تبعیض
[۴۹]	ارائه فعالیت‌های آگاهی‌بخشی به کارکنان ادارات در حوزه مبارزه با تبعیض	
[۵۰]	آموزش به جامعه آموزشی از منظر پرهیز از تبعیض	
[۵۰]	گنجاندن آموزش ضد نژادپرستی در برنامه آموزشی مدارس	
[۴۸]، [۵۲] و [۵۹]	ارائه آموزش‌های همگانی مادام‌العمر در فضای عمومی	بهبود سیاست‌های آموزشی
[۵۲] و [۵۶]	محوریت آموزش در روند حل مشکلات و سیاست‌ها به طور عرضی	
[۵۹]	ترویج ایده اجتماعی آموزش	
[۶۰]	ارزیابی خدمات آموزشی	
[۳۸]	مقابله با پدیده عدم تکمیل مدرسه	
[۳۸]	ارتقای دسترسی به سطوح دانش رقابتی و پویاتر برای رشد و پیشرفت	
[۵۹]	فراهم‌سازی امکان رفع نیازهای آموزشی شهروندان از طریق جست‌وجو در روابط	
[۵۴]	بازسازی زیرساخت‌ها	
[۵۴] و [۵۵]	بازسازی فضاهای عمومی محلی و سرمایه‌گذاری در آن	بهبود کیفیت زندگی
[۵۵] و [۵۷]	بهبود شرایط محیط زندگی	
[۵۲]	ایجاد فضاهای عمومی فراگیر و پرورش‌دهنده آموزش، تفریح، فرهنگ و هنر (از طریق ایجاد پارک-کتابخانه)	
[۵۱] و [۵۳]	ارائه فعالیت‌های فرهنگی، تفریحی و ورزشی برای گذرانیدن اوقات فراغت	
[۵۸]	تسهیل دسترسی به خدمات فرهنگی و آموزشی	
[۵۵]	حفظ میراث تاریخی و فرهنگی	حفظ هویت فرهنگی
[۵۴]	پرورش فرهنگ و سنت‌های محلی	
[۳۸]	بهره‌گیری از نقش شهروند / کودک در شکل‌گیری احساس شهروندی	ایجاد بنیان ایدئولوژیکی

یافته‌ها

پیش از انجام هرگونه تحلیل روی داده‌های گردآوری شده و استنباط آماری، ابتدا از پایایی و روایی ابزار اندازه‌گیری پژوهش (پرسشنامه) اطمینان حاصل شد. پایایی پرسشنامه توسط آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد. مطابق با جدول ۳ نتایج آزمون آشکار ساخت که پرسشنامه مورد استفاده از دقت لازم و پایایی برخوردار بوده است.

جدول ۳. پایایی مدل پژوهش

معیار	ایجاد بنیان ایدئولوژیکی	بهبود سیاست‌های آموزشی	بهبود کیفیت زندگی	تشویق به مشارکت اجتماعی	حفظ هویت فرهنگی	مبارزه با تبعیض	مؤلفه اجتماعی-فرهنگی شهر آموزش‌دهنده
آلفای کرونباخ	۰/۷۴۲	۰/۷۷۹	۰/۷۱۹	۰/۷۳۴	۰/۷۷۳	۰/۷۱۸	۰/۷۵۳

در ادامه با توجه به اینکه هر یک از معیارهای پژوهش از تعدادی شاخص تشکیل شده‌اند با هدف سنجش روایی پرسشنامه تحلیل عاملی اکتشافی به کار گرفته شد. در این روش نخست از این مسئله اطمینان حاصل شد که آیا تعداد داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب است یا خیر؟ به همین جهت از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. داده‌های مربوطه در جدول ۴ به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۴. آزمون KMO و بارتلت برای سؤالات پرسشنامه

آزمون بارتلت			KMO
Sig	درجه آزادی	χ^2	
۰/۰۰۰	۲۷۶	۲۳۱۶/۶۸۴	۰/۹۰۶

پرسش‌ها، هر یک از سؤالات بیشترین بار عاملی را در همان عاملی که از قبل معین شده بود، داشته‌اند. پس هر سؤال دقیقاً همان عاملی را اندازه‌گیری کرده که برای آن طراحی شده است، لذا پرسش‌های پرسشنامه از روایی لازم برخوردارند.

به منظور بررسی اهمیت و رتبه معیارها و شاخص‌های مؤلفه اجتماعی-فرهنگی شهر آموزش‌دهنده از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج آن در شکل ۲ به نمایش گذاشته شده است. مطابق شکل یادشده در میان معیارهای پژوهش ایجاد بنیان ایدئولوژیکی، بهبود کیفیت زندگی، مبارزه با تبعیض، بهبود سیاست‌های آموزشی، تشویق به مشارکت اجتماعی و حفظ هویت فرهنگی به ترتیب با وزن ۳/۷۱، ۳/۵۴، ۳/۴۸، ۳/۴۵، ۳/۴۲ و ۳/۴۰ از بیشترین کمترین اهمیت برخوردارند. ۳۳ شاخص پژوهش نیز به ترتیب وزن‌های متفاوتی را به خود اختصاص دادند.

در آخرین بخش از یافته‌ها، به منظور بررسی میزان تأثیر شاخص‌های پژوهش بر یادگیری مادام‌العمر از روش تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج شاخص‌های محاسبه‌شده در جدول ۵ ارائه شده است.

با توجه به جدول ۴، مقدار شاخص KMO برابر ۰/۹۰۶ (بیش از ۰/۶) حاصل شد، بنابراین تعداد نمونه (تعداد پاسخ‌دهندگان) برای تحلیل عاملی کافی بوده است. همچنین مقدار Sig آزمون بارتلت، برابر صفر (کمتر از ۰/۰۵) به دست آمد؛ که نشان داد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی مناسب است و فرض شناخته‌شده بودن ماتریس همبستگی، رد شد.

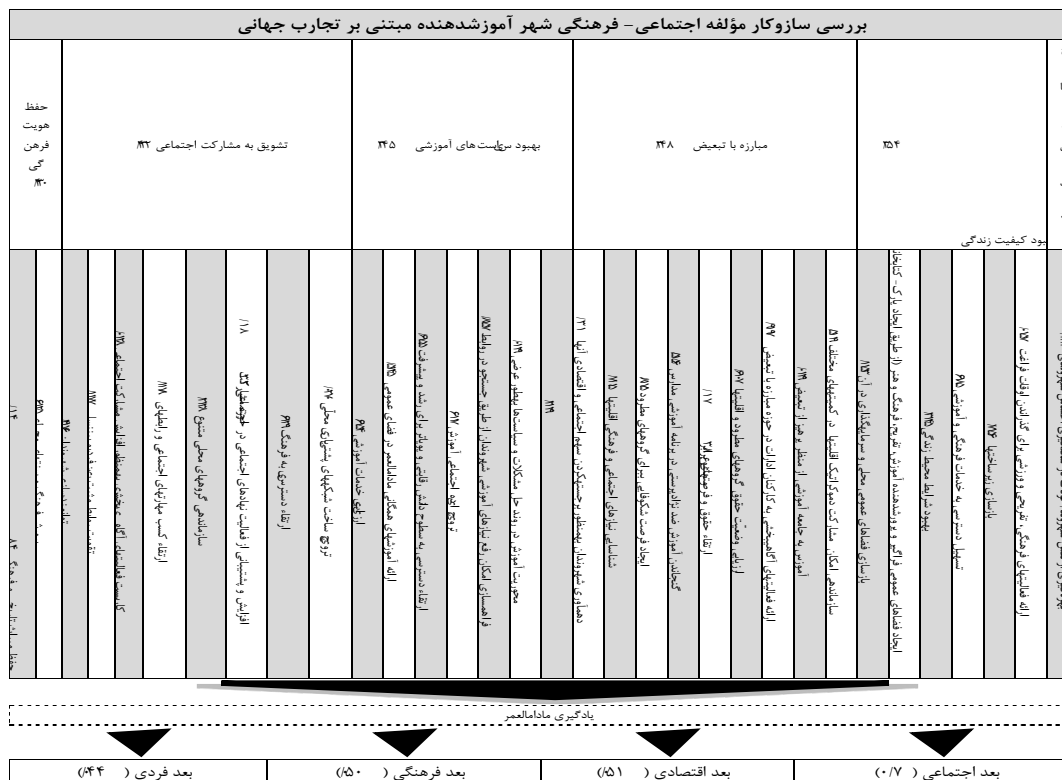
در ادامه، در تحلیل عاملی اکتشافی برای استخراج معیارها از روش مؤلفه‌های اصلی و برای چرخش عامل‌ها از روش واریماکس با نرمال‌سازی کیسز بهره گرفته شد. ملاک تصمیم‌گیری برای حذف سؤالات پرسشنامه از تحلیل عاملی، مقادیر اشتراک استخراجی آن‌ها بوده است. به علاوه، ملاک تصمیم‌گیری برای دسته‌بندی سؤالات، مقادیر ویژه بالاتر از یک و نمرات عاملی بالاتر از ۰/۴ در نظر گرفته شده است. در ادامه، با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده، با حاصل شدن مقدار اشتراک استخراجی بیش از ۰/۵ برای همه سؤالات، لازم نیست هیچ‌یک از پرسش‌های پرسشنامه از تحلیل عاملی کنار گذاشته شود. به علاوه، با توجه به این تحلیل‌ها، ۶ معیار با مقدار ویژه بالاتر از یک استخراج شد که همه سؤالات مربوط به مؤلفه اجتماعی-فرهنگی شهر آموزش‌دهنده در این ۶ معیار قرار گرفتند. همچنین با توجه به بارهای عاملی

جدول ۵. شاخص‌های برازندگی تأثیر شاخص‌های پژوهش بر متغیر یادگیری مادام‌العمر

شاخص برازش افزایشی (IF)	شاخص برازش نرم‌نشده (NNFI)	شاخص تطبیقی (CFI)	شاخص برازش (GFI)	شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده (RMR)	شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	نسبت کای اسکور به درجه آزادی (X2/df)
۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۰۳۹	۰/۰۷۱	۱/۹۸

در نهایت با استفاده از یافته‌های پژوهش، الگوی مفهومی پژوهش به صورت شکل ۲ ارائه شد:

نتایج آزمون نشان داد شاخص‌های پژوهش بر یادگیری مادام‌العمر با ضریب مسیر ۰/۷۰ بعد اجتماعی، ۰/۵۱ بعد اقتصادی، ۰/۵۰ بعد فرهنگی و ۰/۴۴ بعد فردی مؤثر بوده است.



شکل ۲. الگوی مفهومی پژوهش

■ بحث و نتیجه‌گیری

مبارزه با تبعیض یکی دیگر از معیارهای با اهمیت از مؤلفه اجتماعی- فرهنگی شهرهای آموزش‌دهنده است. این معیار در شهرهای آموزش‌دهنده با تأکید بر نه شاخص مختلف، از جمله شناسایی نیازهای اجتماعی و فرهنگی اقلیت‌ها، ارزیابی وضعیت حقوق گروه‌های مطرود و اقلیت‌ها، ارتقای حقوق و فرصت‌های برابر و متنوع، سازمان‌دهی امکان مشارکت دموکراتیک اقلیت‌ها در کمیته‌های مختلف و ... تلاش می‌کند تا تبعیض‌های اجتماعی و فرهنگی را در جوامع شهری کاهش دهد، فرصت‌های برابری را برای همه اعضای جامعه فراهم آورد، به سمت ایجاد فضایی دوست‌ترانه‌تر و متنوع‌تر در جوامع خود پیش رود و به ارتقای فرایند توانمندسازی افراد و کاهش تبعیض‌های اجتماعی و فرهنگی بپردازد.

بهبود سیاست‌های آموزشی معیار دیگری از مؤلفه اجتماعی- فرهنگی شهرهای آموزش‌دهنده، است که در جهت ارتقای کیفیت و اثربخشی آموزش در جوامع شهری مؤثر است. در شهرهای آموزش‌دهنده این معیار با هفت شاخص متنوع، شامل ارائه آموزش‌های همگانی مادام‌العمر در فضای عمومی، محوریت آموزش در روند حل مشکلات و سیاست‌ها به طور عرضی، ترویج ایده اجتماعی آموزش، ارزیابی خدمات آموزشی، مقابله با پدیده عدم تکمیل مدرسه، ارتقای دسترسی به سطوح دانش رقابتی و پویاتر برای رشد و پیشرفت و فراهم‌سازی امکان رفع نیازهای آموزشی شهروندان از طریق جست‌وجو در روابط، سعی در بهبود و اصلاح سیاست‌های آموزشی دارد تا از این طریق آموزش در شهرها به یک فرایند پویا و جذاب تبدیل شود که به توسعه مستدام جامعه و بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک کند.

معیار تشویق به مشارکت اجتماعی در مؤلفه اجتماعی- فرهنگی شهرهای آموزش‌دهنده به وسیله هشت شاخص کلیدی به منظور تحقق اهداف مشارکت اجتماعی در جوامع شهری، تدارک دیده شده است. این شاخص‌ها شامل ارتقای دسترسی به فرهنگ، ارتقای مهارت‌های اجتماعی و رابط‌های، ترویج ساخت شبکه‌های پشتیبانی محلی، افزایش و پشتیبانی از فعالیت‌های اجتماعی در حوزه مشارکت اجتماعی، کارست فعالیت‌های آگاهی‌بخشی به منظور افزایش مشارکت اجتماعی، سازمان‌دهی گروه‌های محلی متنوع، تقویت روابط مثبت بین فردی و بین نسلی و توانمندسازی شهروندان هستند. شهرهای آموزش‌دهنده با اجرای این شاخص‌ها و اقدامات مرتبط، بستری مناسبی برای فعالیت‌های مشارکت اجتماعی در جوامع خود فراهم می‌سازند. این اقدامات شامل ایجاد فرصت‌ها و امکانات برای دسترسی به فرهنگ و آموزش، توسعه مهارت‌های اجتماعی و بین فردی، تشویق به فعالیت‌های جمعی و شبکه‌سازی محلی، حمایت از نهاد‌های اجتماعی محلی، ارائه برنامه‌ها و فعالیت‌های آگاهی‌بخشی و تقویت ارتباطات مثبت بین افراد و انتقال میراث فرهنگی و تجربیات به نسل‌های آینده را شامل می‌شوند.

معیار حفظ هویت فرهنگی در مؤلفه اجتماعی- فرهنگی شهرهای آموزش‌دهنده، دارای دو شاخص اصلی است: حفظ میراث تاریخی و فرهنگی و پرورش فرهنگ و سنت‌های محلی. در شهرهای آموزش‌دهنده، حفظ میراث تاریخی و فرهنگی از اهمیت بسیاری برخوردار است. با نگاهی به تاریخ و فرهنگ یک شهر، ارتباط عمیقی با هویت و ارزش‌های آن شهر برقرار می‌شود. این شهرها از طریق حفظ و نگهداری از معابر تاریخی، ساختمان‌های با ارزش، موزه‌ها و رویدادهای فرهنگی، به مردم فرصتی می‌دهند تا با گذشته و هویت فرهنگی خود آشنا شوند و از آن‌ها آموزش ببینند. در ادامه، پرورش فرهنگ و سنت‌های محلی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. این عمل، افراد را با ارزش‌ها، رسوم و سنت‌های جامعه محلی آشنا می‌کند و به آن‌ها امکان می‌دهد تا از آن‌ها استفاده کنند و در جامعه خودشان یک ارتباط اجتماعی مفید برقرار کنند. این اقدامات به فرهنگ محلی رنگ و جذابیت می‌بخشد و همچنین، از فراموشی و دست رفتن ارزش‌های فرهنگی جلوگیری می‌کند.

از یافته‌های پژوهش می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که شهرهای آموزش‌دهنده با تأکید بر مؤلفه اجتماعی- فرهنگی نقش اساسی در فرایند آموزش دارند. این شهرها از طریق ایجاد بنیان ایدئولوژیکی، بهبود کیفیت زندگی، مبارزه با تبعیض، بهبود سیاست‌های آموزشی، تشویق به مشارکت اجتماعی و حفظ هویت فرهنگی، بستر مناسبی را برای توسعه فرایند‌های یادگیری مادام‌العمر ارائه می‌دهند و موانع مربوط به محدودیت‌های زمانی و مکانی آموزش را کاهش می‌دهند و این امکان را فراهم می‌سازند که دسترسی همه افراد به یادگیری سهولت یابد. به علاوه، با غلبه بر چالش‌ها و تأکید بر پتانسیل‌ها، این شهرها به گروه‌های مختلفی از جامعه، شامل اقلیت‌ها، افراد محروم و سالمندان، فرصت‌های آموزشی را ارائه می‌دهند. این شهرها به عنوان مراکز فرصت‌های آموزشی، با ارتقای سطح دانش و آگاهی شهروندان، به توسعه جامعه کمک می‌کند. شاخص‌های مورد بررسی از مؤلفه اجتماعی- فرهنگی شهر آموزش‌دهنده، به طور مستقیم بر ابعاد ۴ گانه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فردی از یادگیری مادام‌العمر تأثیر دارند. این نتایج نشان می‌دهند که اقدامات و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی که در جهت بهبود بستر یک شهر آموزش‌دهنده انجام می‌شود، می‌تواند به طور مستقیم به ارتقای فرایند‌های یادگیری مادام‌العمر کمک کند. این نتایج حاصله، متفاوت از نتایج پژوهش‌های پیشین همچون تحقیق مهدوی‌نژاد و همکاران [۹۳] بوده است و اگرچه هر دو نگاهی به تجارب جهانی از شهرهای آموزش‌دهنده داشته‌اند، لکن لنز پژوهش حاضر ریزبینانه‌تر بوده و به طور جزئی بر مؤلفه اجتماعی- فرهنگی تمرکز داشته و مدل مفهومی نهایی آن با این دیدگاه سازگار بوده است. در عین حال، تحقیق حاضر همچون پژوهش عبدلی و همکاران [۹۴] نشان داده است که فضای عمومی می‌تواند بستر تازه‌ای را برای فراتر رفتن از استانداردهای آموزشی فراهم کند و نیز مانند تحقیق مجتبی‌زاده و همکاران [۹۵] آشکار ساخت که شهر آموزش‌دهنده از طریق آموزش می‌تواند بستری برای دستیابی به مشارکت برای تمامی اقشار جامعه باشد.

ایجاد بنیان ایدئولوژیکی در شهرهای آموزش‌دهنده از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا این بنیان تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری احساس شهروندی در افراد دارد، به‌ویژه در بخش کودکان و جوانان. این بنیان ایدئولوژیکی شامل ارزش‌ها، اصول و مفاهیمی است که به شهروندان و کودکان ارائه می‌شود و احساس مسئولیت و تعلق به جامعه را تقویت می‌کند. از طریق ایجاد این بنیان ایدئولوژیکی و بهره‌گیری از نقش شهروند/کودک در شکل‌گیری احساس شهروندی، شهرهای آموزش‌دهنده می‌توانند افراد را به یک نگرش فعال و مشارکتی نسبت به مسائل شهری و اجتماعی ترغیب کنند که در نهایت منجر به توسعه پایدار و فرایند‌های آموزشی مؤثر در جامعه می‌شود.

بهبود کیفیت زندگی از جمله معیارهای حیاتی در مؤلفه اجتماعی- فرهنگی شهرهای آموزش‌دهنده است. این معیار، با تأکید بر شش شاخص متمایز، از جمله بازسازی زیرساخت‌ها، بهبود فضاهای عمومی محلی و سرمایه‌گذاری در آن‌ها، بهبود شرایط محیط زندگی، ایجاد فضاهای عمومی فراگیر و پرورش‌دهنده آموزش، تفریح، فرهنگ و هنر (از طریق ایجاد پارک- کتابخانه)، ارائه فعالیت‌های فرهنگی، تفریحی و ورزشی برای گذراندن اوقات فراغت و تسهیل دسترسی به خدمات فرهنگی و آموزشی، به شهروندان امکان می‌دهد تا در فعالیت‌های مختلف شهری و فرهنگی شرکت کنند و از زندگی شهری مطلوب بهره‌مند شوند. این اقدامات از طریق بهبود محیط زندگی، افزایش ارتباطات اجتماعی، افزایش سطح فرهنگی و آگاهی شهروندان، ارتقای سلامت روحی و جسمی و تسهیل دسترسی به خدمات اساسی، به بهبود کیفیت زندگی شهروندان و بهبود عمومی جامعه کمک می‌کنند.

- [92] Verma, R., & Ambedkar, B. (2023). Promoting Lifelong Learning: Strategies and opportunities in adult Education. *Advanced Research*, 11(10), 183-190.
- [93] Mahdavinnejad, M., Bemanian, M. R., & Amini, M. (2013). Presentation of the models and methods of transformation of Tehran to Educating City (with the emphasis on international basement and pragmatism program). *Urban Management*, Serial 31, 83-106. [In Persian]
- [94] Abdoli, A., Shabani Varki, B., Javidi Kalate Jafarabadi, T., & Ahanchian, M. R. (2017). Maxine Greene's Public Space: Beyond the Walls of the Standard Education. *Philosophy of Education*, 1(1), 31-68. [In Persian]
- [95] Mojtabazadeh, H., Haji Fathali, M., Habibi, M. (2017). The role of City Training Center in participative management. *Geography Quarterly* (Regional Planning), 7(1), 53-68. [In Persian]
- [96] Amini, M., Mahdavinnejad, M., Bemanian, M. R., & Hatami Varzaneh, E. (2014). Developing a new paradigm for performance of educating city theory in advanced technology mega-cities, case: Tehran, Iran. *Architecture and urbanism*, 38(2), 130-141. <https://doi.org/10.3846/20297955.2014.925629>
- [97] Mahdavinnejad, M., Ansari, M., Samadzadeh, S., Rafiei, S., Mousavi, K., & Estakhr, F. (2014). Contemporizing Valuable Urban Districts Regarding to Educating Environment Paradigms, Case: Yazd, Iran. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, Vol 116, 4406-4410. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.01.956>
- [98] Agudo, A. A., & Heredia, N. M. (2018). Inclusion, Educating City and Elderly People, a Current Inclusive Challenge. *Journal of Educational Technology*, 17(4), 8-18.
- [99] Essomba, M. À., Leonart, P., Alfonso L., & Bin, H. (2022). Education for Sustainable Development in Educating Cities: Towards a Transformative Approach from Informal and Non-Formal Education. *Sustainability*. 14(7), 1-14. <https://doi.org/10.3390/su14074005>

■ مشارکت نویسندگان

پژوهش حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول (۴۰ درصد)، به راهنمایی نویسنده دوم (۳۵ درصد) و به مشاوره نویسنده سوم (۲۵ درصد) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران است.

■ تشکر و قدردانی

از تمامی افرادی که در انجام این پژوهش حامی معنوی نویسندگان بوده‌اند، مراتب قدردانی ابراز داشته می‌شود. مقاله حاضر حامی مادی ندارد.

■ تعارض منافع

منطبق بر اذعان نویسندگان، در انجام پژوهش حاضر هیچ‌گونه تعارض منافی برای آن‌ها وجود نداشته است.

- stream schools. *International Journal of Inclusive Education*, Inclusive Education, 25(3),1-15. <https://doi.org/10.1080/13603116.2019.1603329>
- [63] Dehi Aroogh, M., & Mohammadi Shahboulaghi, F. (2020). Social Participation of Older Adults: A Concept Analysis. *Community Based Nurs Midwifery*, 8(1), 55–72. doi: [10.30476/JCB-NM.2019.82222.1055](https://doi.org/10.30476/JCB-NM.2019.82222.1055)
- [64] Barwalde, T., Hoffmann, L Fink, A., Vollm, C., Martin, O., Bernard, M., Gebhard, B., & Richter, M. (2022). The Adolescent Concept of Social Participation-A Qualitative Study on the Concept of Social Participation from Adolescents with and without Physical Disabilities. *Qualitative Health Research*, 33(3), 1–11. <https://doi.org/10.1177/10497323221146414>
- [65] Rademaker, F., de Boer, A., Kupers, E., & Minnaert, A. (2020). Applying the Contact Theory in Inclusive Education: A Systematic Review on the Impact of Contact and Information on the Social Participation of Students With Disabilities. *Frontiers in Education* 5:1-21. <https://doi.org/10.3389/educ.2020.602414>
- [66] Rahimi, N., Ghodrati, H., & Ghodrati, S. (2023). Exploring Women's Experience of Early Marriages: A Study in Titkanlu City. Iran. *Population Association of Iran*, 18(35), 64-95. <https://doi.org/10.22034/jpai.2023.1999279.1277> [In Persian]
- [67] Hijazi Far, R., (2021). How to implement the principle of non-discrimination regarding asylum rights. *Kanon Yar*, 5(19), 18-29. [In Persian]
- [68] Heinrichs, B., (2022). Discrimination in the age of artificial intelligence. *AI & Society*, 37(1), 143–154. <https://doi.org/10.1007/s00146-021-01192-2>
- [69] D'alessandro, W. (2022). Is It Bad to Prefer Attractive Partners? *Journal of the American Philosophical Association*, 9(2), 335-354. <https://doi.org/10.1017/apa.2022.3>
- [70] Azeri, S., (2020). Evald Ilyenkov's Marxian Critique of Epistemology and Education. *Science & Society*, 84(3), 342–368. <https://doi.org/10.1521/asiso.2020.84.3.342>
- [71] Buxton, R., (2022). What is wrong with persecution? *Journal of Social Philosophy*, 54(3), 1-17. <https://doi.org/10.1111/josp.12496>
- [72] Jacob, O. N., Jegede, D., & Solomon, A. T. (2021). Education Policies of Early Child Education Programme in Nigeria: Challenges of Implementation and the Ways Forward. *European Journal of Humanities and Educational Advancements*, 2(3), 1-10.
- [73] Shirbagi, N., & abdolahzadeh, N. (2020). Analysis of Educational Policy-Making Discourse in Iranian Higher Education System. *Iranian Journal of Public Policy*, 6(2), 179-200. doi: [10.22059/jppolicy.2020.77619](https://doi.org/10.22059/jppolicy.2020.77619)
- [74] Al Mir, A., (2023). The Role of the Media in Formulating Educational Policies and Developing Education in Iraq: A Survey Study. *Journal of New Zealand Studies*, 1421-1438. <https://doi.org/10.5281/zenodo.7805703>
- [75] Akram, H., & Yang, Y. (2021). A critical analysis of the weak implementation causes on educational policies in Pakistan. *International Journal of Humanities and Innovation*, 4(1), 25-28. <https://doi.org/10.33750/ijhi.v4i1.104>
- [76] Nikoofam, M., & Mobaraki, A. (2020). Assessment of Quality of Life in the Urban Environment; Case Study: Famagusta, N. Cyprus. *Civil Engineering and Architecture*, 8(5), 860-872. DOI: [10.13189/cea.2020.080513](https://doi.org/10.13189/cea.2020.080513)
- [77] Faka, A., Kalogeropoulos, K., Maloutas, T., & Chalkias, C. (2021). Urban Quality of Life: Spatial Modeling and Indexing in Athens Metropolitan Area, Greece. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 10(5), 1-23. <https://doi.org/10.3390/ijgi10050347>
- [78] Komalawati, R. A., & Lim, J. (2021). Reality of compact development in a developing country: focusing on perceived quality of life in Jakarta, Indonesia. *International Journal of Urban Sciences*, 25(4), 542–573. <https://doi.org/10.1080/12265934.2020.1803106>
- [79] Mohammadi Kazaj, B., Saghafi Asl, A., Abdollahzadeh Taraf, A., & Sattarzadeh, D. (2022). Analysis of the Relationship between Quality of Urban Life and Social Class Factors in the metropolis of Tehran (Case Study: Districts 1, 6 and 20 of Tehrn). *Human Settlements Planning Studies*, 17(2), 451-464. Dor: [10.1001.1.2538596.8.1401.17.2.18.0](https://doi.org/10.1001.1.2538596.8.1401.17.2.18.0). [In Persian]
- [80] Asadpour, H., Riahi Dehkordi, A., & Asadpour, A. (2020). Analysing the Affecting Factors on the "Citizen's Social Quality of Life" in Contemporary Urban Spaces (Case Study: Farhang Square in the city of Yazd). *Urban Structure and Function Studies*, 7(24), 7-32. doi: [10.22080/usfs.2020.17010.1852](https://doi.org/10.22080/usfs.2020.17010.1852) [In Persian]
- [81] Ebrahimi, S. (2023). Development of a Validated Model for English Learners' Cultural Identity: Using Their Perceptions and Attitudes. *Language and Translation*, 13(2), 163-182. DOI: [10.30495/ltlt.2023.703381](https://doi.org/10.30495/ltlt.2023.703381)
- [82] Rawadieh, S. (2022). Patterns of Cultural Identity Included in History Textbooks in Jordan. *Dirasat, Human and Social Sciences*, 49(2), 614-627. <https://doi.org/10.35516/hum.v49i2.1819>
- [83] Somaizadeh, M. Zarrabian, F., & Faraj Elahi, M., (2020). The central role of the education system in introducing and protecting the cultural heritage, tourism and handicrafts of our country to children and teenagers. *New Research in Compositional Sciences*, 30(3), 123-144. [In Persian]
- [84] Ghasemi, A. (2021). Cultural identity in the age of globalization: Convergence or divergence. *Geospatial Research*, 5(2), 83-96. [In Persian]
- [85] Narazaki, R. S., Chaves, M.S., & Pedron, C. D. (2020). Social media in knowledge management: A holistic knowledge funnel based on a retrospective 10-year study in top-tier journals. *Knowledge and Process Management*, 27(2), 123-132. <https://doi.org/10.1002/kpm.1629>
- [86] Havasi, M., Alibaygi, A., Taghibaygi, M. (2023). Students' Desire for Lifelong Learning and Factors Affecting it: Application of Bandura's Social Cognitive theory. *Higher Education Letter*, 16(64),34-54. doi: [10.22034/hel.2024.710436](https://doi.org/10.22034/hel.2024.710436) [In Persian]
- [87] Jaberouti, N., & Bagherimajd, R. (2023). Canonical analysis of Lifelong Learning on Teachers' Professional Development. *Educational Sciences*, 6(1), 127-144. <https://doi.org/10.22055/edus.2022.42154.3399> [In Persian]
- [88] Bajis, D., Chaar, B., & Moles, R., (2020). Rethinking Competence: A Nexus of Educational Models in the Context of Lifelong Learning. *pharmacy*, 8(2), 1-9. <https://doi.org/10.3390/pharmacy8020081>
- [89] Bejani, H, Jafari, P. & Yavari Bafghi, A., (2019). Providing a Model for Lifelong Learning in the Naja Staff. *Order & Security Research Journal*, 12(3) , 73-100. [In Persian]
- [90] Landberg, M., & Porsch, T. (2022). Learner Identity and Lifelong Learning: A Mixed-Method Study. *Education and Pedagogy*, 3(3), 59-68. <https://doi.org/10.24018/ejedu.2022.3.3.305>
- [91] Şentürk, c., & Baş, g. (2021). Investigating the relationship between teachers' teaching beliefs and their affinity for lifelong learning: The mediating role of change tendencies. *International Review of Education*, 67(3), 659-686. <https://doi.org/10.1007/s11159-021-09917-7>

- and self-concept/ Educación patrimonial en contextos informales. Motivación y autoconcepto. *Cultura y Educación*, 30(73), 584-599. <https://doi.org/10.1080/11356405.2018.1494774>
- [30] Casto, H. G. (2016). "Just One More Thing I Have to Do": School-Community Partnerships. *School Community*, 26(1), 139, 139-162.
- [31] Pontes, A. I., Henn, M., & Griffiths, M. D. (2019). Youth political (dis) engagement and the need for citizenship education: Encouraging young people's civic and political participation through the curriculum. *Education, Citizenship and Social Justice*, 14(1), 3-21. <https://doi.org/10.1177/1746197917734542>
- [32] Petkou, D. (2018). Satisfaction of Primary School Teachers with the Environmental Communication of Mass Media: Opportunities for the Environmental Education. *environmental and science education*, 13(10), 805-816.
- [33] Saepudin, A., & Mulyono, D. (2019). Community education in community development. *Empowerment*, 8(1), 64-72. <https://doi.org/10.22460/empowerment.v8i1p65-73.1165>
- [34] Naibaho, E. j. (2020). The influence of the role of school, parents and communities on the quality of education in SMP negeri 2 pangururan samosir regency in academic year 2018/2019. *English Language Teaching Prima Journal*, 1(1), 1-8. <https://doi.org/10.34012/eltp.v%vi%i.824>
- [35] Kearns, P. (2015). Learning cities on the move. *Adult Learning*, 55(1), 153-168.
- [36] Osborne, M., Houston, M., & Lido, C. (2018). The role of big data in elucidating learning cities ancient, present and future. In: Stenger, J. R. (ed.) *Learning Cities in Late Antiquity: the Local Dimension of Education*. Routledge: London ; New York, 2446 . DOI: [10.4324/9781315097848-2](https://doi.org/10.4324/9781315097848-2)
- [37] Ausina, I. T., Yusim, R. y., & Huerta, R. (2019). The Educating City as a Cultural and Creative Industry. *World Heritage and Legacy*, 1-17.
- [38] Tieghi, G. (2021). Cities, Law and Language. Going Beyond Through Educational Networks. *DPCE Online*, 48(3), 2951-2968. <http://dx.doi.org/10.57660/dpceonline.2021.1423>
- [39] Scandurra, S. A (2018). Syracuse, Educating City: Social, Scientific, and Political Project. *Quaderni di Intercultura*.
- [40] Agudo, A. A., & Heredia, N. M. (2018). Inclusion, Educating City and Elderly People, a Current Inclusive Challenge. *The Turkish Online Journal of Educational Technology*, 17(4), 8-18.
- [41] Louro, P (2019). An introduction to "The Educating City: Views and Praxis". *ÀGORA*, 6(11), 25-26.
- [42] Patrizi, E., Zhuqing, X., d'Aniello, F., & Polenta, S. (2019). "The City Is the Best Teacher": A Review of the Educating City in Europe and China. *China City Planning Review*, 28(2), 35-43.
- [43] Olivares-García, M. A. González-Alfaya, M. E. Mérida-Serrano, R., & MuñozMoya, M. (2019). 'Córdoba, through Children's eyes'. Assessing citizenship literacy in Early Childhood Education and Special Education classes. *European Early Childhood Education Research Journal*, 27(1), 28-39. <https://doi.org/10.1080/1350293X.2018.1556532>
- [44] Novais, G. S., & Souza, T. Z. (2020). The elaboration of the municipal education plan: experience of popular education? *Revista Ibero-Americana de Estudos em Educação, Araraquara*, 15(1), 764-779. <https://doi.org/10.21723/riaee.v15i2.13348>
- [45] Figueiredo, Y. D., Prim, M. A., & Aparecida, G. (2018). Educating City: A Media for Social Innovation. Pereira L., Carvalho J., Krus P., Klofsten M., De Negri V. (eds) *Proceedings of IDEAS 2019. IDEAS 2018. Smart Innovation, Systems and Technologies*, vol 198. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-55374-6_25
- [46] Andrade, E. A., & Franceschini, M. C. (2017). The right to the city and International Urban Agendas: a document analysis. *Ciênc, saúde coletiva*, 22(12), 3849-3858. doi: [10.1590/1413-812320172212.24922017](https://doi.org/10.1590/1413-812320172212.24922017)
- [47] Carletti, C. (2019). Educational and Intercultural Dialogue among Younger Generations for the Full Enjoyment of their Rights as a New Challenge within City Spaces. *Peace Human Rights Governance*, 3(1), 69-95. DOI: [10.14658/puipi-phrg-2019-1-3](https://doi.org/10.14658/puipi-phrg-2019-1-3)
- [48] IAECa. (2018). Information bulletin, 27, International Association of Educating cities (IAEC). From https://www.edcities.org/en/wp-content/uploads/sites/2/2018/11/Boletin-AICE27_UK-web.pdf
- [49] IAEC. (2014). City, Social Inclusion and Education. *International Association of Educating Cities*, 1-, 1-88.
- [50] IAEC. (2020). Special Bulletin, 31, Educating cities Award for best practices in inclusion and the democratisation of culture. International Association of Educating cities (IAEC). From <https://www.edcities.org/en/wp-content/uploads/sites/2/2021/01/ENG-Boletin-AICE-v3-1.pdf>
- [51] IAEC. (2007). Information bulletin, 1, International Association of Educating cities (IAEC). From https://www.edcities.org/en/wp-content/uploads/sites/2/2007/03/Bulletin1_EN.pdf
- [52] Esteves, M. (2012). Shaping New Urban Environments in Latin America: The Case of Medellín, Colombia. *Humanities and Social Sciences Review*, 1(2), 157-165.
- [53] IAEC. (2010). Information bulletin, 10, International Association of Educating cities (IAEC). From https://www.edcities.org/en/wp-content/uploads/sites/2/2010/07/Bulletin10_eng.pdf
- [54] IAEC. (2017). Information bulletin, 26, International Association of Educating cities (IAEC). From https://www.edcities.org/en/wp-content/uploads/sites/2/2017/05/Boletin-26-web_UK.pdf
- [55] IAECb. (2018). Special bulletin, 28, Educating City Award on Good Practices on Civic Education through Participation. International Association of Educating cities (IAEC). From https://www.edcities.org/en/wp-content/uploads/sites/2/2018/11/Boletin-28-AICE-award_UK-web.pdf
- [56] IAEC. (2013). Information bulletin, 17, International Association of Educating cities (IAEC). From <https://www.edcities.org/en/wp-content/uploads/sites/2/2013/11/IAEC-Bulletin-17-ENG-web.pdf>
- [57] IAEC. (2021). Bulletin, 32, International Association of Educating cities (IAEC). From https://www.edcities.org/en/wp-content/uploads/sites/2/2021/07/boletin-32ENGL_final-1.pdf
- [58] Jiménez, E. M., & Salinas-Pérez, J. A. (2019). Accessibility to culture and education. Educative city of Córdoba (Spain). *Journal of Maps*, 15(1), 39-45. <https://doi.org/10.1080/17445647.2019.1575776>
- [59] D'Aniello, F. (2020). "Scarabò" and the educating city. pedagogical reflections on some results of a field research. *Bulletin of the Transilvania University of Braşov Series VII: Social Sciences and Law*, 13(1), 9-22. <https://doi.org/10.31926/but.ssl.2020.13.62.1.1>
- [60] IAEC. (2022). Bulletin, 33, International Association of Educating cities (IAEC). From <https://www.edcities.org/en/wp-content/uploads/sites/2/2022/04/boletin-33-ing%C3%A9s-WEB.pdf>
- [61] Abdul Malek, J., Lim, S., & Tahir, Z. (2019). Understanding the issues of citizen participation. *Nusantara Studies*, 4(1), 1-22. <https://doi.org/10.24200/jonus.vol4iss>
- [62] Vetoniemi, J., & Kärnä, E. (2019). Being included – experiences of social participation of pupils with special education needs in main-

- [1] Pelekh, Y. (2020). Urgent issues and modern challenges of higher education. *Problems of Education in the 21st Century*, 78(5), 671-673. <https://doi.org/10.33225/pec/20.78.671>
- [2] Pouratashi, M. (2021). The Influence of Formal and Informal Education on Students' Sustainable Development Skills, a Study in Iran. *Zagreb International Review of Economics & Business*, 24(2), 25-35. <https://doi.org/10.2478/zireb-2021-0009>
- [3] Latief, S., Hendrayani, S., & Lestari, P. (2020). Education for All: A study of Orang Rimba in Tanah Menang, Bungku's village, Batanghari District, Jambi Province Indonesia. *Southeast Asia*, 1(2), 13-22. <https://doi.org/10.47783/journijsa.v1i2.153>
- [4] Locatelli, R. (2018). Education as a public and common good: re-framing the governance of education in a changing context. *Education, research, and foresight: working papers*, 22(73), 1-17.
- [5] Yousefi, M., Shieh, A., Khatibi, M., & Saeidi Rezvani, N. (2019). Identifying and prioritizing the components of the learning city with an emphasis on lifelong learning. *Educational Innovations*, 18(3), 105-127. [In Persian]
- [6] Shagholi, R., Moaiedi, A., & Sayadi, T. (2020). *New teaching methods*. First edition, Tehran: Institute of Agricultural Education and Extension, Office of Knowledge Network and Extension Media. 2020. [In Persian]
- [7] Alhamuddin. (2018). Abd Shamad Al-Palimbani's Islamic Education Concept: Analysis of Kitab Hidayah Al-Sālikin Fi Suluk Māsālāk Lil Muttāqin. *Qudus International Journal of Islamic Studies*, 6(1), 89-102.
- [8] Kominarets, T., Fomin, V., Bieloliptseva, O., Tkachenko, M., Malykhin, A., & Pryshliak, O. (2022). Strategic Tasks of Contemporary Education: Formal, Non Formal, Informal. *Revista Românească pentru Educație Multidimensională*, 14(4), 394-407. <https://doi.org/10.18662/rrem/14.4/647>
- [9] Orhan, M. (2020). The place and importance of informal education in the freshman year experience of architectural education. *Cypriot Journal of Educational Science*. 15(6), 1707-1719. <https://doi.org/10.18844/cjes.v15i6.5328>
- [10] Tabacaru, C. (2018). Impact of non-formal education on the efficacy of school learning. *Studia Universitatis Moldaviae-Științe ale Educației*, 9(119), 229-233.
- [11] Letsie, Hl., Nkhi, S. E., & Mncina, T. C. (2023). An Investigation of the Impact of Non-formal Education on Sustainable Development in Mafeteng, Lesotho. *Interdisciplinary Journal of Rural and Community Studies*, 5(4), 36-48. <https://doi.org/10.38140/ijrcs-2023.vol5.04>
- [12] Omonijo, D. O., Okunlola, O. B., Uche, O. O., Anyaegbunam, M. C., Odukoya, J. A., Olowookere, E. I., Olujobi, O. J. (2018). An Exploratory Study of Modeling as an Educational Tool for Adolescent Moral Development. *Social Sciences Research*, Special Issue, 4, 276-288. <https://doi.org/10.32861/jsr.spi4.276.288>
- [13] Zhelyazkova-Teya, T. (2022). Prolegomena in Pedagogy of Informal Education. *Pedagogika-Pedagogy*, 94(1), 41-51. <https://doi.org/10.53656/ped2022-1.04>
- [14] Gough, K. v., Langevang, T., Yankson, P. W. K., & Owusu, G. (2019). Shaping Geographies of Informal Education: A Global South Perspective. *Annals of the American Association of Geographers*, 109(6), 1885-1902.
- [15] Inanna, I., Rahmatullah, R., Haeruddin, M. I., & Marhawati, M. (2020). Silk weaving as a cultural heritage in the informal entrepreneurship education perspective. *Entrepreneurship Education*, 23(1), 1-11.
- [16] Gross, Z., & Rutland, S. D. (2017). Experiential learning in informal educational settings. *International Review of Education*, 63(1), 1-8. <https://doi.org/10.1007/s11159-017-9625-6>
- [17] Kim, T. Y., & Lim, J. B. (2019). Designing an Efficient Cloud Management Architecture for Sustainable Online Lifelong Education. *Sustainability*, 11(6), 1-17. <https://doi.org/10.3390/su11061523>
- [18] Nylander, E., Fejes, A., & Milana, M. (2022). Exploring the themes of the territory: a topic modelling approach to 40 years of publications in *International Journal of Lifelong Education* (1982–2021). *Lifelong education*, 41(1), 27-44. <https://doi.org/10.1080/02601370.2021.2015636>
- [19] Billett, S. (2018). Distinguishing lifelong learning from lifelong education. *Adult Learning, Knowledge and Innovation*, 2(1), 1–7. <https://doi.org/10.1556/2059.01.2017.3>
- [20] Brata, I. B., Mantra, I. B. N., Rai, I. B., & Wartha, I. B. N. (2021). The discourse of informal education: Developing children characters during covid-19 pandemic. *Linguistics and Discourse Analytics*, 2(2), 88-97. <https://doi.org/10.52232/ijolida.v2i2.40>
- [21] Richards, C. (2018). Human lifecycle development and the experiential learning foundations of an integrated lifelong education framework. *Adult and Continuing Education*, 24(2), 250-271. <https://doi.org/10.1177/1477971418808688>
- [22] Hosseini Mehr, H., Entesarfoomani, G., Hijazi, M., & Asadzadeh Hazaei, H. (2018). Comparison of the Effectiveness of Direct and Indirect Instruction on Learners' Creativity. *Research in medical science education*, 11(1), 50-61. [In Persian]
- [23] Nosrati, F., Ghobari Bonab, B., Vakilijad, M., & Keshavarz Afshar, H. (2016). Effectiveness of direct instruction in math performance of students with specific learning disabilities. *Learning Disabilities*, 5(4), 108-122. [In Persian]
- [24] Imani, M., Alizadeh, H., Kazemi, F., & Ghobari Bonab, B. (2016). Developing Direct Instruction program and evaluation of its effectiveness on math problem solving skills in students with learning disorder. *Psychology of Exceptional Individuals*, 6(42), 1-29. <https://doi.org/10.22054/jpe.2017.21514.1547> [In Persian]
- [25] Mezentseva, O. (2019). Creating harmonious school learning environment: Waldorf education perspective. *Advanced Research*, 7(7), 691-696. <http://dx.doi.org/10.21474/IJAR01/9412>
- [26] Maunah, B. (2019). The Contribution of Family and Community Education in Realizing the Goals of School Education. *Education and Learning*, 4(2), 292-30. <https://doi.org/10.20448/804.4.2.292.301>
- [27] Hasanah, U., & Deiniatur, M. (2018). Character Education in Early Childhood Based on Family. *Lifelong Education*, 37(3), 50-62. DOI: [10.23917/ecri.v1i1.6578](https://doi.org/10.23917/ecri.v1i1.6578)
- [28] Hojat, A., & Sheikh Asadi, F. (2021). Improvement and Continuity of Childhood Experience in Children's Educational Environments (A Reflection on the Home and School Environment among Elementary School Children in Kerman). *Architecture and Urban Planning*, 13(30), 61-79. doi: [10.30480/aup.2020.2544.1489](https://doi.org/10.30480/aup.2020.2544.1489) [In Persian]
- [29] Madariaga-Orbea, J.-M., Gillate, I., Ibañez-Etxeberria, A., & Mole-ro, B. (2018). Heritage education in informal contexts. *Motivation*

the group of users, passers-by on the sidewalks of Tabriz city. A sample size of 20 experts was selected. The reason for choosing 20 people is that there is no limit in choosing the sample size in expert research. Regarding the sample size of users and passers-by, Cochran's formula was used with an unlimited statistical population, which was equal to 384 people. After specifying the variables through interviews conducted by experts analysis with MAXQDA software and preparing a questionnaire for users and passers-by, the validity of the indicators was confirmed by the opinion of the statistical community of experts, supervisors, and consultants. The reliability of the questionnaire indicators is also 0.901 with Cronbach's alpha test for the social and cultural component; functional-functional 0.876; Economic; 0.841; Access 0.894; Aesthetics was calculated as 0.803 and physical as 0.882.

Findings

Based on the findings from Table (9), all socio-cultural, functional-functional, movement-access, economic, aesthetic, and physical indicators (independent variable) have a significant relationship with the pedestrian-oriented dependent variable, and according to the indicators, socio-cultural with (0.615) and aesthetic index with (0.523), movement-access index with (0.316), economic index with (0.225), physical with (0.209) and Functional-functional with standard coefficient (0.192) have the most to the least effect on the dependent variable (insufficiency of spatial quality of the arch path) (pedestrian axis). Therefore, according to the coefficient of determination (R^2), all the examined indicators affect the mediating variable of the spatial quality of the Ark sidewalk and the pedestrian-oriented dependent variable, and it can be said that the dependent variable is affected by the indicators of the independent variable, and the beta value also indicates The direct relationship of spatial quality indicators is on the dependent variable (pedestrian). As a result, the higher the value of Beta

and T the smaller the significance level is (0.05). The independent variable (social-cultural, functional-functional, movement-access, economic, aesthetic, and physical) has a greater effect on the mediating variable of the spatial quality of the sidewalk and the dependent variable (pedestrian-oriented). According to the results of the research, it can be concluded that the most effective in terms of the spatial quality of Tabriz's Ark pedestrian, directly and indirectly, is related to the socio-cultural index with a direct effect of 0.615 and an indirect effect of 0.313 and a total effect of 0.928. Therefore, in improving the spatial quality and solving the inadequacy of the spatial quality in the Tabriz Ark pedestrian walkway, to be pedestrian-oriented and pedestrian-orientated, social and cultural indicators should be paid attention to create suitable conditions for the presence of more people and users and more social interactions. It is on the sidewalk, which will bring life to the urban space since the Ark sidewalk is pedestrian-oriented. The least effects of inadequacy, both directly and indirectly, are related to the functional-performance index with a direct effect of 0.217 an indirect effect of 0.101, and a total effect of 0.318. Therefore, in the next priorities, the pedestrian center is placed to improve the spatial quality of the Ark sidewalk.

Conclusion

According to the results of the research, it can be said that one of the appropriate methods to encourage pedestrian-oriented pedestrians is to categorize the spectrum of users of sidewalks and consider their needs, for example, children, and young people, adults, elderly, users in small cities or big cities, users in the upper and lower parts of the city, etc. Finally, the design of high-quality spatial sidewalks, although they require a lot of investment, in the long run, will reduce costs, reduce pollution, and reduce the mental and physical health of people in society.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Beignejad Heric A. Vlzadeh R. Panahi A. Pedestrian-Oriented Movement Analysis in Terms of the Lack of Air Quality in Tabriz's Arak Sidewalks. Urban Economics and Planning Vol 5(2):22-40. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.437117.1456



Pedestrian-Oriented Movement Analysis in Terms of the Lack of Air Quality in Tabriz's Arak Sidewalks

Original Article

Afrang Beignejad Heric¹, Reza Vlizabeth^{2*}, Ali Panahi²

1- Ph.D. candidate of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2- Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-01-22

Revised: 2024-02-24

Accepted: 2024-02-26

Keywords

Pedestrian-Oriented

Pedestrian

Sidewalks

Spatial Quality

Tabriz City

ABSTRACT

Introduction

Concerning the world experiences of pedestrian construction, we can refer to the Limbeker and Ketweger sidewalks in Essen, Germany, Berdick in Kalamazoo, America, and Struget in Copenhagen, Denmark. Pedestrian construction in the mentioned cities has had effects such as the gradual reduction of traffic and parking, the economic prosperity of these axes, the adaptation of the city center to the changes of the seasons, and the vibrancy of the sidewalk day and night. Also, from the experiences of pedestrian construction in Iran, we can mention the pedestrians of Janat Mashhad, Tarbiat, and Valiasr in Tabriz, Khayyam Urmia, and Lian Bushehr. Currently, due to the establishment of beautification organizations in the municipalities, they have tried to overcome the problems of urban furniture to some extent. Still, the interference of the responsibilities of organizations and institutions has fueled this problem to some extent and overshadowed the tasks of the beautification organization. Is. The lack of the necessary rules and regulations that monitor the creation of the minimum required qualities of the sidewalks in Tabriz city, leads to considerable audacity. This means that despite the creation of sidewalks, due to the lack of attention to basic standards in the design and implementation of sidewalks, some of them are usually turned into unusable spaces and the costs and land related to the construction of such sidewalks improper ways are considered wasted. Among the four pedestrian paths of Maqsoodiyeh, Ark, Tarbiat and Valiasr, Maqsoodieh, and Arak pedestrian paths, despite the presence of urban landscape elements such as trees, etc. streets, the narrow width of sidewalks, and the passage of motor vehicles, the lack of proper facilities, etc., lacks an appropriate and standard urban landscape. Also, the spatial quality of these sidewalks is inappropriate and needs to be reviewed. So far, there have been significant studies on the pedestrian-oriented streets of Tabriz city, however, none of these studies have investigated the inadequacies and deficiencies in the pedestrian-oriented streets. Therefore, the current research aims to answer this question, what are the deficiencies of spatial quality in the pedestrian street of Orak axis in Tabriz city?

Materials and Methods

The present research method is descriptive-analytical and exploratory in nature, along with a combined qualitative-quantitative and survey method. To collect data, a documentary method was used along with a semi-structured interview and researcher-made questionnaire. The statistical population of the research also includes two groups: the group of experts and specialists and

* Corresponding author: r.valizadeh1360@gmail.com

تحلیل جنبش پیاده‌محوری از نظر نارسایی کیفیت فضایی در پیاده‌راه ارک تبریز

مقاله پژوهشی

افرنک بیگزاد هریس^۱؛ رضا ولی‌زاده^{۲*}؛ علی پناهی^۲

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲- استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

مقدمه

در رابطه با تجربیات جهانی پیاده‌راه‌سازی، می‌توان به پیاده‌راه‌های لیمبکر و کتویگر در شهر اسن آلمان، بردیک در شهر کالامازو آمریکا و استروگت در شهر کینپهاگ دانمارک اشاره کرد. پیاده‌راه‌سازی در شهرهای یادشده اثراتی مانند کاهش تدریجی ترافیک و پارکینگ، رونق اقتصادی این محورها، انطباق مرکز شهر با تغییرات فصل‌ها، سرزندگی پیاده‌راه‌ها در شبانه‌روز را به دنبال داشته است. همچنین، از تجربیات پیاده‌راه‌سازی در ایران نیز می‌توان به پیاده‌راه‌های جنت مشهد، تربیت و ولیعصر تبریز، خیام ارومیه و لیان بوشهر اشاره کرد.

در حال حاضر، با توجه به تأسیس سازمان زیباسازی در شهرداری‌ها سعی شده است تا حدودی بر مشکلات مبلمان شهری فائق آید، اما تداخل مسئولیت‌های سازمان‌ها و نهادها با یکدیگر نیز تا حدودی به این معضل دامن زده و وظایف سازمان زیباسازی را تحت الشعاع خود قرار داده است. فقدان قوانین و ضوابط لازم و ناظر بر ایجاد حداقل کیفیت‌های مورد نیاز پیاده‌راه‌ها در شهر تبریز، جسارت‌های قابل ملاحظه‌ای را به دنبال دارد؛ به این معنا که علی‌رغم ایجاد پیاده‌راه، به دلیل بی‌توجهی به استانداردهای اولیه در طراحی و اجرای پیاده‌راه‌ها، معمولاً بعضی از آن‌ها را به فضاهایی غیر قابل استفاده تبدیل می‌کند و هزینه‌ها و اراضی مربوط به احداث چنین پیاده‌راه‌های نامناسبی در واقع تلف شده تلقی می‌شود. در بین چهار پیاده‌راه مقصودیه، ارک، تربیت و ولیعصر، پیاده‌راه‌های مقصودیه و ارک علی‌رغم وجود عناصر منظر شهری مانند درختان و... به دلیل اغتشاشات بصری حاصل از ناهمگونی نماهای شهری، نامناسب بودن رنگ و مصالح کف‌سازی‌ها و دیواره‌ها، عرض کم پیاده‌راه‌ها و عبور وسایل نقلیه موتوری، نبود تسهیلات مناسب و... فاقد منظر شهری مناسب و استاندارد است. همچنین، کیفیت فضایی موجود در این پیاده‌راه‌ها همگی نامناسب و نیازمند بازنگری هستند. تا کنون مطالعات قابل توجهی روی خیابان‌های پیاده‌محور شهر تبریز صورت گرفته است. با این حال، در هیچ‌یک از این مطالعات نارسایی‌ها و کمبودها در خیابان‌های پیاده‌محور مورد بررسی قرار نگرفته است. از این‌رو، پژوهش حاضر برای پوشش این خلأ، در صدد پاسخ به این پرسش است که نارسایی‌های کیفیت فضایی در خیابان پیاده‌محور ارک شهر تبریز چیست؟

مواد و روش‌ها

روش تحقیق حاضر از نظر ماهیت به صورت توصیفی-تحلیلی و اکتشافی همراه با روش ترکیبی کیفی-کمی و پیمایشی انجام گرفته است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش اسنادی به همراه مصاحبه نیمه‌عمیق ساختاری و پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق نیز شامل دو گروه: گروه خبرگان و متخصصان و گروه کاربران، عابران در پیاده‌راه ارک شهر تبریز است. حجم نمونه خبرگان

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷

کلمات کلیدی

پیاده‌محوری

عابر پیاده

پیاده‌راه

کیفیت فضایی

شهر تبریز

فرهنگی، کارکردی- عملکردی، حرکتی- دسترسی، اقتصادی، زیبایی شناسی و کالبدی) بر متغیر میانجی کیفیت فضایی پیاده‌راه و متغیر وابسته (پیاده‌محوری) تأثیر بیشتری دارد. با توجه به نتایج تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین اثرگذاری از نظر نارسایی کیفیت فضایی پیاده‌راه ازک تبریز به صورت مستقیم و غیرمستقیم مربوط به شاخص اجتماعی- فرهنگی با اثر مستقیم ۰/۶۱۵ و غیرمستقیم ۰/۳۱۳ و اثر کل ۰/۹۲۸ است. بنابراین، حتما در ارتقای کیفیت فضایی و رفع نارسایی کیفیت فضایی در پیاده‌راه ازک تبریز برای پیاده‌محوری و پیاده‌مدار بودن به شاخص اجتماعی- فرهنگی باید توجه بیش از حد بشود تا با ایجاد شرایط مناسب موجب حضور بیشتر افراد و کاربران و تعاملات اجتماعی بیشتر در پیاده‌راه شده که خود باعث سرزندگی فضای شهری از بعد پیاده‌راه ازک با پیاده‌محوری خواهد شد. کمترین تأثیرات نارسایی هم به صورت مستقیم و غیرمستقیم مربوط به شاخص کارکردی- عملکردی با اثر مستقیم ۰/۲۱۷ و غیرمستقیم ۰/۱۰۱ و اثر کل ۰/۳۱۸ کمترین اثرگذاری بر نارسایی کیفیت فضایی پیاده‌راه ازک تبریز داشته است. بنابراین، در اولویت‌های بعدی پیاده‌محوری برای ارتقای کیفیت فضایی پیاده‌راه ازک قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت که یکی از روش‌های مناسب برای تشویق پیاده‌محوری عابران، دسته‌بندی طیف استفاده‌کنندگان از پیاده‌راه‌ها و در نظر گرفتن نیازهای آن‌هاست. به عنوان مثال: کودکان، جوانان، بزرگسالان، سالمندان، استفاده‌کنندگان در شهرهای کوچک یا در شهرهای بزرگ، استفاده‌کنندگان بالای شهر و پایین شهر و... در نهایت طراحی پیاده‌راه‌های باکیفیت فضایی بالا با اینکه نیاز به سرمایه‌گذاری زیادی دارند، اما درازمدت باعث کاهش هزینه‌ها، کاهش آلودگی، سلامت روحی جسمی افراد جامعه خواهد شد.

برابر ۲۰ نفر انتخاب شد. دلیل انتخاب ۲۰ نفر این است که در پژوهش‌های خبره‌محور محدودیتی در انتخاب حجم نمونه وجود ندارد. در رابطه با حجم نمونه کاربران و عابران از فرمول کوکران با جامعه آماری نامحدود استفاده شد که برابر ۳۸۴ نفر به دست آمد.

پس از مشخص کردن متغیرها از طریق مصاحبه‌های انجام‌گرفته توسط خبرگان و آنالیز با نرم‌افزار MAXQDA و تهیه پرسشنامه برای کاربران و عابران برای روایی شاخص‌ها با نظر جامعه آماری گروه متخصصان، اساتید راهنما و مشاور تأیید شد. پایایی شاخص‌های پرسشنامه نیز با آزمون آلفای کرونباخ برای مؤلفه اجتماعی- فرهنگی ۰/۹۰۱؛ کارکردی- عملکردی ۰/۸۷۶؛ اقتصادی ۰/۸۴۱؛ دسترسی ۰/۸۹۴؛ زیبایی شناسی ۰/۸۰۳ و کالبدی ۰/۸۸۲ محاسبه شد.

یافته‌ها

براساس یافته‌های حاصل از جدول ۹ همه شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی، کارکردی- عملکردی، حرکتی- دسترسی، اقتصادی، زیبایی شناسی و کالبدی (متغیر مستقل) دارای رابطه معناداری با متغیر وابسته پیاده‌محوری هستند و به ترتیب شاخص‌های، اجتماعی- فرهنگی با (۰/۶۱۵) و شاخص زیبایی شناسی با (۰/۵۲۳)، شاخص حرکتی- دسترسی با (۰/۳۱۶)، شاخص اقتصادی با (۰/۲۲۵)، کالبدی با (۰/۲۰۹) و کارکردی- عملکردی با (۰/۱۹۲) ضریب استاندارد بیشترین تا کمترین تأثیر را بر متغیر میانجی (نارسایی کیفیت فضایی پیاده‌راه ازک) وابسته (پیاده‌محوری) دارند. بنابراین، همه شاخص‌های مورد بررسی با توجه به ضریب تعیین (R^2) بر متغیر میانجی کیفیت فضایی پیاده‌راه ازک و متغیر وابسته پیاده‌محوری تأثیر دارند و می‌توان گفت که متغیر وابسته متأثر از شاخص‌های متغیر مستقل است و مقدار بتا (Beta) هم نشان‌دهنده ارتباط مستقیم شاخص‌های کیفیت فضایی بر متغیر وابسته (پیاده‌محوری) است. در نتیجه، هرچه مقدار Beta و T بیشتر و سطح معناداری کوچک‌تر از (۰/۰۵) باشد، متغیر مستقل (اجتماعی-

مقدمه

سرزندگی پیاده‌راه‌ها در شبانه‌روز را به دنبال داشته است. همچنین، از تجربیات پیاده‌راه‌سازی در ایران نیز می‌توان به پیاده‌راه‌های جنت مشهد، تربیت و ولیعصر تبریز، خیام ارومیه و لیان بوشهر اشاره کرد. در حال حاضر، با توجه به تأسیس سازمان زیباسازی در شهرداری‌ها سعی شده است تا حدودی بر مشکلات مبلمان شهری فائق آیند، اما تداخل مسئولیت‌های سازمان‌ها و نهادها با یکدیگر خود نیز تا حدودی به این معضل دامن زده و وظایف سازمان زیباسازی را تحت الشعاع خود قرار داده است. فقدان قوانین و ضوابط لازم و ناظر بر ایجاد حداقل کیفیت‌های مورد نیاز پیاده‌راه‌ها در شهر تبریز، جسارت‌های قابل ملاحظه‌ای به دنبال دارد؛ به این معنا که علی‌رغم ایجاد پیاده‌راه، به دلیل بی‌توجهی به استانداردهای اولیه در طراحی و اجرای پیاده‌راه‌ها، معمولاً بعضی از آن‌ها را به فضاهایی غیر قابل استفاده تبدیل می‌کند و هزینه‌ها و اراضی مربوط به احداث چنین پیاده‌راه‌های نامناسبی در واقع تلف شده تلقی می‌شود. در بین چهار پیاده‌راه مقصودیه، ارک، تربیت و ولیعصر پیاده‌راه‌های مقصودیه و ارک علی‌رغم وجود عناصر منظر شهری مانند درختان و غیره به دلیل اغتشاشات بصری حاصل از ناهمگونی نماهای شهری، نامناسب بودن رنگ و مصالح کف‌سازی‌ها و دیواره‌ها، عرض کم پیاده‌راه‌ها و عبور وسایل نقلیه موتوری، نبود تسهیلات مناسب و... فاقد منظر شهری مناسب و استاندارد است. همچنین، کیفیت فضایی موجود در این پیاده‌راه‌ها همگی نامناسب و نیازمند بازنگری هستند. تا کنون مطالعات قابل توجهی روی خیابان‌های پیاده‌محور شهر تبریز صورت گرفته است. با این حال، در هیچ‌یک از این مطالعات نارسایی‌ها و کمبودها در خیابان‌های پیاده‌محور مورد بررسی قرار نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر برای پوشش این خلأ، در صدد پاسخ به این پرسش است که نارسایی‌های کیفیت فضایی در خیابان پیاده‌محور ارک شهر تبریز چیست؟

پیشینه تحقیق

در بررسی دیدگاه‌ها و مبانی نظری مربوط به جنبش پیاده‌گستری، نخستین اثر، کتاب برنامه‌ریزی و طراحی پیاده است که در سال ۱۹۷۱ در ایالات متحده منتشر شد. در سال ۱۹۷۵ انتشار کتاب فضاهای شهری برای پیاده در گسترش و اشاعه مباحث مربوط به بهسازی فضاهای شهری نقش مؤثری ایفا کرد. دو سال بعد هم کتاب فقط برای پیاده‌ها توسط برامبیل و لانگو تألیف شد که در آن، مبانی برنامه‌ریزی و طراحی و مدیریت «مناطق بی‌ترافیک» در نواحی مرکزی شهرها، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در حالت کلی دو رویکرد در رابطه با پیاده‌محوری وجود دارد: رویکرد هدف‌محور و رویکرد انسان‌محور [۱۰].

در حال حاضر، با توجه به تأسیس سازمان زیباسازی در شهرداری‌ها سعی شده است تا حدودی بر مشکلات نارسایی کیفیت فضایی در پیاده‌راه شهری فائق آیند، اما تداخل مسئولیت‌های سازمان‌ها و نهادها با یکدیگر خود نیز تا حدودی به این معضل دامن زده و وظایف سازمان زیباسازی را تحت الشعاع خود قرار داده است. فقدان قوانین و ضوابط لازم و ناظر بر ایجاد حداقل کیفیت‌های مورد نیاز پیاده‌راه‌ها در شهرها، خسارت‌های قابل ملاحظه‌ای به دنبال دارد؛ به این معنا که علی‌رغم ایجاد پیاده‌راه، به دلیل بی‌توجهی به استانداردهای اولیه در طراحی و اجرای پیاده‌راه‌ها، عملاً بعضی از آن‌ها را به فضاهایی غیر قابل استفاده تبدیل کرده و هزینه‌ها و اراضی مربوط به احداث چنین پیاده‌راه‌های نامناسبی در واقع تلف شده تلقی می‌شود. در این زمینه تحقیقات مختلفی انجام شده است که به تعدادی از آن‌ها در جدول ۱ اشاره می‌شود.

در جهان امروز پیاده‌روی نوعی روش حمل‌ونقل ضروری است. اگر پیاده‌راه‌ها به طور مناسب برای تسهیل حمل‌ونقل عابر پیاده طراحی شده باشد، تسهیلات عابر پیاده یا سیاست‌های مربوطه تجربه عابر پیاده را از پیاده‌راه‌ها جذاب‌تر می‌کند. از طریق تغییر روش‌های حمل‌ونقل موتوری به پیاده‌روی، مشخص می‌شود که مزایای اجتماعی و اقتصادی مختلفی رخ می‌دهد، از جمله کاهش هزینه‌های عملیات وسیله نقلیه، کاهش تصادفات ترافیکی، کاهش هزینه‌های زیست‌محیطی، کاهش هزینه‌های پارکینگ و بهبود سلامت فیزیکی [۱]. علاوه بر چنین مزایای خاصی اجتماعی و اقتصادی، پیاده‌روی پایدارترین و سودمندترین راه‌حل تحرک برای مقابله با تغییرات آب‌وهوایی است [۲]. بنابراین، پارادایم سیاست‌های خود‌محور به سیاست‌های مردمی و عابر پیاده تغییر کرده است و قوانین، سیستم‌ها و پروژه‌های مرتبط با پیاده‌راه‌ها و عابر پیاده به عنوان بخشی از سیاست‌های ملی در رابطه با جنبش سبز در حال اجرا هستند [۳]. برای تحریک حمل‌ونقل عابر پیاده، ابتدا باید رضایت عابران پیاده در شهر را افزایش داد. بنابراین، برای طراحی و ایجاد خط مشی مرتبط با عابر پیاده، ابتدا لازم است عوامل مؤثر بر رضایت عابران پیاده شهروندان محلی شناسایی شوند. به طور کلی، رضایت عابر پیاده را می‌توان به ایمنی عابر پیاده، راحتی پیاده‌روی و آسایش طبقه‌بندی کرد [۴]. عوامل مؤثر بر رضایت عابران پیاده بسته به چرایی و مکان پیاده‌روی افراد متفاوت است. برای مثال، اهمیت عوامل محیطی عابر پیاده که بر رضایت عابر پیاده تأثیر می‌گذارد، ممکن است بسته به هدف سفر متفاوت باشد، مانند رفت‌وآمد، مدرسه، تجارت، خرید و اوقات فراغت و... [۵]. همچنین شاخص‌های ارزیابی محیط عابر پیاده با توجه به انواع فضاهای مورد نیاز عابر پیاده مانند شهرهای جدید، مرکز شهر قدیمی، مناطق تجاری، مسیرهای عابر پیاده در نزدیکی ایستگاه‌ها و رودخانه‌ها، یا تفاوت در کاربری زمین، مانند مسکونی و مناطق تجاری، متفاوت است [۶]. فضاهای شهری یا عرصه‌های عمومی مکان اصلی زندگی اجتماعی شهروندان است که نقشی بسزا در تبلور ماهیت زندگی جمعی و حیات مدنی انسان‌ها دارد. از منظر عملکردی و کارکردی فضاهای شهری به چهار حوزه تقسیم می‌شوند که به طبع با یکدیگر روابطی پویا دارند، فضاهای مسکونی، کاری، اوقات فراغت و ارتباطی [۷]. بنابراین، فضاهای شهری مکانی برای تعاملات اجتماعی در شهرها محسوب می‌شوند، اما با توجه به ورود تعداد بی‌شمار وسایل نقلیه موتوری به فضاهای شهری باعث به وجود آمدن مشکلات حادثه‌تری در زمینه آلودگی هوا، ترافیک و تغییرات آب‌وهوایی و سلامت افراد شد که سبب شکل‌گیری نهضت‌های مختلف شد که یکی از این نهضت‌ها جنبش پیاده‌محوری است [۸]. جنبش پیاده‌محوری به معنای توسعه‌ای است که تأکید آن در طراحی پیاده‌رو، ساختمان و سایت‌ها بر تسهیل حرکت عابر پیاده نسبت به حرکت وسایل نقلیه و دسترسی آسان به امکانات شهری برای زندگی، خرید و بازدید لذت‌بخش است. ساختمان‌ها در چنین توسعه‌هایی به طور کلی نزدیک به خیابان قرار می‌گیرند و ورودی اصلی به سمت پیاده‌روی خیابان است. به طور کلی، پنجره‌ها و مناطق نمایشی در امتداد نمای خیابان ساختمان‌ها و مناطق بیرونی (مانند میدان‌ها) وجود دارد. در این رویکرد اگرچه ممکن است فضاهای پارکینگ در نظر گرفته شود، اما در طراحی ساختمان‌ها بر آن‌ها تأکید نمی‌شود [۹]. در رابطه با تجربیات جهانی پیاده‌راه‌سازی می‌توان به پیاده‌راه‌های لیمبکر و کتویگر در شهر اسن آلمان، بردیک در شهر کالامازو آمریکا و استروگت در شهر کپنهاگ دانمارک اشاره کرد. پیاده‌راه‌سازی در شهرهای یادشده اثراتی مانند کاهش تدریجی ترافیک و پارکینگ، رونق اقتصادی این محورها، انطباق مرکز شهر با تغییرات فصل‌ها،

جدول ۱. مطالعات داخلی و خارجی انجام شده درباره با پیاده‌راه‌ها

نویسنده / نویسندگان	عنوان	هدف	روش	نتیجه‌گیری
جوادیان و همکاران [۱۱]	ارزیابی قابلیت‌های بازآفرینی پیاده‌راه‌های شهری از منظر توسعه پایدار در برنامه‌ریزی شهری؛ مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر سمنان	توجه بیشتر مدیران شهری به فضاهای حرکت شهری برای رسیدن به توسعه پایدار خصوصاً در بافت قدیم دارای ارزش تاریخی شهرها است	استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و سپس رتبه‌بندی شاخص‌ها بر روش TOPSIS	نتایج حاصل از تحلیل داده و مدل‌های استفاده شده در پژوهش حاکی از آن است شاخص‌ها در فرایند بازآفرینی پیاده‌راه در شهر سمنان به‌درستی تعریف شده و می‌تواند مؤثر واقع شود. ولی سطح سرویس در این محدوده پایین است و برای داشتن توسعه پایدار، محور پیاده در این خیابان اهمیت پیدا می‌کند و سطح سرویس‌های بالاتری را می‌طلبد که با پیاده‌راه‌سازی خیابان امام این سطح سرویس به دست خواهد آمد.
رنجبر و پیوسته‌گر [۱۲]	سرزندگی و ارتقای خاطرات جمعی شهروندان (مطالعه موردی: پیاده‌راه‌های مناطق ۶ و ۸ شهر شیراز).	تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی پیاده‌راه‌های مناطق ۶ و ۸ شهر شیراز بپردازد.	برای استخراج آمار استنباطی ابتدا از طریق تکنیک آماری کولموگراف-اسمیرنوف (K-S) استفاده شده؛ سپس در نرم‌افزار SPSS با توجه به پارامتریک بودن داده‌ها از آزمون تی تک نمونه‌ای (One Sample T Test) و مقایسه میانگین داده‌ها اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.	بر اساس فرایند پژوهش و تجزیه و تحلیل اطلاعات مشخص شد که پیاده‌راه‌های منطقه ۶ (استاد شجریان، کسای، بهشت) از نظر هدف برای گذران اوقات فراغت، از نظر زمان استفاده دائمی و از نظر کارکرد اصلی فضای عناصر اصلی فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی و سرگرمی و ورزش مورد استفاده قرار می‌گیرند و پیاده‌راه‌های منطقه ۸ (احمدی، زندیه، اطراف ارگ کریمخانی) از نظر هدف جهت فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی، مذهبی، از نظر زمان استفاده دائمی و از نظر کارکرد اصلی فضا عنصر غالب اقتصادی، اجتماعی را شامل می‌شوند.
زینالی و همکاران [۱۳]	سنجش رضایت از خدمات پیاده‌راه ولیعصر تبریز به عنوان یک فضای شهری با کمک روش‌های تحلیل عاملی و معادلات ساختاری	مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سطح خدمات درک شده در پیاده‌راه ولیعصر در شهر تبریز	روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و پیمایشی با روش‌های تحلیل عاملی و معادلات ساختاری است.	چهار سازه پنهان برون‌زا به نام‌های «ایمنی»، «امنیت»، «تحرک و زیرساخت» و «رفاه و راحتی» را شناسایی کردند که جنبه‌های اصلی سطح خدمات ارائه شده در پیاده‌راه‌ها را نشان می‌دهند که در میان آن‌ها عوامل امنیت بیشترین بارگذاری را نشان داده‌اند.
صفری احمدوند [۱۴]	جایگاه پیاده‌محوری در تحقق شهر سالم (نمونه موردی: شهر خرم آباد لرستان)	به دنبال ایجاد سرزندگی بیشتر و تبدیل سکونتگاه‌های شهری به شهرهای انسان محور	برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه استراتژی‌های مناسب جهت پیاده‌مداری خیابان شهدا از روش تحلیلی SWOT منظور از شهر سالم، و تکنیک دلفی با حجم نمونه ۲ نفر از کارشناسان امور شهری در شهر خرم آباد استفاده شده است	با توجه به نتایج به دست آمده از احداث پیاده‌راه در محورهای شهری خیابان شهدای شهر خرم آباد نشان می‌دهد باید از توانمندی‌ها، پتانسیل‌های موجود و برنامه‌ریزی اجرائی پیاده‌راه‌سازی محور شهدای شهر خرم آباد که باعث رشد اقتصاد شهر، مقیاس انسانی در فضای شهری، امکان ایجاد تسهیلات گذران اوقات فراغت در مسیر پیاده‌راه بازنده‌سازی خاطرات تاریخی در پیاده‌راه... می‌شود نهایت استفاده را برد تا برای ارتقای تعاملات اجتماعی توسعه پایدار دست یافت.
شیخ حسنی [۱۵]	ارزیابی اثرات پیاده‌راه‌سازی بر بهبود ارتباطات و تعاملات اجتماعی شهروندان در پیاده‌راه شهر رشت	بررسی آثار اجتماعی به‌جای‌مانده از تغییر کارکردهای میدانی و معابر بخش مرکزی شهر رشت از محور سواره به محور پیاده‌راه است	روش تحقیق توصیفی-تحلیلی که با استفاده از پیمایشی اجرا شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. جامعه آماری تحقیق، شهروندان بالای ۱۸ سال شهر رشت بوده است	پیاده‌راه رشت در خلق فضای آرامش روحی و روانی عابریان، افزایش امنیت اجتماعی، ارتقای فرهنگ و آداب شهرنشینی، ترویج فرهنگ پیاده‌روی و استفاده از حمل‌ونقل عمومی، انجام فعالیت‌های فراغتی - تفریحی، شکل‌گیری خاطرات فردی و جمعی، تقویت حس تعلق به مکان و دلبستگی به فضای بخش مرکزی شهر، تأثیر مطلوبی داشته و سبب بهبود وضع ارتباطات اجتماعی شهروندان با یکدیگر شده است.
دبستانو و همکاران [۱۶]	پیاده‌محوری برای شهرهای پایدار: عوامل مؤثر بر تمایل کاربران به پیاده‌روی	هدف از این مطالعه، پاسخ به سوالات زیر بود: چه جنبه‌هایی بیشتر تمایل شهروندان به پیاده‌روی را افزایش می‌دهد؟ آیا میزان اولویت‌بندی این جنبه‌ها به زمینه‌ای که شهروندان روزانه در آن تردد می‌کنند مربوط است؟	دو نظرسنجی مرتبط، که از طریق وبسایت سازمانی دپارتمان مهندسی عمران و معماری دانشگاه کاتانیا انجام شد. سپس، از روش تحلیل مسیر استفاده شده است.	نتایج نشان داد در مناطق مسکونی پاسخ‌دهندگان، عوامل کلان «ایمنی»، «راحتی» و «کیفیت» و «جذابیت» محیط را برای ترویج پیاده‌روی ترجیح دادند. این نتایج برای هر بافت شهری معتبر نیست، اما روش مورد استفاده در هر محیط شهری قابل تمییم و کاربرد است.

نویسنده/ نویسندگان	عنوان	هدف	روش	نتیجه‌گیری
شوکت و شعبان [۱۷]	رونمایی از تأثیر احیای شهری بر جریان و رفتار عابر پیاده: مطالعه موردی در قاهره جدید، مصر	تجزیه و تحلیل تأثیر توسعه مجدد شهری بر جریان و رفتار عابر پیاده	از روش‌های جمع‌آوری داده‌ها مانند شمارش عابر پیاده و نظرسنجی استفاده می‌کند. این مطالعه با استفاده از GIS، تغییرات در الگوهای حرکتی عابران پیاده و رفتارها را قبل و بعد از توسعه مجدد مناطق خاص در قاهره جدید	نتایج نشان داد مسیرهای پیاده‌روی عابر شهری با ایمنی و دسترسی، باعث افزایش قابلیت پیاده‌روی و ارائه مزایایی هم برای مردم و هم برای جوامع بسیار مهم هستند. در قاهره جدید مصر، فضاهای باکیفیت ایجاد شده به منظور پیاده‌محوری برای عابران باعث شده نیازهای آنان تأمین شود و افراد بیشتری از این پیاده‌راه‌ها استفاده کنند و همچنین، به زیست‌پذیری کلی شهر کمک کنند.
عمر ابراهیم [۱۷]	در بررسی بهبود منظر خیابانی پیاده‌روها برای پایداری و زیست‌پذیری در خیابان‌های مشترک	بررسی کاربردی بودن دستیابی به زیست‌پذیری و پایداری پیاده‌روها در خیابان‌های مشترک در شهرها به عنوان یک فضای عمومی سریع و مؤثر برای سلامتی قابل استفاده در کلان‌شهرها با اشاره ویژه به محله آل خلیفه در مصر	روش تحقیق بر سه مرحله شامل مطالعات نظری، تحلیلی و تجربی متمرکز است	نتایج این تحقیق دستورالعمل‌هایی را برای ارتقای منظر خیابانی پیاده‌روها تدوین کرد، از جمله عرض و اندازه مناسب، دسترسی همگانی، اتصالات ایمن، علائم روشن راهنمایی، فضاهای جذاب، امنیت، سطوح با کیفیت و زهکشی کارآمد.
لی و همکاران [۱۹]	شناسایی عوامل مؤثر بر رضایت عابران پیاده نسبت به کاربری زمین و نوع خیابان	این مطالعه با هدف بررسی عوامل مؤثر بر رضایت عابران پیاده بر اساس کاربری زمین و نوع خیابان انجام شده است	بر پایه نظرسنجی بین ۵۰۰ پاسخ‌دهنده انجام و نتایج تجزیه و تحلیل با استفاده از مدل‌های باینری و لاجیت انجام شد	نتایج پژوهش یاد شده نشان داد هر چه پارک‌های غیرقانونی ماشین‌ها کمتر باشد، کیفیت فضای پیاده‌راه، تسهیلات هدایت عابر پیاده و فضای سبز بیشتر است و رضایت عابر پیاده بیشتر می‌شود.

کم‌تحرک (معلولان) را در خود جای دهند. استفاده از پیاده‌راه باید به عنوان جایگزینی برای استفاده از خودرو برای ترویج سبک زندگی سالم‌تر تشویق شود [۲۰].

بنابراین مفهوم جنبش پیاده‌محوری و پیاده‌راه مشوق محیطی است که زندگی فعال را با در نظر گرفتن سطوح مختلف فضایی (سطح کلان و خرد) ترغیب می‌کند، به طور کلی، قابلیت پیاده‌روی سطح مناسب ساختارهای شهری برای عابران پیاده و ایجاد تحرک فعال در فضا را توصیف می‌کند. به این ترتیب افرادی که در محیط‌های طراحی شده برای عابر پیاده زندگی می‌کنند، در زندگی اجتماعی مشارکت بیشتری دارند، اعتماد به نفس بیشتری در محیط خود دارند و این یک موفقیت چشمگیر در سرمایه اجتماعی و در نتیجه، کیفیت بهتر زندگی است [۲۱]. همچنین در محیط‌های پیاده‌محور به افراد حق انتخاب و فرصتی برای حرکت با خیال راحت و بدون دردسر برای دسترسی به خدمات و امکانات و رفت‌وآمد در محله بدون استفاده از وسیله نقلیه موتوری را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد [۲۲]. در جدول ۲ مؤلفه‌های محیط‌های پیاده‌محور بر اساس آرای پژوهشگران جمع‌بندی شده است.

با توجه به نتایج مطالعات قبلی انجام شده در زمینه پیاده‌محوری تقویت و گسترش فضاهای عمومی شهری، فعال، پویا و سرزنده به عنوان یکی از اهداف راهبردی ارتقای کیفیت محیط مصنوع شهری مورد توجه برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است. سرزنده ساختن حیات شهری مستلزم انسانی کردن و بعد انسانی دادن به آن است. خیابان‌های پیاده‌محور نقش مهمی در ارتقای سرزندگی فضاهای شهری ایفا می‌کنند. لذا تحلیل نارسایی‌های کیفیت فضایی در پیاده‌راه‌ها و خیابان‌های پیاده‌محور، اطلاعات ارزشمندی برای ارتقا و موفقیت این پروژه‌ها در اختیار دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی شهری قرار خواهد داد؛ به‌ویژه اینکه تا کنون مطالعه دانشگاهی کمتری در زمینه نارسایی‌های کیفیت فضایی پیاده‌راه‌ها و خیابان‌های پیاده‌محور در ایران پرداخته شده است و در این زمینه خلأ پژوهشی آشکاری وجود دارد. علاوه بر این، وجود خیابان‌های پیاده‌محور با ویژگی‌های مطلوب از نظر توسعه گردشگری شهری و توسعه پایدار منطقه شهری نیز حائز اهمیت است. در مجموع براساس آنچه گذشت، می‌توان گفت که انجام پژوهش حاضر جزء اولویت‌های ضروری مطالعاتی در تحلیل جنبش پیاده‌محوری در ایران به شمار می‌رود.

■ مبانی نظری

پیاده‌راه‌ها جزء جدایی‌ناپذیر منظر شهری هستند که باید ایمن و در دسترس همگان باشند. آن‌ها باید بتوانند همه کاربران، از جمله کاربران دارای تحرک و

جدول ۲. قابلیت پیاده‌روی محلات از دید صاحب‌نظران

صاحب‌نظران	مؤلفه‌های پیاده‌روی
هندی و همکاران [۲۳]	تراکم و شدت، کاربری‌های مختلف، ارتباطات خیابانی، مقیاس خیابان، زیبایی، توزیع فعالیت‌ها
لیتمن [۲۳]	تراکم (مسکونی، تقاطع، پارک و درختان)، کاربری‌های مختلف

صاحب‌نظران	مؤلفه‌های پیاده‌روی
دانکن و همکاران [۲۴]	فضای باز تفریحی، تراکم (مسکونی، ترافیک، تقاطع)، محدودیت سرعت، کیفیت پیاده‌رو، کاربری‌های مختلط
هوپر و همکاران [۲۵]	حق انتخاب، راحتی، دسترسی به خدمات و امکانات
کارلسون و همکاران [۲۶]	تراکم مسکونی، ارتباط و اتصالات، کاربری‌های مختلط، تعداد پارک‌ها
زونینگا تران و همکاران [۲۷]	ارتباط و اتصال، کاربری، تراکم، ایمنی و نظارت، توقفگاه، تجربه، فضای سبز
لی و همکاران [۲۸]	دسترسی، پیوستگی مسیر، تنوع کاربری‌ها، تعاملات اجتماعی، امنیت و ایمنی، پویایی، جذابیت، راحتی
ریسی و همکاران [۲۹]	ایمنی، کیفیت، رفاه، جذابیت
رودز و همکاران [۳۰]	دسترسی، پیوستگی مسیر، تنوع کاربری‌ها، تعاملات اجتماعی، امنیت و ایمنی، پویایی، جذابیت، راحتی

نقلیه معنایی ندارد. به همین منظور، تردد پیاده اولویت بالایی دارد و ارتباط مستقیم با کیفیت زندگی روزمره افراد در جامعه دارد که شامل: اتصال به شبکه عمومی، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، فضای سبز، پیوستگی مسیر پیاده و نفوذپذیری مناسب و... است [۱۵].

۵- معیار زیبایی‌شناسی: نقش بسیار مهمی در جذابیت و سرزندگی پیاده‌راه‌ها دارد که شامل سه شاخص معنا، ادراک حسی و شناخت است. زیباشناسی براساس تجربه آبی و حسی شکل می‌گیرد و در رابطه با پیاده‌راه‌ها شامل: خط آسمان، رنگ، نورپردازی، ریتم و تنوع، سیما و مناظر، مبلمان، فضای سبز و غیره است [۱۰ و ۱۲].

۶- معیار کالبدی: در میان مؤلفه‌های کالبدی بافت جداره شهری تأثیر بیشتری در بازخوانی و خوانایی مسیر، نمای ساختمان‌ها، عرض پیاده‌راه، کیفیت‌ها، سیما و منظر، عناصر طبیعی و سبز، روشنایی و نورپردازی دارد [۱۷].

مواد و روش‌ها

روش تحقیق حاضر از نظر ماهیت به صورت توصیفی-تحلیلی و اکتشافی همراه با روش ترکیبی کیفی-کمی و پیمایشی انجام گرفته است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش اسنادی به همراه مصاحبه نیمه‌عمیق ساختاری و پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق نیز شامل دو گروه: گروه خبرگان و متخصصان و گروه کاربران، عابران در پیاده‌راه‌ها شهر تبریز است. حجم نمونه خبرگان برابر ۲۰ نفر انتخاب شد. دلیل انتخاب ۲۰ نفر این است که در پژوهش‌های خیره‌محور محدودیتی در انتخاب حجم نمونه وجود ندارد. در رابطه با حجم نمونه کاربران و عابران از فرمول کوکران با جامعه آماری نامحدود استفاده شد که برابر ۳۸۴ نفر به دست آمد.

پس از مشخص کردن متغیرها از طریق مصاحبه‌های انجام‌گرفته توسط خبرگان و آنالیز با نرم‌افزار MAXQDA و تهیه پرسشنامه برای کاربران و عابران به منظور روایی شاخص‌ها با نظر جامعه آماری گروه متخصصان، اساتید راهنما و مشاور تأیید شد. پایایی شاخص‌های پرسشنامه نیز با آزمون آلفای کرونباخ برای مؤلفه اجتماعی فرهنگی ۰/۹۰۱؛ کارکردی-عملکردی ۰/۸۷۶؛ اقتصادی؛ ۰/۸۴۱؛ دسترسی ۰/۸۹۴؛ زیبایی‌شناسی ۰/۸۰۳ و کالبدی ۰/۸۸۲ محاسبه شد.

پیاده‌راه‌ها را به طور کلی به چهار حوزه می‌توان تقسیم کرد:

۱- حوزه لبه: تفکیک پیاده‌راه از معبر سواره و ایجاد ایمنی برای عابران.

۲- حوزه عبور: بخشی از پیاده‌رو که وظیفه سطح سرویس و حرکت افراد پیاده را در بر دارد.

۳- حوزه مبلمان: قسمتی از معبر پیاده‌راه است که برای آرایش و زیبایی بصری و آسایش و راحتی کاربران انجام می‌گیرد.

۴- خط آسمان یا جداره: جداره‌ها محدوده‌های عمودی یک پیاده‌راه. جداره یا بدنه پیاده‌راه بخش اصلی کالبد پیاده‌راه را تشکیل می‌دهد [۳۱]. در حقیقت این عنصر فضای خیابان را مشخص می‌کند و به آن مفهوم محیطی می‌بخشد. حوزه مبلمان و جداره با هم عناصر پیاده‌رو را شکل می‌دهند که به دو گروه تقسیم می‌شوند: عناصر سخت: دارای استحکام بیشتری هستند و قابل مشاهده و لمس هستند و چاب‌جا نمی‌شوند [۳۲].

معیارهای ارزیابی پیاده‌راه‌ها که عبارت‌اند از:

۱- معیار اجتماعی-فرهنگی: فعالیت‌های اجتماعی در پیاده‌راه‌ها مستلزم حضور افراد در فضاها و تعاملات اجتماعی بایکدیگر و اشاعه فرهنگی است. که پایین بودن حضور افراد به معنای پایین بودن سرزندگی و کیفیت زندگی در این محیط‌ها و فضاهای شهری است که می‌تواند شامل: ملاقات و گفت‌وگو، هویت اجتماعی، امنیت، حس تعلق، فعالیت‌های جمعی، سرزندگی، مناسب برای تمام اقشار سنی، حفظ میراث تاریخی و فرهنگی، مشارکت [۳۳ و ۳۴].

۲- معیار کارکردی-عملکردی: کارکردها و عملکردهای موجود در فضای پیاده‌راه‌ها در کیفیت پیاده‌راه‌ها مؤثر بوده و در میزان جذب کاربران نقش مهمی دارد که می‌تواند شامل: برگزاری جشن‌ها و مراسمات، کاربری‌های مختلط تجاری، خدماتی و تفریحی، قدم زدن و پیاده‌روی افراد و... [۳۵ و ۳۶]

۳- معیار اقتصادی: در رابطه با معیار اقتصادی می‌توان گفت که باعث پایین آمدن هزینه‌های ترافیک و سوخت طی سال شده، پیاده‌روی افراد باعث می‌شود افراد بهتر بتوانند از مغازه‌ها دیدن کنند و با تأمین امنیت می‌توانند با خیال راحت و آسوده خرید خود را انجام بدهند. همچنین با ایجاد محیطی جذاب و سرزنده مانند کافه‌ها و کافی‌شاپ‌ها و... باعث جذب گردشگر می‌شود و به درآمدزایی شهری کمک می‌کند [۳۷].

۴- معیار حرکتی-دسترسی: سفرهای پیاده و سواره باید در ارتباط با هم طراحی شود. در صورت نبودن افراد پیاده در فضای شهری تردد بقیه وسایل

جدول ۳. آزمون پایایی سؤالات پرسشنامه‌های پژوهش

میزان	شاخص‌ها
۰/۹۰۱	اجتماعی-فرهنگی
۰/۸۷۶	کارکردی-عملکردی
۰/۸۴۱	اقتصادی

شاخص‌ها	میزان
حرکتی-دسترسی	۰/۸۹۴
زیبایی‌شناسی	۰/۸۰۳
کالبدی	۰/۸۸۲
جمع	۰/۸۲۶

واریماکس و با هدف کشف ساختاری عوامل مؤثر بر پیاده‌روی از نظر کیفیت فضایی در پیاده‌راه ارک تبریز استفاده شده و سپس با استفاده از نرم‌افزار Mplus روش تحلیل عاملی تأییدی جهت تأیید ساختار عاملی اکتشافی به کار برده شده و از شاخص‌های برازش به منظور ارزیابی برازش مدل نهایی به‌دست‌آمده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد.

در ادامه برای نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد و پس از تأیید نرمال بودن داده‌ها، از همبستگی پیرسون و تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS، AMOS استفاده شد؛ به این صورت که در این تحقیق برای تحلیل داده‌ها ابتدا با استفاده از نرم‌افزار SPSS و تحلیل عاملی اکتشافی با کاربرد روش استخراج مؤلفه‌های اصلی و چرخش

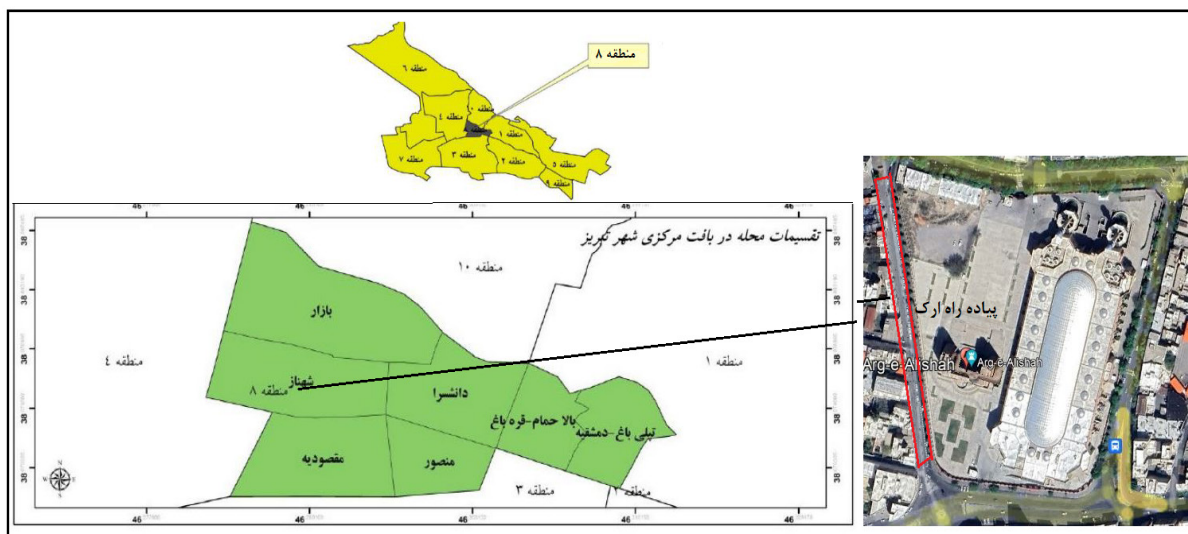
جدول ۴. متغیرهای پژوهش

بعد	شاخص	زیر شاخص‌ها شاخص‌ها
پیاده‌روی با کیفیت فضایی	اجتماعی-فرهنگی	حضورپذیری، هویت اجتماعی، امنیت، حس تعلق، فعالیت‌های جمعی، سرزندگی، حفظ میراث تاریخی و فرهنگی، مشارکت Q۹
	کارکردی-عملکردی	برگزاری جشن‌ها و مراسمات، کاربری‌های مختلط تجاری، خدماتی و تفریحی، قدم زدن و پیاده‌روی افراد Q۴
	اقتصادی	کاهش بار ترافیک، کاهش آلودگی هوا، افزایش درآمد، کاهش هزینه، اشتغال‌زایی، رونق کسب‌وکار Q۶
	حرکتی-دسترسی	دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، پارکینگ، دسترسی به فضای سبز، پیوستگی مسیر پیاده و نفوذپذیری Q۵
	زیبایی‌شناسی	خط آسمان، رنگ، نورپردازی، ریتم و تنوع، سیما و مناظر، مبلمان، فضای سبز Q۷
	کالبدی	بافت جداره، خوانایی مسیر، روشنایی مسیر، نمای ساختمان‌ها، عرض پیاده‌راه‌ها، سیما و منظر پیاده‌راه‌ها Q۶

گرفته و به نام ارک شهرت دارد. این خیابان در سال ۱۳۹۷ توسط شهرداری تبدیل به پیاده‌راه شده و در حال حاضر محل قرارگیری رستوران‌ها و کافه‌ها و مغازه‌های بسیاری است و از طرفی هم به دلیل قرارگیری در خیابان شهناز تبریز و در مرکز شهر بودن به یکی از پیاده‌راه‌های دیدنی و شلوغ و پربایه‌های تبریز تبدیل شده است.

محدوده مورد مطالعه

پیاده‌راه ارک تبریز در منطقه ۸ شهرداری تبریز قرار دارد. ارک علیشاه تبریز یکی از جاهای دیدنی و از بناهای تاریخی تبریز است که در میان گردشگرانی که به این شهر می‌آیند شهرت دارد. کنار ارک علیشاه مصلاهای بزرگ تبریز و کتابخانه مصلا قرار دارد. کنار ارک خیابانی قرار دارد که نام خود را از ارک



شکل ۱. موقعیت پیاده‌راه ارک تبریز



شکل ۲. تصاویری از پیاده راه ارک تبریز

یافته‌های تحقیق

البته در این مرحله مراجعه به ادبیات نظری پژوهش کمک زیادی به هر چه دقیق تر شدن گروه‌بندی‌ها کرد. در این پژوهش سعی شده براساس فهم پژوهشگران از متن پدیده مورد مطالعه یعنی تأثیر کیفیت فضایی پیاده‌راه بر پیاده‌محوری، چارچوب مدل پارادایم به صورت روایتی به شکل ترسیمی از طریق نرم‌افزار Maxqda نشان داده شد. گروه‌بندی کدهای محوری در هر مورد و مقایسه آن‌ها، نشان داد می‌توان تمامی کدهای به‌دست‌آمده را در یک گروه اصلی با شش شاخص و ۳۶ زیرشاخص تحت عنوان «کیفیت فضایی مؤثر بر پیاده‌محوری» جای داد (جدول ۵).

در ابتدای کار برای استخراج و تحلیل شاخص‌های تحقیق با استفاده از خبرگان که ۲۰ نفر بودند، با استفاده از تکنیک نظریه داده‌بنیاد مشخص شود که مؤلفه‌های کیفیت فضایی از کدام طیف و ابعاد بر پیاده‌محوری در پیاده‌راه ارک تبریز تأثیرگذار هستند. مراحل تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی در قالب سه مرحله کدگذاری شد. در بخش کیفی در گروه‌بندی کدها، کدهای محوری مستخرج از مصاحبه‌ها گروه‌بندی شده و سپس گروه‌های ایجاد شده با یکدیگر مقایسه شدند تا گروه‌های اصلی و ابعاد هر یک شناسایی و استخراج شود.

جدول ۵. گروه‌بندی کدها حاصل مصاحبه با خبرگان

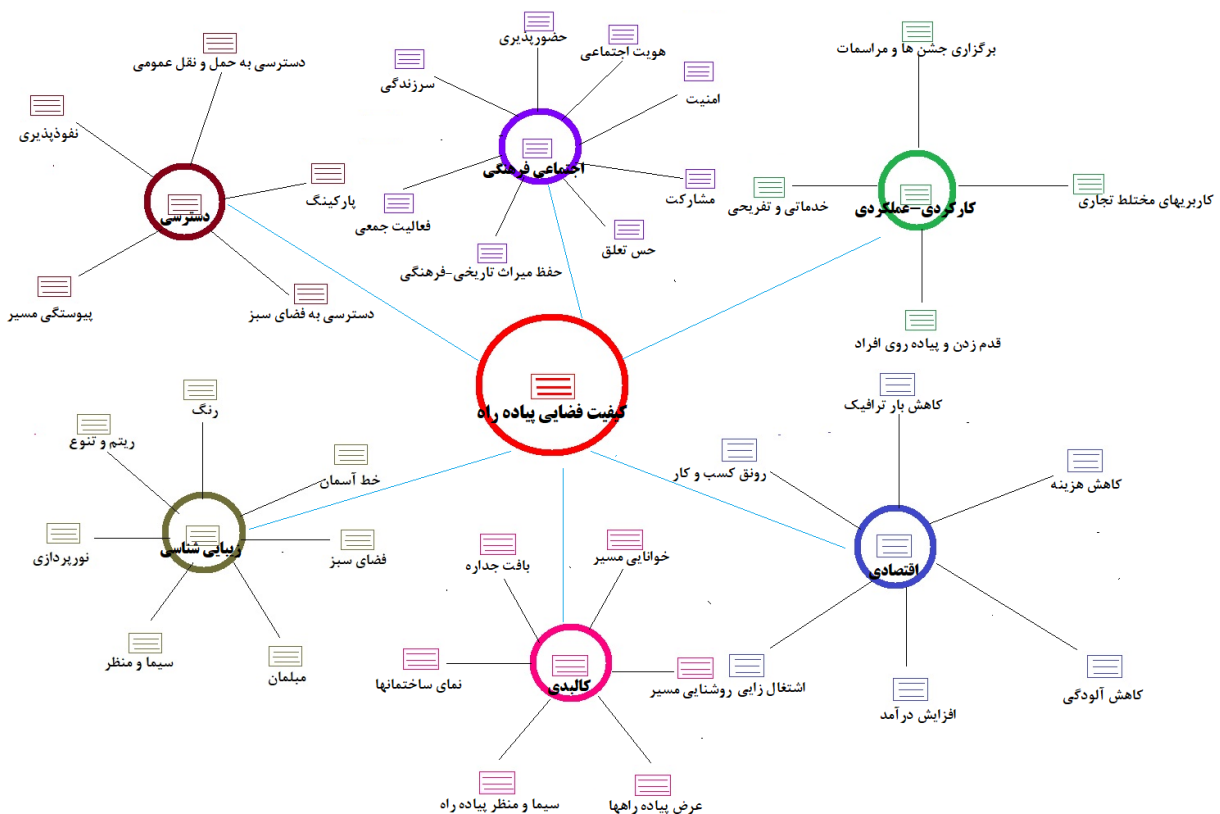
مقوله اصلی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
کیفیت فضایی پیاده‌راه	اجتماعی- فرهنگی	حضورپذیری	حرکتی- دسترسی	دسترسی به حمل و نقل عمومی
		هویت اجتماعی		پارکینگ
		امنیت		دسترسی به فضای سبز
		حس تعلق		پیوستگی مسیر پیاده
		فعالیت‌های جمعی		نفوذه‌پذیری
	زیبایی‌شناسی	سرزندگی	خط آسمان	رنگ
		حفظ میراث تاریخی و فرهنگی		نورپردازی
		مشارکت		ریتم و تنوع

مقوله اصلی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
کیفیت فضایی پیاده‌راه	زیبایی‌شناسی	برگزاری جشن‌ها و مراسم‌ها	کارکردی-عملکردی
		کاربری‌های مختلط تجاری	
		خدماتی و تفریحی	
	کالبدی	قدم زدن و پیاده‌روی افراد	اقتصادی
		کاهش بار ترافیک	
		کاهش آلودگی هوا	
		افزایش درآمد	
		کاهش هزینه	
		اشتغال‌زایی	
		رونق کسب‌وکار	
کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	کدگذاری محوری
سیما و منظر	زیبایی‌شناسی	برگزاری جشن‌ها و مراسم‌ها	کارکردی-عملکردی
میلان	زیبایی‌شناسی	کاربری‌های مختلط تجاری	کارکردی-عملکردی
فضای سبز	زیبایی‌شناسی	خدماتی و تفریحی	کارکردی-عملکردی
بافت جداره	کالبدی	قدم زدن و پیاده‌روی افراد	اقتصادی
خوانایی مسیر	کالبدی	کاهش بار ترافیک	اقتصادی
روشنایی مسیر	کالبدی	کاهش آلودگی هوا	اقتصادی
نمای ساختمان‌ها	کالبدی	افزایش درآمد	اقتصادی
سیما و منظر پیاده‌راه‌ها	کالبدی	کاهش هزینه	اقتصادی
عرض پیاده‌راه	کالبدی	اشتغال‌زایی	اقتصادی
		رونق کسب‌وکار	اقتصادی

نرم افزار Maxqda شش شاخص اصلی اجتماعی- فرهنگی، کارکردی- عملکردی، اقتصادی، دسترسی، زیبایی‌شناسی و کالبدی شناسایی و ۳۶ زیرشاخص که هشت زیرشاخص اجتماعی- فرهنگی، چهار زیرشاخص کارکردی- عملکردی، شش زیرشاخص اقتصادی، پنج زیرشاخص حرکتی- دسترسی، هفت شاخص زیبایی‌شناسی و شش زیرشاخص کالبدی شناسایی و به صورت مدل مفهومی و الگوی مفهومی به صورت شکل ۳ ارائه شد.

الگوی مفهومی (عوامل مؤثر بر پیاده‌محوری به لحاظ کیفیت فضایی پیاده‌راه
ارک تبریز)

الگوی مفهومی الگویی است که محقق براساس آن ضمن تبیین عوامل و مؤلفه‌های اثرگذار در ایجاد مسئله به نظریه‌پردازی اقدام می‌کند. در این تحقیق براساس مرحله شناخت و بررسی مابانی نظری تحقیق با توجه به نظرات جامعه آماری گروه متخصصان، اقدام به ارائه الگوی مفهومی تحقیق شده است که براساس مصاحبه نیمه عمیق ساختاری با خبرگان و تحلیل با



شکل ۳. الگوی مفهومی تأثیر پیاده‌محوری از کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک تبریز

برای بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق از آزمون کلموگروف اسمیرنوف ناپارامتری استفاده شود. استفاده می‌کنیم تا مشخص شود که از آزمون پارامتری استفاده کنیم یا

جدول ۶. نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف

متغیر	شاخص	آماره Z	سطح معناداری (Sig)	نتیجه فرضیه نرمال
اجتماعی-فرهنگی	حضورپذیری	-/۹۹۸	۰/۰۹۵	تأیید
	هویت اجتماعی	۱/۱۸۳	۰/۰۶۵	تأیید
	امنیت	-/۸۸۵	۰/۰۸۴	تأیید
	حسن تعلق	۱/۱۱۷	۰/۰۷۱	تأیید
	فعالیت‌های جمعی	۱/۰۰۵	۰/۰۷۵	تأیید
	سرزندگی	۱/۱۳۷	۰/۰۹۷	تأیید
	حفظ میراث تاریخی و فرهنگی	۱/۰۵۱	۰/۰۹۹	تأیید
	مشارکت	۱/۱۹۵	۰/۰۷۴	تأیید
	برگزاری جشن‌ها و مراسم‌ها	۱/۰۱۲	۰/۰۹۲	تأیید
کالبدی-صنعتی	کاربری‌های مختلط تجاری	۱/۰۰۳	۰/۰۶۲	تأیید
	خدماتی و تفریحی	-/۸۴۹	۰/۱۲۶	تأیید
	قدم زدن و پیاده‌روی افراد	۱/۰۰۱	۰/۱۰۳	تأیید
	کاهش بار ترافیک	-/۹۶۲	۰/۱۱۶	تأیید
اقتصادی	کاهش آلودگی هوا	-/۸۳۷	۰/۰۷۷	تأیید
	افزایش درآمد	۰/۷۵۱	۰/۱۱۹	تأیید
	کاهش هزینه	۱/۲۷۲	۰/۰۹۴	تأیید
	اشتغال‌زایی	۱/۰۹۷	۰/۱۲۸	تأیید
	رونق کسب‌وکار	-/۹۸۲	۰/۰۸۴	تأیید
	دسترسی به حمل‌ونقل عمومی	۱/۰۰۶	۰/۱۲۲	تأیید
	پارکینگ	-/۹۵۸	۰/۰۸۹	تأیید
حرکتی-دسترسی	دسترسی به فضای سبز	-/۷۳۶	۰/۱۰۸	تأیید
	پیوستگی مسیر پیاده	۱/۴۲۹	۰/۱۰۳	تأیید
	نفوذپذیری	-/۹۱۸	۰/۰۷۹	تأیید
	خط آسمان	۱/۲۴۲	۰/۱۰۷	تأیید
	رنگ	۱/۰۵۵	۰/۱۵۲	تأیید
زیبایی‌شناسی	نورپردازی	-/۸۲۷	۰/۱۳۶	تأیید
	ریتم و تنوع	-/۹۴۱	۰/۱۱۶	تأیید
	سیما و منظر	-/۷۷۵	۰/۱۱۲	تأیید
	میلان	-/۸۵۳	۰/۱۱۸	تأیید
	فضای سبز	۱/۰۵	۰/۰۹۱	تأیید
	بافت جداره	-/۸۴۵	۰/۰۶۹	تأیید
کالبدی	خوانایی مسیر	-/۹۲۷	۰/۰۷۸	تأیید
	روشنایی مسیر	۱/۰۰۸	۰/۰۹۱	تأیید
	نمای ساختمان‌ها	۰/۷۹۳	۰/۱۰۱	تأیید
	سیما و منظر پیاده‌راه‌ها	-/۹۱۲	۰/۰۸۸	تأیید
	عرض پیاده‌راه	۱/۱۰۴	۰/۰۹۵	تأیید

با توجه به جدول ۶ چون مقدار سطح معناداری در تمامی متغیرها بزرگتر از مقدار خطای ۰/۰۵ است؛ متغیرهای تحقیق همگی دارای توزیع نرمال هستند.

جدول ۷. توصیفی شاخص‌های آماری تحقیق

جدول شاخص‌های توصیفی				
نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد	ضریب همبستگی
پیاده‌محوری (پیاده‌روی)	۳/۴۶۲	۰/۷۳۶	۳۸۴	+۰/۸۲۴
کیفیت فضایی پیاده‌راه	۳/۷۳۸	۰/۹۴۲	۳۸۴	

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرض نشان می‌دهد با احتمال (اطمینان) ۹۵ درصد بین پیاده‌محوری و کیفیت فضایی پیاده‌راه رابطه معناداری مثبت به میزان ۰/۸۲۴ وجود دارد.

جدول ۸. نتایج برازش مدل

تفسیر	مقدار به‌دست‌آمده	مقدار قابل قبول	عنوان شاخص
قابل قبول	۰/۷	بزرگتر از ۵ درصد	p-value Chi-square
وضعیت نسبتاً قابل قبول مدل	۲/۴۱۶۲	مقادیر بین ۱ تا ۵	DF/CMIN
وضعیت قابل قبول مدل	۰/۹۷۲	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	GFI (Goodness of Fit Index)
وضعیت قابل قبول مدل	۰/۹۴۸	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	AGFI (Adjusted Goodness of Fit Index)
وضعیت قابل قبول مدل	۰/۹۸۱	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	CFI (Comparative Fit Index)
خطای معقولی برای تقریب در جامعه	۰/۰۰۱	< ۰.۰۵	RMSEA (Root Mean Square of Approximation)

سطح ۱ درصد معنادار است. بعد از اطمینان یافتن از صحت مدل اندازه‌گیری گام بعدی در تحلیل به دست آوردن تخمین ضرایب استاندارد (ضرایب مسیر) و عدد معناداری اثر هر یک از ضرایب رگرسیون در مدل است. در جدول ۹ مقادیر بارهای عاملی (وزن رگرسیونی) استاندارد شده برای هر متغیر را نشان می‌دهد.

نتایج تحلیل و مقادیر شاخص‌های برازش، نشان از برازش نسبتاً خوب و معنی‌دار بودن مدل است؛ به این معنا که داده‌های نمونه مورد مطالعه مدل اصلاح‌شده را تأیید می‌کنند، آماره‌های کای اسکوتر نسبی، GFI، CFI، AGFI و RMSEA میزان انطباق ماتریس واریانس کواریانس مدل فرضی را با ماتریس نمونه‌ای مقایسه می‌کنند؛ به این معنا که فرض اینکه متغیرها با هم دارای ارتباط است، پذیرفته می‌شود. در این مدل مقدار همبستگی بین ابعاد نیز در

جدول ۹. وزن رگرسیونی استاندارد شده بین متغیرها برای مدل نظری تحقیق

Standardized Regression Weights: Group number 1 - Default model				
عنوان شاخص	شکل رابطه	عنوان شاخص	Estimate	برآورد
حضورپذیری	<-	کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک	۰/۶۵	اجتماعی-فرهنگی ۰/۸۹
هویت اجتماعی	<-	کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک	۰/۵۸	
امنیت	<-	کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک	۰/۶۱	
حس تعلق	<-	کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک	۰/۸۲	
فعالیت‌های جمعی	<-	کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک	۰/۸۵	
سرزندگی	<-	کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک	۰/۸۱	

(Standardized Regression Weights: Group number 1 - Default model)				
Estimate		عنوان شاخص	شکل رابطه	عنوان شاخص
برآورد				
اجتماعی- فرهنگی ۰/۱۸۹	۰/۷۵	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	حفظ میراث تاریخی و فرهنگی
	۰/۷۱	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	مشارکت
کارکردی- عملکردی ۰/۱۵۶	۰/۶۲	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	برگزاری جشن‌ها و مراسم‌ها
	۰/۵۴	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	کاربری‌های مختلط تجاری
	۰/۵۱	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	خدماتی و تفریحی
	۰/۵۸	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	قدم زدن و پیادهروی افراد
اقتصادی ۰/۱۶۵	۰/۶۷	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	کاهش بار ترافیک
	۰/۶۶	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	کاهش آلودگی هوا
	۰/۴۹	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	افزایش درآمد
	۰/۵۳	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	کاهش هزینه
	۰/۵۵	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	اشتغال‌زایی
	۰/۵۱	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	رونق کسب‌وکار
دسترسی ۰/۱۶۹	۰/۵۴	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	دسترسی به حمل‌ونقل عمومی
	۰/۷۵	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	پارکینگ
	۰/۵۰	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	دسترسی به فضای سبز
	۰/۵۸	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	پیوستگی مسیر پیاده
	۰/۶۱	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	نفوذپذیری
زیبایی‌شناسی ۰/۱۷۳	۰/۷۱	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	خط آسمان
	۰/۵۷	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	رنگ
	۰/۴۶	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	نورپردازی
	۰/۶۹	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	ریتم و تنوع
	۰/۵۴	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	سیما و منظر
	۰/۶۸	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	مبلمان
	۰/۷۵	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	فضای سبز
کالبدی ۰/۱۶۲	۰/۴۷	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	بافت جداره
	۰/۴۵	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	خوانایی مسیر
	۰/۶۵	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	روشنایی مسیر
	۰/۵۹	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	نمای ساختمان‌ها
	۰/۶۱	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	سیما و منظر پیادهراه
	۰/۵۷	کیفیت فضایی پیادهراه ارک	<-	عرض پیادهراه

پیادهراه ارک با پیاده‌محوری بیشترین نارسایی مربوط به عامل اجتماعی و فرهنگی بوده و بین زیرشاخص‌های آن زیرشاخص فعالیت‌های جمعی با بار عاملی ۰/۱۸۵ از نظر پاسخ‌گویان مناسب نبوده و بعد از آن حس تعلق با بار عاملی ۰/۱۸۲ مناسب نبوده است. بنابراین، با توجه به نظرات پاسخ‌گویان باید به عامل فعالیت‌های جمعی و حس تعلق بیشتر توجه شود و در اولویت‌های کیفیت فضایی برای پیاده‌محوری در پیادهراه ارک قرار گیرد تا حس تعلق و

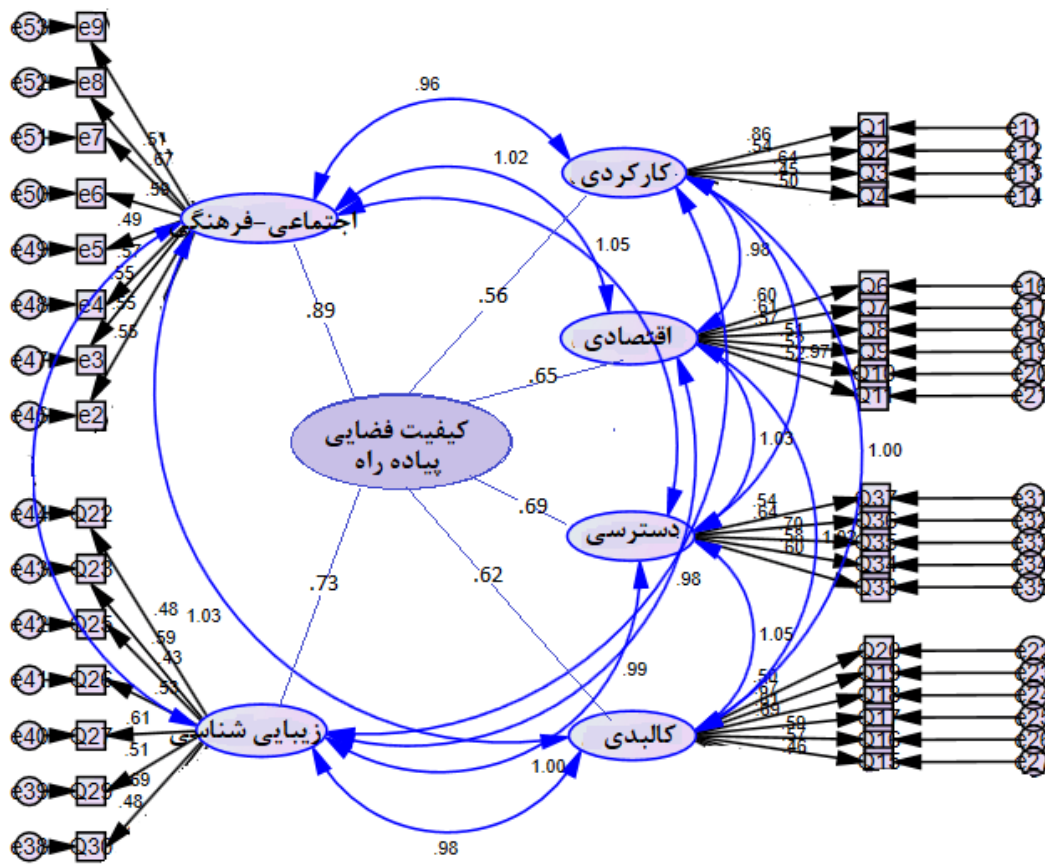
بر اساس نتایج جدول ۸ بیشترین تأثیرات از نظر نارسایی کیفیت فضایی مربوط به عوامل اجتماعی- فرهنگی بوده با بار عاملی (۰/۱۸۹) و بعد آن به ترتیب عوامل زیبایی‌شناسی با بار عاملی (۰/۱۷۳) حرکتی- دسترسی با بار عاملی (۰/۱۶۹) و اقتصادی با بار عاملی (۰/۱۶۵)، کالبدی با بار عاملی (۰/۱۶۲) و کارکردی- عملکردی با بار عاملی (۰/۱۵۶) قرار دارند. با توجه به بررسی وضع موجود پیادهراه ارک و بررسی انجام‌شده در رابطه با نارسایی کیفیت فضایی

فعالیت‌های جمعی در بین کاربران بیشتر شده و باعث ارتقای کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک شود.

در میان شاخص‌های زیبایی‌شناسی از نظر نارسایی کیفیت فضایی در پیاده‌راه ارک بیشترین اثرگذاری نارسایی کیفیت فضایی مربوط به عامل وجود فضای سبز زیبا و آرامش‌بخش برای کاربران با بار عاملی (۰/۷۵) و پس از آن، خط آسمان با بار عاملی (۰/۷۱) بیشترین اثرگذاری از نظر نارسایی کیفیت فضایی بوده است که نشان می‌دهد به عامل زیبایی فضای سبز و حفظ خط آسمان در پیاده‌راه ارک کمتر توجه شده و باید به این عوامل در ارتقای کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک تبریز توجه بیشتری شده و آنجا تقویت شود. از میان شاخص‌های حرکتی- دسترسی بیشترین اثرگذاری از نظر نارسایی در کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک تبریز، عامل پارکینگ با بار عاملی (۰/۷۵) و نفوذپذیری با بار عاملی (۰/۶۱) بوده بنابراین از نظر کاربران باید به عامل وجود پارکینگ و نفوذپذیری مناسب در پیاده‌راه ارک تبریز در اولویت‌های کاری قرار گیرد تا باعث ارتقای کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک شود، از نظر کاربران در رابطه با زیرشاخص‌های اقتصادی از نظر نارسایی کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک تبریز عامل کاهش ترافیک با بار عاملی ۰/۶۷ و کاهش آلودگی با بار عاملی ۰/۶۶ بیشترین نارسایی را از نظر کیفیت فضایی در پیاده‌راه ارک تبریز داشته‌اند. بنابراین، باید به عامل کاهش ترافیک و آلودگی در رابطه با ارتقای کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک تبریز توجه زیادی شود تا باعث حضور بیشتر افراد با آرامش و آسودگی خیال شود. در رابطه با زیرشاخص‌های کالبدی از نظر نارسایی کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک تبریز بیشترین اثرگذاری مربوط به عامل روشنایی مسیر در

شب‌هنگام با بار عاملی (۰/۶۵) و سیما و منظر پیاده‌راه با بار عاملی (۰/۶۱) بوده، بنابراین نتایج حاکی از این است که باید به روشنایی مسیر در هنگام شب و سیما و منظر پیاده‌راه ارک تبریز توجه بیشتری شود تا باعث جذب افراد بیشتر در تمام ساعات شبانه‌روز در پیاده‌راه با محوریت پیاده‌محوری و پیاده‌مداری با ارتقای کیفیت فضایی شود. در رابطه با شاخص زیرشاخص‌های کارکردی- عملکردی از نظر نارسایی کیفیت فضایی در پیاده‌راه ارک تبریز بیشترین اثرگذاری در نارسایی کیفیت فضایی عامل برگزاری جشن‌ها و مراسم‌ها با بار عاملی (۰/۶۲) و عامل قدم زدن و پیاده‌روی افراد با بار عاملی (۰/۵۸) است. در نتیجه، با توجه به یافته‌های تحقیق در رابطه با نارسایی کیفیت فضایی در پیاده‌راه ارک تبریز به عامل برگزاری جشن‌ها و مراسم‌های مختلف توجه زیادی شود تا باعث سرزندگی پیاده‌راه شود و افراد بیشتری را به خود جذب کند و همچنین، با برنامه‌ریزی و طراحی اصولی و رعایت ضوابط پیاده‌راه‌ها باعث تشویق بیشتر افراد برای قدم زدن و پیاده‌روی در پیاده‌راه ارک تبریز شوند. در نهایت با توجه به یافته‌های تحقیق برای کاهش نارسایی فضایی و ارتقای کیفیت فضایی در پیاده‌راه ارک تبریز با پیاده‌محوری به شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی و زیبایی‌شناسی نسبت به سایر شاخص‌ها توجه بیشتری شود و موجبات سرزندگی، امنیت، حس تعلق بیشتر کاربران به پیاده‌راه ارک همراه با زیباسازی بصری و آرامش خیال و راحتی در کاربران پیاده‌راه ارک شوند.

در شکل ۴ نیز وزن شاخص‌های استاندارد به صورت دیاگرام نشان داده شده است:



شکل ۴. مدل نهایی تحلیل عاملی تأییدی ضرایب استاندارد شده نارسایی کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک تبریز

مستقل) کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک (متغیر میانجی) و متغیر وابسته (پیاده‌محوری) از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده و نتایج آن در جدول ۱۰ آمده است.

تحلیل رگرسیونی چندمتغیره نارسایی کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک تبریز برای تبیین تأثیر هریک از شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی، کارکردی- عملکردی، حرکتی- دسترسی، اقتصادی، زیبایی‌شناسی و کالبدی (متغیر

جدول ۱۰. تحلیل رگرسیون چندمتغیره تأثیر هر یک از شاخص‌های متغیر مستقل بر متغیر میانجی و وابسته

نتیجه	سطح معناداری	T	Beta	R2	تعداد	متغیر مستقل
تأیید آزمون	۰/۰۰۱	۲۰/۶۹۴	۰/۶۱۵	۰/۴۹۸	۳۸۴	اجتماعی- فرهنگی
تأیید آزمون	۰/۰۰۱	۱۴/۳۷۴	۰/۲۱۷	۰/۱۹۲	۳۸۴	کارکردی- عملکردی
تأیید آزمون	۰/۰۰۱	۱۹/۰۶۷	۰/۳۱۶	۰/۲۶۸	۳۸۴	حرکتی- دسترسی
تأیید آزمون	۰/۰۰۱	۱۷/۰۲۵	۰/۳۰۱	۰/۲۲۵	۳۸۴	اقتصادی
تأیید آزمون	۰/۰۰۱	۱۹/۵۸۱	۰/۵۲۳	۰/۳۸۹	۳۸۴	زیبایی‌شناسی
تأیید آزمون	۰/۰۰۱	۱۵/۷۲۱	۰/۲۷۴	۰/۲۰۹	۳۸۴	کالبدی

پیاده‌محوری پیاده‌راه ارک تبریز از بعد نارسایی

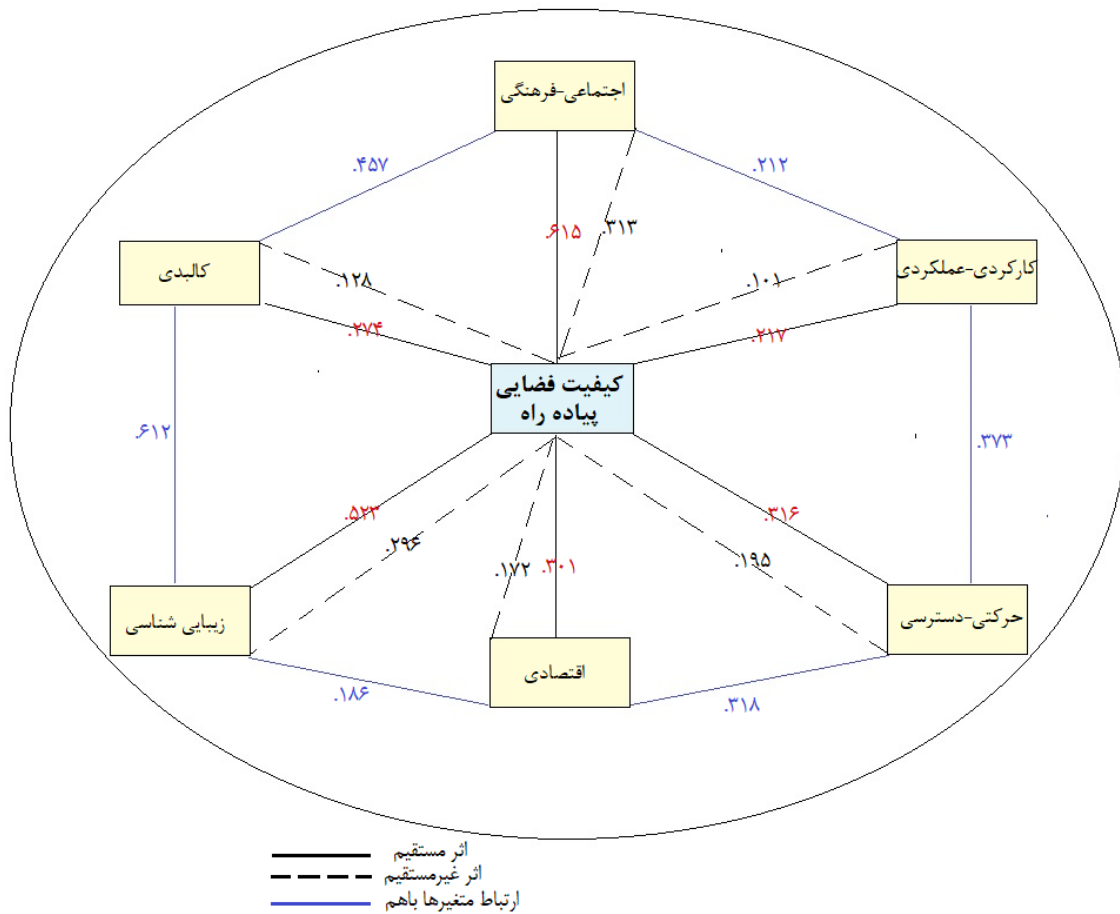
جدول ۱۰ و شکل ۴ مسیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم عوامل مؤثر بر نارسایی کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک تبریز برای پیاده‌محوری را نشان می‌دهد. به توجه به جدول ۱۰ و شکل ۴ می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین اثرگذاری از نظر نارسایی کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک تبریز به صورت مستقیم و غیرمستقیم مربوط به شاخص اجتماعی- فرهنگی با اثر مستقیم ۰/۶۱۵ و غیرمستقیم ۰/۳۱۳ و اثر کل ۰/۹۲۸ است. بنابراین، حتماً در ارتقای کیفیت فضایی و رفع نارسایی کیفیت فضایی در پیاده‌راه ارک تبریز برای پیاده‌محوری و پیاده‌مدار بودن به شاخص اجتماعی- فرهنگی باید توجه بیش از حد بشود تا با ایجاد شرایط مناسب موجب حضور بیشتر افراد و کاربران و تعاملات اجتماعی بیشتر در پیاده‌راه شده که خود باعث سرزندگی فضای شهری از بعد پیاده‌راه ارک با پیاده‌محوری خواهد شد. کمترین تأثیرات نارسایی هم به صورت مستقیم و غیرمستقیم مربوط به شاخص کارکردی- عملکردی با اثر مستقیم ۰/۲۱۷ و غیرمستقیم ۰/۱۰۱ و اثر کل ۰/۳۱۸ کمترین اثرگذاری بر نارسایی کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک تبریز داشته است. بنابراین، در اولویت‌های بعدی پیاده‌محوری برای ارتقای کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک قرار می‌گیرد. همه موارد در جدول ۱۱ و شکل ۵ به طور خلاصه بیان می‌شود.

بر اساس یافته‌های حاصل از جدول ۹ همه شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی، کارکردی- عملکردی، حرکتی- دسترسی، اقتصادی، زیبایی‌شناسی و کالبدی (متغیر مستقل) دارای رابطه معناداری با متغیر وابسته پیاده‌محوری هستند و به ترتیب شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی با (۰/۶۱۵) و شاخص زیبایی‌شناسی با (۰/۵۲۳)، شاخص حرکتی- دسترسی با (۰/۳۱۶)، شاخص اقتصادی با (۰/۲۲۵)، کالبدی با (۰/۲۰۹) و کارکردی- عملکردی با (۰/۱۹۲) ضریب استاندارد بیشترین تا کمترین تأثیر را بر متغیر میانجی (نارسایی کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک) وابسته (پیاده‌محوری) دارند. بنابراین همه شاخص‌های مورد بررسی با توجه به ضریب تعیین (R^2) بر متغیر میانجی کیفیت فضایی پیاده‌راه ارک و متغیر وابسته پیاده‌محوری تأثیر دارند و می‌توان گفت که متغیر وابسته متأثر از شاخص‌های متغیر مستقل است و مقدار بتا (Beta) هم نشان‌دهنده ارتباط مستقیم شاخص‌های کیفیت فضایی بر متغیر وابسته (پیاده‌محوری) است. در نتیجه هر چه مقدار Beta و T بیشتر و سطح معناداری کوچک‌تر از (۰/۰۵) باشد، متغیر مستقل (اجتماعی- فرهنگی، کارکردی- عملکردی، حرکتی- دسترسی، اقتصادی، زیبایی‌شناسی و کالبدی) بر متغیر میانجی کیفیت فضایی پیاده‌راه و متغیر وابسته (پیاده‌محوری) تأثیر بیشتری دارد.

تحلیل مسیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم شاخص‌های کیفیت فضایی مؤثر بر

جدول ۱۱. مسیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم شاخص‌های کیفیت فضایی مؤثر بر پیاده‌محوری پیاده‌راه ارک تبریز از بعد نارسایی

متغیر	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	کل
اجتماعی- فرهنگی	۰/۶۱۵	۰/۳۱۳	۰/۹۲۸
کارکردی- عملکردی	۰/۲۱۷	۰/۱۰۱	۰/۳۱۸
حرکتی- دسترسی	۰/۳۱۶	۰/۱۹۵	۰/۵۱۱
اقتصادی	۰/۳۰۱	۰/۱۷۲	۰/۴۷۳
زیبایی‌شناسی	۰/۵۲۳	۰/۲۹۶	۰/۸۱۹
کالبدی	۰/۲۷۴	۰/۱۲۸	۰/۴۰۲



شکل ۵. تحلیل اثرات مستقیم و غیرمستقیم شاخص‌های کیفیت فضای مؤثر بر پیاده‌محوری پیاده‌راه‌ها از دید نارسایی

کالبدی. نتایج تحلیل مسیر نشان داد کیفیت فضایی هرچقدر بهتر باشد به همان نسبت نیز تأثیر بیشتری بر جذابیت و جذب عابران برای پیاده‌روی (پیاده‌محوری) در پیاده‌راه‌ها دارد. در بین شاخص‌های بررسی شده شاخص اجتماعی-فرهنگی از نظر نارسایی کیفیت فضایی بیشترین نارسایی را در بین سایر شاخص‌ها داشته است. علاوه بر این، وزنه‌ها برای ایمنی، راحتی و کیفیت مسیر عابر پیاده مقادیر بسیار مشابهی داشت. بنابراین امکان تعریف سلسله‌مراتبی از نیازهای عابر پیاده وجود نداشت. در نتیجه می‌توان گفت که با توجه شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، خصوصیات فردی و جمعی افراد جامعه، اثرگذاری این شاخص‌ها از شهری به شهر دیگر و حتی در داخل مناطق شهری هم متفاوت است. نتایج تحقیق حاضر با یافته‌های پژوهش رنجبر و پیوسته‌گر [۱۲]، زینالی عظیم و همکاران [۱۳]، دیستفانو و همکاران [۱۶]، شوکت و شعبان [۱۷]، همراستا و قرابت نتیجه دارد. با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت که یکی از روش‌های مناسب برای تشویق پیاده‌محوری عابران دسته‌بندی طیف استفاده‌کنندگان از پیاده‌راه‌ها و در نظر گرفتن نیازهای آن‌هاست؛ به عنوان مثال: کودکان، جوانان، بزرگسالان، سالمندان، استفاده‌کنندگان در شهرهای کوچک یا در شهرهای بزرگ، استفاده‌کنندگان بالای شهر و پایین شهر و... در نهایت طراحی پیاده‌راه‌ها با کیفیت فضایی بالا با اینکه نیاز به سرمایه‌گذاری زیادی دارند، اما در درازمدت باعث کاهش هزینه‌ها، کاهش آلودگی، سلامت روحی جسمی افراد جامعه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

امروزه هدف اصلی سیاست‌های حمل‌ونقل، که در نهایت توسط بسیاری از دولت‌ها در سال‌های اخیر اجرا شده و می‌شود، تسهیل دسترسی به مناطق شهری و در عین حال تحقق اهدافی مانند پایداری زیست‌محیطی، ایمنی، کارایی و برابری اجتماعی است. در نتیجه امروزه، استراتژی‌های برنامه‌ریزی حمل‌ونقل به طور فزاینده‌ای ترویج پیاده‌روی، پیاده‌محوری را هدف قرار داده‌اند. امروزه، برنامه‌ریزی شهرها برای عابران پیاده کار آسانی نیست، به‌خصوص در جایی که شبکه معابر عمدتاً برای خودروها طراحی شده است. برای ایجاد شهرهای دوست‌دار عابران پیاده، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران باید به چالش‌های زیر توجه کنند: خیابان‌هایی که فقط برای نیازهای رانندگان طراحی شده‌اند، مسافت بیش از حد سفر به دلیل گسترش شهری، و عدم آگاهی در مورد نیازهای عابران پیاده، نحوه درک آن‌ها از محیط ساخته شده در زمینه زیبایی‌شناسی و آسایش بصری، خوانایی مسیر و... اینکه چگونه بر نحوه سفر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. بر اساس این مشاهدات، این مطالعه با هدف ارائه بینشی در مورد نیازهای عابران پیاده از نظر کیفیت فضایی و عواملی که بیشتر بر تمایل آن‌ها به پیاده‌روی (پیاده‌محوری) تأثیر می‌گذارد، انجام شد. به طور خاص، با تجزیه و تحلیل مصاحبه خبرگان شش شاخص اصلی و ۳۶ زیرشاخص شناسایی شد که بر تمایل کاربران به پیاده‌روی در پیاده‌راه‌ها از نظر کیفیت فضایی تأثیر می‌گذارد. این شاخص‌های اصلی عبارتند از: اجتماعی-فرهنگی، کارکردی-عملکردی، حرکتی-دسترسی، اقتصادی، زیبایی‌شناسی و

- [28] Lee, W.D; Ectors, W.; Bellemans, T.; Kochan, B.; Janssens, D.; Wets, G.; Choi, K.; Joh, C.-H. Investigating pedestrian walkability, using a multitude of Seoul data sources. *Transp. B Transp. Dyn.*, 2017. 6, 54-73. <http://dx.doi.org/10.1080/21680566.2017.1325783>.
- [29] Reisi, M.; Nadoushan, M A. & Aye, L. Local walkability index: assessing built environment influence on walking. *Bulletin of Geography. Socio-economic Series*, 2019, 46, 7-21. <http://dx.doi.org/10.2478/bog-2019-0031>.
- [30] Rhoads, D., Solé-Ribalta, A. & Borge-Holthoefer, J. The inclusive 15-minute city: Walkability analysis with sidewalk networks. *Computers, Environment and Urban Systems*, 2023, 100, 1-11. <https://doi.org/10.17605/OSF.IO/94TDC>.
- [31] Aram, A., mansourian, E. The importance and impact of sidewalks in improving the quality of life and its role in urban space. *Geography and Human Relationships*, 2021; 4(2): 189-193. <https://doi.org/10.22034/gahr.2021.293730.1577>.
- [32] Jeong, I., Choi, M., Kwak, J. Ku, D, Lee, S. A comprehensive walkability evaluation system for promoting environmental benefits. *Sci Rep*, 2023, 13, 16183. <https://doi.org/10.1038/s41598-023-43261-0>.
- [33] Sholeh, M., Zeraati, B. Investigating Effective Factors for Increasing the Sense of Belonging in Urban Pedestrian Walkways (Case Study: Shahid Chamran Pedestrian Walkway, Shiraz). *Urban Economics and Planning*, 2023; 4(3): 88-107. <https://doi.org/10.22034/uep.2023.410333.1391>.
- [34] Choi, H.S., Bruyns, G., Reeve, A. Cui, M., The negotiated public realm in the contemporary city: hybrid walkable urban networks of Hong Kong. *City Territ Archit*, 2023, 10(10). <https://doi.org/10.1186/s40410-023-00194-5>.
- [35] Vatanparast, E., Shataee Joibari, S., Salmanmahiny, A., Hansen, R. Analysis and Evaluation of Effective Factors in Pedestrian Streets Promotion with Environmental Design Approach in the Framework of Greenways Planning the Cse study: Mashhad metropolis. *Geography and Development*, 2022; 20(68): 238-263 <https://doi.org/10.22111/gdij10.22111.2022.7010>
- [36] Sun G, Zhao J, Walkability scoring: why and how does three-dimensional pedestrian network matter? *EPB Urban Anal City Sci*, 202048:1-20. <http://dx.doi.org/10.1177/2399808320977871>.
- [37] Hosseini, A., Maleki, R. Urban pedestrian analysis in the central district of Tehran with a futures studies approach, 2022; 13(49): 14-30. <https://doi.org/10.30495/jupm.2022.29632.4092>

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول ۳۴٪؛ نویسنده دوم ۳۳٪؛ نویسنده سوم ۳۳٪ است.

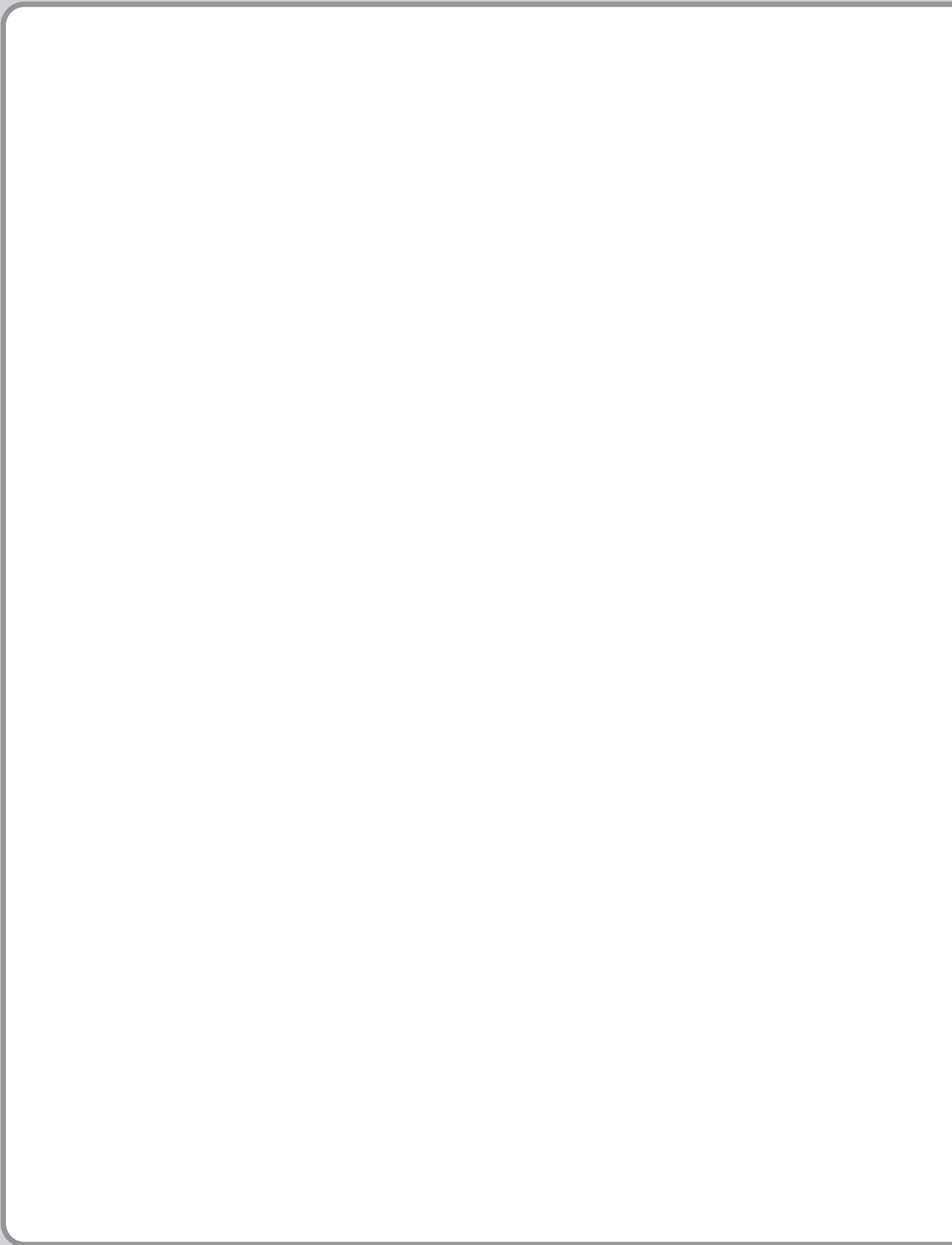
تشکر و قدردانی

از کلیه کسانی که در این تحقیق، محققان را یاری کرده‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنیم. این تحقیق منافع تجاری نداشته و پژوهشگران در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت نکرده‌اند و مقاله حامی مادی و معنوی ندارد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

- [1] Larranaga, A.M.; Arellana, J.; Rizzi, L.I.; Strambi, O.; Cybis, H.B.B. Using best-worst scaling to identify barriers to walkability: A study of Porto Alegre, Brazil. *Transportation*, 2023, 46, 2347-2379. <https://doi.org/10.1007/s11116-018-9944-x>.
- [2] Erturan, A., Aksel, B. Multidimensional analyses of walkability in city centers by using mobile methodologies: Beşiktaş and Delft experiences. *Urban Des Int*, 2023, 28, 52-69. <https://doi.org/10.1057/s41289-022-00209-6>.
- [3] Campisi, T.; Basbas, S.; Tesoriere, G.; Trouva, M.; Papas, T.; Mrak, I. How to Create Walking Friendly Cities. A Multi-Criteria, Analysis of the Central Open Market Area of Rijeka. *Sustainability*, 2020, 12(22), 9470. <https://doi.org/10.3390/su12229470>.
- [4] Sahani, R.; Bhuyan, P.K. (2020), Modelling Pedestrian Perspectives in Evaluating Satisfaction Levels of Urban Roadway Walking Facilities. *Transp. Res. Procedia* 2020, 48, 2262-2279. <http://dx.doi.org/10.1016/j.trpro.2020.08.289>.
- [5] Sundling, C.; Jakobsson, M. How Do Urban Walking Environments Impact Pedestrians' Experience and Psychological Health? A Systematic Review. *Sustainability*, 2023, 15, 10817. <https://doi.org/10.3390/su151410817>.
- [6] Esmailpoor, N., Saberifar, R., Habibi, M. Prioritization for Streets that have the Ppotential for Walking the Area of City Yazd Historical Context by Using Analytical Tools of Weighted Sum, the Geographic Information System. *Journal of Urban Ecology Researches*, 2021; 12(24): 59-78. <https://doi.org/10.30473/grup.2021.8656>.
- [7] Zumelzu, A.; Herrmann-Lunecke, M.G. Mental Well-Being and the Influence of Place: Conceptual Approaches for the Built Environment for Planning Healthy and Walkable Cities. *Sustainability* 2021, 13(1), 6395. <https://doi.org/10.3390/su13116395>.
- [8] Kanooni & Razavian M, Social and Economic Effects of Pedestrianization in Tehran From the standpoint of citizens (Case Study: 17 Shahrivar Pedestrian path). *Hoviatshahr*, 2019; 12(4): 19-34. <https://dori.net/dor/20.1001.1.17359562.1397.12.4.2.7>.
- [9] Aşilioğlu, F, Çay, Rukiye Duygu. «Determination of quality criteria of urban pedestrian spaces». *ACE: architecture, city and environment*, 2020, 15(44), <https://raco.cat/index.php/ACE/article/view/385274>.
- [10] Karimi Moshaver, M., negintaji, S. Different approaches to planning and designing pedestrian areas. *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 2013; 1(1): 33-41. <https://dori.net/dor/20.1001.1.25886274.1392.1.1.4.0>.
- [11] Javadian, R., Karka Abadi, Z., Zand Moghadam, M. R. Assessing the desirability of pedestrian construction and reconstruction of the historic city of Semnan Sustainable landscape tourism. Application of Geography information system and remote sensing in planning, 2023; 14(1): 97-123. https://gisrs.semnan.iau.ir/article_706259.html.
- [12] Ranjbar S, peyvastehgar Y. Explaining the effects of urban sidewalks on strengthening the sense of place, liveliness and improving collective memories of citizens (a case study of sidewalks in areas six and eight of Shiraz city). *MJSP* 2023; 27 (1) :165-188 <http://hsmmp.modares.ac.ir/article-21-69100-fa.html>.
- [13] Zeynali Azim, A., Babazadeh Oskouei, S., Noorzadeh, Z. Measuring satisfaction of sidewalk services as an urban space with the help of factor analysis methods and structural equations (case study: Valiasr sidewalk in Tabriz). *Sustainable Urban Development*, 2022; 3(7): 101-121. <https://doi.org/10.22034/usd.2022.700745>.
- [14] Safari ahmadvand, M. Pedestrian position in the realization of Saalem city (a case study of Khorramabad city of Lorestan). *Journal of Accounting and Management Vision*, 2023; 5(75): 83-103. https://www.jamv.ir/article_166985.html?lang=fa.
- [15] Shekh Hasani, H., Moradifar, A., Pourkhodadad, B. Assessment Sidewalks Effects on improving Communications and Social Interactions of Citizens, Case Study: Rasht Sidewalks. *Journal of Urban Ecology Researches*, 2021; 12(24): 12-38. <https://dori.net/dor/20.1001.1.25383930.1400.12.24.2.9>.
- [16] Distefano, N.; Leonardi, S.; Liotta, N.G. Walking for Sustainable Cities: Factors Affecting Users' Willingness to Walk. *Sustainability*, 2023, 15, 5684. <https://doi.org/10.3390/su15075684>.
- [17] Shawket, I, M, Shaban, R, Unveiling the influence of urban revitalization on pedestrian flow and conduct: a case study in New Cairo, Egypt, *HBRC Journal*, 2023, 19(1), 141-159. <https://doi.org/10.180/16874048.2023.2243197>.
- [18] Omar Ibrahim, D. M. F, Enhancing the Streetscape of Sidewalks for Sustainability and Liveability in Shared Streets Dalia Mohamed Fawzy, *Building & Construction Economics Green Building & Construction Economics*, 2023, 4, (2), 225-240 <https://ojs.wiserpub.com/index.php/GBCE/>. <https://doi.org/10.37256/gbce.4220232244>.
- [19] Lee, S.; Han, M.; Rhee, K.; Bae, B. Identification of Factors Affecting Pedestrian Satisfaction toward Land Use and Street Type. *Sustainability*, 2021, 13, 10725. <https://doi.org/10.3390/su131910725>.
- [20] Brancato, G.; Van Hedger, K.; Berman, M.G.; Van Hedger, S.C. Simulated nature walks improve psychological well-being along a natural to urban continuum. *J. Environ. Psychol*, 2022. 81(5), 101779. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jenvp.2022.101779>.
- [21] Tran M-C. Healthy cities-walkability as a component of health-promoting urban planning and design. *Advances in Sustainable Urbanization*, 2016, 1(1), 11-21, <http://dx.doi.org/10.18063/JSUPP.2016.01.006>.
- [22] Hooper, P.; Giles-Corti, B. & Knuiaman, M. Evaluating the Implementation and Active Living Impacts of a State Government Planning Policy Designed to Create Walkable Neighborhoods in Perth, Western Australia. *American Journal of Health Promotion*, 2014, 28(3), S5-S18. <https://doi.org/10.4278/ajhp.130503-quan-226>.
- [23] Handy, S. L.; Boarnet, M, G.; wing, R. & Killingsworth, R. E. How the built environment affects physical activity: Views from urban planning. *Amav:an Journal of 1'm'8lttle MlidM*, 2022, 23(2), 64-73. [http://dx.doi.org/10.1016/S0749-3797\(02\)00475-0](http://dx.doi.org/10.1016/S0749-3797(02)00475-0).
- [24] Litman, T.A. Economic Value of Walkability. *Transp. Res. Rec*, 2003. 1828, 3-11. <http://dx.doi.org/10.3141/1828-01>.
- [25] Duncan, M. J.; Winkler, E.; Sugiyama, T.; Cern, E.; Leslie, E. & Owen, N. Relationships of land use mix with walking fur transpmt Do land uses and geographical scale matter? *Journal of Urban Health*, 2010, 87(5), 782-795. <https://doi.org/10.1007/s11524-010-9488-7>.
- [26] Carlson, J. A.; Remigio-Baker, R. A.; Anderson, C. A.; Adams, M. A.; Norman, G. J.; Kerr, J.,... & Allison, M. Walking mediates associations between neighborhood activity supportiveness and BMI in the Women's Health Initiative San Diego cohort. *Health & place*, 2016, 38, 48-53. <https://doi.org/10.1016/j.health-place.2016.01.001>.
- [27] Zuniga-Teran A.A.; Orr B.J.; Gimblett R.H.; Chalfoun N.V.; Marsh S.E.; Guertin D.P. & Going S.B. Designing healthy communities: Testing the walkability model. *Frontiers of Architectural Research*, 2017, 6, 63-73. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2016.11.005>.



theoretical foundations and background of the research, semi-structured interviews were conducted with 20 specialists and experts, emphasizing an exploratory approach. In the next step, based on the identified factors, a questionnaire was designed based on the five-point Likert spectrum (very low, low, high, medium, and very high). Through this questionnaire, the weak factors of tourism in urban development projects in the target community were investigated. To determine the reliability of the questionnaire, first several questionnaires were distributed to the statistical population and then the reliability of the questionnaire was measured using Cronbach's alpha test. Cronbach's alpha test coefficient (0.811) shows that the results of this research will be reliable. After measuring the reliability, the questionnaire was distributed and collected among the samples. In the following, to identify the impact of tourism weakness factors in urban development plans, exploratory factor analysis was used to group these factors. Structural equation modeling has been used to analyze the data examine the relationship between the factors and determine the contribution of each of them. The structural equation model is a comprehensive statistical approach to test the relationships between observed variables and latent variables. This research utilized SPSS and AMOS to analyze the research data.

Findings

The analysis of structural equations showed that the first factor means an institution with a critical ratio of 4.894, the second factor means a structure with a critical ratio of 3.742, and the third factor means management with a critical ratio of 5.321, and the fourth factor means economic with a critical ratio of 3.215, and the fifth main factor is social (with a critical ratio of 5.252, each with a significance level of less than 0.05 has a significant relationship with the weakness of tourism in the urban development plans of Tabriz city. Finally, among these five main factors, the management

factor with the weight of the standard estimate 0.915, the most effective with its variables (incompleteness of the views of consulting engineers of urban development plans regarding tourism, lack of knowledge of city managers about the dimensions of the impact of tourism at the city level, lack of coordination of departmental plans with regional and regional development, lack of experience of the expert staff In urban planning, at the national macro decision-making level, there is a lack of specialist staff in urban planning and urban development in the country) in the field of tourism weakness, and after that, the social factor with a standard estimation weight of 0.899, the factor An institution with a standard estimation weight of 0.83 and a structural factor with a standard estimation weight of 0.782 and an economic factor with a standard estimation weight of 0.769 have the highest to lowest effect on the weakness of tourism in urban development plans in Tabriz. As a result, among the five main factors, the third factor, which was the management factor in this research, should be given more attention than other factors, so that the weaknesses of tourism are covered and improved.

Conclusion

As a result, it should be said that the management of the tourism industry is not only non-specialist and value-oriented management, but even with powerful, scientific, and economic-oriented management, one cannot have high expectations because issues such as the existence of networks of extra-legal power connections, inattention High-ranking officials and planners of the country, and last but not least, extremely weak budgets and facilities, and the lack of people's participation in projects make any effort fail. In this regard, this article, with a fresh look at urban development plans, seeks a new review of these plans and their tourist-oriented structure by adding a heading called tourism.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Srdari R. Taghavli E. Ezzat Panah B. Explanation of the Effective Factors in the Weakness of Urban Tourism in the Urban Development Plans of Tabriz Metropolis. Urban Economics and Planning Vol 5(2):42-56. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.459545.1494



Explanation of the Effective Factors in the Weakness of Urban Tourism in the Urban Development Plans of Tabriz Metropolis

Original Article

Roya Srdari¹, Ebrahim Taghavi^{2*}, Bakhtiyar Ezzat Panah²

1- Ph.D Candidate of Urban Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

2- Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-05-26

Revised: 2024-07-07

Accepted: 2024-07-07

Keywords

Tourism

Urban Development Plans

City Development

Tabriz

ABSTRACT

Introduction

Tabriz metropolis has abundant natural resources considering the successful development of tourism, climate diversity, and many natural and cultural attractions in tourism. However, it faces challenges for tourism development like challenges in the transportation sector, infrastructures, development of tourism capacity, protection of cultural heritage, nature, tourism marketing, local handicrafts, and environmental pollution management. The present research seeks to explain the place of tourism attractions in urban development plans and find the weak points of these plans in paying enough attention to tourism so that they can fully realize the capacities of urban tourism and create a link between urban development and tourism by better identifying tourism attractions. Cities with high tourism potential and the analysis of their evaluation criteria as well as the factors affecting the weakness of urban tourism in the urban studies of Tabriz metropolis, it is possible to achieve the real and legal position of the category of urban tourism in the process of planning and preparing urban development plans. According to the achievements of tourism in different dimensions and emphasis on new approaches in urban development plans, including revitalizing the potential of urban tourism, it is possible to contribute to the prosperity of this flow and create positive effects in the economic prosperity of the metropolis of Tabriz, because Iran always has historical monuments. It has long been considered one of the best tourist destinations, and Tabriz metropolis will not be an exception to this rule. The question of the current research is, what are the effective factors in the weakness of urban tourism in urban development plans in Tabriz metropolis?

Materials and Methods

According to the purpose of the research, the type of research is applied with a descriptive-analytical method. To carry out this research, the content of related documents (comprehensive, detailed, and urban master plans) of the studied cities was first examined. In terms of content, the structure of these plans and how they look at tourism were analyzed and the place of tourism in these plans was determined. Then, the statistical population, the sampling method (using the snowball sampling method), and the volume of the samples were determined. For this purpose, according to the

* Corresponding author: taghavi.ebrahim477@gmail.com

تبیین عوامل مؤثر در ضعف گردشگری شهری در طرح‌های توسعه شهری کلان‌شهر تبریز

مقاله پژوهشی

رؤیا سرداری^۱؛ ابراهیم تقوی^{۲*}؛ بختیار عزت پناه^۲

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

۲- استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

چکیده

مقدمه

کلان‌شهر تبریز علی‌رغم برخورداری از منابع طبیعی فراوان، تنوع آب‌وهوایی، و جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی فراوان در بخش گردشگری، برای توسعه موفق گردشگری با چالش‌هایی از جمله در بخش حمل‌ونقل، زیرساخت‌ها، توسعه ظرفیت گردشگری، حراست از میراث فرهنگی و طبیعی، بازاریابی گردشگری، بازاریابی صنایع دستی بومی و محلی، و مدیریت آلاینده‌های زیست‌محیطی و... روبه‌رو است. تحقیق حاضر در پی تبیین جایگاه جاذبه‌های گردشگری در طرح‌های توسعه شهری و یافتن ضعف‌های این طرح‌ها در توجه کافی به گردشگری که است بتواند ظرفیت‌های گردشگری شهری را از قوه به فعل درآورد و میان توسعه شهری و گردشگری پیوند ایجاد کند و با شناسایی بهتر جاذبه‌های گردشگری شهرهای با پتانسیل بالای گردشگری و تحلیل معیارهای ارزیابی آن‌ها و همچنین، عوامل مؤثر بر ضعف گردشگری شهری در مطالعات شهری کلان‌شهر تبریز، بتوان به جایگاه واقعی و قانونی مناسب مقوله گردشگری شهری در فرایند برنامه‌ریزی‌ها و تهیه طرح‌های توسعه شهری دست یافت. با توجه به دستاوردهای امر گردشگری در ابعاد مختلف و تأکید بر رویکردهای نوین در طرح‌های توسعه شهری از جمله بازسازی پتانسیل‌های گردشگری شهری می‌توان به رونق این جریان کمک کرد و اثرات مثبتی در رونق اقتصادی کلان‌شهر تبریز ایجاد کرد، زیرا ایران همواره با وجود آثار تاریخی فاخرش از بهترین مقصدهای توریستی محسوب می‌شده است که بی‌شک کلان‌شهر تبریز از این قاعده مستثنا نخواهد بود. سؤال تحقیق حاضر این است که عوامل مؤثر در ضعف گردشگری شهری در طرح‌های توسعه شهری در کلان‌شهر تبریز کدام‌اند؟

مواد و روش‌ها

با توجه به هدف پژوهش، نوع پژوهش کاربردی با روش توصیفی-تحلیلی است. به منظور انجام این پژوهش، ابتدا به بررسی محتوایی اسناد مرتبط (طرح‌های جامع، تفصیلی و هادی شهری) شهرهای مورد مطالعه پرداخته شد. از نظر محتوا ساختار این طرح‌ها و نحوه نگاه آن‌ها به گردشگری مورد تحلیل قرار گرفت و جایگاه گردشگری در این طرح‌ها مشخص شد. سپس جامعه آماری، روش نمونه‌گیری (با استفاده از روش نمونه‌گیری روش گلوله برفی) و حجم نمونه‌ها مشخص شد. به همین منظور، با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با تأکید بر رویکردی اکتشافی با ۲۰ نفر از متخصصان و خبرگان صورت گرفت. در مرحله بعدی، بر اساس عوامل شناسایی شده پرسشنامه‌ای بر پایه طیف پنج‌گانه لیکرت (خیلی کم، کم، زیاد، متوسط و خیلی زیاد) طراحی شد. از طریق این پرسشنامه عوامل ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری در جامعه هدف مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه، ابتدا تعدادی پرسشنامه در جامعه آماری توزیع شد و سپس، با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، پایایی پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت. ضریب آزمون

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷

کلمات کلیدی

توسعه شهر
طرح‌های توسعه شهری
کلان‌شهر تبریز
گردشگری

عمران ناحیه‌ای و منطقه‌ای کم‌تجربه بودن کادر متخصص در برنامه‌ریزی شهری، در سطح تصمیم‌گیری کلان‌کشوری، کمبود کادر متخصص در امور برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی در کشور) در زمینه ضعف گردشگری داشته است و بعد از آن به‌ترتیب عامل اجتماعی با وزن برآورد استاندارد ۰/۸۹۹، عامل نهادی با وزن برآورد استاندارد ۰/۸۳ و عامل ساختاری با وزن برآورد استاندارد ۰/۷۸۲ و در عامل اقتصادی با وزن برآورد استاندارد ۰/۷۶۹ بیشترین تا کمترین میزان اثرگذاری در ضعف گردشگری طرح‌های توسعه شهری در تبریز داشته‌اند. در نتیجه باید در بین پنج عامل اصلی به عامل سوم که عامل مدیریتی در این تحقیق بود بیشتر از سایر عوامل توجه شود تا ضعف‌های گردشگری پوشش داده شده و بهبود یابد.

نتیجه‌گیری

در نتیجه، باید گفت که مدیریت بر صنعت گردشگری نه تنها مدیریتی غیر تخصصی و ارزش‌مدار است، بلکه حتی با وجود مدیریتی پرتوان، علمی و اقتصادمدار هم نمی‌توان انتظارات زیادی داشت، زیرا مسائلی از جمله وجود شبکه‌ای از ارتباطات فراقانونی قدرت، بی‌توجهی مسئولان رده بالا و برنامه‌ریز کشور، و دست‌آخر، بودجه و امکانات فوق‌العاده ضعیف و عدم مشارکت مردمی در طرح‌ها و غیره هر گونه تلاشی را ناکام می‌گذارند. در این راستا مقاله حاضر با نگاه تازه به طرح‌های توسعه شهری در پی بازنگری جدید در این طرح‌ها و ساختار گردشگرمحور آن‌ها با اضافه کردن سرفصلی به نام گردشگری است.

آلفای کرونیخ (۰/۸۱۱) نشان می‌دهد نتایج این پژوهش قابل اعتماد خواهد بود. پس از سنجش پایایی، پرسشنامه بین نمونه‌ها توزیع و سپس، گردآوری شد. در ادامه به منظور شناسایی میزان اثرگذاری عوامل ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری از تحلیل عاملی اکتشافی برای گروه‌بندی این عوامل استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی ارتباط میان عوامل و تعیین سهم هر یک از آنان از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. مدل معادلات ساختاری یک رویکرد آماری جامع برای آزمون روابط بین متغیرهای مشاهده‌شده و متغیرهای مکنون است. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل معادلات ساختاری نشان داد عامل اول یعنی نهادی با نسبت بحرانی ۴/۸۹۴، عامل دوم یعنی ساختاری با نسبت بحرانی ۳/۷۴۲ و عامل سوم یعنی مدیریتی با نسبت بحرانی ۵/۳۲۱ و عامل چهارم یعنی اقتصادی با نسبت بحرانی ۳۲۱۵، و عامل اصلی پنجم یعنی اجتماعی (با نسبت بحرانی ۵/۲۵۲ هر یک با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ رابطه معناداری با ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری شهر تبریز دارند. در نهایت بین این پنج عامل اصلی عامل مدیریتی با وزن برآورد استاندارد ۰/۹۱۵ بیشترین اثرگذاری با متغیرهایش (ناقص بودن دیدگاه مهندسی مشاور طرح‌های توسعه شهری در خصوص گردشگری، بی‌اطلاعی مدیران شهری از ابعاد اثرگذاری گردشگری در سطح شهرها، عدم هماهنگی طرح‌های بخشی با

مقدمه

حمل و نقل و... دیده‌اند، اما شهر به عنوان یک مرکز گردشگرپذیر دیده نشده است. مصداق عینی در ادعای یادشده، بررسی طرح‌های جامع و تفصیلی کلان‌شهر تبریز است. از طرفی دیگر، یکی از استراتژی‌های سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان مدیریت شهری استفاده از نظرات و دیدگاه‌های متخصصان و مهندسان شهری جهت استفاده بهینه و اقتصادی از فضای شهری است. این نگاه هرچند مزایایی برای دست‌اندرکاران آن داشته، اما با انتقادهایی نیز روبه‌رو بوده که بیشتر ناشی از نادیده گرفتن مشارکت‌های شهروندی و بی‌توجهی به جنبه‌های انسانی-فرهنگی در طراحی‌های شهری بوده است. از این منظر، این نگاه فن‌سالارانه و مهندسی به طرح‌های توسعه شهری جایگاه گردشگری در این طرح‌ها را نیز کم‌رنگ کرده است. کلان‌شهر تبریز علی‌رغم برخورداری از منابع طبیعی فراوان، تنوع آب‌وهوایی، و جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی فراوان در بخش گردشگری، برای توسعه موفق گردشگری با چالش‌هایی از جمله در بخش حمل‌ونقل، زیرساخت‌ها، توسعه ظرفیت گردشگری، حراست از میراث فرهنگی و طبیعی، بازاربایی گردشگری، بازآفرینی صنایع دستی بومی و محلی، و مدیریت آینده‌های زیست‌محیطی و غیره روبه‌رو است. تحقیق حاضر در پی تبیین جایگاه جاذبه‌های گردشگری در طرح‌های توسعه شهری و یافتن ضعف‌های این طرح‌ها در توجه کافی به گردشگری است که بتوانند ظرفیت‌های گردشگری شهری را از قوه به فعل درآورند و میان توسعه شهری و گردشگری پیوند ایجاد کنند و با شناسایی بهتر جاذبه‌های گردشگری شهرهای با پتانسیل بالای گردشگری و تحلیل معیارهای ارزیابی آن‌ها و همچنین، عوامل مؤثر بر ضعف گردشگری شهری در مطالعات شهری کلان‌شهر تبریز، بتوان به جایگاه واقعی و قانونی مناسب مقوله گردشگری شهری در فرایند برنامه‌ریزی‌ها و تهیه طرح‌های توسعه شهری دست یافت. با توجه به دستاوردهای امر گردشگری در ابعاد مختلف و تأکید بر رویکردهای نوین در طرح‌های توسعه شهری از جمله باززنده‌سازی پتانسیل‌های گردشگری شهری می‌توان به رونق این جریان کمک کرد و اثرات مثبتی در رونق اقتصادی کلان‌شهر تبریز ایجاد کرد، زیرا ایران همواره با وجود آثار تاریخی فاخرش از بهترین مقصدهای توریستی محسوب می‌شده است که بی‌شک کلان‌شهر تبریز از این قاعده مستثنا نخواهد بود. سؤال تحقیق حاضر این است که عوامل مؤثر در ضعف گردشگری شهری در طرح‌های توسعه شهری در کلان‌شهر تبریز کدام‌اند؟

پیشینه تحقیق

فرهادی بلقور و توانگر [۶] در مطالعه «اثرات اجرای طرح‌های توسعه شهری در تخریب مکان‌های باارزش شهر زیارتی- گردشگری مشهد» نشان دادند سیاست‌ها و طرح‌های شهری اجراشده در بخش مرکزی شهر مشهد، به هویت تاریخی آن آسیب جدی زده است. شیوه بازنمایی هویت‌زدای حاکم بر این فضا، قادر به حفظ بافت تاریخی، حتی به صورت تک‌بنا نیز نبوده و موجب جمعیت‌زدایی و کارکردزدایی بافت‌های تاریخی شهر مشهد و از بین رفتن مفهوم محله در این مناطق کهن شده است. تأکید بر حفاظت از لکه‌های باقی‌مانده بافت تاریخی، تلاش در نگاه‌داشت جمعیت بومی، بازآفرینی و احیای محلات تاریخی، ایجاد تعادل بین حفاظت و توسعه در طرح‌ها و اقدامات مدیریت شهری و کاربری‌بخشی این‌ها از طریق فعالیت‌های فرهنگی مانند گردشگری، راهبردهای قابل پیشنهاد برای آینده چنین پهنه‌هایی هستند.

آور و همکاران [۷] پژوهشی با عنوان «نقش طرح‌های توسعه شهری در توسعه گردشگری شهر لمران» انجام دادند. نتایج تحلیل واریانس آن‌ها نشان داد طرح‌های توسعه شهری بر توسعه گردشگری شهر لمران تأثیر داشته است. همچنین، نتایج آزمون t نشان داد مدیریت شهری، فرایند تصویب طرح و فرایند تهیه طرح بر توسعه گردشگری شهر لمران تأثیر داشته است.

بزرگ نیا و همکاران [۸] در پژوهشی با عنوان «تأثیر پروژه‌های محرک توسعه بر ارتقای گردشگری شهری در منطقه ۱۱ شهر تهران» نشان دادند ابعاد

امروزه، گردشگری یک پدیده اجتماعی و اقتصادی پیچیده و از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌دهی زندگی اجتماعی است [۱] که به یک فاکتور حیاتی در استراتژی توسعه اقتصادی بسیاری از کشورها و مقصدهای توریستی تبدیل شده است [۲]. بنا به گزارش سازمان بین‌المللی سفر و گردشگری در سال ۲۰۱۸، بخش توریسم با متوسط رشد ۳/۱ درصدی ۶/۱ میلیون شغل در این بخش به صورت مستقیم ایجاد شده است. همچنین، این بخش باعث ایجاد درآمدی معادل ۶/۷ تریلیون دلار آمریکا معادل ۲/۱۰ درصد تولید ناخالص جهانی و ۲۹۲ میلیون شغل در سطح جهانی شده است. کشورهای موفق در حوزه گردشگری درآمد هنگفتی را از این بازار نصیب خود کرده‌اند، به گونه‌ای که ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۶ رقمی معادل ۲۰۶ میلیارد دلار و کشور ترکیه در همسایگی ایران درآمدی معادل ۱۸/۷۴۳ میلیارد دلار در بخش توریسم کسب کرده‌اند [۳]. بزرگی رقم‌های مورد اشاره زمانی مشخص می‌شود که رقم تولید ناخالص داخلی ایران اگر در همین سال بررسی شود، معادل ۴۱۲/۸ میلیارد دلار است. طبق اعلام سازمان بین‌المللی سفر و گردشگری در سال ۲۰۱۹، ایالات متحده آمریکا معادل ۵۰ درصد و کشور ترکیه معادل ۴/۵ درصد تولید ناخالص داخلی ایران از بخش گردشگری درآمد کسب کرده‌اند. در بین گونه‌ها و انواع گردشگری، فرهنگ و توریسم فرهنگی انگیزه و جایگاه مهمی در صنعت گردشگری یافته است، به نحوی که امروزه میلیون‌ها نفر برای دیدن جاذبه‌های فرهنگی به سفر می‌روند. شهرها، بناها، سایت‌های تاریخی، مردم، سنت‌ها، غذاها، لباس‌ها همگی جزء این جاذبه‌های فرهنگی و به نوعی اجتماعی به شمار می‌آیند. به این ترتیب در آغاز قرن ۲۱، گردشگری فرهنگی بسیار محبوب شده و همه‌جا مورد استقبال قرار گرفته است [۴]. کلیساهای جامع، نمایشگاه‌های هنری، کنسرت‌ها، جشنواره‌ها و فستیوال‌های ملی-محلی بسیار مورد علاقه گردشگران قرار گرفته است. بر این اساس، تعداد زیاد ارائه‌دهندگان خدمات گردشگری فرهنگی، با توجه به بازار پرسود آن، باعث افزایش رقابت شده‌اند. در این شرایط ارائه‌دهندگان فعالیت‌های فرهنگی و سفرهای آموزشی برای توسعه استراتژی‌های موفقیت‌آمیز تجاری و هدف دستیابی به بازار بیشتر، ارزیابی زمینه‌های موجود در مقصد و نیازها، خواسته‌ها، علایق و ترجیحات گردشگران را مورد مطالعه قرار داده‌اند [۵]. کشور ایران علی‌رغم غنای فرهنگی، نتوانسته است کارنامه موفق‌تری در این حوزه کسب کند. گردشگری ایران طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۶ رشد ۱۰ درصدی سالانه گردشگر واردشده به کشور را تجربه کرده است، سهم گردشگران واردشده به کشور در دوره مورد اشاره از ۰/۱ به ۰/۴ رسیده است. در همین دوره آمار گردشگران بین‌المللی از ۵۲۴ میلیون نفر به ۱۲۴۴ میلیون نفر افزایش یافته است. شرایط مورد اشاره در حالی به وقوع پیوسته است که این کشور به لحاظ جاذبه‌های فرهنگی-تاریخی در رتبه ۹ و از لحاظ جاذبه‌های طبیعی در رتبه ۱۰ جهانی پتانسیل گردشگری قرار دارد. از جمله دلایل نسبت و سهم پایین کشور ایران در بازار گردشگری بین‌المللی ضعف مکانیسم‌های برنامه‌ریزی و شناسایی گرایش‌ها بازار، بازاربایی، ضعف زیرساخت‌های گردشگری است. اهمیت و آمارهای موجود امروز گردشگری و روند رو به رشد شهرنشینی ارتباط شهر و گردشگری را به خوبی بیان می‌کند. شهرها با گردشگری پیوندی مستقیم و دوجانبه دارند و علی‌رغم نبودن موضوع، گردشگری شهری جایگاه مناسب خود را سریع پیدا کرده و در حال ظهور و رشد دوباره است [۵]. به طوری که با توجه به جایگاه ویژه شهر، به‌ویژه کلان‌شهرها در بسیاری از کشورهای موفق در این بخش، شهر پایه و اساس توسعه گردشگری است. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته تغییرات مهمی را در مبانی طرح‌های شهری شکل گرفته و جهت‌گیری کلی آن‌ها به سوی اشرافیت نظر مردم و انطباق با درخواست‌های جامعه مدنی بوده است. در ایران غفلت طرح‌های شهری از توجه به توان‌های گردشگرپذیری شهر خلأ بزرگ این طرح‌ها است و نبود سرفصل مطالعاتی خاص برای گردشگری از ضعف‌های آن‌ها است. این طرح‌ها شهر را به عنوان مرکز جمعیت، تجارت،

این تحقیق می‌تواند رویکرد جدیدی نسبت به منابع قبلی داشته باشد.

مبانی نظری

گردشگری و گردشگری شهری

مفهوم گردشگری مفهومی پیچیده و پویا است. از تعاریف اولیه گردشگری که در دهه اول قرن بیستم ارائه شد تا تعاریف اخیر در حال تغییر بوده است [۱۴]. بنابراین نمی‌توان به طور مستقیم آن را تعریف کرد گردشگری پدیده‌ای منحصر به فرد در دوران مدرن است که به نیاز روزافزون مردم به آرامش، تمایل آن‌ها به شناخت زیبایی‌های طبیعت و این باور که طبیعت به انسان خوشبختی می‌دهد وابسته است. در زمان قدیم گردشگری به معنای رفتن به طبیعت بود. پس از جنگ جهانی دوم، وابستگی بین تعریف گردشگری و طبیعت کاهش یافت و مکان‌ها به عنوان مقصد بسیار مورد توجه قرار گرفتند [۴]. به عنوان مثال کوهن [۱۵] اشاره می‌کند که: گردشگری به معنای بازدید از یک مکان برای اوقات فراغت است. فعالیت‌هایی مانند تعطیلات، سرگرمی، دیدار با خانواده و دوستان، ورزش، استراحت و تفریح. به گفته کوهن، این مکان‌ها می‌توانستند در هر جایی باشند و محدود به طبیعت نبودند. همچنین امروزه بر اساس مفاهیم گردشگری که توسط سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد (UNWTO) منتشر شده است، گردشگری مدرن تعداد فزاینده‌ای از مقاصد جدید را در بر می‌گیرد که با مقصدی قدیمی مانند مکان‌های طبیعی، تاریخی، ساحلی و موزه متفاوت است. در این راستا علاقه به فرهنگ‌های محلی و مقصد شهری به دلیل ارتقای سطح تحصیلات و رفاه اقتصادی مردم عادی، تمایل به امتحان سلیقه‌های مختلف، آشنایی با فرهنگ‌های مختلف و خرید رو به رشد است. و به دلیل اینکه گردشگری «دریا» محبوبیت خود را به میزان قابل توجهی از دست داده است [۱۶]. گردشگری در قسمت‌های تاریخی شهرها اهمیت پیدا کرد. گردشگری در شهرهای تاریخی و پایتخت کشورها توسعه یافته و سپس با رشد در شهرهای دیگر شروع به شکوفایی کرد، اما در واقع گردشگری شهری چیست؟ پژوهشگران معتقدند که گردشگری شهری پدیده‌ای پیچیده است که شامل انواع فعالیت‌های گردشگری مانند استراحت و سرگرمی در شهر، خرید و تفریح، شرکت در برنامه‌های ویژه و جلسات کاری، گالری‌های هنری، کنسرت‌ها، جشنواره‌ها، بازدید از مکان‌های جذاب مانند نمایشگاه‌ها، موزه‌ها، بازدید از اقوام و خویشاوندان است [۱۷]. اما جاذبه‌های واقعی در گردشگری شهری شامل جذابیت‌های انسانی و همچنین فعالیت‌هایی است که بر اساس جذابیت‌های تاریخی و فرهنگی صورت می‌گیرد. طبق تعریف سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد، گردشگری شهری «نوعی از فعالیت‌های گردشگری است که در یک فضای شهری با ویژگی‌های ذاتی آن که با اقتصاد غیر کشاورزی مانند مدیریت، تولید، تجارت و خدمات رفاهی مشخص می‌شود، صورت می‌گیرد. حمل‌ونقل در شهرهای مقصد طیف وسیع و ناهمگونی از تجربیات و محصولات فرهنگی، معماری، فناوری، اجتماعی و طبیعی را برای اوقات فراغت و تجارت ارائه می‌دهند [۱۸].

طرح‌های توسعه شهری

کشورهای زیادی راهکارهای علمی و عملی فراوانی برای بیرون رفت از تنگنای شهرها و ناحیه‌های شهری و بهبود پیدا کردن وضعیت محیطی و کالبدی آن‌ها، انجام تحقیقات شهری و فراهم کردن و اجرای طرح‌های توسعه شهری دانسته‌اند [۱۹]. این طرح‌ها با هزینه و انرژی زیادی جهت شناخت و استفاده از زمین و گسترش و توسعه متوازن شهرها تهیه می‌شوند. به دلیل نیاز ضروری به کنترل گسترش شهری و ایجاد نظم در اقدام عملی عمران شهری، تهیه طرح‌های توسعه شهری از سال ۱۳۴۲ طرح‌های هادی برای شهرها و سپس، با تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری، تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی نیز برای شهرهای بزرگ کشور شروع کرد [۲۰].

طرح‌های توسعه شهری

طرح‌های شهری معمولاً برای شهرهای کوچک که تا حدود ۲۵ هزار نفر

اقتصادی، کالبدی-فضایی، اجتماعی و زیست‌محیطی بر پروژه‌های محرک توسعه و در نهایت، پروژه‌های محرک توسعه با ضریب مسیر ۰/۶۳ بر توسعه گردشگری تأثیر مثبت و معناداری دارد، به گونه‌ای که هر تغییری به صورت مثبت در ابعاد مورد نظر باعث ارتقای کیفیت فضای گردشگری شهری خواهد شد و می‌توان گفت که اجرای پروژه‌های محرک توسعه تأثیر بسزایی بر توسعه گردشگری خواهد داشت.

عباسی و همکاران [۹] در مطالعه‌ای با عنوان «برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری شهری در شهر خرم‌آباد» نشان دادند وضعیت گردشگری خرم‌آباد در میان چهار حالت تهاجمی، تدافعی، محافظه‌کارانه و رقابتی مدل SWOT در حالت تهاجمی قرار دارد، یعنی باید با توجه به توانمندی‌های موجود در صدد بهره‌گیری از فرصت‌های پیش رو باشد.

کورنیاتی و همکاران [۱۰] استراتژی‌هایی برای گردشگری شهری پایدار در کامپونگ باتیک، سمرانگ، اندونزی، را بررسی نموده و نتایج تجزیه و تحلیل ماتریس SWOT و EFAS/IFAS را برای کمک به تدوین استراتژی گردشگری شهری پایدار با مقیاس اولویت استفاده نمودند. ۲۶ استراتژی کشف شد. آن‌ها تحت سلطه پیشنهادهایی برای تقویت سیستم توسعه، مدیریت، و ساختار مجدد صنعت برای تبدیل شدن به چندبخشی بودند.

چاندرا و سینهها [۱۱] در پژوهشی با عنوان «نقش برنامه‌ریزی شهری در حفظ میراث فرهنگی و تقویت گردشگری؛ مطالعه موردی: گوالیور» اهمیت یک رویکرد کل‌نگر به برنامه‌ریزی شهری را نشان دادند که حفاظت از میراث، توسعه پایدار، مشارکت اجتماعی و ارتقای زیرساخت‌ها را ادغام می‌کند. این مقاله با تأکید بر نیاز به تلاش‌های مشترک بین ارگان‌های دولتی، جوامع محلی و ذی‌نفعان گردشگری برای تضمین حفظ طولانی‌مدت میراث فرهنگی گوالیور و هم‌زمان ارتقای پتانسیل گردشگری آن به پایان می‌رسد.

ماندیک و کنل [۱۲] در پژوهشی با عنوان «حکمرانی هوشمند مقاصد گردشگری بر اساس دیدگاه مدیریت مقصد» به این نتیجه رسیدند که مقاصد گردشگری شهری می‌تواند به عنوان عوامل اجتماعی، عملکردی، زیست‌محیطی و ارائه خدمات شهروندمحور استفاده شوند. همه این‌ها می‌تواند به مقاصد گردشگری فرهنگی شهری برای بهینه‌سازی توسعه گردشگری خود کمک کند. این تحقیق علاوه بر این، تأثیر عوامل زمینه‌ای، مانند سطح حمایت بخش عمومی از گردشگری و تأثیر فزاینده ذی‌نفعان غیر گردشگری در مدیریت مقصد را بر ادراک گردشگری فرنگی شهری نشان می‌دهد و توصیه‌هایی برای چگونگی پیشرفت در استفاده از این عوامل را ارائه می‌کند.

وانگ و همکاران [۱۳] در پژوهشی با عنوان «دستیابی به گردشگری پایدار: تحلیل تأثیر آموزش محیطی بر رفتار مسئولانه گردشگران» نتایج نشان دادند: (۱) آموزش زیست‌محیطی روزانه عمدتاً از طریق نگرش (۰/۴۶۷) و عادات (۰/۶۳۴) بر رفتار محیطی مسئولانه گردشگران تأثیر می‌گذارد. (۲) رفتار محیطی مسئولانه گردشگران عمدتاً تحت تأثیر آموزش محیطی موقعیتی از طریق عادات (۰/۵۳۴)، هنجارهای ذهنی (۰/۵۰۴) و قصد (۰/۶۱۴) است و (۳) عوامل شخصی، از جمله نگرش نسبت به رفتار محیطی، هنجارهای ذهنی، و کنترل رفتار ادراکی، به طور مثبت بر قصد رفتار محیطی مسئولانه گردشگران و رفتار محیطی مسئولانه آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این تحقیق به بهبود شاخص‌ها و چارچوب‌های پایداری و ارتقای پذیرش شیوه‌های گردشگری پایدار کمک می‌کند.

با توجه به پیشینه تحقیق جاذبه‌ها در گردشگری نقش اصلی را در جذب گردشگر دارند. رویکرد ارائه جاذبه‌ها در منابع مختلف در اسنادی همچون طرح‌های توسعه شهری عدم کارایی بالای این طرح‌ها نتوانسته است اثر موثری داشته باشد. با توجه به منابع مختلف ارائه‌شده در پیشینه تحقیق و جایگاهی که گردشگری می‌تواند در رشد و شکوفایی شهر داشته باشد، اما عوامل ضعیفی وجود دارد که این طرح‌ها نتوانسته‌اند نقش اصلی خود را بازی کنند. در اکثر منابع ارائه‌شده به نقش و کارکرد این طرح‌ها در عدم کارایی آن‌ها در برخورد با گردشگری پرداخته نشده است. در نتیجه، عواملی هستند که ممکن است در این ضعف نقش داشته باشند که به عنوان متغیرهای اصلی

زمین برای هر یک از آن‌ها و وضع دقیق و تفصیلی شبکه حمل و نقل و میزان تراکم جمعیت، تراکم در واحدهای شهری، اولویت‌های مربوط به مناطق بهسازی، توسعه و رفع مشکل شهری و عوامل گوناگون شهری در آن نوشته خواهد شد. طرح تفصیلی بعد از طرح جامع شهری به منظور انجام برنامه‌های اجرایی تصویب شده انجام می‌شود. طرح تفصیلی در حقیقت، مدون کردن برنامه‌های مفصل و انجام اقدامات تمام اجزا در مناطق شهری و طراحی آن‌هاست [۲۱].

مجمع جهانی اقتصاد در تازه‌ترین گزارش خود از مجموعه گزارش‌های رقابت‌پذیری اقتصاد کشورهای مختلف، شرایط ایران را از نظر آمادگی برای جذب گردشگر خارجی در سال ۲۰۱۹ میلادی بررسی کرده است [۲۲] رتبه و آمادگی ایران در این حوزه از آن رو به شدت مهم است که با تحولات مثبت رخ داده در فضای دیپلماتیک از یک سو و ضرورت کسب درآمدهای ارزی به غیر از مجرای فروش نفت، درآمد از محل جذب توریست یکی از روش‌های کلیدی درآمدزایی ملی است. گزارش‌های رقابت‌پذیری با توجه به شرایط موجود جهانی شاخص‌هایی را تعریف و براساس آن امکان مقایسه شمار بالایی از کشورها در حوزه گردشگری را فراهم می‌آورد.

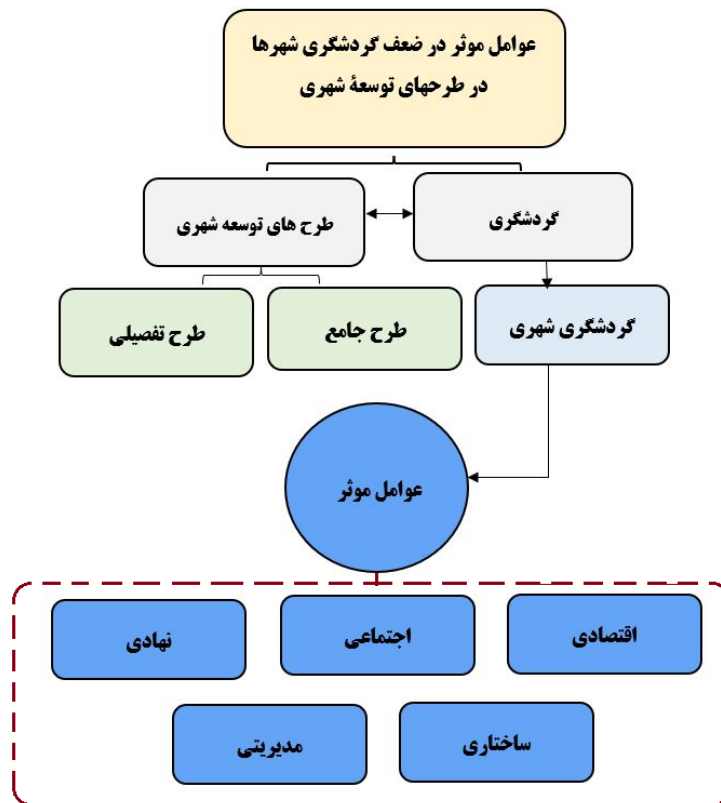
جمعیت دارند، آماده می‌شود. در واقع، طرح هادی مشخص‌کننده اصل‌های کلی توسعه شهر است که بیشتر هدایت توسعه شهرها مورد نظر است. از طرح هادی به نام برنامه راهنمای توسعه شهر یاد می‌شود که قبل از اجرای طرح جامع است. طرح هادی برای شهرهایی که فاقد بودجه طرح جامع هستند یا امکان اجرای طرح جامع در آن‌ها، مهیا نیست تهیه می‌شود [۲۱].

طرح جامع شهری

به منظور مدون کردن برنامه و مشخص کردن ابعاد توسعه شهر و تأمین نیازمندی‌های آن بر اساس آینده‌نگری و اهداف توسعه شهری، تهیه می‌شود. طرح جامع اغلب برای شهرهای بزرگ و بیش از ۲۵ هزار نفر جمعیت دارند، تهیه می‌شود. طرح جامع، عبارت است از: برنامه‌ای که به صورت راهنما عمل کند [۲۰].

طرح تفصیلی شهری

این طرح بر اساس معیارها و ضوابط اصلی طرح جامع، چگونگی استفاده از اراضی شهری را در سطح محلات مختلف شهر و موقعیت و مساحت درست



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

حجم نمونه‌ها مشخص شد. به همین منظور، با توجه به میانی نظری و پیشینه تحقیق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با تأکید بر رویکردی اکتشافی با ۲۰ نفر از متخصصان و خبرگان صورت گرفت. در مرحله بعدی، بر اساس عوامل شناسایی شده پرسشنامه‌ای برپایه طیف پنج‌گانه لیکرت (خیلی کم، کم، زیاد، متوسط و خیلی زیاد) طراحی شد. از طریق این پرسشنامه عوامل ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری در جامعه هدف مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه، ابتدا تعدادی پرسشنامه در جامعه

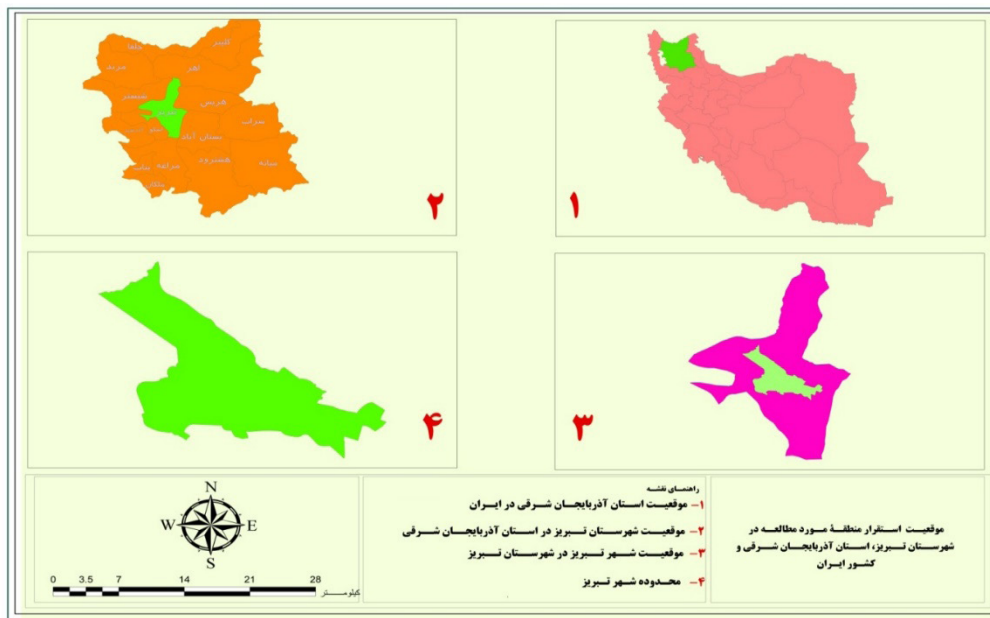
مواد و روش‌ها

با توجه به هدف پژوهش، نوع پژوهش کاربردی با روش توصیفی-تحلیلی است. به منظور انجام این پژوهش ابتدا به بررسی محتوایی اسناد مرتبط (طرح‌های جامع، تفصیلی و هادی شهری) شهرهای مورد مطالعه پرداخته شد. از نظر محتوا ساختار این طرح‌ها و نحوه نگاه آن‌ها به گردشگری مورد تحلیل قرار گرفت و جایگاه گردشگری در این طرح‌ها مشخص شد. سپس جامعه آماری، روش نمونه‌گیری (با استفاده از روش نمونه‌گیری روش گلوله برقی) و

موقعیت جغرافیایی تقریبی ۲۳ درجه و ۴۶ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی قرار دارد و ارتفاع متوسط آن حدود ۱۳۴۰ متر از سطح دریا است [۲۳]. شهر تبریز در فلات آذربایجان واقع شده و به عنوان حلقه‌ای بین فلات ایران، فلات ارمنستان (از سوی شمال) و فلات آناتولی (از سوی غرب) عمل می‌کند. موقعیت جغرافیایی مناسب شهر تبریز به همراه عوامل اقتصادی و انسانی، مرزهای سیاسی و فرهنگی، راه‌های ارتباطی داخلی و ترانزیتی، و موقعیت راهبردی آن در نزدیکی کشورهای هم‌جوار این شهر را به یک موقعیت ممتاز و راهبردی تبدیل کرده است. جمعیت شهر ۱۵۹۳۳۷۳ نفر برآورد شده است [۲۴]. علی‌رغم این موقعیت ممتاز و شرایط منحصربه‌فرد اقتصادی و سیاسی این شهر به صورت گسترده دارای سکونتگاه‌های اسکان غیررسمی است. تمرکز این سکونتگاه‌ها عمدتاً در بخش‌های شمالی و جنوبی این شهر است. طبق برآوردهای تخمینی و اولیه تقریباً ۴۵۰ هزار نفر در این بافت‌ها سکونت دارند که با توجه به جمعیت شهر تبریز رقم نسبتاً بالایی است.

آماري توزيع شد و سپس، با استفاده از آزمون آلفای کروناخ، پایایی پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت. ضریب آزمون آلفای کروناخ (۰/۸۱۱) نشان می‌دهد نتایج این پژوهش قابل اعتماد خواهد بود. پس از سنجش پایایی، پرسشنامه بین نمونه‌ها توزیع و گردآوری شد. در ادامه به منظور شناسایی میزان اثرگذاری عوامل ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری از تحلیل عاملی اکتشافی برای گروه‌بندی این عوامل استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی ارتباط میان عوامل و تعیین سهم هر یک از آنان از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. مدل معادلات ساختاری یک رویکرد آماری جامع برای آزمون روابط بین متغیرهای مشاهده‌شده و متغیرهای مکنون است. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد.

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش شهر تبریز است. این شهر مرکز استان آذربایجان شرقی است و به عنوان بزرگ‌ترین کلان‌شهر شمال غرب ایران شناخته می‌شود و دارای وسعتی حدود ۲۴۴۹۸ هکتار است. این شهر در



شکل ۲. موقعیت محدوده مورد مطالعه

و موضوعات (تم) فرعی (مانند «عوامل ساختاری») شناسایی و سپس به هر کدام یک کد اختصاص داده شد. در این مرحله با بررسی پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان ۲۸ عامل مؤثر در ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری کلان‌شهر تبریز شناسایی شدند (جدول ۱).

یافته‌ها

به منظور تعیین عامل مؤثر در ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری کلان‌شهر تبریز، ابتدا متن مصاحبه از روی صدای ضبط‌شده از جلسه مصاحبه پیاده‌سازی شد و با استفاده از یادداشت‌های برداشته‌شده طی جلسات مصاحبه تکمیل شد. سپس، با مطالعه دقیق این متون، ابتدا برای هر یک از مصاحبه‌های تهیه‌شده تمامی ایده‌های مستقل در قالب مفاهیم (مانند «عدم همخوانی روش شناسی طرح‌های توسعه شهری با مقوله گردشگری شهری»)

جدول ۱. عوامل مؤثر در ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری کلان‌شهر تبریز

کد	عوامل	موضوعات فرعی	کد	عوامل	موضوعات فرعی
R01	عدم حمایت مدیران شهر از تسهیلگران گردشگری شهری به دلیل نبود سرفصلی به نام گردشگری در طرح‌های توسعه شهری	مدیریت شهری	R17	ناقص بودن دیدگاه مهندسين مشاور طرح‌های توسعه شهری در خصوص گردشگری	مدیریت شهری
R02	دولتی بودن مدیران اجرایی شهر متکی به بودجه عمومی مبتنی بر رانت نفت و ملزم ندانستن خود بر کسب درآمد از منابعی مانند گردشگری		R18	بی‌اطلاعی مدیران شهری از ابعاد اثرگذاری گردشگری در سطح شهرها	
R03	نبود شرح وظایفی در مورد گردشگری شهری برای شهرداری‌ها در شرح خدمات شهری		R19	عدم هماهنگی طرح‌های بخشی با عمران ناحیه‌ای و منطقه‌ای	
R04	نبود مدیریت یکپارچه گردشگری در سطح شهر		R20	مشخص نبودن سیاست‌های شهرنشینی و توزیع جمعیت	
R05	ضعف نهادهایی مثل اداره میراث فرهنگی، مسکن و شهرسازی و شهرداری در عدم به‌کارگیری سرفصلی به نام گردشگری در طرح‌های توسعه شهری کلان‌شهر تبریز		R21	کم‌تجربه بودن کادر متخصص در برنامه‌ریزی شهری، در سطح تصمیم‌گیری کلان کشوری	
R06	ساختار معیوب چیده‌شده نهادها و مدیریت شهری		R22	کمبود کادر متخصص در امور برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی در کشور	
R07	عدم آگاهی سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی به عنوان سازمان متولی گردشگری کلان‌شهر تبریز از پیوند شهر با گردشگری	عوامل اقتصادی	R23	دیربازده بودن صنعت گردشگری	عوامل اقتصادی
R08	بی‌توجهی مدیران و سیاست‌گذاران بخش گردشگری شهری در حوزه عملیاتی فعالیت‌های گردشگری		R24	عدم اعتماد بانک‌ها به درآمدهای بخش گردشگری در بازدهی پایدار اقتصادی	
R09	کهنه بودن الگوی مطالعات شهری		R25	کمبود اعتبارات در تدوین و اجرای طرح‌های توسعه شهری	
R10	عدم همخوانی روش‌شناسی طرح‌های توسعه شهری با مقوله گردشگری شهری	عوامل اجتماعی	R26	فقدان هرگونه قانون مشخص در خصوص کیفیت و نحوه اجرای طرح‌ها	عوامل اجتماعی
R11	تأکید برنامه‌ریزان شهری بر جنبه‌های کالبدی در طرح‌های توسعه شهری		R27	عدم مشارکت مردمی در تدوین و اجرای طرح‌های توسعه شهری	
R12	فقدان پایایی و روایی روش‌شناسی طرح‌های توسعه شهری		R28	عدم نگاه از بیرون موضوع تحقیقات در سطح دانشگاه‌ها به مقوله برنامه‌ریزی	
R13	تدوین نشدن یک چارچوب و متدولوژی علمی در جوامع علمی، دانشگاهی و حرفه‌ای در ایران				
R14	ناشناخته و مبهم بودن گردشگری در نظام فکری جامعه علمی				
R15	نبود فرهنگ اجتماعی گردشگری در شهر (خاموش بودن ذهن مردم از این فرهنگ)				
R16	عدم آگاهی طراحان طرح‌های شهری بر بستر محیط و پتانسیل‌های موجود هر شهر به طور جداگانه و موازی کاری آن‌ها در تنظیم طرح‌ها				

نشان می‌دهد.

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول ۲ شاخص‌های مرکزی و پراکندگی ابعاد مورد مطالعه در پژوهش را

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

تعداد	میانگین	انحراف معیار	ابعاد
۲۰	۳/۹۸	۰.۵۱۸۸۹	نهادی
۲۰	۳/۳۵	۰.۴۷۱۹۸	ساختاری
۲۰	۴/۳۷	۰.۶۰۰۰۷	مدیریتی
۲۰	۳/۵۶	۰.۷۶۰۸۵	اقتصادی
۲۰	۳/۳۸	۰.۹۷۴۴۶	اجتماعی

اندازه‌گیری کفایت نمونه‌گیری است که کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها را بررسی می‌کند. هر چقدر به یک نزدیک شود، دارای همبستگی بیشتری بین عوامل وجود دارد. میزان کفایت نمونه‌گیری برابر $0/۸۲۵$ محاسبه شد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها از شرایط مناسب برای تحلیل عاملی برخوردارند. همچنین، به منظور اطمینان از اینکه همبستگی بین مواد آزمون در جامعه برابر صفر نیست، از آزمون کرویت بارتلت استفاده شد. در واقع، ماتریس داده‌ها برای تحلیل عاملی باید حاوی اطلاعات معناداری باشد، چون سطح معناداری کمتر از $0/۰۵$ است. بنابراین ماتریس همبستگی از سطح معنایی بالایی برخوردار است و قابلیت تحلیل با روش تحلیل عاملی را دارد (به جدول ۳ رجوع شود).

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. در میان عوامل مورد بررسی، متغیر مدیریتی با میانگین $۴/۳۷$ بیشترین میانگین را در بین متغیرها داشته و متغیر علمی با $۳/۱۵$ کمترین میانگین در بین عوامل مؤثر در ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری داشته است.

آمار استنباطی تحقیق

در ادامه، به منظور دستیابی به هدف پژوهش، ابتدا با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی عوامل ۲۸ گانه گروه‌بندی شد. به همین منظور، با استفاده از اندازه کفایت نمونه‌گیری کیزر می‌یر اولکین (KMO) میزان کفایت نمونه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت. شاخص KMO شاخصی برای

جدول ۳. برآورد کفایت حجم نمونه‌گیری

۰/۸۵۲	آزمون کفایت حجم نمونه‌گیری کیزر می‌یر اولکین
۸۲۷/۶۸۲	آزمون بارتلت و تقریب خی دو
۲۹۱	درجه آزادی
۰/۰۰۱	سطح معناداری

خود و یا سایر عوامل بر اساس برآورد پایایی، پنج متغیر «عدم اعتماد بانک‌ها به درآمدهای بخش گردشگری در بازدهی پایدار اقتصادی»، «فقدان پایایی و روایی روش‌شناسی طرح‌های توسعه شهری»، «ناشناخته و مبهم بودن گردشگری در نظام فکری جامعه علمی» و «مشخص نبودن سیاست‌های شهرنشینی و توزیع جمعیت» و «دولتی بودن مدیران اجرایی شهر متکی به بودجه عمومی مبتنی بر رانت نفت و ملزم ندانستن خود بر کسب درآمد از منابعی مانند گردشگری» حذف شد (جدول ۵).

پس از اطمینان از کفایت نمونه‌گیری محتوای مقیاس و معناداری ماتریس همبستگی داده‌ها به منظور بررسی ساختار عاملی پرسشنامه از روش تحلیل عاملی اکتشافی به شیوه مؤلفه‌های اصلی استفاده شد. مشخصه‌های آماری اولیه که با اجرای تحلیل مؤلفه‌های اصلی به دست آمد نشان داد میزان تبیین واریانس مشترک بین متغیرها روی هم $۷۵/۵۲۳$ درصد کل واریانس متغیرها است. همچنین، ۲۸ متغیر در قالب ۵ عامل اصلی طبقه‌بندی شد (جدول ۵). در ادامه، پایایی کلیه عوامل با استفاده از روش محاسبه آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به همخوانی و یا عدم همخوانی متغیرها با عوامل

جدول ۴. نتایج آماری تحلیل عاملی اکتشافی

عامل	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم
تعداد متغیرها	۷	۶	۵	۲	۳
پایایی (آلفای کرونباخ)	۰/۸۱۷	۰/۷۸۳	۰/۸۵۱	۰/۷۲۵	۰/۷۳۸
تعداد متغیرهای حذف‌شده	۱	۲	۱	۱	۰

جدول ۵. عوامل مؤثر در ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری کلان‌شهر تبریز بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی

عامل‌ها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم
عدم حمایت مدیران شهر از تسهیلگران گردشگری شهری به دلیل نبود سرفصلی به نام گردشگری در طرح‌های توسعه شهری	۰/۷۱				
عدم وجود شرح وظایفی در مورد گردشگری شهری برای شهرداری‌ها در شرح خدمات شهری	۰/۷۶				
نبود مدیریت یکپارچه گردشگری در سطح شهر تبریز	۰/۷۳				
ضعف نهادهایی مثل اداره میراث فرهنگی، مسکن و شهرسازی و شهرداری در عدم به‌کارگیری سرفصلی به نام گردشگری در طرح‌های توسعه شهری کلان‌شهر تبریز	۰/۷۸				
ساختار معیوب چیده‌شده نهادهای مدیریت شهری	۰/۷۵				

عامل پنجم	عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	عامل ها
				۰/۷۰	عدم آگاهی سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی به عنوان سازمان متولی گردشگری کلان شهر تبریز از پیوند شهر با گردشگری
				۰/۷۹	عدم توجه مدیران و سیاست گذاران بخش گردشگری شهری در حوزه عملیاتی فعالیت های گردشگری
			۰/۸۳		کهنه بودن الگوی مطالعات شهری
			۰/۶۹		تأکید برنامه ریزان شهری بر جنبه های کالبدی در طرح های توسعه شهری
			۰/۶۵		فقدان پایایی و روایی روش شناسی طرح های توسعه شهری
			۰/۶۴		تدوین نشدن یک چارچوب و متدولوژی علمی در جوامع علمی، دانشگاهی و حرفه ای در ایران
			۰/۵۹		نبود فرهنگ اجتماعی گردشگری در شهر (خاموش بودن ذهن مردم از این فرهنگ)
			۰/۶۱		عدم آگاهی طراحان طرح های شهری بر بستر محیط و پتانسیل های موجود شهر به طور جداگانه و موازی کاری آن ها در تنظیم طرح ها
		۰/۸۱			ناقص بودن دیدگاه مهندسیین مشاور طرح های توسعه شهری در خصوص گردشگری
		۰/۷۲			بی اطلاعی مدیران شهری از ابعاد اثر گذاری گردشگری در سطح شهرها
		۰/۸۴			عدم هماهنگی طرح های بخشی با عمران ناحیه ای و منطقه ای
		۰/۷۸			کم تجربه بودن کادر متخصص در برنامه ریزی شهری، در سطح تصمیم گیری کلان کشوری
		۰/۸۹			کمبود کادر متخصص در امور برنامه ریزی شهری و شهر سازی در کشور
	۰/۶۷				دیربازده بودن صنعت گردشگری
	۰/۶۹				کمبود اعتبارات در تدوین و اجرای طرح های توسعه شهری
۰/۷۴					فقدان هر گونه قانون مشخص در خصوص کیفیت و نحوه اجرای طرح ها
۰/۸۸					عدم مشارکت مردمی در تدوین و اجرای طرح های توسعه شهری
۰/۸۰					عدم نگاه از بیرون موضوع تحقیقات در سطح دانشگاه ها به مقوله برنامه ریزی

برای دست یابی به مطلوبیت مدل از مدل برازندگی استفاده می شود. با توجه به جدول ۶ نسبت مجذور کای به درجه آزادی ۲/۰۵۴ به دست آمده که مقادیر زیر ۳ مورد قبول است. شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب RMSEA برابر ۰/۰۴۱ است که این مقدار کمتر از ۰/۰۸ است که مدل از کیفیت لازم برخوردار است. مقدار شاخص SRMR نیز ۰/۰۲ به دست آمد که از ۰/۰۵ در سطح پایین تر است. سایر شاخص ها هم باید بین ۰/۹ یا بیشتر از آن به دست بیاید که در تحقیق حاضر این روند تحقق یافته و شاخص بیشتر از ۰/۹ به دست آمده است. در نهایت، کل مدل به دست آمده از برازش مطلوبی برخوردار بوده است و داده های به دست آمده به خوبی با آن سازگارند.

در این تحقیق بر اساس تحلیل عاملی اکتشافی، پنج عامل به عنوان عوامل مؤثر در ضعف گردشگری در طرح های توسعه شهری کلان شهر تبریز شناسایی شدند، که این پنج عامل متغیر مستقل و عامل ضعف گردشگری در طرح های توسعه شهری کلان شهر تبریز متغیر وابسته در نظر گرفته شد. پس از تعیین عوامل مؤثر در ضعف گردشگری در طرح های توسعه شهری کلان شهر تبریز با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، از مدل معادلات ساختاری برای دستیابی به هدف اصلی تحقیق مبنی بر ارتباط بین عوامل اثر گذار و نقش آن ها در ضعف گردشگری در طرح های توسعه شهری کلان شهر تبریز و ارائه مدل می رسد.

جدول ۶. شاخص های برازش مربوط به کل مدل

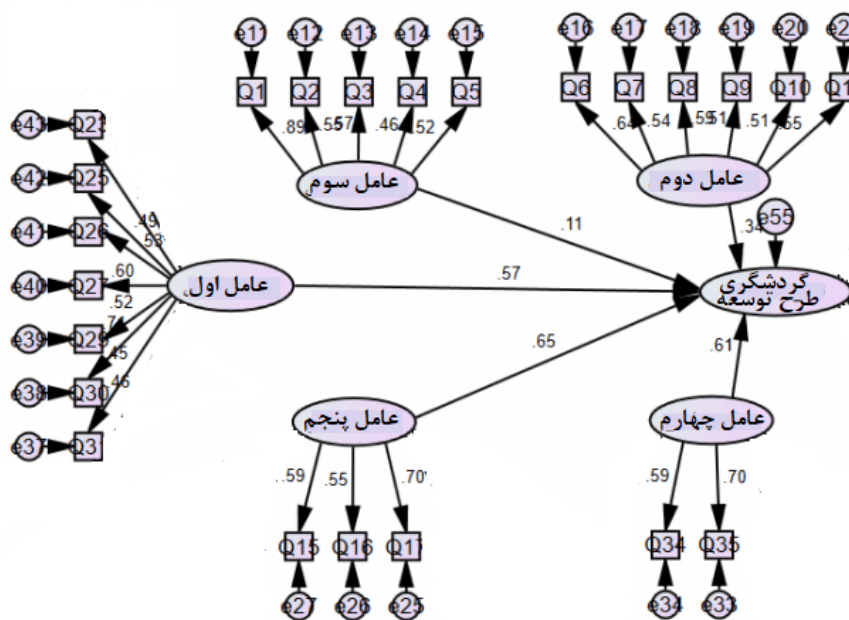
حد مجاز	برآوردها	نام شاخص
$P > 0.05$	$\chi^2 = 2/378$ $P = 0/01$ $df = 96$	مجذور کای (χ^2)
کمتر از ۳	۲/۰۵۴	مجذور کای به درجه آزادی (df/χ^2)
کمتر از ۰/۰۸	۰/۰۴۱	ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA)

نام شاخص	برآوردها	حد مجاز
شاخص برزندگی (GFI)	۰/۹۳	بیشتر از ۰/۹
شاخص برزندگی تعدیل یافته (AGFI)	۰/۹۷	بیشتر از ۰/۹
برزندگی نرم شده (NFI)	۰/۹۴	بیشتر از ۰/۹
برزندگی نرم نشده (NNFI)	۰/۹۵	بیشتر از ۰/۹
ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد (SRMR)	۰/۰۲	کمتر از ۰/۰۵
برزندگی تعدیل یافته (CFI)	۰/۹۶	بیشتر از ۰/۹

بر اساس نتایج به دست آمده از مدل، با توجه به عدد معناداری مسیر بین عوامل پنج گانه تحقیق و ضعف گردشگری در طرح های توسعه شهری کلان شهر تبریز، هر پنج عامل بر ضعف گردشگری در طرح های توسعه شهری کلان شهر تبریز اثر گذارند (جدول ۷ و شکل ۳).

جدول ۷. نتایج کلی مدل

رابطه	برآورد استاندارد	انحراف معیار	نسبت بحرانی	R
عامل اول > ضعف گردشگری در طرح های توسعه شهری	۰/۸۱۳	۰/۰۶۴۹	۴/۸۹۴	۰/۰۳۳
عامل دوم > ضعف گردشگری در طرح های توسعه شهری	۰/۷۸۲	۰/۰۸۲۵	۳/۷۴۲	۰/۰۴۳
عامل سوم > ضعف گردشگری در طرح های توسعه شهری	۰/۹۱۵	۰/۰۲۶۸	۵/۳۳۱	۰/۰۲۱
عامل چهارم > ضعف گردشگری در طرح های توسعه شهری	۰/۷۶۹	۰/۰۸۴۵	۳/۲۱۵	۰/۰۲۸
عامل پنجم > ضعف گردشگری در طرح های توسعه شهری	۰/۸۹۹	۰/۰۴۳۵	۵/۲۵۲	۰/۰۴۵



شکل ۳. مدل نهایی تحقیق

مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به همخوانی و با عدم همخوانی متغیرها با عوامل خود و یا سایر عوامل بر اساس برآورد پایایی، پنج متغیر «عدم اعتماد بانک ها به درآمدهای بخش گردشگری در بازدهی پایدار اقتصادی»، «فقدان

با توجه به نتایج به دست آمده ۲۸ متغیر در ضعف گردشگری شهری شهر تبریز در طرح های توسعه شهری دخیل بودند و در قالب ۵ عامل اصلی طبقه بندی شد. در ادامه پایایی کلیه عوامل با استفاده از روش محاسبه آلفای کرونباخ

در سطح دانشگاه‌ها به مقوله برنامه‌ریزی، که در بین این متغیرها هم متغیر عدم مشارکت مردمی در تدوین و اجرای طرح‌های توسعه شهری شهر تبریز با بار عاملی ۰/۸۸ بیشترین اثرگذاری را در زمینه ضعف گردشگری در شهر تبریز از جنبه اجتماعی داشته است. بعد از آن به ترتیب عدم نگاه از بیرون موضوع تحقیقات در سطح دانشگاه‌ها به مقوله برنامه‌ریزی با بار عاملی ۰/۸۰ و از فقدان هرگونه قانون مشخص در خصوص کیفیت و نحوه اجرای طرح‌ها با بار عاملی ۰/۷۴ در ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری تبریز اثرگذار بوده‌اند. برای موفقیت در زمینه اجتماعی هم باید به ضعف‌های مطرح‌شده در این تحقیق توجه شود تا ضعف‌های اجتماعی گردشگری در شهر تبریز پوشش داده شود. از بین کل ۲۳ متغیر هم در حالت کلی کمبود کادر متخصص در امور برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی در کشور با بار عاملی ۰/۸۹ بیشترین میزان اثرگذاری در ضعف گردشگری شهر تبریز در طرح‌های توسعه شهری داشته و کمترین اثرگذاری از بین ۲۳ متغیر مورد بررسی مربوط به متغیر نبود فرهنگ اجتماعی گردشگری در شهر (خاموش بودن ذهن مردم از این فرهنگ) با بار عاملی ۰/۵۹ است. بنابراین می‌توان گفت که کلیه ۲۳ متغیر که زیرشاخص‌های ۵ عامل اصلی نهادی، ساختاری، مدیریتی، اقتصادی و اجتماعی به عنوان عوامل مؤثر در ضعف گردشگری با طرح‌های توسعه شهری شناسایی شده بوده‌اند، در ضعف گردشگری تبریز با درجات مختلف از بیشترین تا کمترین اثرگذار بوده‌اند (جدول ۵). در نهایت با توجه به برابری مدل و برآوردهای استاندارد شده پنج عامل (نهادی، ساختاری، مدیریتی و اقتصادی و اجتماعی اثرگذار) به عنوان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری تبریز در جدول ۸ مشخص شد همه این پنج عامل اثرگذار بوده‌اند. اما در بین این پنج عامل اصلی عامل مدیریتی با وزن برآورد استاندارد ۰/۹۱۵ بیشترین اثرگذاری با متغیرهایش (ناقص بودن دیدگاه مهندسی مشاور طرح‌های توسعه شهری در خصوص گردشگری، بی‌اطلاعی مدیران شهری از ابعاد اثرگذاری گردشگری در سطح شهرها، عدم هماهنگی طرح‌های بخشی با عمران ناحیه‌ای و منطقه‌ای، کم‌تجربه بودن کادر متخصص در برنامه‌ریزی شهری، در سطح تصمیم‌گیری کلان‌کشوری، کمبود کادر متخصص در امور برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی در کشور) در زمینه ضعف گردشگری داشته است و بعد از آن به ترتیب عامل اجتماعی با وزن برآورد استاندارد ۰/۸۹۹، عامل نهادی با وزن برآورد استاندارد ۰/۸۳ و عامل ساختاری با وزن برآورد استاندارد ۰/۷۸۲ و در عامل اقتصادی با وزن برآورد استاندارد ۰/۷۶۹ بیشترین تا کمترین میزان اثرگذاری در ضعف گردشگری طرح‌های توسعه شهری در تبریز داشته‌اند. در نتیجه باید در بین پنج عامل اصلی به عامل سوم که عامل مدیریتی در این تحقیق بود، بیشتر از سایر عوامل توجه شود تا ضعف‌های گردشگری پوشش داده شود و بهبود یابد (جدول ۸ و شکل ۵) رجوع شود.

نتیجه‌گیری

آنچه از یافته‌های این مصاحبه‌ها به عمل آمد این بود که ساختار فیزیکی و اجتماعی محیط‌های شهری، شرایط مناسبی را برای گردشگران فراهم می‌کند و فرصت‌های گردشگری متعدد و متنوعی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. به همین دلیل است که اغلب مدیریت شهری در کشورهای پیشرفته به گردشگری شهری به عنوان یک ضرورت نگاه می‌کند و تمامی ظرفیت‌ها و امکانات خود را برای فعال کردن این بخش درآمدزا و سودآور به کار می‌گیرد. شهرها به طور بالقوه، دارای بسیاری از جاذبه‌ها مانند بناهای تاریخی، میراث فرهنگی، رویدادها و غیره هستند. حتی محروم‌ترین شهرها نیز به دلیل برخورداری از میراث تاریخی و فرهنگی می‌توانند در رقابت میان مقصدهای گردشگری شهری شرکت کنند. هنگامی که شهرها به عنوان مقصدهای گردشگری توسعه می‌یابند، پیچیدگی محیط‌های شهری، آن‌ها را از سایر مقصدها (روستاها، تفرجگاه‌ها، سواحل و غیره) متمایز می‌سازد.

به منظور دستیابی به هدف پژوهش، ابتدا با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی، ۲۸ متغیر شناسایی شد. به همین منظور با استفاده از اندازه کفایت

پایایی و روایی روش شناسی طرح‌های توسعه شهری، «ناشناخته و مبهم بودن گردشگری در نظام فکری جامعه علمی» و «مشخص نبودن سیاست‌های شهرنشینی و توزیع جمعیت» و «دولتی بودن مدیران اجرایی شهر متکی به بودجه عمومی مبتنی بر رانت نفت و ملزم ندانستن خود بر کسب درآمد از منابعی مانند گردشگری» حذف شد و در ادامه در جدول ۵ وزن و بارهای عاملی هر یک از ۲۳ متغیر مؤثر در ضعف گردشگری شهر تبریز بررسی و به این صورت خلاصه شد.

از بین عوامل نهادی متغیر ضعف نهادهایی مثل اداره میراث فرهنگی، مسکن و شهرسازی و شهرداری در عدم به‌کارگیری سرفصلی به نام گردشگری در طرح‌های توسعه شهری کلان‌شهر تبریز با بار عاملی ۰/۷۸ بیشترین اثرگذاری در بین سایر متغیرهای نهادی در ضعف گردشگری شهر تبریز داشته و کمترین میزان اثرگذاری در ضعف فرهنگی بین عامل نهادی مربوط به متغیر عدم آگاهی سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی به عنوان سازمان متولی گردشگری کلان‌شهر تبریز از پیوند شهر با گردشگری با بار عاملی ۰/۷۰ است که باید این سازمان‌ها در طرح‌های توسعه شهری به سرفصل گردشگری توجه زیادی بکنند تا از ضعف‌های عامل نهادی در گردشگری شهر تبریز کاسته شود. در رابطه با عامل دوم اثرگذار در ضعف گردشگری شهر تبریز عامل ساختاری است که از میان متغیرهای ساختاری، متغیر کهنه بودن الگوی مطالعات شهری با بار عاملی ۰/۸۳ بیشترین اثرگذاری در ضعف ساختاری گردشگری در طرح‌های توسعه شهری تبریز داشته و کمترین میزان اثرگذاری هم مربوط به نبود فرهنگ اجتماعی گردشگری در شهر (خاموش بودن ذهن مردم از این فرهنگ) با بار عاملی ۰/۵۹ است. در این میان هم باید در بین متغیرهای عامل دوم ساختاری باید به کهنه بودن الگوی مطالعات شهری توجه زیادی شود و در طرح‌های توسعه شهری به الگوهای جدید مطالعات شهری با توجه به پیشرفت تکنولوژی در زمینه توسعه شهر و ارتقای کیفیت محیطی و زندگی توجه بیشتری معطوف شود، چرا که شهر تبریز بنا به داشتن پتانسیل‌های لازم گردشگری و مطالعه در زمینه ارتباط صنعت گردشگری با توسعه و پیشرفت شهرها می‌تواند به پایداری شهری و توسعه اقتصادی شهر تبریز دست یابد. در رابطه با بررسی عامل سوم که مربوط به عامل مدیریتی در طرح‌های توسعه گردشگری شهر تبریز است، از بین ۵ متغیر این عامل کمبود کادر متخصص در امور برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی در کشور با بار عاملی ۰/۸۹ بیشترین اثرگذاری در بین سایر عوامل مدیریتی به لحاظ ضعف گردشگری در شهر تبریز داشته و کمترین میزان اثرگذاری مربوط به بی‌اطلاعی بعضی از مدیران شهری از ابعاد اثرگذاری گردشگری در سطح شهرها با بار عاملی ۰/۷۲ بوده است. بنابراین نیاز است که در بخش مدیریتی در زمینه گردشگری شهری از افراد و کادر مجرب متخصص استفاده شود، چرا که این افراد از اثرات گردشگری بر توسعه شهری آگاهی لازم دارند و با برنامه‌ریزی دقیق و ارتباط بین توسعه شهر و گردشگری در طرح‌های توسعه شهری منجر به توسعه شهر و ارتقای کیفیت محیطی در شهر می‌شوند که این خود به روند بهبود آسایش و رفاه ساکنان در شهر منجر می‌شود. پوشش این ضعف به همراه سایر متغیرها در امر مدیریتی منجر به توسعه گردشگری در سطح کلان‌کشوری و شهری به خصوص شهر تبریز می‌شود. در زمینه عامل چهارم که عامل اقتصادی در رابطه با ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری تبریز است، شامل دو متغیر اصلی است که کمبود اعتبارات در تدوین و اجرای طرح‌های توسعه شهری در شهر تبریز با بار عاملی ۰/۶۹ و دیربازده بودن صنعت گردشگری با بار عاملی ۰/۶۷ اثرگذار بوده‌اند. در این زمینه هم باید به کمبود اعتبارات در تدوین و اجرای طرح‌های توسعه شهری در رابطه با گردشگری شهری توجه زیادی شود تا از نظر اقتصادی هم ضعف‌های مورد نظر پوشش داده شود تا منجر به شکوفایی و توسعه اقتصادی در شهر تبریز شود. پنجمین عامل که مورد بررسی قرار گرفت، عامل اجتماعی است که خود شامل سه متغیر اصلی می‌شود که عبارت‌اند از: فقدان هرگونه قانون مشخص در خصوص کیفیت و نحوه اجرای طرح‌ها، عدم مشارکت مردمی در تدوین و اجرای طرح‌های توسعه شهری، عدم نگاه از بیرون موضوع تحقیقات

نمونه‌گیری کیزر - می‌یر - اولکین (KMO) میزان کفایت نمونه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت. میزان کفایت نمونه‌گیری برابر ۰/۸۲۵ محاسبه شد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها از شرایط مناسب برای تحلیل عاملی برخوردارند. همچنین به منظور اطمینان از اینکه همبستگی بین مواد آزمون در جامعه برابر صفر نیست، از آزمون کروییت بارتلت استفاده شد. در واقع ماتریس داده‌ها برای تحلیل عاملی باید حاوی اطلاعات معناداری باشد. چون سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین ماتریس همبستگی از سطح معنایی بالایی برخوردار است و قابلیت تحلیل با روش تحلیل عاملی را دارد (جدول ۴). پس از اطمینان از کفایت نمونه‌گیری محتوای مقیاس و معناداری ماتریس همبستگی داده‌ها، به منظور بررسی ساختار عاملی پرسشنامه از روش تحلیل عاملی اکتشافی به شیوه مؤلفه‌های اصلی استفاده شد. مشخصه‌های آماری اولیه که با اجرای تحلیل مؤلفه‌های اصلی به دست آمد، نشان داد میزان تبیین واریانس مشترک بین متغیرها روی هم ۷۵/۵۲۳ درصد کل واریانس متغیرها است. همچنین، ۲۸ متغیر در قالب ۵ عامل اصلی طبقه‌بندی شد. در ادامه پایایی کلیه عوامل با استفاده از روش محاسبه آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به همخوانی و یا عدم همخوانی متغیرها با عوامل خود و یا سایر عوامل بر اساس برآورد پایایی، پنج متغیر «عدم اعتماد بانک‌ها به درآمدهای بخش گردشگری در بازدهی پایدار اقتصادی»، «فقدان پایایی و روایی روش‌شناسی طرح‌های توسعه شهری»، «ناشناخته و مبهم بودن گردشگری در نظام فکری جامعه علمی» و «مشخص نبودن سیاست‌های شهرنشینی و توزیع جمعیت» و «دولتی بودن مدیران اجرایی شهر متکی به بودجه عمومی مبتنی بر رانت نفت و ملزم ندانستن خود بر کسب درآمد از منابعی مانند گردشگری» حذف شد. نتایج نشان داد بین مؤلفه‌های اصلی پژوهش و ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد. برای دستیابی به اهداف پژوهش، تجزیه و تحلیل معادلات ساختاری نشان داد عامل اول یعنی نهادی (عدم حمایت مدیران شهر از تسهیلگران گردشگری شهری به دلیل نبود سرفصلی به نام گردشگری در طرح‌های توسعه شهری، نبود شرح وظایفی در مورد گردشگری شهری برای شهرداری‌ها در شرح خدمات شهری، نبود مدیریت یکپارچه گردشگری در سطح شهر تبریز، ضعف نهادهایی مثل اداره میراث فرهنگی، مسکن و شهرسازی و شهرداری در عدم به‌کارگیری سرفصلی به نام گردشگری در طرح‌های توسعه شهری کلان‌شهر تبریز، ساختار معیوب پیچیده‌شده نهادها و مدیریت شهری، عدم آگاهی سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی به عنوان سازمان متولی گردشگری کلان‌شهر تبریز از پیوند شهر با گردشگری و عدم توجه مدیران و سیاستگذاران بخش گردشگری شهری در حوزه عملیاتی فعالیت‌های گردشگری)، با نسبت بحرانی ۴/۸۹۴، عامل دوم یعنی ساختاری با (کهنه بودن الگوی مطالعات شهری، تأکید برنامه‌ریزان شهری بر جنبه‌های کالبدی در طرح‌های توسعه شهری، فقدان پایایی و روایی روش‌شناسی طرح‌های توسعه شهری، تدوین نشدن یک چارچوب و متدولوژی علمی در جوامع علمی، دانشگاهی و حرفه‌ای در ایران، نبود فرهنگ اجتماعی گردشگری در شهر (خاموش بودن ذهن مردم از این فرهنگ) عدم آگاهی طراحان طرح‌های شهری بر بستر محیط و پتانسیل‌های موجود شهر به طور جداگانه و موازی کاری آن‌ها در تنظیم طرح‌ها) با نسبت بحرانی ۳/۷۴۲ و عامل سوم یعنی مدیریتی (ناقص بودن دیدگاه مهندسی مشاور طرح‌های توسعه شهری در خصوص گردشگری، بی‌اطلاعی مدیران شهری از ابعاد اثرگذاری گردشگری در سطح شهرها، عدم هماهنگی طرح‌های بخشی با عمران ناحیه‌ای و منطقه‌ای، کم‌تجربه بودن کادر متخصص در امور برنامه‌ریزی شهری کلان‌شهر تبریز، کمبود کادر متخصص در امور برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی در کشور) در طرح‌های توسعه شهری است و پس از آن براساس نتایج در قسمت یافته‌های تحقیق به ترتیب عامل اجتماعی، نهادی، ساختاری و اقتصادی قرار دارند.

در نتیجه باید گفت که مدیریت بر صنعت گردشگری نه تنها مدیریتی غیر تخصصی و ارزش‌مدار است، بلکه حتی با وجود مدیریتی پرتوان، علمی و اقتصادمدار هم نمی‌توان انتظارات زیادی داشت، زیرا مسائلی از جمله وجود شبکه‌های ارتباطات فراقانونی قدرت، بی‌توجهی مسئولان رده بالا و برنامه‌ریز کشور، و دست‌آورد بودجه و امکانات بسیار ضعیف و عدم مشارکت مردمی در طرح‌ها و غیره هر گونه تلاشی را ناکام می‌گذارند. در این راستا مقاله حاضر با نگاه تازه به طرح‌های توسعه شهری در پی بازنگری جدید در این طرح‌ها و ساختار گردشگر محور آن‌ها با اضافه کردن سرفصلی به نام گردشگری است.

توسعه شهری) با نسبت بحرانی ۳۲۱۵، و عامل اصلی پنجم یعنی اجتماعی (فقدان هرگونه قانون مشخص در خصوص کیفیت و نحوه اجرای طرح‌ها، عدم مشارکت مردمی در تدوین و اجرای طرح‌های توسعه شهری، عدم نگاه بیرون موضوع تحقیقات در سطح دانشگاه‌ها به مقوله برنامه‌ریزی) با نسبت بحرانی ۵/۲۵۲ هر یک با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ رابطه معناداری با ضعف گردشگری در طرح‌های توسعه شهری شهر تبریز دارند. در نهایت بین این پنج عامل اصلی، عامل مدیریتی با وزن برآورد استاندارد ۰/۹۱۵ بیشترین اثرگذاری با متغیرهایش (ناقص بودن دیدگاه مهندسی مشاور طرح‌های توسعه شهری در خصوص گردشگری، بی‌اطلاعی مدیران شهری از ابعاد اثرگذاری گردشگری در سطح شهرها، عدم هماهنگی طرح‌های بخشی با عمران ناحیه‌ای و منطقه‌ای، کم‌تجربه بودن کادر متخصص در برنامه‌ریزی شهری، در سطح تصمیم‌گیری کلان‌کشوری، کمبود کادر متخصص در امور برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی در کشور) در زمینه ضعف گردشگری داشته و بعد از آن به ترتیب عامل اجتماعی با وزن برآورد استاندارد ۰/۸۹۹، عامل نهادی با وزن برآورد استاندارد ۰/۸۳، و عامل ساختاری با وزن برآورد استاندارد ۰/۷۸۲ و عامل اقتصادی با وزن برآورد استاندارد ۰/۷۶۹ بیشترین تا کمترین میزان اثرگذاری در ضعف گردشگری طرح‌های توسعه شهری در تبریز را داشته‌اند. در نتیجه باید بین پنج عامل اصلی به عامل سوم که عامل مدیریتی (ناقص بودن دیدگاه مهندسی مشاور طرح‌های توسعه شهری در خصوص گردشگری، بی‌اطلاعی مدیران شهری از ابعاد اثرگذاری گردشگری در سطح شهرها، عدم هماهنگی طرح‌های بخشی با عمران ناحیه‌ای و منطقه‌ای، کم‌تجربه بودن کادر متخصص در امور برنامه‌ریزی شهری، در سطح تصمیم‌گیری کلان‌کشوری، کمبود کادر متخصص در امور برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی در کشور) در این تحقیق بود بیشتر از سایر عوامل توجه شود تا ضعف‌های گردشگری پوشش داده شود و بهبود یابد که نتایج تحقیق را یافته‌های (فرهادهای بلقور و توانگر [۶]، اور و همکاران [۷]، کورنیاتی و همکاران [۱۰] و وانگ و همکاران [۱۳]) تأیید می‌کنند.

نادیده گرفتن گردشگری و عدم توجه به آن در طرح‌های توسعه شهری، باعث رکود گردشگری در فضاهای شهری می‌شود که این خود باعث عدم توسعه پایدار خواهد شد. با نگاهی به این مسائل می‌توان درک کرد که گردشگری فضاهای شهری در طرح‌های توسعه شهری شهر تبریز نادیده گرفته شده‌اند یا خیلی کمتر توجه شده است. با توجه به نتایج مطالعه حاضر می‌توان گفت که از دلایل عدم رشد صنعت گردشگری شهری در طرح‌های توسعه شهری در شهر تبریز عامل مدیریتی با زیرشاخص‌هایش، ناقص بودن دیدگاه مهندسی مشاور طرح‌های توسعه شهری در خصوص گردشگری، بی‌اطلاعی مدیران شهری از ابعاد اثرگذاری گردشگری در سطح شهرها، عدم هماهنگی طرح‌های بخشی با عمران ناحیه‌ای و منطقه‌ای، کم‌تجربه بودن کادر متخصص در امور برنامه‌ریزی شهری، در سطح تصمیم‌گیری کلان‌کشوری، کمبود کادر متخصص در امور برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی در کشور) در طرح‌های توسعه شهری است و پس از آن براساس نتایج در قسمت یافته‌های تحقیق به ترتیب عامل اجتماعی، نهادی، ساختاری و اقتصادی قرار دارند.

در نتیجه باید گفت که مدیریت بر صنعت گردشگری نه تنها مدیریتی غیر تخصصی و ارزش‌مدار است، بلکه حتی با وجود مدیریتی پرتوان، علمی و اقتصادمدار هم نمی‌توان انتظارات زیادی داشت، زیرا مسائلی از جمله وجود شبکه‌های ارتباطات فراقانونی قدرت، بی‌توجهی مسئولان رده بالا و برنامه‌ریز کشور، و دست‌آورد بودجه و امکانات بسیار ضعیف و عدم مشارکت مردمی در طرح‌ها و غیره هر گونه تلاشی را ناکام می‌گذارند. در این راستا مقاله حاضر با نگاه تازه به طرح‌های توسعه شهری در پی بازنگری جدید در این طرح‌ها و ساختار گردشگر محور آن‌ها با اضافه کردن سرفصلی به نام گردشگری است.

- [1] Brochado, A.; Rodrigues, P.; Sousa, A.; Borges, A.P.; Veloso, M.; Gómez-Suárez, M. Resilience and Sustainable Urban Tourism: Understanding Local Communities' Perceptions after a Crisis. *Sustainability*, 2023, 15, 13298. <https://doi.org/10.3390/su151813298>.
- [2] Sheller, M. Reconstructing tourism in the Caribbean: Connecting pandemic recovery, climate resilience and sustainable tourism through mobility justice. *J. Sustain*, 2021. *Tour*, 29, 1436–1449. <http://dx.doi.org/10.1080/09669582.2020.1791141>.
- [3] Bianchi, R.V.; de Man, F. Tourism, inclusive growth and decent work: A political economy critique". *J. Sustain Tour*, 2021. 29, 353–371. <https://doi.org/10.1080/09669582.2020.1730862>.
- [4] Esmaeili Mahyari, M., Irani, H. R., NourmandiPour, V. A Review of Urban Tourism Research: Identifying Future Trends. *Urban Economics and Planning*, 2023; 4(4): 58-73. <https://doi.org/10.22034/uep.2023.423781.1426>. [In Persian]
- [5] Fernandes, J.; Chamusca, P.; Pinto, J.; Tenreiro, J.; Figueiredo, P. Urban Rehabilitation and Tourism: Lessons from Porto (2010–2020). *Sustainability*, 2023, 15(18), 6581. <https://doi.org/10.3390/su15086581>.
- [6] Farhadi, J., tavangar, M. Critical analysis of the effects of urban development plans on the destruction of valuable places in the pilgrimage-tourism city of Mashhad. *Journal of Greater Khorasan*, 2022; 13(46): 71-84. <https://doi.org/10.22034/jgk.2022.314431.1002>. [In Persian].
- [7] Avar, M, Moghli, M, Afifi, M, E. Investigating the Role of Urban Development Projects in Tourism Development of Lamza. *Geographical Journal of Tourism Space*, 2022, ;41(11):77-90. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22518827.1400.11.41.4.7>. [In Persian].
- [8] Bozorgnia, M., Estalaji, A., sheikh azami, A. The Effect of Development Stimulus Projects on the Promotion of Urban Tourism Case Study: District 11 of Tehran. *urban tourism*, 2021; 8(2): 127-140. <https://doi.org/10.22059/jut.2021.325648.915>. [In Persian].
- [9] Abbasi, M., shakarami, N., malek, R. Strategic planning of urban tourism development Case Study: kohrramabad city. *Geographical Planning of Space*, 2018; 8(28): 155-168. https://gps.gu.ac.ir/article_70706.html?lang=fa. [In Persian].
- [10] Kurniati, R, Kurniawati, W, Ristianti, N, Syahri E, K, Strategies for Sustainable Urban Tourism in Kampong Batik, Semarang, Indonesia", *ISVS e-journal*, 2023, 1(10), 1-23. https://www.researchgate.net/publication/368287007_Strategies_for_Sustainable_Urban_Tourism_in_Kampoeng_Batik_Semarang_Indonesia.
- [11] Chandra, A, Sinha, V, The Role of Urban Planning in Preserving Cultural Heritage and Enhancing Tourism: A Case Study of Gwalior", *International Journal for Multidisciplinary Research (IJFMR)*, 2023, 5(4), 1-7. <https://doi.org/10.36948/ijfmr.2023.v05i04.5994>.
- [12] Mandić A, Kennell, J, Smart governance for heritage tourism destinations: Contextual factors and destination management organization perspectives, *Tourism Management Perspectives*, 2021, 39(2). <http://dx.doi.org/10.1016/j.tmp.2021.100862>.
- [13] Wang, J.; Dai, J.; Gao, W, Yao, X, Dewancker, B.J.; Gao, J.; Wang, Y.; Zeng, J. Achieving Sustainable Tourism: Analysis of the Impact of Environmental Education on Tourists Responsible Behavior. *Sustainability*, 2024, 16, 552. <https://doi.org/10.3390/su16020552>.
- [14] Ahmadzadeh, H., Pourhamrah, K. Evaluating the Relationship between Tourism Development, Economic Sustainability and Municipal and Citizenship Incomes (Case Study: Tabriz Metropolis). *Urban Economics and Planning*, 2022; 3(4): 38-51. <https://doi.org/10.22034/uep.2022.350113.1255>. [In Persian].
- [15] Cohen, E., A phenomenology of tourist experiences. *SAGE*, 1979, 13(2), 179-201. <https://doi.org/10.1177/003803857901300203>.
- [16] Chen, X.; Li, J.; Han, W; Liu, S. Urban Tourism Destination Image

■ مشارکت نویسندگان

نویسنده اول ۴۰٪؛ نویسنده دوم ۴۰٪؛ نویسنده سوم ۲۰٪ است.

■ تشکر و قدردانی

از کلیه کسانی که در این تحقیق، محققان را یاری کرده‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنیم. این تحقیق منافع تجاری نداشته و پژوهشگران در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت نکرده‌اند و مقاله حامی مادی و معنوی ندارد و همه هزینه‌ها توسط نویسنده اول (دانشجو) انجام گرفته است.

■ تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

■ منابع

- Perception Based on LDA Integrating Social Network and Emotion Analysis: The Example of Wuhan. *Sustainability*, 2022, 14, 12. <https://doi.org/10.3390/su14010012>.
- [17] Wang, X.; Chen, X.; Gu, Z. Online Information Reviews to Boost Tourism in the B&B Industry to Reveal the Truth and Nexus. *Information*, 2024, 15, 103. <https://doi.org/10.3390/info15020103>.
- [18] Liu, S, Zhang, J, Geng, Y, Li, J, Wang, Y, Zhang, J, Plausible response of urban encroachment on ecological land to tourism growth and implications for sustainable management, a case study of Zhangjiajie, China, *Ecological Indicators*, 2021, 132, 1-16. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2021.108253>.
- [19] fakhimzade H, sarvari H, mahdinia M, mahmoodzade vashan M. Structural Equation Modeling Approach for explaining the relationship between city development plans and city branding from the viewpoint of tourists (Case Study: Birjand). *Applied Research Journal of Geographical Sciences* 2024; 24 (72): 11 <http://jgs.khu.ac.ir/article-1-3849-fa.html>, [In Persian].
- [20] Safari, A., and Azizi, Z. Potentials and barriers of physical development of the Ruodbar city using Remote Sensing and GIS. *Journal of Environmental Science and Technology*, 22(10 (101)), 225-235. <https://sid.ir/paper/392121/en>. [In Persian].
- [21] Bakhshi, A., Khalili, A. Conceptualization and presentation of a process model for implementation of urban development projects in the global literature. *Journal of Iranian Architecture & Urbanism (JIAU)*, 2023; 14(1): 401-423 <https://doi.org/10.30475/isau.2023.396311.2040>. [In Persian].
- [22] ahmadi, M. S., Rahnamaii, M., Ali Akbari, E. Explaining the Technocratic View of Urban Development Plans on Tourism by a Triangulation (Case Study: Kermanshah Province). *Tourism Management Studies*, 2021; 16(53): 1-31. <https://doi.org/10.22054/tms.2021.49345.2257>. [In Persian].
- [23] zeynali azim A. Assessing the Factors Affecting the Formation of a Smart City in The Geographical Space of Tabriz City. *pos* 2022; 4 (3) :235-253, <http://psp.modares.ac.ir/article-42-56313-fa.html>. [In Persian].
- [24] Zeynali Azim, A. Analysis of place attachment in the city of Tabriz by using the scale of smart cities during the Covid-19 disease. *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 2022, 10(3), 65-80. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2022.342120.1687>. [In Persian]



perts' opinions were analyzed by collecting questionnaires and using the analytical network process (ANP) model with the help of Super Decision software to score the extracted items. It was analyzed through qualitative content analysis to extract the strategic factors of strengths, weaknesses, opportunities, and threats (SWOT). In the next step, the SWOT matrix was expanded by organizing the internal and external strategic factors that are the main foundation of the development strategy. To prioritize the strategies obtained from the SWOT analysis, experts' opinions were analyzed through questionnaires and using the Analytical Network Process (ANP) model with the help of Super Decision software to score the extracted items. The main advantage of this approach is the influence of prioritized internal and external factors in alternative strategies for urban regeneration and tourism development. ANP is a commonly used criteria decision-making method, which performs pairwise comparisons between factors to prioritize them using an eigenvalue calculation approach. The purpose of using ANP in the SWOT framework was to systematically evaluate SWOT factors and equalize their intensity.

Findings

According to the results of the SWOT analysis, the most important limitations are the lack of a comprehensive tool for cultural policy (0.0182), the lack of sustainable financial resources for cultural activities, and tourism facilities (0.0114), the decrease in the quality of Tabriz carpets. (0.0153), and reducing the quality of spaces related to cultural events and ceremonies (0.0134). The most important opportunities are the use of historical monuments as centers of social and cultural events (0.0629), the revival of the carpet weaving industry (0.0554), and the revival of local ceremonies and local music (0.0411). The most important disadvantages and weaknesses are the competition for carpet production by other countries (0.0411) and the destruction of public spaces, such as part of the historical textures of the bazaar, and the destruction of historical monuments such as Alisha's castle and citadel (0.0244). The most important strengths are the historical monuments such as the historical market, the fortress, and

the Alisha citadel (0.07070). To develop strategies, external opportunities, and internal strengths were used, and strategies were tried to reduce external threats and internal weaknesses. Based on the SWOT table, the resulting strategies were prioritized using the amp model in the Super Decision software. The findings indicate that defensive strategies (WT) with a weight of 0.0575 have the highest priority in reducing the city's vulnerability. Following these strategies, there are attack strategies (SO), revision strategies (WO), and diversification strategies (ST).

Conclusion

Tourism development, if done purposefully, causes regeneration in the historical texture of Tabriz. Due to the existence of many historical attractions in the historical texture of Tabriz and the potential to attract tourists, the strengthening and revitalization of tourist centers can be the driving engine of urban regeneration in this area. It should be mentioned that if tourism development in this texture is not targeted, it will destroy the texture structure, crowding traffic, and the comfort of the residents. To realize urban regeneration for the development of cultural heritage tourism in the historical texture of the city of Tabriz, six implementation policies can be considered, which include:

1. Preparation of approved regulations for the protection of historical cultural tissues of Tabriz city
2. Urban design with the renewal of urban life in the historical cultural textures of Tabriz city
3. Supporting tourist and historical attractions by strengthening investment and determining appropriate uses in the city of Tabriz
4. Avoid extensive physical interventions and emphasize the protection of the unity of the physical and social structural system in the historical cultural texture of Tabriz city.
5. Renewing the economic life of cultural and historical areas in Tabriz.
6. Planning the protection and revitalization of individual buildings, collections, areas, and historical areas of Tabriz city.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Aghlara L. Ahmadzadeh H. Panahi A. Evaluation of Urban Regeneration for the Development of Cultural Heritage Tourism in the Historical Context of Tabriz City. Urban Economics and Planning Vol 5(2):58-74. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.455411.1482



Evaluation of Urban Regeneration for the Development of Cultural Heritage Tourism in the Historical Context of Tabriz City

Original Article

Ladan Aghlara¹, Hassan Ahmadzadeh^{2*}, Ali Panahi²

1- Ph.D Candidate of Geography Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2- Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-05-02

Revised: 2024-06-20

Accepted: 2024-07-11

Keywords

Historical - cultural texture

Tabriz city

Tourism

Urban regeneration

ABSTRACT

Introduction

The city of Tabriz is one of the tourism hubs of the northwest region and the main tourism center of East Azerbaijan province. Tabriz, with its beautiful and eye-catching nature, cultural places, and historical buildings, has great potential for tourism development and every year many tourists from different parts of the country come to this city for sightseeing and entertainment. Therefore, the necessity of creating the historical - cultural texture of Tabriz and helping the integrated development of this city requires a different approach, among which we can mention the development of tourism with the ultimate goal of - creating the different historical textures of this city. The existence of various attractions without considering the cultural industries and the development of important and influential urban components cannot lead to the development of tourism in Tabriz. In this way, the future field of this research is to examine the main factors affecting the development of urban tourism, which have been undervalued in past plans and research and only seek to create the use of attractions to strengthen the role of historical texture and revitalization. The worn texture of different areas of the city has been; Therefore, their results have not been able to use the opportunities, funds, and historical - cultural capabilities of the city to recreate it and, therefore, develop the city's tourism, and as a result of the regression of economic - social conditions, living quality, and other physical and social disorders. and prevent the economy of the city; Therefore, the research question is, what are the effective factors for the development of cultural heritage tourism in the historical texture of Tabriz city?

Materials and Methods

This article investigates the potential of urban regeneration through tourism based on cultural heritage in the historical and cultural texture of Tabriz city with a case study approach. Like other case studies, this review was conducted with more than one source, including library sources, field studies, and also semi - structured interviews, conducted with 19 experts. The statistical population of the interviewees included urban experts, obtained by theoretical saturation in the interview process. The sample was divided into three different categories: to discover the potential areas of research, the statements of the interviewees were classified, and through qualitative content analysis to extract the strategic factors of strengths, weaknesses, opportunities, and threats (SWOT) of the case Analysis was done. To prioritize the strategies obtained from the SWOT analysis, the ex-

* Corresponding author: h_ahmadzadeh@iaut.ac.ir

ارزیابی باز آفرینی شهری برای توسعه گردشگری میراث فرهنگی در بافت تاریخی شهر تبریز

مقاله پژوهشی

لادن عقل آراء^۱؛ حسن احمدزاده^{۲*}؛ علی پناهی^۲

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
۲- استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

مقدمه

شهر تبریز یکی از قطب‌های گردشگری منطقه شمال غرب و کانون اصلی گردشگری استان آذربایجان شرقی است. این شهر با برخورداری از طبیعت زیبا و چشم‌نواز، امکان فرهنگی و ابنیه تاریخی، از پتانسیل‌های زیادی برای توسعه گردشگری برخوردار است و سالانه گردشگران زیادی از نواحی مختلف کشور برای گردش و تفریح به این شهر می‌آیند. از این رو، ضرورت طرح‌های بازآفرینی بافت تاریخی - فرهنگی شهر تبریز و کمک به توسعه یکپارچه این شهر، رویکردی متفاوت را می‌طلبد که از آن جمله می‌توان به توسعه گردشگری با هدف نهایی بازآفرینی در بافت‌های تاریخی مختلف این شهر اشاره کرد. وجود جاذبه‌های گوناگون بدون در نظر گرفتن صنایع فرهنگی و توسعه مؤلفه‌های شهری مهم و تأثیرگذار، نمی‌تواند موجب توسعه گردشگری در تبریز شود. به این ترتیب، عرصه پیش روی این پژوهش، بررسی عوامل اصلی مؤثر بر توسعه گردشگری شهری است که در طرح‌ها و تحقیقات گذشته، کمتر ارزیابی شده و فقط به دنبال ایجاد بهره‌گیری از جاذبه‌ها برای تقویت نقش بافت تاریخی و احیای بافت فرسوده مناطق مختلف شهر بوده‌اند؛ بنابراین آن‌ها نتوانسته‌اند از فرصت‌ها، سرمایه‌ها و توان‌های تاریخی - فرهنگی شهر برای بازآفرینی آن و از این رو، توسعه گردشگری شهر استفاده کنند و در نتیجه، از پسرقت شرایط اقتصادی - اجتماعی، کیفیت زیستی و دیگر نابسامانی‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی شهر جلوگیری به عمل آورند؛ بنابراین سؤال تحقیق این است که عوامل مؤثر برای توسعه گردشگری میراث فرهنگی در بافت تاریخی شهر تبریز کدام‌اند؟

مواد و روش‌ها

این مقاله با رویکرد مطالعه موردی به بررسی پتانسیل بازآفرینی شهری از طریق گردشگری مبتنی بر میراث فرهنگی در بافت تاریخی فرهنگی شهر تبریز می‌پردازد. مانند سایر مطالعات موردی، این بررسی با بیش از یک منبع انجام شده است که شامل منابع کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی و همچنین مصاحبه نیمه‌ساختار یافته بود که با ۱۹ متخصص انجام شد. جامعه آماری مصاحبه‌شوندگان شامل خبرنگاران شهری بودند که با اشیاع نظری در فرایند مصاحبه به دست آمد و نمونه به سه دسته مختلف تقسیم شد: برای کشف حوزه‌های بالقوه تحقیق، اظهارات مصاحبه‌شوندگان طبقه‌بندی و از طریق تحلیل محتوای کیفی برای استخراج عوامل استراتژیک قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها (SWOT) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای اولویت‌بندی استراتژی‌های به دست آمده از تحلیل نظرات کارشناسان از طریق پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری و با استفاده از مدل فرایند شبکه تحلیلی (ANP) با کمک نرم‌افزار Super Decision برای امتیازدهی به موارد استخراج شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از طریق تحلیل محتوای کیفی برای استخراج عوامل استراتژیک قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها (SWOT) تجزیه و تحلیل شد. در مرحله بعد، ماتریس SWOT با سازماندهی عوامل

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱

کلمات کلیدی

بازآفرینی شهری
بافت تاریخی - فرهنگی
گردشگری
شهر تبریز

منظور کاهش تهدیدهای خارجی و ضعف‌های داخلی تدوین شود. بر اساس جدول SWOT، استراتژی‌های حاصل با استفاده از مدل ANP در نرم‌افزار Super Decision اولویت‌بندی شدند. یافته‌ها اشاره دارد که استراتژی‌های دفاعی (WT) با وزن ۰/۰۵۷۵ از بالاترین اولویت در کاهش آسیب‌پذیری شهر برخوردارند. به دنبال این استراتژی‌ها، استراتژی‌های حمله (SO)، استراتژی‌های بازنگری (WO)، و استراتژی‌های تنوع (ST) مطرح هستند.

نتیجه‌گیری

توسعه گردشگری اگر هدفمند صورت گیرد، باعث بازآفرینی در بافت تاریخی تبریز می‌شود. به علت وجود جاذبه‌های تاریخی فراوان در بافت تاریخی تبریز و پتانسیل برای جذب گردشگر در واقع تقویت و احیای مراکز گردشگری می‌تواند موتور محرک بازآفرینی شهری در این محدوده شود. باید گفت که اگر توسعه گردشگری در این بافت هدفمند نباشد، باعث از بین بردن ساختار بافت، شلوغی و ترافیک و صلب آسایش از ساکنان خواهد شد. در راستای تحقق بازآفرینی شهری برای توسعه گردشگری میراث فرهنگی در بافت تاریخی شهر تبریز، شش سیاست اجرایی را می‌توان در نظر گرفت که شامل:

۱. تهیه ضوابط مصوب حفاظت از بافت‌های تاریخی - فرهنگی شهر تبریز؛
۲. طراحی شهری با تجدید حیات شهری در بافت‌های تاریخی - فرهنگی شهر تبریز؛
۳. حمایت از جاذبه‌های گردشگری و تاریخی از طریق تقویت سرمایه‌گذاری و تعیین کاربری‌های متناسب در شهر تبریز؛
۴. اجتناب از مداخلات کالبدی گسترده و تأکید بر حفاظت از وحدت نظام ساختاری کالبدی و اجتماعی در بافت تاریخی - فرهنگی شهر تبریز؛
۵. تجدید حیات اقتصادی عرصه‌های فرهنگی و تاریخی در شهر تبریز؛
۶. برنامه‌ریزی حفاظت و احیای تک‌بناها، مجموعه‌ها، محدوده‌ها و عرصه‌های تاریخی شهر تبریز.

استراتژیک داخلی و خارجی که زیربنای اصلی استراتژی توسعه هستند، بسط داده شد. برای اولویت‌بندی استراتژی‌های به‌دست‌آمده از تحلیل SWOT، نظرات کارشناسان از طریق پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری و با استفاده از مدل فرایند شبکه تحلیلی (ANP) با کمک نرم‌افزار Super Decision برای امتیازدهی به موارد استخراج‌شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مزیت اصلی این رویکرد، تأثیر عوامل داخلی و خارجی اولویت‌بندی‌شده در استراتژی‌های جایگزین برای بازآفرینی شهری و توسعه گردشگری است. ANP یک روش تصمیم‌گیری چندمعیاره است که معمولاً مورد استفاده قرار می‌گیرد، که مقایسه‌های زوجی بین عوامل را برای اولویت‌بندی آن‌ها با استفاده از رویکرد محاسبه ارزش ویژه انجام می‌دهد. هدف از استفاده ANP در چارچوب SWOT، ارزیابی سیستماتیک عوامل SWOT و یکسان‌سازی شدت آن‌ها بود.

یافته‌ها

طبق نتایج تحلیل SWOT، مهم‌ترین محدودیت‌ها عبارت‌اند از: نبود ابزار جامع برای سیاست‌گذاری فرهنگی (۰/۰۱۸۲)، فقدان منابع مالی پایدار برای فعالیت‌های فرهنگی و امکانات گردشگری (۰/۰۱۱۴)، کاهش کیفیت فرش تبریز (۰/۰۱۵۳)، و کاهش کیفیت فضاهای مربوط به رویدادها و مراسم فرهنگی (۰/۰۱۳۴). مهم‌ترین فرصت‌ها عبارت‌اند از: استفاده از بناهای تاریخی به عنوان مراکز رویدادهای اجتماعی و فرهنگی (۰/۰۶۲۹)، احیای صنعت قالی‌بافی (۰/۰۵۵۴)، از احیای مراسم‌های محلی و موسیقی محلی (۰/۰۴۱۱). مهم‌ترین معایب و ضعف‌ها عبارت‌اند از: رقابت برای تولید فرش توسط سایر کشورها (۰/۰۴۱۱) و تخریب فضاهای عمومی، مانند قسمتی از بافت‌های تاریخی بازار، و تخریب آثار تاریخی مانند قلعه و ارگ علیشاه (۰/۰۲۴۴). مهم‌ترین قوت‌ها عبارت‌اند از: آثار تاریخی مانند بازار تاریخی، قلعه و ارگ علیشاه (۰/۰۷۰۷۰). به منظور تدوین استراتژی‌ها، از فرصت‌های خارجی و قوت‌های داخلی بهره گرفته شد و تلاش شد استراتژی‌هایی به

مقدمه

فراهم خواهد آمد و بدون نیاز به مداخلات و سرمایه‌گذاری‌های وسیع و با تکیه بر قوت‌ها و بسترهای فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، ارتباطی و... این شهر می‌تواند تأثیرات عمیقی را بر اقتصاد منطقه، گردشگری شهری و... مشاهده کرد. شهرهای مرزی همچون ایلام با استفاده از توان بالقوه خود و مزیت نسبی و بومی این شهر می‌تواند به کانونی برای جذب گردشگر و رونق اقتصاد محلی تبدیل شود. خدایی و همکاران [۷] در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش اثرات گردشگری شهری بر بازآفرینی شهر زنجان» نشان دادند افزایش گردشگری شهری به صورت مستقیم بر افزایش درآمد تأثیر گذار است و همین امر مسئولان شهری از جمله میراث فرهنگی و شهرداری را بر آن خواهد داشت تا از این پتانسیل به‌خوبی استفاده کند و این امر به صورت غیرمستقیم روی احساس هویت، غرور و حس محلیت و تعلق خاطر مکانی را در شهروندان زنده خواهد کرد و باعث برجسته شدن این مسئله خواهد شد. همه این عوامل روی شادابی و نشاط ساکنان محله و شهر تأثیر گذار بوده و ضمن هویت پیدا کردن محله شادی و نشاط را نیز برای مردم محله و شهر به ارمغان خواهد آورد ساعتی از اوقات فراغت مردم را نیز پر خواهد کرد. در کنار این مسائل باعث ایجاد اشتغال و درآمد برای تعدادی از شهروندان خواهد شد و زمینه را برای توسعه واقعی شهر فراهم خواهد کرد. شمعی و همکاران [۸] در مقاله‌ای با عنوان «توسعه گردشگری در محله تجریش با رویکرد بازآفرینی شهری» نشان دادند از نگاه کسبه تنها بعد اقتصادی تأثیر مثبتی در توسعه گردشگری دارد، درحالی‌که سایر ابعاد کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی کلاً تأثیر منفی بر توسعه گردشگری دارند و بیانگر میزان اهمیت آن در توسعه گردشگری هستند. از نگاه گردشگران هم تنها عوامل کالبدی و اجتماعی تأثیر مثبتی در جذب گردشگران دارند، درحالی‌که ابعاد اقتصادی و زیست‌محیطی تأثیر منفی دارند. احدنژاد و همکاران [۹] در مقاله‌ای با عنوان «بازآفرینی اجتماعی بافت تاریخی با رویکرد گردشگری شهری در بافت تاریخی شهر زنجان» نشان دادند حس تعلق، از جمله اولین اقدامات برای ایجاد کشش ذهنی به سمت محیط‌های تاریخی است که مقوله وسیع و پدیده‌ای نوظهور به نام گردشگری را مطرح می‌سازد. توجه به ترجیح گردشگران در جست‌وجوی مکان‌های منحصر به فرد، لزوم بازآفرینی آثار تاریخی و فرهنگی و توجه مثبت رونق اقتصادی گردشگری، بستر ساز تقویت حس تعلق ساکنان محل است که یکی از نیازهای فطری بشری است که با جوهر هستی انسان پیوند ناگسستنی دارد. بنابراین، با ایجاد حس تعلق در ساکنان بافت تاریخی به طور اعم در شهرهای ایران و به طور خاص در شهر زنجان می‌توان به بازآفرینی بافت تاریخی با رویکرد گردشگری شهری منجر شد.

تان و همکاران [۱۰] در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیرات توسعه گردشگری بر ادغام شهری و روستایی با یک مطالعه تجربی انجام شده در منطقه دلتای رودخانه پانگ تسه» نشان دادند تأثیر توسعه گردشگری بر ادغام شهر و روستا در منطقه تاریخی دلتای رودخانه به طور قابل توجهی دارای اثرات مثبت است. با اعمال توسعه گردشگری در این بافت تاریخی به ارتقای کیفیت زندگی و رونق اقتصاد شهری منجر می‌شود. ال-الوانی و همکاران [۱۱] در پژوهشی با عنوان «ارائه مدل توسعه مجدد میراث شهری در مرکز تاریخی هلیای عراق»، بیان کردند که این مطالعه راه را برای حفاظت و توسعه مجدد دقیق‌تر و موفق‌تر که در درجه اول پایداری را در اولویت قرار می‌دهد، باز خواهد کرد. علاوه بر این، این مطالعه مدلی را برای بافت تاریخی - فرهنگی شهر با اتکا به گردشگری پایدار ارائه می‌دهد. گارسیا [۱۲] در پژوهشی با عنوان «رابطه بین اقتصاد آبی، گردشگری و بازآفرینی شهری: مطالعه موردی اولیبا، ساردینیا در ایتالیا» بیان کرد که طی دو دهه گذشته صنعت سفرهای دریایی به طور تصاعدی در حال افزایش بوده است. ۱/۶ درصد از کل گردشگران جهان را شامل می‌شود. در واقع، گردشگری در دریای مدیترانه ۱۲ درصد از کل بازار سفرهای دریایی را تشکیل می‌دهد که در این بخش، ایتالیا بهترین مقصد است. تا کنون، طیفی از متخصصان وجود داشته‌اند که در مورد هزینه‌ها و منافع در سه حوزه اصلی بحث کرده‌اند: اثرات اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی - فرهنگی این مطالعه می‌تواند راهنمایی برای توسعه گردشگری

بازآفرینی شهری، یا نوسازی/توسعه مجدد شهری، چالشی مهم هم برای محققان و هم برای دست‌اندرکاران در زمینه برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. بازآفرینی شهری چندوجهی است و نیازمند بینش نظری عمیق همراه با اقدام برای حل مشکلات شهری است که مانع از پیشرفت اقتصادی، فیزیکی، اجتماعی و محیطی در مناظر شهری پویا می‌شود [۱]. بافت‌ها، بناهای تاریخی و مکان‌های تاریخی با برجسته کردن هویت محلی و حس مکان و همچنین، ترویج احساس تعلق شهروندان نقش مهمی در نوسازی شهری دارند [۲]. در سال‌های اخیر بازآفرینی بخش تاریخی و قدیمی شهرها به عنوان یکی از راهبردهای توسعه شهری مطرح شده است. در این راستا، عناصر فرهنگی - تاریخی از اجزای مهمی هستند که مسیر بازآفرینی خلاقانه را از طریق گردشگری امکان‌پذیر می‌کند. از سوی دیگر، تقویت بخش فرهنگی شهر در خلق، تولید، تجاری‌سازی ارزش‌ها و استعدادها و جاذبه‌های گردشگری مؤثر است و زمینه‌های قوی برای حضور گردشگری فرهنگی - تاریخی فراهم می‌کند [۳]. قطب‌های توسعه در درون بافت‌های تاریخی به عنوان ابزاری فرهنگی برای حضور در عرصه صنایع فرهنگی هستند که مستقیم و غیرمستقیم بر منطقه تأثیر می‌گذارند و زمینه رقابت و امکان حضور در سطوح بین‌المللی را با تأکید بر بن‌مایه‌های فرهنگی و تاریخی و راهبردهای مختلف در راستای تکوین نظام یکپارچه بازآفرینی شهری و کسب هویتی جدید و ارتقای تصویر شهر فراهم می‌کنند. بی‌شک مدیریت شهری نقشی بسیار مؤثر در مجموعه فرایندهای بازآفرینی فرهنگ‌منا و توسعه گردشگری شهری ایفا می‌کند [۴]. به این ترتیب بازآفرینی بافت‌های تاریخی و فرهنگی فرصتی است که قابلیت‌های و توان‌های بالقوه فرهنگی نیز در کنار جاذبه‌های گردشگری طبیعت محور تقویت شود، با این حال، توسعه فعالیت گردشگری و فرهنگی، به‌سادگی، چیزی فراتر از بخشی صرف از سیاست اقتصاد محلی است [۵]. شهر تبریز یکی از قطب‌های گردشگری منطقه شمال غرب و کانون اصلی گردشگری استان آذربایجان شرقی است. این شهر با برخورداری از طبیعت زیبا و چشم‌نواز، امکان فرهنگی و ائینه تاریخی، از پتانسیل‌های زیادی برای توسعه گردشگری برخوردار است و سالانه گردشگران زیادی از نواحی مختلف کشور برای گردش و تفریح به این شهر می‌آیند. از این رو، ضرورت طرح‌های بازآفرینی بافت تاریخی - فرهنگی شهر تبریز و کمک به توسعه یکپارچه این شهر، رویکردی متفاوت را می‌طلبد که از آن جمله می‌توان به توسعه گردشگری با هدف نهایی بازآفرینی در بافت‌های تاریخی مختلف این شهر اشاره کرد. وجود جاذبه‌های گوناگون بدون در نظر گرفتن صنایع فرهنگی و توسعه مؤلفه‌های شهری مهم و تأثیرگذار، نمی‌تواند موجب توسعه گردشگری در تبریز شود. به این ترتیب، عرصه پیش روی این پژوهش، بررسی عوامل اصلی مؤثر بر توسعه گردشگری شهری است که در طرح‌ها و تحقیقات گذشته، کمتر ارزیابی شده و فقط به دنبال ایجاد بهره‌گیری از جاذبه‌ها برای تقویت نقش بافت تاریخی و احیای بافت فرسوده مناطق مختلف شهر بوده‌اند؛ بنابراین نتایج آن‌ها نتوانسته‌اند از فرصت‌ها، سرمایه‌ها و توان‌های تاریخی - فرهنگی شهر برای بازآفرینی آن و از این رو، توسعه گردشگری شهر استفاده کنند و در نتیجه، از پسرقت شرایط اقتصادی - اجتماعی، کیفیت زیستی و دیگر نابسامانی‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی شهر جلوگیری به عمل آورند؛ بنابراین سؤال تحقیق این است که عوامل مؤثر برای توسعه گردشگری میراث فرهنگی در بافت تاریخی شهر تبریز کدام‌اند؟

پیشینه تحقیق

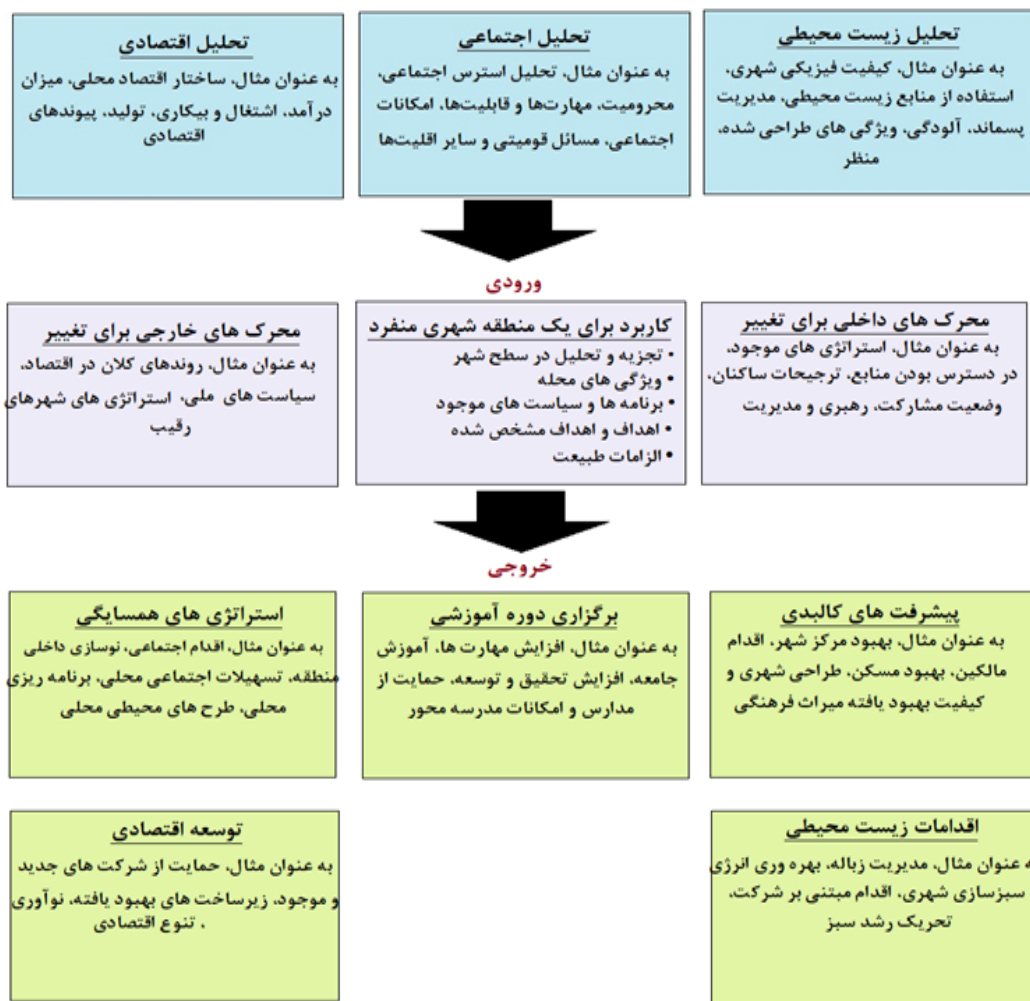
جمالوندی و همکاران [۶] در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش بازآفرینی شهری در رونق محورهای گردشگری در شهر ایلام»، نتیجه می‌گیرند که با به‌کارگیری اصول و ابعاد بازآفرینی شهری در شهر ایلام به عنوان بستر کارکردهای اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، و تشویق بخش خصوصی و دولتی جهت سرمایه‌گذاری در گردشگری شهری ایلام، زمینه‌های لازم برای بهبود و رونق شرایط معیشت و اقتصاد مردم این شهر و حتی فراتر از آن استان ایلام را

یکی از رویکردهای اصلی دولت‌های اروپای غربی و آمریکای شمالی در مواجهه با مسائل و مشکلات مناطق شهری مورد توجه قرار گرفته است. بعدها در دهه ۱۹۹۰ بازآفرینی شهری در بسیاری از مناطق شهری که اغلب پرجمعیت بوده و از نظر عملکردی ناهمگن و ناکارآمد بودند اجرا شد [۱۶]. در یک تعریف کلی، بازآفرینی شهری را می‌توان این‌گونه توصیف کرد: «چشم‌انداز و اقدامی جامع و یکپارچه که به حل مشکلات شهری منجر می‌شود و به دنبال بهبود پایداری در وضعیت اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیطی است» [۱۷]. با این حال، اگرچه بازآفرینی شهری اغلب به عنوان یک رشته جامع و کل‌نگر در نظر گرفته می‌شود که تمام جنبه‌های گفته شده را در بر می‌گیرد، اما در عمل به‌ندرت جامع و کامل است. بازآفرینی شهری در اصل قصد دارد ماهیت یک مکان را با مشارکت بخش‌های عمومی، خصوصی، اجتماعی و داوطلبانه با همدیگر در جهت یک هدف واحد روشن تغییر دهد و کیفیت زندگی را برای همه افراد بهبود ببخشد [۱۸]. شکل ۱ تنوع مضامین و موضوعات درگیر در بازآفرینی شهری و کثرت خروجی‌های مرتبط مانند راهبردهای همسایگی، آموزشی و فرهنگی، توسعه اجتماعی، کالبدی، اقتصادی، و اقدامات زیست‌محیطی را نشان می‌دهد.

دریایی در بنادر تاریخی شهرها شود. کوردژ - دی ویلا و شولک [۱۳] در مطالعه میراث فرهنگی، گردشگری و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل در مورد کرواسی، با موارد منتخب‌شده در کرواسی تأیید کردند که رایج‌ترین راه برای ارزش‌گذاری مکان تاریخی - فرهنگی در چارچوب گردشگری است، گردشگری فرهنگی مشارکت بین گردشگری و مدیریت میراث فرهنگی، جایی که میراث فرهنگی اغلب با گردشگری پایدار مرتبط است. اما گردشگری‌ای که بتواند احیاکننده وضعیت مطلوبی باشد که آسیب‌های واردشده را جبران کند، هنوز با وضعیت فعلی محدوده مورد مطالعه فاصله دارد و برای دستیابی به آن در آینده نزدیک، نیاز به تلاش بیشتری برای برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت است.

■ مبانی نظری تحقیق

بازآفرینی شهری را می‌توان متعلق به اواسط قرن نوزدهم دانست که در برنامه‌های توسعه شهری بارون هاوسمان در پاریس مشاهده شده است [۱۴]، اما تعریف نظری این مفهوم به دهه ۱۹۶۰ در برنامه‌های سیاستی مربوط به محرومیت اجتماعی در مناطق درون‌شهری برمی‌گردد [۱۵]. بازآفرینی شهری مفهوم نوظهوری است که از اواخر دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، به عنوان

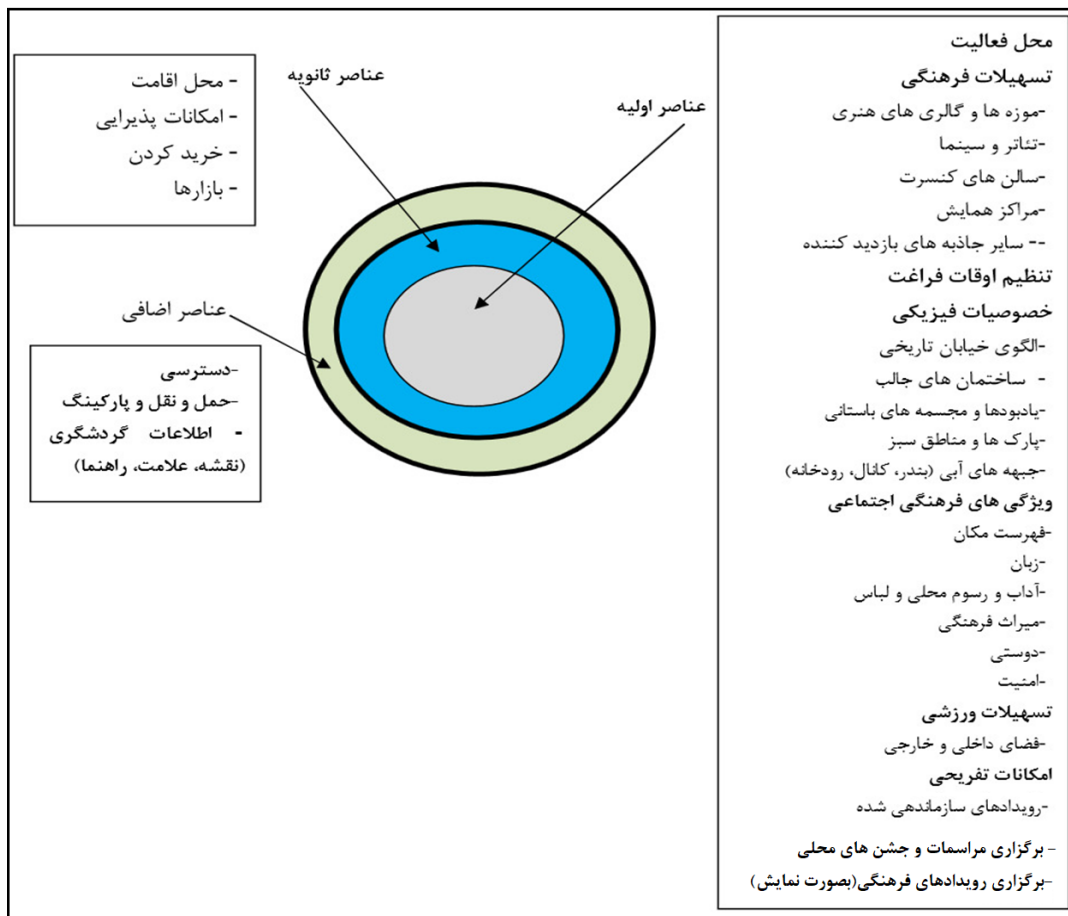


شکل ۱. تنوع مضامین و موضوعات درگیر در بازآفرینی شهری و کثرت خروجی‌های مرتبط [۱۹]

گردشگری و گردشگری شهری

تاریخی شهرها زمانی اهمیت پیدا کرد که گردشگری در «دریاها» محبوبیت خود را به میزان قابل توجهی از دست داد. گردشگری در شهرهای تاریخی و پایتخت کشورهای توسعه یافته شروع به شکوفایی کرد و سپس، در شهرهای دیگر رشد کرد، اما در واقع گردشگری شهری چیست؟ پژوهشگران معتقدند که گردشگری شهری پدیده‌ای پیچیده است که شامل انواع فعالیت‌های گردشگری مانند استراحت و سرگرمی در شهر، خرید و تفریح، شرکت در برنامه‌های ویژه و جلسات کاری، گالری‌های هنری، کنسرت‌ها، جشنواره‌ها، بازدید از مکان‌های جذاب مانند نمایشگاه‌ها و موزه‌ها، بازدید از اقوام و خویشتن‌اندان است [۲۴]. اما جاذبه‌های واقعی در گردشگری شهری شامل جذابیت‌های انسانی و همچنین فعالیت‌هایی است که بر اساس جذابیت‌های تاریخی و فرهنگی صورت می‌گیرد. طبق تعریف سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد، گردشگری شهری «نوعی از فعالیت‌های گردشگری است که در یک فضای شهری با ویژگی‌های ذاتی آن که با اقتصاد غیر کشاورزی مانند مدیریت، تولید، تجارت و خدمات رفاهی مشخص می‌شود، صورت می‌گیرد». حمل و نقل در شهرهای مقصد طیف وسیع و ناهمگونی از تجربیات و محصولات فرهنگی، معماری، فناوری، اجتماعی و طبیعی را برای اوقات فراغت و تجارت ارائه می‌دهند. کمیسیون اروپا [۲۵] گردشگری شهری را به عنوان «مجموعه‌ای از منابع یا فعالیت‌های واقع در شهرها تعریف می‌کند که برای بازدیدکنندگان از جاهای دیگر به عنوان گردشگر ارائه می‌دهد». منابع گردشگری شهری در شکل ۲ ارائه شده است.

گردشگری مفهومی پیچیده و پویا دارد. از تعاریف اولیه گردشگری که در دهه اول قرن بیستم ارائه شد تا تعاریف اخیر در حال تغییر بوده است [۲۰]. بنابراین، نمی‌توان به طور مستقیم آن را تعریف کرد. گردشگری پدیده‌ای منحصر به فرد در دوران معاصر است که به نیازهای روزافزون مردم در زمینه آرامش روحی - جسمی، تمایل آن‌ها به شناخت زیبایی‌های طبیعت و این باور که طبیعت به انسان خوشبختی می‌دهد وابسته است. در زمان قدیم گردشگری به معنای رفتن به طبیعت بود. پس از جنگ جهانی دوم، وابستگی بین تعریف گردشگری و طبیعت کاهش یافت و مکان‌ها به عنوان مقصد بسیار مورد توجه قرار گرفتند [۲۱]. به عنوان مثال کوهن [۲۲] اشاره می‌کند که گردشگری به معنای بازدید از یک مکان برای اوقات فراغت است. فعالیت‌هایی مانند تعطیلات، سرگرمی، دیدار با خانواده و دوستان، ورزش، استراحت و تفریح است. به گفته کوهن [۲۲]، این مکان‌ها می‌توانند در هر جایی باشند و محدود به طبیعت نیستند. همچنین، امروزه بر اساس مفاهیم گردشگری که توسط سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد (UNWTO) منتشر شده است، گردشگری مدرن تعداد گسترده‌ای از مقاصد جدید را برای گردشگری در بر می‌گیرد که با مقاصد قدیمی مانند مکان‌های طبیعی، تاریخی، ساحلی و موزه متفاوت است. در این راستا گردشگری شهری به دلیل علاقه به فرهنگ‌های محلی، ادامه تحصیل، تفریح و آرامش روحی، تمایل سفر به مکان‌ها و مقاصد مختلف، آشنایی با فرهنگ‌های مختلف و گردشگری به منظور خرید رو به رشد است [۲۳]. گردشگری در قسمت‌های

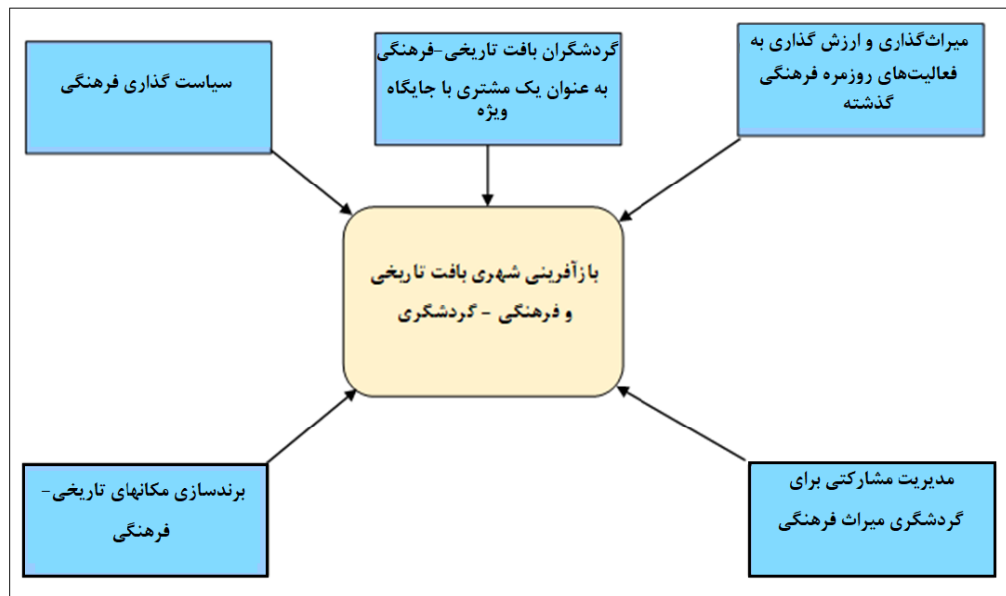


شکل ۲. منابع گردشگری شهری [۲۴]

بازآفرینی شهری با مدیریت گردشگری شهری

بالقوه می‌تواند به سرمایه‌گذاری داخلی از سوی افراد سرمایه‌دار و تجار منجر شود که تصمیم می‌گیرند در بخش‌های دیگر شهر سرمایه‌گذاری کنند یا کسب‌وکار خود را به آنجا منتقل کنند. رشد گردشگری شهری در جوامعی که به شدت تحت تأثیر زوال شهری قرار گرفته‌اند نیز می‌تواند عبور محلی را افزایش دهد، زیرا ساکنان نسبت به شهر یا محل زندگی خود احساس خوبی خواهند داشت اگر آن‌ها تصور کنند که محیط زندگی‌شان مکان ارزشمندی برای بازدید و گردشگری است [۲۸]. در گردشگری می‌توان برای یافتن کاربری‌های جدید از ساختمان‌های متروکه استفاده کرد و می‌توان محیط زیست شهر را بهبود بخشید. علاوه بر این، از آنجا که بازسازی ساختمان‌های قدیمی باعث تغییرات قابل توجهی در گردشگری می‌شود، زیرساخت‌ها و امکانات حمل‌ونقل را نیز اغلب بهبود می‌بخشد [۲۹]. زوکین [۳۰] در مطالعات خود جذابیت انبوه بازسازی ساختمان‌های میراثی برای استفاده مسکونی و طرح‌های توسعه گردشگری برجسته می‌کند. در حالی که مرمت بناهای میراثی می‌تواند مردم را برای زندگی به شهر بازگرداند، بازسازی ساختمان‌های گردشگری مانند جاذبه‌های بازدیدکننده یا اقامتگاه نیز می‌تواند بازدیدکنندگان را جذب کند. در واقع، کریگ اسمیت و فاجنس [۳۱] استدلال می‌کنند که در صورت امکان، بناهای تاریخی باید بازسازی شوند، زیرا مردم جذب چنین مکان‌هایی می‌شوند که می‌توانند با تاریخ ارتباط برقرار کنند و بناهای تاریخی با احیا، بازسازی و نوسازی برای گردشگری در مناطق شهری ارزشمند هستند. ساختمان‌های تاریخی و میراثی معمولاً برای اقامت، انبارهای تجاری، خرده‌فروشی، سرگرمی و اهداف فرهنگی بازسازی می‌شوند [۳۰].

اخیراً گردشگری و بازآفرینی شهری به عنوان دو فعالیت مرتبط با یکدیگر اهمیت یافته‌اند. همان‌طور که سواربروک [۳] بیان می‌کند، بازآفرینی شهری مبتنی بر گردشگری در دو دهه گذشته به یک پدیده بزرگ تبدیل شده است. بسیاری از محققان رابطه نزدیک بین گردشگری و بازآفرینی شهری را بررسی کرده‌اند [۲۶]. گردشگری و بازآفرینی شهری دو فعالیتی هستند که در دو دهه گذشته اهمیت زیادی پیدا کرده‌اند. گردشگری به عنوان یک ابزار بازآفرینی شهری استفاده می‌شود، زیرا تصور می‌شود مزایای زیادی برای شهرها و ساکنان شهرها دارد. با بررسی ادبیات آکادمیک مشخص شده است که بین گردشگری شهری و بازآفرینی شهری ارتباط کاملاً مثبت و مستقیمی وجود دارد. با تغییرات کلیدی در یک مکان که برای تقویت و رقابت آن در جذب کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری و استراتژی‌های گردشگری صورت می‌پذیرد، گردشگری می‌تواند به بازسازی کالبدی، اقتصادی و اجتماعی آن مکان کمک کند با این استدلال که سرمایه‌گذاری در گردشگری به نفع جامعه محلی است، زیرا به توسعه امکانات، فعالیت‌ها، محیط فیزیکی و زیرساخت‌ها منجر می‌شود. مدیران باهوش و همچنین، ساکنانی که از تأثیرات بالقوه گردشگری اطلاع دارند می‌توانند از این رابطه بهره ببرند [۲۷]. در سال‌های اخیر، گردشگری به یکی از انگیزه‌های اصلی بازآفرینی شهری به‌ویژه در مناطق درون‌شهری تبدیل شده است، در حالی که گردشگران توسعه خدمات و امکانات (مانند مغازه‌ها، تئاترها و زیرساخت‌ها) را رونق می‌بخشند، ساکنان نیز می‌توانند از این امکانات بهره ببرند. علاوه بر این، گردشگری شهری به طور



شکل ۳. مدل مفهومی تحقیق

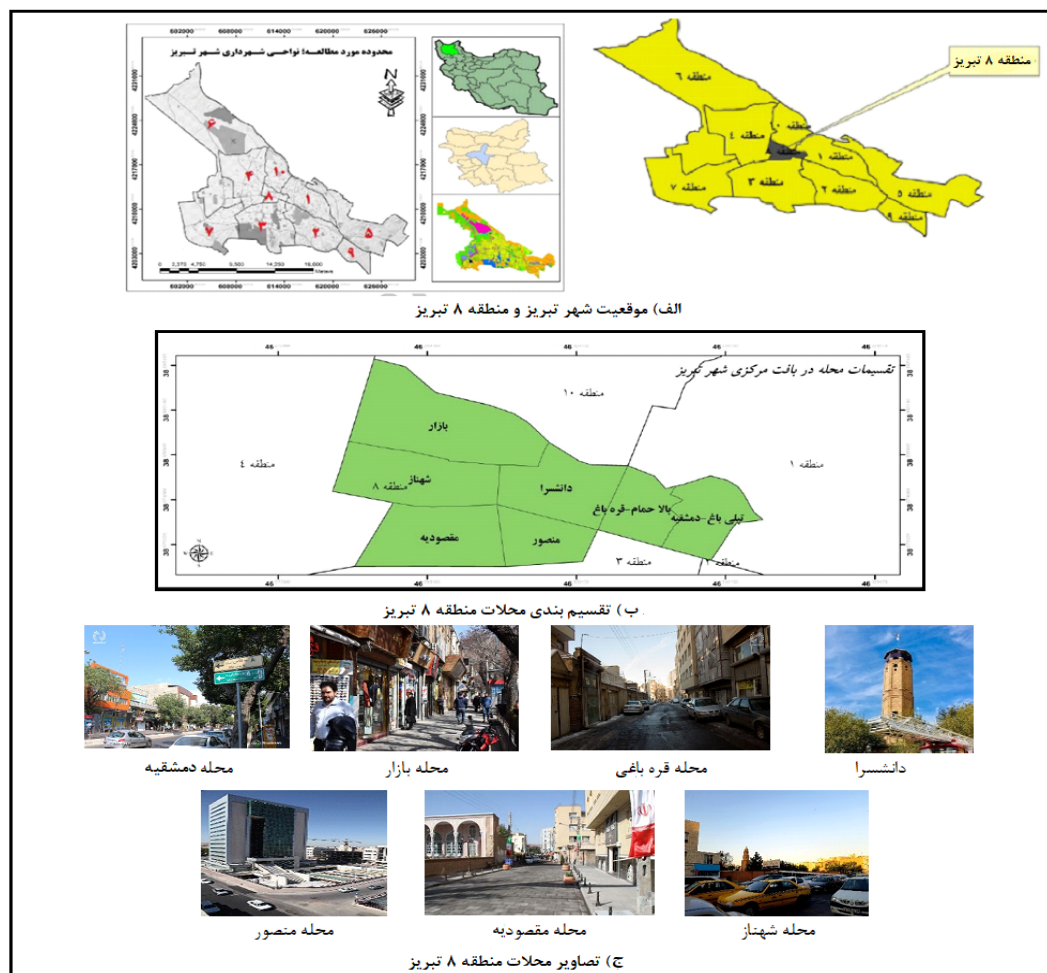
(مجموع پنج نفر). دسته دوم شامل: مدیران و کارشناسان سازمان گردشگری بود (چهار نفر) و دسته سوم شامل: اساتید دانشگاهی بود (ده نفر). برای کشف حوزه‌های بالقوه تحقیق، اظهارات مصاحبه‌شوندگان طبقه‌بندی و از طریق تحلیل محتوای کیفی برای استخراج عوامل استراتژیک قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها (SWOT) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در مرحله بعد، ماتریس SWOT با سازماندهی عوامل استراتژیک داخلی و خارجی که زیربنای اصلی استراتژی توسعه هستند، بسط داده شد. برای اولویت‌بندی استراتژی‌های به دست آمده از تحلیل SWOT نظرات کارشناسان از طریق پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری و با استفاده از مدل فرایند شبکه تحلیلی (ANP) با کمک نرم‌افزار

مواد و روش‌ها

این مقاله با رویکرد مطالعه موردی به بررسی پتانسیل بازآفرینی شهری از طریق گردشگری مبتنی بر میراث فرهنگی در بافت تاریخی فرهنگی شهر تبریز می‌پردازد. مانند سایر مطالعات موردی، این بررسی با بیش از یک منبع انجام شده است که شامل منابع کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی و همچنین مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود که با ۱۹ متخصص انجام شد. جامعه آماری مصاحبه‌شوندگان شامل خبرگان شهری بودند که با اشیاع نظری در فرایند مصاحبه به دست آمد و نمونه به سه دسته مختلف تقسیم شد: دسته اول شامل مدیران و کارشناسان بافت‌های تاریخی و فرسوده شهر تبریز بود

فرصت‌ها (WO) و ۴ - ضعف - تهدید (WT) برای ایجاد استراتژی‌های جایگزین. استراتژی‌های SO، قوت‌های داخلی را برای استفاده از فرصت‌های خارجی به کار می‌گیرند (مورد ایده‌آل) و هدف استراتژی WO کاهش ضعف‌های داخلی با بهره‌گیری از فرصت‌های خارجی است. از سوی دیگر، استراتژی ST شامل استفاده از قوت‌ها برای جلوگیری یا کاهش اثرات تهدیدهای خارجی است، در حالی که استراتژی WT تاکتیک‌های دفاعی هستند که هدف آن، کاهش ضعف‌های داخلی و تهدیدهای خارجی است. مزیت اصلی این رویکرد، تأثیر عوامل داخلی و خارجی اولویت‌بندی شده در استراتژی‌های جایگزین برای بازآفرینی شهری و توسعه گردشگری است. ANP یک روش تصمیم‌گیری چندمعیاره است که معمولاً مورد استفاده قرار می‌گیرد، که مقایسه‌های زوجی بین عوامل را برای اولویت‌بندی آن‌ها با استفاده از رویکرد محاسبه ارزش ویژه انجام می‌دهد. هدف از استفاده ANP در چارچوب ارزیابی سیستماتیک عوامل SWOT و یکسان‌سازی شدت آن‌ها بود.

Super Decision برای امتیازدهی به موارد استخراج‌شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. شرکت کنندگان از طریق نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند و در مورد امکان‌سنجی بهبود بازآفرینی شهری از طریق گردشگری در بافت تاریخی - فرهنگی شهر تبریز سؤال شد. برای کشف حوزه‌های بالقوه تحقیق، اظهارات مصاحبه‌شوندگان طبقه‌بندی شد و از طریق تحلیل محتوای کیفی برای استخراج عوامل استراتژیک قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها (SWOT) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در مرحله بعد، ماتریس SWOT با سازماندهی عوامل استراتژیک داخلی و خارجی که زیربنای اصلی استراتژی توسعه هستند، بسط داده شد. برای اولویت‌بندی استراتژی‌های به‌دست‌آمده از تحلیل SWOT، نظرات کارشناسان از طریق پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری و با استفاده از مدل فرایند شبکه تحلیلی (ANP) با کمک نرم‌افزار Super Decision برای امتیازدهی به موارد استخراج‌شده تجزیه و تحلیل شد. تجزیه و تحلیل‌ها چهار گروه استراتژیک از لحاظ مفهومی متمایز را شناسایی کرد: ۱ - قدرت؛ - فرصت (SO)؛ ۲ - تهدیدها - قدرت (ST)؛ ۳ - ضعف -



شکل ۴. موقعیت و تقسیم‌بندی محلات و تصاویر محلات منطقه ۸ تبریز

معادل ۲۶۰ هکتار است که ۲ درصد از مساحت کل شهر تبریز را در بر گرفته و کوچک‌ترین منطقه بین مناطق دهگانه شهر تبریز است [۳۲]. محلات بافت قدیمی شهر تبریز حسب سابقه تاریخی آن‌ها عبارت‌اند از: بازار، شهناز، مقصودیه، دانشسرا، منصور، قره‌باغی - بالاحمام و تپلی باغ - دمشقیه، سیمای

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه بافت مرکزی و تاریخی - فرهنگی شهر تبریز که جزء منطقه ۸ تبریز است و این منطقه دربرگیرنده هسته میانی شهری است که به عنوان مرکزی‌ترین و مهم‌ترین منطقه شهر تبریز به شمار می‌رود و با وسعتی

فعالیت‌های فرهنگی به گونه‌ای گسترش می‌یابد که شامل ویژگی‌هایی می‌شود که قبلاً برای اکثر گردشگران مهم نبودند. در سال‌های اخیر، فعالیت‌های فرهنگی و محصولات میراثی مانند غذاهای سنتی که ارزش‌های فرهنگی شهر را احیا می‌کنند و هویت قومی را تقویت می‌کنند، به کانون توجه جدیدی تبدیل شده‌اند. مراسم‌های محلی، موسیقی محلی و برخی آیین‌های مذهبی هر ساله مورد توجه تعداد قابل توجهی از گردشگران میراث فرهنگی قرار می‌گیرد. متأسفانه بیشتر این عناصر ناملموس فرهنگ که در بافت تاریخی اجرا می‌شوند، اکنون در معرض خطر وخامت شهر قرار دارند.

برندسازی مکان‌های تاریخی - فرهنگی

بی‌توجهی به ارزش‌ها و بافت تاریخی و معماری بافت تاریخی شهر تبریز بر پتانسیل آن به عنوان یک مقصد منطقه‌ای و بین‌المللی جزء چند مورد معدود تأثیر منفی گذاشته است.

مدیریت مشارکتی برای گردشگری میراث/فرهنگی

در حال حاضر، اکثریت سیاست‌گذاران را مقامات و نهادهای عمومی و دولتی تشکیل می‌دهند. تعداد اندکی از نهادهای غیردولتی و نمایندگان بخش خصوصی دارای نقش حقوقی محدود و اختیارات عملکردی محدود در فرایندهای سیاست‌گذاری هستند و منابع مالی مستقلی برای پیگیری اهداف خود ندارند. برای مشارکت ساکنان در فرایند تصمیم‌گیری، مدیریت شهری اقداماتی را برای تقویت شبکه‌های اجتماعی و بهبود دانش عمومی اتخاذ کرده است، مانند گردهمایی با هنرمندان، شهروندان و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای آشنایی با مزایای اجتماعی - اقتصادی گردشگری.

راهبردهای بازآفرینی شهری از طریق گردشگری میراث فرهنگی

شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های شهر با هدف تحقق بازآفرینی شهری مبتنی بر گردشگری فرهنگی و میراثی می‌تواند ماهیت اقدامات سیاست‌گذاری و اجرایی را روشن کند.

در ادامه، قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای بافت تاریخی - فرهنگی شهر تبریز از طریق مشاهدات و داده‌های مصاحبه شناسایی شد (جدول ۱). پس از استخراج قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای پتانسیل گردشگری میراث بافت تاریخی شهر تبریز، از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا دوباره موارد استخراج شده را امتیاز دهند. نتایج در جدول ۲ نشان داده شده است.

اولویت‌بندی استراتژی‌های بازآفرینی مبتنی بر گردشگری

بر اساس تجزیه و تحلیل ماتریس SWOT، استراتژی‌های بازآفرینی شهری از طریق گردشگری میراث فرهنگی به چهار دسته طبقه‌بندی شدند: اقدام رقابتی/طرفدار (SO)، تنوع (ST)، تجدیدنظر (WO) و دفاع (WT). استراتژی‌های یادشده در زیر بر اساس تحلیل سلسله‌مراتبی در نرم‌افزار Su-per Decision شناسایی و وزن‌دهی شدند (شکل ۵).

عمومی شهر تبریز و بافت مرکزی شهر را نشان می‌دهد. اگرچه هویت تاریخی و اجتماعی و قرارگیری در محدوده بافت پرتردد شهری چهره‌ای سرزنده به محلات یادشده بخشیده است، با این حال بررسی محدوده مورد مطالعه از منظر متغیر مستقل پژوهش بیانگر آن است که گسترش و نفوذ کاربری‌های تجاری در مواردی باعث افول کیفیت زیست‌محیطی و سکونت در بافت‌های مزبور شده است. فرینگی با علائم فرسودگی و همجواری با عناصر بازارش تاریخی باعث شده است تا هر گونه تصمیم در خصوص نحوه توسعه بافت شهری تحت تأثیر الپوهای توسعه میراث فرهنگی باشد. حس اجتماعی قوی و دل‌بستگی به مکان از ویژگی‌های بازار اکثر ساکنان است که انتساب هویت خویش به بافت مزبور نشانه‌ای از شکل‌گیری هویت مکانی در ساکنان است. مشکلات ترافیکی در نتیجه همجواری با افت جذب جمعیت و کمبود سرانه ترافیکی و عرض معابر باعث ازدحام و آلودگی محیطی شده است. علی‌رغم توجه شهرداری تبریز به تأمین فضای سبز و باز، همچنان کمبود دسترسی به فضاهای سبز و باز احساس می‌شود. کوچک شدن فضای اقامت در پی گرانی زمین و کاهش کیفیت در خانه‌های نوسازی شده تحت تأثیر تراکم‌فروشی باعث افول کیفیت زندگی در برخی از قسمت‌های بافت مزبور شده است [۳۳]. موقعیت و تقسیم‌بندی محلات و تصاویر محلات منطقه ۸ تبریز که بافت تاریخی - فرهنگی شهر تبریز است، در شکل ۴ آورده شده است.

یافته‌ها

در این بخش، پنج عامل اصلی شرح‌داده شده در شکل ۳ با توجه به بافت تاریخی - فرهنگی تبریز مورد بررسی قرار گرفته است.

سیاست‌گذاری فرهنگی

اگرچه در اسناد و برنامه‌های توسعه شهری تهیه شده برای بافت تاریخی شهر تبریز به سیاست‌ها و راهبردهای فرهنگی اشاره شده است، اما تا کنون برنامه‌های جامعی برای بازآفرینی میراثی اندیشیده نشده و سیاست‌های فرهنگی موجود محدود به ملاحظات پراکنده است. با بررسی دقیق، محتوای طرح‌های توسعه موجود را می‌توان به این صورت خلاصه کرد: اول، تبدیل قسمت تاریخی شهر به یک مرکز بزرگ میراث و فرهنگی در شهر و استان، دوم ایجاد یک کاربری تکمیلی زمین و طرح توسعه شهری برای توسعه خدمات گردشگری و امکانات تفریحی و در نهایت، تدوین طرح گردشگری برای کل شهر و استان.

گردشگران بافت تاریخی - فرهنگی به عنوان یک مشتری با جایگاه ویژه

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، عرضه و تقاضا برای میراث فرهنگی دارای مقیاس‌های متفاوتی است که بر انواع میراثی که مصرف‌کنندگان میراث بازدید می‌کنند، بر میزان تقاضای آن‌ها تأثیر دارد. در مورد میراث محلی، تعدادی بناهای تاریخی، موزه‌ها، بازارها و مدارس مذهبی وجود دارند که در صورت حفاظت و ارتقای مناسب، پتانسیل آن را دارند که به عنوان جاذبه‌های بین‌المللی شناخته شوند.

میراث‌گذاری و ارزش‌گذاری به فعالیت‌های روزمره فرهنگی گذشته

جدول ۱. ماتریسی از عوامل داخلی و خارجی در تحقق بازآفرینی فرهنگ محور مبتنی بر گردشگری میراثی

عوامل	قوت	ضعف	فرصت	تهدید
سیاست گذاری فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> حمایت سازمان های غیر انتفاعی از فضاها و مکان های تاریخی با ارزش. محصولات فرهنگی و صنایع دستی. 	<ul style="list-style-type: none"> مشارکت ناکافی بخش های خصوصی و دولتی در تصمیم گیری و سیاست گذاری فرهنگی. 	<ul style="list-style-type: none"> تمرکز مدیریت شهری روی گردشگری و سیاست های فرهنگی در سال های اخیر. 	<ul style="list-style-type: none"> فقدان الگوی جامع در سیاست گذاری فرهنگی. فقدان منابع مالی پایدار برای بخش های فرهنگی. اثرات منفی گردشگری ممکن است نسبت به اثرات مثبت در بعضی موارد، سنگین تر و مهم تر باشند.
گردشگران بافت تاریخی - فرهنگی به عنوان یک مشتری با جایگاه ویژه	<ul style="list-style-type: none"> بازشناسی فرش های این منطقه در سطح ملی. 	<ul style="list-style-type: none"> جایگزینی فرش های ایرانی با فرش های دیگر کشورها مثل چین 	<ul style="list-style-type: none"> احتمال بهبود کیفیت فرش های محلی. 	<ul style="list-style-type: none"> کیفیت سطح پایین فرش ها.
میراث گذاری و ارزش گذاری به فعالیت های روزمره فرهنگی گذشته	<ul style="list-style-type: none"> بناهای تاریخی مثل قلعه تاریخی یا دژ تاریخی. ساخت و ساز محور فرهنگی در همسایگی های قدیمی. موسیقی محلی خراسان جنوبی. غذای محلی و صنایع دستی. هنرهای محلی. سنت محلی. 	<ul style="list-style-type: none"> تخریب فضاهای عمومی، مثلا بازار سنتی. تخریب ساختمان های تاریخی. کیفیت پایین فضاهای عمومی. 	<ul style="list-style-type: none"> برپایی نمایشگاه ها به منظور افزایش فعالیت های فرهنگی. احیای صنعت رنگرزی. احیای صنعت قالی بافی. 	<ul style="list-style-type: none"> کیفیت پایین مکان هایی که در آن ها، فعالیت های فرهنگی برگزار می شوند. فقدان مؤسسه های مسئول برای برنامه ریزی فعالیت های فرهنگی.
برندسازی مکان های تاریخی - فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> ساختمان هایی که اهمیت فرهنگی منحصر به فرد دارند و برای رویدادهای خاص مورد استفاده قرار می گیرند (ساختمان های تاریخی و بازار و دیگر مکان ها). مسیری برای رویدادهای اجتماعی خاص و رویدادهای مذهبی خاص در بازار (مراسم های مذهبی). محصولات داخلی با پتانسیل برندسازی (فرش). 	<ul style="list-style-type: none"> فقدان امکانات گردشگری و خدمات گردشگری در بافت قدیمی. کیفیت نامشخص و مجهول فرش های این منطقه. ناشناخته و مجهول بودن ارزش های تاریخی و معماری. دسترسی نامناسب به مکان هایی که از نظر فرهنگی و رویدادی با ارزش هستند. 	<ul style="list-style-type: none"> تمرکز روی جذابیت های میراث فرهنگی. واحدهای خاص برای تولید محصولات فرهنگی و صنایع دستی. استفاده از خانه های تاریخی به عنوان مراکز برای رویدادهای فرهنگی و اجتماعی. 	<ul style="list-style-type: none"> فقدان برنامه و طرح های جامع برای سامان دهی میراث فرهنگی و صنایع دستی. برندسازی شهرهای میراث ممکن است پیامدهای منفی گردشگری را افزایش دهد.
مدیریت مشارکتی برای گردشگری میراث/ فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> معیارهایی به منظور ایجاد کارگروه های علمی برای احیای طرح های بناهای قدیمی. وجود رشته هایی به منظور تدریس مهارت هایی مثل بافندگی، چرم دوزی و غیره. محوریت نقش سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به عنوان نهادی متولی برای احیای قالی بافی به عنوان هنر اصیل. بهبود و افزایش خدمات گردشگری (پذیرایی و حمل و نقل). 	<ul style="list-style-type: none"> مهاجرت ساکنان بومی. سرمایه اجتماعی ضعیف. مهاجرت افرادی بدون مهارت های اجتماعی. 	<ul style="list-style-type: none"> تمایل مؤسسه های خصوصی برای فعال بودن در شهر. تمایل ساکنان برای مشارکت در فعالیت های اقتصادی. جذب مشارکت عمومی در فعالیت های اجتماعی و فرهنگی. توسعه خدمات و امکانات گردشگری. 	<ul style="list-style-type: none"> محدود بودن اختیار نهادهای غیر دولتی در سیاست گذاری در حوزه عمرانی و اقتصادی. محدودیت های قانونی برای حضور هنرمندان در بافت تاریخی برای اجراهای هنری.

جدول ۲. اولویت بندی عوامل خارجی و داخلی که ممکن است بر بازآفرینی میراثی و یا فرهنگی تأثیر بگذارد

عوامل	فاکتورهای SWOT	اولویت عوامل	عوامل فرعی	اولویت عوامل فرعی	اولویت کلی عوامل
سیاست گذاری فرهنگی	قدرت	۰,۰۶۵۸	S1	۰,۱۰۳۵	۰,۰۰۸۶
	ضعف	۰,۱۱۷۴	S2	۰,۳۸۲۱	۰,۰۲۵۱
	فرصت	۰,۱۰۵۳	W1	۰,۰۹۳۰	۰,۰۱۰۹
			O1	۰,۱۳۱۸	۰,۰۱۳۸

اولویت کلی عوامل	اولویت عوامل فرعی	عوامل فرعی	اولویت عوامل	فاکتورهای SWOT	عوامل	
۰,۰۱۸۲	۰,۱۷۸۱	T1	۰,۱۰۲۶	تهدید	سیاست گذاری فرهنگی	
۰,۰۱۱۴	۰,۱۱۱۲	T2				
۰,۰۷۰۷	۰,۲۲۱۳	S3	۰,۳۱۹۶	قدرت	گردشگران یافت تاریخی - فرهنگی به عنوان یک مشتری با جایگاه ویژه	
۰,۰۴۰۲	۰,۱۲۵۸	S4				
۰,۰۴۱۱	۰,۱۰۳۵	W2	۰,۳۹۸۰	ضعف		
۰,۰۴۴۱	۰,۱۱۰۹	W3				
۰,۰۶۳۹	۰,۱۶۳۲	O2	۰,۳۱۷۸	فرصت		
۰,۰۵۵۴	۰,۱۴۳۹	O3				
۰,۰۱۹۰	۰,۰۷۳۶	T3	۰,۲۵۹۱	تهدید		
۰,۰۱۵۳	۰,۰۵۹۴	T4				
۰,۰۵۶۱	۰,۱۶۹۲	S5	۰,۳۳۲۰	قدرت		میراث گذاری و ارزش گذاری به فعالیت های روزمره فرهنگی گذشته
۰,۰۲۷۵	۰,۰۸۳۱	S6				
۰,۰۲۵۲	۰,۰۷۶۱	S7				
۰,۰۲۹۹	۰,۰۹۰۳	S8				
۰,۰۲۹۹	۰,۰۹۰۳	S9				
۰,۰۳۳۸	۰,۱۰۱۹	S10				
۰,۰۲۴۴	۰,۱۰۱۳	W4	۰,۲۴۱۳	ضعف		
۰,۰۱۳۸	۰,۰۵۷۶	W5				
۰,۰۱۵۸	۰,۰۶۳۶	O4	۰,۲۴۸۶	فرصت		
۰,۰۱۰۳	۰,۰۴۱۵	O5				
۰,۰۰۹۸	۰,۰۳۹۶	O6				
۰,۰۱۳۴	۰,۰۵۷۷	T5	۰,۲۳۲۵	تهدید		
۰,۰۰۶۳	۰,۰۲۷۴	T6				
۰,۰۰۸۴	۰,۰۷۶۹	S11	۰,۱۰۹۶	قدرت	برندسازی مکان های تاریخی - فرهنگی	
۰,۰۰۴۴	۰,۰۴۰۲	S12				
۰,۰۱۲۳	۰,۱۱۲۷	S13				
۰,۰۰۵۷	۰,۰۳۳۳	W6	۰,۱۷۱۲	ضعف		
۰,۰۱۱۲	۰,۰۶۶۰	W7				
۰,۰۱۲۷	۰,۰۷۴۶	W8				
۰,۰۱۸۳	۰,۱۰۶۹	W9				
۰,۰۱۲۱	۰,۰۷۰۹	W10	۰,۱۶۰۹	فرصت		
۰,۰۱۸۶	۰,۱۱۶۰	O7				
۰,۰۱۶۳	۰,۱۰۱۸	O8				
۰,۰۲۷۳	۰,۱۶۹۸	O9				
اولویت کلی عوامل	اولویت عوامل فرعی	عوامل فرعی	اولویت عوامل	فاکتورهای SWOT	عوامل	

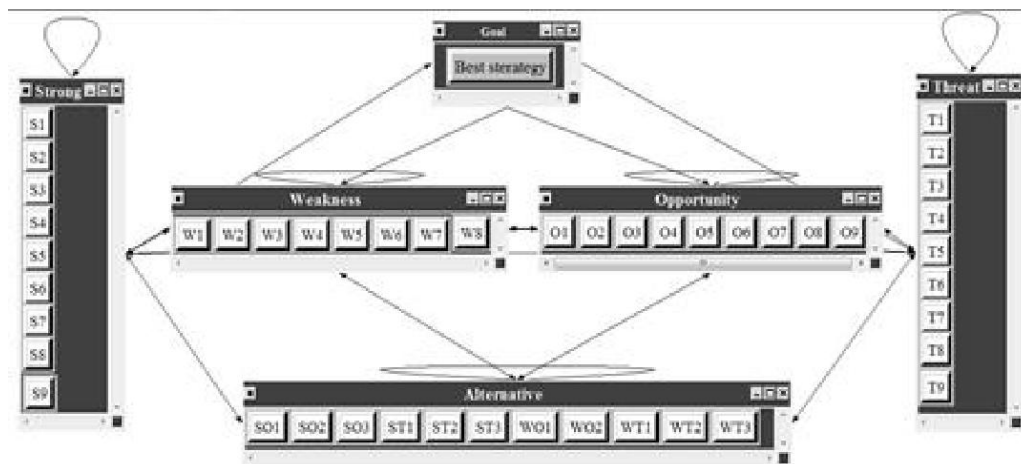
۰,۰۰۶۸	۰,۰۳۰۴	T7	۰,۲۲۴۴	تهدید	برندسازی مکان‌های تاریخی - فرهنگی مدیریت مشارکتی برای گردشگری میراث/فرهنگی
۰,۰۰۹۴	۰,۰۵۴۶	S14	۰,۱۷۲۷	قدرت	
۰,۰۰۹۴	۰,۰۵۴۶	S15			
۰,۰۳۳۹	۰,۱۹۶۷	S16			
۰,۰۳۴۵	۰,۲۰۰۰	S17			
۰,۰۱۰۴	۰,۱۴۴۹	W11	۰,۰۷۱۹	ضعف	
۰,۰۰۹۰	۰,۱۲۵۶	W12			
۰,۰۰۸۳	۰,۱۱۶۳	W13			
۰,۰۰۹۲	۰,۰۹۴۸	O10	۰,۰۹۷۲	فرصت	
۰,۰۰۶۶	۰,۰۶۸۱	O11			
۰,۰۰۶۴	۰,۰۶۶۷	O12			
۰,۰۰۹۲	۰,۰۹۵۰	O13			
۰,۰۰۷۲	۰,۰۴۰۲	T8	۰,۱۸۱۱	تهدید	
۰,۰۰۶۷	۰,۰۳۷۰	T9			

استراتژی رقابتی / پیش دستی (SO)

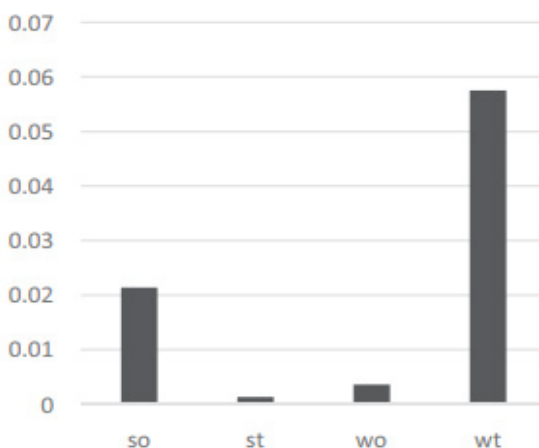
استراتژی‌های متعددی شناسایی شده‌اند که وسیله‌ای رقابتی و پیش‌دستانه برای بافت تاریخی - فرهنگی به منظور رقابت در بازار گردشگری و به منظور کمک به نوسازی محیط فرهنگی شهر هستند. اول از همه اینکه برگزاری نمایشگاه‌ها می‌تواند به بهبود فعالیت‌های فرهنگی کمک کند. جشنواره‌ها (فستیوال‌ها) و رویدادهای مختلف با مضامین فرهنگی می‌توانند به شهر کمک کنند تا برند خود را در سطح منطقه‌ای، ملی و شاید هم جهانی تقویت کند. دوم اینکه، بهبود کیفیت فرش‌های دستباف است. قالی و فرش‌های محلی این خطه در سراسر جهان به دلیل کیفیت خوب شناخته شده‌اند، اما ارتقای کیفیت آن‌ها از طریق حامیان مالی خصوصی، قیمت‌ها را افزایش می‌دهد و از تلاش‌های برندسازی که قبلاً به آن‌ها اشاره شد، حمایت می‌کند. سومین استراتژی شناسایی شده، برگزاری رویدادهای اجتماعی و فرهنگی بیشتر است که به ساکنان کمک خواهند کرد تا احساس کنند مردمی ریشه‌دار و بخشی از جامعه هستند. چهارم، استفاده از سایر دارایی‌های محلی از جمله موسیقی و غذاهای سنتی می‌تواند به احیای محصول میراث شهر و به تلاش‌ها در جهت برندسازی کمک کند. در نهایت، افزایش خدمات و امکانات گردشگری به نشان دادن جدیت شهر تبریز برای توسعه گردشگری میراثی و کمک به رفع نیازهای بازدیدکنندگان با افزایش تعداد بازدیدکنندگان در بافت تاریخی شهر کمک خواهد کرد.

استراتژی تنوع‌بخشی (ST)

چندین استراتژی نیز برای کمک به بافت تاریخی فرهنگی شهر تبریز در جهت تنوع بخشیدن به محصول (یا محصولات) گردشگری میراثی شناسایی شده‌اند. یکی از راه‌های مؤثر برای انجام این کار آماده‌سازی یک طرح و نقشه جامع است که از برنامه‌ها و طرح‌های گردشگری خاص حمایت بکند و بر محصولات فرهنگی منطقه تأکید بکند. دوم اینکه بافت تاریخی می‌تواند استفاده از مکان‌ها و بناهای تاریخی را به عنوان مکان رویدادهای اجتماعی و فرهنگی (مثل نمایشگاه‌ها، جشن‌ها و مراسم) برای کمک به احیای فضاهای میراث محلی و صنایع دستی در نظر بگیرد. همان‌طور که در بخش بالا اشاره شد، افزایش مشارکت عمومی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به ایجاد غرور ساکنان در جامعه و ایجاد نگرش سهیم شدن در سرمایه‌گذاری در میان اعضای جامعه کمک کند. چهارم، بهبود محیط زیست محل و فضاهای باز از طریق هنر خیابانی و افزایش خدمات گردشگری به علاوه افزایش پتانسیل بافت تاریخی شهر به عنوان مکانی برای پذیرش سبک و مد‌های بین‌المللی، گرایش‌های غذایی (مثل آشپزخانه‌های میراثی و غذاهای سنتی) و میراث ناملموس (مثل موسیقی و تئاتر) می‌تواند به تنوع محصولات محلی کمک کند. در نهایت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاران می‌توانند فعالیت‌های عمومی برای بازارهای محلی مختلف (مثل زنان، جوانان و غیره) در نظر بگیرند و جوانان با استعداد را برای مشارکت و به اشتراک‌گذاری هنرها و استعدادهایشان با جامعه تشویق کنند.



شکل ۵. ماتریس ترسیم شده حاصل از ترکیب ANP و SWOT



شکل ۶. وزن استراتژی‌ها بر اساس تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی

طریق یک ابتکار خصوصی - عمومی، برای برنامه ریزی و نظارت بر رویدادها و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌تواند کمک زیادی به توانمندسازی جامعه و پیشبرد اهداف بازآفرینی و گردشگری داشته باشد. چنین سازمانی یا سایر اقدامات می‌تواند با تضمین مشارکت ساکنان در تصمیم‌گیری (داشتن صدایی برای رد یا پذیرش طرح‌های توسعه) و در منافع اقتصادی گردشگری به افزایش سرمایه اجتماعی شهر کمک کند. درس گرفتن از موفقیت‌ها و شکست‌های سایر کشورهای در حال توسعه و مناطق مشابه گام مهمی برای بافت تاریخی - فرهنگی شهر تبریز است. نتایج همچنین نشان می‌دهد بهترین حالت این است که بهبود محیط اقتصادی و شهری بافت تاریخی - فرهنگی شهر تبریز از طریق گردشگری می‌تواند به ماندن مردم در آنجا کمک کند یا از ترک آن‌ها برای رفتن به مکان‌های دیگر در جست‌وجوی کیفیت زندگی بالاتر و فرصت‌های بهتر جلوگیری کند. ارتقای کیفیت محیطی در این مورد باید مستلزم افزایش امنیت و رفاه اجتماعی در بازار و بافت تاریخی - فرهنگی باشد. در نهایت رفع چالش‌های مفهومی فرهنگ و گردشگری و ایجاد تعادل بین مفاهیم سنتی و مدرن با کمک کارشناسان گردشگری برای بافت تاریخی - فرهنگی شهر تبریز حائز اهمیت است.

بازنگری (WO)

اقدامات مرتبط با بازنگری شامل توسعه روابط بهتر بین بخش‌های دولتی و خصوصی، تمرکز بر نقش میراث فرهنگی، اتخاذ سیاست‌های فرهنگی، توسعه طرح‌های بازار و استفاده از ساختمان‌های تاریخی متروکه به عنوان اقامتگاه‌های توریستی و محل برگزاری رویدادها است. از نابودی آن‌ها جلوگیری می‌کند. همچنین، افزایش مشارکت عمومی در سیاست‌گذاری و توسعه اقتصادی امری حیاتی است که هنوز در عمل یا در سیاست به‌خوبی تثبیت نشده است. همچنین پیشنهادهایی برای توسعه دسترسی بهتر به این منطقه از طریق پیوندهای حمل‌ونقل ملی و بین‌المللی کارآمدتر و شبکه‌های تحرک ارائه شود. حمایت جامعه نیز احتمالاً با ایجاد فضاهای عمومی جدید، از جمله ساختمان‌ها و زمین‌های متروکه، برای فعالیت‌های ورزشی و تفریحی مردم محلی افزایش خواهد یافت.

دفاع (WT)

موارد اولویت در دسته دفاعی چندگانه است، اما در درجه اول بهتر است بر اقدامات پیشگیرانه برای پیشبرد سریع در توسعه فضاهای شهری بازآفرینی شده و گردشگری میراث سالم تمرکز شود. ایجاد یک سازمان مستقل، از

نتیجه‌گیری

بافت تاریخی تبریز یکی از مراکز باارزش شهری در ایران است که مانند بسیاری دیگر از مناطق تاریخی در ایران و در سراسر جهان در معرض زوال قرار گرفته است. از طرفی، جاذبه‌های تاریخی پتانسیل عالی برای بافت تاریخی هستند که می‌تواند مویات توسعه گردشگری را فراهم سازد. بنا به مطالعات انجام شده توسعه گردشگری و بازآفرینی شهری با یکدیگر در ارتباط هستند و توسعه گردشگری می‌تواند بازآفرینی بافت را به همراه آورد.

ذکر این نکته ضروری است که توسعه گردشگری زمانی می‌تواند بازآفرینی را موجب شود که هدفمند انجام گیرد. بازآفرینی بافت‌های تاریخی - فرهنگی به طرح‌ها و برنامه‌های مبتنی بر روابط بین بازآفرینی و گردشگری وابسته است. یافته‌های مطالعات قبلی در این تحقیق نیز مورد تأیید قرار گرفت (مشابه با یافته پژوهش جملوندی و همکاران [۶]). همان‌گونه که قابل مشاهده است، به دلیل وابستگی متقابل شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها، و همچنین، ضرورت رویکرد سیستماتیک، مطالعه موجود، علاوه بر تحلیل SWOT، از مفهوم رتبه‌بندی از مدل تحلیل شبکه بهره گرفته شد. پنج عامل اصلی برای تحقق بازآفرینی مبتنی بر گردشگری مشخص شد: سیاست‌گذاری فرهنگی، گردشگران بافت تاریخی - فرهنگی به عنوان یک مشتری با جایگاه ویژه، میراث‌گذاری و ارزش‌گذاری به فعالیت‌های روزمره فرهنگی گذشته، برندسازی مکان‌های تاریخی - فرهنگی، و مدیریت مشارکتی (participatory management). طبق نتایج تحلیل SWOT، مهم‌ترین محدودیت‌ها عبارتند از: نبود ابزار جامع برای سیاست‌گذاری فرهنگی (۰/۰۱۸۲)، فقدان منابع مالی پایدار برای فعالیت‌های فرهنگی و امکانات گردشگری (۰/۰۱۱۴)، کاهش کیفیت فرش تبریز (۰/۰۱۵۳)، و کاهش کیفیت فضاهای مربوط به رویدادها و مراسم فرهنگی (۰/۰۱۳۴). مهم‌ترین فرصت‌ها عبارتند از: استفاده از بناهای تاریخی به عنوان مراکز رویدادهای اجتماعی و فرهنگی (۰/۰۶۲۹)، احیای صنعت قالی‌بافی (۰/۰۵۵۴)، از احیای مراسم‌های محلی و موسیقی محلی (۰/۰۴۱۱)، مهم‌ترین معایب و ضعف‌ها عبارتند از: رقابت برای تولید فرش توسط سایر کشورها (۰/۰۴۱۱) و تخریب فضاهای عمومی، مانند قسمتی از بافت‌های تاریخی بازار، و تخریب آثار تاریخی مانند قلعه و ارگ علیشاه (۰/۰۲۴۴). مهم‌ترین قوت‌ها عبارتند از: آثار تاریخی مانند بازار تاریخی، قلعه و ارگ علیشاه (۰/۰۷۰۷۰). به منظور تدوین استراتژی‌ها، از فرصت‌های خارجی و قوت داخلی بهره گرفته شده، و تلاش شد استراتژی‌هایی در جهت کاهش تهدیدهای خارجی و ضعف‌های داخلی تدوین شود. براساس جدول SWOT، استراتژی‌های حاصل با استفاده از مدل amp در نرم‌افزار Super Decision اولویت‌بندی شدند. یافته‌ها اشاره دارد که استراتژی‌های دفاعی (WT) با وزن ۰/۰۵۷۵ از بالاترین اولویت در کاهش آسیب‌پذیری شهر برخوردار هستند. به دنبال این استراتژی‌ها، استراتژی‌های حمله (SO)، استراتژی‌های بازنگری (WO)، و استراتژی‌های تنوع (ST) مطرح هستند.

این مطالعه نشان می‌دهد دارایی‌های تاریخی - فرهنگی و پتانسیل گردشگری می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر نحوه بازآفرینی بافت تاریخی شهر تبریز از لحاظ اجتماعی، فیزیکی و اقتصادی داشته باشد. با توجه به یافته‌های کوردژ - دی ویلا و شولک [۱۳]، به این ترتیب برنامه‌ریزی برای گردشگری بافت تاریخی - فرهنگی شهری مستلزم رویکردی کل‌گرایانه و همه‌جانبه است که شامل توسعه اجتماعی - اقتصادی، برنامه‌ریزی شهری و حاکمیت خوب، ثبات سیاسی، محیط دموکراتیک و آزادی برای شکوفایی گردشگری است. با این وجود، به منظور کاهش اثرات منفی که می‌تواند به واسطه بازآفرینی شهری پایه گردشگری ایجاد شود، باید احتیاط کرد، از میان این اثرات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: دسترس‌ناپذیر بودن برای ساکنان به دلیل ازدحام بیش از حد، از دست دادن توان خرید مردم محلی به دلیل افزایش ارزش املاک از طریق بهسازی بافت (یا اعیانی‌سازی) و افزایش هزینه‌های زندگی، یا به دلیل از بین رفتن حس جمعی و تعلق و مالکیت میراث محلی. تنها به واسطه تلاش‌های مردمی و توانمندسازی واقعی جامعه، چنین مسائلی قابل

تعدیل هستند که منطبق با یافته‌های احد نژد و همکاران [۹]: خدایی و همکاران [۷] است. هر مکان با تهدیدها و ضعف‌هایی مواجه است، و با اتخاذ رویکردی محتاطانه نسبت به گردشگری شهری، از فرصت‌ها و نقاط قوتی نیز برخوردار هستند که می‌توانند در جهت کمک به ایجاد فضاهای قابل زندگی و مکان‌های گردشگری پسند به آن‌ها تکیه کنند. بدیهی است، قسمت‌هایی از بافت‌های تاریخی که به مدت طولانی زیاد مورد توجه قرار گرفته نگرفتند، به واسطه مداخلات فرهنگ‌مبنا و هویت‌محور، فرصت‌هایی برای تجدید حیات خود در جهت منافع جمعی ساکنان و گردشگران برخوردار هستند. این بافت‌های شهری قابلیت آن را دارند که ضمن بهره‌گیری از فرصت‌های غالب گردشگری با وجوه مختلفی از گردشگری - فراغت، گردشگری - تولید، گردشگری - تجارت، گردشگری - خرید و گردشگری - مذهبی، به بازنمایی صورتی جدید از بازآفرینی با محوریت مشارکت جمعی و از طریق تولید و توزیع و مصرف فضا نه از طریق خود ساکنان، بلکه از طریق گردشگران پیروزند. بستر بافت‌های تاریخی شهر تبریز که عملاً بستری برای تقابل روابط فرهنگی - تاریخی این شهر با جهان است، با شهرسازی جدید و امروز حاکم در شهر با مفهوم غیربومی‌اش که به بافت‌های تاریخی این شهر ارزش واقعی آن‌ها را حفظ نمی‌کند و با یک کلام که قدیمی‌اند و معضل خواندن آن‌ها به تخریب این بافت‌ها اقدام می‌کند. بهسازی و نوسازی بافت تاریخی در شهر تبریز ضروری است که با توجه به معماری غنی و منحصر به فرد این شهر که سرشار از زیبایی است و این هنر سبب به وجود آمدن ابنیه‌های تاریخی بازارش این شهر است که در تمام نقاط شهر گسترده شده‌اند و در برخی محورها منسجم قرار گرفته‌اند با ایجاد تغییراتی در پایه‌ریزی فضای کالبدی محوره‌های تاریخی اقدامات نوسازی صورت گیرد. در سال‌های اخیر توجه و عنایت مسئولان اجرای به رویکرد نوسازی و بهسازی محله‌های کهن و همچنین، بافت تاریخی در شهر تبریز بیشتر شده و در نتیجه، ایده‌ها و اهداف تازه‌ای در این زمینه پدید آمده است. البته نباید این نکته را نادیده بگیریم که در اکثر محورها به مرمت تک‌بناهای تاریخی بسنده شده است. یکی از اهدافی که به تازگی در زمینه اقدامات نوسازی محوره‌های تاریخی تبریز صورت گرفته، هدف جذب گردشگر و افزایش مدت اقامت او در شهر است. البته برنامه‌ریزی‌هایی که با رویکرد توریسم محوری باشد به صورت مجزا اجرا نشده است و برنامه‌ای که مستقیم به رویکرد توریسم نوسازی محورها و بافت‌های تاریخی و طراحی در این بافت‌ها باشد. با توجه به قابلیت‌ها و پتانسیل‌های این شهر نداشته‌ایم و گردشگری یکی از اهداف این اقدامات به حساب می‌آید. اقدامات نوسازی در بافت‌های تاریخی - فرهنگی شهر تبریز، می‌تواند سبب به وجود آوردن امکانات و توان‌های بالقوه بافت‌ها شود.

صور پیشین مطالعات انجام‌یافته، بازآفرینی را محصول تداوم مدیریت شهری و حکمروایی شهری دانسته است. این پژوهش نقش سازمان‌های مکمل را به عنوان مولد توسعه در مشارکت فعال شهروندان و مدیریت شهری تبیین کرده است. اقتصاد شهری فعال از طریق توسعه صنایع و تولیدات بومی در توجه به سبک زندگی و معاش شهروندان عامل دیگری است که در مطالعات قبلی کمتر پرداخته شده است. توسعه گردشگری اگر هدفمند صورت گیرد باعث بازآفرینی در بافت تاریخی تبریز است. به علت وجود جاذبه‌های تاریخی فراوان در بافت تاریخی تبریز و پتانسیل برای جذب گردشگر در واقع تقویت و احیای مراکز گردشگری می‌تواند موتور محرک بازآفرینی شهری در این محدوده شود. باید عنوان کرد که اگر توسعه گردشگری در این بافت هدفمند نباشد، باعث از بین بردن ساختار بافت، شلوغی و ترافیک و صلب‌آسایش از ساکنان خواهد شد. در راستای تحقق بازآفرینی شهری برای توسعه گردشگری میراث فرهنگی در بافت تاریخی شهر تبریز شش سیاست‌اجرایی را می‌توان در نظر گرفت که شامل:

۱. تهیه ضوابط مصوب حفاظت از بافت‌های تاریخی - فرهنگی شهر تبریز؛
۲. طراحی شهری با تجدید حیات شهری در بافت‌های تاریخی - فرهنگی شهر تبریز؛
۳. حمایت از جاذبه‌های گردشگری و تاریخی از طریق تقویت سرمایه‌گذاری و

doi.org/10.3390/land12071365.

- [29] Wu, H. - C., & Li, T. A Study of Experiential Quality, Perceived Value, Heritage Image, Experiential Satisfaction, and Behavioral Intentions for Heritage Tourists. *Journal of Hospitality & Tourism Research*, 2017, 41(8), 904 - 944. <https://doi.org/10.1177/1096348014525638>.
- [30] Zukin, S., *The Cultures of Cities*, Blackwell: Oxford, 1995. <https://www.jstor.org/stable/623057>.
- [31] Craig - Smith, S.J. & Fagence, M., *Recreation and Tourism as a Catalyst for Urban Waterfront Redevelopment: An International Survey*, Greenwood Publishing Group, 1995. <https://doi.org/10.5860/choice.33-3449>.
- [32] Zeynali Azim, A., Babazadeh Oskouei, S., Mehmani, R., Faraji, S., & Rafizadeh, M. 2023. Evaluation of Urban Regeneration in the Historical Context of Tabriz City with a Culture - Oriented Approach. *Sustainable Development of Geographical Environment*, 5(8), 51 - 69. <https://doi.org/10.48308/sdge.2023.103833>. [In Persian]
- [33] Zeynali Azim, A., & Karami, I. Integrated assessment of city residents' satisfaction with viability in Tabriz city by structural equation method (Case study: Zone 8). *Researches in Earth Sciences*, 2023, 14(3), 155 - 178. <https://doi.org/10.48308/esrj.2023.103547>. [In Persian]

تعیین کاربری‌های متناسب در شهر تبریز؛
۴. اجتناب از مداخلات کالبدی گسترده و تأکید بر حفاظت از وحدت نظام
ساختاری کالبدی و اجتماعی در بافت تاریخی - فرهنگی شهر تبریز؛
۵. تجدید حیات اقتصادی عرصه‌های فرهنگی و تاریخی در شهر تبریز؛
۶. برنامه‌ریزی حفاظت و احیای تک‌بناها، مجموعه‌ها، محدوده‌ها و عرصه‌های
تاریخی شهر تبریز.

■ مشارکت نویسندگان

نویسنده اول ۴۰ درصد؛ نویسنده دوم ۳۰ درصد؛ نویسنده سوم ۳۰ درصد است.

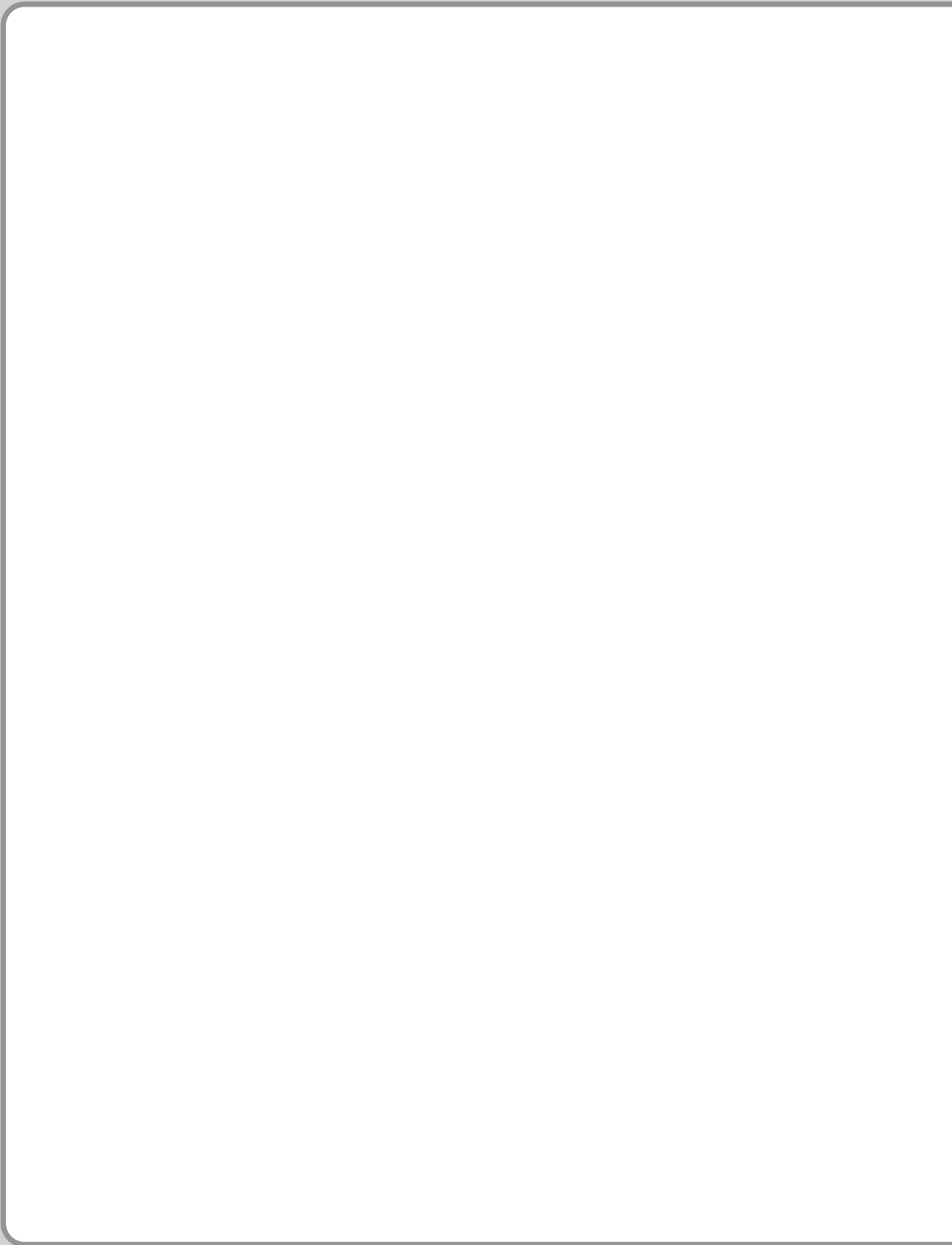
■ تشکر و قدردانی

از کلیه کسانی که در این تحقیق، محققان را یاری کرده‌اند، صمیمانه تقدیر و
تشکر می‌کنیم. این تحقیق منافع تجاری برای نویسندگان نداشته و در قبال
ارائه اثر خود از هیچ سازمان و نهادی دریافت نکرده‌اند و مقاله حامی مادی و
معنوی ندارد.

■ تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

- [1] Rătuțulea, G.G.; Czesznez, C.; Borcoman, M.; Sorea, D. Cultural Landscape as a Resource for Urban Regeneration in Rupea (Romania). *Land*, 2023, 12, 1985. <https://doi.org/10.3390/land12111985>.
- [2] Nedučin, D.; Krklješ, M.; Zlatimir Gajić, Z. Post - socialist context of culture - led urban regeneration Case study of a street in Novi Sad, Serbia. *Cities* 2019, 85, 72–82. <http://dx.doi.org/10.1016/j.cities.2018.11.024>.
- [3] Swarbrooke, J., & Horner, S. (2001). *Business Travel and Tourism*, Oxford: Butterworth Heinemann. <http://dx.doi.org/10.1016/B978-0-7506-4392-4.50012-4>.
- [4] Baniamerian H, andalib A, jahanshahloo L. Analyzing the Relationship Between Regeneration of Historic Centers and Urban Development Catalysts Case Study: Old Texture of Kermanshah. *jgs* 2024; 23 (71): 24. <http://dx.doi.org/10.61186/jgs.23.71.433>.
- [5] Madandola, M & Boussaa, D (2023) Cultural heritage tourism as a catalyst for sustainable development; the case of old Oyo town in Nigeria, *International Journal of Heritage Studies*, 29:1 - 2, 21 - 38, DOI: [10.1080/13527258.2023.2169332](https://doi.org/10.1080/13527258.2023.2169332)
- [6] jamalvandi, A. N., Saberi, H., Soleimany, H., & Khadimolhoseiny, A. Investigating the Role and Position of Urban Regeneration in Tourism Axes (Case Study: Ilam City). *Urban Structure and Function Studies*, 2024, 11(38), 75 - 102, <https://doi.org/10.22080/usfs.2023.25778.2370>. [In Persian]
- [7] Khodaei, Y., Kargar, B., Sarvar, R. Survey of Urban Tourist Role and Effects on Zanjan City's recreation. *Regional Planning*, 2022; 11(44): 291 - 308. <https://doi.org/10.30495/rjpm.2022.4122>. [In Persian]
- [8] Shamae, A., Delfan nasab, M., cx, X. Development of tourism in Tajrish neighborhood with urban rehabilitation approach (Tajrish case). *Geography (Regional Planning)*, 2020; 10(2 - 3): 877 - 894. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22286462.1399.10.39.22.9>. [In Persian]
- [9] Ahadnejad, M., Heydari, M. T., Moharrami, S. Social rehabilitation of historical context with urban tourism approach (case study: historical context of Zanjan city. *Geography (Regional Planning)*, 2020; 10(2 - 3): 947 - 960. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22286462.1399.10.39.26.3>. [In Persian].
- [10] Tan, J.; Wang, K.; Gan, C.; Ma, X. 2023, The Impacts of Tourism Development on Urban–Rural Integration: An Empirical Study Undertaken in the Yangtze River Delta Region. *Land*, 12, 1365. <https://doi.org/10.3390/land12071365>.
- [11] Al - Alwani & Al - Fatlawi, 2023, Urban heritage redevelopment model within historic centre of Hilla, Iraq, *International Journal of Sustainable Building Technology and Urban Development*. 14(2), 247 - 259. <https://doi.org/10.22712/susb.20230019>.
- [12] García, A, A, 2021, Relationship between Blue Economy, Cruise Tourism, and Urban Regeneration: Case Study of Olbia, Sardinia, *Journal of Urban Planning and Development*, 147(3), [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)UP.1943-5444.0000712](https://doi.org/10.1061/(ASCE)UP.1943-5444.0000712).
- [13] Kordej - De Villa, Ž., Šulc, I. 2021. Cultural Heritage, Tourism and the UN Sustainable Development Goals: The Case of Croatia. In: Andreucci, M.B., Marvuglia, A., Baltov, M., Hansen, P. (eds) *Rethinking Sustainability Towards a Regenerative Economy*. Future City, 15. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-71819-0_19
- [14] Andrew, T. Editorial. In the *Journal of Urban Regeneration and Renewal*, 15(2). 34 - 49. <https://hstalks.com/article/6709/editorial/?business&noaccess=1>.
- [15] Pazzini, M.; Corticelli, R.; Lantieri, C.; Mazzoli, C. Multi - Criteria Analysis and Decision - Making Approach for the Urban Regeneration: The Application to the Rimini Canal Port (Italy). *Sustainability* 2023, 15, 772. <https://doi.org/10.3390/su15010772>.
- [16] Pellicelli, G.; Rossetti, S.; Caselli, B.; Zazzi, M. Urban regeneration as an opportunity to redesign Sustainable Mobility. Experiences from the Emilia - Romagna Regional Call. *Transp. Res. Procedia* 2022, 60, 576–583. <http://dx.doi.org/10.1016/j.trpro.2021.12.074>.
- [17] Fatahizadeh F, Yazdani S, Sheikhl Islami A. Assessing the sustainable and integrated urban regeneration model in Darwaz Ray neighborhood, Qom city. *Haft Hesar environmental studies*. 1402; 12 (45): 89 - 104. <http://hafthesariauh.ac.ir/article-1-1953-fa.html>.
- [18] Motalebi, G. Balai oskoui, A., Shahbazi, Y., Farahnaki, M. Regeneration of Urban Riverside's Worn - Out Textures The Case Study of Urban Worn - out Textures of the Abshuran Riverside in Kermanshah. *Sustainable city*, 2023; 6(2): 79 - 93. <https://doi.org/10.22034/jsc.2021.261173.1376>.
- [19] Wang, H.; Zhao, Y.; Gao, X.; Gao, B. Collaborative decision - making for urban regeneration: A literature review and bibliometric analysis. *Land Use Policy* 2021, 107, 105479. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105479>.
- [20] Pourhamrah, Khadijeh, & Ahmadzadeh, Hassan. Evaluating the Relationship between Tourism Development, Economic Sustainability and Municipal and Citizenship Incomes (Case Study: Tabriz Metropolis). *Journal of Urban Economics and Planning*, 2022, 3(4), 38 - 51. <https://sid.ir/paper/1035562/en>. [In Persian].
- [21] Esmaeili Mahyari, M., Irani, H. R., NourmandiPour, V. A Review of Urban Tourism Research: Identifying Future Trends. *Urban Economics and Planning*, 2023; 4(4): 58 - 73. <https://doi.org/10.22034/uep.2023.423781.1426>.
- [22] Cohen, E., A phenomenology of tourist experiences. *SAGE*, 13(2), 179 - 201, 1979. <https://doi.org/10.1177/003803857901300203>.
- [23] Chen, X.; Li, J.; Han, W.; Liu, S. Urban Tourism Destination Image Perception Based on LDA Integrating Social Network and Emotion Analysis: The Example of Wuhan. *Sustainability* 2022, 14, 12. <https://doi.org/10.3390/su14010012>.
- [24] Wang, X.; Chen, X.; Gu, Z. Online Information Reviews to Boost Tourism in the B&B Industry to Reveal the Truth and Nexus. *Information* 2024, 15, 103. <https://doi.org/10.3390/info15020103>.
- [25] European Commission, *Towards quality urban tourism, Integrated Quality Management (IQM) of urban tourist destinations*. European Communities Publications: Brussels, 2000. <http://europa.eu.int>.
- [26] Hessari, J., Watanparast, M., Mafi, E. Recreating the urban historical context with a tourism development approach Case study: District 7 of Mashhad Municipality. *urban tourism*, 2023; 9(4): 137 - 153. <https://doi.org/10.22059/jut.2022.341349.1031>.
- [27] Lei, H.; Zhou, Y. Conducting Heritage Tourism - Led Urban Renewal in Chinese Historical and Cultural Urban Spaces: A Case Study of Datong. *Land* 2022, 11(12), 2122. <https://doi.org/10.3390/land11122122>. [In Persian].
- [28] Tan, J.; Wang, K.; Gan, C.; Ma, X. The Impacts of Tourism Development on Urban–Rural Integration: An Empirical Study Undertaken in the Yangtze River Delta Region. *Land*, 2023, 12, 1365. <https://doi.org/10.3390/land12071365>.



uating the reliability and validity of the model and the final framework, it is presented. The procedure of conducting the research is that after reviewing the subject's background and definitions, the theoretical part extracts the primary components affecting the response of cities, which were obtained from reviewing the literature in this field. Due to the nature of the issue and the various indicators obtained, the best way to identify and rank the components of the response of cities using urban design to the pandemic conditions is to use experts' opinions in this field. For this purpose, after screening the identified criteria from different texts and sources, an expert survey questionnaire (Delphi questionnaire) containing the extracted criteria and sub-criteria was prepared and provided to the experts. Then, the criteria were categorized into four components based on the experts' opinions and were screened based on frequency. After screening the experts' opinions, the response indicators are extracted based on frequency and overlap with the theoretical field of information resources and texts and presented as a framework for urban design sensitive to the pandemic.

Findings

The selected people in the specialized fields were in four groups: "Urban designers, planners and managers," "Sociologists," "Doctors," and "Psychologists." The selection criteria, which included permeability, diversity, legibility, flexibility, inclusivity, self-sufficiency, culture and lifestyle, trust, intersectional cooperation and public participation, resilience, psychological security, and health, were categorized in a table based on abundance and frequency. In the first stage, when ten questionnaires were distributed among the experts, in total, these 11 criteria were identified and categorized into four main components: physical, functional, environmental, and semantic. In addition to the initial criteria, the results of the first stage added three criteria of sensory richness, color of belonging, and visual proportions to the response criteria. Then, 40 questionnaires were distributed among the experts in the second stage, seven response criteria were proposed, and the other criteria were categorized as variables in the subset of these seven general criteria based on the type of communication. In other words, seven criteria were removed, and three criteria were added to the response indicators of cities in pandemic conditions. Therefore, the concept of pandemic-sensitive urban design is an example of a sustainable environmental design framework whose exceptional flexibility against environmental crises, especially those related to the

health of citizens, is one of the milestones in urban design. Therefore, the responsiveness of an urban context, by reviewing the components of the responsive environments and the opinion of experts, have been extracted in the form of patterns, sub-criteria, and primary indicators extracted from the questionnaires, including the following: wide passages (for better passage, especially in emergencies, air and wind penetration, street lighting, etc.), defining the edge for urban spaces as well as neighborhoods (for optimal management of neighborhoods and self-sufficiency, especially in the context of the pandemic and the reduction of communications), the low confinement of the roads (using the widening of the passages and also the reduction of the number of floors) and many other factors that are mentioned in the figure below.

Conclusion

The history of humanity and all aspects of human life have always been concerned with health issues, especially pandemics. Therefore, the readiness and flexibility of the living conditions of citizens in the current cities are key measures in the present era. This study redefined the criteria of responsive urban design in the form of pandemic-sensitive urban design. Accordingly, the four components, along with the seven constructive criteria of environmental response, were recognized, and their comprehensiveness was confirmed by using the opinions of experts and specialists in this field. Considering the necessity of this critical issue and the goals and studies of the present article, the results indicate that urban design plays a vital role in the correct response to crises, especially health-oriented crises and the Corona pandemic. Urban design, to respond to this crisis correctly, must apply holistic and managerial measures along with micro and popular measures according to the defined components. Also, the four functional, physical-spatial, environmental, and semantic-visual components of pandemic-sensitive urban design can be studied comprehensively. Therefore, the components and criteria of urban design that are responsive and sensitive to the pandemic can be considered as follows: 1) the physical-spatial component, including permeability, flexibility, and legibility in the body; 2) the functional component, including diversity and diversity, flexibility in function, 3) the environmental component including sensory richness and flexibility, 4) the semantic-visual component including sensory richness, legibility, sense of belonging, and visual proportions.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Hassani Marand M. Molaei A. Ayashm A. Providing a Sensitive and Responsive Urban Design Framework to Pandemic Conditions. Urban Economics and Planning Vol 5(2):76-91. [In Persian]

DOI: 10.22034/uep.2024.456641.1485



Providing a Sensitive and Responsive Urban Design Framework to Pandemic Conditions

Original Article

Mahya Hassani Marand¹, Asghar Molaei^{2*}, Masoumeh Ayashm³

1- Master of Urban Design, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Arts University, Tabriz, Iran

2- Associate Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Arts University, Tabriz, Iran

3- Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Arts University, Tabriz, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-05-09

Revised: 2024-07-22

Accepted: 2024-07-28

Keywords

COVID-19

Environmental Responsiveness

Urban Design

Urban Fabric

ABSTRACT

Introduction

With the advent of the Corona pandemic around the world, the order of urban life was disrupted. This virus, which was spread through social communication, created circumstances that, unlike the previous cases, had a straightforward impact on urban life; it brought new areas of social and economic effects on both global and local scales. Changing the urban body, relationships, and structures was one of the most basic ways to survive this crisis. The speed of the spread of the virus was significantly high. The speed of the spread and globalization of this virus was more and more searchable in the nature of the city, urbanization, and the components of urban development. In other words, this virus has created conditions that, unlike previous cases riding on the pillars of today's life, have brought new areas of social and economic impact, both on the global and local scales. Therefore, it can be said that coronavirus is an urban virus and is spread through social interactions and communication. Therefore, in the present study, the aim of creating a relationship between urban design and urban environment conditions in the era of infectious diseases was carried out under the name of pandemic-sensitive urban design to achieve the components and variables affecting the responsiveness and efficiency of cities in special conditions. In line with the purpose of the research, the questions of the present article can be considered as "What is Pandemic-Sensitive Urban Design and its Importance in the Contemporary Urban Planning System?" and "What are the components, variables, and measures of pandemic-sensitive urban design in urban interventions and studies?"

Materials and Methods

Since the present study seeks to achieve the components affecting the response of cities in specific pandemic conditions, in terms of method, it is done in a mixed form (qualitative content analysis of the texts extracted from the field of urban design and epidemic diseases and Delphi method). The type of research is developmental in terms of purpose. It is descriptive-analytical regarding data and uses logical reasoning (cultural discourse) and qualitative content analysis. To answer the research questions, the method of collecting the required information was the documentary (library) method. To express the theoretical concepts and explain the components and indicators of the research in the field of "Pandemic-Sensitive Urban Design: Components, Variables and Metrics," using relevant studies and an expert questionnaire in line with the Delphi technique, and after eval-

* Corresponding author: a.molaei@tabriziau.ac.ir

ارائه چهار چوب طراحی شهری حساس و پاسخ‌ده به شرایط پاندمی

مقاله پژوهشی

محیا حسینی مرند^۱؛ اصغر مولائی^{۲*}؛ معصومه آیشم^۳

- ۱- کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
 ۲- دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
 ۳- استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

چکیده

مقدمه

با ظهور بیماری کرونا در سرتاسر جهان، نظم زندگی شهری دچار اختلال و دگرگونی شد. این ویروس که به وسیله ارتباطات اجتماعی منتشر می‌شد، شرایطی را به وجود آورد که به خلاف موارد پیشین با تأثیر کاملاً مستقیم بر زندگی شهری، عرصه‌های جدیدی در اثرات اجتماعی و اقتصادی چه در ابعاد جهانی و چه در ابعاد محلی به همراه داشت. از اساسی‌ترین راه‌های نجات از این بحران، ایجاد تغییراتی در کالبد، روابط و ساختارهای شهری بود. سرعت بالای انتشار ویروس بود. سرعت انتشار و جهانی شدن این ویروس، هر چه بیشتر در ماهیت شهر و شهرنشینی و مؤلفه‌های توسعه شهری قابل جست‌وجو بود. به تعبیری، این ویروس شرایطی را به وجود آورد که به خلاف موارد پیشین سوار بر ارکان زندگی امروزی، عرصه‌های جدیدی در اثرات اجتماعی و اقتصادی چه در ابعاد جهانی و چه در ابعاد محلی به همراه داشته است. از این‌رو، می‌توان گفت که کرونا، ویروسی شهری است و به وسیله تعاملات و ارتباطات اجتماعی منتشر می‌شود. در این‌رو، در پژوهش حاضر با هدف ایجاد ارتباط بین طراحی شهری و شرایط محیط شهری در دوران بیماری‌های واگیردار تحت عنوان «طراحی شهری حساس به پاندمی» انجام گرفت تا بتوان به مؤلفه‌ها و متغیرهای تأثیرگذار بر پاسخ‌دهی و کارایی شهرها در شرایط ویژه دست یافت. در راستای هدف پژوهش، سوالات مقاله حاضر را می‌توان شامل: «طراحی شهری حساس به پاندمی و اهمیت آن در نظام شهرسازی معاصر چیست؟» و «مؤلفه‌ها، متغیرها و سنجه‌های طراحی شهری حساس به پاندمی در مداخلات و مطالعات شهری چند نوع بوده و کدام‌اند؟» دانست.

مواد و روش‌ها

از آنجا که پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پاسخ‌دهی شهرها در شرایط خاص پاندمیک است، از نظر روش، به صورت آمیخته (تحلیل محتوای کیفی متون مستخرج از حوزه طراحی شهری و بیماری‌های فراگیر و روش دلفی) صورت می‌گیرد. نوع پژوهش از حیث هدف، بنیادی-توسعه‌ای بوده و به لحاظ داده‌ای توصیفی-تحلیلی و با رویکرد استدلال منطقی (فرهنگی-گفتمانی) و تحلیل محتوای کیفی است. در راستای پاسخ‌دهی به پرسش‌های پژوهش، روش گردآوری اطلاعات مورد نیاز به صورت روش‌های اسنادی (کتابخانه‌ای) بوده است. به این صورت که برای بیان مفاهیم نظری و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش در زمینه «طراحی شهری حساس به پاندمی» مؤلفه‌ها، متغیرها و سنجه‌ها، با بهره‌گیری از مطالعات مرتبط و پرسشنامه خبرگان در راستای تکنیک دلفی بهره گرفته شده و پس از ارزیابی پایایی و روایی مدل و چهارچوب نهایی ارائه شده است. رویه انجام تحقیق به این صورت است که بخش نظری پس از مرور پیشینه موضوع و تعاریف، مؤلفه‌های اولیه تأثیرگذار بر پاسخ‌دهی شهرها که از مرور ادبیات این حوزه به دست آمد، استخراج

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷

کلمات کلیدی

بافت شهری
 پاسخ‌دهی محیطی
 طراحی شهری
 کووید-۱۹

پاسخ‌ده، و نظر متخصصان، به صورت الگوها، زیرمعیارها و شاخص‌های اولیه مستخرج از پرسشنامه‌ها استخراج شده‌اند، شامل موارد زیر می‌شوند: معابر عریض (برای عبور و مرور بهتر به خصوص در شرایط اضطراری، نفوذ هوا و باد، نورگیری معابر و...)، تعریف لبه برای فضاهای شهری و نیز محلات (برای مدیریت بهینه محلات و نیز خودکفایی به خصوص در شرایط پاندمیک و کاهش ارتباطات)، محصوریت پایین معابر (با استفاده از تعریض معابر و نیز کاهش تعداد طبقات) و عوامل دیگر.

نتیجه‌گیری

تاریخ بشریت و تمامی جوانب زندگی انسان‌ها همواره درگیر مسائل پیرامون سلامت خاصه بیماری‌های همه‌گیر بوده است. از این‌رو، آمادگی و انعطاف‌پذیری بستر زندگی شهروندان در شهرهای کنونی از جمله اقدامات و تدابیر کلیدی ضروری در عصر حاضر است. این مطالعه با بازشناسی کیفیات، معیارها و ابعاد طراحی شهری پاسخ‌ده با وجود سایه بحران پاندمی، در قالب طراحی شهری حساس به پاندمی، به بازتعریف معیارهای پاسخ‌دهی بافت‌های شهری پرداخت. بر همین اساس، مؤلفه‌های چهارگانه به همراه معیارهای هفت‌گانه سازنده پاسخ‌دهی محیطی، مورد بازشناسی قرار گرفته و جامعیت آن با استفاده از نظر خبرگان و متخصصان این حوزه مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به ضرورت این مهم و همچنین، اهداف و مطالعات مقاله حاضر، نتایج حاکی از آن است که طراحی شهری نقشی حیاتی در واکنش صحیح به بحران، خاصه بحران‌های سلامت‌محور و پاندمی کرونا دارد. طراحی شهری برای پاسخ و واکنش صحیح به این بحران باید تدابیر کل‌نگرانه و مدیریتی را در کنار تدابیر خرد و مردمی با توجه به مؤلفه‌های تعریف‌شده به کار ببندد. همچنین، طراحی شهری حساس به پاندمی در قالب ۴ مؤلفه عملکردی، کالبدی-فضایی، زیست‌محیطی و معنایی-بصری قابلیت مطالعه جامع را دارد. از این‌رو، مؤلفه‌ها و معیارهای طراحی شهری پاسخ‌ده و حساس به پاندمی را می‌توان شامل: ۱- مؤلفه کالبدی-فضایی شامل نفوذپذیری، انعطاف‌پذیری، و خوانایی در کالبد؛ ۲- مؤلفه عملکردی شامل گوناگونی و تنوع، انعطاف‌پذیری در عملکرد؛ ۳- مؤلفه زیست‌محیطی شامل غنای حسی و انعطاف‌پذیری؛ و ۴- مؤلفه معنایی-بصری شامل غنای حسی، خوانایی، حس تعلق و تناسب بصری دانست.

می‌شوند. با توجه به ماهیت موضوع و وجود شاخص‌های مختلف به‌دست‌آمده، بهترین راه شناسایی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های پاسخ‌دهی شهرها با استفاده از طراحی شهری، به شرایط پاندمیک، استفاده از نظرات متخصصان در این زمینه است. برای این منظور، پس از غربال معیارهای شناسایی شده از متون و منابع مختلف، از پرسشنامه نظرسنجی متخصصان (پرسشنامه دلفی)، حاوی معیارها و زیرمعیارهای استخراج‌شده، تهیه شد و در اختیار متخصصان قرار گرفت. سپس معیارها، بر اساس نظر متخصصان در ۴ مؤلفه و بعد دسته‌بندی شده و بر اساس فراوانی غربال شدند. پس از غربال نظر متخصصان، شاخص‌های پاسخ‌دهی نیز بر اساس فراوانی و نیز همپوشانی با حوزه نظری منابع اطلاعاتی و متون استخراج شده و به عنوان چهارچوب طراحی شهری حساس به پاندمی ارائه می‌شوند.

یافته‌ها

افراد انتخابی در حوزه‌های تخصصی در چهار گروه «طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران شهری»، «جامعه‌شناسان»، «پزشکان» و «روان‌شناسان» بوده‌اند. معیارهای گزینشی که شامل نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، انعطاف‌پذیری، همه‌شمولی، خودکفایی، فرهنگ و سبک زندگی، اعتماد، همکاری میان‌بخشی و مشارکت مردمی، تاب‌آوری، امنیت روانی و سلامت بوده‌اند، در جدولی بر اساس فراوانی و تکرار دسته‌بندی شدند. در مرحله اول که تعداد ۱۰ پرسشنامه بین متخصصان توزیع شد، در مجموع این ۱۱ معیار، در ۴ مؤلفه اصلی کالبدی، عملکردی، زیست‌محیطی و معنایی شناسایی شده و دسته‌بندی شدند. نتایج مرحله اول، علاوه بر معیارهای اولیه سه معیار غنای حسی، رنگ تعلق و تناسب بصری را به معیارهای پاسخ‌دهی اضافه کردند. سپس ۴۰ پرسشنامه توزیع شده در مرحله دوم بین متخصصان، در مجموع ۷ معیار پاسخ‌دهی پیشنهاد شد و سایر معیارها بر اساس نوع ارتباط به عنوان متغیرها در زیرمجموعه این ۷ معیار کلی دسته‌بندی شدند. به بیانی، در مجموع ۷ معیار حذف شده و ۳ معیار به شاخص‌های پاسخ‌دهی شهرها در شرایط پاندمیک اضافه شدند. از این‌رو، مفهوم طراحی شهری حساس به پاندمی، یک نمونه چهارچوب طراحی محیطی پایدار بوده که قابلیت انعطاف‌پذیری ویژه آن در برابر بحران‌های محیطی، خاصه بحران‌های مرتبط با سلامتی شهروندان از جمله نقاط عطف در حوزه طراحی شهری است. از این‌رو، پاسخ‌دهندگی یک بافت شهری، با مرور مؤلفه‌های محیط‌های

مقدمه

واگیردار تحت عنوان طراحی شهری حساس به پاندمی (Pandemic Sensi-tive Urban Design, PSUD)، در تلاش برای دستیابی به مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پاسخ‌دهی شهرها و به‌خصوص بافت محلات مسکونی است. حال با وجود این مسائل و به میان آمدن نقش شهرها در کنترل بحران پاندمی، این سؤالات مطرح می‌شود که «طراحی شهری حساس به پاندمی و اهمیت آن در نظام شهرسازی معاصر چیست؟» و «مؤلفه‌ها، متغیرها و سنجش‌های طراحی شهری حساس به پاندمی در مداخلات و مطالعات شهری چند نوع بوده و کدام‌اند؟» در راستای پاسخ به سؤالات مقاله، به بررسی مقالات و مطالعات صورت گرفته در این حوزه پرداخته شده و در ادامه با تعمق بیشتر روی حوزه مطالعاتی طراحی شهری حساس و پاسخ‌دهی و همچنین شرایط زیستی شهروندان در موقعیت‌های ویژه به استخراج چهارچوب طراحی شهری پاسخ‌دهی و حساس به پاندمی در محلات شهری پرداخته شده است. از جمله مسائل و مشکلات نگارش مقاله حاضر، کمبود منابع و مطالعات صورت گرفته در حوزه‌های مربوطه را می‌توان عنوان کرد.

پیشینه پژوهش

تحقیقات مربوط به چگونگی پاسخ بافت‌های شهری به بحران‌هایی مانند پاندمی‌ها، مقوله‌ای نوظهور به شمار می‌رود. تحلیل‌های انجام شده بیانگر این است که تمرکز تحقیقات اخیر، که به بررسی واکنش‌های طراحی شهری در دوران پاندمی می‌پردازند، در منابع داخلی عمدتاً در علوم همچون مدیریت، برنامه‌ریزی شهری، پزشکی و جامعه‌شناسی مطرح شده است، در حالی که در منابع خارجی، بیشتر در حوزه‌های طراحی شهری و معماری مورد توجه قرار گرفته است. ابعاد «مدیریتی، طراحی و برنامه‌ریزی شهری» با تأکید بر ابعاد فیزیکی و ابعاد «جامعه‌شناختی و روان‌شناختی» محورهای اصلی پژوهش را شکل می‌دهند که برخی مطالعات یکی از این مضامین و برخی تمامی آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند.

دسته‌ای از مطالعات بر ابعاد مدیریت، طراحی و برنامه‌ریزی شهری بیماری‌های فراگیر تأکید دارند. اولین شواهد بیماری‌های واگیردار را می‌توان به قرن دوم میلادی [۶] نسبت داد. طاعون، آبله، وبا، آنفلوآنزا، سندرم‌های حاد تنفسی، ابولا و در نهایت کووید-۱۹ [۷] بیماری‌های واگیرداری بوده‌اند که از قرن ششم تا به حال انسان‌ها را درگیر کرده‌اند. شکل ۱ تصویری از سیر تحول بیماری‌های واگیردار را نمایش می‌دهد که در ساختارهای شهری و زندگی مردمان طی تاریخ بی‌تأثیر نبوده و گاهی آغازی برای ایجاد تغییرات بوده‌اند.

با ظهور ویروس کرونا نخستین بار در شهر ووهان (Wuhan) چین و پس از آنکه در مدت زمان کوتاهی گستره آن به همه کشورهای جهان کشیده شد، سازمان بهداشت جهانی آن را یک پاندمی (Pandemic) نامید و وضعیت فوق‌العاده بهداشتی اعلام کرد. کووید-۱۹ ویروس نوظهور و ناشناخته‌ای است و علی‌رغم تحقیقاتی که تا کنون روی آن انجام شده، همچنان بسیاری از ابعاد آن ناشناخته مانده است [۱]. از این‌رو، سازمان جهانی بهداشت (World Health Organization (WHO))، مهم‌ترین راه کنترل این بیماری را «قطع زنجیره انتقال بیماری» اعلام کرده است. در همین راستا توصیه‌هایی بهداشتی از سوی سازمان بهداشت جهانی نیز ارائه شد که مهم‌ترین آن‌ها، رعایت بهداشت فردی و کاهش مواجهه افراد با یکدیگر بود (سازمان بهداشت جهانی). بنا به دلایل مدیریتی در سطح کلان جامعه، امکان قرنطینه (Quarantine) کامل، آن‌گونه که متخصصان بهداشت و درمان انتظار داشتند، وجود نداشت. مبادلات تجاری، اقتصادی، اجتماعی به همراه تعطیلی مراکز آموزشی و فرهنگی، شبکه‌های شکل گرفته سنتی از روابط اجتماعی و سفر را هر چند نه در اندازه قبلی، اما با حجم دور از انتظار فعال کرد. به این ترتیب، فرایندهای اجتماعی و اقتصادی با شکل و فرم دیگری در فضا رخ نشان دادند [۲]. این نوع بحران (پاندمی) انسان را در بی‌دفاع‌ترین حالت در مقابل هجوم مرگ قرار داد [۳] و بشر معاصر را با چالش‌هایی مواجه کرد که پیش از این راه‌حلی برای آن‌ها اندیشیده نشده بود. تأثیرات انکارناپذیر همه‌گیری بر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، حمل‌ونقلی و سایر ابعاد شهرها، به طور پیوسته طی سال‌های اخیر، توسط جامعه علمی مورد ارزیابی قرار گرفت [۴] تا تأثیرات آن بر ابعاد زندگی بشری شناسایی شده و اقدامات لازم صورت گیرد. یکی از این عوامل که لزوم ارزیابی‌های علمی را بیشتر می‌کرد، سرعت بالای انتشار ویروس بود. سرعت انتشار و جهانی شدن این ویروس، هر چه بیشتر در ماهیت شهر و شهرنشینی و مؤلفه‌های توسعه شهری قابل جست‌وجو بود. به تعبیری این ویروس شرایطی را به وجود آورد که به خلاف موارد پیشین سوار بر ارکان زندگی امروزی، عرصه‌های جدیدی در اثرات اجتماعی و اقتصادی چه در ابعاد جهانی و چه در ابعاد محلی به همراه داشته است. از این‌رو، می‌توان گفت که کرونا، ویروسی شهری است و به وسیله تعاملات و ارتباطات اجتماعی منتشر می‌شود [۵].

اهداف و اولویت‌های متفاوت در حوزه‌های پزشکی و نیز مدیریت (بحران) شهری، پیچیدگی‌هایی برای یافتن راهکارهای ممکن ایجاد کرده است. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف ایجاد ارتباط بین طراحی شهری و بیماری‌های



شکل ۱. سیر تحول بیماری‌های واگیر از قرن ششم میلادی تا به حال، اقتباس از [۷]

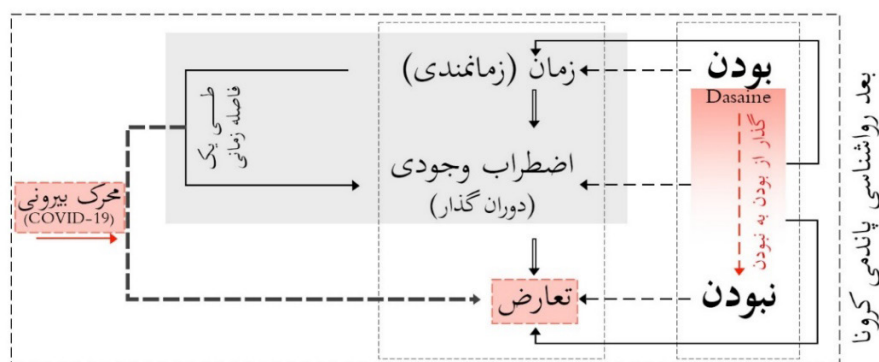
بیماری‌های همه‌گیری همچون طاعون، وبا، سیاه‌زخم و... گسترش یافت که نظارت‌های طبای بلدی به مستراح‌های عمومی، کاروانسراها، مساجد و محل وضوی آن‌ها و رختشوی‌خانه‌های عمومی را در این دوره ضروری کرد. این اقدامات را می‌توان جزئی از اقدامات مدیریت شهری در آن دوران نام برد.

به طور مثال احمدزاده [۸] در پژوهش «صد سال مواجهه مدیریت شهری با بیماری‌های همه‌گیر» به بررسی نقش مدیریت شهری و به‌ویژه شهرداری‌ها (در گذشته بلدی) در مواجهه با بیماری‌های همه‌گیر طی صد سال گذشته می‌پردازد. بر اساس مطالعات و نتایج حاصل از آن‌ها در ایران نیز در دوره قاجار

یادشده انجام شده است. توجه به تفاوت پاسخدهی (محیط‌های پاسخده) و تاب‌آوری و نیز مقیاس مطالعات صورت‌گرفته در این پژوهش و پژوهش حاضر به نیاز مطالعات در حوزه پاسخدهی و نیز مقیاس شهری به‌تفصیل اشاره دارد. گروهی دیگر از پژوهش‌ها ابعاد روان‌شناسی و جامعه‌شناسی این نوع از همه‌گیری را مد نظر قرار داده‌اند. به طور مثال، فرنام و دلجو [۳] با بررسی مفهوم بودن یا نبودن و ابعاد روان‌شناختی مفهومی چون نیستی، پژوهشی با نام «بودن یا نبودن: پاندمی کووید ۱۹ زمانی برای فعال شدن بنیادی‌ترین تعارض‌های دازاین (Dasein)» را ارائه می‌کنند. آن‌ها واکنش انسان در مواجهه با این نوع از تعارض را به دو صورت تقسیم می‌کنند: یک اینکه از طریق سازندگی، خلاقیت و روی آوردن به معنا، به دنبال افزایش هنر و فلسفه و عرفان باشد و یا با روی آوردن هر چه بیشتر به نبودن، به دنبال خشونت و تخریب باشد. آن‌ها مدیریت این شرایط و بحران را به عهده سیاست‌گذاران می‌دانند. به نظر می‌رسد، رشته طراحی شهری نیز با رویکردی چندبعدی و دیدی کل‌نگرانه بتواند در مدیریت این شرایط کمک‌رسان باشد.

قاسمی [۲] نیز در پژوهشی تحت عنوان «پیامدهای کرونا بر شهر و شهرسازی آینده» تلاش می‌کند تا برخی زوایای موضوع کرونا و شهر را با چالش‌های فکری که در این زمینه وجود دارد مورد بررسی قرار دهد. هدف این مطالعه، طرح اولیه موضوع چالش‌برانگیز تأثیر بحران کرونا بر فضاهای شهری است و به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که کرونا و پروتکل‌های (Protocol) بهداشتی و درمانی آن، چه اثراتی بر شهر و شهرسازی خواهند گذاشت و پیامدهای این اثرگذاری چه خواهد بود؟

امیرزاده و همکاران [۹] در پژوهشی تحت عنوان «به سوی ساخت شهرهای تاب‌آور در برابر همه‌گیری‌ها: مروری بر ادبیات کووید-۱۹» به بسط ادبیات تاب‌آوری حول بیماری کرونا و اصول آن را در چهار سطح فضایی که شامل مسکن، محله، شهر و مقیاس ملی و منطقه‌ای می‌شوند، پرداخته و از این طریق با مروری سیستماتیک (Systematic Review) به ارائه چهارچوب مفهومی و اصول اصلی تاب‌آوری شهری در برابر همه‌گیری می‌پردازند. ارائه این چهارچوب مفهومی با توجه به اصول تاب‌آوری و نیز در هر چهار مقیاس



شکل ۲. نمودار مؤلفه‌های روانشناسی پاندمی کرونا، اقتباس از [۳]

دسته‌ای دیگر از مطالعات نیز هر دو محور را مد نظر قرار داده‌اند. به عنوان مثال پینچاف و همکاران [۱۱]، در پژوهش خود با عنوان «الگوهای تحرک طی محدودیت‌های سفر کووید-۱۹ در سکونتگاه‌های غیررسمی شهری نایروبی (Nairobi): چه کسی خانه را ترک می‌کند و چرا» سکونتگاه‌های غیر رسمی (ابعاد مدیریت، طراحی و برنامه‌ریزی شهری)، فقر و جایگاه زنان و مردان (ابعاد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی) در مواجهه با این مسئله را با وجود بحران پاندمی مورد بررسی قرار می‌دهند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ساکنان محله‌های فقیرنشین که به دنبال حفظ شغل خود هستند، مسافت‌های بیشتری را در نایروبی طی می‌کنند، از حمل‌ونقل عمومی استفاده می‌کنند و به احتمال زیاد مرد هستند. این سفر ممکن است آن‌ها را در معرض خطر بالاتر ابتلا قرار دهد، اما برای حفظ درآمد ضروری است.

ایمانی جاجرمی [۱۰] نیز در پژوهشی تحت عنوان «پیامدهای اجتماعی شیوع ویروس کرونا در جامعه ایران» به بررسی برخی از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی شیوع ویروس کرونا در محبت ایران‌شناسی می‌پردازد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که اجرای سیاست فاصله‌گذاری اجتماعی که به تعلیق بخش عمده تعاملات اجتماعی در جامعه منجر شده است، چه تغییراتی را در نظام اجتماعی ایجاد کرده و این تغییرات چه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت؟ داده‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد این بحران بر حوزه‌هایی همچون خانواده و آموزش، روابط کار و برخی گروه‌های اجتماعی مانند زنان، کودکان، صاحبان مشاغل خرد و مهاجران، بیشترین پیامدها را داشته است. در پایان پژوهش نیز راه‌کارهایی مانند ضرورت اتخاذ رویکرد انسجام اجتماعی به موازات سیاست فاصله اجتماعی پیشنهاد شده است.

جدول ۱. دسته‌بندی منابع مرتبط با محورهای اصلی پژوهش

منبع	یافته تحقیق	شاخص‌ها	محقق
[۸]	فعالیت‌های مدیریت شهری در کنار وزارت بهداشت پس از انقلاب اسلامی پاسخ‌ده‌ترین شیوه است.	عوامل اقتصادی، همدلی و همکاری مردم با بلدیة، عوامل مدیریتی، فرهنگ بهداشتی خانواده‌ها	احمدزاده، ۱۴۰۰
[۲]	روابط اجتماعی و اقتصادی در مواجهه با بحران‌هایی از نوع پاندمی کرونا با مشکلات با ریشه کالبدی مواجه هستند.	فرهنگ و سبک زندگی، کیفیت و کمیت جمعیت، سازمان فضایی محله‌ای (شامل نظام مراکز، تراکم، کاربری و کاربرد آن‌ها)، فضاهای سبز و باز، سیما و منظر داخلی، فضاهای نیمه‌خصوصی	قاسمی، ۱۳۹۹

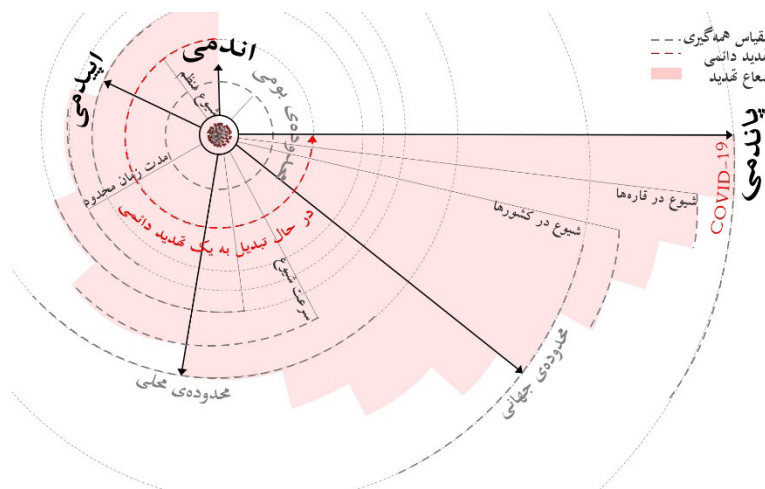
منبع	یافته تحقیق	شاخص‌ها	محقق
[۹]	ابعاد قابل توجه شهرهای تاب‌آور در برابر همه‌گیری‌ها: الزامات بهداشتی، اصول محیطی و روانی، اصول تاب‌آوری	خودکفایی محلات، اختلاط کاربری در سطح محله، تنوع در خدمات و امکانات، پیوستگی عملکردی	امیرزاده و همکاران، ۲۰۲۳
[۱۳]	وجود محله‌های خودکفا، با مسکن مناسب و تحرک پایدار، خیابان‌ها و مکان‌های عمومی ایمن در برابر پاندمی از مهم‌ترین نیازهای شهرهای پسا کرونا هستند.	تراکم، همه‌شمولی، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی	راج و همکاران، ۲۰۲۱
[۴]	با اقدامات پیشگیرانه کوتاه‌مدت و بلندمدت توسط نهادهای ملی و محلی می‌توان آن‌ها را وارد زندگی شهروندان کرد.	کاربری زمین، تراکم، تاب‌آوری، همه‌شمولی، رشد جمعیت، مشارکت همه بخش‌ها و نهادها، پاسخ‌دهی محیطی، فضاهای باز و سبز	آفرین و همکاران، ۲۰۲۱
[۳]	کرونا ویروس با ایجاد تعارض در دوره گذار و عدم انطباق با زمان در دوران پاندمی، موجب از بین رفتن کیفیت زندگی ساکنان می‌شود.	امنیت روانی، سلامتی	فرنام و دلجو، ۱۳۹۹
[۱۰]	سیاست فاصله‌گذاری در کنار تمام ویژگی‌های مثبت، زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی و بار منفی در برخی حوزه‌ها است.	اعتماد، همکاری میان‌بخشی، هماهنگی، شفافیت، اقدامات مشترک	ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۹
[??]	غلبه فضای مجازی به حضور فیزیکی در فضاهای شهری موجب بروز سبک زندگی جدیدی در دوران کرونا شده است.	سلامت‌محوری (تغذیه سالم، خودمراقبتی و دیگرمراقبتی)، اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی، فرهنگ و سبک زندگی	تاج‌بخش، ۱۳۹۹
[۱۱]	ابتلای مردان بیش از زنان و نیز استفاده از حمل‌ونقل عمومی از مهم‌ترین نتایج این پژوهش هستند.	تراکم جمعیتی، جنسیت، وضعیت اقتصادی خانوار، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی	پینچاف و همکاران، ۲۰۲۱

جدید است. بیماری‌های تنفسی ویروسی مانند آن دسته از بیماری‌هایی که توسط آنفلوآنزای نوع جدید و یا ویروس کرونا ایجاد می‌شوند، بیشترین احتمال تبدیل به یک پاندمی را دارند. پاندمی و اپیدمی (Epidemic) مفهوم یکسانی ندارند. در وضعیت اپیدمی، حالت‌های بیشتری از یک بیماری همه‌گیر را شاهد هستیم ولی محدوده جغرافیایی شیوع و گسترش آن کمتر است. اندمی (Endemic) نیز به حالتی محدودتر و بومی‌تر از پاندمی که در محدوده‌ای خاص به شکلی بسیار محدودتر از نوعی از همه‌گیری به وجود می‌آید، اطلاق می‌شود. وضعیتی که بیماری کرونا با توجه به سرعت شیوع بالا در مدت زمان کم (حدود چهار ماه) در محدوده وسیعی از جهان [۱۲] به وجود آورد، در دسته پاندمی قرار می‌گیرد. اگرچه همه‌گیری‌ها بشر را ویران کرده‌اند، اما در اصلاح یا تغییر وضعیت محیط ساخته‌شده نیز حیاتی بوده‌اند [۱۳].

نتایج حاصل از مطالعات پیشین دارای ارزش و اهمیت بالایی هستند. به‌ویژه، نتایج مرتبط با نمونه‌های مورد بررسی در پژوهش‌های گروه اول و سوم، کاربردی بوده و روش‌های ارائه‌شده در آن‌ها قابلیت استفاده در سایر نمونه‌ها را نیز دارند. با این حال، در موارد یادشده، نمی‌توان تمرکز را بر واکنش و پاسخ جامع طراحی شهری به بحران پاندمی مشاهده کرد، که مبتنی بر نظریه محیط‌های پاسخ‌ده میان این دو حوزه و ارائه راه‌حل برای رفع تعارض‌های موجود باشد. از این رو، مطالعات در زمینه پرداختن به موضوع مهم پاسخ‌دهی طراحی شهری به شرایط پاندمیک شکاف‌هایی دارند.

چهارچوب و مبانی نظری همه‌گیری

به گفته سازمان بهداشت جهانی، «پاندمی» گسترش جهانی یک بیماری

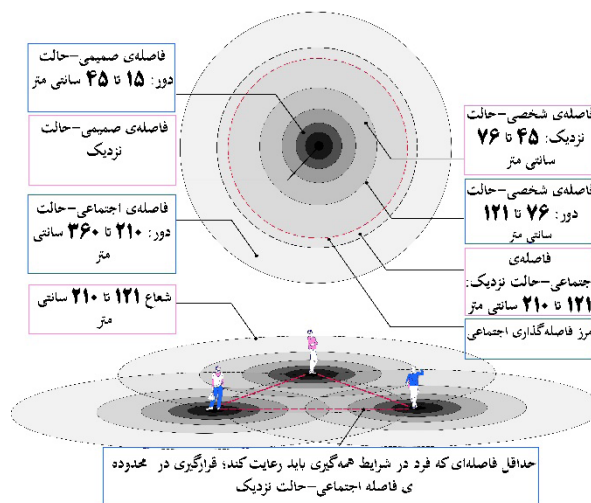


شکل ۳. انواع همه‌گیری در واژنامه‌های لاتین و جایگاه بیماری کرونا در این دسته‌بندی

پاندمی در شهر و فضاهای شهری

می‌شود، حداقل ۲ متر بیان شده است. در تقسیم‌بندی حال این مقدار در دسته فاصله اجتماعی- حالت دور قرار دارد (شکل ۲). بر اساس تعریف وزارت بهداشت کشور نیز، فاصله‌گذاری اجتماعی به معنای «رعایت حداقل ۲ متر فاصله با افراد دیگر برای پیشگیری از انتقال ویروس کرونا است». با این حال تداوم این روند منجر به پیامدهای منفی بلندمدتی همچون انزوای احساس تنهایی، افسردگی و... می‌شود [۱۶]. همچنین مطالعات نشان می‌دهند افراد با سطح ارتباطات و تعاملات اجتماعی بالا، میزان مرگ‌ومیر کمتر، میزان خودکشی کمتر، ترس کمتر، سلامت جسمانی و سطح رفاه و آرامش روانی بیشتری را دارند [۱۷]. با وجود معایر بین فاصله‌گذاری و تعاملات اجتماعی، ایجاد تعامل بین محیط انسان‌ساخت و کاربر می‌تواند به عنوان یک راه‌حل ایده‌آل برای چنین شرایطی در نظر گرفته شود. بر همین اساس چهارچوبی نظری به منظور ترسیم رابطه متقابل بین متغیرهای فاصله‌گذاری اجتماعی و تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری ارائه می‌شود [۱۶] (شکل ۵).

شهرها که مجموعه‌ای از روابط و اتصالات پیچیده بین عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی، کارکردها، عوامل کالبدی، دسترسی و ارتباط انسان‌ها با هم و فضاهای شهری به عنوان جزئی انکارناپذیر از آن‌ها هستند، تأثیر بیماری بر روند زندگی شهری را از طریق فاصله‌گذاری اجتماعی قابل کنترل می‌کنند. به گفته آلمن [۱۴] نیاز همه انسان‌ها به حریم جهت بقاء ضروری است. حال فضای اطراف افراد را که فرد در مرکز آن قرار دارد به ۴ قسم دسته‌بندی می‌کند: فضای صمیمی، فضای شخصی، فضای اجتماعی و در نهایت فضای عمومی که حریم هر یک توسط فاصله‌گذاری‌هایی مشخص می‌شود. به عنوان مثال حال [۱۵] مقدار فاصله‌گذاری اجتماعی یک فرد را حداقل ۱/۲ متر و حداکثر ۳/۶ متر بیان کرده است که بسته به شرایط جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و شرایط خاص پاندمیک مشابه متفاوت خواهد بود. این مقدار از حریم در شرایط پاندمی، برای پرهیز از تماس فیزیکی با دیگران که در معنای عامیانه، خودداری از تماس نزدیک با دیگران معنی



شکل ۴. تطبیق فاصله‌گذاری اجتماعی در شرایط پاندمیک با فواصل مطرح‌شده از نظر حال، اقتباس از [۱۵]

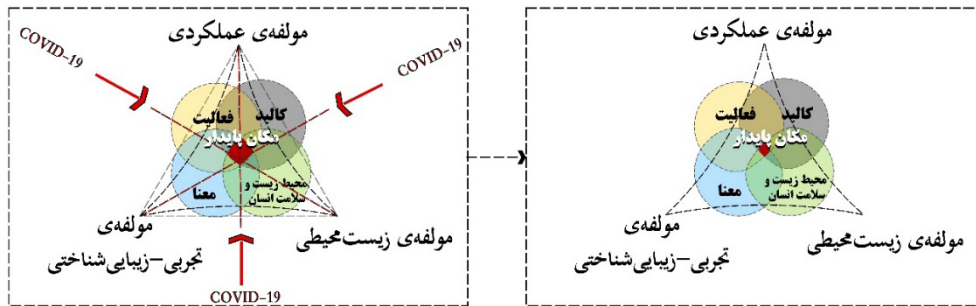


شکل ۵. رابطه متقابل بین متغیرهای پیشنهادی برای فاصله‌گذاری و تعاملات اجتماعی و جایگاه طراحی شهری حساس به پاندمی در مواجهه با آن. [۱۶]

ایجاد تعامل بین ساکنان و فضاهای شهری از طریق فضای سازمان‌یافته و شکل مصنوعی انجام می‌گیرد [۱۸]. از آنجا که بیماری کرونا خود ریشه‌ای

شهری با تأثیرگیری از این بحران، در نقطه اشتراکی کیفیت مکان و میزان پایداری آن را نیز به صورت چشمگیری تحت تأثیر قرار می‌دهند (شکل ۶). بر همین اساس مؤلفه‌های اولیه تأثیرگذار بر فضاهای شهری در شرایط پاندمیک، مؤلفه‌های زیست‌محیطی، عملکردی و تجربی-زیبایی‌شناختی را در بر می‌گیرند (شکل ۷).

زیست‌محیطی دارد، در کنار کالبد، فعالیت و معنا، توجه به ابعاد زیست‌محیطی از ضروریات پژوهش حاضر است. تأثیراتی که این ویروس در حوزه‌های محیط زیست و معنایی بر کیفیت مکان‌های پایدار در فضاهای شهری دارد، می‌تواند به صورت غیر مستقیم و مستقیم از طریق تمایل به فعالیت، و نوع استفاده از کالبد معماری بر مؤلفه عملکردی آن فضا تأثیرگذار باشد. در نتیجه سایه این ویروس بر فضاهای شهری مشهود است؛ عوامل تعریف‌کننده کیفیت فضاهای



شکل ۶. تأثیرات پاندمی بر کیفیت فضاهای شهری (اقتباس از [۱۹])



شکل ۷. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فضاهای شهری با توجه به پاندمی کرونا، اقتباس از [۱۹]

متمرکز می‌شود. علاوه بر این موارد، عوامل آسایش محیطی نیز در دوره پاندمی کرونا، به دلیل رعایت عوامل بهداشتی بیش از پیش مطرح شد. این عوامل عبارت‌اند از: نفوذ هوا، تهویه مناسب محیط، میزان مطلوب گرما و رطوبت [۲۲]، و در نهایت رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و فیزیکی که باید علی‌رغم رعایت پروتکل‌های بهداشتی، مانع ایجاد و برقراری تعاملات اجتماعی نشود. فضاهایی که ناتوان از ایجاد تعامل پایدار و دوطرفه با افراد باشند، رابطه‌های حسی ناشی از کیفیت محیط‌ها از جمله رنگ تعلق و غنای حسی نیز در آن‌ها محقق نمی‌شوند. مگالین و مارین بر اساس تجربه عملی و آموزش خود معتقدند که چهار کیفیت، اساسی است: نفوذپذیری، تنوع (سرزندگی، مجاورت و تمرکز)، خوانایی و استحکام (انعطاف‌پذیری). بنتلی خود نیز بعدها گونه‌شناسی شهر پاسخده را مطرح کرد که شامل شبکه تغییر شکل یافته، الگوی کاربری پیچیده، ساخت‌وساز مقاوم قطعات، درجه‌بندی معین حریم، بلوک چهارطرفه و شبکه بیوتیک بومی (جدول ۲) می‌شد [۲۱]. در ادامه برای ارائه تعریفی از طراحی شهری حساس به پاندمی که بتواند تا اندازه‌ای جنبه‌های مختلف پاسخدهی را در برگیرد، ۱۱ مؤلفه از جدول پیشنهادی و مبانی نظری پژوهش مستخرج شدند (شکل ۸).

محیط‌های پاسخده و پاسخدهی

طراحی شهری که به مثابه فرایند ایجاد مکان‌هایی بهتر برای مردم است، با توجه به محدودیت‌های فراوانی که شرایط پاندمیک برای شهروندان و ساکنان ایجاد کرد، با محدودیت‌هایی مواجه شده است. از این رو، نیاز به افزایش پاسخدهی در فضاهای شهری احساس می‌شود. برای نیل به این هدف، با توجه صرف به پاسخ‌دهی کالبدی یک محیط نمی‌توان به نتایج جدید و مثبتی دست یافت. یکی از بخش‌های مهم در پاسخدهی محیط، پاسخدهی روانی محیط خواهد بود که از طریق پایه‌ای‌ترین عنصر فضاهای شهری، یعنی کالبد، دریافت می‌شود. در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰، گروهی در پلی‌تکنیک اکسفورد آن زمان رویکردی به طراحی محیط شهری را تدوین کردند که با عنوان محیط‌های پاسخده: دستورالعملی برای طراحان شهری [۲۰] چاپ شد. در این رویکرد بر نیاز به محیط‌های غنی‌تر که نوع و میزان انتخاب‌های موجود را برای استفاده‌کنندگان به بالاترین حد برساند، تأکید شده بود [۲۱]. به گفته بنتلی و همکاران پاسخدهی یک محیط بر هفت مقوله کلیدی مهم و کیفیت‌های تأثیرگذار شامل نفوذپذیری، گوناگونی، خوانایی، انعطاف‌پذیری (استحکام)، تناسب بصری، غنای حسی و رنگ تعلق (تشخص)

جدول ۲. گونه‌شناسی شهر پاسخ‌ده بر حسب کیفیت‌های اساسی طراحی شهری به اقتباس از [۲۰]

کیفیت‌های اساسی	معیارها	شاخص‌ها	گونه‌شناسی شهر پاسخ‌ده
نفوذپذیری	شفافیت (راه‌ها)، مقیاس ساخت	عرض سواره‌رو، اندازه بلوک	شبکه تغییر شکل یافته، اندازه بلوک
تنوع	سرزندگی، مجاورت، تمرکز	نوع کاربری‌ها، میزان تقاضا، گستردگی فعالیت‌ها	الگوهای کاربری پیچیده
خوانایی	محصوریت، توالی نشانه‌ها	راه‌ها، گره‌ها، نشانه‌ها، لبه‌ها، حوزه‌ها	بلوک‌های چهار طرفه
انعطاف‌پذیری	استحکام، خرداقلیم	عمق ساختمان، دسترسی، ارتفاع ساختمان، سرعت باد، جریان حرکت خورشید، نفوذ هوا، تهویه مناسب محیط، میزان گرما و رطوبت	ساخت‌وساز مقاوم شبکه بیوتیک بومی
عامل خارجی مخرب: پاندمی کرونا			
مکان	انسانی	ویژگی‌های زمینه‌ای (بصری، عملکردی، ریخت‌شناسی)، جمعی (اجتماعی، ادراکی، زمان)	الگوهای پاسخ‌ده بافت‌های شهری: شبکه دسترسی، اندازه بلوک، اختلاط کاربری، نشانه‌ها، مقاومت و استحکام، شبکه‌های زیست‌بوم و بهداشت محیط



شکل ۸. نمودی اولیه از معیارهای طراحی شهری حساس به پاندمی

سؤالات محوری پرسشنامه مد نظر قرار گرفتند. از این‌رو، برای شناسایی معیارهای پاسخ‌دهی، از پرسشنامه‌ای ۱۱ سؤالی استفاده شد که روایی آن با استفاده از نظرات ۱۰ متخصص در حوزه طراحی شهری تأیید شد. در ادامه تعداد ۴۰ پرسشنامه به عنوان پیش‌آزمون تکمیل شد و برای تعیین پایایی پرسشنامه از داده‌های مربوط به ۴۰ پرسشنامه تکمیل شده استفاده شد. با مشخص شدن و تدقیق مؤلفه‌های پاسخ‌دهی در برابر پاندمی توسط نتایج دور اول، تعداد ۵۰ پرسشنامه دیگر بین متخصصان این حوزه و حوزه‌های مربوطه توزیع شد. تعیین میزان امتیاز و اهمیت هر معیار در شرایط پاندمی از طریق طیف لیکرت انجام شده و هر معیار رتبه‌بندی شده و به عبارتی کمیته‌پذیر می‌شود. این طیف ۵ گزینه‌ای طراحی شده است که شامل گزینه‌های «تأثیر بسیار زیاد، تأثیر زیاد، تأثیر متوسط، تأثیر کم و تأثیر بسیار کم» است. بر همین اساس، نمونه‌ای با حجم نزدیک به ۱۵۰ متخصص (۱۴۷ نفر) که بر اساس نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند، به عنوان جامعه آماری پژوهش قرار گرفتند. سپس، معیارها بر اساس نظر متخصصان در ۴ مؤلفه و بعد دسته‌بندی شده و بر اساس فراوانی غربال شدند. پس از غربال نظر متخصصان، شاخص‌های پاسخ‌دهی نیز بر اساس فراوانی و نیز همپوشانی با حوزه نظری منابع اطلاعاتی و متون استخراج شده و به عنوان چهارچوب طراحی شهری حساس به پاندمی ارائه می‌شوند.

یافته‌ها

افراد انتخابی در حوزه‌های تخصصی در چهار گروه «طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران شهری»، «جامعه‌شناسان»، «پزشکان» و «روان‌شناسان» بوده‌اند.

روش تحقیق

از آنجا که پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پاسخ‌دهی شهرها در شرایط خاص پاندمیک است، از نظر روش، به صورت آمیخته (تحلیل محتوای کیفی متون مستخرج از حوزه طراحی شهری و بیماری‌های فراگیر و روش دلفی) صورت می‌گیرد. نوع پژوهش از حیث هدف، بنیادی توسعه‌ای بوده و به لحاظ داده‌ای توصیفی-تحلیلی و با رویکرد استدلال منطقی (فرهنگی-گفتمانی) و تحلیل محتوای کیفی است. در راستای پاسخ‌دهی به پرسش‌های پژوهش، روش گردآوری اطلاعات مورد نیاز به صورت روش‌های اسنادی (کتابخانه‌ای) بوده است؛ به این صورت که برای بیان مفاهیم نظری و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش در زمینه «طراحی شهری حساس به پاندمی: مؤلفه‌ها، متغیرها و سنجه‌ها»، با بهره‌گیری از مطالعات مرتبط و پرسشنامه خیرگان در راستای تکنیک دلفی بهره گرفته شده و پس از ارزیابی پایایی و روایی مدل و چهارچوب نهایی ارائه شده است.

رویه انجام تحقیق به این صورت است که بخش نظری پس از مرور پیشینه موضوع و تعاریف، مؤلفه‌های اولیه تأثیرگذار بر پاسخ‌دهی شهرها که از مرور ادبیات این حوزه به دست آمد، استخراج می‌شوند. با توجه به ماهیت موضوع و وجود شاخص‌های مختلف به دست آمده، بهترین راه شناسایی و رتبه‌بندی مؤلفه‌های پاسخ‌دهی شهرها با استفاده از طراحی شهری، به شرایط پاندمیک، استفاده از نظرات متخصصان در این زمینه است. برای این منظور، پس از غربال معیارهای شناسایی شده از متون و منابع مختلف، از پرسشنامه نظرسنجی متخصصان (پرسشنامه دلفی)، حاوی معیارها و زیرمعیارهای استخراج شده، تهیه و در اختیار متخصصان قرار گرفت. معیارهای اولیه به عنوان الگوهای راهنمای

از این رو، مفهوم طراحی شهری حساس به پاندیمی، به عنوان راهکاری پایدار در توسعه شهری، برای رفع مشکلات عدیده حاصل از روش‌های سنتی مدیریت، طراحی و برنامه‌ریزی شهری پیشنهاد شد. در واقع بر همین اساس، طراحی شهری حساس به پاندیمی را می‌توان نوعی از طراحی شهری دانست که با ارائه الگوهای طراحی و برنامه‌ریزی شهری، بهترین واکنش را نسبت به شرایط پاندیمیک داشته و با استفاده از ترکیبی از عوامل همچون فضاهای باز و سبز شهری، پوشش گیاهی و دسترسی به آن‌ها، پاکیزگی محیطی، تابش نور خورشید در فضاها و خانه‌ها، تراکم‌های پایین ساختمانی، فواصل کوتاه دسترسی به خدمات، قابلیت پیاده‌روی، تنوع در خدمات محلی، کیفیت بالای حمل‌ونقل عمومی [۲۳] و بسیاری عوامل دیگر، کارآمدی و پاسخ‌دهی بافت‌های شهری را افزایش دهد. از این رو، پاسخ‌دهندگی یک بافت شهری، با مرور مؤلفه‌های محیط‌های پاسخ‌دهنده و نظر متخصصان، به صورت شکل ۸ و الگوها، زیرمعیارها و شاخص‌های اولیه مستخرج از پرسشنامه‌ها که با در نظر گرفتن سایه بحران پاندیمی بر شهرها، استخراج شده‌اند، شامل موارد زیر می‌شوند: معابر عریض (برای عبور و مرور بهتر به خصوص در شرایط اضطراری، نفوذ هوا و باد، نورگیری معابر و...)، تعریف لبه برای فضاهای شهری و نیز محلات (برای مدیریت بهینه محلات و نیز خودکفایی به خصوص در شرایط پاندیمیک و کاهش ارتباطات)، محوریت پایین معابر (با استفاده از تعریض معابر و نیز کاهش تعداد طبقات) و بسیاری عوامل دیگر که در شکل ۹ به آن‌ها اشاره شده است.

معیارهای گزینشی که شامل نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، انعطاف‌پذیری، همه‌شمولی، خودکفایی، فرهنگ و سبک زندگی، اعتماد، همکاری میان‌بخشی و مشارکت مردمی، تاب‌آوری، امنیت روانی و سلامت بوده‌اند، در جدولی بر اساس فراوانی و تکرار دسته‌بندی شدند. بر اساس عوامل مطرح‌شده، خودکفایی ۳۱/۹۷ درصد، همه‌شمولی ۱۲/۲۴ درصد، همکاری میان‌بخشی و مشارکت مردمی ۱۰/۲۰ درصد، امنیت روانی و سلامت ۸/۸۴ درصد، فرهنگ و سبک زندگی ۸/۱۶ درصد، انعطاف‌پذیری ۶/۸۰ درصد، تاب‌آوری ۵/۴۴ درصد، تنوع ۴/۷۸ درصد، نفوذپذیری ۴/۷۶ درصد، خوانایی ۳/۴۱ و اعتماد ۳/۴۰ درصد به ترتیب معیارهای اولیه پاسخ‌دهی بافت‌های شهری در برابر پاندیمی را شامل می‌شوند. در مرحله اول که تعداد ۱۰ پرسشنامه بین متخصصان توزیع شد، در مجموع این ۱۱ معیار، در ۴ مؤلفه اصلی کالبدی، عملکردی، زیست‌محیطی و معنایی شناسایی شده و دسته‌بندی شدند. نتایج مرحله اول، علاوه بر معیارهای اولیه سه معیار غنای حسی، رنگ تعلق و تناسب بصری را به معیارهای پاسخ‌دهی اضافه کردند. سپس، ۴۰ پرسشنامه توزیع‌شده در مرحله دوم بین متخصصان، ۷ معیار کلی پاسخ‌دهی منطبق بر معیارهای پاسخ‌دهی بنتلی و همکاران، در شرایط پاندیمیک را نیز پیشنهاد کردند. در این مرحله در مجموع ۷ معیار پاسخ‌دهی پیشنهاد شد و سایر معیارها بر اساس نوع ارتباط به عنوان متغیرها در زیرمجموعه این ۷ معیار کلی دسته‌بندی شدند. به بیانی، در مجموع ۷ معیار حذف شده و ۳ معیار به شاخص‌های پاسخ‌دهی شهرها در شرایط پاندیمیک اضافه شدند.



الگوهای پاسخ‌دهی بافت‌های شهری در نظام شهرسازی ایرانی با رویکرد طراحی شهری حساس به پاندیمی

معیار عریض، تعریف لبه‌ها، گره‌ها (مراکز محله‌ای و سایر گره‌ها)، محوریت پایین معابر، تعداد طبقات کم، قطعات بزرگ‌تر، توجه به خرداقلیم (مصالح ساختمانی، نفوذ و تهویه هوا، نورگیری، رطوبت، پوشش گیاهی)، تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌ها، دسترسی مناسب به کاربری‌ها (خودکفایی محله‌ها، توجه به وزن‌های افقی و عمودی، خطوط آسمان و بام، پشتیبانی فرم‌ها از عملکردها، انعطاف‌پذیری فرم در فضاهای شهری، توجه به کفسازی، تجربیات جابه‌جایی و حرکت، حس شنوایی (استفاده از عناصر طبیعی همچون آب، صدای آذان، موسیقی در فضای شهری، حرکت برگ‌ها و نسیم)، تعریف قلمروهای مکانی و خصوصی، رعایت سلسله‌مراتب قلمروها، تعریف آستانه‌ها و ورودی‌ها و دروازه‌ها برای محلات، فضاهای شهری، خانه‌ها

شکل ۹. تطبیق مؤلفه‌های بافت‌های شهری پاسخ‌دهنده با رویکرد طراحی شهری حساس به پاندیمی

بحث

تأمین کننده سرزندگی و غنای تجربه فضایی شهر شوند [۱۹]. از این رو، مؤلفه عملکردی در مجموع ابعاد کاربری- فعالیت، اجتماعی- اقتصادی- فرهنگی، و حرکت- دسترسی را با توجه به ماهیت عملکردی آن‌ها در بر می‌گیرد. بر اساس نظر متخصصان، خودکفایی مرکز محله که منجر به پاسخ‌گویی به نیازهای ضروری محله و ساکنان شود، خانواده‌محوری، فرهنگ بهداشتی خانوارها، مشارکت و همیاری، سهولت دسترسی به خدمات و عملکردها از نکات کلیدی است که یک بافت شهری پاسخ‌ده دارد. دریافت‌های ادراکی- شناختی محیط از این طریق تأمین می‌شود، ولی به وسیله کالبد است که این تجربه تکمیل می‌شود. در نتیجه عوامل کالبدی- فضایی دومین عامل تأمین کننده پاسخ‌دهی محیطی است.

• از آنجا که کالبد نمود عینی یک بافت است، می‌توان سایر ویژگی‌های بافت را از آن جست‌وجو کرد؛ نمودی که انتقال‌دهنده روح جاری در شهر و بافت آن است و اولین چیزی است که به دیده می‌آید. اما از آنجا که شهر کلیتی یکپارچه است، نمی‌توان آن را بدون در نظر گرفتن تمامی جوانب ارزیابی کرد و به نتیجه‌ای درست دست یافت؛ در همین راستا با توجه به ابعاد و مؤلفه‌های مختلف نیازمند مطالعه در بستر شهر است. بعد کالبدی- فضایی که در بستر بافت شهری قابل مطالعه است، بر اساس کیفیت‌های طراحی شهری دکتر گلکار و مدل مکان پایدار به عنوان بنیان نظری آن، می‌تواند کیفیات مختلفی اعم از توده- فضا، نفوذپذیری کالبدی، پایداری کالبدی، هویت کالبدی و خوانایی کالبدی را شامل شود. به عنوان مثال توزیع متعادل توده و فضا که شهروندان بتوانند به صورت متناسب از فضای آزاد و باز استفاده کنند یکی از عوامل کلیدی پاسخ‌دهی در چنین شرایطی است.

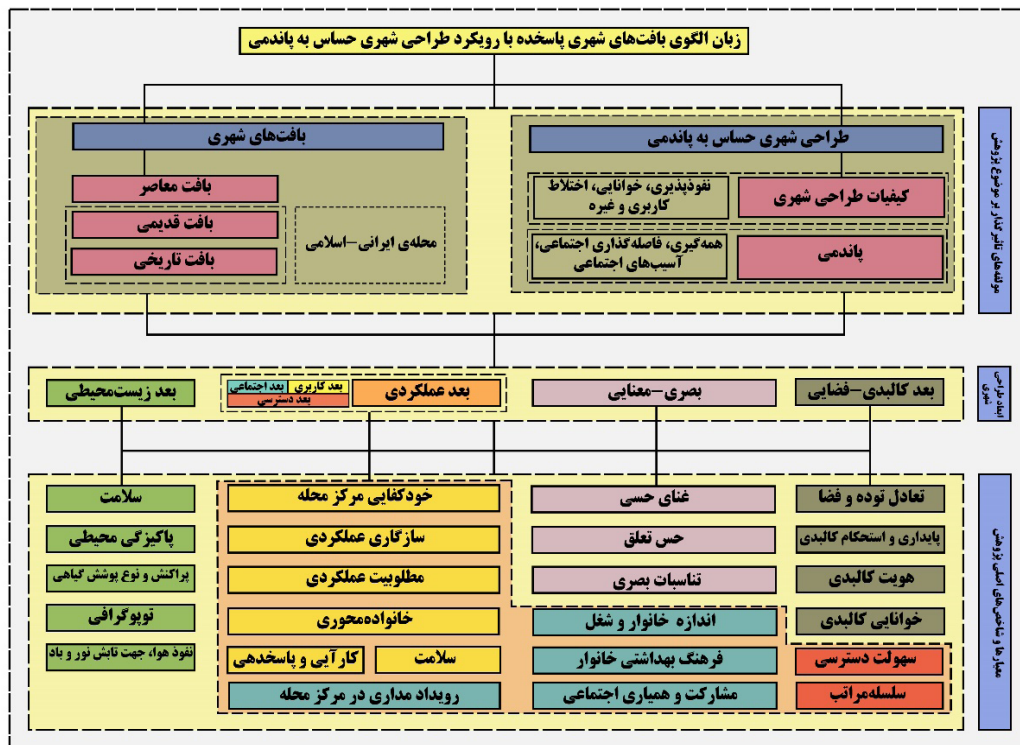
• همه‌گیری کرونا پدیده‌ای مربوط به سلامت انسان است و تأثیرات مستقیم فراوانی بر سلامت جسمانی و روانی انسان‌ها داشته است. تحقیقات نشان می‌دهد این بیماری هم تأثیرات مثبت و هم تأثیرات منفی فراوانی بر جنبه‌های زیست‌محیطی زندگی انسان داشته است. در مواجهه با بحران پاندمی، اولین چیزی که اهمیت می‌یابد زیست و سلامت انسان است، چرا که سلامتی انسان با سلامت حیوانات و محیط زیست نیز ارتباط نزدیکی دارد [۷]. از این رو، سومین مؤلفه مطرح در این مدل، بعد زیست‌محیطی از بین ابعاد طراحی شهری است. این بعد در مقیاس خرد خود می‌تواند پاکیزگی محیطی، خرداقلیم فضاها و توپوگرافی و در مقیاس کلان تر سلامت انسان را به کمک خردمعیارهای زیست‌محیطی تأمین کند.

• با توجه به قرنطینه‌های طولانی مدت و نیز محدودیت‌های فعالیتی که در دوران پاندمی وجود داشته‌اند، تجربیات حسی، معنایی و بصری شهروندان اهمیت بسزایی می‌یابند. مؤلفه معنایی- بصری، ابعادی از طراحی شهری را در بر می‌گیرد که شامل کیفیات و معیارهای بسیار مهمی همچون غنای حسی، تجربه دریافتی فرد از تناسب بصری فضاها، و حس تعلق و میزان اهمیت دادن افراد به محل سکونت خود می‌شود.

به‌خوبی تأثیراتی که پاندمی کرونا بر سلامت و رفاه مردم گذاشته و موجب کاهش آن‌ها در سرتاسر جهان شده، شناخته شده است [۲۴ و ۲۵]. این نوع از همه‌گیری و اقداماتی که در پی آن شهروندان ملزم به رعایتشان بودند، باعث ایجاد مسائل عدیده‌ای از جمله استرس، اضطراب، گیجی و سردرگمی، عصبانیت، افسردگی، ناامنی غذایی، بیکاری و از دست دادن فعالیت‌های اقتصادی شده است [۲۶-۳۲]. اگرچه همه این پاندمی‌ها ردپاهایی غم‌انگیز از خود بر جای گذاشته‌اند، با این حال هر یک به سهم خود طراحی و معماری شهری را به طور قابل توجهی بهبود بخشیده‌اند. شهرها و برنامه‌ریزی شهری خود نیز می‌توانند به روش‌های مختلف به سلامت و رفاه در این زمینه کمک کنند [۳۳-۳۸]. مسائل عمده شهرسازی مانند تراکم شهری، شکل شهر، و مسائل مربوط به توسعه‌های حومه‌ای در مقابل توسعه فشرده شهری، و نیز کیفیت فضاهای عمومی سبز و باز، همواره به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با مسئله بهداشت عمومی نیز مرتبط بوده است. بنابراین، بهداشت عمومی به عنوان مسئله‌ای بسیار مهم برای شهر، به صورت صریح و یا ضمنی، در مرکز فرایند جست‌وجوی شکل شهری ایده‌آل و هر دو فضاهای ساخته شده و باز پر بازده، در الگوهای رشد شهری مورد بحث قرار گرفته است [۲۳].

یافته‌ها حاکی از آن است که طی قرنطینه‌های خانگی، شهرها بیشتر به منظور تفریح، بازی، تمرینات ورزشی، و حرکات پیاده، به‌خصوص در محلات مسکونی خارج از مراکز شهر (محلات کم‌تراکم) انجام می‌گرفته است، به صورتی که پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری به اصلی‌ترین حالت‌های حرکتی و جابه‌جایی تبدیل شده بود [۳۹]. دسترسی به امکانات محلی متعدد، نزدیکی به پارک‌های بزرگ، تراکم پایین ساختمانی، و زندگی به دور از شلوغی مرکز شهر، همگی ارتباط مستقیمی با سلامت طی پاندمی کرونا داشته‌اند. همچنین نتایج مطالعه نشان داد زندگی در یک خانه بزرگ‌تر ارتباط مستقیمی با سلامت بیشتر و نیز میزان اضطراب کمتر در ساکنان دارد [۲۳]. فضا، محیط و فرم فضایی، محصول فرایندهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی [۴۰ و ۴۱] هستند. شهر در جریان بحران کرونا، شمشیر دو لبه‌ای است: الف) شهرها خود باعث یک بخش بزرگی از مشکل هستند، زیرا گسترش و انتقال بیماری‌های عفونی از طریق افزایش تماس انسانی تشدید می‌یابد. ب) شهرها نقش مهمی در آماده‌سازی در برابر، کاهش و سازگاری با همه‌گیری‌ها دارند [۴۲]. با نگاه به نتایج حاصل از نظر متخصصان و خبرگان حوزه‌های بافت شهری و پاسخ‌دهی در برابر پاندمی، عوامل عملکردی مهم‌ترین عامل برای پاسخ‌دهی یک بافت قلمداد می‌شود. این عوامل همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، به ترتیب ابعاد کالبدی- فضایی، بصری- معنایی، کاربری، اجتماعی- اقتصادی، دسترسی، و زیست‌محیطی را شامل می‌شوند (شکل ۹) که در ادامه به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

• عملکرد از یک سو دربرگیرنده تأمین حرکت و دسترسی سهل و مناسب پیاده‌ها و سواره‌ها به مراکز جاذب جمعیت است و از سوی دیگر، دربرگیرنده عملکردهای دیگر همچون فعالیت‌های جاری در فضاهای شهری بوده تا



شکل ۱۰. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های تأثیرگذار بر پاسخدهی طراحی شهری به پاندمی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شهری برای حفظ تعادل خود نیازمند انعطاف‌پذیری و چندبعدی بودن است. از این‌رو، همکاری بین ارگان‌های مسئول و جامعه محلی را می‌توان مهم‌ترین این عوامل دانست. از جمله مهم‌ترین تدابیری که می‌توان به عنوان تدابیر پیشنهادی طراحی شهری حساس به پاندمی از آن‌ها نام برد، شامل موارد زیر می‌شوند:

- تدابیر پیشنهادی کلان و مدیریتی؛
- بازنگری در اصول برنامه‌ریزی کالبدی، الگوهای تراکم و توسعه شهری در حوزه مدیریت شهری؛
- توانمندسازی مردم به وسیله تجهیز و هوشمندسازی بناها و استفاده از مشارکت مستقیم مردمی؛
- کمک به بازتولید روابط و فعالیت‌ها از طریق تعریف فضاها، فعالیت‌ها و الگوهای رفتاری؛
- تدابیر پیشنهادی خرد؛
- توجه به اختلاط کاربری و چندمنظوره بودن بناها؛
- توجه به وجود فضاهای باز و سبز در محلات، و نیز بناها به عنوان سیستم تهویه طبیعی؛
- تدابیر راهکارهای خودکفایی محلات از منظر عملکردی؛
- تجهیز زیرساخت‌های بافت محلات مسکونی به منظور افزایش مسیرهای ایمن برای پیاده و دوچرخه؛
- استفاده از الگوهای سبز (بناها و حمل‌ونقل)؛
- بهره‌گیری از امکانات محلی به منظور افزایش حسن تعلق ساکنان در جهت حفظ و نگهداری از محله و کمک به افزایش زیرساخت‌های متناسب؛
- افزایش نقودپذیری کالبدی به منظور کمک به جریان هوا، باد و نفوذ نور خورشید؛
- و بسیاری دیگر از تدابیر که به تفصیل در جدول ۴ بدان‌ها اشاره شده است.

به دلیل محدود بودن امکانات و زمان، پژوهش حاضر قابلیت بسط در مطالعات

مدیریت و کنترل چرخه انتقال بیماری‌های واگیر و به حداقل رساندن آن، افزایش و بهبود هر چه بیشتر سلامت شهروندان با حفظ ارزش‌های مورد توجه شرایط پاندمیک همچون فاصله‌گذاری اجتماعی، حفظ و تقویت ارزش‌های فضاهای شهری و در مقابل پاسخدهی آن‌ها، حفاظت و بهره‌گیری از کیفیت‌های طراحی شهری با وجود پاندمی و سایر محدودیت‌های نظیر آن و در نهایت حفظ ارزش‌های انسانی و افزایش کیفیت زندگی ساکنان از اهداف و اقداماتی است که در این حوزه می‌توان نام برد. این مطالعه با بازشناسی کیفیات، معیارها و ابعاد طراحی شهری پاسخده با وجود سایه بحران پاندمی، در قالب طراحی شهری حساس به پاندمی، به بازتعریف معیارهای پاسخدهی بافت‌های شهری پرداخت. بر همین اساس مؤلفه‌های چهارگانه به همراه معیارهای هفت‌گانه سازنده پاسخدهی محیطی، مورد بازشناسی قرار گرفته و جامعیت آن با استفاده از نظر خبرگان و متخصصان این حوزه مورد تأیید قرار گرفت. طبقه‌بندی‌های صورت‌گرفته از منابع اطلاعاتی مختلف (متخصصان و منابع مطالعاتی)، به دلیل پیچیده بودن موضوع پژوهش، جامعیت لازم جهت پوشش طیف وسیعی از عناصر کیفی گوناگون طراحی شهری حساس به پاندمی را می‌توانند در خود جای دهند. نتایج پژوهش ارائه‌دهنده ۴ مؤلفه عملکردی، کالبدی-فضایی، زیست‌محیطی و معنایی-بصری است. معیارهای پاسخدهی نیز شامل گوناگونی و تنوع، نقودپذیری کالبدی، انعطاف‌پذیری (عملکردی، کالبدی)، خوانایی (در فرم و کالبد)، غنی‌حسی، حسن تعلق، و تناسبات بصری هستند که هر یک با توجه به شاخص‌های قابل اندازه‌گیری و مطالعه، نیازمند مطالعاتی همچون الگوهای کاربری، الگوهای رفتاری، رویدادمداری، توده و فضا، شکل، دانه‌بندی و تراکم قطعات، محصوریت، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، آلودگی‌های محیطی، صداها، حرایم و قلمروها، تأسیسات و تجهیزات و اجزای بصری فضاهای شهری هستند (جدول ۱۳). با توجه به چنین جامعیتی نتایج نهایی حاکی از آن است که نظام پیچیده

آینده را دارد؛ با توجه به پیچیده بودن نظام شهری به عنوان یک موجود زنده، همچنين مطالعات می‌توانند به عنوان مبانی نظری و الگوی مطالعات انجام این مطالعات در آینده ممکن است نتایج متفاوت و کامل‌تری را منجر

موردی در انواع بافت‌های شهری در مطالعات آتی مورد استفاده قرار گیرند.

جدول ۳. جمع‌بندی مبانی و چهار چوب نظری به همراه راهبردهای پیشنهادی (مدل مفهومی پژوهش)

ابعاد طراحی شهری	معیارهای پاسخ‌دهی	شاخص‌ها	مطالعات مورد نیاز در بخش شناخت	راهبردهای پیشنهادی
کالبدی-فضایی انعطاف‌پذیری کالبدی خوانایی در فرم	نفوذپذیری کالبدی	عرض معیار، اندازه بلوک	شکل قطعات، دانه‌بندی، بلوک‌بندی، تراکم ساختمانی، توده و فضا، عرض معابر	بازنگری در برنامه‌ریزی کالبدی، الگوهای تراکم و توسعه شهری در حوزه مدیریت بازنگری در آیین‌نامه‌های ساختمانی به منظور مقاوم‌سازی مصالح توانمندسازی مردم به وسیله تجهیز و هوشمندسازی ساختمان‌ها
	استحکام کالبدی، ارتفاع ساختمان‌ها	پایداری (عمر و کیفیت ابنیه)، تعداد طبقات	میزان محصوریت (عرض معیار/ ارتفاع ساختمان‌ها)، تراکم ساختمانی، سلسله‌مراتب (راه‌ها)، توقفگاه‌ها، پارکینگ‌ها، گره‌ها، پایانه‌های حمل‌ونقل عمومی، نشانه‌های کالبدی	بازتولید روابط، فعالیت و فضا از طریق تنوع در نظم روابط، فعالیت (الگوهای رفتاری متنوع و غیرخطی) در بستر فضای شهری با استفاده از ابزار و فناوری جدید از جمله هوشمند شدن نظم روابط و فناوری ارتباطی طراحی فضاهای داخلی خانه متناسب با شرایط خطرناک و ایجاد فضاهای باز (یا عمومی) در فضای خانه‌ها (آپارتمان‌ها) توجه به اختلاط عملکردی و بناهای چندمنظوره در محلات ارائه خدمات بهداشتی در سطح محلات مسکونی برای خودکفایی محلات در این حوزه توجه به نیازهای خانواده و در ذیل آن‌ها کودکان و سالمندان با افزایش فعالیت‌های محلی و زیرساخت‌های متناسب تعریف و ایجاد مسیرهای امن و ایمن برای پیاده و دوچرخه ادغام زیرساخت‌های دیجیتال و رویکردهای فناوری خانگی، حمل‌ونقلی و زیرساخت‌های شهری (مولاتی، ۱۴۰۰) برای تسهیل امدادرسانی بازنگری در آیین‌نامه‌های ساختمانی و قوانین ساخت مسکن استفاده از راهبردهای سلامت هوشمند برای کاهش واسطه استفاده از هوش مصنوعی برای تشخیص و درمان بهتر شخصی در حجم گسترده‌ای از داده‌های بیمار و بهره‌گیری از مراقبت‌های پزشکی (مولاتی، ۱۴۰۰)
عملکردی انعطاف‌پذیری عملکردی	سلسله‌مراتب، سهولت دسترسی، محصوریت	میزان محصوریت (عرض معیار/ ارتفاع ساختمان‌ها)، تراکم ساختمانی، سلسله‌مراتب (راه‌ها)، توقفگاه‌ها، پارکینگ‌ها، گره‌ها، پایانه‌های حمل‌ونقل عمومی، نشانه‌های کالبدی	الگوی کاربری (موجود و پیشنهادی)، مالکیت‌ها، تنوع و تراکم فعالیت، اختلاط کاربری (ماتریس‌های چهارگانه)، الگوهای رفتاری و حرکتی، تراکم کاربری‌ها (به‌خصوص مسکونی)	نیازهای خانوادگی و در ذیل آن‌ها کودکان و سالمندان با افزایش فعالیت‌های محلی و زیرساخت‌های متناسب تعریف و ایجاد مسیرهای امن و ایمن برای پیاده و دوچرخه ادغام زیرساخت‌های دیجیتال و رویکردهای فناوری خانگی، حمل‌ونقلی و زیرساخت‌های شهری (مولاتی، ۱۴۰۰) برای تسهیل امدادرسانی بازنگری در آیین‌نامه‌های ساختمانی و قوانین ساخت مسکن استفاده از راهبردهای سلامت هوشمند برای کاهش واسطه استفاده از هوش مصنوعی برای تشخیص و درمان بهتر شخصی در حجم گسترده‌ای از داده‌های بیمار و بهره‌گیری از مراقبت‌های پزشکی (مولاتی، ۱۴۰۰)
	گونگونگی و تنوع	نوع کاربری، میزان تقاضا، گستردگی فعالیت	رودادمداری (مراسم‌های فصلی، سالیانه، ملی و مذهبی)، تعاملات اجتماعی و پاتوق‌ها، شعاع عملکرد کاربری‌های مهم و ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی، مقاطع عرضی	مطالعات خرد اقلیم (جهت تابش نور، باد، پوشش گیاهی، توپوگرافی، شیب زمین)، پاکیزگی محیطی (زهکشی، دفع آب، چاه‌ها و قنات‌ها، پاکیزگی آب)
زیست‌محیطی غناي حسی	تنوع و انطباق‌پذیری و فعالیت‌ها، قابلیت عرضه چندین گزینه فعالیت، مشارکت، خودکفایی مرکز محله، اندازه و شغل خانوار، فرهنگ بهداشتی	تهویه مناسب، نفوذ هوا، میزان گرما و رطوبت، جهت تابش نور	مطالعات خرد اقلیم (جهت تابش نور، باد، پوشش گیاهی، توپوگرافی، شیب زمین)، پاکیزگی محیطی (زهکشی، دفع آب، چاه‌ها و قنات‌ها، پاکیزگی آب)	مطالعات خرد اقلیم (جهت تابش نور، باد، پوشش گیاهی، توپوگرافی، شیب زمین)، پاکیزگی محیطی (زهکشی، دفع آب، چاه‌ها و قنات‌ها، پاکیزگی آب)
	آلودگی صوتی، آلودگی هوا	آلودگی صوتی، آلودگی هوا	مطالعات خرد اقلیم (جهت تابش نور، باد، پوشش گیاهی، توپوگرافی، شیب زمین)، پاکیزگی محیطی (زهکشی، دفع آب، چاه‌ها و قنات‌ها، پاکیزگی آب)	مطالعات خرد اقلیم (جهت تابش نور، باد، پوشش گیاهی، توپوگرافی، شیب زمین)، پاکیزگی محیطی (زهکشی، دفع آب، چاه‌ها و قنات‌ها، پاکیزگی آب)
معنایی بصری	غناي حسی	داده‌های بصری، صدا، بو، بساوش	صداها (اذان، آب، برگ، صدای مردم و...)، کف‌سازی و منظر کف، بوها	صداها (اذان، آب، برگ، صدای مردم و...)، کف‌سازی و منظر کف، بوها
	خوانایی	راه، گره، نشانه، حوزه، لبه	نقشه‌های شناختی، تصاویر ذهنی، گره‌ها و مراکز محله‌ای	نقشه‌های شناختی، تصاویر ذهنی، گره‌ها و مراکز محله‌ای
بصری	حس تعلق	اصل قلمرو	آستانه‌ها، ورودی‌ها و دروازه‌ها، پنجره‌های رو به معابر (چشم‌های ناظر)، الگوی تصرف فضاها (عمومی نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی، خصوصی) او سایر	آستانه‌ها، ورودی‌ها و دروازه‌ها، پنجره‌های رو به معابر (چشم‌های ناظر)، الگوی تصرف فضاها (عمومی نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی، خصوصی) او سایر
	تناسبات بصری	ترکیب، چیدمان، ریتم	تأسیسات و تجهیزات شهری (میلان، تأسیسات روشنایی، تابلوها و...)، تحلیل خطوط عمودی و افقی نماها، خط آسمان و بام، دیدهای دور، متوالی (اصول یافت)	تأسیسات و تجهیزات شهری (میلان، تأسیسات روشنایی، تابلوها و...)، تحلیل خطوط عمودی و افقی نماها، خط آسمان و بام، دیدهای دور، متوالی (اصول یافت)

- [30] Skapinakis P. Bellos S. Oikonomou A. Dimitriadis G. Gkikas P. Perdikari E. et al. Depression and its relationship with coping strategies and illness perceptions during the COVID-19 lockdown in Greece: A cross-sectional survey of the population. *Depression Research and Treatment* 2020 Aug; Vol 2020: 1-11. <https://doi.org/10.1155/2020/3158954>.
- [31] Vatavali F. Gareiou Z. Kehagia F. Zervas E. Impact of COVID-19 on urban everyday life in Greece. Perceptions, experiences, and practices of the active population. *Sustainability* 2020Nov; Vol 12(22): 1-17. <http://dx.doi.org/10.3390/su12229410>.
- [32] White R. G. Van Der Boor C. Impact of the COVID-19 pandemic and initial period of lockdown on the mental health and well-being of adults in the UK. *BJPsych Open* 2020 Aug; Vol 6(5): 1-4. <https://doi.org/10.1192/bjo.2020.79>.
- [33] Giles-Corti B. Vernez-Moudon A. Reis R. Turrell G. Dannenberg A. L. Badland. H. et al. City planning and population health: a global challenge. *The Lancet* 2016 Dec; Vol 388 (10062): 2912-2924. [https://doi.org/10.1016/S0140-6736\(16\)30066-6](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(16)30066-6).
- [34] Hamidi S. Ewing R. Tatalovich Z. Grace J. B. Berrigan D. Associations between Urban Sprawl and Life Expectancy in the United States. *nt. J. Environ. Res. Public Health* 2018 April; Vol 15 (5): 1-11. <https://doi.org/10.3390/ijerph15050861>.
- [35] Litman T. Urban sanity: Understanding urban mental health impacts and how to create saner, happier cities. Retrieved from Victoria Canada 2020. <https://www.vtpe.org/urban-sanity.pdf>.
- [36] Mouratidis K. Built environment and leisure satisfaction: The role of commute time, social interaction, and active travel. *Journal of Transport Geography* 2019 Oct; Vol 80: 102491. <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2019.102491>.
- [37] Stevenson M. Thompson J. De S'a T. H. Ewing R. Mohan D. McClure R. et al. Land use, transport, and population health: estimating the health benefits of compact cities. *The Lancet* 2016 Sep; Vol 388 (10062): 2925-2935. [https://doi.org/10.1016/S0140-6736\(16\)30067-8](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(16)30067-8).
- [38] Wang F. Wang D. Place, Geographical Context and Subjective Well-being: State of Art and Future Directions. Book: *Mobility, Sociability and Wellbeing of Urban Living*. Publisher: Springer-Verlag Berlin Heidelberg 2015 Nov. <http://dx.doi.org/10.1007/978-3-662-48184-4>.
- [39] Gehl J. Public space and public life during COVID-19. 2020. Retrieved from: <https://covid19.gehlpeople.com/files/report.pdf> (Accessed at 12/16/23).
- [40] Ziarari K. The Impact of Culture on City Structure (with an emphasis on Islamic culture). *Journal of Geography and Development* 2003 Sep; 1(2): 95-108. <https://doi.org/10.22111/gdij.2003.3817> [In Persian]
- [41] Hataminezhad S. H. Qahrayi H. Urbanization, modern and post-modern urban planning. *Journal of Geographic Sciences* 2006; 2: 33-53. <https://ensani.ir/fa/article/download/17088> [In Persian]
- [42] Daneshpour Z. Out of the coronavirus crisis, a new kind of urban planning must be born: Post pandemic urban and regional planning and the lessons that can be learned from Coronavirus pandemic 2020. *Shahid Beheshti University (SBU) Tehran Iran* 2020 April: 1-11. <http://dx.doi.org/10.13140/RG.2.2.17931.44322>.

■ مشارکت نویسندگان

نویسنده اول ۴۰٪، نویسنده دوم ۳۵٪، نویسنده سوم ۲۵٪

■ تشکر و قدردانی

این مقاله حامی مالی و معنوی ندارد.

■ تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافی توسط نویسندگان بیان نشده است.

- [1] Wang Q. Yu C. The role of masks and respirator protection against SARS-CoV-2. *Infection Control & Hospital Epidemiology* 2020 March; Vol 41: 746-747. <https://doi.org/10.1017/ice.2020.83>.
- [2] Qasemi I. Consequences of Corona on the city and future urban development. *Social Impact Assessment* 2020; 19(2): 227-253. <https://sid.ir/paper/366736/fa>. [In Persian]
- [3] Farnam A. Deljou B. To Be or Not to Be: COVID-19 Pandemic, a Time for Activation of Dasein's Most Fundamental Conflicts. *Journal of Philosophical Investigations* 2020 July; 14(31): 31-50. <https://doi.org/10.22034/jpiut.2020.40400.2598>. [In Persian]
- [4] Afrin S. Chowdhury FJ. Rahman Md. M. COVID-19 Pandemic: Rethinking Strategies for Resilient Urban, Design, Perceptions, and Planning. *Frontiers in Sustainable Cities* 2021 June; Vol 3: 1-14. <https://doi.org/10.3389/frsc.2021.668263>.
- [5] Haeri V. Local measures in global crises - the right to the city and the role of social support centers and neighborhood crisis management in dealing with the spread of the Corona disease (Tehran city). *Social Impact Assessment* 2020 April; 1(2): 255-281. <https://sid.ir/paper/518642/fa>. [In Persian]
- [6] Sheykhi F. Babakhani M. Post-Pandemic Urban Planning: Applying the 15-Minute City Approach in Iranian Cities (Case Study: Mehrshahr, Karaj). *Urban Design Discourse a Review of Contemporary Literatures and Theories* 2022; 3 (2): 97-114. <http://udd.modares.ac.ir/article-40-62209-fa.html>. [In Persian]
- [7] Talebbeydokhti N. Asadi Tokmedash M. Rezaeitavabe F. Sartaj M. Assessment of the environmental Impacts of COVID-19. *Rahyaft Journal* 2020 Sep; 79: 52-62. <https://doi.org/10.22034/rahyaft.2020.13858>. [In Persian]
- [8] Ahmadzadeh S. Presentation of the century report: one hundred years of urban management facing pandemics. *Tehran Urban Studies and Planning Center, Urban Policy Deputy, Integrated Management Studies Group*. 2021 Printed Book. [In Persian]
- [9] Amirzadeh M. Sohaia S. Buckma S. T. Sharifi A. Towards building resilient cities to pandemics: A review of COVID-19 literature. *Sustainable cities and society* 2023; Vol 89: 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2022.104326>.
- [10] Imani Jajromi H. The social consequences of the spread of the coronavirus in Iranian society. *Social Impact Assessment* 2020; 1(2): 87-103. <https://sid.ir/paper/524157/fa> [In Persian]
- [11] Pinchoff J. Kraus-Perrotta C. Austrain K. Tidwell J. B. Abuya T. Mwanga D. et al. Mobility Patterns During COVID-19 Travel Restrictions in Nairobi Urban Informal Settlements: Who Is Leaving Home and Why. *Journal of Urban Health* 2021 Feb; Vol 98: 211-221. <http://dx.doi.org/10.1007/s11524-020-00507-w>.
- [12] Zangrillo A. Beretta L. Silvani P. Colombo S. Scandroglio A. M. Dell'Acqua A. et al. Fast reshaping of intensive care unit facilities in a large metropolitan hospital in Milan, Italy: facing the COVID-19 pandemic emergency. *Critical care and resuscitation: journal of the Australasian Academy of Critical Care Medicine* 2020 April; Vol 22 (2): 91-94. <http://dx.doi.org/10.51893/2020.2.pov1>.
- [13] Raj S. A. Angella E. J. Pooja C. Impact of Covid-19 in Shaping New Resilient Urban Planning Approach. *IOP Conference Series Materials Science and Engineering* 2021 March; Vol 1114(1): 1-6. <http://dx.doi.org/10.1088/1757-899X/1114/1/012040>.
- [14] Altman I. Lawrence S. Wrightsman, consulting editor. *The environment and social behavior: privacy, personal space, territory, crowding*. Publisher: Monterey, Calif.: Brooks/Cole Pub. Co. 1975. 256 pages. Printed Book.
- [15] Hall E. T. *The Hidden Dimension*. Publisher: Knopf Doubleday Publishing Group 1990. 256 pages. Printed Book.
- [16] Askarizad R. He J. Post-pandemic urban design: The equilibrium between social distancing and social interactions within the built environment. *Cities* 2022; Vol 124 (7): 1-6. <http://dx.doi.org/10.1016/j.cities.2022.103618>.
- [17] Askarizad R. Safari H. The influence of social interactions on the behavioral patterns of the people in urban spaces; case study: The pedestrian zone of Rasht Municipality square, Iran. *Cities* 2020 March; Vol 101: 1-16. <http://dx.doi.org/10.1016/j.cities.2020.102687>.
- [18] Ahari Z. Meaning of Western Architecture: A phenomenological approach to studying architectural history. *Research Journal of the Iranian Academy of Arts: Khyal* 2004 Aug; 10: 144-153. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/582899>. [In Persian]
- [19] Golkar K. COMPONENTS OF URBAN DESIGN QUALITY. *SOFFEH* 2001; 11(32): 38-65. <https://sid.ir/paper/94234/en>. [In Persian]
- [20] Bentley I. *Responsive Environments: A Manual for Designers*. Publisher: Routledge 1985. 151 pages. Printed Book.
- [21] Carmona M. *Public Places, Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design*. Publisher: Architectural Press 2003. 312 pages. Printed Book.
- [22] Arabani M. H. Bavar S. How architecture and urban planning respond to the COVID-19 pandemic. *Journal of Architecture, Management Special journals, research* 2020; 3 (16): 1-7. <https://sid.ir/paper/526316/fa>. [In Persian]
- [23] Mouratidis K. Yiannakou A. COVID-19 and urban planning: Built environment, health, and well-being in Greek cities before and during the pandemic. *Cities* 2022 Feb; Vol 121: 1-17. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103491>.
- [24] Fiorillo A. Gorwood Ph. The consequences of the COVID-19 pandemic on mental health and implications for clinical practice. *European Psychiatry* 2020 April; Vol 63 (1): 1-4. <https://doi.org/10.1192%2Fj.eurpsy.2020.35>.
- [25] Moreno C. Wykes T. Galderisi S. Nordentoft. M. Crossley. N. Jones. N. Arango. C. How mental health care should change as a consequence of the COVID-19 pandemic. *The Lancet Psychiatry* 2020 Sep; Vol 7(9): 813-824. [https://doi.org/10.1016/s2215-0366\(20\)30307-2](https://doi.org/10.1016/s2215-0366(20)30307-2).
- [26] Brooks S. K. Webster R. K. Smith L. E. Woodland L. Wessely S. Greenberg. N. et al. The psychological impact of quarantine and how to reduce it: Rapid review of the evidence. *The Lancet* 2020 Feb; Vol 395: 912-920. [https://doi.org/10.1016/s0140-6736\(20\)30460-8](https://doi.org/10.1016/s0140-6736(20)30460-8).
- [27] Li J. Yang Z. Qiu H. Wang Y. Jian L. Ji J. et al. Anxiety and depression among general population in China at the peak of the COVID-19 epidemic. *World psychiatry: official journal of the World Psychiatric Association (WPA)* 2020 June; Vol 19(2), 249-250. <http://dx.doi.org/10.1002/wps.20758>.
- [28] Patrick S. W. Henkhaus L. E. Zickafoose J. S. Lovell K. Halvorson A. Loch S. et al. Well-being of parents and children during the COVID-19 pandemic: A National Survey. *Pediatrics* 2020 Oct; Vol 146(4). <https://doi.org/10.1542/peds.2020-016824>.
- [29] Rogowska A. M. Ku'snierz C. Bokszczanin A. Examining anxiety, life satisfaction, general health, stress and coping styles during COVID-19 pandemic in Polish sample of university students. *Psychology Research and Behavior Management* 2020 Sep; Vol 13: 797-811. <http://dx.doi.org/10.2147/PRBM.S266511>.

tion and the resulting scenarios, using the SWOT model, the strategies for realising the desired scenario and controlling the disaster scenario were determined.

Findings

The findings in Mikmak show that the data has 74% validity, and the distribution of variables in the effect-direct dependence map indicates the existence of an unstable system in the field of regeneration in the Khajeh Rabi neighbourhood. Variables that are identified and predicted as key drivers in Mik Mak software can play a role in guiding the Khajeh Rabi neighbourhood system towards sustainability, including access to services, facilities and social facilities, equipment and infrastructure; the type of development is the network of roads, investment in the process of renovation and improvement of the neighbourhood, the type of management, the type of planning, the type of participation of residents, the rules and regulations of neighbourhood regeneration and the implementation of the project. The findings in the wizard scenario in the output of the urban regeneration system network diagram of the Khajeh Rabi neighbourhood indicate that the drivers of investment in the renovation and improvement process, the type of residents' participation and the rules and regulations of the neighbourhood's regeneration are more important than other drivers in this neighbourhood. They are reliable and able to control the system effectively. The output of the compatible scenarios, the scenarios in two favorable groups with 289% compatibility include: including: access of all residents to services, facilities and social facilities, full development of neighborhood equipment and infrastructure, intermediate development and smart growth in the neighborhood, organization of the road network in All dimensions (traffic, asphalt, etc.), the allocation of incentive packages for investment in the renovation and improvement process for all residents, good urban governance in the neighborhood

regeneration plan, formulation of a comprehensive neighborhood regeneration plan, capacity building and institution building in all dimensions, monitoring the full implementation of neighborhood regeneration laws and regulations and the use of professional consultants in the formulation and implementation of the neighborhood and disaster regeneration plan with 356% compatibility, including: lack of attention to access to services, facilities and social facilities, lack of development of neighborhood equipment and infrastructure, scattered growth and unplanned growth, lack of Incentive packages, top-down planning, failure to formulate a comprehensive redevelopment plan, lack of capacity building and institution building, lack of monitoring of neighborhood redevelopment laws and regulations, and failure to implement redevelopment plan.

Conclusion

The results show that the creation of cultural, leisure and sports spaces, such as the construction of a library and park for all residents to access social services, facilities and facilities, the use of barren lands and investment to create tourist places and the creation of commercial and branding centres near the tomb of Khajeh Rabi For intermediate development and smart growth in the neighbourhood, high-quality flooring of sidewalks With the support of the municipality to organise the road network, the support of the private and public sector in the construction of houses and giving loans to the people and investing in creating new jobs in the neighbourhood, for the allocation of incentive packages and the renovation and improvement of the neighbourhood for all residents, spatial justice in handling the neighbourhood by the municipality. For good urban governance, attracting investors' participation through the granting of incentive points for the renovation of the neighbourhood for capacity building and institution building will be the most important strategies for the regeneration of the Khajeh Rabi area.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Rahnama M. R. Sabouri M. Ghafourian M. Presentation of Urban Regeneration Scenarios in Khajeh Rabi Neighborhood in Mashhad. Urban Economics and Planning Vol 5(2):92-107. [In Persian]

DOI: 10.22034/uep.2024.458986.1492



Presentation of Urban Regeneration Scenarios in Khajeh Rabi Neighborhood in Mashhad

Original Article

Mohammad Rahim Rahnama¹, Marzieh Sabouri^{2*}, Mahsa Ghafourian³

1- Professor, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

2- Ph.D candidate of Geography and Urban Planning, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

3- Master's student in Geography and Urban Planning, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-05-23

Revised: 2024-07-31

Accepted: 2024-07-31

Keywords

Dilapidated Texture

Mashhad

Scenario Writing

Urban regeneration

ABSTRACT

Introduction

In recent decades, the rapid growth of urbanisation has brought problems, one of which is the intensification of the rate of physical-spatial changes and the inefficiency of urban tissues. This process of population increase, a decline of social status, and disorder in the spatial-physical, economic and functional organisation in urban neighbourhoods that play an essential role in the life and decay of the city brought along this intermediate neighbourhood of Khajeh Rabi in Mashhad; it is one of the neighbourhoods that in recent decades has been associated with issues such as poverty, physical and social erosion, and a decrease in the standard of living. have not had their quality of life, the existence of one of the most important cemeteries in the city will also lead to the possibility of abandonment and degradation of the quality of this fabric, for this reason, the implementation of a comprehensive and sustainable plan for the regeneration of this neighbourhood to improve the quality of life of the residents is essential. Is. Therefore, this research has been carried out to present scenarios of urban regeneration in the Khajeh Rabi neighbourhood in Mashhad until 2033 and compile strategies for realising urban regeneration in the Khajeh Rabi neighbourhood.

Materials and Methods

The research method in this study is descriptive-analytical and based on documentary and library studies. For this purpose, the research variables are collected in the theoretical foundations section. With the method of structural analysis (in this method, the influence and effectiveness of the research variables according to the scoring range from 0 to 3, where 0 means no impact, one means weak impact, two means moderate impact, three means high impact and p means potential direct and indirect impact) were ranked. After that, the statistical population was selected from the elite group with a sample size of 20 people from among urban planning experts, the municipality of Region Three, university professors and doctoral students, and with surveys conducted in the form of a cross-effects matrix questionnaire, the influencing variables were identified, and The key drivers were selected from variables with high impact and uncertainty. In the next step, with the interviews conducted with 10 people from the experts of the 22 Bahman Facilitation Office in Mashhad, the possible states of the key drivers and the existing situation were identified, and compatible scenarios were determined using the method of interaction analysis in the scenario wizard. Finally, by identifying the strengths and weaknesses, opportunities and threats that show the current situa-

* Corresponding author: msabouri.1998@gmail.com

ارائه سناریوهای باز آفرینی شهری در محله خواجه ربیع در شهر مشهد

مقاله پژوهشی

محمد رحیم رهنما^۱؛ مرضیه صبوری^{۲*}؛ مهسا غفوریان^۳

۱- استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد ایران

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد ایران

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد ایران

چکیده

مقدمه

در دهه‌های اخیر رشد شتابان شهرنشینی معضلاتی را به همراه آورده است که از پیامدهای آن، شدت یافتن ضریب آهنگ تغییرات فضایی - کالبدی و ناکارآمدی بافت‌های شهری می‌باشد. این روند افزایش جمعیت، افت منزلت‌های اجتماعی، نابسامانی در سازمان فضایی - کالبدی، اقتصادی و کارکردی را در محله‌های شهری که نقش اساسی در حیات و زوال شهر دارند؛ به همراه آورده است. در این میان محله خواجه ربیع در مشهد، یکی از محلاتی است که در دهه‌های اخیر با مسائلی مانند فقر، فرسایش فیزیکی و اجتماعی و کاهش سطح زندگی همراه بوده است در این محله علاوه بر آنکه قشر کم درآمد و کم برخوردار ساکن بوده که توان مالی مناسبی برای بهبود کیفیت زندگی خود را نداشته اند، وجود یکی از مهم ترین آرامستان‌های شهر نیز در آن احتمال متروک شدن و تنزل کیفیت این بافت را در پی خواهد داشت، به همین دلیل اجرای یک برنامه جامع و پایدار برای بازآفرینی این محله به منظور بهبود کیفیت زندگی ساکنان ضروری می‌باشد. از این رو این پژوهش، با هدف ارائه سناریوهای بازآفرینی شهری در محله خواجه ربیع در شهر مشهد تا افق ۱۴۱۲ و تدوین راهبردهای تحقق بازآفرینی شهری در محله خواجه ربیع انجام شده است.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر انجام مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای است. بدین منظور، در بخش مبانی نظری، متغیرهای پژوهش جمع‌آوری و با روش تحلیل ساختاری (در این روش تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرهای پژوهش با توجه به طیف امتیازبندی ۰ تا ۳ تا ۰ به منزله بدون تأثیر، یک به منزله تأثیر ضعیف، دو به منزله تأثیر متوسط، سه به منزله تأثیر زیاد و ۴ به معنای اثرگذاری مستقیم و غیر مستقیم به صورت بالقوه هستند) رتبه بندی شدند. پس از آن، جامعه آماری از گروه نخبگان به حجم نمونه ۲۰ نفر از میان کارشناسان شهرسازی، شهرداری منطقه سه، اساتید دانشگاه و دانشجویان دکترا انتخاب گردیدند و با نظر سنجی‌های صورت گرفته در قالب پرسشنامه ماتریس اثرات متقاطع، متغیرهای تأثیرگذار در میک مکان‌شناسایی و پیش‌بینی‌های کلیدی از بین متغیرهایی با اثرگذاری و عدم قطعیت بالا انتخاب شدند. در گام بعد، با مصاحبه‌های انجام شده با کارشناسان دفتر تسهیل‌گری ۲۲ بهمن در مشهد به تعداد ۱۰ نفر، حالت‌های احتمالی پیش‌بینی‌های کلیدی و وضع موجود شناسایی و با استفاده از روش تحلیل تأثیر متقابل در سناریو و بیزارد، سناریوهای سازگار تعیین گشت. در نهایت با شناسایی نقاط قوت و ضعف و فرصت و تهدید که وضعیت موجود را نشان می‌دهند و سناریوهای حاصل شده، با استفاده از مدل SWOT به تعیین راهبردهای تحقق سناریو مطلوب و کنترل سناریو فاجعه پرداخته شد.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

کلمات کلیدی

بازآفرینی شهری

بافت فرسوده

سناریونویسی

مشهد

یافته‌ها

یافته‌ها در میک‌مک نشان می‌دهد داده‌ها از ۷۴٪ روایی مطلوب برخوردار می‌باشند و پراکنش متغیرها در نقشه اثر وابستگی مستقیم بیانگر وجود یک سیستم ناپایدار در حوزه بازآفرینی در محله خواجه ربیع بوده است. متغیرهایی که به عنوان پیشران‌های کلیدی در نرم افزار میک مک شناسایی شده و پیش بینی می‌شود می‌توانند در هدایت سیستم محله خواجه ربیع به سوی پایداری نقش داشته باشند، شامل: دسترسی به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی، تجهیزات و زیرساخت‌ها، نوع توسعه، شبکه معابر، سرمایه گذاری در فرایند نوسازی و بهسازی محله، نوع مدیریت، نوع برنامه ریزی، نوع مشارکت ساکنین، قوانین و مقررات بازآفرینی محله و اجرای پروژه می‌باشد. یافته‌ها در سناریو ویزارد در خروجی دیاگرام شبکه سیستم بازآفرینی شهری محله خواجه ربیع، بیانگر آن است که پیشران‌های سرمایه گذاری در فرایند نوسازی و بهسازی، نوع مشارکت ساکنین و قوانین و مقررات بازآفرینی محله نسبت به سایر پیشران‌ها در این محله از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و قادرند به طور موثری سیستم را کنترل کنند. خروجی سناریوهای سازگار، سناریوها را در دو گروه مطلوب با ۲۸۹ درصد سازگاری شامل: دسترسی تمام ساکنین به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی، توسعه کامل تجهیزات و زیرساخت‌های محله، توسعه میان‌افزا و رشد هوشمند در محله، ساماندهی شبکه معابر در تمامی ابعاد (ترافیکی، آسفالت و ...)، تخصیص بسته‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاری در فرایند نوسازی و بهسازی برای همه ساکنین، حکمروایی خوب شهری در طرح بازآفرینی محله، تدوین برنامه جامع بازآفرینی محله، ظرفیت‌سازی و نهاد سازی در تمامی ابعاد، نظارت بر اجرای کامل قوانین و مقررات بازآفرینی محله و به کارگیری مشاوران حرفه‌ای در

تدوین و اجرای طرح بازآفرینی محله و فاجعه با ۳۵۶ درصد سازگاری شامل: عدم توجه دسترسی به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی، عدم توسعه تجهیزات و زیرساخت‌های محله، پراکنده رویی و رشد بدون برنامه، عدم وجود بسته‌های تشویقی، برنامه ریزی از بالا به پایین، عدم تدوین برنامه جامع بازآفرینی، عدم ظرفیت‌سازی و نهادسازی، عدم نظارت بر اجرای قوانین و مقررات بازآفرینی محله و عدم اجرای طرح بازآفرینی دسته بندی کرده است.

نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد ایجاد فضاهای فرهنگی، فراغتی و ورزشی مانند احداث کتابخانه و پارک برای دسترسی تمامی ساکنین به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی، استفاده از زمین‌های بایر و سرمایه‌گذاری جهت ایجاد اماکن گردشگری و ایجاد مراکز تجاری و برندسازی در نزدیکی آرامگاه خواجه ربیع برای توسعه میان‌افزا و رشد هوشمند در محله، کفسازی باکیفیت پیاده‌روها با حمایت شهرداری برای ساماندهی شبکه معابر، حمایت بخش خصوصی و دولتی در ساخت‌وساز مسکن و اعطای وام به مردم و سرمایه‌گذاری جهت ایجاد مشاغل جدید در محله برای تخصیص بسته‌های تشویقی و نوسازی و بهسازی محله برای تمامی ساکنین، عدالت فضایی در رسیدگی به محله توسط شهرداری برای حکمروایی خوب شهری، جلب مشارکت سرمایه‌گذاران از طریق اعطای امتیازات تشویقی برای نوسازی محله جهت ظرفیت‌سازی و نهادسازی مهم‌ترین راهبردها جهت بازآفرینی محدوده خواجه ربیع خواهد بود.

مقدمه

بر اساس آنچه مطرح شد می‌توان گفت بازآفرینی شهری به‌عنوان محرک دستور کار پایداری از طریق ارتقای طراحی، مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و اجتماعی، سرمایه‌گذاری اقتصادی و تغییرات قانونی مطرح است. در این راستا در بازآفرینی شهری، مفاهیم پایداری، طراحی خوب، تراکم بالا، شهرهای فشرده و پر نشاط ارائه شده است. در این میان روش‌شناسی آینده شهری، توانایی ارائه بهترین عملکرد در مواجهه با شرایط در حال تغییر، تصمیماتی جهت پایداری با ارزیابی آن‌ها در سناریوهای متنوع و در عین حال قابل قبول مطرح می‌کند [۳]. سناریو‌ها ابزاری مناسب برای تصور آینده‌های نامعلوم هستند که به‌عنوان یکی از روش‌های برنامه‌ریزی انعطاف‌ناپذیر در زمینه مطالعات شهری رواج پیدا کرده‌اند و از روش‌های متداول جهت مقابله با عدم قطعیت‌ها در محیط هستند که به دلیل قابلیت به‌تصویر کشیدن آینده‌های محتمل از اهمیت بسیاری در نزد برنامه‌ریزان شهری برخوردارند [۱۰]. هم‌چنین روش‌های سناریو بر توسعه چشم‌اندازهایی در مورد آینده در زمینه تصمیم‌گیری‌های گروهی تمرکز دارد. سناریوها همانند فراهم‌آوردن ورودی برای تصمیم‌گیری، می‌توانند به‌عنوان روشی برای ایجاد ایده‌ها و مباحثات در مورد جایگزین‌ها و شیوه‌های عمل در گرو به کار گرفته شوند. استفاده از سناریوها، به‌خصوص در ارتباط با موقعیت‌های اضطراری است که در آن‌ها ایجاد روابط آشکار بین وقایع مشکل است [۱۱].

در این راستا شهر مشهد با جمعیت ۳٬۰۵۶۷۶۹ نفر در سال ۱۳۹۵ دومین شهر ایران پس از تهران است [۱۲]. که به جهت مهاجرت از سایر شهرها و روستاها از بافت‌های فرسوده بسیاری در محلات خود برخوردار می‌باشد. مسئله بازآفرینی شهری در شهر مشهد باتوجه به انفجار جمعیت شهری و چالش‌های حاصل از آن در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی زیست‌محیطی و آسیب‌های وارد بر برخی مناطق و محلات شهری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. محله خواجه ربیع در شهر مشهد یکی از محلاتی است که در دهه‌های اخیر با مسائلی مانند فقر، فرسایش فیزیکی و اجتماعی و کاهش سطح زندگی همراه بوده است در این محدوده علاوه بر آنکه قشر کم درآمد و کم‌برخوردار ساکن بوده که توان مالی مناسبی برای بهبود کیفیت زندگی خود را نداشته‌اند وجود یکی از مهم‌ترین آرامستان‌های شهر نیز در آن احتمال متروک شدن و کنترل کیفیت این بافت را در پی خواهد داشت، به همین دلیل اجرای یک برنامه جامع و پایدار برای بازآفرینی این محله به منظور بهبود کیفیت زندگی ساکنان ضروری می‌باشد. از این رو این پژوهش، با هدف ارائه سناریوهای بازآفرینی شهری در محله خواجه ربیع در شهر مشهد تا افق ۱۴۱۲ و تدوین راهبردهای تحقق بازآفرینی شهری در محله خواجه ربیع انجام شده است. و به دنبال پاسخ به این سؤالات است که سناریوهای پیش روی آینده محله خواجه ربیع چه خواهد بود؟ و راهبردهای تحقق بازآفرینی در محله خواجه ربیع چیست؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی مرتبط با موضوع موردنظر صورت گرفته است، از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: صفوری و همکاران در سال ۱۴۰۱ در پژوهشی با عنوان ارزیابی و شناخت پیشران‌های حیاتی مؤثر در بازآفرینی شهری بافت‌های فرسوده با رویکرد آینده‌پژوهی نمونه موردی: منطقه هشت تبریز ۷ نه عامل که عبارت‌اند از « معیار مدیریتی و نهادی، توسعه گردشگری شهری، مشارکت مردمی، ارتقا موقعیت و وضعیت بازار تبریز، مرمت آثار تاریخی، افزایش دسترسی و نفوذپذیری، جذب سرمایه‌گذاری، ارتقای هویت تاریخی و مدیریت ترافیک را به‌عنوان عوامل کلیدی جهت بازآفرینی منطقه هشت تبریز شناسایی کردند. در این بین توسعه گردشگری شهری بحرانی‌ترین وضعیت را جهت توسعه آینده بازآفرینی و ارتقا بازار تبریز، بهترین شرایط را در رابطه با وضعیت‌های محتمل داشته است [۱۳].

صفایی‌پور و حاجی‌پور در سال ۱۴۰۱ در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر بازآفرینی بافت‌های فرسوده کلان شهر اهواز با تجزیه و تحلیل میک مک و سناریو

رورد مدرنیسم به ایران و تحمیل آرایش فضایی جدید به بافت‌های تاریخی شهرهای کهن، پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان را مشکل کرده و از بین رفتن سرزندگی شهرهای ایران با حضور اقشار کم‌درآمد، عدم رسیدگی و فرسودگی را در پی داشته است. [۱] بافت‌های قدیمی و کهن شهرها بواسطه قدمت تاریخی و وجود عناصر با ارزش تاریخی، موقعیت ارتباطی مناسب، قرارگیری در راستای بازار اصلی شهر، جایگاه ارزشمندی در ساختار فضایی و کارکردی شهر داشته‌اند، در حالی که این بافت‌ها به مرور زمان مشکلاتی مانند ناهمخوانی کالبد و فعالیت، کمی سرانه کاربری‌های تفریحی و فضای سبز، همجواری کاربری‌های ناسازگار، کمبود فضاهای عمومی و فضاهای رها و متروک شده را به همراه داشته که منجر به آلودگی زیست‌محیطی و نا به سامانی کاربری زمین و جابه‌جایی‌های جمعیتی شده‌اند [۲].

در راستای مشکلات بافت‌های قدیمی شهر، توسعه مجدد شهری به‌عنوان راهکاری برای مقابله با مشکلات پوسیدگی شهری از جمله چالش‌های حمل‌ونقل ناکافی، تراکم ترافیک، کاربری بی‌رویه زمین، بهداشت نامناسب، کمبود آب بهداشتی و... باهدف بهبود جنبه‌های فیزیکی، اجتماعی - اقتصادی و اکولوژیکی مناطق شهری و ارائه اقدامات و سیاست‌ها در برنامه‌ریزی شهری مورد توجه واقع شده است. [۳] برای اجرا و پیشبرد توسعه مجدد شهری، مشارکت شهروندان به‌عنوان ابزاری برای حل مشکلات شهری قلمداد می‌شود که از یک‌طرف نفوذ ساکنان را در محله‌هایشان تقویت می‌کند و از طرف دیگر سبب رفع مشکلات محلات با آسیب‌شناسی و ارائه راه‌حل‌های مختلف می‌گردد [۴].

بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی برای توسعه مجدد شهری به دنبال بهبود عناصر اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی مناطق شهری با ارائه الگوهای متنوعی مانند بازسازی شهری، نوسازی شهری، بهسازی شهری برای دستیابی به توسعه پایدار شهری در نظام برنامه‌ریزی مطرح شده است [۵]. رویکرد بازآفرینی شهری یکی از جدیدترین رویکردهای توسعه شهری است که در استفاده بهینه از امکانات بلقوه درون شهری برای تأمین نیازهای جدید، احیای بافت قدیم و بازگرداندن حیات اجتماعی و رونق اقتصادی تلاش می‌کند با مشارکت مردمی با صرف کمترین بودجه، بیشترین قابلیت اجرا را دارا باشد. [۶] این نوع رویکرد را در نظام برنامه‌ریزی شهری می‌توان برنامه‌های اجتماع محور از پایین به بالا دانست که ذی‌نفعان مختلف در ارائه مشکلات و راه‌حل‌ها در آن نقش موثری داشته و با همکاری سازمان‌های محلی به بهبود همه جانبه و پایدار بافت‌های فرسوده می‌پردازند [۷]. از مهمترین نگرانی‌های بازآفرینی شهری تقویت رفاه شهروندان یک شهر است [۸] در این رویکرد حفظ ارزش‌های تاریخی و فرهنگی و حفظ بافت اجتماعی اهمیت بسزایی دارد [۹]. در واقع، این رویکرد نوعی فرآیند حل مسئله شهر را دنبال می‌کند که در آن هم نسل‌های حاضر و هم آینده برای دستیابی به استانداردهای کیفیت زندگی مدنظر قرار می‌گیرند که در نهایت منجر به حل نهایی مسائل شهری و دستیابی به توسعه پایدار می‌شود [۸] بافت فرسوده شهری به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تاسیسات و خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی پایینی برخوردار می‌باشند [۲]. بازآفرینی شهری نگرش و اقداماتی جامع و یکپارچه برای حل مشکلات شهری منطقه هدف است که در نهایت به یک پیشرفت پایداری اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیطی خواهد انجامید [۹]. از دیدگاه رابرتز، بازآفرینی شهری قصد دارد نیروها و عوامل مختلفی را که موجب انحطاط شهری می‌شوند را شناسایی کرده و پاسخ مثبت و پایداری فراهم آورد که به بهسازی دائمی کیفیت زندگی شهری بینجامد از این رو می‌توان گفت بازآفرینی شهری ابزار موثری برای ارتقا پایداری و تقویت کلان سطح کیفیت زندگی است [۲].

میان مدت تحریک کنند و تنها مداخلات بزرگ مقیاسی که به بهبود قلمرو عمومی متمرکز گردد می‌تواند منجر به افزایش قیمت مسکن شود؛ اما هیچ تأثیری بر سایر نتایج اقتصادی نداشته باشد [۱۹].

وانگ و همکاران در سال ۲۰۲۱ در پژوهشی با عنوان توسعه مجدد شهری مطالعه موردی در گوانگژو چین: به توصیف شهرهای چین که تخریب و نوسازی شهری را در مقیاسی بزرگ تجربه کرده اند پرداختند یافته های آنان نشان می دهد تخریب و جا به جایی شهری از طریق پویایی و توسعه مجدد و اصیل سازی آن ممکن است. آنان در پروژه های نوسازی محلات فرسوده شهرهای چین دریافته اند، در این محلات با وجود حفظ سبک مسکن سنتی، بسیاری از کاربری های مسکونی به دفاتر و مغازه ها، موزه ها و هتل هایی برای گردشگران تبدیل شده است [۲۰].

جین و روراچر در سال ۲۰۲۲ در پژوهشی با عنوان چالش نظارت و ارزیابی بر تغییرات تحول آفرین شهری به روشی آینده نگر و سیستماتیک، در یک مطالعه موردی توسعه مجدد سایت های شهری در دهلی را مورد بررسی قرار دادند و تحولاتی شامل شکل دادن به انتظارات ساکنان، دیدگاه های جدید، ایجاد شبکه های اجتماعی جدید، ایجاد فرایندهای یادگیری، همسویی نهادی و ایجاد شیوه های جدید را مطرح کردند [۲۱].

مجموعه مطالعات بررسی شده نشان می دهد، درباره جنبه های مختلف بازآفرینی بافت های فرسوده شهری با رویکرد سناریونویسی و آینده پژوهی در داخل و خارج از کشور به صورت کمی و کیفی مطالعاتی انجام شده است، با این وجود مطالعه ای در خصوص بازآفرینی محله خواجه ربیع در شهر مشهد که علاوه بر قدمت آن دارای رویکردی تاریخی و گردشگری است انجام نشده است؛ از این رو پژوهش حاضر تلاش دارد تا سناریوهای پیشروی آینده محله خواجه ربیع و راهبردهای تحقق بازآفرینی در این محله را مورد بررسی قرار دهد.

■ مواد و روش روش تحقیق

متناسب با اهداف پژوهش و ماهیت موضوع، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر انجام مطالعات اسنادی و کتابخانه ای است. بدین منظور، در بخش مبانی نظری، متغیرهای پژوهش جمع آوری و با روش تحلیل ساختاری (در این روش تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرهای پژوهش با توجه به طیف امتیازبندی ۰ تا ۳ که ۰ به منزله بدون تأثیر، یک به منزله تأثیر ضعیف، دو به منزله تأثیر متوسط، سه به منزله تأثیر زیاد و ۳ به معنای اثرگذاری مستقیم و غیر مستقیم به صورت بالقوه هستند) رتبه بندی شدند. پس از آن، جامعه آماری از گروه نخبگان به حجم نمونه ۲۰ نفر از میان کارشناسان شهرسازی، شهرداری منطقه سه، اساتید دانشگاه و دانشجویان دکترا انتخاب گردیدند و با نظر سنجی های صورت گرفته در قالب پرسشنامه ماتریس اثرات متقاطع، متغیرهای تأثیر گذار در میک مک شناسایی و پیشران های کلیدی از بین متغیرهای با اثرگذاری و عدم قطعیت بالا انتخاب شدند. در گام بعد، با مصاحبه های انجام شده با کارشناسان دفتر تسهیل گری ۲۲ بهمن در مشهد به تعداد ۱۰ نفر، حالت های احتمالی پیشران های کلیدی و وضع موجود شناسایی و با استفاده از روش تحلیل تأثیر متقابل در سناریو و بیزارد، سناریوهای سازگار تعیین گشت. در نهایت با شناسایی نقاط قوت و ضعف و فرصت و تهدید که وضعیت موجود را نشان می دهند و سناریوهای حاصل شده، با استفاده از مدل SWOT به تعیین راهبردهای تحقق سناریو مطلوب و کنترل سناریو فاجعه پرداخته شد. در جدول (۱) ابعاد و متغیرهای پژوهش آورده شده است.

ویزارد، عوامل کلیدی و سناریوها را مشخص کرده و نتایج نشان داده است که متغیرهای حفظ هویت کالبدی، ارائه تسهیلات و خدمات و ارتقاء و توسعه بهره وری اراضی شهری بیشترین تأثیرگذاری بر بافت های فرسوده را به دنبال دارد علاوه بر این بازآفرینی شهر اهواز در وضعیت بحرانی قرار داشته و احتمال ساماندهی بافت های فرسوده شهری کم بوده و نیازمند توجه جدی برنامه ریزان و مدیران شهری می باشد [۱۰].

پورا احمد و همکاران در سال ۱۳۹۶ در پژوهشی با عنوان بازآفرینی پایدار بافت های ناکارآمدی شهری مورد مطالعه منطقه ۱۰ شهر تهران به ارزیابی راهبردهای بازآفرینی بافت ناکارآمد پرداخته است. این پژوهش با شناسایی عوامل مؤثر بر ناکارآمدی بافت های شهری و ارزیابی میزان پایداری به ارائه راهبردهایی ناپایداری با استفاده از تکنیک QSPM-SWOT پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که این منطقه در مرحله اول از لحاظ اقتصادی و در مرحله بعد از لحاظ اجتماعی و زیست محیطی ناپایداری می باشد. نتیجه نهایی این تحقیق بیانگر آن است که رویکرد متاخر بازآفرینی شهری پایدار با راهبرد بازآفرینی اقتصادمدار و بازآفرینی اجتماع مبناء (به خاطر جهان بینی یکپارچه و تعامل گرایی که دارد) می تواند نسخه بهینه ای برای مداخله در این بافت ها باشند [۱۴].

خاکپور در سال ۱۳۹۴ در پژوهشی با عنوان برنامه ریزی راهبردی سناریویی بافت های ناکارآمد شهری بر اساس رویکرد بازآفرینی شهری پایدار به این نتایج دست یافت که تدوین و ارائه یک فرآیند تلفیقی از برنامه ریزی راهبردی، رویکردی پابرجا به منظور بازآفرینی پایدار بافت های ناکارآمد شهری است. همچنین دریافت برنامه ریزی راهبردی می تواند از مشارکت مردم در ساماندهی و بهسازی بافت های فرسوده بهره گیرد [۱۵].

موحد و همکاران در سال ۱۳۹۲ در پژوهشی با عنوان رهیافت بازآفرینی پایدار شهری در محلات حاشیه نشین به این نتایج دست یافتند که پایین بودن امنیت، درصد بالای بی سواد، تراکم جمعیت و منجر به ناپایداری اجتماعی و فرهنگی در چنین محلاتی شده است و نرخ بالای بیکاری، سطح پایین درآمد، اشتغال افراد به مشاغل سطح پایین از عوامل عمده ناپایداری اقتصادی محلات را در برداشته است از این رو به کارگیری راهبردهای بازآفرینی در محلات حاشیه نشین را ضروری دانسته و بر راهبردهای تدافعی تأکید بیشتری داشته است [۱۶].

در پژوهش های خارجی، پژوهش لی و همکاران در سال ۲۰۲۳ با عنوان بسیج سیاسی و لایه بندی نهادی در بازآفرینی شهری، دگرگونی مدیریت توسعه مجدد زمین در چین را از طریق درجه نهادگرایی تاریخی، ساخت و اجرای سیاست های بازآفرینی شهری جدید شانگهای از سال ۲۰۱۴ مورد بررسی و تحلیل قرار دادند، نتایج پژوهش آن ها نشان داد که روش توسعه مجدد تشویق شده با حمایت مالی دولت برای نهادهای بازار و منطقه به صورت از بالا به پایین بوده است و توزیع قدرت در حاکمیت توسعه زمین یک فرآیند اجتناب ناپذیر است. [۱۷].

سکیک و همکاران در سال ۲۰۲۴ در پژوهشی با عنوان تأملاتی در مورد دلبستگی به مکان: ادراکات توسعه مجدد شهری در محله های غیررسمی استانبول به این نتایج دست یافتند که پیوندهای اجتماعی و فیزیکی افراد با محله هایشان و نوع مشارکت در توسعه مجدد شهری، در بازآفرینی و ارتقای هویت آن مکان مؤثر بوده است. [۱۸].

آلبانسه و همکاران در سال ۲۰۲۱ در پژوهشی با عنوان اثرات موضعی سیاست های بازآفرینی شهری در ایتالیا به این نتایج دست یافتند که پروژه های بازآفرینی شهری می توانند رشد اقتصادی محلی را در کوتاه مدت و

جدول ۱: ابعاد و متغیرهای بازآفرینی محله خواجه ربیع در شهر مشهد

منابع	علائم	متغیرها	شاخص	ابعاد	ردیف
بختیاری و همکاران، ۱۳۹۹	A1	دسترسی به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی	A	اجتماعی	۱
	A2	سرمایه اجتماعی			
	A3	مشارکت‌های مردمی			
	A4	امنیت ساکنین			
	A5	تاب‌آوری و توانمندسازی اجتماعی			
صفایی‌پور و حاجی‌پور، ۱۴۰۱	B1	هویت کالبدی و ارتقای حس تعلق به مکان	B	کالبدی	۲
	B2	تجهیزات و زیرساخت‌ها			
	B3	دسترسی‌ها در واحد همسایگی			
	B4	نوع توسعه			
	B5	زیباسازی و میلمان شهری			
	B6	شبکه معابر			
	B7	کیفیت مصالح ساختمانی			
	B8	نوع مسکن			
صفوری و همکاران، ۱۴۰۱	C1	سرانه فضای سبز	C	زیست‌محیطی	۳
	C2	وضعیت جمع‌آوری پسماند و دفع فاضلاب			
	C3	مدیریت ترافیک و کاهش آلودگی هوا			
توپچی و همکاران، ۱۴۰۱	D1	کارآفرینی محلی	D	اقتصادی	۴
	D2	سرمایه‌گذاری در فرایند نوسازی و بهسازی			
	D3	مهارت نیروی کار محلی			
ویسی و همکاران، ۱۳۹۹	E1	نوع مدیریت	E	مدیریتی	۵
	E2	نوع برنامه‌ریزی			
	E3	ظرفیت‌سازی و نهادسازی			
	E4	قوانین و مقررات بازآفرینی محله			
	E5	اجرای پروژه			

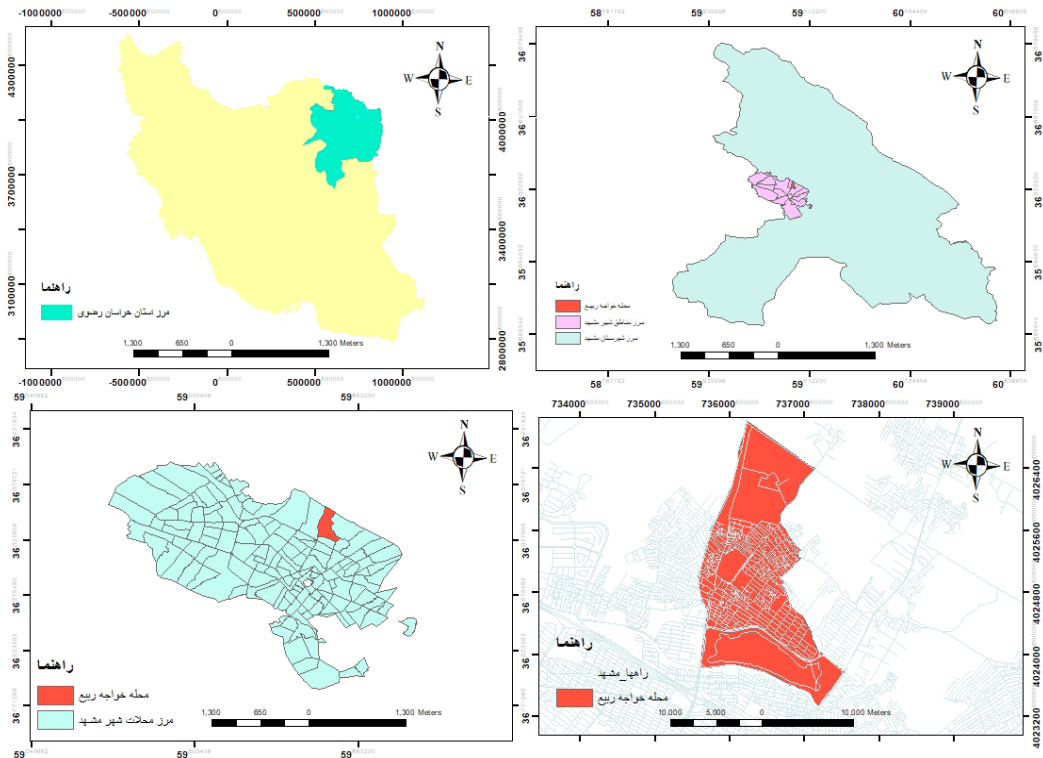
مکتب روندهای احتمالی تعدیل شده

قدیمی‌ترین و بااصالت‌ترین محله‌های شهر شناخته می‌شود. [۲۶] محله خواجه ربیع به دلیل عدم توجه کافی و نبود رسیدگی به آن به یک سکونتگاه غیررسمی تبدیل شده است که با معنادار و سارقان بسیاری روبه‌رو می‌باشد. از نظر ویژگی اجتماعی و فرهنگی، از وضعیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشد به گونه‌ای که در این محله مدارسی ساخته شده که به دانش‌آموزان بومی اختصاص ندارد و افراد محله در فرهنگ پایین به دور از آموزش و پرورش صحیحی قرار گرفته‌اند، هم‌چنین در این محله، مشکلات زیست‌محیطی و کمبود امکانات تفریحی و ورزشی وجود دارند. به لحاظ سیر تاریخی شهر، این محله تا سال ۱۳۵۵ جزء محدوده‌های شهری محسوب نمی‌شده و پس از آن به تدریج وارد بافت شهری شده است. شکل (۱) موقعیت محله خواجه ربیع را در شهر مشهد نشان می‌دهد. این محدوده از شمال به کشف رود، از شرق به محله سیس‌آباد، از جنوب به محله کوی‌بالل، از غرب به محله بهمن محدوده می‌شود.

اگرچه در سناریونویسی روش‌های تحلیل تأثیر روند و تحلیل تأثیر متقابل تکنیک‌های مستقلی هستند اما پایه‌های یکسانی دارند که در بهبود ریاضی داده‌های سری زمانی برون‌یابی شده مستقر هستند. از این نظر این دو تکنیک باید به عنوان یک گروه منسجم از تکنیک‌ها در نظر گرفته شوند که برای راحتی نویسندگان، روش شناسی روندهای احتمالی تعدیل شده نامیده می‌شوند. سناریوسازی با این روش چندین مرحله دارد. در مرحله اول استدلال روابط علی و وابستگی بین متغیرها شناسایی شده و در مرحله دوم به تجزیه و تحلیل ساختاری از طریق استفاده از Micmac پرداخته شده که دارای اهداف: کاهش پیچیدگی سیستم و شناسایی متغیرهای کلیدی است. در مرحله سوم تحولات احتمالی متغیرهای کلیدی از طریق مصاحبه با کارشناسان شناسایی شده و در مرحله چهارم با روش تحلیل تأثیر متقابل با استفاده از Scenario Wizard سناریوهای مختلف ارائه شده است [۲۵]

محدوده مورد مطالعه

محله خواجه ربیع در شمال شرقی شهر مشهد در منطقه سه واقع شده است که حدود ۲ درصد از مساحت شهر مشهد را به خود اختصاص داده است. این محله از بافت سکونتگاهی غیر پایدار برخوردار است و به عنوان یکی از



شکل ۱: موقعیت محله خواجه ربیع در شهر مشهد

و زیست محیطی برای شناسایی نقاط قوت و ضعف و فرصت و تهدید از سند توسعه باز آفرینی محلات حاشیه منطقه سه مشهد استخراج و در جدول (۲) آورده شده است.

یافته های پژوهش
وضع موجود

وضع موجود محله خواجه ربیع در ابعاد کالبدی، عملکردی، اقتصادی، اجتماعی

جدول ۲: وضع موجود محله خواجه ربیع در قالب مدل SWOT، بر اساس سند توسعه محلات منطقه ۳ شهرداری مشهد

تهدید	فرصت	ضعف	قوت	ابعاد
تهدیدهای ناشی از قدیمی بودن طرح‌های فرادست احتمال افزایش ساخت‌وسازهای غیررسمی و ساخت‌وسازهای شبانه احتمال افزایش سطح بالای خسارت مالی و جانی در زمان وقوع بحران کاهش جذابیت منظر بافت به دلیل فرسودگی روزافزون	سهام بالای اراضی بایر امکان ایجاد فضایی متناسب با نیازمندی امکان ایجاد عرصه‌های عمومی در زمین‌های رها شده	سهام بالایی قطعات ریزدانه و فرسوده کمبود فضاهای عمومی و اجتماعی سهام پایین فضای پیاده نسبت به فضای سواره وجود الگوی پراکنده‌رویی در قطعات نوسازی شده سهام بالایی ساختمان‌های متصل نشده به سیستم فاضلاب شهری (اکو) کیفیت نامناسب کفسازی پیاده‌روها وجود اراضی رها شده و ساختمان‌های متروکه عدم وجود المان‌های هویت‌بخش اعتشاش بصری ناشی از به کار بردن مصالح نامناسب وجود قبرستان در میان بافت مسکونی محله	شعاع خدمات‌رسانی مطلوب مذهبی شعاع خدمات‌رسانی مطلوب آموزشی	کالبدی
تهدیدهای ناشی از مقررات محدودکننده کاربری زمین (تراکم کم و ...)	پیش‌بینی کاربری فرهنگی و گردشگری	کمبود خدمات بهداشتی - درمانی کمبود خدمات آموزشی کمبود خدمات فرهنگی پایین بودن سرانه فضای سبز سرانه پایین زیربنای مسکونی نبود مکانی به نام مرکز محله سهام بالایی کاربری‌های ناسازگار در میان بافت مسکونی کمبود خدمات ورزشی	وجود رسته‌های تجاری تأمین‌کننده نیازهای روزمره مردم سرانه مناسب کاربری مذهبی	عملکردی

تهدید	فرصت	ضعف	قوت	ابعاد
		وجود آلودگی صوتی رهاشدن زباله‌های تر و خشک در فضاهای عمومی دفع نامناسب آب‌های سطحی در برخی از معابر محلی کمبود سطل زباله عدم نظافت فضای محله توسط مأموران شهرداری	سهیم بالای سرانه باغ و اراضی کشاورزی	زیست‌محیطی
نبود فرصت‌های آموزشی برابر، باکیفیت، فراگیر و رایگان برای کودکان و نوجوانان بی‌توجهی به ظرفیت‌های گردشگری محله بی‌عدالتی و دیده‌نشدن توسط دستگاه‌های دولتی به‌ویژه شهرداری	عزم NGOها برای رسیدگی به امور حاشیه شهر	احساس عدم امنیت درون محله حس تعلق ضعیف به محله در میان ساکنین جدید و مهاجرین به محله شکاف جنسیتی بالا دسترسی آسان به مواد مخدر سواد غیرفعال بخش بزرگی از افراد جامعه محلی به‌ویژه زنان ناآگاهی از حقوق شهروندی عدم مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی	ارتباطات قوی میان فردی و روابط همسایگی همبستگی اجتماعی در میان میان‌سالان محله حس تعلق قوی به محله در میان ساکنین قدیمی گوناگونی تنوع مهارت‌های اشتغال ساکنین	اجتماعی
تهدید بهره‌وری پایین نیروی کار نرخ بازدهی پایین سرمایه‌گذاری در بازار مسکن تهدید پایین بودن سطح دستمزد نسبت به قیمت‌ها (دستمزد واقعی)	امکان استفاده از امکانات میدان بار ولی عصر در راستای اشتغال‌زایی امکان سرمایه‌گذاری آستان قدس در اراضی با مالکیت آستان نزدیکی به منطقه گردشگری سپاه و الماس شرق وجود کارگاه‌ها و شهرک‌های صنعتی در مجاورت محله	عدم وجود الگوی اشتغال پایدار در محله بیکاری بالا یا اشتغال به مشاغل کاذب عدم توانایی در مدیریت منابع عدم الگوی مناسب تأمین مالی برای حمایت از کسب‌وکار عدم استطاعت مالی تهیه مسکن مناسب عدم تمکن مالی در نوسازی مسکن عدم تمایل به سرمایه‌گذاری در نوسازی	تنوع در مشاغل خانگی قیمت پایین اراضی	اقتصادی

اند. با توجه به شکل (۲) که نقشه اثر-وابستگی مستقیم متغیرها می باشد، می توان بیان کرد که پراکنش متغیرها حوالی خط قطری شمال شرقی به جنوب غربی می باشد و متغیرها بیشتر از نوع دووجهی و تأثیرپذیر می باشند. بنابراین سیستم بازآفرینی محله خواجه ربیع در شهر مشهد ناپایدار است.

تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرهای اولیه

در تجزیه و تحلیل میک مک شاخص پراکنش متغیرها می بین آن است که داده‌ها بعد از دو بار چرخش در ماتریس 24×24 ، روایی ۷۴٪ را داشته و صحت اطلاعات مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین داده‌ها تأثیرگذاری بالایی بر یکدیگر داشته

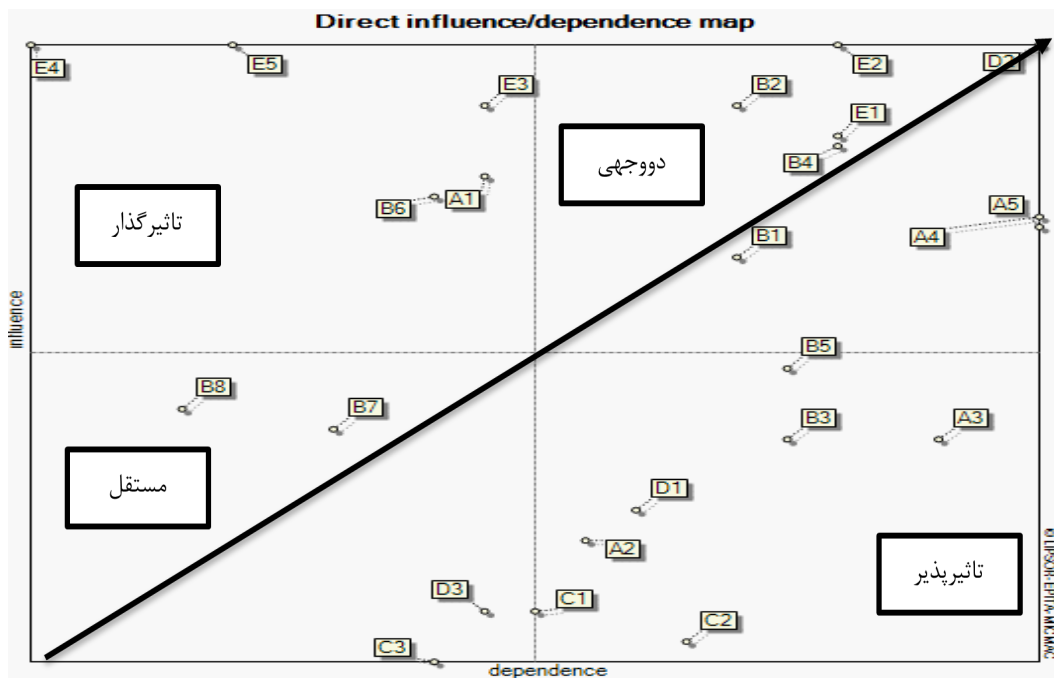
جدول ۳: تأثیرگذاری-تأثیرپذیری مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای باز آفرینی شهری محله خواجه ربیع

کد متغیرها	نوع متغیر	طریقه بندی مستقیم		طریقه بندی غیر مستقیم	
		تأثیرگذاری	تأثیرپذیری	تأثیرگذاری	تأثیرپذیری
A1	تأثیرگذار	۵۶	۴۰	۱۰۲۴۵۹	۷۴۹۳۶
A2	تأثیرپذیر	۲۰	۴۲	۴۰۲۵۱	۷۷۹۷۲
A3	تأثیرپذیر	۳۰	۴۹	۵۸۷۶۷	۹۱۴۴۲
A4	هدف	۵۲	۵۱	۱۰۰۸۰۸	۹۴۵۳۸
A5	هدف	۵۱	۵۱	۸۱۹۲۴	۹۴۰۵۳
B1	هدف	۴۸	۴۵	۸۳۹۱۸	۸۳۵۷۲
B2	ریسک	۶۳	۴۵	۱۱۵۸۸۶	۸۴۲۸۱
B3	تأثیرپذیر	۳۰	۴۶	۶۲۱۹۰	۸۵۴۸۹
B4	ریسک	۵۹	۴۷	۱۰۷۲۶۵	۸۶۲۱۲
B5	تأثیرپذیر	۳۷	۴۶	۶۵۸۴۵	۸۵۲۵۶
B6	تأثیرگذار	۵۴	۳۹	۱۰۶۷۴۸	۷۳۳۹۸
B7	اهرمی ثانویه	۳۱	۳۷	۵۸۴۹۳	۶۸۲۴۰
B8	اهرمی ثانویه	۲۳	۳۴	۶۳۷۴۲	۶۳۰۷۲
C1	تأثیرپذیر	۱۳	۴۱	۲۷۸۷۵	۷۶۹۷۶

کد متغیرها	نوع متغیر	طبقه بندی مستقیم		طبقه بندی غیر مستقیم	
		تأثیر پذیری	تأثیر گذاری	تأثیر پذیری	تأثیر گذاری
C2	تأثیر پذیر	۱۰	۴۴	۲۱۷۵۵	۸۱۵۲۷
C3	گسسته	۸	۳۹	۱۴۳۹۴	۷۴۰۸۷
D1	تأثیر پذیر	۲۳	۴۳	۴۶۴۰۶	۷۹۶۹۲
D2	ریسک	۶۹	۵۱	۱۲۴۷۸۵	۹۳۹۵۳
D3	گسسته	۱۳	۴۰	۲۹۱۰۹	۷۵۸۵۳
E1	ریسک	۶۰	۴۷	۱۰۹۵۰۳	۸۷۳۷۲
E2	ریسک	۶۹	۴۷	۱۲۴۷۸۵	۸۷۶۴۴
E3	تأثیر گذار	۶۳	۴۰	۱۱۵۷۴۲	۷۵۳۵۶
E4	تأثیر گذار	۶۹	۳۱	۱۲۴۷۸۵	۵۹۱۷۹
E5	تأثیر گذار	۶۹	۳۵	۱۲۴۷۸۵	۶۵۱۲۰

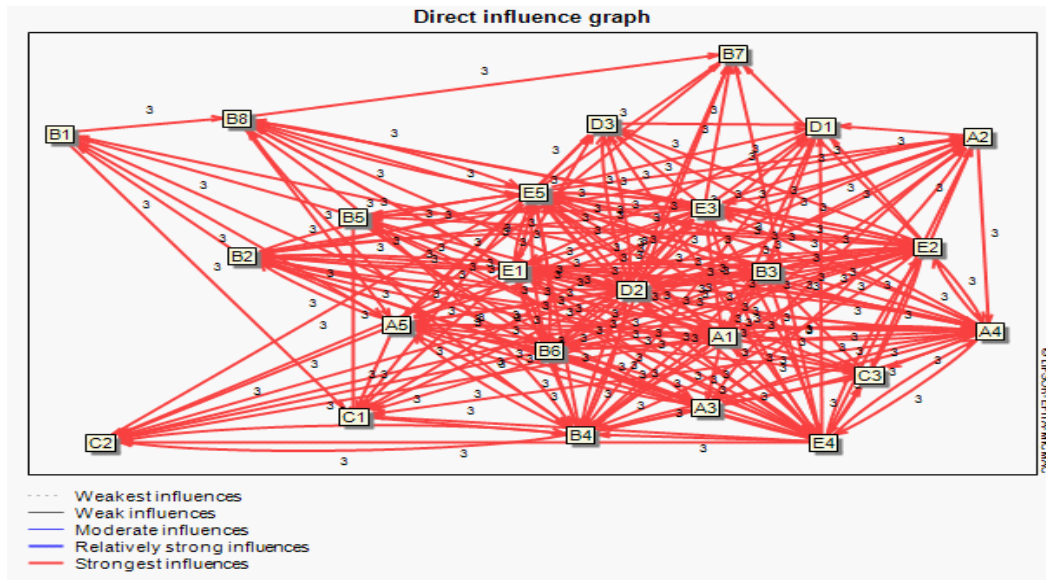
باتوجه به جدول (۳) در اثر وابستگی مستقیم متغیرها، می توان بیان داشت، متغیرهای قوانین و مقررات بازآفرینی محله (E4) با امتیاز ۶۹ در تأثیر گذاری، اجرای پروژه (E5)، با امتیاز ۶۹ در تأثیر گذاری، ظرفیت سازی و نهادسازی (E3) با امتیاز ۶۳ در تأثیر گذاری، دسترسی به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی (A1) با امتیاز ۵۶ و شبکه معابر (B6) با امتیاز ۵۴ به عنوان متغیرهای تأثیر گذار شناسایی شدند، هم چنین طبق شکل (۳) این متغیرها در محدوده متغیرهای ناحیه دوم (تأثیر گذار) قرار دارند. این متغیرها می توانند به متغیرهای کلیدی تبدیل شوند و سیستم را به سوی پایداری هدایت کنند. متغیرهای نوع برنامه ریزی (E2) با امتیاز ۶۹ در تأثیر گذاری و امتیاز ۴۷ در تأثیر پذیری، سرمایه گذاری در فرایند نوسازی و بهسازی (D2) با امتیاز ۶۹ در تأثیر گذاری و ۵۱ تأثیر پذیری، نوع مدیریت (E1) با امتیاز ۶۰ در تأثیر گذاری و ۴۷ در تأثیر پذیری،

تجهیزات و زیرساخت های محله با امتیاز ۶۳ در تأثیر گذاری و ۴۵ در تأثیر پذیری، پذیرش، نوع توسعه (B4) با امتیاز ۵۹ در تأثیر گذاری و ۴۷ در تأثیر پذیری دارای اثر وابستگی بالایی هستند و طبق شکل (۳) در محدوده متغیرهای ناحیه اول (دووجهی از نوع ریسک) قرار دارند و می توانند به متغیرهای کلیدی تبدیل شوند. متغیرهای زیباسازی و مبلمان شهری (B5) با امتیاز ۳۷، دسترسی ها در واحد همسایگی با امتیاز ۳۰، سرانه فضای سبز (C1) با امتیاز ۱۳ و وضعیت جمع آوری پسماند و دفع فاضلاب (C2) با امتیاز ۱۰ دارای تأثیر پذیری اند و طبق شکل (۳) در محدوده متغیرهای چهارم (تأثیر پذیر) واقع شدند که وضعیت فاجعه سیستم را نشان می دهد. سایر متغیرها شامل دووجهی از نوع هدف در ناحیه دوم و اهرمی ثانویه و گسسته از نوع مستقل در ناحیه سوم نقشی مهمی در سیستم ندارند.



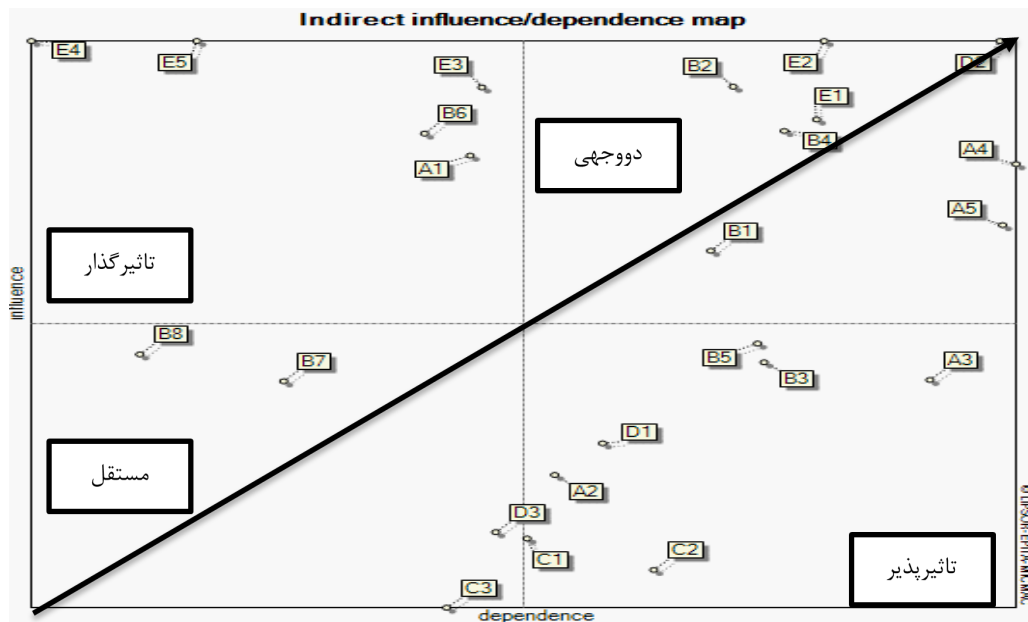
شکل ۲: نقشه اثر-وابستگی مستقیم متغیرهای بازآفرینی محله خواجه ربیع

مطابق شکل (۳) در اثر وابستگی مستقیم متغیرها، متغیر تشویق سرمایه گذاری در فرایند نوسازی و بهسازی (D2) که در مرکز گراف واقع شده، همزمان دارای تاثیرگذاری-تاثیرپذیری بالایی بر سایر متغیرها می باشد. هم چنین اعداد ۳ و خطوط قرمز مبین تاثیرگذاری بالای متغیرها بر یکدیگر می باشند.



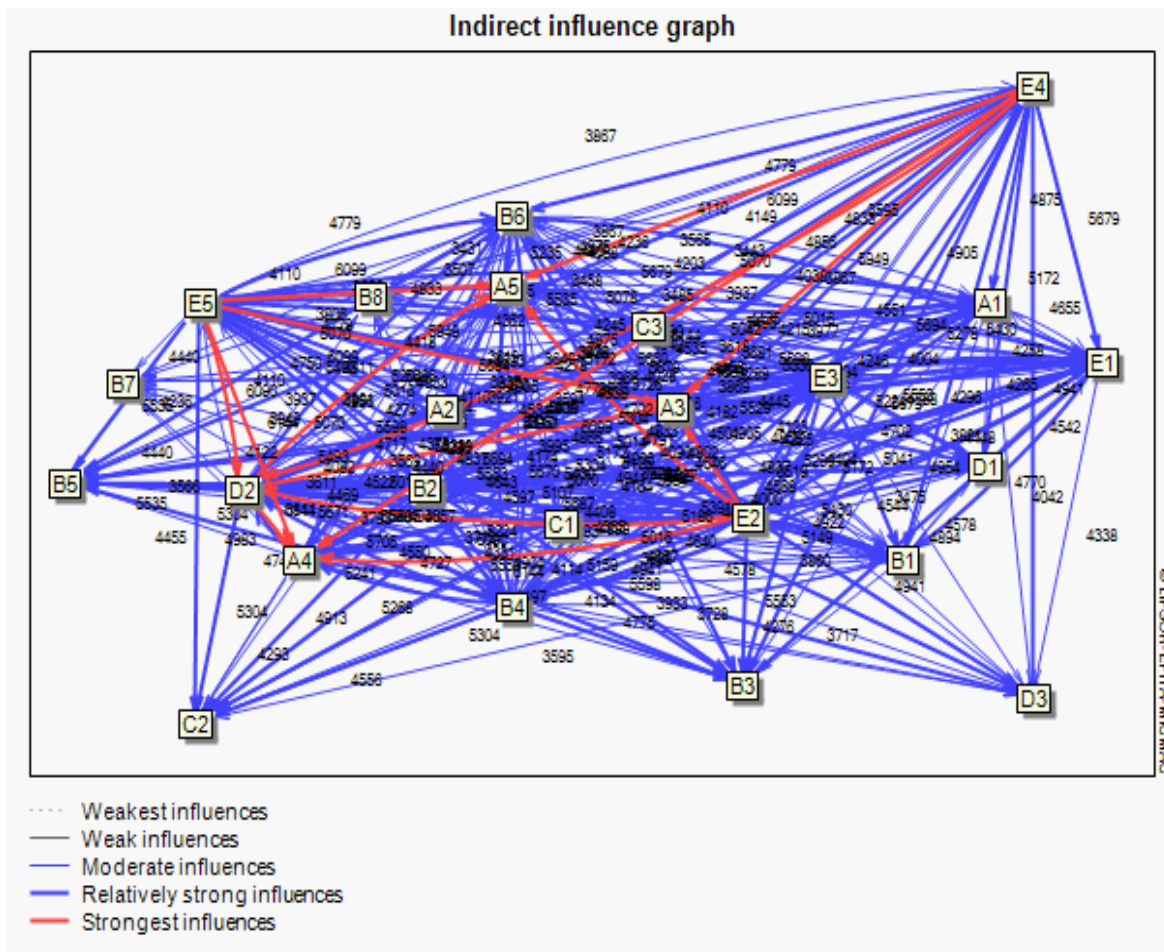
شکل ۳: گراف اثر-وابستگی مستقیم متغیرهای بازآفرینی محله خواجه ربیع

در شکل (۴) با به توان ۲ و ۴ و ۶ رساندن متغیرها، نقشه اثر-وابستگی غیر مستقیم متغیرها آورده شده است که با شکل (۲) در نقشه اثر-وابستگی مستقیم متغیرها تفاوتی ندارد و جایگاه متغیرها در سیستم تغییری نکرده است. بنابراین



شکل ۴: نقشه اثر-وابستگی غیر مستقیم متغیرهای بازآفرینی محله خواجه ربیع

در شکل (۵) متغیر جلب مشارکت های مردمی در بهبود وضعیت محله (A3) می باشد و خطوط آبی نشان دهنده تاثیر نسبتا بالای متغیرها بر یکدیگر می باشند. دارای اثر-وابستگی بالایی بر سایر متغیرها



شکل ۵: گراف اثر-وابستگی غیر مستقیم متغیرهای بازآفرینی محله خواجه ربیع

پیشران ها و وضعیت های محتمل
پیشران های کلیدی از بین متغیرهای ناحیه اول و دوم در سیستم اثر - وابستگی مستقیم متغیرهای بازآفرینی شهری محله خواجه ربیع در شهر مشهد که به ترتیب جزو متغیرهای تأثیرگذار و ریسک هستند، انتخاب شده است. این متغیرها که در جدول (۴) به عنوان پیشران ها به همراه وضعیت های محتمل آن ها تا افاق ۱۴۱۲ آمده اند، دارای تأثیرگذاری و عدم قطعیت بالا بوده اند.

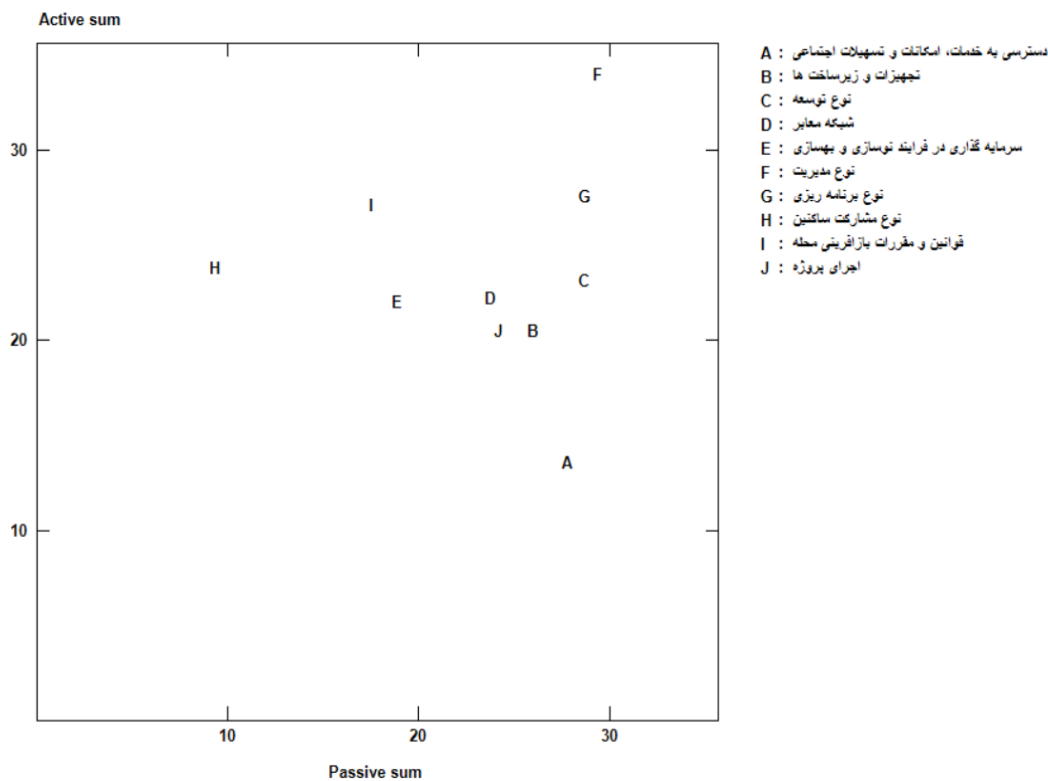
جدول ۴: پیشران ها و وضعیت های محتمل بازآفرینی شهری محله خواجه ربیع تا افاق ۱۴۱۲، بر اساس مصاحبه های نیمه ساختار یافته

پیشران ها	وضعیت های مطلوب	وضعیت های موجود	وضعیت های فاجعه
دسترسی به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی	دسترسی تمام ساکنین به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی	دسترسی برخی از ساکنین به امکانات و تسهیلات اجتماعی	عدم توجه دسترسی به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی
تجهیزات و زیرساخت ها	توسعه کامل تجهیزات و زیرساخت های محله	توسعه تجهیزات در برخی قسمت های محله	عدم توسعه تجهیزات و زیرساخت های محله
نوع توسعه	توسعه میان افزا و رشد هوشمند در محله	توسعه میان افزا در برخی قسمت های محله	پراکنده رویی و رشد بدون برنامه
شبکه معابر	ساماندهی شبکه معابر در تمامی ابعاد (ترافیکی، آسفالت و...)	ساماندهی برخی معابر	عدم توجه به وضعیت شبکه معابر
سرمایه گذاری در فرایند نوسازی و بهسازی	تخصیص بسته های تشویقی برای سرمایه گذاری در فرایند نوسازی و بهسازی برای همه ساکنین	تخصیص بسته های تشویقی برای سرمایه گذاری در فرایند نوسازی و بهسازی برای برخی ساکنین	عدم وجود بسته های تشویقی
نوع مدیریت	حکمرانی خوب شهری در طرح بازآفرینی محله	جلب مشارکت ساکنین در برخی از پروژه ها	برنامه ریزی از بالا به پایین

وضعیت‌های فاجعه	وضعیت‌های موجود	وضعیت‌های مطلوب	پیشران‌ها
عدم تدوین برنامه جامع بازآفرینی	تدوین برنامه‌های موضوعی و موضعی	تدوین برنامه جامع بازآفرینی محله	نوع برنامه‌ریزی
عدم ظرفیت‌سازی و نهادسازی	ظرفیت‌سازی و نهادسازی در برخی ابعاد	ظرفیت‌سازی و نهادسازی در تمامی ابعاد	نوع مشارکت ساکنین
عدم نظارت بر اجرای قوانین و مقررات بازآفرینی محله	نظارت بر اجرای برخی قوانین و مقررات در محله	نظارت بر اجرای کامل قوانین و مقررات بازآفرینی محله	قوانین و مقررات بازآفرینی محله
عدم اجرای طرح بازآفرینی	عدم توجه به سابقه مشاوران مجری طرح	به‌کارگیری مشاوران حرفه‌ای در تدوین و اجرای طرح بازآفرینی محله	اجرای پروژه

هایی که در سمت راست-پایین قرار دارند، وابسته هستند و از سایر پیشران‌ها تبعیت می‌کنند و تاثیری در سیستم ندارند؛ مانند (دسترسی به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی). پیشران‌هایی که در سمت بالا-راست قرار گرفتند، تاثیر شدیدی بر سیستم گذاشته و تاثیر شدیدی می‌پذیرند و با ظهور بلقوه رفتار پیچیده سیستم مرتبط هستند؛ مانند: (تجهیزات و زیرساخت‌ها، نوع توسعه، شبکه معابر، نوع مدیریت، نوع برنامه ریزی و اجرای پروژه).

پراکنش پیشران‌ها بر اساس ظرفیت انفعال-فعالیت
در شکل (۶) دیاگرام پیشران‌های کلیدی با حروف مخفف آورده شده است. جایگاه هر یک از پیشران‌ها در سیستم بازآفرینی شهری محله خواجه ربیع نشان دهنده میزان تاثیرگذاری-تاثیرپذیری آن‌ها می‌باشد. در محاسبه شبکه سیستم، پیشران‌هایی که در سمت بالا-چپ قرار گرفته‌اند، می‌توانند به طور موثری سیستم را کنترل کنند؛ مانند (سرمایه‌گذاری در فرایند نوسازی و بهسازی، نوع مشارکت ساکنین و قوانین و مقررات بازآفرینی محله). پیشران



شکل ۶: دیاگرام شبکه سیستم بازآفرینی شهری محله خواجه ربیع

سناریو مطلوب با ارزش ۳ و جمع تاثیرات سازگاری ۲۸۹ شامل: دسترسی تمام ساکنین به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی، توسعه کامل تجهیزات و زیرساخت‌های محله، توسعه میان‌افزا و رشد هوشمند در محله، ساماندهی شبکه معابر در تمامی ابعاد (ترافیکی، آسفالت و ...)، تخصیص بسته‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاری در فرایند نوسازی و بهسازی برای همه ساکنین، حکمروایی خوب شهری در طرح بازآفرینی محله، تدوین برنامه جامع بازآفرینی محله، ظرفیت‌سازی و نهادسازی در تمامی ابعاد، نظارت بر اجرای کامل

ترکیب دو سناریو با سازگاری بالا
در این قسمت پیشران‌ها و حالت‌های احتمالی آن‌ها وارد سناریو ویزارد شده و نمره‌گذاری به تاثیرات متقابل حالت‌های ممکن بین طیف ۳- تا ۳+ با توجه به شدت و ضعف اثرات تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده بر روی همدیگر انجام شده است. سپس استانداردسازی داده‌های مربوطه انجام گرفته و ارزیابی درونی تاثیرات متوازن سناریو صورت گرفته است. در نهایت سناریوهای سازگار در دو دسته سناریوهای مطلوب و فاجعه به دست آمده است. سناریو یک:

رویی و رشد بدون برنامه، عدم وجود بسته های تشویقی، برنامه ریزی از بالا به پایین، عدم تدوین برنامه جامع بازآفرینی، عدم ظرفیت سازی و نهادسازی، عدم نظارت بر اجرای قوانین و مقررات بازآفرینی محله و عدم اجرای طرح بازآفرینی می باشد.

قوانین و مقررات بازآفرینی محله و به کارگیری مشاوران حرفه ای در تدوین و اجرای طرح بازآفرینی محله می باشد. سناریو دو: سناریو فاجعه با ارزش ۲۱ و جمع تاثیرات سازگاری ۳۵۶ شامل: عدم توجه دسترسی به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی، عدم توسعه تجهیزات و زیرساخت های محله، پراکنده

جدول ۵: سناریوهای بازآفرینی محله خواجه ربیع در شهر مشهد

سناریو ۱ (سناریو های مطلوب)	سناریو ۲ (سناریوهای فاجعه)
دسترسی تمامی ساکنین به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی	عدم توجه دسترسی به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی
توسعه کامل تجهیزات و زیرساخت های محله	نیبود توسعه تجهیزات و زیرساخت های محله
توسعه میان افزا و رشد هوشمند در محله	پراکنده رویی و رشد بدون برنامه
ساماندهی شبکه معابر در تمامی ابعاد (ترافیکی، آسفالت)	فقدان توجه به وضعیت شبکه معابر
تخصیص بسته های تشویقی سرمایه گذاری در نوسازی و بهسازی محله برای تمامی ساکنین	عدم وجود بسته های تشویقی در سرمایه گذاری بهسازی و نوسازی محله
حکمرانی خوب شهری در طرح بازآفرینی محله	برنامه ریزی از بالا به پایین
تدوین برنامه جامع بازآفرینی محله	عدم تدوین برنامه جامع بازآفرینی محله
ظرفیت سازی و نهادسازی در تمامی ابعاد	نیبود ظرفیت سازی و نهادسازی
نظارت کامل بر اجرای قوانین و مقررات بازآفرینی محله	ضعف نظارتی بر اجرای قوانین و مقررات بازآفرینی محله
به کارگیری مشاوران حرفه ای در تدوین و اجرای طرح بازآفرینی محله	عدم اجرای طرح بازآفرینی محله

ماتریس تبدیل شده و بر مبنای موقعیتی تهاجمی که عوامل در ماتریس دارند، راهبردها ارائه شده است. راهبردها براساس موقعیت تهاجمی در ماتریس SWOT در جدول (۶) آمده است.

راهبردها بر اساس مدل SWOT شاخص های مربوط به عوامل داخلی (قوت، ضعف) با امتیاز: ۳/۵۲۵ و عوامل خارجی (فرصت و تهدید) با امتیاز ۳/۷۸۸ که با استفاده از نظرات کارشناسی به

جدول (۶) راهبردهای تحقق بازآفرینی شهری در محله خواجه ربیع

راهبردها	ابعاد
استفاده از زمین های بایر و سرمایه گذاری در آن ها جهت ایجاد اماکن گردشگری ایجاد مراکز تجاری و برندسازی آن در نزدیکی آرامگاه خواجه ربیع جلب مشارکت سرمایه گذاران از طریق اعطای امتیازات تشویقی برای نوسازی محله کفسازی با کیفیت پیاده روها با حمایت شهرداری	کالبدی
ایجاد فضاهای فرهنگی، فراغتی و ورزشی در محله مانند احداث کتابخانه و پارک	عملکردی
گسترش فضاهای سبز شهری در محله جهت کاهش آلودگی هوا بهبود وضعیت مدیریت پسماند در محله	زیست محیطی
حذف مکان های جرم خیز در محله و افزایش امنیت	اجتماعی
حمایت بخش خصوصی و دولتی در ساخت وساز مسکن و اعطای آن به مردم سرمایه گذاری جهت ایجاد مشاغل جدید در محله عدالت فضایی در رسیدگی به محله توسط شهرداری	اقتصادی

مطلوب و گروه راهبردهای تهاجمی در جدول (۷) راهبردهای پابرجا در تطبیق با برخی سناریوهای مطلوب آورده شده است.

مدیران شهری، راهبردی را در تحقق کنترل سناریو مطلوب ترجیح می دهند که آسیب پذیری کمتری در برابر رخدادهای بیرونی و مشکلات درونی داشته باشد و بتواند پاسخی کوچک در طیف وسیعی از حالت ها، تهیه و بهترین عملکرد را در شرایط عدم اطمینان داشته باشد، چنین راهبردی پابرجایی در بین راهبردها را دارا می باشد. بدین منظور در سنجش و ارزیابی گروه سناریو های

جدول (۷) راهبردهای پابرجا در تحقق بازاریابی شهری در محله خواجه ربیع

سارویو مطلوب	راهبردها
دسترسی تمامی ساکنین به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی	ایجاد فضاهای فرهنگی، فراغتی و ورزشی در محله مانند احداث کتابخانه و پارک
توسعه میان افزایش و رشد هوشمند در محله	استفاده از زمین‌های بایر و سرمایه‌گذاری در آن‌ها جهت ایجاد اماکن گردشگری ایجاد مراکز تجاری و برندسازی آن در نزدیکی آرامگاه خواجه ربیع
ساماندهی شبکه معابر در تمامی ابعاد (ترافیکی، آسفالت)	کفسازی با کیفیت پیاده‌روها با حمایت شهرداری
تخصیص بسته‌های تشویقی سرمایه‌گذاری در نوسازی و بهسازی محله برای تمامی ساکنین	حمایت بخش خصوصی و دولتی در ساخت‌وساز مسکن و اعطای آن به مردم سرمایه‌گذاری جهت ایجاد مشاغل جدید در محله
حکمرایی خوب شهری در طرح بازاریابی محله	عدالت فضایی در رسیدگی به محله توسط شهرداری
ظرفیت‌سازی و نهادسازی در تمامی ابعاد	جلب مشارکت سرمایه‌گذاران از طریق اعطای امتیازات تشویقی برای نوسازی محله

■ بحث و نتیجه‌گیری

محله، ساماندهی شبکه معابر در تمامی ابعاد (ترافیکی، آسفالت و...)، تخصیص بسته‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاری در فرایند نوسازی و بهسازی برای همه ساکنین، حکمرایی خوب شهری در طرح بازاریابی محله، تدوین برنامه جامع بازاریابی محله، ظرفیت‌سازی و نهادسازی در تمامی ابعاد، نظارت بر اجرای کامل قوانین و مقررات بازاریابی محله و به‌کارگیری مشاوران حرفه‌ای در تدوین و اجرای طرح بازاریابی محله به‌عنوان سناریوی سازگار با جمع تأثیرگذاری ۲۸۹ و بی‌توجهی به موضوع دسترسی به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی، عدم توسعه تجهیزات و زیرساخت‌های محله، پراکنده‌رویی و رشد بدون برنامه، نبود بسته‌های تشویقی، برنامه‌ریزی از بالا به پایین، عدم تدوین برنامه جامع بازاریابی، بی‌توجهی به ظرفیت‌سازی و نهادسازی در محله، نبود نظارت بر اجرای قوانین و مقررات بازاریابی محله و بی‌توجهی به اجرای طرح بازاریابی به‌عنوان سناریوی فاجعه با جمع تأثیرگذاری ۳۵۶، در محله خواجه ربیع شناسایی شدند. نتایج نشان می‌دهد که ایجاد فضاهای فرهنگی، فراغتی و ورزشی در محله مانند احداث کتابخانه و پارک، عدالت فضایی در رسیدگی به محله توسط شهرداری، استفاده از زمین‌های بایر و سرمایه‌گذاری در آن‌ها جهت ایجاد اماکن گردشگری، ایجاد مراکز تجاری و برندسازی آن در نزدیکی آرامگاه خواجه ربیع، کفسازی با کیفیت پیاده‌روها با حمایت شهرداری، حمایت بخش خصوصی و دولتی در ساخت‌وساز مسکن و اعطای آن به مردم، سرمایه‌گذاری جهت ایجاد مشاغل جدید در محله، جلب مشارکت سرمایه‌گذاران از طریق اعطای امتیازات تشویقی برای نوسازی محله مهم‌ترین راهبردها جهت بازاریابی محله خواجه ربیع خواهد بود.

در این بخش با توجه به هدف پژوهش که تدوین راهبردهای تحقق بازاریابی شهری در محله خواجه ربیع در شهر مشهد است، باید بیان داشت که بازاریابی شهری نگرشی یکپارچه برای حل مشکلات شهری یک محله با بافت فرسوده به سمت هدایت پایداری اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیطی است. در این پژوهش محله خواجه ربیع در منطقه سه در شهر مشهد با توجه به آنکه یکی از محلات بدون توسعه و کم‌برخوردار شناخته شده است انتخاب گردید و بدین ترتیب، وضع موجود محل بر اساس سند توسعه محلات منطقه سه بررسی و با استفاده از روش SWOT به تدوین راهبردها پرداخته شد. در ادامه با شناسایی متغیرها بر اساس مطالعات نظری با استفاده از روش ماتریس اثرات متقاطع، پیشران‌های کلیدی با اهمیت و عدم قطعیت بالا انتخاب و از طریق مصاحبه با کارشناسان حوزه بازاریابی به تدوین حالت‌های احتمالی پیشران‌ها پرداخته شد. پس از اقدامات صورت‌گرفته سناریوهای سازگار و جایگاه پیشران‌ها در سیستم بازاریابی شهری محله خواجه ربیع با روش تحلیل تأثیر متقابل به دست آمد و در نهایت راهبردهای پابرجا مشخص شد.

دقت در نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نتایج این پژوهش با پژوهش چین و روراچر در سال ۲۰۲۲، با عنوان چالش نظارت و ارزیابی بر تغییرات تحول‌آفرین شهری به روشی آینده‌نگر و سیستماتیک، در تعیین راهبرد برآورد نیاز ساکنین به خدمات مختلف شهری و هم‌چنین با پژوهش وانگ و همکاران در سال ۲۰۲۱، با عنوان توسعه مجدد شهری در گوانگژو چین در یک راستا بوده است. آنان نیز در پژوهش خود به سرمایه‌گذاری در بافت‌های فرسوده و نقش دولت در جهت توسعه مجدد شهری تأکید داشتند. در پژوهش سکیک و همکاران در سال ۲۰۲۴، نیز همچون پژوهش حاضر، نقش مشارکت شهروندان و پیوندهای اجتماعی و فیزیکی آنان با محله‌هایشان در ارتقای بازاریابی بافت‌های ناکارآمد مورد توجه بوده است. علاوه بر آن یافته‌های این پژوهش با پژوهش صفایی‌پور و حاجی‌پور در سال ۱۴۰۱ که به نقش تأمین خدمات و تسهیلات حفظ هویت کالبدی و توسعه بهره‌وری اراضی شهری در ارتقای بافت‌های فرسوده تأکید داشته در یک راستا است.

مهم‌ترین یافته‌ها به‌دست‌آمده در میک‌مک در شناسایی پیشران‌های کلیدی، دسترسی به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی، تجهیزات و زیرساخت‌ها، نوع توسعه، شبکه معابر، سرمایه‌گذاری در فرایند نوسازی و بهسازی، نوع مدیریت، نوع برنامه‌ریزی، نوع مشارکت ساکنین، قوانین و مقررات بازاریابی محله و اجرای پروژه‌ها می‌باشد.

یافته‌ها در سناریو ویزارد نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در فرایند نوسازی و بهسازی، نوع مشارکت ساکنین و قوانین و مقررات در بازاریابی محله به‌عنوان مهم‌ترین پیشران‌ها جهت بازاریابی محله خواجه ربیع خواهد بود. در این راستا دسترسی تمام ساکنین به خدمات، امکانات و تسهیلات اجتماعی، توسعه کامل تجهیزات و زیرساخت‌های محله، توسعه میان‌افزا و رشد هوشمند در

■ مشارکت نویسندگان

سهم مشارکت نویسندگان در این مقاله یکسان بوده است.

■ تشکر و قدردانی

با تشکر از شهرداری منطقه سه شهر مشهد و دفتر تسهیلات محله خواجه ربیع جهت همکاری و ارائه سند توسعه بازاریابی محلات حاشیه‌ای منطقه سه، شهر مشهد. مقاله دارای حامی مادی و معنوی نبوده است.

■ تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافی از نظر نویسندگان وجود ندارد.

- [1] Ezadi A. Nasekhian S. Mohammadi M. Explanation of the conceptual framework of sustainable reconstruction of historical contexts (examination of reconstruction documents, statements and publications). *Parse Archaeological Studies Journal* 2018; 2(6): 161-177. <https://sid.ir/paper/513663/fa> [In Persian].
- [2] Saidi Mofard S. Ahmadi Yazdi, Y; Sadegh Iqbal, P. Review and analysis of the application of sustainable urban regeneration approach in the old context of Manchester city, a case study, water street, the fifth national conference on urban planning, civil architecture and environment 2018 <https://sid.ir/paper/899066/fa> [In Persian]
- [3] Jain M. Rohracher H. Assessing transformative change of infrastructures in urban area redevelopments. *Cities*, 2022; 124, 103573. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103573>
- [4] Stapper E. W. Duyvendak J. W. Good residents, bad residents: How participatory processes in urban redevelopment privilege entrepreneurial citizens. *Cities* 2020, 107, 102898. DOI: [10.1016/j.cities.2020.102898](https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102898)
- [5] Liao, Z., & Liu, M. Critical barriers and countermeasures to urban regeneration from the stakeholder perspective: a literature review. *Frontiers in Sustainable Cities*, 2023, 5, 1115648. <https://doi.org/10.3389/frsc.2023.1115648>.
- [6] Babai Fard A. Heydari A. Cultural tourism and sustainable urban development with an emphasis on recreating worn-out historical fabrics, the first national conference on worn-out historical fabrics; 1395. <https://sid.ir/paper/874745/fa>, [In Persian]
- [7] Fani Z. Sharifi B. Mustafavi Sahib S. Heydari S. Modeling and prioritization of key factors in achieving urban prosperity. *Urban Civil Studies*; 2018. 3(10), 105-93. <https://civilica.com/doc/1142625> [In Persian]
- [8] Roberts, P., & Sykes, H. *Urban Regeneration: Handbook*. London: Sage Publications, 2000. https://books.google.com/books/about/Urban_Regeneration.html?id=ZoMkqSCzjFQC
- [9] Diao J. Lu S. The culture-oriented urban regeneration: place narrative in the case of the inner city of Haiyan (Zhejiang, China). *Sustainability*; 2022. 14(13) 79-92. DOI: [10.3390/su14137992](https://doi.org/10.3390/su14137992)
- [10] Safaipour M. Hajipour N. An analysis on the regeneration of worn-out textures of Ahvaz metropolis with the approach of future research and scenario writing. *Journal of Geographical Survey of Space*, 2022; 4(12). 58-39 <https://doi.org/10.30488/gps.2021.292144.3422>. [In Persian].
- [11] Saiedpour S. Behbodhi M. Application guide for scenario wizard software compilation of organizational strategies with a foresight approach, Hormozgan University Publishing, 2016. p187. <https://longsight.ir/product/scenariowizard-book/> [In Persian].
- [12] <https://planning.mashhad.ir/>
- [13] Safouri S. Big Babaei B. Evaluation of urban regeneration scenarios in worn-out urban contexts, a case study: Tabriz eight region, *Aamish Mohit Scientific Research Quarterly*, 2021; 1(59), 188-208. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.2676783.1401.15.59.9.4> [In Persian].
- [14] Pourahmad A. Farmer M.. Ali Akbari A. Hadavi F. Sustainable regeneration of urban inefficiency tissues under study (Tehran Shahr 10 area), *Environment Quarterly*, 2016, 1(37), 167-194 [In Persian].
- [15] Khakpour A. Scenario strategic planning of dilapidated urban tissues based on the approach of sustainable urban regeneration, a case study of Javadieh District, District 16 of Tehran, Master's Thesis, Department of Urban Development. University of Tehran Fine Arts Campus 2014.
- [16] Mowahed A. Koli A., Izadi P. The function of the sustainable urban regeneration approach of marginal neighborhoods (case study of Saadi Shiraz), *Human Geography Research*, 2012; 1(45), 105-122 [In Persian].
- [17] Li J., Burgess G., Sielker F. Political mobilisation and institutional layering in urban regeneration: Transformation of land redevelopment governance in China. *Cities* 2023; 141, 104508. DOI: [10.1016/j.cities.2023.104508](https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104508)
- [18] Inal-Cekic T. Kozaman-Aygün S., Bilen Ö. Reflections on "place attachment": perceptions of urban redevelopment in an informal neighborhood in Istanbul. *Journal of Housing and the Built Environment*, 2024; 39(1), 1-20. DOI: [10.1007/s10901-023-10037-x](https://doi.org/10.1007/s10901-023-10037-x)
- [19] Albanese G. Ciani E., de Blasio G. Anything new in town? The local effects of urban regeneration policies in Italy. *Regional Science and Urban Economics*, 2021; 86, 103623 DOI: [10.1016/j.regsciurbeco.2020.103623](https://doi.org/10.1016/j.regsciurbeco.2020.103623).
- [20] Wang M., Zhang F, Wu F. Governing urban redevelopment: A case study of Yongqingfang in Guangzhou, China. *Cities*, 2022; 120, 103420. DOI: [10.1016/j.cities.2021.103420](https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103420)
- [21] Jain M., Rohracher H.. Assessing transformative change of infrastructures in urban area redevelopments. *Cities*, 2022; 124, 103573. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103573>.
- [22] Tobchi Thani A. Massoud M. Rabbani A. Sarami Forushani G. Planning based on the scenario and its application in sustainable urban regeneration (case study: dilapidated urban fabric in Darghan, Qeshm Island). *Sustainable Urban Development*, 2022 13(7), 40-59 <https://doi.org/10.22034/usd.2022.697956> [In Persian]
- [23] Vesey F. Moradi A, Diwani A. Comparison of the capacity of sustainable urban regeneration in neighborhoods with worn-out and informal urban fabric (case study: Marivan city) *Geography and Urban Planning Research*, 2019, 8(1), 71-45. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2020.263227.961> [In Persian]
- [24] Bakhtiari L. Sasanpour F. Shamaei A. Analysis of sustainable regeneration of the central part of cities with a scenario writing approach (case study: the central part of Hamedan city), *Journal of Geography and Urban Space Development*, 2019; 7(1), 259-231. [10.22067/GUSD.V7I1.87650](https://doi.org/10.22067/GUSD.V7I1.87650) [In Persian]
- [25] Carvalho, I. M. R. C. D. (2022). Sentiment Analysis in the Context of Dialogue (Master's thesis). [10.21437/iberSPEECH.2022-36](https://doi.org/10.21437/iberSPEECH.2022-36)
- [26] Hasani A. Jafar Z. Land use changes with emphasis on improving security (case example: Khajeh Rabi neighborhood of Mashhad city) 6th National Conference on Architecture and Sustainable City, March 2021, <https://civilica.com/doc/1431777> [In Persian].

For this reason, many tourists travel to this mountain city every year. In this regard, first, the values of the parameters of the Douglass model were determined with detailed field surveys. Then, the strengths and weaknesses were determined in a fully operational manner. The opportunities and threats of the studied parks in terms of camping tourism were examined on a detailed scale, and each factor was weighted by asking for the opinion of experts and using the expert method.

Findings

The calculation of the capacity of the studied parks showed that these parks have a capacity equal to 732,643 tourists per year and 5,426 per day. With the field survey of the studied parks, it was found that only a 2-hectare enclosed area in Mehrvarzi Park is relatively standard for camping activities, which has a capacity of 29,176 tourists per year and 216 tourists per day, which is about 4% of the number of tourists who visit non-standard space, they resort to camping in the studied parks. To examine the strengths and bottlenecks of the tourism industry and finally provide solutions to strengthen and develop it, the tourism development strategy of the parks was determined using the SWOT technique. The results showed that the strengths (S), weaknesses (W), opportunities (O), and threats (T) of the tourism industry in the parks of Yasouj City have scores of 2.98, 3.15, 3.19, and 26.3, respectively. Based on the calculation of the coefficients of internal and external factors, it was determined that the strategy in the studied parks is defensive (W-T). To turn weaknesses into strengths and threats into opportunities for the development of tourism

in Yasouj city, defensive strategies such as raising the awareness of tourists to prevent the destruction and pollution of parks, paying attention to the aspects of health and cleanliness in parks, and strengthening the sense of security provided in parks.

Conclusion

In the present study, it can be concluded that the urban and tourism trustee organizations in Yasouj city only carry out the usual physical developments and create minimal facilities and conditions, and do not think about the tourism issue in a precise manner and according to global standards and if the situation continues in the same way. In contrast, the tourist-friendly environment of urban parks will be destroyed daily, and the number of tourists will also decrease. In this sense, it will harm the city's income generation and employment. Before designing and implementing tourism infrastructures and facilities in urban parks, measuring their capacity and using them according to their principles and capacity is necessary. In the general review of the studied parks and the level of reception of tourists, at first glance, it seems that the parks of Yasouj city have suitable conditions for tourism, but by examining all internal factors (strengths and weaknesses) and external factors (opportunities and threats) and their analysis together revealed that by chance, weaknesses outweigh strengths and threats outweigh opportunities. A defensive strategy should be adopted to deal with internal weaknesses and external threats to park tourism management.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Ghorbannia Kheybari V. Azimi E. Armin M. Estimating the Tourism Carrying Capacity of Yasouj City and Presenting a Strategic Plan with the Help of a SWOT Analysis Model. Urban Economics and Planning Vol 5(2):108-121. [In Persian]

DOI: 10.22034/uep.2024.463401.1507



Estimating the Tourism Carrying Capacity of Yasouj City and Presenting a Strategic Plan with the Help of a SWOT Analysis Model

Original Article

Vajihe Ghorbannia Kheybari^{1*}, Elahe Azimi², Mohsen Armin³

1- Assistant Professor, Department of Natural Resources Engineering, Faculty of Agriculture and Natural Resources, Yasouj University, Yasouj, Iran

2- Ph.D. candidate in Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran

3- Assistant Professor, Department of Natural Resources Engineering, Faculty of Agriculture and Natural Resources, Yasouj University, Yasouj, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-06-18

Revised: 2024-07-29

Accepted: 2024-08-04

Keywords

Carrying Capacity

Douglass Model

SWOT Technique

Urban Tourism

Yasouj

ABSTRACT

Introduction

With the rapid development of the social economy of today's world and the improvement of living standards, people have become more interested in tourism, which has caused tourism to develop rapidly. Tourism is a vital driving industry for the development of the national economy, which has economic and ecological functions and is essential in the sustainable development of cities. Cities provide the field of tourism development by providing various goods and services from economic, social, and cultural activities as well as service activities such as hospitality and leisure facilities. Tourism develops in cities that benefit from suitable facilities and services and have historical, cultural, and artistic attractions. The explosive growth of domestic and foreign tourism in recent years, while promoting the economic development of different countries and regions, has brought many problems and challenges. Therefore, evaluating the tourism capacity of a tourist destination city is of great importance for realizing the sustainable development of the city's tourism. Yasouj is one of the cities with the potential and suitable weather conditions to attract foreign and domestic tourists. The existence of tourist attractions in natural, historical, and cultural fields can provide economic, social, and environmental growth and development in this city and become an important tourism hub at the national level. However, it should be noted that the development of tourism requires determining the capacity and gaining comprehensive knowledge of the natural resources, threats, and opportunities in the external environment and recognizing its internal weaknesses and strengths to measure the situation and formulate strategies for guidance and the control of its management system.

Materials and Methods

In this research, the tourism capacity of Yasouj City has been evaluated using the Douglass model. To examine the strengths and bottlenecks of the tourism industry, finally, solutions to strengthen and develop it, its strategic analysis using the SWOT technique has been studied. The city of Yasouj is the capital of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad provinces in the southwest of Iran, next to the Beshar River and on the slopes of Dena peaks between 30 degrees 9 minutes to 31 degrees 32 minutes north latitude and 49 degrees 43 minutes to 51 degrees 52 minutes east longitude is located at an altitude of 1870 meters above sea level. Due to its location on the slopes of Zagros and its mountainous area, this city has beautiful nature and a mild climate for tourists to spend their free time.

* Corresponding author: v.ghorbannia@yu.ac.ir

بر آورد ظرفیت برد گردشگری شهر یاسوج و ارائه برنامه راهبردی با کمک مدل تحلیل سوات

مقاله پژوهشی

وجیهه قربان نیا خیبری^{۱*}؛ الهه عظیمی^۲؛ محسن آرمین^۳

- ۱- استادیار گروه مهندسی منابع طبیعی، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران
 ۲- دانشجوی دوره دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران
 ۳- استادیار گروه مهندسی منابع طبیعی، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

چکیده

مقدمه

با توسعه سریع اقتصاد اجتماعی جهان امروزی و بهبود استانداردهای زندگی، مردم بیشتر به گردشگری علاقه مند شده و این موضوع باعث شده که گردشگری به سرعت توسعه یابد. گردشگری یک صنعت محرکه مهم برای توسعه اقتصاد ملی با کارکردهای اقتصادی و اکولوژیکی است و در توسعه پایدار شهرها ضروری است. شهرها با ارائه کالا و خدمات متنوع از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین، فعالیت‌های خدماتی مانند امکانات پذیرایی و فراغتی، زمینه توسعه گردشگری را فراهم می‌کنند. گردشگری در شهرهایی توسعه پیدا می‌کند که علاوه بر داشتن جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و هنری از امکانات و خدمات مناسب نیز بهره‌مند باشند. رشد انفجاری گردشگری داخلی و خارجی در سال‌های اخیر ضمن ارتقای توسعه اقتصادی کشورها و مناطق مختلف، مشکلات و چالش‌های زیادی را به همراه داشته است. بنابراین، ارزیابی ظرفیت برد گردشگری یک شهر مقصد گردشگری برای تحقق توسعه پایدار گردشگری شهر از اهمیت بالایی برخوردار است. شهر یاسوج از جمله شهرهایی است که دارای پتانسیل و شرایط آب‌وهوایی مناسب برای جلب گردشگران خارجی و داخلی است. وجود جاذبه‌های گردشگری در زمینه‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی می‌تواند زمینه‌های رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در این شهر فراهم آورد و به عنوان یک قطب مهم گردشگری در سطح ملی مطرح شود. اما باید توجه کرد که توسعه گردشگری مستلزم تعیین ظرفیت و کسب شناخت همه‌جانبه از توان‌های طبیعی، تهدیدها و فرصت‌های موجود در محیط خارجی و بازشناسی ضعف‌ها و قوت‌های داخلی آن به منظور سنجش وضعیت و تدوین راهبردها برای هدایت و کنترل سیستم مدیریتی آن است.

مواد و روش‌ها

در این تحقیق ظرفیت برد گردشگری شهر یاسوج با استفاده از مدل داگلاس مورد ارزیابی قرار گرفته و سپس با هدف بررسی توان و تنگنای صنعت گردشگری و در نهایت، ارائه راهکارهایی به منظور تقویت و توسعه آن، تجزیه و تحلیل استراتژیک آن با استفاده از تکنیک سوات مورد پژوهش قرار گرفته است. شهر یاسوج به عنوان مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد در جنوب غربی ایران در کنار رودخانه بشار و در دامنه قله دنا بین ۳۰ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۵۲ دقیقه طول شرقی در ارتفاع ۱۸۷۰ متری از سطح دریا قرار گرفته است. این شهر به دلیل قرارگیری در دامنه‌های زاگرس و موقعیت کوهستانی، دارای طبیعتی زیبا و آب‌وهوایی معتدل برای گذران اوقات فراغت گردشگران است. به همین دلیل، سالانه گردشگران زیادی به این شهر کوهستانی سفر می‌کنند. در همین راستا ابتدا مقادیر پارامترهای مدل داگلاس با پیمایش‌های دقیق صحرایی تعیین و سپس، به صورت کاملاً عملیاتی قوت‌ها و ضعف‌ها؛ فرصت‌ها و تهدیدهای

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۹
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۰۸
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

کلمات کلیدی

تکنیک سوات
 ظرفیت برد
 گردشگری شهری
 مدل داگلاس
 یاسوج

آلوده کردن پارک‌ها، توجه به جنبه‌های بهداشتی و نظافت در پارک‌ها، تقویت حس امنیت در پارک‌ها و غیره ارائه شده است.

نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که سازمان‌های متولی شهری و گردشگری در شهر یاسوج فقط اقدام به توسعه‌های فیزیکی معمول و ایجاد یک امکانات و شرایط حداقلی می‌کنند و به موضوع گردشگری به صورت دقیق و متناسب با استانداردهای جهانی فکر نمی‌کنند و اگر شرایط به همین منوال پیش برود، ضمن اینکه محیط گردشگرپسند پارک‌های شهری روزبه‌روز تخریب خواهد شد، تعداد گردشگران نیز کاهش خواهد یافت و از این نظر صدماتی متوجه درآمدزایی و اشتغال شهر خواهد شد. لازم است پیش از طراحی و اجرای زیرساخت‌ها و امکانات گردشگری در پارک‌های شهری، ابتدا اقدام به ظرفیت برد آن شود و طراحی و به‌کارگیری امکانات بر اساس اصول و متناسب با ظرفیت برد اجرا شود. در بررسی کلی پارک‌های مورد مطالعه و میزان استقبال گردشگران، در نگاه اول به نظر می‌آید که پارک‌های شهر یاسوج شرایط مناسبی برای گردشگری دارند، اما با بررسی همه‌عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) و تحلیل آن‌ها در کنار هم مشخص شد که اتفاقاً ضعف‌ها بر قوت‌ها و تهدیدها بر فرصت‌ها برتری دارد و برای مدیریت گردشگری پارک‌ها در حال حاضر باید یک راهبرد تدافعی برای مقابله با ضعف‌های درونی و تهدیدهای بیرونی اتخاذ کرد.

پارک‌های مورد مطالعه به لحاظ گردشگری کمپینگ در مقیاس دقیق بررسی شد و با نظرخواهی از کارشناسان و با استفاده از روش خبرگان وزندهی به هر یک از عوامل صورت گرفت.

یافته‌ها

محاسبه ظرفیت برد پارک‌های مورد مطالعه نشان داد این پارک‌ها ظرفیتی معادل ۷۳۲۶۴۳ نفر گردشگر در سال و ۵۴۲۶ نفر در روز را دارند. با بررسی میدانی پارک‌های مورد مطالعه مشخص شد که فقط یک محدوده محصور ۲ هکتاری در پارک مهرورزی برای فعالیت چادر زدن نسبتاً استاندارد است که ظرفیت ۲۹۱۷۶ نفر گردشگر در سال و ۲۱۶ نفر گردشگر در روز را دارد که حدود ۴ درصد تعداد گردشگرانی است که در فضای غیر استاندارد مبادرت به چادر زدن در پارک‌های مورد مطالعه می‌کنند. با هدف بررسی توان و تنگنای صنعت گردشگری و در نهایت ارائه راهکارهایی به منظور تقویت و توسعه آن، با استفاده از تکنیک سوات راهبرد توسعه گردشگری پارک‌ها مشخص شد. نتایج نشان داد قوت‌ها (S)، ضعف‌ها (W)، فرصت‌ها (O) و تهدیدهای (T) صنعت گردشگری در پارک‌های شهر یاسوج به ترتیب دارای امتیاز ۲/۹۸، ۳/۱۵، ۳/۱۹ و ۳/۲۶ هستند که بر اساس محاسبه مجموع ضرایب عوامل داخلی و خارجی مشخص شد که استراتژی موجود در پارک‌های مورد مطالعه تدافعی (W-T) است. در راستای تبدیل ضعف‌ها به قوت و تهدیدها به فرصت برای توسعه گردشگری در شهر یاسوج، راهبردهای تدافعی از قبیل بالا بردن آگاهی گردشگران جهت جلوگیری از تخریب و

مقدمه

با توسعه سریع اقتصاد اجتماعی جهان امروزی و بهبود استانداردهای زندگی، مردم بیشتر به گردشگری علاقه‌مند شده و این موضوع باعث شده که گردشگری به سرعت توسعه یابد. از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، درآمد گردشگری داخلی از ۴/۵۷ تریلیون به ۵/۷۳ تریلیون افزایش یافته، اقتصاد گردشگری کمک‌های روزافزونی به اقتصاد ملی کرده و باعث توجه بیشتر جامعه به مقوله گردشگری شده است [۱]. گردشگری بر اساس وجود جاذبه‌های دیدارگر شکل می‌گیرد و یکی از مکان‌های گردشگری پر جاذبه، شهرها هستند. گردشگری یک صنعت محرکه مهم برای توسعه اقتصاد ملی با کارکردهای اقتصادی و اکولوژیکی است و در توسعه پایدار شهرها ضروری است [۲]. بدیهی است که توسعه سریع گردشگری نقش مهمی در ارتقای توسعه اقتصادی و ارتقای روند توسعه شهرنشینی شهرها مقصد دارد. بنابراین در حال حاضر گردشگری بیش از پیش مورد توجه دولت و جامعه قرار گرفته است [۱]. امروزه گردشگری شهری را یکی از عوامل مهم توسعه اقتصادی - اجتماعی و رفاهی شهر و شهرنشینی می‌دانند. به همین سبب، مسئولان امور گردشگری و شهری در پی ارتقا و گسترش آن برآمده‌اند.

شهرها با ارائه کالا و خدمات متنوع از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین، فعالیت‌های خدماتی مانند امکانات پذیرایی و فراغتی، زمینه توسعه گردشگری را فراهم می‌کنند [۳]. اساساً گردشگری شهری بر اساس جاذبه‌های موجود در شهرها (موزه‌ها، بناهای تاریخی، استادیوم‌ها و غیره) است [۴]. اهمیت گردشگری شهری در شهرهای کشورهای پیشرفته به حدی است که شهرداران در ایجاد زیرساخت‌ها و جاذبه‌های جدید گردشگری و معرفی شهر خود با یکدیگر رقابت می‌کنند. همچنان که که گردشگری در توسعه شهرهای مدرن بیش از پیش استراتژیک می‌شود، دولت‌ها بیش از هر زمان دیگری به محیط گردشگری توجه می‌کنند.

گردشگری در شهرهایی توسعه پیدا می‌کند که علاوه بر داشتن جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و هنری از امکانات و خدمات مناسب نیز بهره‌مند باشند [۵]. وجود زیرساخت‌های مناسب در هر مکان، از قبیل راه (دسترسی مناسب)، بهداشت، مخابرات، آب، برق، امنیت و مدیریت مواد زائد در جلب رضایت گردشگران برای تکرار سفر اهمیت بسیار بالایی دارد.

رشد انفجاری گردشگری داخلی و خارجی در سال‌های اخیر ضمن ارتقای توسعه اقتصادی کشورها و مناطق مختلف، مشکلات و چالش‌های زیادی را به همراه داشته است. به عنوان مثال، از نظر اقتصادی، توسعه اقتصادی یک کشور یا شهر بیش از حد به گردشگری وابسته شده است. از نظر اجتماعی، هجوم فزاینده گردشگران به شهرهای مقصد توریستی به افزایش فشار بر جمعیت شهر و مدیریت ترافیک منجر شده است. از نظر فرهنگی، فرهنگ گردشگران احتمالاً تأثیر خاصی بر فرهنگ سنتی محلی شهر مقصد و غیره خواهد داشت. همچنین به راحتی به تشدید درگیری بین گردشگران و ساکنان محلی منجر می‌شود و همچنین، باعث آلودگی خاصی برای محیط زیست محلی می‌شود [۱].

توسعه محیط گردشگری منافع بسیاری برای ساکنان، دولت‌های محلی و شرکت‌ها دارد که در صورت عدم رسیدگی مناسب می‌تواند آسیب‌های جدی به اقتصاد و محیط زیست شهر وارد کند. بنابراین لازم است تا ظرفیت برد (Carrying Capacity) محیط گردشگری بهینه شود [۲]. بنابراین، ارزیابی ظرفیت برد گردشگری یک شهر مقصد گردشگری برای تحقق توسعه پایدار گردشگری شهر از اهمیت بالایی برخوردار است. منظور از ظرفیت برد گردشگری یک منطقه یا شهر، در وهله اول وجود جاذبه‌های متنوع گردشگری و در وهله دوم وجود امکانات و تسهیلات برای جذب تعدادی خاص گردشگر است. بنابراین به منظور تضمین و ارتقای توسعه پایدار گردشگری، ارزیابی ظرفیت برد گردشگری یک شهر ضروری است که در دنیای علمی درباره آن کمبود وجود دارد [۱].

شهر یاسوج از جمله شهرهایی است که دارای پتانسیل و شرایط آب‌وهوایی مناسب برای جلب گردشگران خارجی و داخلی است. وجود جاذبه‌های

گردشگری در زمینه‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی می‌تواند زمینه‌های رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در این شهر فراهم آورد و به عنوان یک قطب مهم گردشگری در سطح ملی مطرح شود. اما باید توجه کرد که توسعه گردشگری مستلزم تعیین ظرفیت و کسب شناخت همه‌جانبه از توان‌های طبیعی، تهدیدها و فرصت‌های موجود در محیط خارجی و بازشناسی ضعف‌ها و قوت‌های داخلی آن به منظور سنجش وضعیت و تدوین راهبردها برای هدایت و کنترل سیستم مدیریتی آن است.

در همین راستا در تحقیق حاضر ظرفیت برد گردشگری شهر یاسوج مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد با استفاده از مدل داگلاس (Douglass) مورد ارزیابی قرار گرفته و سپس، با هدف بررسی توان و تنگناهای صنعت گردشگری و در نهایت، ارائه راهکارهایی به منظور تقویت و توسعه آن، تجزیه و تحلیل استراتژیک آن با استفاده از تکنیک سو (SWOT) مورد پژوهش قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

جهانگیر [۶] وضعیت صنعت طبیعت‌گردی پارک‌های شهری را با هدف ارائه برنامه راهبردی با کمک ماتریس سوات در پارک خورشید مشهد ارزیابی و تحلیل کرد. نتایج پژوهش یادشده نشان داد وزن قوت‌ها بیشتر از ضعف‌ها و همچنین، فرصت‌های موجود از تهدیدهای آن بیشتر است که با استفاده از قوت‌ها و فرصت‌های موجود می‌توان در جهت بهتر شدن اوضاع کنونی پارک کوشید تراضی‌تمندی گردشگران را بیش از پیش فراهم کرد. شیرانی سرامزه و همکاران [۷] ظرفیت برد بوستان خلیج فارس فولاد شهر را برآورد کردند. نتایج حاصل از به‌کارگیری دستورالعمل سازمان جهانی حفاظت از محیط زیست (IUCN, The International Union for the Conservation of Nature) نشان داد بوستان خلیج فارس با مساحت ۹۳ هزار مترمربع دارای ظرفیت برد فیزیکی ۳۲۵۸۷۲ نفر، ظرفیت برد واقعی ۷۸۱۸۳ و ظرفیت برد مؤثر ۳۹۰۹۱ نفر در سال است. همچنین، ظرفیت برد خدماتی پارک بیش از ظرفیت برد مدیریتی آن بوده است. جهانگیر و همکاران [۸] توان اکوتوریسمی پارک چمران کرج را با استفاده از مدل سوات و ماتریس ذی‌نفعان ارزیابی کردند. نتایج پژوهش یادشده نشان داد راهبرد تنوع‌بخشی (S-T) با عنوان مقابله با تغییر کاربری اراضی در مقابل اصفاف با امتیاز وزنی ۵۶، به عنوان مهم‌ترین اولویت در به‌کارگیری راهبردها مشخص شد. بنابراین، منطقه تفریحی مورد نظر نیازمند برطرف کردن ضعف‌های و افزایش قوت‌های خود است. عرب خزائلی و همکاران [۹] ظرفیت برد تفرجگاهی در پارک آبخیز کانی ماماکنه سمنج را با هدف حفظ تفریحی و گردشگری پایدار برآورد کردند. طبق پژوهش یادشده ظرفیت برد فیزیکی در محدوده تفریحی متمرکز ۱۹۲۷۲ نفر در روز و ۷۰۳۴۲۸ نفر در سال و ظرفیت برد واقعی منطقه در محدوده تفریح متمرکز ۲۷۶۷ نفر در روز و ۴۳۱۱۸۶ نفر در سال برآورد شد. در بیکی [۱۰] ظرفیت برد گردشگری را در چهار تفرجگاه گردشگری در پارک ملی گلستان در شمال ایران برآورد کرد. یافته‌های پژوهش یادشده نشان داد ظرفیت برد مؤثر و اجرایی روزانه به میزان ۶۰۱۸، ۱۰۳۳، ۱۹۵ و ۷۷۰ نفر به ترتیب برای تفرجگاه‌های گلشن، آبشار، گلزار و میرزابابلیو است. در مجموع ۸۰۱۶ نفر در روز و در همه فصل‌های سال می‌توانند از ۲۸ هکتار بهینه گردشگری چهار تفرجگاه پارک ملی گلستان بازدید کنند که در هر تفرجگاه و در نیمه نخست و دوم سال متفاوت است، به گونه‌ای که تا نزدیک به سه برابر امکان تغییر دارد. سبحانی و دانه کار [۱۱] ظرفیت برد گردشگری طبیعت را در جنگل‌های مانگرو خمیر و قشم با هدف اتخاذ تصمیم‌های مدیریتی برای کنترل تعداد گردشگران و کاهش اثرهای تهدیدکننده آن‌ها برآورد کردند. نتایج پژوهش یادشده حاکی از آن است که ظرفیت برد فیزیکی سالانه ۲۹۰۸۸۰۹۵ نفر و ظرفیت برد واقعی نیز ۱۲۲۱۷۰۰۰ نفر است که در نهایت ظرفیت برد مؤثر با توجه به وسعت و تعداد محیط‌بانان لازم برای مدیریت و کنترل منطقه ۱۷۱۰۳۸۰ نفر در سال است. طبیعیان [۱۲] در بررسی جاذبه‌های بوم‌شناسی منطقه حفاظت‌شده ورجین در نزدیکی تهران با برخورداری از طبیعت کم‌نظیر نشان دادند

فرهنگی به عنوان قوت‌های این پارک هستند به شرطی که ضعف در دسترسی و زیرساخت‌ها برطرف شود. عین الرحمه و همکاران [۱۷] در مطالعه‌ای روی جنگل شهری پسانگراهان سنگگا بوانا (Pesanggrahan Sangga Buana) در جاکارتای جنوبی، پتانسیل توسعه هوشمند مبتنی بر گردشگری را برای تفریح شناسایی کرده بر نیاز به بهینه‌سازی پتانسیل و به حداکثر رساندن همکاری مدیریتی تأکید کردند. این مطالعه ارزش تحلیل‌های سوات را در درک قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای مرتبط با ظرفیت گردشگری پارک‌های شهری نشان می‌دهد.

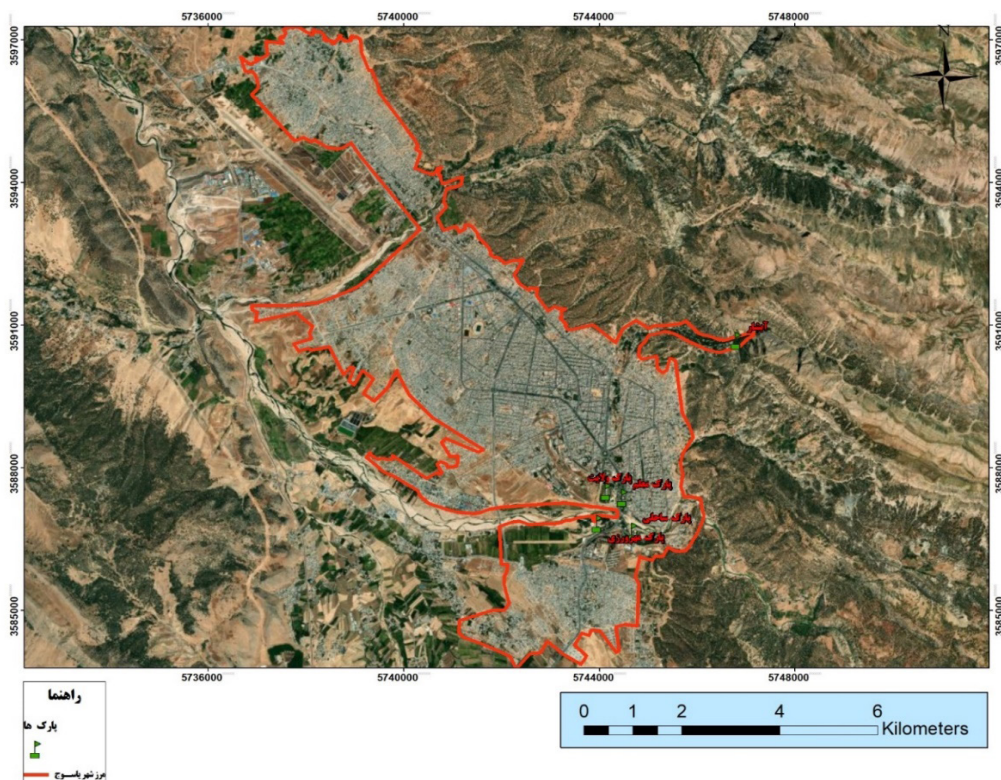
مواد و روش‌ها

محدوده مورد مطالعه

شهر یاسوج به عنوان مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد در جنوب غربی ایران در کنار رودخانه بشار و در دامنه قله دنا بین ۳۰ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۵۲ دقیقه طول شرقی در ارتفاع ۱۸۷۰ متری از سطح دریا قرار گرفته است. این شهر به دلیل قرارگیری در دامنه‌های زاگرس و موقعیت کوهستانی، دارای طبیعتی زیبا و آب‌وهوایی معتدل برای گذران اوقات فراغت گردشگران است. به همین دلیل، سالانه گردشگران زیادی به این شهر کوهستانی سفر می‌کنند. گردشگران شهر یاسوج را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: نخست، مسافرانی که در فصل‌های بهار و تابستان جهت گذران بخشی از اوقات فراغت خود در مکان‌های پر جاذبه این شهر اقامت می‌کنند. دوم، مسافرانی که تعطیلات آخر هفته و یا هر روز تعطیل را در مناطق بکر منطقه می‌گذرانند و سوم، مسافرانی که به صورت عبوری از این شهر می‌گذرند که این تحقیق با هدف برنامه‌ریزی و مدیریت ظرفیت و توان شهر برای گردشگران دسته اول انجام شده است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، شهر یاسوج دارای ۱۳۴۵۳۲ نفر جمعیت است. در شکل ۱ موقعیت شهر یاسوج نشان داده شده است.

ظرفیت‌های برد مؤثر کمتر از ۵ نفر در هر هکتار بوده و با استاندارد جهانی مرتبط با طبیعت (آبادباوی و لاوسون) مطابقت دارد. نتایج حاصل از پژوهش یادشده بیانگر ظرفیت برد مناسب جهت توریسم گسترده و جذب گردشگر در منطقه حفاظت‌شده ورجین است.

ژانگ و همکاران [۱۳] نوعی سیستم شاخص ظرفیت برد منابع شهری و محیطی مبتنی بر تمدن اکولوژیکی به منظور حل تضاد بین منابع شهری و محیط زیست ایجاد کردند و آن را در برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهر تیانجین (Tianjin) به کار گرفتند. نتایج پژوهش یادشده نشان داد سیستم شاخص نه تنها انعکاس‌دهنده بهتری از وضعیت فعلی ظرفیت برد شهری است، بلکه می‌تواند تغییرات افزایش ظرفیت برد شهری را نیز توصیف کند. ساراایکینا و همکاران [۱۴] در مطالعه‌ای بر اهمیت و امکانات تفریحی پارک‌های شهری در فراهم کردن شرایط زندگی راحت و تفریح برای شهروندان تأکید کردند و نقش آن‌ها را در کاهش آلودگی و تنوع بخشیدن به منظر شهری برجسته کردند. کانگ [۱۵] ظرفیت برد گردشگری بر اساس سودمندی تجربه بازدیدکنندگان را در پارک جنگلی ملی زیان-رن-تای (Xian-Ren-Tai) چین با استفاده از روش آزمایش انتخاب ارزیابی کرد. ظرفیت برد گردشگری با بررسی سودمندی حاشیه‌ای و حساسیت بازدیدکنندگان به تغییرات در فضای تفریحی ارزیابی می‌شود. نتایج پژوهش یادشده حاکی از آن است که آستانه ظرفیت تحمل سطح ازدحام در این پارک جنگلی شهری از ۲۰ تا ۳۵ نفر در ۱۰۰ متر مربع، آستانه پوشش گیاهی از ۷۰ تا ۸۰ درصد، و تعداد زباله‌ها ۳-۱۰ قطعه در ۲۰۰ متر است. سطح دسترسی قابل قبول ترافیک برای بازدیدکنندگان طی ۳ ساعت است. به طور کلی، پارک جنگلی ملی یادشده در وضعیت ظرفیت برد کم قرار دارد. احمد و همکاران [۱۶] پتانسیل پایداری گردشگری از طریق تحلیل سوات را در پارک ملی پهانگ (Pahang National Park) بررسی کردند. نتایج پژوهش یادشده نشان داد این پارک دارای پتانسیل بالایی در صنعت گردشگری است که زیبایی طبیعی، تنوع زیست‌محیطی و میراث



شکل ۱. موقعیت شهر یاسوج روی تصویر Google Earth

گردشگر (فوت مربع)، CD ظرفیت روز در هر سال (روزهای مناسب برای گردشگری در سال) و TF عامل گردش مالی است. با توجه به اینکه اقلیم رابطه‌ای تنگاتنگ و انکارناپذیری با گردشگری و توسعه مقاصد گردشگری دارد، برای محاسبه CD یا ظرفیت روزهای گردشگری در سال در شهر یاسوج از مطالعه Armin و همکاران (۲۰۲۲) استفاده شده است. در این مطالعه وضعیت گردشگری شهرهای استان کهگیلویه و بویراحمد بر اساس شاخص اقلیمی گردشگری (Tourism Climate Index) یا TCI بررسی شده است. نتایج این تحقیق نشان داد در شهر یاسوج آسایش اقلیمی گردشگری در ماه‌های فصل‌های بهار، تابستان و دو ماه اول پاییز خیلی خوب تا عالی است [۲۰] (جدول ۱).

محاسبه ظرفیت برد گردشگری شهر

ظرفیت برد یک منطقه عبارت است از: ظرفیت فیزیکی معینی از یک منطقه برای پذیرایی از گردشگران یا مسافران به میزان حداکثری که آن‌ها بتوانند از مزیت یک منطقه برخوردار شوند بدون اینکه باعث کاهش کیفیت محیط شوند [۱۸]. رابطه زیر توسط داگلاس برای محاسبه ظرفیت برد ارائه شده است [۱۹].

$$AR = \frac{D \times a}{CD \times TF \times 43560}$$

که AR مساحت مورد نیاز برای هر فعالیت (فوت مربع)، D تقاضا (تعداد کل گردشگران برای هر فعالیت)، a مساحت استاندارد برای هر فعالیت برای هر

جدول ۱. مقدار TCI در ماه‌های فصل‌های بهار، تابستان و پاییز در شهر یاسوج [۲۰]

ردیف	ماه	مقدار TCI	گروه اقلیمی
۱	فروردین	۷۴	خیلی خوب
۲	اردیبهشت	۸۸	عالی
۳	خرداد	۸۹	عالی
۴	تیر	۷۷	خیلی خوب
۵	مرداد	۷۵	خیلی خوب
۶	شهریور	۸۶	عالی
۷	مهر	۸۹	عالی
۸	آبان	۷۷	خیلی خوب

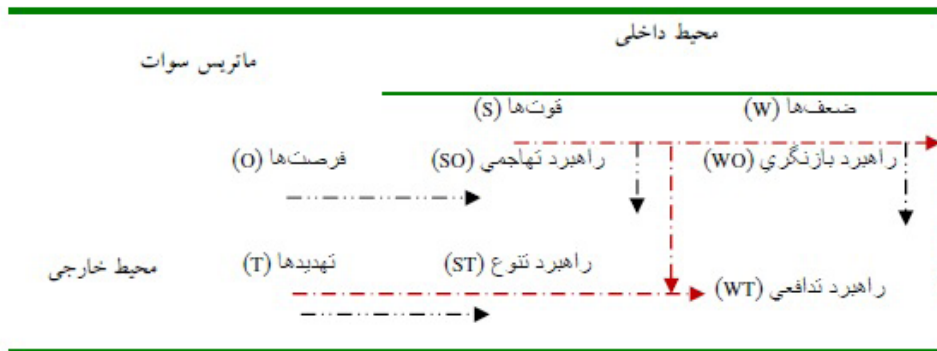


شکل ۲. محدوده پارک‌های مورد مطالعه روی تصاویر Google Earth

وضعیت و تدوین راهبردهایی برای هدایت و کنترل آن است. در واقع، در این استراتژی با پیوند دادن قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها چهار راهبرد تهاجمی- رقابتی (S-O)، تنوع‌بخشی (S-T)، بازنگری (W-O) و تدافعی (W-T) برای هدایت مجموعه اتخاذ می‌شود [۲۱]. در شکل ۳، ماتریس سوات و نحوه تعیین راهبردها نشان داده شده است.

تحلیل استراتژیک صنعت گردشگری پارک‌های شهر یاسوج با استفاده از الگوی تحلیلی سوات

تحلیل سوات یا نمودار سوات از مشهورترین ابزارهای تحلیل استراتژیک است و برخی از آن به عنوان سنگ‌بنای اصلی تحلیل استراتژیک یاد می‌کنند. این تکنیک ابزاری برای شناخت تهدیدها و فرصت‌های موجود در محیط خارجی و بازنمایی ضعف‌ها و قوت‌ها در محیط داخلی یک مجموعه به منظور سنجش



شکل ۳. ماتریس سوات و نحوه تعیین راهبردها [۲۲]

پاسخ کنونی مجموعه به آن عامل خاص، امتیازی از (۵) بسیار خوب تا (۱) خیلی ضعیف داده شد (جدول ۲). این امتیاز مبین میزان اثربخشی راهبردهای کنونی مجموعه در نشان دادن واکنش نسبت به عوامل یادشده است. جامعه آماری خبرگان متخصصان حوزه گردشگری در سازمان‌های مرتبط در استان کهگیلویه و بویراحمد شامل استانداری استان، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، شهرداری یاسوج و دانشگاه یاسوج (دانشجویان کارشناسی ارشد و اعضای هیأت علمی) به تعداد ۲۵ نفر بوده است که از آن‌ها خواسته شد عوامل داخلی و خارجی ماتریس سوات را وزن دهی و درجه‌بندی کنند.

در این تحقیق بر اساس بررسی‌های میدانی پارک‌های مورد مطالعه و بهره‌گیری از مطالعات پیشین مرتبط [۶ و ۸] اقدام به توسعه ماتریس سوات و تحلیل آن شد. به صورت کاملاً عملیاتی قوت‌ها و ضعف‌ها؛ فرصت‌ها و تهدیدهای پارک‌های مورد مطالعه به لحاظ گردشگری چادر زدن در مقیاس دقیق بررسی شد و سپس با شناختی که حاصل شد اقدام به ترسیم وضعیت موجود پارک‌ها و ارائه راهکارهایی برای توسعه صنعت گردشگری در آن‌ها شد. پس از بررسی صورت گرفته روی محیط خارجی و محیط داخلی پارک‌های مورد مطالعه به وسیله نظرخواهی از کارشناسان و با استفاده از روش خبرگان وزن دهی به هر یک از عوامل صورت گرفت. به هر یک از عوامل بر اساس

جدول ۲. مقدار امتیازدهی به عوامل داخلی و خارجی

خیلی ضعیف	ضعیف	متوسط	خوب	خیلی خوب
۱	۲	۳	۴	۵

در این تحقیق از مدل داگلاس استفاده شده که برای محاسبه میزان تقاضا یا تعداد گردشگران برای فعالیت چادر زدن، مقدار پارامترهای مدل، مطابق جدول ۳ به دست آمده است.

یافته‌ها

ظرفیت برد گردشگری شهری

همان‌طور در بخش مواد و روش‌ها توضیح داده شد، برای محاسبه ظرفیت برد

جدول ۳. نتایج به دست آمده برای محاسبه ظرفیت برد

واحد	مقدار	پارامتر
فوت مربع (ft ²)	۹۰۷	a مساحت مورد نیاز برای هر شخص
روز	۱۳۵	CD زمان مناسب برای گردشگری
بی بعد	۱	TF عامل گردش مالی
ایکر (Acre)	۱۱۳	پارک ولایت ۴۲/۸
		پارک معلم ۹/۶
		پارک مهرورزی ۳۶/۳
		پارک ساحلی ۲۳/۱
		پارک آبشار ۱/۲

زدن گردشگران کرده است (شکل ۴) که با تعیین مساحت دقیق آن با دستگاه موقعیت‌یاب جهانی و بررسی آن مشخص شد که در این مجموعه امکانات لازم برای رفاه گردشگران در نظر گرفته است اگرچه در حال حاضر وضعیت مطلوبی برای استفاده گردشگران ندارند، ولی می‌توان گفت که در صورت بهبود حداقلی امکانات این مجموعه، فضای مطلوبی برای فعالیت چادر زدن گردشگران فراهم خواهد شد. با بررسی پارک‌های مورد مطالعه همچنین مشخص شد که پارک آبشار نیز استانداردهای لازم برای فعالیت چادر زدن را دارد و لذا بر این اساس:

$$4.5 = \frac{D \times 907}{135 \times 1 \times 43560} \rightarrow D = \frac{5880600 \times 4.5}{907} = 29176$$

فضای استاندارد برای فعالیت چادر زدن در شهر یاسوج ۲۹۱۷۶ نفر در سال و ۲۱۶ نفر در روز است که حدود ۴ درصد تعداد گردشگرانی است که در فضای غیر استاندارد مبادرت به چادر زدن در پارک‌های مورد مطالعه می‌کنند.

طی پیمایش‌های صحرائی پارک‌های مورد مطالعه برای چادر زدن مشخص شد که این پارک‌ها امکانات و تسهیلات استاندارد برای فعالیت چادر زدن را ندارند، اگر چه در همین شرایط هم گردشگران زیادی در این پارک‌ها سکنی می‌گزینند و لذا آنچه تحت عنوان پارامتر AR یا مساحت موجود برای فعالیت چادر زدن گردشگران در جدول ۲ آمده است، در واقع مساحت پتانسیل یا بالقوه برای این فعالیت محسوب می‌شود که باید مدیران گردشگری و امور شهری نسبت به تجهیز این پارک‌ها به امکانات حداقلی برای گردشگری اهتمام لازم را بورزند. با این حال، با توجه به داده‌های جدول ۳

$$113 = \frac{D \times 907}{135 \times 1 \times 43560} \rightarrow D = \frac{5880600 \times 113}{907} = 732643$$

تعداد گردشگرانی که با همین شرایط حداقل امکانات مبادرت به فعالیت چادر زدن در این پارک‌ها می‌کنند، ۷۳۲۶۴۳ نفر در سال و ۵۴۲۶ نفر در روز است.

در پارک مهرورزی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۶ اقدام به ایجاد یک فضا برای فعالیت چادر



شکل ۴. موقعیت مجموعه چادر زدن میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کهگیلویه و بویراحمد در پارک مهرورزی

تهدیدهای (عوامل خارجی) شرایط گردشگری در پارک‌های مورد مطالعه نشان داده شده است.

استخراج راهبرد و شرایط پارک‌های مورد مطالعه (ماتریس سوات) طی بازدهای دقیق میدانی در جدول ۴ قوت‌ها و ضعف‌ها (عوامل داخلی) و در جدول ۵ فرصت‌ها و

جدول ۴. عوامل داخلی در ارزیابی شرایط گردشگری پارک‌های مورد مطالعه

عوامل داخلی (IFA)			
امتیاز	درجه بندی	وزن	قوت‌ها (S)
۱	۴	۰/۲۵	موقعیت استراتژیک پارک‌ها (واقع شدن در ورودی شهر و دسترسی سریع به مرکز شهر)
۰/۷۸	۳	۰/۲۶	برخورداری از ویژگی سکوت و آرامش کنار رودخانه بشار و چشم‌انداز زیبای آن در امتداد پارک‌ها
۰/۶۶	۳	۰/۲۲	وجود مناظر و چشم‌اندازها از پارک‌ها به طبیعت اطراف شهر یاسوج
۰/۲۸	۲	۰/۱۴	برگزاری جشنواره‌های فرهنگی بومی
۰/۲۶	۲	۰/۱۳	وجود خدمات شهرسازی و دریاچه قایق‌رانی
۲/۹۸		۱	مجموع
ضعف‌ها (W)			
۰/۸۸	۴	۰/۲۲	کمبود امکانات رفاهی و بهداشتی (سرویس بهداشتی، سوپرمارکت، رستوران، آلاچیق، نیمکت، درمانگاه، پارکینگ)
۰/۲۷	۳	۰/۰۹	نبود جایگاه و سکوهایی مناسب برای برپایی چادر
۰/۲۴	۳	۰/۰۸	ریزش فاضلاب برخی مناطق اطراف به رودخانه و استشمام بوی تعفن
۰/۱۴	۲	۰/۰۷	پایین بودن سطح بهداشت به ویژه ضعف در سیستم جمع‌آوری زباله و استاندارد نبودن سطوح‌های زباله
۰/۲۱	۳	۰/۰۷	کمبود راهنما و نقشه راهنما
۰/۲۱	۳	۰/۰۷	عدم کنترل و مدیریت در جلوگیری از تخریب پارک توسط گردشگران
۰/۵۶	۴	۰/۱۴	نبود آب آشامیدنی مناسب داخل پارک‌ها
۰/۱۵	۳	۰/۰۵	دسترسی‌های کنترل نشده به محوطه پارک‌ها
۰/۰۸	۲	۰/۰۴	کمبود نیروی امنیتی در داخل پارک (پرسنل حراست پارک)
۰/۱۲	۲	۰/۰۶	ساماندهی نامناسب نیروهای خدماتی
۰/۰۸	۲	۰/۰۴	پرتگاه بودن ساحل رودخانه بشار در امتداد پارک‌های مهرورزی و ساحلی و امکان خطر برای گردشگران
۰/۲۱	۳	۰/۰۷	وجود حس ناامنی در گردشگران و احساس نبود امنیت در پارک‌ها
۳/۱۵		۱	مجموع

جدول ۵. عوامل خارجی در ارزیابی شرایط گردشگری پارک‌های مورد مطالعه

عوامل خارجی (EFA)			
امتیاز	درجه بندی	وزن	فرصت‌ها (O)
۰/۲۴	۳	۰/۰۸	تأسیس کمپ چندمنظوره ورزشی (زمین تنیس، استخر، سالن بدن‌سازی)
۰/۲۱	۳	۰/۰۷	بهره‌گیری از تبلیغات مناسب (تهیه بروشور و پیام بازرگانی) برای معرفی پارک‌ها به گردشگران
۰/۳۹	۳	۰/۱۳	ایجاد بازارچه و نمایشگاه‌های محصولات محلی (حفظ صنایع دستی - سنتی و رسوم و آداب بومی)
۰/۷۵	۵	۰/۲۵	اشتغال‌زایی و درآمدزایی برای مردم شهر یاسوج
۰/۳	۳	۰/۱	مبادله فرهنگی بین مردم محلی و گردشگران
۰/۲۴	۳	۰/۰۸	تبلیغات وسیع در سطح ملی و بین‌المللی معرفی پارک‌ها به گردشگران
۰/۳	۳	۰/۱	ارائه برنامه مدون برای گردشگری (برنامه‌ریزی صحیح در زمینه استفاده مناسب از مناطق مستعد کمپ در پارک‌ها)
۰/۷۶	۴	۰/۱۹	جذب مشارکت بخش خصوصی در زمینه گردشگری (مستعد بودن پارک‌های شهر یاسوج جهت سرمایه‌گذاری برای ایجاد کمپ گردشگری)
۳/۱۹		۱	مجموع

عوامل خارجی (EFA)			
تهدیدها (T)			
۰/۲۴	۳	۰/۰۸	مدیریت نامناسب آب مصرفی برای فضای سبز پارک‌ها
۰/۱	۲	۰/۰۵	اتلاف منابع آب به دلیل تجهیزات خراب یا شکسته (با وجود شرایط بحرانی خشکسالی)
۰/۲۴	۳	۰/۰۸	تأثیرپذیری فرهنگ سنتی محلی از الگوهای نامناسب گردشگران
۰/۱۴	۲	۰/۰۷	کمبود نیروی انسانی آموزش دیده در زمینه گردشگری برای مشاغل موجود در پارک‌ها
۰/۴۵	۳	۰/۱۵	برپایی چادر در مکان‌های نامناسب و آسیب به فضای سبز و تخریب پارک‌ها
۰/۲۴	۳	۰/۰۸	وجود تعارض فرهنگ گردشگران و مردم محلی
۰/۲۱	۳	۰/۰۷	بی‌توجهی به تجارب جهانی و داخلی برای ارتقای گردشگری
۰/۵۷	۳	۰/۱۹	شلوغی - ازدحام و ترافیک وسایل نقلیه (اذیت شدن مردم محلی)
۰/۵۶	۴	۰/۱۴	نبود ابزار مدیریتی قدرتمند و نظارت بر خدمات گردشگری (عدم هماهنگی و همفکری بین سازمان‌ها مرتبط با گردشگری)
۰/۲۷	۳	۰/۰۹	از بین رفتن مشاغل اساسی و اصلی مردم و جایگزین شدن آن‌ها به وسیله مشاغل فصلی
۳/۲۶		۱	مجموع

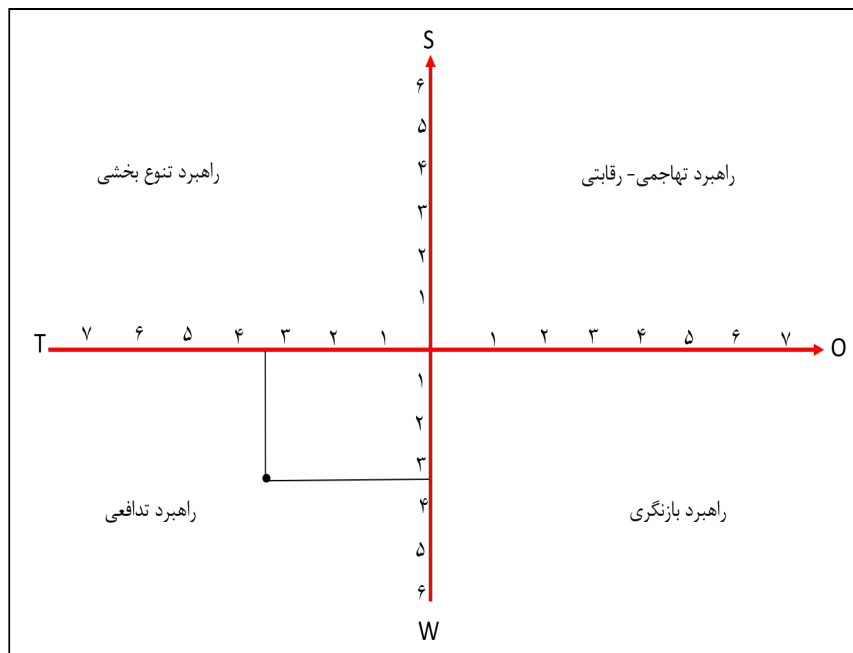
در جدول ۶ ترکیب عوامل داخلی و خارجی شرایط گردشگری‌های پارک‌های شهری مورد مطالعه نشان داده شده است.

جدول ۶. ترکیب عوامل داخلی و خارجی شرایط گردشگری پارک‌های مورد مطالعه

عوامل داخلی		عوامل خارجی	
S	W	O	T
۲/۹۸	۳/۱۵	۳/۱۹	۳/۲۶
مجموع = ۶/۱۳		مجموع = ۶/۴۵	
مجموع ضرایب عوامل			
SO	WT	ST	WO
۶/۱۷	۶/۴۱	۶/۲۴	۶/۳۴

تدافعی (W-T) است (شکل ۵). بنابراین، راهبردهای تدافعی که در راستای تبدیل ضعف‌ها به قوت و تهدیدها به فرصت است در جدول ۷ ارائه شده است.

با توجه به جدول ۶، امتیاز ارزیابی شرایط گردشگری پارک‌های مورد مطالعه در شهر یاسوج برای عوامل داخلی ۶/۱۳ و برای عوامل خارجی ۶/۴۵ محاسبه شده است و لذا باید عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) نقش مهمتری در تعیین نوع استراتژی برای بهبود و توسعه گردشگری در پارک‌های مورد مطالعه داشته باشد. بر اساس محاسبه مجموع ضرایب عوامل داخلی و خارجی مشخص شد که نوع استراتژی متناسب با شرایط گردشگری موجود، استراتژی



شکل ۵. نمودار تعیین استراتژی توسعه گردشگری در پارک‌های مورد مطالعه

جدول ۷. راهبردهای بهبود شرایط و توسعه گردشگری در پارک‌های مورد مطالعه

راهبردهای تدافعی (W-T)
بالا بردن آگاهی شهروندان و گردشگران در جهت کنترل و جلوگیری از تخریب و آلوده کردن منابع پارک‌ها و حفظ و حراست جاذبه‌های گردشگری آن‌ها
طراحی وبسایت اینترنتی برای معرفی پارک‌های مورد مطالعه
توجه به جنبه‌های بهداشتی و نظافت در پارک‌ها با ایجاد امکانات جمع‌آوری زباله و دیگر امکانات بهداشتی در پارک‌ها
تقویت امنیت و حس امنیت در پارک‌ها با دادن امکانات امنیتی ویژه به پارک‌ها و محیط‌های اطراف پارک‌ها
مکان‌یابی پارک‌های جدید و مکان‌های مناسب کمپ و امکانات و تجهیزات مرتبط گردشگری
اتخاذ رویکرد مدیریتی در راستای آموزش منابع انسانی در زمینه گردشگری و پیگیری برنامه‌های گردشگری سالانه در پارک‌های مورد مطالعه
هم‌افزایی از طریق تلفیق فرهنگ بومی و فرهنگ غیربومی و استفاده از آداب و رسوم دیگر فرهنگ‌ها در جهت تقویت گردشگری شهر یاسوج
توجه به پایداری زیست محیطی از جمله منابع آب، فضای سبز، دفع زباله، زیرساخت‌های سبز و زهکشی پایدار شهری
ارائه برنامه ترافیکی در اطراف پارک‌های گردشگری شهر یاسوج در جهت جلوگیری از ازدحام و ترافیک وسایل نقلیه
ارائه برنامه جامع شغلی در راستای تقویت مشاغل شهروندان بومی شهر یاسوج

پارک‌های مورد مطالعه ظرفیتی معادل ۷۳۲۶۴۳ نفر گردشگر در سال و ۵۴۲۶ نفر در روز را دارند. در واقع، این ظرفیت بدون در نظر گرفتن استانداردهای لازم برای فعالیت چادر زدن است و فقط کل فضای بالقوه یا پتانسیل فعالیت چادر زدن در محاسبات لحاظ شده است و طبیعتاً اگر فضای پارک‌های مورد مطالعه متناسب با استانداردهای فعالیت چادر زدن اصلاح، بازسازی و ساماندهی شود ظرفیت محاسبه‌شده بسیار کمتر خواهد بود. یک محدوده محصور ۲ هکتاری در پارک مهرورزی برای فعالیت چادر زدن نسبتاً استاندارد است که ظرفیت ۲۹۱۷۶ نفر گردشگر در سال و ۲۱۶ نفر گردشگر در روز را دارد که حدود ۴ درصد

■ بحث و نتیجه‌گیری

در مطالعه حاضر ظرفیت برد گردشگری پارک‌های شهر یاسوج برای فعالیت چادر زدن محاسبه و ارزیابی شده است. طی پیمایش‌های میدانی با هدف بررسی شرایط پارک‌های مورد مطالعه مشاهده شد که جز در یک سطح محصور کوچک که در حال حاضر نیز غیرفعال است، شرایط استاندارد برای فعالیت چادر زدن وجود ندارد، با این حال گردشگران مدام اقدام به چادر زدن در سطح پارک‌های مورد مطالعه در شهر یاسوج در دوره‌های زمانی مناسب سال می‌کنند. محاسبه ظرفیت برد با استفاده از مدل داگلاس نشان داد

فرصتهایی از جمله اشتغال زایی و درآمدزایی برای شهر یاسوج (امتیاز ۰/۷۵) و جذب مشارکت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری (امتیاز ۰/۷۶) از مهم‌ترین فرصت‌های گردشگری پارک‌های مورد مطالعه هستند. شلوغی، ازدحام و ترافیک بیش از حد (امتیاز ۰/۵۷) و نبود ابزارهای مدیریتی قدرتمند و نظارت بر خدمات گردشگری (امتیاز ۰/۵۶) نیز تهدیدهای بزرگی برای مدیریت صحیح پارک‌ها هستند. بر اساس محاسبه مجموع ضرایب عوامل داخلی و خارجی مشخص شد که باید عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) نقش مهم‌تری در تعیین نوع استراتژی برای بهبود و توسعه گردشگری در پارک‌های مورد مطالعه داشته باشد.

در مطالعه‌ای مشابه جهانگیر [۶] در بررسی صنعت طبیعت‌گردی در پارک خورشید مشهد نشان داد قوت‌ها و فرصت‌ها از ضعف‌ها و تهدیدها بیشتر بوده است. نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه زمانی و عزیز [۲۵] با عنوان «راهکارهای راهبردی توسعه گردشگری در شهر کوزان»، بیانگر چیرگی ضعف‌ها نسبت به قوت‌ها از یک سو و برتری فرصت‌ها نسبت به تهدیدها از سوی دیگر است. مشخص شد که نوع استراتژی متناسب با شرایط گردشگری موجود در پارک‌های مورد بررسی، استراتژی تدافعی (W-T) است. مطالعه بهزادی و همکاران [۲۶] در تدوین و اولویت‌بندی راهبردهای توسعه پایدار گردشگری در استان یزد نشان داد بخش گردشگری استان یزد در موقعیت تدافعی (W-T) قرار دارد. پورمحمدی و همکاران [۲۷] در ارزیابی و تدوین استراتژی‌های توسعه پایدار در شهرستان بانه نیز نشان دادند بخش گردشگری شهرستان بانه در راستای توسعه پایدار گردشگری به لحاظ محیط درونی با ضعف‌های زیادی و به لحاظ محیط بیرونی با تهدیدهایی روبه‌رو است که در صورت اتخاذ استراتژی‌های تدافعی (W-T) می‌توان به نتایج مطلوبی رسید. جهانگیر و همکاران [۸] در ارزیابی توان اکوتوریسمی پارک چمران در کرج، استراتژی تهاجمی - رقابتی را به عنوان مؤثرترین استراتژی مشخص کردند.

در خصوص همسویی یا عدم همسویی نتایج این مطالعه باید پژوهش‌های پیشین انجام‌شده باید گفت که بررسی‌ها نشان می‌دهد بنا به وضعیت منطقه‌ای هر پارک به لحاظ امکانات و خدمات و نحوه مدیریت آن شرایط متفاوت خواهد بود و هر منطقه قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای مربوط به خود را دارد اگر چه مرور منابع نشان می‌دهد شرایط گردشگری در اغلب پارک‌های شهری یک حالت تدافعی است. در بررسی کلی پارک‌های مورد مطالعه و میزان استقبال گردشگران، در نگاه اول به نظر می‌آید که پارک‌های شهر یاسوج شرایط مناسبی برای گردشگری دارند اما با بررسی همه عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) و تحلیل آن‌ها در کنار هم مشخص شد که اتفاقاً ضعف‌ها بر قوت‌ها و تهدیدها بر فرصت‌ها برتری دارد و برای مدیریت گردشگری پارک‌ها در حال حاضر باید نوعی راهبرد تدافعی برای مقابله با ضعف‌های درونی و تهدیدهای بیرونی اتخاذ کرد.

مشارکت نویسندگان

سه‌م مشارکت نویسندگان در این مقاله یکسان بوده است.

تشکر و قدردانی

این مقاله حامی مالی و معنوی ندارد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع نویسندگان بیان نشده است.

تعداد گردشگرانی است که در فضای غیر استاندارد مبادرت به چادر زدن در پارک‌های مورد مطالعه می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد محاسبه ظرفیت برد در هر نوع مقصد گردشگری با توجه به قابلیت‌ها، ویژگی‌ها و اولویت‌های مدیریتی آن منطقه متفاوت است [۷]. شیرانی سرمازه و همکاران [۷] عدم تناسب میان امکانات موجود و ظرفیت برد را موجب استفاده بیش از حد از سوی گردشگران می‌دانند که با توجه به نبود فضای استاندارد و کافی برای گردشگران در پارک‌های شهر یاسوج می‌توان گفت که تخریب پارک‌ها یک موضوع مهم در بحث گردشگری در شهر یاسوج است.

در مطالعه حاضر می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که سازمان‌های متولی شهری و گردشگری صرفاً اقدام به توسعه‌های فیزیکی معمول و ایجاد یک امکانات و شرایط حداقلی می‌کنند و به موضوع گردشگری به صورت دقیق و متناسب با استانداردهای جهانی فکر نمی‌کنند و اگر شرایط به همین منوال پیش برد ضمن اینکه محیط گردشگر پسند این پارک‌ها روزبه‌روز تخریب خواهد شد، تعداد گردشگران نیز کاهش خواهد یافت و از این نظر صدماتی متوجه درآمدزایی و اشتغال شهر خواهد شد. لازم است پیش از طراحی و اجرای زیرساخت‌ها و امکانات گردشگری در پارک‌های شهری، ابتدا اقدام به ظرفیت برد آن شود و طراحی و به‌کارگیری امکانات بر اساس اصول و متناسب با ظرفیت برد اجرا شود [۷]. مفهوم ظرفیت برد یک ابزار مهم در جهت تحقق گردشگری پایدار در چارچوب توسعه پایدار است. عدم توجه به مقوله ظرفیت در صنعت گردشگری، موجب بروز تخریب‌های غیر قابل جبران بر محیط زیست و مناطق گردشگری و همچنین عدم رضایتمندی گردشگران و مردم بومی منطقه گردشگری است.

در برنامه‌ریزی و تحلیل استراتژیک سوات، قوت‌ها و ویژگی‌های داخلی هستند که از دستیابی به اهداف حمایت می‌کنند، در حالی که ضعف‌ها و ویژگی‌های داخلی هستند که مانع پیشرفت می‌شوند. فرصت‌ها، عوامل بیرونی هستند که سازمان می‌تواند از آن‌ها به نفع خود بهره‌برداری کند، در حالی که تهدیدها عوامل خارجی هستند که می‌توانند باعث ایجاد مشکل شوند. با جمع‌آوری قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها، ماتریس سوات شکل می‌گیرد. در واقع این ماتریس به تجسم چگونگی همسویی قوت‌ها و ضعف‌های داخلی با فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی کمک می‌کند. ماتریس برای توسعه استراتژی‌هایی استفاده می‌شود که از قوت‌ها برای بهره‌برداری از فرصت‌ها، کاهش ضعف‌ها و دفاع در برابر تهدیدها استفاده می‌کند [۲۳]. این راهبردها شامل راهبرد S-O، تمرکز بر قوت‌های درونی و فرصت‌های بیرونی است (راهبرد حداکثر - حداکثر)، در حالی که در راهبرد S-T تمرکز بر قوت‌های درونی و تهدیدهای بیرونی است (راهبرد حداکثر - حداقل). در راهبرد W-O تأکید بر ضعف‌های درونی و بهره‌گیری از فرصت‌های بیرونی (راهبرد حداقل - حداکثر) و در راهبرد W-T با ضعف‌های درونی و تهدیدهای بیرونی مقابله می‌شود (راهبرد حداقل - حداقل). در تحلیل مدل سوات، گام نهایی ایجاد تناسب استراتژیک بین قابلیت‌های داخلی و امکانات خارجی است. در واقع، این گام تدوین استراتژی‌هایی است که منابع و قابلیت‌های سازمان را با محیط خارجی برای دستیابی به اهداف استراتژیک همسو می‌کند [۲۴].

در همین راستا در این پژوهش ابتدا عوامل داخلی شامل قوت‌ها و ضعف‌ها (جدول ۴) و سپس عوامل خارجی شامل فرصت و تهدید (جدول ۵) پارک‌های مورد مطالعه در شهر یاسوج جمع‌آوری شده است. موقعیت استراتژیک پارک‌ها در ورودی شهر و دسترسی سریع به مرکز شهر (امتیاز ۱) از مهم‌ترین قوت‌ها است که موقعیت ممتازی برای جذب گردشگران فراهم می‌کند. برخورداری از سکوت و آرامش کنار رودخانه و چشم‌انداز زیبای آن در امتداد پارک‌ها (امتیاز ۰/۷۸)، وجود مناظر و چشم‌اندازها از پارک‌ها به طبیعت اطراف شهر (امتیاز ۰/۶۶) از قوت‌های کلیدی پارک‌ها هستند. کمبود شدید امکانات رفاهی و بهداشتی (امتیاز ۰/۸۸) مهم‌ترین ضعف پارک است که باید برطرف شود. سایر ضعف‌ها از قبیل نبود آب آشامیدنی مناسب (امتیاز ۰/۵۶) باید رفع شود.

- [1] Li J. Wang Y. Evaluation of Urban Tourism Carrying Capacity Based on Analytic Hierarchy Process Optimizing BP Neural Network. *Computational Intelligence and Neuroscience*. 2022, Article ID 5991381, 11 pages, 2022. <http://dx.doi.org/10.1155/2022/5991381>
- [2] Tan Q. Research on sustainable carrying capacity of urban tourism environment based on multi-objective optimization algorithm. *Results in Engineering*. 2023, Article ID 101344, 19 pages, 2023. <https://doi.org/10.1016/j.rineng.2023.101344>
- [3] Timothy D. J. *Aspect of Tourism Shopping Tourism*. Retailing and Leisure. Channel View Publications, Toronto. Vol 2005, Article ID 5988455, 3 pages, 2005. <http://dx.doi.org/10.21832/9781873150610>
- [4] Phuc H. N. & Nguyen, H. M. The importance of collaboration and emotional solidarity in residents' support for sustainable urban tourism: Case study Ho Chi Minh City. *Journal of Sustainable Tourism*. 2023, Vol 2023, Article ID 255456, 19 pages, 2023. <http://dx.doi.org/10.4324/9781003413196-4>
- [5] Movahed A. Urban Tourism. *Journal of Faculty of Literature and Human Sciences*. 2014. 1(1). [10.22059/jut.2022.329263.940](https://doi.org/10.22059/jut.2022.329263.940) [In Persian].
- [6] Jahangir M. Assessing and analyzing the state of the nature tourism industry in urban parks and presenting a strategic plan with the help of SWOT matrix (Khorshid Park Mashhad case study). *Environmental Science and Technology*. 2018, 21 (12); 181-196. <https://doi.org/10.22034/jest.2020.22128.3116> [In Persian].
- [7] Shirani Sarmazeh N. Sabzeghabaei G. Shirani N. Dashti S. Estimation of Tourism Carrying Capacity in Urban Parks. Case Study: Khaleej- Fars Park of Foulad Shahr. *Biannual Journal of Urban Ecology Researches*. 2019. 10(19): 67-86. <https://sid.ir/paper/377642/en> [In Persian].
- [8] Jahangir M. Zahedi S. Mousavi Reine S M. Evaluation of the ecotourism potential of Chamran Karaj Park using SWOT model and stakeholder matrix. *Quarterly Journal of Economics and Urban Planning*, 2019. 9 (4): 226-234. <https://dori.net/dor/20.1001.1.28.212118.1399.1.4.4.4> [In Persian].
- [9] Arab Khazaeli P. Vahabzadeh Kobriya G. Mousavi S R. Zandi J. Estimation of the range capacity of the resort in the Mamatke mineral watershed park in Sanandaj. *Land management*. 2023. 31-42: (1)11. <https://doi.org/10.22092/lmj.2022.127533> [In Persian].
- [10] Darbiki M. Arazzadeh Y. Naseri F. Estimating the capacity of tourism in the resorts of Golestan National Park. *Geographical Research Quarterly*, 2023. 37(3): 365-372. <http://georesearch.ir/article-1-1516-en.html> [In Persian].
- [11] Sobhani P. Danehkar A. Estimating the range capacity of nature tourism in the mangrove forests of Khmer and Qeshm. *Iranian Forest Journal*. 2023.15(3): 377-392. <https://doi.org/10.22034/ijf.2023.377077.1911> [In Persian].
- [12] Tabibeian S. Examining the ecological attractions of the protected areas around Tehran with an emphasis on tourism tolerance (case example: Vargin). *Scientific Quarterly of Urban Ecology Research*. 2023, 15(2):35. <https://doi.org/10.30473/grup.2023.62460.2679> [In Persian]
- [13] Zhang M. Liu Y. Wu J. Index system of urban resource and environment carrying capacity based on ecological civilization, Jan, *Environ. Impact Assess.* 2018. Vol 2018, Article ID 68, 7 pages, 2018. <http://dx.doi.org/10.1016/j.eiar.2017.11.002>
- [14] Saraikina S. Lyudmila. Sotova Anastasia. Sotova L. Ustinova A. I. Saransk parks as recreational facilities. *Research Result. Business and Service Technologies*. 2022, Vol 2022, Article ID 8, 7 pages, 2022. <http://dx.doi.org/10.18413/2408-9346-2022-8-3-0-4>
- [15] Kang N. Assessing Tourism Carrying Capacity Based on Visitors' Experience Utility: A Case Study of Xian-Ren-Tai National Forest Park, China. *Forests* 2023, 14, 1694. <https://doi.org/10.3390/f14091694>
- [16] Ahmad B E. Abdullah M F. Roslan M N H. Yusoh M P. Salleh S A. Pardi F. The Potential of Tourism Sustainability through SWOT Analysis: The Case study of Pahang National Park, Malaysia. *IOP Conf. Series: Earth and Environmental Science*. 2024, Vol 2024, Article ID 012007, 8 pages, 2024. <http://dx.doi.org/10.1088/1755-1315/1316/1/012007>
- [17] Ainur Rahma L. Rachmad H. Rachmawati E. Smart Tourism Development for Recreation in Pesanggrahan Sangga Buana Urban Forest. *South Jakarta. Media Konservasi*. 2024. Vol 2024, 12 pages, 2024. <https://doi.org/10.29244/medkon.29.2.148>
- [18] Soemarwoto O. *Ecology, Environment and Development (Ekologi, Lingkungan Hidup dan Pembangunan)*. Jakarta: Djambatan. Widina, 1991. <https://lib.fkm.ui.ac.id/detail.jsp?id=83057>
- [19] Douglass R.W. *Forest Recreation*. Pergamon Press New York Oxford Toronto Sydney Paris Frankfurt, Third Edition, 1982. <https://doi.org/10.1177/030913257700100217>
- [20] Armin M. Gurbania Khyberi V. Azimi E. Investigating the capabilities of tourism climate in Kohgiluyeh and Boyer Ahmad provinces. *Scientific Quarterly of Urban Ecology Research*. 2022, 12(3). 24. <https://doi.org/10.30473/grup.2021.8657> [In Persian].
- [21] Movahed A. Kohzadi S. Analysis of factors affecting tourism development in Kurdistan province using SWOT model. *Research and Planning Quarterly*. 2010, 1(2): 102-85. [In Persian] [https://sid.ir/paper/220123/fa.102-85.\(21](https://sid.ir/paper/220123/fa.102-85.(21)
- [22] Seyyed Javadin S. Analysis of human resources in government agencies of lam province using SWOT technique (human resources strategy). *International Strategic Management Conference*. Razi International Conference Hall, Tehran. 2018. <https://civilica.com/doc/81142> [In Persian].
- [23] Moray C. Rondonuwu S. Ipteks Analisis SWOT Tentang Perkembangan Pasar Pinasungkuan Sagerat, *Jurnal Ipteks Akuntansi Bagi Masyarakat*. 2018, vol. 02, No. 02.20 pages, 2018. <https://doi.org/10.32400/jiam.2.02.2018.21699>
- [24] Nurrahmat M.H. Sunindyo W.D. Determining External Factors Analysis Summary (EFAS) Metric for Company External Factors Using Online News Titles. *2019 5th International Conference on Science and Technology (ICST)*. 2019. Vol 2019, 18 pages, 2019. <http://dx.doi.org/10.1109/ICST47872.2019.9166211>
- [25] Zamani Z. Azizi N. Strategic solutions for tourism development using SOWT model (Case study: Kozran city). *Journal of Geography and Human Relations*. 2019, 1(3): 191-202. <https://civilica.com/doc/886301> [In Persian].
- [26] Behzadi S. Rahnama M R. Javan J. Anabestani A A. Development and prioritization of tourism sustainable development strategies using combined SWOT-QSPM analysis (Case of study: Yazd province). *Journal of Geography and Regional Development*. 2023. <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.49726.0> [In Persian].
- [27] Pourmohammadi M R. Naeimi K. Irani A. Evaluation and formulation of sustainable tourism development strategies using SWOT and IEA techniques (Case study: Baneh city). 2015, 2(3): 305-319. <https://www.doi.org/10.22059/jut.2015.58451> [In Persian].

procedures and sequential exploratory design, utilizing qualitative and quantitative methods in succession. The operational tools of the research consist of two researcher-made questionnaires, one qualitative and one quantitative, where the qualitative section was developed first, and then the quantitative section was formed based on the outputs of the first questionnaire.

The qualitative outputs were used to identify the components of the optimal establishment model for the city of Tiss, and the final establishment model of the city was introduced and explained through the interaction of the quantitative outputs with the qualitative section. The data collection method in the questionnaires involved the use of grounded theory's inductive approach and hierarchical analysis methods in the qualitative and quantitative sections, respectively. For better analysis of these data, two software programs, Maxqda and Expert Choice, were utilized. In the grounded theory section, the classic Glaserian model and the stages of substantive coding, including open coding and selective coding, as well as theoretical coding, were employed. In the analysis of theoretical coding, the strategy family was used to categorize the final categories. The statistical population of the research includes twenty academic and practitioner experts, divided into two groups of ten in both qualitative and quantitative sections.

Findings

The final research model consists of three layers. The first layer has a mixed exploratory nature, combining qualitative and quantitative approaches. In this layer, there are specifically twelve "basic categories" of urban establishment and forty-seven "strategic categories" of urban establishment, which respectively determine the direction of establishment and guide the form and appearance of the city. To this end, in the first step, to operationalize the exploratory mixed research process, twelve basic categories of urban establishment were identified using codes derived from "scientific constructs" and "researcher-generated" codes in grounded theory. These categories were presented to experts for confirmation or enhancement, ultimately leading to the stabilization of the same twelve basic categories of urban establishment due to the lack of aggregation and saturation of new basic categories. The forty-seven "strategic categories" were also identified using expert-centered internal codes. Thus, through two qualitative and quantitative phases, four basic components—"urban

tourist acceptance," "urban livability," "urban infrastructure," and "civic-social dimensions"—received the highest scores among the twelve basic categories, and the strategic sub-criteria for these four components were identified in subsequent steps of the research.

In addition to the first layer, the second and third layers represent the conceptual model of the establishment of the "physical body" and the conceptual model of the establishment of the "coast" of the city of Tiss, respectively. In these two layers, due to the tourism dimensions of Tiss, concepts and categories of tourism were used alongside urban planning concepts and categories. The mechanism of these three layers operates in such a way that they function integrally, with no possibility of separating them from one another, and their implementation also requires the refinement of strategic categories in a case-specific manner. In this context, a set of "cohesive coordinates" and "sustaining coordinates" for the body of the city and the coast of the city have also been incorporated into both the second and third layers, covering the external and internal elements that shape the structure of the city, respectively. For these two models, initially, a single-core establishment model was introduced for each, and from the combination of these two "single-core models," a more comprehensive model named the "dual-core model" emerged, which represents the most complete desirable establishment model for the city of Tiss, encompassing both the desirable establishment model of the city's body and the desirable establishment model of the city's coast in an integrated and unified manner.

Conclusion

The new generation of towns requires special settlement patterns due to their complexity and qualitative approaches. These patterns can have specific orientations based on the unique nature of each of these new towns. Accordingly, based on the findings of the research, the three introduced layers, along with the "single-core" and especially the "dual-core" patterns, present a comprehensive image of the desired settlement pattern for the city of Tiss. These patterns not only explain how the city of Tiss should be settled but also elaborate all the components and elements of these three layers together. In this regard, they can serve as a model for other new-generation towns, including other new tourist-friendly cities such as "Ferdows" and "Tabnak", for discussion and evaluation.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Ghasemi Gharyeh Aali N. Saremi H. Baghdadi A. Explaining the Exploratory Mixed Model of Establishing the New Generation of New Towns (Case Study: Tiss City). *Urban Economics and Planning* Vol 5(2):122-136. [In Persian]

DOI: 10.22034/uep.2024.466504.1513



Explaining the Exploratory Mixed Model of Establishing the New Generation of New Towns (Case Study: Tiss City)*

Original Article

Nasim Ghasemi Gharyeh Aali¹, Hamidreza Saremi^{2}, Arash Baghdadi³**

1- Ph.D. Candidate, Department of Urbanism, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2- Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Arts, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

3- Assistant Professor, Department of Urbanism, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-07-09

Revised: 2024-08-09

Accepted: 2024-08-18

Keywords

Exploratory Mixed Approach
New Generation of New Towns
New Towns
Tiss Town

ABSTRACT

Introduction

Currently, the acceleration of population growth and the increasing rate of urbanization are maintaining their advancing boundaries at both national and global levels. In this regard, there is a need for new intellectual reflections and the utilization of practical capacities from applied sciences such as urban planning and architecture, including the approach to building new towns. These new towns share extensive commonalities with fundamental concepts and categories of urban planning and urbanization, such as "metropolises," "population growth," "housing construction," "quality of life," "self-sufficiency," and "urbanism," and have consistently maintained their connection to these concepts within a cohesive conceptual network. The establishment and construction of new towns, in its twentieth-century sense, is one of the well-known policies in the theoretical and practical realm of urban planning, which is currently being addressed by new generations globally and can be viewed from various angles. In this context, different countries around the world have each moved towards the establishment of twenty-first-century new cities in their own ways. The emergence of newer types and generations of new towns has increased the significance of these settlement patterns due to a transformation in the perspective towards these cities, diversity in goals and approaches, and because of the focus on qualitative dimensions in this category of towns. However, a review of the research literature and the theoretical foundations available in second-generation new towns, especially in Iran, indicates that sufficient and rich guiding research and ideas have not yet been developed, resulting in a scientific gap. Therefore, new-generation towns in Iran require specific settlement models supported by special, precise, and robust theoretical foundations. This research aims to fill the aforementioned knowledge gap and to elucidate the exploratory mixed model for the establishment of new-generation new towns, with a case study of the new city of Tiss.

Materials and Methods

The approach of the present research is a mixed-methods approach among the three types of research approaches, and its nature is applied. In this context, and in line with identifying the optimal exploratory model for the establishment of the new city of Tiss and the components and elements related to it, a mixed-methods strategy has been employed, including sequential mixed-methods

* This article is based on the Ph.D. dissertation of the first author entitled "Explanation of the desired pattern of establishment of new second-generation residential tourism Towns with an emphasis on Grounded theory (Case Study: the new city of Tiss)" under the supervision of the second author and the advice of the third author, which is running in the Islamic Azad University, Shahr-e-Qods Branch.

** Corresponding author: saremi@modares.ac.ir

تبیین الگوی آمیخته اکتشافی استقرار شهرهای جدید نسل نو (مطالعه موردی: شهر تیس)

مقاله پژوهشی

نسیم قاسمی قریه عالی^۱؛ حمیدرضا صارمی^{۲*}؛ آرش بغدادی^۳

۱- پژوهشگر دکتری، گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 ۲- دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
 ۳- استادیار، گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه

در حال حاضر، شتاب جمعیت و افزایش نرخ رشد شهرنشینی مرزهای پیشروی خود را در سطوح ملی و جهانی حفظ کرده و از این نظر نیازمند مجموعه‌ای از تأملات فکری نو و بهره‌گیری از ظرفیت‌های عملی دانش‌های کاربردی همانند شهرسازی و معماری از جمله روی‌آوری به ساخت شهرهای جدید است. این نوشته‌ها اشتراک‌های وسیعی با مقولات و مفاهیم پایه شهرسازی و شهرنشینی همانند «کلان شهرها»، «رشد جمعیت»، «ساخت مسکن»، «کیفیت زندگی»، «خودکفایی» و «شهرگرایی» دارند و به نوعی همواره ارتباط خود را با این مفاهیم در قالب یک شبکه مفهومی منسجم حفظ کرده است. استقرار و احداث شهرهای جدید به معنای قرن بیستمی آن، یکی از سیاست‌های شناخته‌شده در عرصه نظری و عملی دانش شهرسازی است که هم‌اکنون نسل‌های نوین آن در سطح جهانی در دستور کار قرار داشته و می‌توان از زوایای مختلفی به آن نگریست. در این زمینه، کشورهای مختلف جهان هر یک به نوعی به سمت‌وسوی استقرار شهرهای جدید قرن بیست و یکمی حرکت داشته‌اند. تولد گونه‌ها و نسل‌های جدیدتر شهرهای جدید؛ اهمیت این الگوهای استقراربخش را به دلیل تحول در نوع نگاه به این شهرها، تنوع در اهداف و رویه‌ها و نیز روی‌آوری به ابعاد کیفی در این دسته از شهرها را افزایش داده است. با این وجود، نگاهی بر ادبیات تحقیق و نیز مبانی نظری در دسترس در حوزه شهرهای جدید نسل دوم به‌ویژه در سطح کشور ایران نشان می‌دهد تاکنون تحقیقات و ایده‌های جهت‌دهنده مکفی و غنی در این زمینه شکل نگرفته و از این نظر نوعی خلأ علمی وجود دارد. از این نظر، شهرهای جدید نسل نو در ایران نیازمند الگوهای مشخص استقرار با پشتیبانی مبانی نظری ویژه، دقیق و مستحکم است. هدف از این پژوهش نیز پُر کردن خلأ دانشی یادشده و نیز تبیین الگوی آمیخته اکتشافی استقرار شهرهای جدید نسل نو به مطالعه موردی شهر جدید تیس است.

مواد و روش‌ها

رویکرد پژوهش حاضر از میان رویکردهای سه‌گانه پژوهش از نوع رویکرد آمیخته و ماهیت آن کاربردی است. در این زمینه و در راستای شناسایی الگوی مطلوب اکتشافی استقراربخش شهر جدید تیس و ارکان و مؤلفه‌های ناظر بر آن از راهبرد رویکرد آمیخته شامل بر روش‌های ترکیبی زنجیره‌ای (Sequential Mixed Methods Procedures) و راهبرد اکتشافی متوالی (Sequential Exploratory Design) به شکل استفاده متوالی روش‌های کیفی- کمی بهره گرفته شده است. ابزار عملیاتی پژوهش شامل دو پرسشنامه محقق‌ساخته کیفی و کمی است که ابتدا بخش کیفی تدوین و سپس، از برون‌دادهای پرسشنامه اول؛ بخش دوم کمی شکل گرفته است. از برون‌دادهای کیفی به منظور شناسایی مؤلفه‌های الگوی مطلوب استقرار شهر تیس استفاده شده و از تعامل برون‌داد کمی با بخش کیفی نیز الگوی

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

کلمات کلیدی

رویکرد آمیخته اکتشافی

شهر تیس

شهرهای جدید

شهرهای جدید نسل نو

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین الگوی مطلوب استقرار شهرهای جدید مسکونی - گردشگری نسل دوم با تأکید بر نظریه بر خاسته از داده (موردپژوهی: شهر جدید تیس)» به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس در حال تدوین است.
 ** نویسنده مسئول: saremi@modares.ac.ir

شناسایی شدند. علاوه بر لایه اول، لایه دوم و سوم به ترتیب بیانگر الگوی مفهومی استقرار «بدنه کالبدی» و الگوی مفهومی استقرار «ساحل» شهر تیس هستند. در این دو لایه، به جهت ابعاد گردشگری شهر تیس از مفاهیم و مقولات گردشگری در کنار مفاهیم و مقولات شهرسازی استفاده شده است. سازوکار این سه لایه به این صورت است که این سه لایه به صورت یکپارچه عمل کرده و امکان تفکیک آن از یکدیگر وجود نداشته و برای اجرا نیز نیازمند تدقیق سازی مقولات راهبردی به شکل موردی است. در همین راستا، مجموعه‌ای از «مختصات قوام‌بخش» و «مختصات استمراربخش» بدنه شهر و ساحل شهر نیز در هر لایه‌های دوم و سوم تعبیه شده که به ترتیب عناصر بیرونی و عناصر درونی شکل‌دهنده ساختار شهر را پوشش می‌دهند. برای این دو الگو و در ابتدا؛ برای هر یک الگوی تک‌هسته‌ای استقراربخش معرفی شده و از امتزاج این دو «الگوی تک‌هسته‌ای» نیز مدلی جامع‌تر با نام «الگوی دوهسته‌ای» پدیدار شده که به نوعی کامل‌ترین الگوی مطلوب استقرار شهر تیس را شامل بر الگوی مطلوب استقرار بدنه شهر و الگوی مطلوب استقرار ساحل شهر را به صورت تجمیع می‌شود و یکپارچه نمایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

شهرهای جدید نسل نو نیازمند الگوهای ویژه استقرار به دلیل پیچیدگی و رویکردهای کیفی هستند که این الگوها می‌توانند با توجه به ماهیت ویژه هر یک از این نوشهرها جهت‌گیری خاص خود را داشته باشند. بر این اساس و بنا به یافته‌های پژوهش، سه لایه معرفی شده با یکدیگر و الگوهای «تک‌هسته‌ای» و به‌ویژه الگوی «دوهسته‌ای» معرفی شده؛ سیمایی جامع از الگوی مطلوب استقرار شهر تیس را بیان می‌کنند. این الگوها، علاوه بر قابلیت تبیین چگونگی استقرار شهر تیس به تشریح تمامی ارکان و عناصر این سه لایه پرداخته و از این نظر می‌توانند به عنوان یک نمونه برای سایر شهرهای جدید نسل نو از جمله سایر شهرهای جدید گردشگری نسل نو همانند فردوس و تاناک مطرح و ارزیابی شوند.

نهایی استقرار شهر معرفی و تبیین شده است. روش گردآوری داده‌ها در پرسشنامه‌ها شامل بر استفاده از فن استقرایی نظریه داده‌بنیاد و روش تحلیل سلسله‌مراتبی به ترتیب در دو بخش کیفی و کمی است که برای تجزیه و تحلیل بهتر این داده‌ها نیز از دو نرم‌افزار مکس کیو دا (Maxqda) و انتخاب خبره (Expert Choice) استفاده شده است. در بخش نظریه داده‌بنیاد از الگوی کلاسیک گلیزری و مراحل کدگذاری جوهری شامل دو بخش کدگذاری مستقل باز و کدگذاری انتخابی و نیز کدگذاری نظری استفاده شده و در بخش تجزیه و تحلیل کدگذاری نظری نیز از خانواده راهبردشناسی (Strategy Family) به منظور دسته‌بندی مقولات نهایی کمک گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش نیز شامل بر ۲۰ خبره دانشگاهی و خبره حوزه اجرا در قالب دو گروه ۱۰ نفره در هر دو بخش کیفی و کمی است.

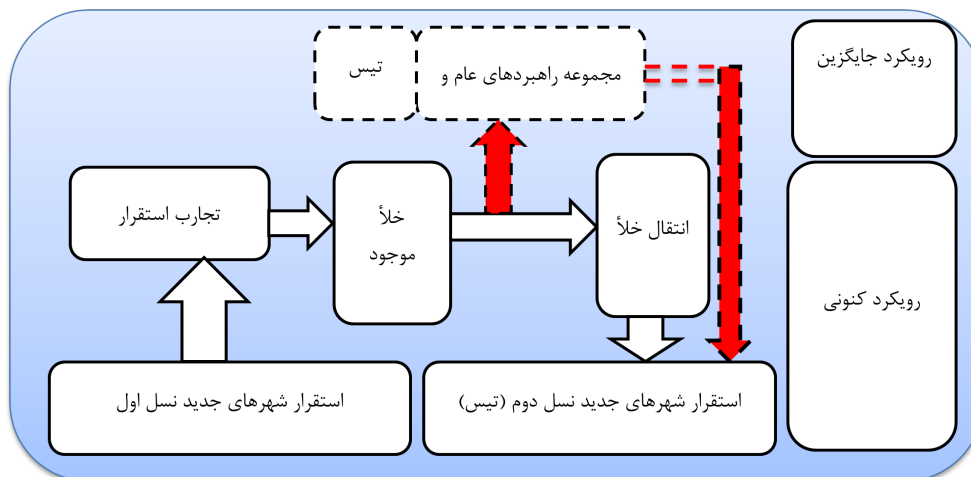
یافته‌ها

الگوی نهایی پژوهش دارای سه لایه است. لایه اول ماهیت آمیخته اکتشافی کیفی- کمی دارد. در این لایه به طور مشخص ۱۲ «مقوله پایه» و ۴۷ «مقوله راهبردی» استقرار شهر وجود داشته که به ترتیب تعیین‌کننده سمت‌وسوی استقرار و جهت‌دهنده به شکل و شمایل شهر هستند. به این منظور، در گام نخست برای عملیاتی‌سازی فرایند اکتشافی آمیخته پژوهش ابتدا به کمک کدهای برگرفته از «سازهای علمی» و کدهای «پژوهشگر ساز» در نظریه داده‌بنیاد، ۱۲ مقوله پایه استقرار شهر شناسایی و به عنوان محورهای اصلی استقرار شهر تیس در اختیار خبرگان به منظور تأیید و یا افزایش مقولات قرار داده شد که در نهایت به دلیل عدم تجمیع و اشباع مقوله پایه جدید؛ همان ۱۲ مقوله پایه استقرار شهر تثبیت شد. ۴۷ «مقوله راهبردی» نیز به کمک کدهای درونی خبره‌محور شناسایی شدند. به این ترتیب، طی ۲ مرحله کیفی و کمی، ۴ مؤلفه پایه «گردشگری پذیری شهری»، «زیست‌پذیری شهری»، «زیرساخت‌های شهری» و «ابعاد مدنی- اجتماعی» به ترتیب بیشترین امتیازها را از بین ۱۲ مقوله پایه به دست آورده‌اند و زیرمعیارهای راهبردی این ۴ مؤلفه نیز در گام‌های بعدی پژوهش

مقدمه

که در مجموع، می‌توان از آن‌ها با عنوان الگوی استقرار شهر (An Establishment Pattern of a City) یاد کرد. تولد گونه‌ها و نسل‌های جدیدتر شهرهای جدید؛ اهمیت این الگوهای استقراربخش را به دلیل تحول در نوع نگاه به این شهرها، تنوع در اهداف و رویه‌ها و نیز روی آوری به ابعاد کیفی در این دسته از شهرها را افزایش داده است. با این وجود، نگاهی بر ادبیات تحقیق و نیز مبانی نظری در دسترس در حوزه شهرهای جدید نسل دوم در ایران نشان می‌دهد تا کنون تحقیقات و ایده‌های جهت‌دهنده مکفی و غنی شکل نگرفته و از این نظر نوعی خلأ علمی وجود دارد. به طور مشخص، در این زمینه بررسی اسناد و متون موجود نشان‌دهنده وجود یک جریان تاریخی و یا یک روند زمانی معنادار و هدفمند به عنوان اسناد‌های استقرار و احداث این دسته از شهرها تحت عنوان «نوشهرهای نسل جدید» نیست و بر همین اساس هیچ‌گونه اسناد بالادستی یا اسناد راهبردی مصوبی در این زمینه قبل از آغاز ایده «نوشهرهای نسل دوم» تا سال ۱۳۹۲ خورشیدی به این منظور تدوین نشده است [۱۰]. این نقیصه هم در آرای نظری شهرهای گردشگرمحوری همانند شهر تیس در استان سیستان و بلوچستان مشاهده می‌شود و هم می‌توان به صورت عام برای تمامی شهرهای نسل نو این کمبودها را ردیابی کرد. از این نظر، شهرهای جدید نسل نو در ایران نیازمند الگوهای مشخص استقرار با پشتیبانی مبانی نظری ویژه، دقیق و مستحکم است. این خلأ نه تنها از منظر دانشی مورد توجه است، بلکه به دلیل چرخش نسل شهرهای اول به نسل دوم در ایران؛ این خلأ جبران نشده می‌تواند سبب امتداد شکل‌گیری مجموعه‌ای از ملاحظات و مختصات استقراربخش در شهرهای جدید نسل نوین باشد که قبلاً در خصوص شهرهای نسل اول با عدم کارایی در حوزه‌های مختلف استقرار شهر از کالبد و جمعیت و فضا روبه‌رو بوده و تحقیقات متعددی نیز به این مجموعه از نقایص یادشده استناد داشته‌اند [۷، ۱۱، ۱۲]. در این پژوهش به طور مشخص همین خط سیر فکری نظری جایگزین استقراربخش شهر دنبال شده و به صورت عملیاتی نیز به صورت یک نمونه موردی پیاده شده است. شکل ۱ خلأ شناسایی شده در حوزه استقرار شهر جدید نسل دومی تیس و رویکرد جایگزین آن را بر مبنای مستندات یادشده نمایش می‌دهد که در کانون توجه این پژوهش قرار داشته است.

در حال حاضر، شتاب جمعیت و افزایش نرخ رشد شهرنشینی مرزهای پیشروی خود را در سطح جهانی حفظ کرده و از این نظر نیازمند مجموعه‌ای از تأملات فکری نو است. شهرهای جدید، یکی از قابلیت‌ها و سیاست‌های مهم در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری از قرن بیستم تا کنون محسوب می‌شود که می‌توان از زوایای مختلفی به آن نگریست. شهرهای جدید از این نظر دارای اشتراک‌های وسیعی با مقولات و مفاهیم پایه شهرسازی و شهرنشینی همانند «کلان‌شهرها»، «رشد جمعیت»، «ساخت مسکن»، «کیفیت زندگی»، «خودکفایی» و «شهرگرایی» داشته و به نوعی همواره ارتباط خود را با این مفاهیم در قالب یک شبکه مفهومی منسجم حفظ کرده است. از آن زمان تا کنون، شکل‌ها و نسل‌های مختلفی از شهرهای جدید در سرتاسر جهان [۱] و از جمله در قالب انواعی از «شهرهای برنامه‌ریزی شده» تا «شهرهای برنامه‌ریزی نشده» در چند دهه اخیر در ایران پدیدار شده است [۲]. تنوع نسل‌های جدیدتر به دلیل جایگاه کلان این شهرها در سیاست‌های ملی کشورهای مختلف بازگشته و در این زمینه، کشورهای مختلف جهان هر یک به نوعی به سمت‌وسوی استقرار شهرهای جدید قرن بیست و یکمی حرکت داشته‌اند. کانون تمرکز این پژوهش، بر تجربه شهرهای جدید شکل گرفته پس از سال ۱۳۶۸ و نسل دوم متولدشده آن در سال‌های نزدیک به ۱۴۰۰ خورشیدی است که با عناوین نسل‌های اول و دوم شهرهای جدید در ایران شناخته می‌شوند. مطابق با منابع و تحقیقات موجود؛ ارزیابی‌های مستمری از چگونگی استقرار این سیاست در مقیاس بین‌المللی [۳-۵] و مقیاس ملی [۶-۸] وجود داشته و به دنبال تولد نسل‌های جدیدتری از شهرهای جدید در قرن بیست و یکم این روند تداوم نیز خواهد داشت [۹]. به بیانی، تجربه غنی یک صدساله استقرار و احداث شهرهای جدید به‌ویژه شهرهای جدید نسل اول دارای مجموعه‌ای از نقاط عطف و نقاط شکست در سرتاسر جهان بوده که ارزیابی‌های نو از آن در قالب بازخوانی تجارب استقرار شهرهای جدید می‌تواند آموزه‌های مهم نظری و کاربردی را در این زمینه معرفی کند. در این راستا و مطابق با ادبیات رشته برنامه‌ریزی شهری؛ شهرها و به‌ویژه شهرهای جدید؛ نیازمند مجموعه‌ای از ملاحظات و مختصات پایه‌ای و محوری قبل از احداث با تمرکز بر مواردی همانند جهت‌گیری شکل شهر و فرایند ساخت شهر هستند



شکل ۱. خلأ شناسایی شده در استقرار شهر جدید نسل دومی تیس و رویکرد جایگزین آن

پیشینه تحقیق

احداث شهرهای جدید یکی از سیاست‌های شناخته‌شده در عرصه دانش شهرسازی است که دارای خاستگاه و زمینه‌های خاص خود از لحاظ

بر مبنای آنچه شرح داده شد، سؤال این پژوهش عبارت است از: الگوی مطلوب اکتشافی استقراربخش شهر جدید نسل دومی مسکونی- گردشگری تیس کدام است و ارکان و مؤلفه‌های آن کدام است؟

منظور از شهرهای جدید؛ اجتماعی خودبسنده با جمعیت و مساحت مشخص، دارای فاصله‌ای معین از «مادرشهر»، برنامه‌ریزی شده و از پیش تعیین شده، با اهدافی معین و برخوردار از تمام تسهیلات لازم برای یک محیط مستقل است [۱۸]. در تعاریف قانونی از جمله «قانون ایجاد شهرهای جدید» مصوب ۱۳۸۰ نیز؛ «شهر جدید» به محدوده‌های جمعیتی مستقل حداقل ۳۰ هزار نفری در خارج از محدوده قانونی و حریم استحقاقی شهرها استناد شده است [۱۹]. با این حال، این تعاریف موجود با توجه به تعدد نسل‌های پیش رو و چرخش در اهداف و کارکرد مدنظر شهرهای جدید نیازمند بازنگری در آینده است. به طوری که از منظری چشم‌انداز گونه؛ تداوم ایده باغ‌شهرها در ابتدا نمود خود را به صورت ساخت شهرهای جدید در قالب یک سیاست اضطراری توسعه شهری (Emergency Policy of Urban Development) به منظور مقابله با تمرکزگرایی و شهرنشینی شتابان در کلان‌شهرهای بزرگ در قرن بیستم نشان داد، ولی هم‌اکنون بازنمودهایی جدیدتری از این ایده در قرن بیست و یکمی در حال متولد شدن است. سیاست‌های جدیدی که به تولد نسل‌های نوین از جمله شهرهای جدید نسل دوم به بعد در کشورهایی همانند کره جنوبی [۲۰] و یا مصر [۲۱] منجر شده و هم‌اکنون به شکل‌های گوناگونی همانند شهرهای گردشگری پذیر در سایر نقاط جهان حال پیاده‌سازی و اجرا است. بر این مبنا و به عنوان نمونه، گردشگری به یک مبحث اصلی در بین دامنه قلمروهای موضوعی توسعه شهری پایدار بدل شده و به علاوه به دلیل بزرگی مقیاس ارکان و عملکرد به عنوان صنعت نیز شناخته می‌شود. از منظر ابعاد و مقیاس عملکرد؛ عموماً شهرها یکی از کانون‌های فضای شناخته‌شده به منظور توسعه و ترویج مجموعه اقدامات گردشگری محسوب شده و از این نظر می‌توان «گردشگری شهری» را یکی از شاخه‌های مهم در صنعت گردشگری برشمرد. شهرهای جدید نسل نو نیز به‌وضوح از این ظرفیت در حال استفاده برای کارکردهای نو همانند شهرهای جدید گردشگری و یا شهرهای جدید مسکونی- گردشگری در سرتاسر جهان هستند. عموماً از منظر نظری از گردشگری به عنوان یک صنعت بزرگ با رشد سریع و با بازدهی بالا [۲۲] همراه با مزایایی همانند اشتغال‌زایی [۲۳] انباشت و جابه‌جایی سرمایه و فعالیت انسانی و به‌جریان‌اندازی ظرفیت‌های رقابت‌پذیری بوم‌مبنا در راستای رقابت‌پذیری ابعاد سکونتگاه‌های محلی و توسعه منطقه‌ای متعاقب آن [۲۴] یاد می‌شود. در برنامه‌ریزی گردشگری باید عناصر مختلف تشکیل‌دهنده آن همانند اقامت، جاذبه‌ها و یا قلمروهای گردشگری، مدنظر قرار گرفته و در آن، یک سیستم یا یک نظام هماهنگ‌ساز تعریف شود و در عین حال، مجموعه‌ای از هزینه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی ناظر بر آن نیز مد نظر قرار گیرد [۲۵]. عموماً این مهم به کمک نوعی از الگوهای استقرار توسعه گردشگری و با در نظر داشتن یکی از رویکردهای رایج در برنامه‌ریزی توسعه گردشگری همانند «گردشگری پایدار» صورت می‌پذیرد [۲۶]. جدول ۱ به ۱۰ نمونه از شهرهای جدید نسل نوین قرن بیست و یکم در سطح جهانی استناد دارد.

شکل‌گیری اولیه تا تداوم کنونی آن در حال حاضر است. در این راستا، آنچه به زبان علمی دقیق‌تر جنبش شهرهای جدید (New Town Movement) یاد می‌شود معمولاً سرآغاز آن به ایده باغ‌شهرها (Garden City) و ایده پرداز اصلی آن یعنی اینزبر هاوارد (Ebenezer Howard) در کشور انگلستان بازمی‌گردد [۱۳]. شکل‌گیری ایده و احداث شهرهای جدید «باغ‌شهری» در انگلستان و در قرن بیستم نه تنها اهمیت قبلی خود را حفظ کرده، بلکه این سیاست به شکل‌های مختلفی همانند شهرهای جدید اقماری، شهرهای جدید خوابگاهی، شهرهای جدید مستقل و یا در قالب شکل‌های دیگری همانند شهرهای جدید نسل اول، شهرهای جدید نسل دوم و... نیز در سرتاسر جهان در حال پیاده‌سازی است. در این خصوص، ادبیات نظری شهرهای جدید به‌ویژه در سطح جهانی در حال پوست‌اندازی و تولد یک دسته از مفاهیم تخصصی نوینی است که جایگاه شهرهای جدید را در نظام عملی شهرسازی جهان و جایگاه نظری دانش شهرسازی به‌مراتب تقویت کرده است. در این راستا سنت‌های مختلفی از شکل‌گیری عرصه شهرهای جدید تا کنون در سطح جهان شکل گرفته که می‌توان آن‌ها را ذیل دو دسته بزرگ شهرهای نسل قدیم (اول) و شهرهای نسل جدید (دوم، سوم، و... و طبقه‌بندی کرد. در این زمینه، شهرهای جدید نسل قدیم با اهداف عمده‌ای همانند «جذب سرریز جمعیت از منطقه مادرشهر» و «ایجاد کانون‌های اشتغال در شهر جدید» [۲] و شهرهای جدید نسل نوین با اهداف متفاوت‌تر و کیفی همانند ایجاد شهرهای کارآفرین، شهرهای همراه با خوشه‌سازی صنعتی، شهرهای اقتصادی دانش‌بنیان و روی‌آوری به آموزه‌های تحقق‌پذیری شهری و ایده‌های نو در آن همانند خلق فرصت برای توسعه سیاسی، رقابت‌پذیری شهری، اولویت‌دهی به مسائل کیفی بر مسائل کمی و یا شهرسازی مبتنی بر رویکردهای نوینی همانند دوست‌داری محیط زیست و یا بوم‌شهرها [۱۴] شناخته می‌شوند. ایده‌هایی که هریک نیازمند الگوهایی نو به منظور استقرار کامل هستند. از لحاظ آرای پشتیبان نظری نیز هم در شهرهای نسل اول و هم در شهرهای نسل دوم به بعد تنوعی از نظریه‌ها همانند ایده شهرک‌های اقماری [۱۵]، باغ شهرهای سه‌وجهی [۲] و یا برندنینگ مکان به این منظور طرح شده است. از این حیث مجموعه‌ای از نظریه‌های همسو با ساخت شهر جدید را می‌توان در این زمینه در نظر گرفت و به شکل بازتر و بین‌رشته‌ای به آن توجه کرد. از لحاظ نظری؛ جنبش شهرهای جدید را می‌توان به دو رویکرد کلان و عمده «شهریت» یا «شهرگرایی» (Urbanity) و «ضد شهر» یا «ضد شهریت» (Anti-Urbanity) منتسب کرد که به طور مشخص ابعاد اجرایی این ایده یعنی احداث شهرهای جدید با رویکرد متداول شهرگرایی تناسب دارد. در این زمینه، دیدگاه‌های تحلیلی پشتیبانی نیز وجود دارد. به عنوان نمونه، در برداشت‌های نظری و عمومی؛ پدیده «شهر جدید» مؤلفه معتبری از فلسفه شهرگرایی مدرن است [۱۶] و در سیر اندیشه‌های نظری نیز از آرمان‌گرایان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان؛ شهرهای جدید (کوچک) به عنوان جایگزینی برای شهرهای بزرگ مطرح بوده است [۱۷]. در تعاریف کنونی دانشگاهی،

جدول ۱. نمونه بوم شهرهای نوپدید و شهرهای جدید نسل نو در مقیاس جهانی، [۲۷ - ۳۰]

ردیف	نام بوم‌شهر جدید	کشور	ردیف	نام شهر جدید	کشور
۱	باغ‌های دریای سیاه (Black Sea Garden)	بلغارستان	۶	پاژو (Paju)	کره جنوبی
۲	دریاچه می‌اکسی (Meixi Lake)	چین	۷	الالمین (Al Alamein)	مصر
۳	نیاپولیس (Neapolis)	قبرس	۸	پوتراجایا	مالزی
۴	فوجی ساوا (Fujisawa)	ژاپن	۹	جزیره «زیرا»	آذربایجان
۵	کونزو تکنو (Konza Techno City)	کنیا	۱۰	مصدر	امارات متحده عربی

۱۴۲۰ خورشیدی مطرح است که از لحاظ نظری در خور توجه بوده و محورهای آن در جدول ۲ به صورت تجمیعی نشان داده شده است.

در مقیاس داخلی نیز بر اساس سند تاریخ شفاهی شهرهای جدید ایران، شش محور تحت عنوان محورهای کلان چشم‌انداز تحقق شهرهای جدید در سال

جدول ۲. چشم‌اندازهای شش‌گانه نسل نوین شهرهای جدید ایران در افق سال ۱۴۲۰ [۱۰]

ردیف	نام چشم‌انداز	مختصات چشم‌انداز
۱	شماره ۱	متکی بر توان‌بخش خصوصی، منطبق بر برنامه‌ریزی جمعیتی مصوب و کارکردهای متنوع هزاره جدید مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان و توجه به اقتصاد خلاق و نوآوری
۲	شماره ۲	وابسته به امکان‌سنجی و مکان‌گزینی مبتنی بر الگوهای علمی و فنی و حسب ضروریات محلی و منطقه‌ای، مبتنی بر نیازهای واقعی جامعه و روند تحولات مهاجرتی و سکونت کشور در مقیاس کوچک تا بزرگ
۳	شماره ۳	روی‌آوری به تحقق شهرهای چندفرهنگی و همه‌شمول در مسیر ایجاد «حق به شهر» برای گروه‌های مختلف همانند گروه‌های حساس از طریق به‌کارگیری تمام ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مدنی و مشارکت شهروندان در توسعه و اداره شهر
۴	شماره ۴	روی‌آوری به تحقق بوم‌شهرهای دوست‌دار محیط زیست همراه با ارائه بالاترین سطح از پایداری، تاب‌آوری همراه با انطباق‌پذیری با استانداردهای طراحی و معماری
۵	شماره ۵	روی‌آوری به رویکردهای حمل‌ونقل همگانی، سریع، ایمن و ارزان همراه با برخورداری از ظرفیت حمل‌ونقل ملی و منطقه‌ای
۶	شماره ۶	ارائه‌دهنده الگوهای یکپارچه و تحقق شاخص‌های حکمروایی خوب شهری

در همین زمینه، این سند مجموعه‌ای از راهبردها را نیز به‌منظور تحقق چشم‌انداز عمده‌ی گفته‌شده معرفی کرده که در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳. راهبردهای تحقق چشم‌انداز نسل نوین شهرهای جدید ایران در افق سال ۱۴۲۰ [۱۰]

ردیف	نام راهبرد	مختصات راهبرد
۱	شماره ۱	تقویت پایه اقتصادی و تنوع‌بخشی اقتصادی شهرهای جدید با رویکرد کارآفرینی و رقابت‌پذیری شهری و پایدار مالی با شراکت بخش خصوصی متکی بر ایجاد همسویی و یکپارچه‌سازی برنامه‌های توسعه اقتصادی و کاربری زمین در شهرهای جدید و شهرک‌ها
۲	شماره ۲	رویکردهای نوین و نوآورانه مکان‌یابی، برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا
۳	شماره ۳	برنامه‌ریزی برای ارتقای هویت و فرهنگ در شهرهای جدید به منظور تحقق شهری فراگیر و توسعه اجتماع محلی
۴	شماره ۴	توجه به زیست‌پذیری و کیفیت محیطی در شهرهای جدید
۵	شماره ۵	تأکید بر توسعه پایدار و تاب‌آور و ایجاد شهرهای جدید اکولوژیک و انعطاف‌پذیر
۶	شماره ۶	ایجاد سیستم‌های حمل‌ونقل پایدار و ترویج پیاده‌محوری
۷	شماره ۷	کوشش برای نهادینه کردن شاخص‌های حکمرانی خوب شهری و مدیریت یکپارچه
۸	شماره ۸	توجه به ایمنی محیط و مدیریت بحران در برابر سوانح طبیعی و مصنوعی

مدیریتی و شایسته‌سالاری در مدیریت مقاصد و ارائه خدمات شایسته تأکید شده و در مجموع، ظرفیت کشور برای توسعه گردشگری در بلندمدت مثبت ارزیابی شده است [۳۱].

در پژوهش دیگری با عنوان «رقابت‌پذیری شهرهای جدید، نمونه مطالعاتی: شهر جدید پرد» مقوله رقابت‌پذیری به عنوان یکی از مقولات نو در شهرهای جدید به کمک یک تحقیق کیفی دنبال شده است. روش کاربردی در آن پژوهش نیز نظریه داده‌بنیاد است که به کمک ۳۱ متخصص به عنوان حجم جامعه آماری تدقیق شده است. مدل اصلی آن پژوهش دارای ۶۱ مفهوم پایه‌ای و ۱۹ مفهوم اصلی است. یافته‌های اولیه در آن پژوهش بیانگر حضور عوامل کلانی همانند ابعاد اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، زیرساختی و سیاسی-نهادی به عنوان عوامل تبیین‌گر پدیده رقابت‌پذیری در شهرهای جدید است. از منظر اولویت‌بندی نیز یافته‌های آن پژوهش گویای اهمیت بیشتر ابعاد اقتصادی با زیرمؤلفه سرمایه‌گذاری در شهرهای جدید و ابعاد سیاسی-نهادی با زیرمؤلفه حاکمیت قانونی و سازمانی است، به طوری که این دو مورد بیشترین تأثیر را در شکل‌دهی به رقابت‌پذیری در شهرهای جدید داشته‌اند [۳۲].

در پژوهشی با عنوان «مدلی برای برندسازی در ایران بر اساس نظریه

در ادامه، به تعدادی از پژوهش همسو و نزدیک با مضمون اصلی این پژوهش استناد صورت می‌گیرد.

در پژوهش جدیدی با عنوان «مدل تبیین رقابت‌پذیری گردشگری شهرهای توریستی در ایران» مقوله رقابت‌پذیری در عرصه شهرها به‌ویژه شهرهای توریستی مورد بررسی قرار گرفته است. رویکرد آن پژوهش کمی است که از ابزارهای آمارهای همانند معادلات ساختاری برای ترسیم روابط بین مجموعه متغیرها استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش نیز شامل ۱۸۴ شهر از ۳۱ استان کشور بوده است. از نظر نویسندگان، رقابت‌پذیری یکی از مؤلفه‌های اساسی توسعه گردشگری شهرهاست که می‌تواند به توسعه عمومی گردشگری کشور نیز منجر شود. هدف از آن پژوهش، تبیین مدلی برای رقابت‌پذیری گردشگری شهرهای توریستی در ایران گزارش شده است. یافته‌های پژوهش نیز نشان‌دهنده اولویت‌بندی مجموعه عوامل مؤثر بر تبیین مدل از جمله «مدیریت مقصد» با ضریب تأثیر بالاتر (۰/۷۳۳) به نسبت معیارهای نافذ دیگری همانند خدمات گردشگری (۰/۲۰۱)، عوامل و شرایط حمایتی (۰/۱۹۵)، شرایط تقاضا (۰/۱۶۲)، منابع و جاذبه‌های اصلی (۰/۱۴۶) و زیرساخت‌ها (۰/۰۲۱) است و وزن این عامل برابر با مجموع تأثیر سایر عوامل است. از این نظر و به واسطه تأثیر بسیار زیاد مدیریت مقصد، بر اهمیت بهبود ساختار

شهری و روستایی طراحی معرفی کرده‌اند [۳۴]. در مجموع، مرور پژوهش‌های یادشده نشان‌دهنده جهت‌گیری ضعیف بدنه مطالعات شهری در حوزه چگونگی استقرار شهرهای جدید نسل نو است و با وجود استفاده از روش‌های داده‌بنیاد و یا تمرکز بر مقولاتی نو همانند «قابلیت‌پذیری» در قالب تعداد محدودی از پژوهش‌ها؛ شالوده استقرار شهرهای جدید نسل نو کمتر در تیررس مطالعات پیشینی بوده و از این نظر شکاف موجود گویای لزوم انجام تحقیقات کیفی، کمی و اکتشافی در این راستا است.

مواد و روش‌ها

رویکرد پژوهش حاضر از میان رویکردهای سه‌گانه در پژوهش از نوع رویکرد آمیخته و ماهیت آن کاربردی است. در این زمینه و در راستای شناسایی الگوی مطلوب اکتشافی استقرار بخش شهر جدید تیس و ارکان و مؤلفه‌های ناظر بر آن از یکی از راهبردهای رویکرد آمیخته شامل بر روش‌های ترکیبی زنجیره‌ای (Sequential Mixed Methods Procedures) و راهبرد اکتشافی متوالی (Sequential Exploratory Design) به شکل استفاده روش‌های کیفی-کمی بهره گرفته شده که برای تبیین پدیده‌ها و نیز بسط یافته‌های کیفی سودمند بوده و با اهداف پژوهش نیز همخوانی دارد [۳۵]. ابزار عملیاتی پژوهش شامل دو پرسشنامه محقق‌ساخته کیفی و کمی است که ابتدا بخش کیفی تدوین و سپس از برون‌دادهای پرسشنامه اول؛ بخش دوم کمی شکل گرفته است. از برون‌دادهای کیفی به منظور شناسایی مؤلفه‌های الگوی مطلوب استقرار شهر تیس استفاده شده و از تعامل برون‌داد کمی با بخش کیفی نیز الگوی نهایی معرفی و تبیین شده است. روش گردآوری داده‌ها در پرسشنامه‌ها شامل بر استفاده از فن استقرایی نظریه داده‌بنیاد و روش تحلیل سلسله‌مراتبی به ترتیب در دو بخش کیفی و کمی است که برای تجزیه و تحلیل بهتر این داده‌ها نیز از دو نرم‌افزار مکس کیو دا (Maxqda) و انتخاب خبره (Expert Choice) استفاده شده است. در بخش نظریه داده‌بنیاد از الگوی کلاسیک گلگیری و مراحل کدگذاری جوهری شامل دو بخش کدگذاری مستقل باز و کدگذاری انتخابی و نیز کدگذاری نظری استفاده شده و در بخش تجزیه و تحلیل کدگذاری نظری نیز از خانواده راهبردهای شناسایی (Strategy Family) به منظور دسته‌بندی مقولات نهایی کمک گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش نیز شامل بر ۲۰ خبره دانشگاهی و خبره حوزه اجرا در قالب دو گروه ۱۰ نفره در هر دو بخش کیفی و کمی است.

داده‌بنیاد؛ پژوهشگران به موضوع نوین برندسازی شهری و الزامات مختلف آن پرداخته‌اند. رویکرد آن پژوهش کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای داده‌بنیاد و با بهره‌گیری از ۱۸ متخصص در حوزه‌هایی همانند اقتصاد شهری، مدیریت، بازاریابی و گردشگری است. نتایج آن پژوهش نشان‌دهنده پیچیدگی و چندبعدی بودن فرایند برندینگ شهری است که خود مستلزم همراهی گروه‌های مختلفی از بازیگران در این حوزه به منظور اثردهی متعامل چند سویه در ابعاد مختلف مکانی، اقتصادی و اجتماعی در شهرها است. به علاوه، نتایج آن پژوهش گویای ماهیت بلندمدت و غیر بخشی این فرایند است که عموماً رویه‌های کنونی مدیریت شهری در ایران از آن فاصله دارند. تدوین استراتژی برندسازی شهری نیز یکی از توصیه‌های آن پژوهش بوده و به علاوه مدل زمینه‌ای پژوهش یک مدل برندینگ و مبتنی بر الگوی پارادایمی نظریه داده‌بنیاد با مقوله محور برندسازی شهری است [۳۳].

در پژوهشی دیگر با عنوان «ادراکات زیست‌محیطی گردشگری روستایی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد» نویسندگان به طور مشخص روی یک محدوده روستایی به منظور مدل‌سازی توسعه‌سازی گردشگری ادراک محور تمرکز کرده‌اند. طبق مستندات پژوهش روستای بیشان (Beishan Village) در شهر ژوهای (Zhuhai City)، استان گوانگدونگ (Guangdong Province) قرار گرفته و با تکیه بر فرهنگ منطقه‌ای، مناظر طبیعی و ویژگی‌های معماری خود، یک مدل توسعه روستایی متمایز ایجاد کرده است که پارک صنعتی را با گردشگری ترکیب می‌کند. نتیجه این تعامل پدایش نوعی از تضادها علی‌رغم تسریع در توسعه محیط مصنوع بوده که در حوزه گردشگری شهری یک موضوع متداول است. رویکرد تحقیق آن پژوهش کیفی و متکی بر نظریه داده‌بنیاد و نیز مجموعه‌ای از ابزارهای مکمل همانند مشاهده مشارکتی، مصاحبه‌های عمیق و تحلیل داده‌های شبکه برای بررسی دیدگاه‌های سه گروه ذی‌نفع کلیدی: روستاییان، گردشگران و بازرگانان است. خروجی پژوهش، ارائه یک الگوی توسعه داده‌بنیاد به منظور به تصویر کشیدن ادراکات محیطی آن‌ها از گردشگری روستایی است و مبتنی بر آن چندین استراتژی بهینه‌سازی پیشنهاد شده است. این موارد مبتنی بر افزایش توسعه زیرساخت‌ها، پرورش فرهنگ برند منطقه‌ای، تقویت چارچوب مدیریت نهادی، ایجاد یک سکوی اقتصاد اشتراک روستایی و معرفی تورهای دیجیتال هستند. نویسندگان منظور از این راهبردها را اصلاح و ارتقای مدل توسعه روستای بیشان، ارائه بینش برای روستاهای مشابه و پیشبرد ادغام طرح‌های زیبای چین با تلاش‌های توسعه

جدول ۴. جامعه آماری خبرگان داده‌های کیفی پژوهش

ردیف	شماره خبره	تخصص خبره	سابقه خبره	نوع سابقه
۱	خبره شماره ۱	معماری	۱۰ سال	اجرایی
۲	خبره شماره ۲	جغرافیا	دوازده سال	دانشگاهی
۳	خبره شماره ۳	عمران	سیزده سال	دانشگاهی
۴	خبره شماره ۴	گردشگری	ده سال	دانشگاهی
۵	خبره شماره ۵	شهرسازی	نه سال	اجرایی
۶	خبره شماره ۶	شهرسازی	هشت سال	اجرایی
۷	خبره شماره ۷	گردشگری	هفت سال	اجرایی
۸	خبره شماره ۸	معماری	بیست سال	دانشگاهی
۹	خبره شماره ۹	عمران	ده سال	دانشگاهی
۱۰	خبره شماره ۱۰	گردشگری	چهار سال	دانشگاهی

مسکونی و گردشگری در نظر گرفته شده که شهر را دارای دو بدنه شهر و بدنه ساحل می‌کند. همچنین، مطابق با مستندات طرح جامع؛ وسعت شهر شامل ۹۲۶۶ هکتار حریم و ۴۳۱۱ هکتار محدوده با جمعیت ۱۵۱ هزار نفر و با تراکم جمعیتی برابر با ۳۴/۸ نفر در هکتار برای سال افق طرح یعنی سال ۱۴۰۵ است [۳۶]. شکل ۲ موقعیت این شهر را مطابق با طرح‌های مصوب گردشگری این شهر نشان می‌دهد.

محدوده مورد مطالعه نیز شهر جدید تیس است. این شهر از اولین شهرهای جدید نسل نوین بهره‌برداری شده است که پس از مطالعات پایه، در سال ۱۳۹۸ به صورت رسمی فرایند اجرایی آن آغاز شده و از این نظر در بین سایر شهرهای نسل نو پیشگام است. شهر تیس، نخستین شهر جدید ساحلی کشور بوده و از لحاظ موقعیت استقراری جزء توابع شهرستان کنارک در استان سیستان و بلوچستان است. کارکرد اصلی شهر به صورت یک شهر مشترک



شکل ۲. موقعیت مکانی شهر جدید تیس و کاربری‌های مهم هم‌جوار آن، [۳۷]

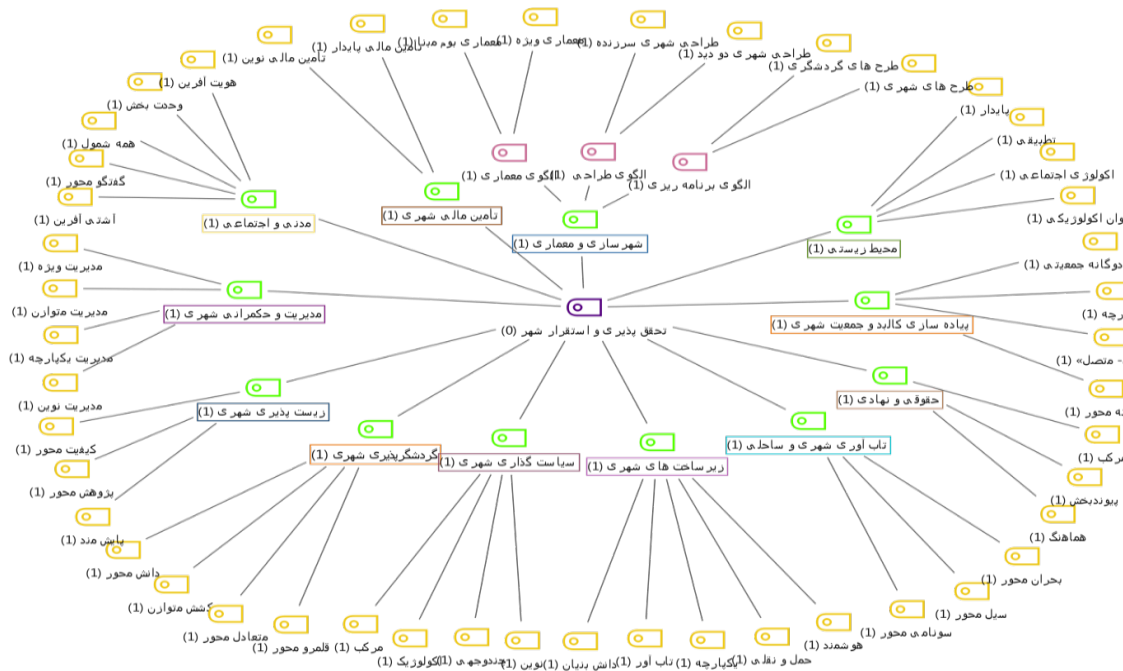
قرار داده شد که در نهایت به دلیل عدم تجمیع و اشباع مقوله پایه جدید همان ۱۲ مقوله پایه استقرار شهر تثبیت شد. در گام دوم، به کمک پرسشنامه محقق‌ساخته بخش کیفی پژوهش و پیاده‌سازی آن، «کدهای درونی» خبره‌محور مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در این بخش، کدهای شناساگر از طریق روش «خانواده راهبردها» به دو بخش ۴۷ «نشانه‌های راهبردی» و ۱۲ «مقولات راهبردی» تفکیک شدند.

یافته‌های تحقیق: الگوی مطلوب استقرار شهر تیس

لایه اول: لایه آمیخته

بخش کیفی لایه آمیخته

در گام نخست به منظور عملیاتی‌سازی فرایند اکتشافی آمیخته پژوهش ابتدا به کمک کدهای برگرفته از «سازه‌های علمی» و کدهای «پژوهشگر ساز» در نظریه داده‌بنیاد، ۱۲ مقوله پایه استقرار شهر شناسایی و به عنوان محورهای اصلی استقرار شهر تیس در اختیار خبرگان به منظور تأیید و یا افزایش مقولات



شکل ۳. نمایی جامع از خانواده راهبردی استقرار شهر تیس-الگوی کیفی

بخش کمی لایه آمیخته

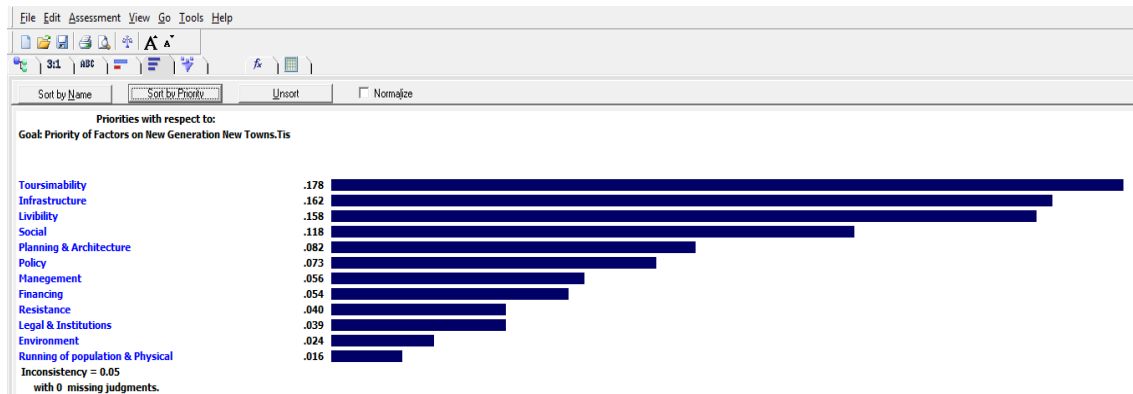
سلسله مراتبی به صورت زوجی با یکدیگر مقایسه و در نهایت، رتبه بندی نهایی صورت گرفت. جدول های زیر، نگاهی بر نتایج این بخش از پژوهش دارد که کنترل نرخ قابل قبول ناسازگاری قضاوت ها (۰.۱) نیز در آن اعمال شده است.

در دومین بخش از پیاده سازی الگوی آمیخته از لایه اول الگوی جامع استقرار شهر تیس؛ برون داده های نهایی بخش کیفی لایه آمیخته پژوهش به عنوان معیارها و زیرمعیارهای نهایی الگوی آمیخته شناسایی و سپس در اختیار گروه خبره ۱۰ نفره دوم قرار گرفتند. معیارها و زیرمعیارها به کمک فرایند تحلیل

جدول ۵. رتبه بندی معیارهای مدل کیفی پژوهش به روش رتبه بندی ایده آل

ردیف	نام معیار	رتبه	ضریب	ردیف	نام معیار	رتبه	ضریب
۱	گردشگری	اول	۰/۱۷۸	۷	مدیریت و حکمرانی شهری	هفتم	۰/۰۵۶
۲	زیرساخت	دوم	۰/۱۶۲	۸	تأمین مالی	هشتم	۰/۰۵۴
۳	زیست پذیری	سوم	۰/۱۵۸	۹	تاب آوری	نهم	۰/۰۴۰
۴	مدنی و اجتماعی	چهارم	۰/۱۱۸	۱۰	حقوقی و نهادی	دهم	۰/۰۳۹
۵	شهرسازی و معماری	پنجم	۰/۰۸۲	۱۱	محیط زیستی	یازدهم	۰/۰۲۴
۶	سیاست گذاری شهری	ششم	۰/۰۷۳	۱۲	پیاده سازی کالبد و جمعیت	دوازدهم	۰/۰۱۶
	ضریب کل ناسازگاری						۰/۰۵

شکل ۴ خروجی نرم افزار را در این زمینه نشان می دهد.

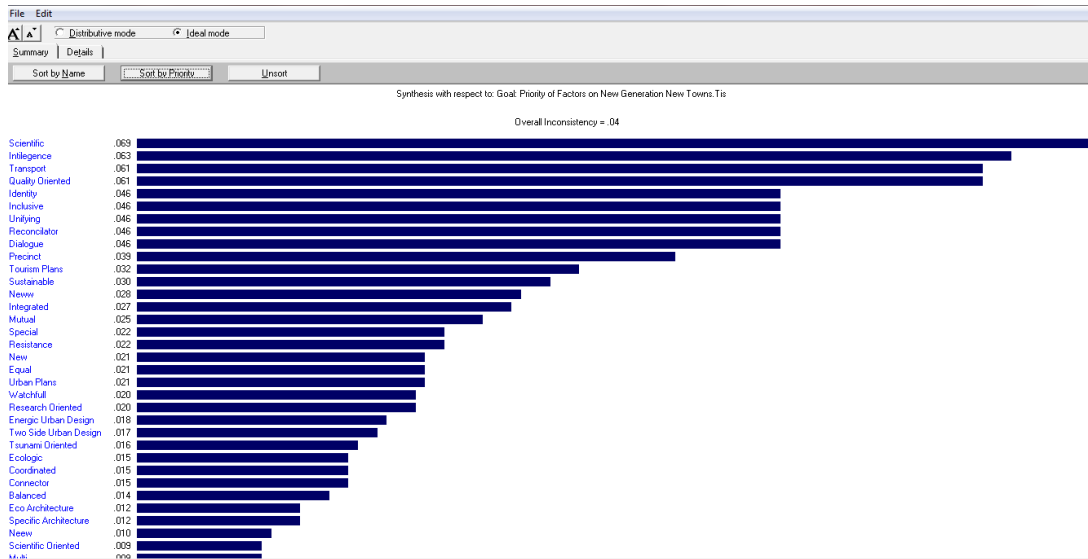


شکل ۴. اوزان نهایی کمی شده معیارهای کیفی پژوهش

جدول ۶. رتبه بندی ۱۰ زیرمعیار برتر مدل کیفی پژوهش به روش رتبه بندی ایده آل

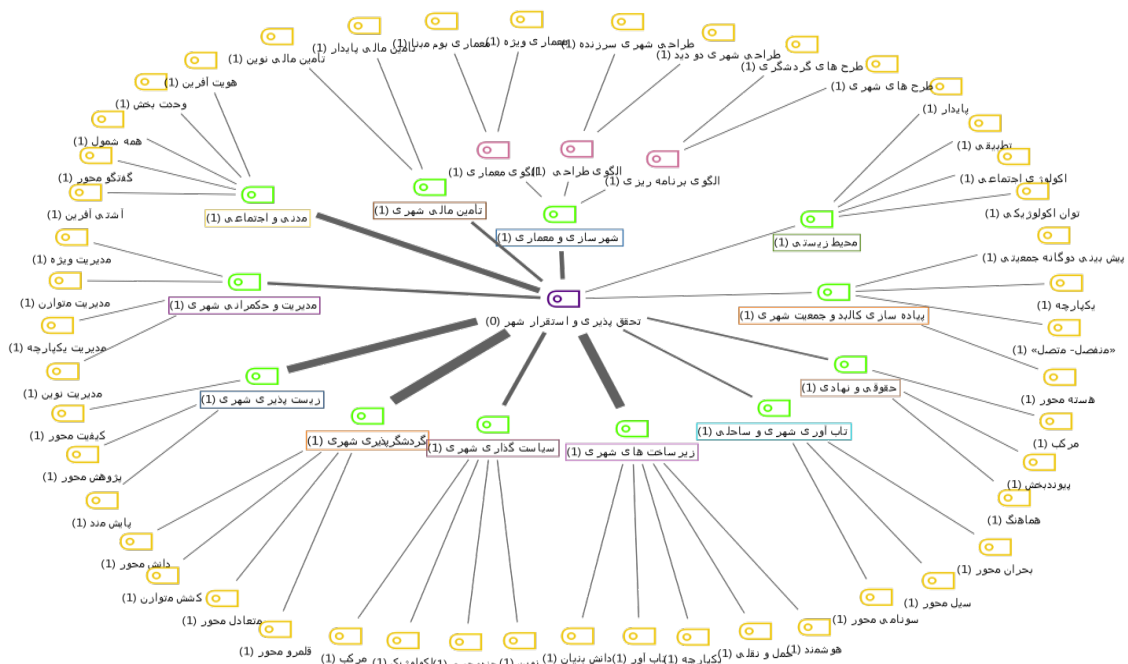
ردیف	نام زیرمعیار	نام معیار	رتبه	ضریب	ردیف	نام زیرمعیار	نام معیار	رتبه	ضریب
۱	علم محور	گردشگری پذیری	اول	۰/۰۶۹	۶	همه شمول	اجتماعی	ششم	۰/۰۴۶
۲	هوشمند	زیرساخت	دوم	۰/۰۶۳	۷	وحدت بخش	اجتماعی	هفتم	۰/۰۴۶
۳	حمل و نقل	زیرساخت	سوم	۰/۰۶۱	۸	آشتی بخش	اجتماعی	هشتم	۰/۰۴۶
۴	کیفیت محور	زیست پذیری	چهارم	۰/۰۶۱	۹	گفت و گو محور	اجتماعی	نهم	۰/۰۴۶
۵	هویت آفرین	اجتماعی	پنجم	۰/۰۴۶	۱۰	قلمرو محور	گردشگری پذیری	دهم	۰/۰۴۱
	ضریب کل ناسازگاری								۰/۰۴

شکل ۵ نیز خروجی نرم افزار و رتبه تمامی زیرمعیارها را در این زمینه نشان می دهد.



شکل ۵. اوزان نهایی زیرمعیارهای کیفی پژوهش به روش رتبه‌بندی ایده‌آل

شکل ۶ برون‌داد نرم‌افزار مکس کیو دا و نمایی جامع از خانواده راهبرد استقرار شهر تیس به همراه رتبه‌بندی مقولات پایه و مقولات راهبردی را نشان می‌دهد.

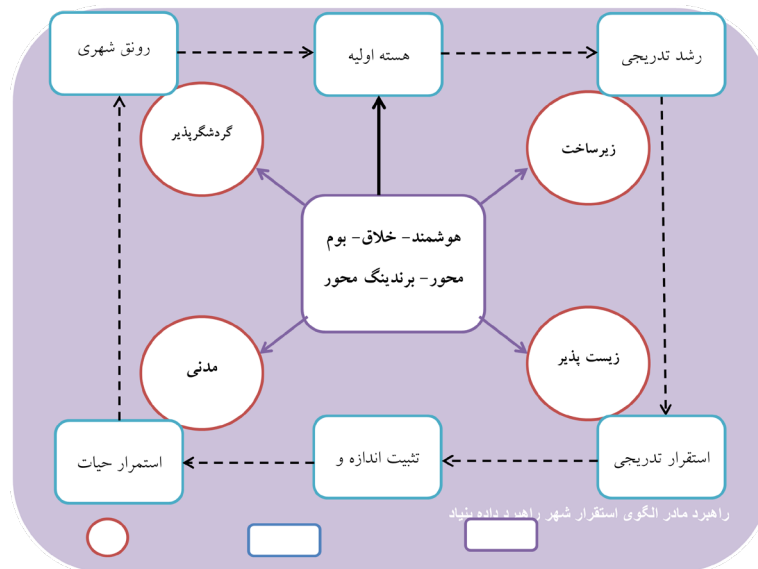


شکل ۶. نمایی جامع از خانواده راهبرد استقرار شهر تیس-الگوی کیفی رتبه‌بندی-نمای دوم

و عناصر استقراربخش برگرفته از بخش کمی لایه اول آمیخته و از ۴ مقوله پایه‌ای شهر در این زمینه عاریت گرفته است. راهبردهای مادر شهر نیز با مقولات خبره محور و رویکرد میانی تحقق شهر تیس همخوانی دارد که عیناً در این بخش تکرار شده‌اند. شکل ۷ نگاهی بر این الگوی تک‌هسته‌ای استقرار بدنه کالبدی شهر تیس دارد.

لایه دوم: الگوی مفهومی استقرار بدنه شهر

در این لایه، یک الگوی مفهومی استقراربخش، به منظور استقرار بدنه یا کالبد شهر تعبیه و معرفی شده است. این الگوی نظری تک‌هسته‌ای ناظر بر کالبد شهر است. این الگو از دو لایه بیرونی و لایه درونی تشکیل شده که به ترتیب عناصر قوام‌بخش و عناصر استقراربخش شهر را پوشش می‌دهند. عناصر قوام‌بخش شهر متکی بر یک فرایند چرخه‌ای شکل‌گیری تدریجی شهر بوده

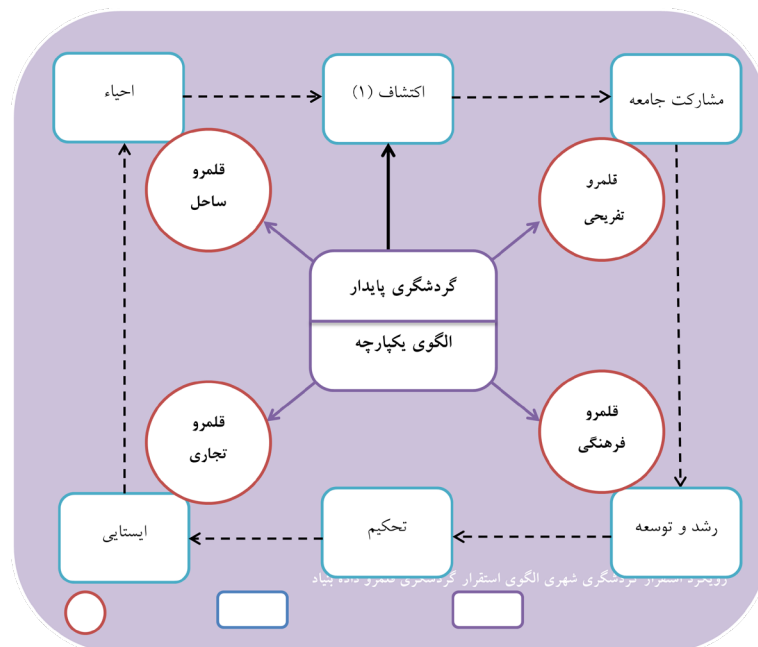


شکل ۷. راهبرد تک‌هسته‌ای و سه سویه توسعه شهری زون شهری Tebis

استقراربخش شهر است. لایه بیرونی این الگو متکی بر مدل چرخه حیات مقصد باتلر [۳۸] به عنوان یکی از الگوهای شناخته شده استقرار گردشگری شهری است. در رویکرد استقرار گردشگری شهری نیز از دو رویکرد «گردشگری پایدار» و «الگوی یکپارچه» [۲۶] استفاده شده است. شکل ۸ نگاهی بر این الگوی تک‌هسته‌ای استقرار ساحل شهر Tebis دارد.

لایه سوم: الگوی مفهومی استقرار ساحل شهر

مشابه با لایه دوم؛ در این لایه یک الگوی مفهومی استقراربخش، به منظور استقرار ساحل شهر تعبیه و معرفی شده است. این الگو نیز یک الگوی نظری تک‌هسته‌ای ناظر بر ساحل شهر است که هم‌زمان دارای بن‌مایه‌های بین‌رشته‌ای به دلیل اختلاطات مباحث گردشگری در ساحل شهر است. این الگو نیز مشابه با لایه دوم دارای دو لایه و عناصر قوامبخش و عناصر



شکل ۸. راهبرد تک‌هسته‌ای و سه سویه گردشگری زون ساحلی شهر Tebis

شکل ۹ نگاهی بر این الگوی دو هسته‌ای استقرار شهر Tebis شامل بدنه شهری و ساحل شهر Tebis دارد.

الگوی دو هسته‌ای استقرار بدنه شهر و ساحل شهر

این الگو، شکل تجمیع‌شده‌ای از دو لایه دوم و سوم بوده و می‌توان ظرفیت‌های هر دو الگو را به صورت یکجا در این الگوی نهایی مشاهده کرد.

- [33] Rousta, Ahmad, Ghare che, Manije, Hamidzadeh, Mohammad Reza, Mohammadifar, Yosof. A model for urban branding in Iran based on foundational data theory, *Modern Marketing Research*, 2019.6 (4): 37-52. [In Persian]
- [34] Yin J, Feng J, Jia M. Research on rural tourism environment perception based on grounded theory A case study of Beishan Village, Zhuhai City, Guangdong Province, China. *Heliyon*. 2024 Jun 4.
- [35] Creswell JW, Creswell JD. *Research design: A qualitative, quantitative, and mixed method approaches*. Sage publications; 2017 Dec 12.
- [36] Baft Shahr Consulting Engineers. Sustainable coastal tourism plan of the new city of Tiss, Chabahar Bay, PowerPoint file, final presentation, December. 2019. [In Persian]
- [37] Shahr-O-Khaneh Consulting Planners, Architects & Eng. Revision of Tiss new city master plan, rules and regulations report, final edition. 2017. [In Persian]
- [38] Rodríguez JR, Parra-López E, Yanes-Estévez V. The sustainability of island destinations: Tourism area life cycle and teleological perspectives. The case of Tenerife. *Tourism management*. 2008 Feb 1; 29 (1):53-65. <https://doi.org/10.1016/j.tourman.2007.04.007>

مشارکت نویسندگان

نویسندگان به اندازه یکسان در مفهوم سازی و نگارش مقاله سهیم هستند.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر حامی مالی ندارد و حاصل فعالیت علمی نویسندگان است.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی ندارند.

منابع ■

- [1] Fouchier, V. new towns: how to draw lessons from the past to better anticipate the future, in Gaborit P. European new towns: image, identities, future perspectives. Peter Lang; 2010.
- [2] Ziari, Karamatullah (2014). Planning of new towns, Tehran: Somit Publications, 15th edition. [In Persian]
- [3] Gaborit P. European new towns: image, identities, future perspectives. Peter Lang; 2010
- [4] Forsyth A. The British new towns: Lessons for the world from the new-town experiment. *Town Planning Review*. 2019 May; 90(3):239-46. <https://doi.org/10.3828/tpr.2019.17>
- [5] Loumeau G. Accommodating the Rise in Urbanisation: Are New Towns a Good Solution? *The Economic Journal*. 2024 May 2: ueae03. <https://doi.org/10.1093/ej/ueae031>
- [6] Zamani B, Arefi M. Iranian new towns and their urban management issues: A critical review of influential actors and factors. *Cities*. 2013 Feb 1; 30:105-12. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2012.01.003>
- [7] Alaedini, P., Yeganeh, N. New-town programs and housing schemes: a case of mutual path dependence in Iran. *J Hous and the Built Environ* 37, 1607–1642 (2022). <https://doi.org/10.1007/s10901-021-09912-2>
- [8] Basirat M, Arbab P. Analysing new town development in Iran: toward a new agenda. *International Review for Spatial Planning and Sustainable Development*. 2022 Jul 15; 10(3):84-107. https://doi.org/10.14246/irspsd.10.3_84
- [9] Peiser R, Forsyth A, editors. *New towns for the twenty-first century: a guide to planned communities worldwide*. University of Pennsylvania Press; 2021.
- [10] Oral history of the new cities of Iran 1990-2020 (2020). The historical document of the oral history of the new cities of Iran, Tehran: specialized mother company of new cities construction. [In Persian]
- [11] Mozhgani, parvaneh, Jahanshahloo, Leila, Hossein Zadeh Lotfi, Farhad. Explaining the appropriate practical model to evaluate the performance and improve the efficiency of new cities (case study: new cities of Hashtgerd, Andisheh, Pardis and Parand), *journal of urban environmental and development*, 2022, 2 (7):1-12. [10.30495/JUEPD.2022.1973970.1106](https://doi.org/10.30495/JUEPD.2022.1973970.1106). [In Persian]
- [12] Shakarami, nemat, shokouhi, mohammad. Development Strategic Planning of the New Cities in Iran (Case Study of the New Pardis City), *journal of human settlements planning*, 2023, 18 (4): 141-154. [20.1001.1.25385968.1402.18.4.14.7](https://doi.org/10.1001.1.25385968.1402.18.4.14.7). [In Persian]
- [13] Hall P, Tewdwr-Jones M. *Urban and regional planning*. Routledge; 2020 Oct 8.
- [14] Basirat, Maysam. "Chapter 12: summarizing and presenting an executive solution to be used in the conditions of Iran", in Basirat, Maysam. *New Cities Book Collection, Volume II: Global Experiences of the New Generation of New towns*, Tehran: Road, Housing and Urban Development Research Center commissioned by new towns Development Company.2015. [In Persian]
- [15] Shia, Ismail. Supplemental textbook number 2 of the course of urban planning ideas: an overview of the design of new towns in the contemporary period, master's course in urban planning, Tehran: University of Science and Technology Publications Center.2001. [In Persian]
- [16] Nasiri, Ismail. *Planning new cities, approaches, functional analysis, operational strategies*, Tehran: Aeezh Publications, first edition. 2013. [In Persian]
- [17] Madanipour, Ali. *Micro-Urbanism: New towns, an Alternative to Big Cities*, Proceedings of the New towns International Conference. 2015. [In Persian]
- [18] Herati, Sudabah, Zaviyar, Parvaneh (2011). The position of new towns in the urban system, Tehran: Academic Jihad, Shahid Beheshti Branch. [In Persian]
- [19] Akbari, Sadegh, Amoyan, Korosh. The collection of laws and regulations of the new cities of Iran with subsequent amendments and additions, Tehran: Penedar Andisheh Parsian Publications, first edition. 2022. [In Persian]
- [20] Arbab, P., & Basirat, M. (2016). Comparative Study of the First and Second Generations of the New Towns Development: The Case of the South Korea. *Town and Country Planning*, 8(2), 279-309. [10.22059/JTCP.2016.60197](https://doi.org/10.22059/JTCP.2016.60197). [In Persian]
- [21] Fahmy M, Elwy I, Mahmoud S. Back from parcel planning to future heritage of urban courtyard: The 5th generation of Egyptian cities as a sustainable design manifesto for neo-arid Neighbourhoods. *Sustainable Cities and Society*. 2022 Dec 1; 87:104155. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2022.104155>
- [22] Kasim, Azilah. "The spirituality of green travel and tourism." *International Journal of Tourism and Spirituality* 1, no. 1 (2016): 116-124. <https://doi.org/10.22133/ijts.2016.43080>
- [23] Creaco, Salvo, and Giulio Querini. "The role of tourism in sustainable economic development, Congress of the European Regional Science Association, Peripheries, Centres and Spatial Development in the New Europe ", 2003.
- [24] Cooper, Chis. & Wanhill, Stephen. & Fletcher, John. & Gilbert, David. *Tourism: Principles and Practice*, 2nd, New York: Longm. 2005.
- [25] Williams, Stephen. *Tourism Geography, A New Synthesis*, Routledge. 2009.
- [26] vosooghi, Leila, Khani, Fazileh. A review of the basics, approaches and models of tourism planning, Tehran: Mehkame Publications, second edition.2023. [In Persian]
- [27] Basirat, Maysam. *New towns book collection, volume 8: The first generation of new towns in Iran*, Tehran: Road, Housing and Urban Development Research Center commissioned by the specialized mother company of new towns.2015. [In Persian]
- [28] Sahraei Nejad, Nasim. The Experience of Creating Intelligent, Green and Garden City of Putrajaya, Malaysia. *Guman & Environment*, 2021, 19 (3):97-113. [In Persian]
- [29] Henrie G. Masdar City and the politics of utopian eco-development in the United Arab Emirates. Senior thesis, Lewis & Clark College. 2015 May.
- [30] Attia S. Al Alamein New City, a sustainability battle to win. *New cities and community extensions in Egypt and the Middle East: Visions and challenges*. 2019:1-8.
- [31] Khanzadeh, Hamed, Rahnavard, Farajollah, Bammad, Nasser, Mahmoodzadeh, Seyed Mojtaba. A model for explaining tourism competitiveness of tourist cities in Iran, *Modern Marketing Research*, 2022.11 (2): 45-68. [In Persian]
- [32] Sabooni, Saeed, Behzadfar, Mostafa, Saremi, Hamidreza. Competitiveness of New Cities (Study Sample: Parand New City), *Quarterly Journal of Economic Modeling*, 2021. 14 (4): 121-144. [10.30495/eco.2021.1913831.2446](https://doi.org/10.30495/eco.2021.1913831.2446). [In Persian]



were analyzed for this study. The secondary sources of data adopted include the review of texts related to the content and context related to the texts related to the focus of the research. This serves as a platform for the research concepts, data collection, and analysis used in this study. The data were analyzed using a mixed method (quantitative and qualitative method of data analysis). The quantitative method includes the structural equation analysis method with second-order confirmatory factor analysis and regression analysis. In contrast, the qualitative method consists of pages and descriptive tools used to interpret interviews. The data were analyzed, and the results of the findings were integrated to reflect the socio-economic characteristics of informal settlements in terms of resilience in the study area. Socio-economic factors and resilience of informal settlements were determined, and suggestions were made based on those characteristics. This research was conducted to extract specific and general knowledge of the strength of Tabriz city, especially the informal settlements of Tabriz city, about informal settlement and socio-economic planning.

Findings

The results of the analysis of the research data indicate that the characteristics of trust in the people of the neighborhood in the face of crises by the residents of informal settlements and the desire to participate and form various institutions in these areas have a mutual relationship with the socio-economic components of the people. Therefore, achieving economic resources and social values on one hand and socio-economic structures on the other will promote resilience in informal settlements and, as a result, provide social resilience. Realizing these indicators significantly increases people's self-confidence, the ability to solve problems in times of crisis, create different solutions, and improve their self-efficacy. Also,

proper planning in the personal and social dimensions of informal settlements, by empowering them, can improve people's resilience against problems and crises, improve individual efficiency, reduce stress and anxiety when accidents occur, and increase cooperative spirit to overcome various issues.

Conclusion

This study recommends the following and concludes: 1. The government should consider building strength and housing plans in the informal settlements of Tabriz city. to accommodate the large population of low-income citizens. 2. Local management should adopt a comprehensive design approach as much as possible; the local government should educate the people (citizens) well and create a better awareness and sensitivity to what currently exists in their residence. Slow Also, the role and benefits of the people (citizens) and the government should be clearly stated to achieve a comprehensive design and the success of the projects started about the informal settlements of Tabriz city. 3. Also, existing policies on criteria for achieving some of the government's public housing regulations should be reviewed with the Citizens' Participation Forum (informal settlements). This situation seems ridiculous from the point of view of the interviewees, and it is even assumed to be part of the origin of notoriety. Because people believe that to reach such standards, a person must be inferior. Therefore, the allocation condition should not be presented or created in such a way as to create injustice. 4. Public education and enlightenment should also be done to avoid defaming the occupiers of public housing in the informal settlements of Tabriz city. 5. Economic policy reforms should also be done to encourage equal economic development or at least reduce the gap between the rich and the poor in terms of the country's economic output.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Mohammadi Mivehrood N. Hosseinzadeh Dalir K. Sattarzadeh D. Evaluation of Economic-Social Characteristics of Informal Settlements in Tabriz City. Urban Economics and Planning Vol 5(2):138-151. [In Persian]

DOI: 10.22034/uep.2024.466307.1512



Evaluation of Economic-Social Characteristics of Informal Settlements in Tabriz City

Original Article

Naser Mohammadi Mivehrood¹, Karim Hosseinzadeh Dalir^{2*}, Daruosh Sattarzadeh³

1- Ph.D. Candidate of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2- Professor, Department of Geography and Urban Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

3- Associate Professor, Department of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-07-05

Revised: 2024-07-24

Accepted: 2024-07-28

Keywords

City Development

Tabriz Metropolis

Tourism

Urban Development Plans

ABSTRACT

Introduction

In this research, the issue of the resilience of socio-economic characteristics in informal settlements in Tabriz emphasizes urban challenges. Therefore, the challenges of Tabriz city in terms of informal settlements are characterized by the lack of urban open spaces, high cost of living, insufficient infrastructure, and poor housing quality. To achieve the goal of this research, infrastructures are considered as physical, socio-economic, and environmental facilities created for effective and efficient performance in urban contexts. The issues related to informal settlements in this research are based on the definition of the United Nations, which in 2006 defined it as "areas that have a geographical space with a function lower than the standard of planning required in cities. The standards adopted for planning Vary from country to country. Therefore, standardized planning in this article is related to the context of the study area. Also, this definition includes housing with evidence of substandard housing, degraded and damaged environmental conditions, the random arrangement of buildings with nested passages, and the creation of places for crime from a social point of view. Considering the global perspective of these challenges (poor infrastructure and low quality of life in informal settlements) and their potential in all countries of the world, this study deals with the evaluation of the socio-economic characteristics in response to urban resilience in informal settlements according to the understanding of the existing situation and the inadequacy of infrastructure in such neighborhoods in the city of Tabriz.

Materials and Methods

This study uses the case study method, in which the informal settlements of Tabriz city were examined. Experts and interviewers were selected from the neighborhood residents to collect data and study the research. The triangulation method was used for data collection. Data collection is through two or more approaches, which is necessary for the study to confirm and strengthen the collected data. The method of data triangulation in this research is that the information collection strategy includes primary sources of data collection and secondary sources of data collection with more than one approach (qualitative and quantitative data collection). The primary sources of data collection were identification survey, observation, and indirect (unstructured) interaction with residents and selected experts. Also, 383 structured questionnaires (383 questionnaires) were implemented in the informal settlements of Tabriz city, and 370 questionnaires were analyzed. For better understanding, an online questionnaire was implemented with experts, and 30 questionnaires

* Corresponding author: dr_k_dalir@yahoo.com

ارزیابی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی سکونت‌های غیر رسمی شهر تبریز

مقاله پژوهشی

ناصر محمدی میوه‌رود^۱؛ کریم حسین زاده دلیر^{۲*}؛ داریوش ستارزاده^۳

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲- استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

۳- دانشیار گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

مقدمه

در این تحقیق موضوع تاب‌آوری ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی در سکونتگاه‌های غیر رسمی در شهر تبریز بر چالش‌های شهری تأکید می‌کند. بنابراین چالش‌های شهر تبریز در زمینه سکونتگاه‌های غیررسمی با کمبود فضاهای باز شهری، هزینه بالای زندگی، زیرساخت‌های ناکافی و کیفیت مسکن مشخص می‌شود. برای رسیدن به هدف این تحقیق، زیرساخت‌ها به عنوان امکانات فیزیکی، اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی در نظر گرفته شده‌اند که برای عملکردی مؤثر و کارا در بافت‌های شهری ایجاد شده‌اند. مسائل مرتبط با سکونتگاه غیررسمی در این تحقیق، براساس تعریف سازمان ملل متحد است که سال ۲۰۰۶ آن را این گونه تعریف می‌کند «مناطق مسکونی که دارای فضای جغرافیایی با عملکردی پایین‌تر از استاندارد برنامه‌ریزی مورد نیاز در شهرها است.» استانداردهای اتخاذ شده برای برنامه‌ریزی در این زمینه از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. بنابراین، برنامه‌ریزی استاندارد شده در این مقاله در ارتباط با زمینه منطقه مورد مطالعه است. همچنین، این تعریف شامل سکونت با شواهدی از وجود مسکن غیر استاندارد، شرایط محیطی تخریب‌شده و آسیب‌دیده، آرایش و چینش تصادفی ساختمان‌ها با معیار تودرتو و پله پله و ایجاد مکان‌هایی برای جرم از نظر اجتماعی است. با توجه به دیدگاه جهانی این چالش‌ها (زیرساخت‌های ضعیف و پایین بودن کیفیت بودن زندگی در سکونتگاه غیر رسمی) و پتانسیل آن در تمام کشورهای جهان؛ این مطالعه به ارزیابی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی در پاسخ به تاب‌آوری شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی با توجه به درک وضعیت موجود و کافی نبودن زیرساخت‌ها در این گونه محلات در شهر تبریز می‌پردازد.

مواد و روش‌ها

در این مطالعه از روش مطالعه موردی استفاده شد و در آن سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز مورد بررسی قرار گرفت. خبرگان و مصاحبه از اهالی محله برای جمع‌آوری داده‌ها و مطالعه تحقیق انتخاب شدند. روش مثلث‌بندی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد، جمع‌آوری داده‌ها از طریق استفاده از دو یا چند رویکرد است و این امر در مطالعه برای تأیید و تقویت داده‌های جمع‌آوری شده ضروری است. روش مثلث‌بندی داده‌ها در این تحقیق به این صورت است که راهبرد جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش شامل منابع اولیه گردآوری داده‌ها، منابع ثانویه جمع‌آوری داده‌ها با بیش از یک رویکرد (کیفی و کمی جمع‌آوری داده‌ها) است. منابع اولیه جمع‌آوری داده‌ها از طریق استفاده از بررسی‌های شناسایی، مشاهده، تعامل غیر مستقیم (بدون ساختار) با ساکنان و خبرگان منتخب جمع‌آوری شد. همچنین، در مجموع ۳۸۳ پرسشنامه ساختاریافته (۳۸۳ پرسشنامه) در سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر تبریز اجرا شد و در مجموع، ۳۷۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای درک بیشتر یک پرسشنامه آنلاین با خبرگان اجرا شد و در مجموع، ۳۰ پرسشنامه برای هدف این مطالعه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷

کلمات کلیدی

تاب‌آوری شهری

سکونت غیررسمی

شهر تبریز

ویژگی اقتصادی-اجتماعی

اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌تواند با توانمند ساختن آن‌ها موجب ارتقای تاب‌آوری افراد در برابر مشکلات و بحران‌ها، ارتقای کارایی فردی، کاهش استرس و اضطراب در مواقع بروز سوانح و افزایش روحیه مشارکتی برای غلبه بر مسائل مختلف شود.

نتیجه‌گیری

این مطالعه موارد زیر را توصیه می‌کند و سپس به شرح زیر نتیجه‌گیری می‌کند: ۱. دولت باید به فکر استحکام ساختمان و طرح‌های مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز باشد. تا جمعیت زیاد شهروندان کم‌درآمد را در خود جای دهد. ۲. مدیریت محلی باید رویکرد طراحی جامع را تا حد ممکن اتخاذ کند، دولت محلی باید مردم (شهروندان) را به خوبی آموزش دهد و آگاهی و حساسیت بهتری نسبت به آنچه که در حال حاضر در محل زندگی‌شان وجود دارد، ایجاد کند. همچنین، نقش و مزایای مردم (شهروندان) و دولت باید به‌وضوح برای دستیابی به طراحی جامع و موفقیت پروژه‌های آغاز شده در رابطه با سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز بیان شود. ۳. همچنین، سیاست‌های موجود در زمینه معیارها برای دستیابی به برخی از مقررات مسکن عمومی دولت باید با انجمن مشارکت شهروندان (سکونتگاه‌های غیررسمی) بررسی شود. این وضعیت از نظر افراد مصاحبه‌شده مسخره به نظر می‌رسد و حتی به عنوان بخشی از منشأ پدنامی فرض می‌شود، زیرا مردم بر این باورند که برای رسیدن به چنین معیارهایی باید واقعا شخص باید فقیر باشد. بنابراین، شرط تخصیص نباید طوری ارائه یا ایجاد شود که بی‌عدالتی به وجود آورد. ۴. آموزش عمومی و روشنگری نیز باید برای اجتناب از پدنام کردن اشغالگران مسکن عمومی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز انجام شود. ۵. اصلاحات سیاست اقتصادی نیز باید برای تشویق توسعه اقتصادی برابر یا حداقل کاهش شکاف بین غنی و فقیر به عنوان محصولات اقتصادی کشور انجام شود.

منابع ثانویه داده‌های اتخاذ شده شامل بررسی متون مربوط به محتوا و زمینه مرتبط با متون مربوط به تمرکز تحقیق است. این امر به عنوان بستری برای مفاهیم تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده در این مطالعه عمل می‌کند. داده‌ها با استفاده از روش ترکیبی تجزیه و تحلیل شدند (روش کمی و کیفی تجزیه و تحلیل داده‌ها). کمی شامل استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری با روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم و تحلیل رگرسیون انجام گرفت، در حالی که روش کیفی شامل استفاده از صفحات و ابزارهای توصیفی مورد استفاده در تفسیر مصاحبه‌ها است. داده‌ها تفسیر شدند و نتایج یافته‌ها برای انعکاس ویژگی‌های سکونتگاه‌های غیررسمی در رابطه با ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی از نظر تاب‌آوری در منطقه مورد مطالعه یکپارچه شدند. ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی و تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی تعیین و براساس آن پیشنهادهایی ارائه شد. این تحقیق به منظور استخراج اطلاعات خاص و عمومی دانش تاب‌آوری شهر تبریز به‌خصوص سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز در رابطه با سکونت غیررسمی و برنامه‌ریزی اجتماعی-اقتصادی انجام شد.

یافته‌ها

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاکی از آن است که ویژگی‌های اعتماد به افراد محله در مواجهه با بحران‌ها توسط ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی و تمایل به مشارکت و تشکیل انواع نهادها در این مناطق رابطه متقابلی با مؤلفه‌های اقتصادی-اجتماعی افراد دارد. از این رو دستیابی به منابع اقتصادی و ارزش‌های اجتماعی از یک سو و وجود ساختارهای اجتماعی-اقتصادی از سوی دیگر، موجب ارتقای تاب‌آوری در سکونتگاه‌های غیررسمی و به تبع آن، تاب‌آوری اجتماعی را فراهم خواهد کرد. تحقق این شاخص‌ها تأثیر قابل توجهی بر افزایش اعتماد به نفس افراد، توانایی حل مشکلات در مواقع بحرانی و خلق راه‌حل‌های مختلف و بهبود خودکارآمدی آن‌ها می‌گذارد. همچنین، برنامه‌ریزی مناسب در ابعاد فردی و

مقدمه

دستیابی به پایداری زیست‌محیطی برای چندین دهه یک چالش جهانی با رویکرد تحقیقاتی متفاوت از سوی محققان مختلف در سراسر جهان بوده است [۱]. اما به‌تازگی، شهرهای هوشمند و رویکرد تاب‌آوری شهری به عنوان یک رویکرد جهانی برای حل این چالش‌های جهانی زیست‌محیطی شناخته شده‌اند. با توجه به گفته سازمان ملل متحد، بیش از یک میلیارد نفر در خانه‌های غیر رسمی زندگی می‌کنند که تعدادی از آن‌ها با شهرنشینی سریع و مسکن ارزان قیمت پر شده‌اند [۲]. سکونتگاه‌های غیررسمی اغلب خارج از شبکه زیرساخت شهری هستند و از خدمات زیرساختی پایه شهری جدا شده و در مجاورت مکان‌های خطرناک ساخته می‌شوند، برای مثال، در مکان‌های مستعد حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله ساخته شده و می‌شوند. ساکنان این مناطق با وجود اینکه با خطرات بالا مواجه هستند، اما به دلیل پایین بودن سطح درآمد و ارزان بودن قیمت زمین در این محلات، این محلات را برای زندگی خود انتخاب می‌کنند [۳]. سازمان ملل متحد در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ در مقاله «اسکان غیر رسمی» مسکن شهری و خدمات زیربنایی را به عنوان یکی از چالش‌های جهانی تجربه‌شده توسط تمام کشورهای جهان بررسی می‌کند [۴] که شامل زیرساخت‌های شهری و خدمات اساسی، حمل‌ونقل و تحرک است. اسکان غیررسمی و دستیابی به تاب‌آوری شهری در آینده یک چالش جهانی است که نیاز به توجه فوری دارد [۵]. در این تحقیق موضوع تاب‌آوری ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی در سکونتگاه‌های غیر رسمی در شهر تبریز بر چالش‌های شهری تأکید می‌کند. بنابراین، چالش‌های شهر تبریز در زمینه سکونتگاه‌های غیر رسمی با کمبود فضاهای باز شهری، هزینه بالای زندگی، زیرساخت‌های ناکافی و کیفیت مسکن مشخص می‌شود. برای رسیدن به هدف این تحقیق، زیرساخت‌ها به عنوان امکانات فیزیکی، اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی در نظر گرفته شده‌اند که برای عملکردی مؤثر و کارا در بافت‌های شهری ایجاد شده‌اند. مسائل مرتبط با سکونتگاه غیررسمی در این تحقیق، براساس تعریف سازمان ملل متحد است که سال ۲۰۰۶ آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «مناطق که دارای فضای جغرافیایی با عملکردی پایین‌تر از استاندارد برنامه‌ریزی مورد نیاز در شهرها هستند» [۴]. استانداردهای اتخاذشده برای برنامه‌ریزی در این زمینه از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. بنابراین، برنامه‌ریزی استاندارد شده در این مقاله در ارتباط با زمینه منطقه مورد مطالعه است. همچنین، این تعریف شامل سکونت با شواهدی از وجود مسکن غیر استاندارد، شرایط محیطی تخریب‌شده و آسیب‌دیده، آرایش و چینش تصادفی ساختمان‌ها با معابر تودرتو و پله پله و ایجاد مکان‌هایی برای جرم از نظر اجتماعی است. با توجه به دیدگاه جهانی این چالش‌ها (زیرساخت‌های ضعیف و پایین بودن کیفیت بودن زندگی در سکونتگاه غیر رسمی) و پتانسیل آن در تمام کشورهای جهان؛ این مطالعه به ارزیابی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی در پاسخ به تاب‌آوری شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی با توجه به درک وضعیت موجود و کافی نبودن زیرساخت‌ها در این گونه محلات در شهر تبریز می‌پردازد. این مطالعه بیشتر نشان می‌دهد چگونه سکونتگاه غیررسمی با ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی می‌تواند در آینده تاب‌آورتر شود.

پیشینه تحقیق

مهرزاد بورا و همکاران [۷] در تحلیل تاب‌آوری زیرساخت‌های حیاتی شهری با رویکرد چرخه سازگاری در برابر مخاطرات نمونه موردی کلان‌شهر تبریز نشان دادند بر اساس چهار مرحله مدل چرخه سازگاری تاب‌آوری، زیرساخت‌های انرژی در کلان‌شهر تبریز یعنی برق و گاز نیازمند ایجاد ظرفیت ماندگاری و بازیابی به دلیل ضعف‌های اساسی موجود با توجه به سنجش‌های تحلیلی در دو مرحله اول فروپاشی و سازماندهی مجدد هستند. از سوی دیگر، زیرساخت حیاتی آب نیازمند ایجاد ظرفیت تاب‌آوری مبتنی بر رشد و توسعه به دلیل اولویت آن در مراحل بهره‌وری و تعادل در مدل چرخه سازگاری تاب‌آوری است. رجایی و همکاران [۸] پژوهشی با عنوان «تحلیل مکانی شاخص‌های ذهنی تاب‌آوری در سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه ۴ شهر زاهدان» انجام

دادند. نتایج پژوهش یادشده حاکی از آن است که در محله‌های مطالعه‌شده از لحاظ داشتن شاخص‌های تاب‌آوری تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، شاخص حس تعلق مکانی بیشترین تأثیر را بر تاب‌آوری محدوده مطالعه‌شده دارد. نتایج حاصل از همبستگی پیرسون بیانگر آن است که در دو محله کریم‌آباد و شیرآباد بیشترین همبستگی بین دو متغیر امنیت و بهداشت و حس تعلق مکانی بوده و در محله قاسم‌آباد نیز بیشترین ارتباط بین دو متغیر آگاهی و مهارت فردی و بهبود وضعیت اقتصادی برقرار است. سهرابی و همکاران [۹] در مطالعه تاب‌آوری در سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر بعد کالبدی محله نخل ناخدا و طلابند در شهر بندرعباس، نتیجه گرفتند که نقشه نهایی که در پنج طبقه از بسیار پایین تا بسیار بالا محاسبه شده است نشان می‌دهد ۳۰ درصد از محله نخل ناخدا و طلابند در سطح تاب‌آوری پایین و بسیار پایین واقع شده است. می‌توان استدلال کرد که ویژگی‌های کالبدی نقش بسیار مهمی در میزان تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی بازی می‌کنند و با هر گونه تغییر در معیارهای کالبدی می‌توان تاب‌آوری محله را به میزان قابل توجهی متأثر ساخت. علیزاده [۱۰] در تحلیل و شناخت ظرفیت تاب‌آوری زیرساخت‌های حیاتی شهری براساس مدل چرخه سازگاری تاب‌آوری (RAC) در کلان‌شهر اهواز نشان داد زیرساخت حیاتی برق نیازمند ایجاد ظرفیت مانایی و بازیابی مجدد، زیرساخت حیاتی مخابرات نیازمند ایجاد ظرفیت رشد و زیرساخت حیاتی حمل‌ونقل نیازمند ایجاد ظرفیت توسعه در این کلان‌شهر هستند. حاتمی نژاد و همکاران [۱۱] در پایش و اولویت‌بندی مؤلفه‌های تاب‌آوری در بافت‌های اسکان غیررسمی محله سهرابیه کرج نشان دادند تاب‌آوری محله سهرابیه با میانگین ۲/۲۷ در سطح پایینی قرار دارد و در برابر بحران‌های طبیعی از آسیب‌پذیری بالایی برخوردار است. در رابطه با وضعیت هر یک از ابعاد و میزان تأثیر آن‌ها بر میزان تاب‌آوری بر اساس نتایج مدل‌سازی ساختاری بعد اقتصادی بیشترین و بعد کالبدی کمترین تأثیر را بر تاب‌آوری محله سهرابیه داشته‌اند. نتایج تحلیل فضایی نیز نشان‌دهنده تفاوت تاب‌آوری در ابعاد مختلف بر اساس شرایط آن‌ها در سطوح مختلف محله است، به طوری که تنها مناطق مرکزی محله از وضعیت نسبتاً بهتری برخوردار هستند؛ اما حاشیه‌های شمالی، جنوبی و غربی محله تاب‌آوری پایینی دارند و آسیب‌پذیرتر هستند. با آگاهی از وضعیت تاب‌آوری در ابعاد مختلف و همچنین، شناخت به‌دست‌آمده از وضعیت فضایی تاب‌آوری در سطح محله سهرابیه، می‌توان از برنامه‌ریزی و مدیریت بهتری برای بیشتر تاب‌آور شدن محله داشت. هالی و همکارانش [۱۲] در تحلیل اندازه‌گیری تاب‌آوری در جوامع شهری حاشیه‌ای در شهرک‌های آفریقای جنوبی نشان دادند مناطق حاشیه‌ای شهر در برابر انواع شوک‌های واردشده و مواجهه با بحران‌ها بسیار ضعیف هستند. ریورو و ویلار [۱۳] در پژوهش «ایجاد تاب‌آوری طولی در سکونتگاه‌های خودیار: دستیابی به تحولات برای باز کردن کلید سازگاری» نشان داد برای رسیدن به تاب‌آوری شهری نیاز به رفع یکسری ایرادهای اساسی در زمینه محیط زیست و سکونتگاه‌های حاشیه‌ای در سطح شهر است. توون [۱۴] در پژوهشی با عنوان «چگونه رسمی‌سازی طرح فضایی شهری بر گروه‌های حاشیه‌نشین و شیوه‌های تاب‌آوری در شهرهای دوم کامبوج» نشان داد تاب‌آوری در شهرهای دوم کامبوج تأثیر می‌گذارد. ساترثویت و همکارانش [۱۵] در مطالعه ایجاد تاب‌آوری در ساختمان‌ها در برابر تغییرات آب‌وهوایی در سکونتگاه‌های غیررسمی، نتایج نشان داد اقدامات تحت مدیریت دولت و جامعه برای به‌روزرسانی سکونتگاه‌های غیر رسمی می‌تواند تاب‌آوری در برابر خطرات ناشی از تغییر آب‌وهوا را افزایش داده و به گروه‌های آسیب‌پذیر کمک کند. فاسترنس و همکاران [۱۶] در پژوهشی با عنوان «تاب‌آوری شهری در عمل: استراتژی تاب‌آوری ملیسورن به عنوان سیاست تحول نوآوری شهری» نشان دادند شهرهای در حال توسعه استراتژی‌ها و اجرای اقدامات لازم برای افزایش قابلیت تاب‌آوری خود را با توجه به تنوع چالش‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی به کار می‌گیرند. شبکه‌های بین‌المللی مانند ۱۰۰ شهر انعطاف‌پذیر که به وسیله بنیاد راکفلر تأسیس شده است از شهرها حمایت می‌کنند تا راه‌حل‌هایی برای «شوکه‌ها و استرس‌ها» پیدا کنند. این رویکرد

سکونتگاه‌های غیررسمی

جدید به مدیریت شهری، اغلب آغاز شده توسط سازمان‌های بشردوستانه و مورد بحث قرار گرفته است. با مطالعه پیشینه تحقیقاتی قابل بیان است که اکثر این پژوهش‌ها از بعد اجتماعی و در مواردی مدیریتی به بررسی تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی و عوامل تأثیرگذار بر ارتقای وضعیت موجود پرداخته‌اند. در این راستا، تحقیق حاضر با توجه به خلأ پژوهشی در راستای بررسی مؤلفه‌های اقتصادی، به ارزیابی و تحلیل توأمان ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی تاب‌آوری در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز پرداخته است.

سکونتگاه‌های غیررسمی اغلب از نظر جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از سیستم‌های شهری جدا هستند [۲۱]. ارتقای یک سکونتگاه غیررسمی در مقایسه با کوچ دادن و جای‌جایی ساکنان سکونتگاه یک راه‌حل پذیرفته شده است. این اغلب شامل نظم دادن به مالکیت زمین و فراهم کردن زیرساخت‌های اساسی است. دولت‌ها به منظور رسیدگی به تأثیر نامطلوب سکونتگاه‌های غیررسمی بر رفاه ساکنان نیاز است که از مسائل مرتبط با آن به‌خوبی آگاه باشند. این کار به دولت‌ها در زمینه توسعه مکانیسم‌هایی برای ادغام سکونتگاه‌ها در سیستم منطقه شهری کمک خواهد کرد. ارتقای یک سکونتگاه غیر رسمی مستلزم دگرگونی ابعاد مختلف سکونتگاه مانند اقتصادی، اجتماعی، سازمانی و محیطی است [۲۲]. برای موفقیت‌آمیز بودن ارتقای محلات و سکونتگاه‌های غیر رسمی، فرایند ارتقا باید با همکاری سهامداران کلیدی مانند مقامات محلی و گروه‌های اجتماعی سکونتگاه‌های غیر رسمی انجام شود. ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی که قرار است محل زندگی‌شان ارتقا یابد، باید قبل از شروع به این کار وضعیت پیشنهادی به‌ویژه مزایا و هزینه‌های آن آگاه باشند. اگرچه گاهی برای سکونتگاه‌های غیررسمی از برخی اصطلاحات مرتبط مانند: فقر شهری، زاغه‌نشین‌ها، حلبی‌آبادها و کپرنشین‌ها، که جزئی از گروه‌های آسیب‌پذیر، مناطق مسکونی غیرقانونی و مناطق مسکونی بی‌کیفیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما سکونتگاه غیررسمی به عنوان منطقه مسکونی با ظرفیت عملکردی پایین‌تر از کیفیت برنامه‌ریزی شده با زیرساخت‌های شهری مورد نیاز و تنظیمات منظم‌شده، توصیف شده است [۲۳]. تعریف سکونتگاه غیررسمی توسط برنامه اسکان بشر ملل متحد [۵] به عنوان منطقه مسکونی است که در آن: (۱) هیچ‌گونه امنیت تصرف زمین در منطقه مسکونی یا محل سکونت وجود ندارد. (۲) همسایگان با کمبود یا قطع امکانات اولیه، خدمات و زیرساخت‌های شهری روبه‌رو هستند و (۳) مسکن با برنامه‌ریزی و مقررات سازمنا مطابقت ندارد و اغلب در مناطق جغرافیایی یا زیست‌محیطی خطرناک واقع شده است.

تاب‌آوری شهری

تاب‌آوری شهری، نرخ پاسخ شهر به استرس، سازگاری و جذب چالش‌های در حال تغییر شهر است. این تعریف شامل هم قدرت فردی و هم قدرت سازمانی شهر برای پاسخ به پیچیدگی شهر، شوک‌ها، ریسک‌ها و بلایای غیر منتظره است [۲۵]. این تعریف شامل پایداری نیز می‌شود، که توانایی شهر برای حفظ سیستم عملکردی خود بدون از دست دادن حالت طبیعی خود در زمانی است که دچار آشفتگی می‌شود و می‌تواند خود را در صورت لزوم تجدید یا سازماندهی مجدد کند. مفهوم تاب‌آوری شهری نشان می‌دهد شهرها سیستم‌های پیچیده‌ای با اجزای اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی به‌هم‌پیوسته هستند [۲۶]. این امر بر نیاز به ایجاد شهرهایی تأکید دارد که بتوانند به‌طور مؤثر به تنش‌ها و شوک‌های مختلف پاسخ دهند و اثرات منفی خود را به حداقل برسانند و فرصت‌های رشد و پایداری را به حداکثر برسانند.

جدول ۱. تعاریف تاب‌آوری شهری

نظریه پردازان	تعریف	تاکید
کامپانلا [۲۷]	توانایی یک سیستم شهری و کلیه شبکه اکولوژیکی-اجتماعی و تکنیکی اجتماعی سازنده‌اش در مقیاس‌های زمانی و مکانی برای سازگاری و انطباق با تغییرات	سازگاری و انطباق
آهرن [۲۸]	ظرفیت سیستم شهری برای خود سازماندهی و بازپایی پس از تغییر و آشفتگی بدون تغییر به سایر حالت‌ها	خود سازماندهی و بازپایی
کوافی [۲۹]	ظرفیت مقاومت در برابر چالش‌های مخرب	مقاومت
شریفی و یاماگاتا [۳۰]	توانایی سیستم شهری برای آماده‌سازی و برنامه‌ریزی، جذب، بهبودی و انطباق بیشتر با وقایع ناخواسته	جذب و انطباق
گومز و پنا [۳۲]	ظرفیت یک سیستم شهری برای جذب آسیب، کاهش اثرات (تغییرات)، تنش‌ها، تخریب یا عدم اطمینان ناشی از یک اختلال (شوگ، بلایای طبیعی، تغییر آب‌وهوا، بلایا، بحران‌ها یا حوادث مخرب)، انطباق و سازگار شدن با تغییرات و سیستم‌هایی که ظرفیت سازگاری فعلی یا آینده را محدود می‌کنند.	انطباق و ظرفیت سازگاری

مبانی نظری

زیرساخت شهری

زیرساخت یک کلمه گسترده با تعاریف و طبقه‌بندی‌های مختلف از آن است که به عنوان امکانات و خدمات شهری شناخته می‌شود [۱۷]. زیرساخت طبق نظر فاکس [۱۸] شامل شبکه معابر، سیستم تأمین آب، حمل‌ونقل جمعی، سیستم دفع زباله و پسماند شهری، برق، مخابرات، فاضلاب و سیستم فاضلاب است. همچنین، جکوبسون و تارر می‌گویند که زیرساخت‌ها شبکه ساختارها و چارچوب‌هایی هستند که شهرهای مدرن و نواحی کلان‌شهری را به هم پیوند می‌دهند. این‌ها شبکه‌ای از ساختارها هستند که محیط، فعالیت‌های اقتصادی و فعالیت‌های اجتماعی را به یکدیگر متصل می‌کنند. امکانات و خدمات شناسایی شده توسط ازبیلو و پاتریس [۱۹] در دو دیدگاه دسته‌بندی شده است: اولین طبقه‌بندی به عنوان هسته نرم با زیرساخت اجتماعی شناخته می‌شود، در حالی که دومین طبقه‌بندی زیرساخت سخت یا فیزیکی است. زیرساخت‌های هسته نرم شامل امکانات و خدماتی مانند مراقبت‌های بهداشتی، خدمات آموزشی، انواع مختلف ساختارهای دولتی در میان سایر زیرساخت‌ها است و اغلب به عنوان محرک‌های فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی شناخته می‌شوند. زیرساخت‌های سخت - هسته‌ای، ساختارهای فیزیکی یا امکاناتی مانند مخابرات، برق، سیستم حمل‌ونقل (جاده‌ها، راه‌آهن، بندر و فرودگاه‌ها)، تأمین آب و سیستم فاضلاب را شامل می‌شود. مروری بر مقالات «زیرساخت‌های شهری و خدمات زیربنایی» برنامه اسکان بشر ملل متحد و «تحلیل تجربی اثر بلندمدت زیرساخت بر صنعتی شدن در نیجریه» توسط ایچایا و آکانی [۴] و [۵] بانک جهانی و دیگر مقالات بررسی شده؛ زیرساخت‌ها به عنوان ترکیبی از امکانات و خدمات کارکردی هستند که امکان کارکرد مناسب زیستگاه انسان را فراهم می‌آورند. همچنین، برخی از مقالات زیرساخت‌ها را به روشی مشابه دسته‌بندی می‌کنند و تعداد کمی ماهیت زیرساخت را در نظر می‌گیرند [۲۰]. بنابراین، برای هدف این مطالعه، زیرساخت‌ها براساس زیرساخت‌های شهری و خدمات زیربنایی برنامه اسکان بشر ملل متحد توصیف می‌شوند و بررسی این ادبیات به عنوان کلیت امکانات، خدمات اساسی، خدمات و ساختارهایی که امکان تأثیر عملکرد زیستی سکونتگاه انسانی را فراهم می‌کند؛ که ارتقای یکپارچگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مردم را به وجود می‌آورد.

شد، جمع‌آوری داده‌ها از طریق استفاده از دو یا چند رویکرد است و این امر در مطالعه برای تأیید و تقویت داده‌های جمع‌آوری شده ضروری است. روش مثلث‌بندی داده‌ها در این تحقیق به این صورت است که راهبرد جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش شامل منابع اولیه گردآوری داده‌ها، منابع ثانویه جمع‌آوری داده‌ها با بیش از یک رویکرد (کیفی و کمی جمع‌آوری داده‌ها) است. منابع اولیه جمع‌آوری داده‌ها از طریق استفاده از بررسی شناسایی، مشاهده، تعامل غیر مستقیم (بدون ساختار) با ساکنان و خبرنگاران منتخب جمع‌آوری شد. همچنین، در مجموع ۳۸۳ پرسشنامه ساختاریافته (۳۸۳ پرسشنامه) در سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر تبریز اجرا شد و در مجموع، ۳۷۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای درک بیشتر یک پرسشنامه آنلاین با خبرنگاران اجرا شد و در مجموع، ۳۰ پرسشنامه برای هدف این مطالعه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. منابع ثانویه داده‌های اتخاذ شده شامل بررسی متون مربوط به محتوا و زمینه مرتبط با متون مربوط به تمرکز تحقیق است. این امر به عنوان بستری برای مفاهیم تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده در این مطالعه عمل می‌کند. داده‌ها با استفاده از روش ترکیبی تجزیه و تحلیل شدند (روش کمی و کیفی تجزیه و تحلیل داده‌ها). کمی شامل استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری با روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم و تحلیل رگرسیونی انجام گرفت، در حالی که روش کیفی شامل استفاده از صفحات و ابزارهای توصیفی مورد استفاده در تفسیر مصاحبه‌ها است. داده‌ها تفسیر شدند و نتایج یافته‌ها برای انعکاس ویژگی‌های سکونتگاه‌های غیر رسمی در رابطه با ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی از نظر تاب‌آوری در منطقه مورد مطالعه یکپارچه شدند. ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی و تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیر رسمی تعیین و براساس آن پیشنهادهایی ارائه شد. این تحقیق به منظور استخراج اطلاعات خاص و عمومی دانش تاب‌آوری شهر تبریز به خصوص سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر تبریز در رابطه با سکونت غیر رسمی و برنامه‌ریزی اجتماعی-اقتصادی انجام شد.

اکنون هیچ مجموعه ویژه‌ای از شاخص‌ها با چارچوب‌هایی سازمان‌یافته برای کمی سازی تاب‌آوری سوانح به وجود نیامده است؛ با وجود این، در جامعه علمی، اجتماعی وجود دارد مبنی بر اینکه تاب‌آوری، مفهومی چندجانبه و دارای ابعاد اجتماعی، اقتصادی، نهادی و کالبدی است [۲۷]. تاب‌آوری دارای ابعاد اجتماعی، اقتصادی، نهادی و کالبدی است که شامل موارد زیر هستند: اجتماعی: از تفاوت ظرفیت اجتماعی، در بین جوامع به دست می‌آید. به بیان دیگر، ظرفیت گروه‌های اجتماعی و جوامع در بازیابی یافتن از یا پاسخ مثبت دادن به سوانح است.

اقتصادی: واکنش و سازگاری افراد و جوامع، به طوری که آن‌ها را قادر به کاهش خسارت‌های بالقوه ساخته سازد که بیشتر قابلیت حیات اقتصادی جوامع را نشان می‌دهد [۲۸].

نهادی: حاوی ویژگی‌های مرتبط با تقلیل خطر، برنامه‌ریزی و تجربه سوانح قبلی است. در اینجا تاب‌آوری به وسیله ظرفیت جوامع برای کاهش خطر، اشتغال افراد محلی در تقلیل خطر، برای ایجاد پیوندهای سازمانی و بهبود و حفاظت از سیستم‌های اجتماعی در یک جامعه تحت تأثیر قرار می‌گیرد [۲۹]. کالبدی: اساساً ارزیابی واکنش جامعه و ظرفیت بازیابی بعد از سانحه نظیر پناهگاه، واحدهای مسکونی خالی یا اجاره‌ای، و تسهیلات سلامتی می‌شود.

مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر تبریز است و این مقاله دیدگاه جهانی هدف تحقیق را از طریق ادبیات مورد بحث قرار داده است. به دنبال آن، با استفاده از روش مطالعه موردی، روش سه‌بخشی جمع‌آوری داده‌ها و روش ترکیبی تجزیه و تحلیل داده‌ها (روش کمی و کیفی)، یافته‌ها ارائه شد و توصیه‌های کافی برای بهبود چالش‌های شناسایی شده در رابطه با تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر تبریز پیشنهاد شد. این مطالعه از روش مطالعه موردی استفاده می‌کند، که در آن سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر تبریز مورد بررسی قرار گرفت. خبرنگاران و مصاحبه از اهالی محله برای جمع‌آوری داده‌ها و مطالعه تحقیق انتخاب شدند. روش مثلث‌بندی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده

جدول ۲. متغیرها و شاخص‌های مورد بررسی

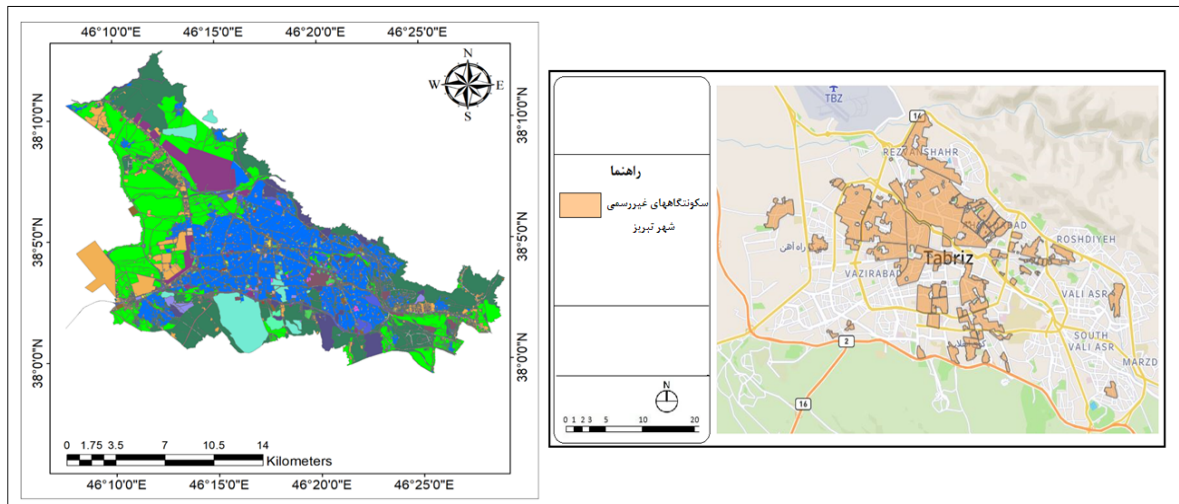
معیارها	زیر معیارها
ویژگی‌های فردی (ES)	وضعیت اشتغال E1، میزان درآمد E2، میزان پس‌انداز E3، احساس امنیت شغلی E4، تنوع منابع درآمدی E5، مالکیت مسکن E6، مالکیت خودرو E7، وضعیت بیمه شغلی یا اشتغال E8
اجتماعی (S)	میزان تحصیلات S1، میزان حسن تعلق مکانی S2، وضعیت بیمه بهداشتی-درمانی S3، آگاهی عمومی در مورد مخاطرات محله S4، میزان ارتباطات با سایر افراد محله S5
فردی (IR)	اعتقاد به نفس IR1، سلامتی جسمی و روانی IR2، توانایی کنترل اضطراب IR3، توانایی خلق راه‌حل‌های مختلف در صورت مواجهه با بحران IR4، احساس منحصر به فرد بودن IR5، مثبت‌اندیشی نسبت به مسائل IR6
تاب‌آوری (I)	اجتماعی (IS) اعتماد به افراد محله در مواجهه با بحران‌ها IS1، اعتماد به مسئولان در مواجهه با بحران‌ها IS2، احساس مسئولیت اجتماعی در مواجهه با بحران IS3، مشارکت با افراد و سازمان‌های مختلف در صورت بروز بحران IS4
ساختارهای اجتماعی	وجود ساختارهای سازمانی و نهادی مؤثر در راستای شناخت بحران‌های سکونتگاه‌های غیر رسمی، بسترسازی فرهنگی در بین نهادها و اقشار اجتماعی سکونتگاه‌های غیر رسمی در زمینه بحران‌ها و پیشگیری از آن‌ها، وجود تعامل و همکاری بین نهادهای درگیر با مدیریت بحران به‌ویژه سکونتگاه‌های غیر رسمی، وجود هماهنگی میان مراکز اخذ تصمیم‌ها و فعالیت‌های اجرایی در راستای مقابله با بحران، وجود پایگاه‌های ارتباطی بین مردم و سازمانهای مسئول جهت تسریع در کیفیت پاسخ‌گویی به نیازها در زمان وقوع بحران.
ساختارهای اقتصادی	اعتبارات مناسب بانک‌ها و نهادهای محلی-دولتی به منظور قابلیت بازگردان وضعیت به قبل از بحران، سرمایه‌گذاری مناسب در ساختارهای اطلاعاتی و ارتباطی به منظور تسریع در فرایند آمادگی در برابر بحران‌ها، اختصاص سرمایه مناسب به منظور بهره‌گیری از دانش و تکنولوژی نوین و روزآمد در راستای آمادگی در برابر بحران

و ۳۸ درجه و ۴ دقیقه عرض شمالی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است [۳۲]. با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده از نواحی شهر تبریز، مشخص می‌شود

محدوده مورد بررسی شهر تبریز از لحاظ مختصات جغرافیایی در ۴۶ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی

۷ قسمت‌هایی از نواحی ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲ و همچنین محلات خلیل‌آباد، چهل‌متری و منبع کوچک در منطقه ۱۰ و نواحی ۳۷ و ۳۸ واقع شده‌اند. عمده محلات سکونتگاه‌های غیررسمی در شمال تبریز و جوار اتوبان پاسداران و دامنه کوه عون‌بن علی قرار گرفته و بیش از ۷۳ درصد از ساکنان این محلات را مهاجران روستایی شهرستان اهر و ورزقان تشکیل می‌دهد. عمده شکل‌گیری محلات یادشده از سال ۱۳۴۰ به بعد بوده و در شکل‌گیری آن‌ها مهاجران روستایی بیشترین تأثیر را داشته است [۳۲].

که شهر تبریز دارای ۱۰ منطقه و ۳۸ ناحیه شهری است شهری است که از این بین ۵ منطقه و ۱۱ ناحیه دارای جمعیت ساکن سکونتگاه غیررسمی است. که شامل مناطق ۱، ۳، ۵، ۷ و ۱۰ است. همچنین، این مناطق محلاتی را شامل می‌شود که این محلات عبارت‌اند از: احمدآباد، ایده‌لو، سیلاب، سیلاب قوشخانه، اسماعیل‌بقال، لوتی‌ابراهیم، قربانی، منبع‌بزرگ، یوسف‌آباد واقع در منطقه ۱ ناحیه‌های ۱ و ۲، محلات آخر طالقانی و آخر مارالان در منطقه ۳ ناحیه ۱۱، محله بهشتی در منطقه ۵ ناحیه ۱۷، محله لاله و آخامیه در منطقه



شکل ۱. موقعیت سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر تبریز

اقتصادی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز بر تاب‌آوری فردی و اجتماعی آن‌ها بر اساس پرسشگری از ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی و روش معادلات ساختاری پرداخته شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات جهت مشخص کردن این موضوع که شاخص‌های اندازه‌گیری (متغیرهای مشاهده‌شده) تا چه اندازه برای سنجش متغیرهای پنهان قابل قبول هستند، باید ابتدا تمامی متغیرهای مشاهده‌شده مربوط به متغیرهای پنهان به طور مجزا، آزمون شوند. شاخص‌های کلی برازش برای الگوهای اندازه‌گیری با به کارگیری نرم‌افزار AMOS در جدول ۳ بیان شده است.

یافته‌ها

ارائه نتیجه تحقیق بررسی‌شده در مورد ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی سکونتگاه‌های غیررسمی از نظر تاب‌آوری در شهر تبریز از مطالعه ادبیات، مصاحبه‌ها و نظرسنجی انجام شده را پوشش می‌دهد. یافته‌های تحقیق بر اساس اطلاعات استخراج‌شده از ساکنان، محققان، متخصصان و ذی‌نفعان در شهر تبریز و در ارتباط با موضوع مطالعه است. شناسایی ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی تأثیرگذار بر تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی: در این قسمت از تحقیق به ارزیابی تأثیر ویژگی‌های اجتماعی-

جدول ۳. شاخص‌های کلی برازش برای الگوهای اندازه‌گیری

RMSEA	CFI	NFI	IFI	GFI	X ² /df	تغییرها	
۰/۰۲	۰/۹۳۸	۰/۹۱۱	۰/۹۱۷	۰/۹۲۱	۱/۲۳	اقتصادی	ویژگی‌ها
۰/۰۲	۰/۹۳۰	۰/۹۰۹	۰/۹۴۲	۰/۹۵۲	۱/۶۷	اجتماعی	
۰/۰۴	۰/۹۶۱	۰/۹۲۸	۰/۹۳۵	۰/۹۴۳	۱/۴۲	فردی	تاب‌آوری
۰/۰۲	۰/۹۳۲	۰/۹۱۳	۰/۹۵۶	۰/۹۶۸	۱/۳۹	اجتماعی	
۰/۰۳	۰/۹۳۸	۰/۹۱۸	۰/۹۲۳	۰/۹۴۸	۱/۵۱	جمع کل	

همچنین، برازش مدل‌های اندازه‌گیری با سه معیار پایایی شاخص (ضرایب بارهای عاملی و پایایی ترکیبی یا CR) روایی همگرا و روایی واگرا بررسی می‌شود. ابتدا بار عاملی گویه‌ها بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد بار عاملی همه گویه‌ها چه ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و تاب‌آوری بیشتر از ۰/۵ است که نشان‌دهنده مناسب بودن برازش مدل اندازه‌گیری ویژگی‌های

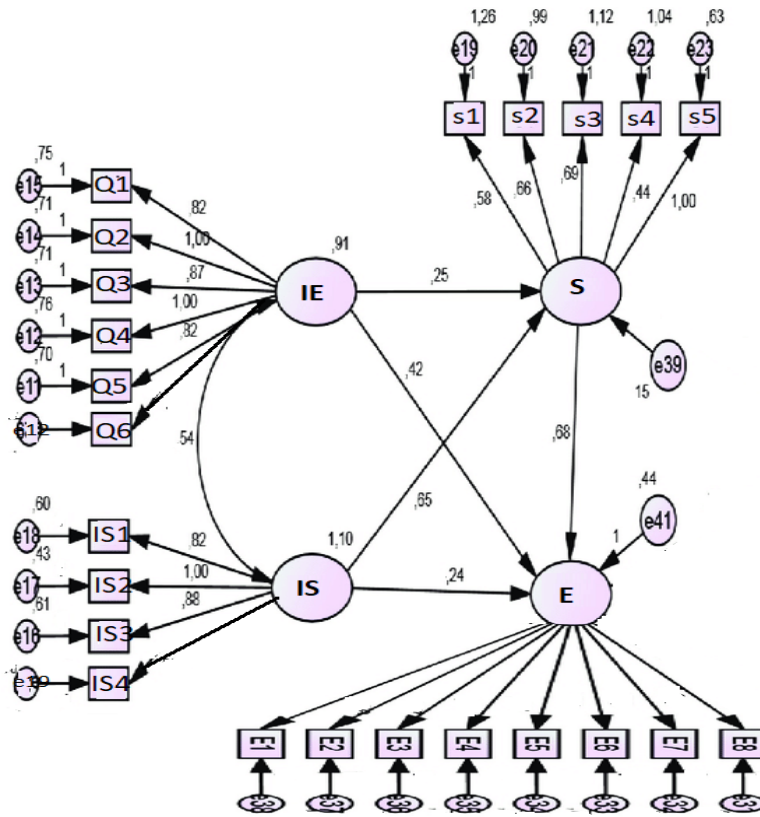
همچنین، برازش مدل‌های اندازه‌گیری با سه معیار پایایی شاخص (ضرایب بارهای عاملی و پایایی ترکیبی یا CR) روایی همگرا و روایی واگرا بررسی می‌شود. ابتدا بار عاملی گویه‌ها بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد بار عاملی همه گویه‌ها چه ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و تاب‌آوری بیشتر از ۰/۵ است که نشان‌دهنده مناسب بودن برازش مدل اندازه‌گیری ویژگی‌های

جدول ۴. برآزش مدل‌های اندازه‌گیری

متغیر	بار عاملی (استانداردشده)	پایایی ترکیبی	AVE
ویژگی‌های اقتصادی (E)	E1	۰/۷۴۳	۰/۶۰۶
	E2	۰/۷۱۸	۰/۷۱۵
	E3	۰/۷۹۳	۰/۶۹۳
	E4	۰/۷۱۵	۰/۵۷۲
	E5	۰/۸۰۱	۰/۵۸۱
	E6	۰/۷۱۹	۰/۶۱۲
	E7	۰/۷۳۹	۰/۵۶۴
	E8	۰/۷۲۶	۰/۵۹۹
ویژگی‌های اجتماعی (S)	S1	۰/۸۰۵	۰/۷۰۱
	S2	۰/۸۰۳	۰/۶۹۴
	S3	۰/۷۹۳	۰/۶۵۱
	S4	۰/۷۸۲	۰/۶۴۶
	S5	۰/۸۳۷	۰/۶۹۸
تاب‌آوری فردی (IR)	IR1	۰/۸۲۹	۰/۵۷۹
	IR2	۰/۸۰۹	۰/۵۹۸
	IR3	۰/۷۵۵	۰/۶۲۹
	IR4	۰/۷۸۸	۰/۷۱۸
	IR5	۰/۷۹۴	۰/۷۰۳
	IR6	۰/۷۲۲	۰/۶۹۹
تاب‌آوری اجتماعی (IS)	IS1	۰/۷۰۷	۰/۶۸۵
	IS2	۰/۷۵۹	۰/۶۱۹
	IS3	۰/۷۷۱	۰/۶۲۱
	IS4	۰/۸۱۸	۰/۶۰۸

به مالکیت مسکن توجه خاص و ویژه‌ای دارند. در بین مؤلفه‌های تاب‌آوری فردی عامل سلامتی جسمی و روانی با ضریب ۰/۸۶۸ بیشترین تأثیر داشت و از نظر تاب‌آوری اجتماعی هم بیشترین اثرگذاری مربوط به عامل اعتماد به افراد محله در مواجهه با بحران‌ها با ضریب ۰/۸۶۸ است. در سکونتگاه‌های غیررسمی اعتماد همسایه‌ها و اهالی محله نسبت به هم هنگام بروز بحران و سایر امور بیشتر از عوامل است که به نوعی خودیاری محلی محسوب می‌شود. و شاخص‌های برآزش RMSEA، GFI، NFI، CFI و برای مدل ساختاری نیز به ترتیب ۰/۹۴۸، ۰/۹۱۸، ۰/۹۲۸، ۰/۰۳ و به دست آمده است که در محدوده قابل قبول قرار دارند و مدل برآزش بسیار خوبی دارد که نشان‌دهنده ارتباط قوی بین متغیرهای اقتصادی-اجتماعی با متغیر وابسته تاب‌آوری در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز است.

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول ۴ و شکل ۲ قابل بیان است که ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر تاب‌آوری فردی و اجتماعی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر تبریز دارد که در بین ویژگی‌های اقتصادی بیشترین تأثیرگذاری مربوط به متغیرهای مالکیت مسکن، میزان درآمد و احساس امنیت شغلی به ترتیب با ضریب ۰/۸۹۲، ۰/۸۲۱ و ۰/۷۹۸ است و کمترین اثرگذاری از نظر اقتصادی مربوط عامل مالکیت خودرو با ضریب ۰/۶۰۷ است. در بین متغیرهای اجتماعی بیشترین تأثیرگذاری مربوط به متغیرهای احساس تعلق مکانی و به محله و آگاهی عمومی نسبت به مخاطرات محله به ترتیب با ضرایب ۰/۸۰۱ و ۰/۷۶۴ است و کمترین اثرگذاری در رابطه با ویژگی‌های اجتماعی مربوط به عامل وضعیت بیمه است. همچنین، قابل بیان است که بیشترین تأثیرگذاری شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی مالکیت مسکن است. مردم در این مناطق و سکونتگاه‌ها



شکل ۲. مدل ساختاری تحقیق

جدول ۵. ضریب رگرسیونی و مقادیر شاخص‌های جزئی مربوط به فرضیه‌ها

نتیجه	خطای استاندارد	P	مقدار بحرانی	ضریب رگرسیونی	شکل روابط بین متغیرها
تأیید	۰/۰۸۱	۰/۰۰۱	۳/۹۳	۰/۶۵۲	ویژگی‌های اقتصادی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر معناداری با افزایش تاب‌آوری فردی آن‌ها دارد.
تأیید	۰/۰۷۵	۰/۰۰۱	۴/۱۱	۰/۷۰۲	ویژگی‌های اقتصادی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر معناداری با افزایش تاب‌آوری اجتماعی آن‌ها دارد.
تأیید	۰/۰۹۸	۰/۰۰۱	۳/۲۵	۰/۵۱۷	ویژگی‌های اجتماعی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر معناداری با افزایش تاب‌آوری فردی آن‌ها دارد.
تأیید	۰/۰۸۴	۰/۰۰۱	۳/۷۹	۰/۵۵۸	ویژگی‌های اجتماعی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر معناداری با افزایش تاب‌آوری اجتماعی آن‌ها دارد.

ضریب رگرسیونی و مقادیر شاخص‌های جزئی مربوط به هر فرضیه در جدول ۵ بیان شده که بیشترین ضریب رگرسیونی مربوط به ارتباط بین ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی از نظر تاب‌آوری با ضریب ۰/۷۰۲ و مقدار بحرانی ۴/۱۱ است. و کمترین ضریب مربوط به ارتباط بین ویژگی‌های اجتماعی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی با افزایش تاب‌آوری فردی آن‌ها دارد.

پس از بررسی و تأیید الگوهای اندازه‌گیری برای آزمون معناداری فرضیه‌ها دو شاخص جزئی مقدار بحرانی و P به کار گرفته شده است. بر اساس سطح معناداری ۰/۰۵ مقدار بحرانی باید بیشتر از ۱/۹۶ باشد، مقدار پارامتر کمتر از این در الگو، با اهمیت شمرده نمی‌شود. همچنین، مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۵ برای مقدار P حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه‌شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد اطمینان است. فرضیه‌ها به همراه

جدول ۶. آمار توصیفی ساختارهای اجتماعی-اقتصادی بر تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی

گروه‌ها	T آماره (ارزش آزمون ۳)	درجه آزادی	سطح معناداری	
			حد بالا	حد پایین
وجود ساختارهای سازمانی و نهادی مؤثر در راستای شناخت بحران‌های سکونتگاه‌های غیررسمی	۸/۸۴۱	۱۸۵	-/۰۰۱	۱/۸۴۵
بستر سازی فرهنگی در بین نهادها و اقشار اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی در زمینه بحران‌ها و پیشگیری از آن‌ها	۸/۶۸۰	۱۸۵	-/۰۰۱	۱/۰۰۳
وجود تعامل و همکاری بین نهادهای درگیر با مدیریت بحران به‌ویژه سکونتگاه‌های غیررسمی	۱۱/۴۲۹	۱۸۵	-/۰۰۱	۱/۷۵۲
وجود هماهنگی میان مراکز اخذ تصمیم‌ها و فعالیت‌های اجرایی در راستای مقابله با بحران	۷/۹۸۴	۱۸۵	-/۰۰۱	-/۷۸۱
وجود پایگاه‌های ارتباطی بین مردم و سازمان‌های مسئول جهت تسریع در کیفیت پاسخ‌گویی به نیازها هنگام وقوع بحران	۱۳/۱۱۱	۱۸۵	-/۰۰۱	۱/۶۸۳
اعتبارات مناسب بانک‌ها و نهادهای محلی-دولتی به منظور قابلیت بازگردان وضعیت به قبل از بحران	۱۱/۵۸۲	۱۸۵	-/۰۰۱	۱/۰۰۱
سرمایه‌گذاری مناسب در ساختارهای اطلاعاتی و ارتباطی به منظور تسریع در فرایند آمادگی در برابر بحران‌ها	۱۵/۰۵۳	۱۸۵	-/۰۰۱	-/۸۴۱
اختصاص سرمایه مناسب به منظور بهره‌گیری از دانش و تکنولوژی نوین و روزآمد در راستای آمادگی در برابر بحران‌ها	۱۴/۳۱۶	۱۸۵	-/۰۰۱	۱/۹۲۳

مورد بررسی مربوط به سرمایه‌گذاری مناسب در ساختارهای اطلاعاتی و ارتباطی به منظور تسریع در فرایند آمادگی در برابر بحران‌ها و اختصاص سرمایه مناسب به منظور بهره‌گیری از دانش و تکنولوژی نوین و روزآمد در راستای آمادگی در برابر بحران‌ها بوده که آماره آزمون برای آن‌ها به ترتیب برابر ۱۵/۰۵۳ و ۱۴/۳۱۶ است.

شناسایی ساختارهای اجتماعی-اقتصادی تأثیرگذار بر تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز
در این قسمت از تحقیق به بررسی عوامل تأثیرگذار ساختارهای اجتماعی-اقتصادی بر تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی بر مبنای نظرات مدیران و مسئولان حوزه مدیریت بحران و نخبگان دانشگاهی پرداخته شده است. در این راستا نتایج حاکی از آن است که بیشترین تأثیرگذاری در بین مؤلفه‌های

جدول ۷. ضرایب تبیین نهایی آماره مدل‌های رگرسیونی برای تأثیر ساختارها بر تاب‌آوری

رگرسیون خطی (Linear-R)					
ساختارها	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		Sig
	B	خطای B	β	t	
ساختارهای اجتماعی	۱/۶۵۸	-/۰۰۸	-/۷۲۱	۲۸/۸۶۹	-/۰۰۱
ساختارهای اقتصادی	۱/۳۶۵	-/۰۰۹	-/۷۰۲	۲۵/۸۳۶	-/۰۰۱
رگرسیون لگاریتمی (Logharitmic-R)					
ساختارها	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		Sig
	B	خطای B	β	t	
ساختارهای اجتماعی	۱/۱۵۳	-/۰۰۹	-/۷۱۵	۲۷/۵۲۷	-/۰۰۱
ساختارهای اقتصادی	۱/۰۸۴	-/۰۱۸	-/۶۷۵	۲۳/۹۹۹	-/۰۰۱

نشان می‌دهد. براساس ضریب استاندارد به‌دست آمده (β) از ساختارهای اجتماعی دارای تأثیرگذاری بیشتری نسبت به ساختارهای اقتصادی بوده‌اند.

همچنین، نتایج بر اساس آزمون ضریب رگرسیون در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معناداری بین ساختارهای اجتماعی-اقتصادی با تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی

جدا کرد. این به‌سادگی بیان می‌کند که تأثیر شهرنشینی بر تکامل سکونتگاه‌های غیررسمی و عدم کفایت و یا کفایت زیرساخت‌ها را نمی‌توان در شهرهای تاب‌آور آن اسکان بیش از حد مورد تأکید قرار داد. تکامل سکونتگاه‌های غیررسمی و طراحی آن‌ها تحت تأثیر جمعیت است؛ تجربه اکثر کشورهای جهان نشان می‌دهد بیش از نیمی از جمعیت جهان در مراکز شهری زندگی می‌کنند. این امر بر این واقعیت تأکید دارد که افزایش جمعیت بر طراحی تأثیر می‌گذارد، باعث افزایش نیازهای مسکن و زیرساخت‌ها می‌شود و متعاقباً اگر به‌درستی مدیریت نشود، فشاری بر مسکن و زیرساخت‌ها ایجاد می‌کند. همچنین، این امر بر ظرفیت تاب‌آور سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز تأثیر می‌گذارد، چرا که باعث رشد بیشتر مناطق شهری در تبریز به سمت اسکان پراکنده و اسکان غیررسمی می‌شود. این امر متعاقباً مسئولیت‌های بیشتری را برای برنامه‌ریزان در برنامه‌ریزی شهر تبریز در سکونتگاه‌های غیررسمی از نظر تاب‌آوری شهری با زیرساخت‌های مناسب ایجاد می‌کند. با توجه به یافته‌های مطالعاتی و میدانی هفت حوزه بحرانی را در میان ۱۸ چالش اساسی در توسعه فضای شهری تبریز شناسایی کردند. اولین چالش شناسایی شده منابع طبیعی است که شامل منابع زمین، رفاه و دیگر موهبت‌های طبیعی است. هدر رفتن زمین‌های مرغوب است. همچنین، کمبود منابع آبی یکی از کمبودهای منابع طبیعی است که در کشور شناسایی شده است. یکی دیگر از چالش‌های مهم شناسایی شده که تأثیر قابل توجهی بر کفایت زیرساخت‌ها، اسکان غیررسمی و مهم‌تر از همه ظرفیت تاب‌آور جامعه تبریز با توجه به شرایط زندگی مردم در سکونتگاه‌های غیررسمی دارد. این مشکل شامل بدتر شدن محیط زندگی و بدتر شدن شرایط زندگی است که بر کیفیت زندگی در محیط شهری تأثیر می‌گذارد. آلودگی محیط زیست، ظرفیت تصفیه زباله در مقایسه با ظرفیت مورد نیاز در سکونتگاه‌های غیررسمی پایین است. علاوه بر این، چالش‌های نابرابری در طبقه اجتماعی نیز بر تخصیص منابعی مانند تسهیلات ایمنی اجتماعی، تسهیلات بهداشتی و منابع آموزش عمومی در میان سایر منابع تأثیر می‌گذارد. این‌ها بخشی از منابعی هستند که به طور نابرابر برای مردم به دلیل نابرابری طبقه اجتماعی (اقتضار) در دسترس هستند. تجربه جامعه ایران و به‌خصوص تبریز در رابطه با طبقه اجتماعی شناسایی شده، حس بی‌عدالتی و بی‌عدالتی را به وجود می‌آورد. منابعی که توسط اقتضار پایین‌تر اجتماعی دریافت می‌شوند، متناسب با جمعیت آن‌ها نیستند، که به‌شدت بر ناتوانی آن‌ها در تبدیل اجتماعی به سمت بالا در سکونتگاه‌های غیررسمی تأثیر می‌گذارد. سیاست‌های عمومی و امور مالی عمومی در رابطه با سکونتگاه‌های غیررسمی شناخته شده تاب‌آور تبریز، نیاز به بهبود را نشان می‌دهد. بند مربوط به برنامه‌ریزی شهری در قانون اساسی ارتباط نزدیکی با هم دارند. اما مسئله اجراء در میان دیگران ناکافی است یا در نظر گرفتن تمام این چالش‌ها، قوانین برنامه‌ریزی شهری در ناکافی، ناکارآمد و نیازمند بهبود است. قوانین مرتبط با قانون اساسی و مسائل قانون برنامه‌ریزی شهری به وضوح تعریف و اجرا نمی‌شوند. یکی دیگر از مسائل مرتبط، سیستم اجرایی است که کارکردهای اجتماعی برنامه‌ریزی شهری را در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز محدود می‌کند. برای ادغام و مهار مؤثر این قوانین برنامه‌ریزی شهری در شهر تبریز، کارکردهای تنظیم کلان برنامه‌ریزی شهری باید با نیاز امروز به زمین تعریف شوند؛ امروزه استفاده از زمین و به‌ویژه کنترل حق توسعه زمین در سکونتگاه‌های غیررسمی باید مطابق با قوانین امروزی باشد. با توجه به اینکه برنامه‌ریزی شهری نقش بسیار محدودی در هدایت یا کنترل بازار زمین دارد، می‌توان از آن به عنوان یک عامل منفعل در حال تخریب یاد کرد. با این حال، مسئله کفایت زیرساخت‌ها، اسکان غیررسمی و سازگاری برای شهر تاب‌آوری آینده در سکونتگاه‌های غیررسمی است. نوع تصرف زمین با توسعه غیرقانونی یا نامنظم، ناکافی بودن حق مالکیت، ابهام قانون زمین، ابهام مالکیت خود بر تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز اثر می‌گذارد. تحقیقات در مورد ظرفیت ناکافی تاب‌آوری شهر تبریز و سکونتگاه‌های غیررسمی آن در رابطه با سیاست مسکن و قیمت بازار به‌درستی یکپارچه نشوند، شهر از حالت اولیه خارج می‌شود. باید در

براساس یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق و همچنین، وضعیت موجود سکونتگاه‌های غیررسمی و شهر تبریز و ایران در ابعاد مختلف و مشکلات ساختاری (کلان) و غیرساختاری (خرده)، وضعیت دست‌یابی به تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی بر مبنای مؤلفه‌های اجتماعی-اقتصادی به شرح زیر در سه اصل تاب‌آوری (سازگاری، مقاومت و تغییرپذیری) تبیین می‌شود:

سازگاری (توانایی بازگشت به عقب)؛ بازگشت به عقب و سازگاری با وضعیت باتوجه به تغییرات بنیادی در شرایط اقتصادی و حتی اجتماعی ساکنان (به‌ویژه اثرات ناشی از شیوع پاندمی کرونا و افزایش تورم چندبرابری) به صورت گسترده و از دست دادن شغل پس‌انداز به‌سختی قابل تحقق است. در این شرایط عدم ثبات معیارهای اقتصادی در افراد و اقشار کم‌درآمد و کاهش دارایی‌ها از یک‌سو و وضعیت بی‌ثبات ایران در عرصه بین‌المللی تحریم‌های گسترده از سوی دیگر موجب افزایش بی‌سابقه تورم شده و عدم کارایی سیاست‌های دولت در کنترل قیمت‌ها و ثبات شرایط اقتصادی و کاهش اعتماد عمومی مردم نسبت به مسئولان بازگشت به وضعیت گذشته را سخت کرده است. مقاومت (توانایی جذب شوک)؛ با توجه به وضعیت حاکم بر جامعه ایران و در حاشیه قرار گرفتن اقشار کم‌درآمد و همچنین، نبود ابزارهای حمایتی برای گروه‌های هدف، مقاومت و توانایی جذب اثرات اقتصادی-اجتماعی ناشی از تورم سخت است. بنابراین، عدم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب از طریق ارگان‌های مسئول، بیشترین تأکید بر توانایی جذب شوک از طرف شهروندان خواهد بود. تغییرپذیری (قابلیت تغییر و انطباق)؛ توسعه مدیریت سیستمی و یکپارچه در ابعاد مختلف اقتصادی-اجتماعی با مشارکت جمعی مردم و نهادهای دولتی و خصوصی، سازمان یافتن جامعه محلی به منظور پرداختن به مسائل و مشکلات خود با تأکید بر نقش تسهیل‌گر دولت و نهادی خصوصی از ضرورت‌های اساسی است. همچنین، باید با تأکید بر شیوه‌های نوین و دانش‌محور ضمن شناخت گروه‌های آسیب‌پذیر و اختصاص بودجه مناسب برای توانمندسازی آن‌ها، اعتبارات مد نظر گرفته شده را به سمت گروه‌های هدف هدایت کرد. با توجه به شرایط موجود مدیریتی (حاکمیت رویکرد تکنوکراسی) و در حاشیه قرار گرفتن گروه‌های کم‌درآمد در برنامه‌ها و طرح‌های توسعه از یک‌سو و افزایش مشکلات روحی-جسمی در این اقشار از سوی دیگر تغییرپذیری و انطباق با شرایط به‌سختی قابل وصول است.

تفسیر کیفی تاب‌آوری در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز

موضوع زیرساخت، سکونتگاه غیررسمی و دستیابی به تاب‌آوری شهری در شهر تبریز با عملکردهای شهری تشدید شده، اقتصاد پویا و ساختار فضایی پهنه در ارتباط است. این پدیده چالش سکونت انسان را افزایش داده و ظرفیت تاب‌آور شهر سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز را کاهش می‌دهد. این جنبه از مطالعه نگاهی به مسائل زیرساخت، سکونتگاه غیررسمی و شهر تاب‌آور از دیدگاه مفهومی و ادبی شهر تبریز دارد. با در نظر گرفتن این چالش‌های شناسایی شده از تجربه تبریز، برخی از عواملی که به چالش توسعه شهری تبریز کمک می‌کنند، شامل عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی و مهم‌تر از همه چالش‌های گذار اجتماعی تبریز همچنین، یکی دیگر از عوامل پیچیده که به چالش‌های شهری تبریز در زمینه شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی کمک می‌کند، اقتصاد جهانی به‌سرعت در حال رشد است؛ که به چالش‌های فضای شهری، زیرساخت‌های نامناسب، کیفیت مسکن و به‌صرفه بودن مسکن در مناطق غیررسمی کمک می‌کند. ظرفیت تاب‌آور شهر سکونتگاه‌های شهر تبریز هر روز کاهش پیدا می‌کند؛ به‌طور مستمر حدود ۵۰۰۴۲۵ نفر ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز در معرض تهدید انواع حوادث قرار دارند. این امر به عنوان تأثیر شهرنشینی بر ظرفیت تاب‌آور شهر تبریز در سکونتگاه‌های غیررسمی مؤثر است. رشد شهرها و رانمی‌توان از فرهنگ مردم و ساختار اقتصادی آن سکونتگاه جدا کرد. در عین حال، زیرساخت اسکان، در دسترس بودن زیرساخت‌ها و کفایت آن را نمی‌توان از فرهنگ مردم، توسعه اجتماعی-اقتصادی و الگوی توسعه مسکن آن جامعه

و خلق راه‌حل‌های مختلف و بهبود خودکار آمدی آن‌ها می‌گذارد. همچنین، برنامه‌ریزی مناسب در ابعاد فردی و اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی می‌تواند با توانمند ساختن آن‌ها موجبات ارتقای تاب‌آوری افراد در برابر مشکلات و بحران‌ها، ارتقای کارایی فردی، کاهش استرس و اضطراب در مواقع بروز سوانح و افزایش روحیه مشارکتی برای غلبه بر مسائل مختلف شود. با توجه به یافته‌های این تحقیق از مرور ادبیات، بازدید از سایت، مشاهدات؛ پرسشنامه و مصاحبه بدون ساختار با دستیاران تکمیل شد. این مطالعه موارد زیر را توصیه می‌کند و متعاقباً به شرح زیر نتیجه‌گیری می‌کند:

۱. دولت باید به فکر استحکام ساختمان و طرح‌های مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز باشد. تا جمعیت زیاد شهروندان کم‌درآمد را در خود جای دهد.
۲. مدیریت محلی باید رویکرد طراحی جامع را تا حد ممکن اتخاذ کند، دولت محلی باید مردم (شهروندان) را با خوبی آموزش دهد و آگاهی و حساسیت بهتری نسبت به آنچه که در حال حاضر در محل زندگی‌شان وجود دارد، ایجاد کند. همچنین، نقش و مزایای مردم (شهروندان) و دولت باید به‌وضوح برای دستیابی به طراحی جامع و موفقیت پروژه‌های آغاز شده در رابطه با سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز بیان شود.
۳. همچنین، سیاست‌های موجود در زمینه معیارها برای دستیابی به برخی از مقررات مسکن عمومی دولت باید با انجمن مشارکت شهروندان (سکونتگاه‌های غیررسمی) بررسی شود. این وضعیت از نظر افراد مصاحبه‌شده مسخره به نظر می‌رسد و حتی به عنوان بخشی از منشأ بدنامی فرض می‌شود، زیرا مردم بر این باورند که برای رسیدن به چنین معیارهایی باید واقعا شخص باید فقیر باشد. بنابراین، شرط تخصیص نباید طوری ارائه یا ایجاد شود که بی‌عدالتی به وجود آورد.
۴. آموزش عمومی و روشنگری نیز باید برای اجتناب از بدنام کردن اشغالگران مسکن عمومی در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز انجام شود.
۵. اصلاحات سیاست اقتصادی نیز باید برای تشویق توسعه اقتصادی برابر یا حداقل کاهش شکاف بین غنی و فقیر به عنوان محصولات اقتصادی کشور انجام شود.
۶. سیستم برنامه‌ریزی در کشور دچار مشکل است پروژه‌ها و برنامه‌ریزی (مسکن، پروژه‌های زیربنایی) به‌خصوص در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز باید به صورت آگاهانه برنامه‌ریزی شوند.
۷. شرایط زیارساخت‌های اقتصادی-اجتماعی در کشور با توجه به یافته‌های تحقیق، و شواهد فیزیکی در کشور در حد متوسط است، اما این مورد باید در مناطق غیررسمی منتخب (سکونتگاه‌های غیررسمی) تبریز بهبود یابد و به روشی یکپارچه که بتواند به توسعه اقتصادی-اجتماعی برابر و عادلانه در سطح شهر و کشور کمک کند مدیریت شود.

■ مشارکت نویسندگان

نویسنده اول ۲۵٪ نویسنده دوم ۳۵٪، نویسنده سوم ۳۰٪ است.

■ تشکر و قدردانی

از کلیه کسانی که در این تحقیق، محققان را یاری کرده‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنیم. این تحقیق منافع تجاری نداشته‌اند و در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت نکرده‌اند و مقاله حامی مادی و معنوی ندارد و همه هزینه‌ها توسط نویسنده اول (دانشجو) انجام گرفته است.

■ تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

دستیابی به کیفیت (محیط، مسکن غیررسمی، زیارساخت اقتصادی-اجتماعی) در زندگی شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی باید از نظر تاب‌آوری در نظر گرفته شوند. بنابراین، این تحقیق، ظرفیت تاب‌آوری شهر در سکونتگاه‌های غیررسمی را نسبت به سایر سکونتگاه‌های شهر تبریز ارائه می‌دهد؛ مسائل مربوطه شامل سیاست‌های برنامه‌ریزی، کمبود فضاهای باز عمومی یا استفاده ناکافی، امکانات ناکافی و فضاهای شهری برای زندگی روزمره است. یافته‌های تحقیق همچنین ناکافی بودن ظرفیت تاب‌آور سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز نسبت به اقدامات توسعه مجدد را نشان می‌دهد. این مطالعه چالش‌های مختلف شهری مانند چالش ترافیک، تأثیر ساختارهای توسعه یافته تراکم و تأثیر شهرنشینی بر کیفیت زندگی در میان سایر سکونتگاه‌ها را شناسایی می‌کند. همچنین این مطالعه نتیجه می‌گیرد که ارائه زیارساخت‌های اجتماعی مختلف و امکانات عمومی به بهبود سلامت عمومی کمک می‌کند؛ کیفیت زندگی گروه‌های مختلف، شیوه‌های زندگی آن‌ها را تأمین می‌کند، نابرابری اجتماعی را کاهش می‌دهد و غرور مدنی را افزایش می‌دهد. در راستای این تحقیق مشخص شد بین ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و تاب‌آوری سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز رابطه وجود دارد و نیاز به مطالعه آن در یک سکونتگاه غیررسمی برای رسیدن به توسعه پایدار است.

■ نتیجه‌گیری

این مطالعه نتیجه می‌گیرد که سکونت‌های غیررسمی در هر کشوری از جهان وجود دارد و ماهیت غیررسمی بودن در یک کشور بستگی به توسعه آن کشور دارد. این مطالعه بر این مسئله تأکید می‌کند که سکونت غیررسمی در اشکال و شدت‌های مختلف در کشورهای مختلف جهان وجود دارد. همچنین، این مطالعه نشان می‌دهد سکونت غیررسمی به شرایط اقتصادی-اجتماعی مرتبط است و توسعه زیارساخت‌های اقتصادی-اجتماعی لزوماً به وجود سکونت‌های غیررسمی نیست، زیرا تجربه شهر تبریز در رابطه با این مسئله این موضوع را منعکس می‌کند. این تحقیق به نقش ظرفیت اجتماعی-اقتصادی در رابطه با توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی اشاره می‌کند. این سند در شهر تبریز عملاً موجود است، زیرا حضور سکونتگاه‌های غیررسمی که بیشتر در پهنه شمالی شهر تبریز قرار دارد، مؤید این امر است؛ به این معنا که بی‌عدالتی در توزیع منابع اقتصادی به شناخت سکونت‌های غیررسمی در شهر تبریز کمک می‌کند. ماهیت سکونتگاه‌های غیررسمی و تدارک زیارساخت در سکونتگاه‌های غیررسمی تبریز و ارزیابی ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی چنین سکونتگاه‌هایی برای پرورش رشد شهری در آینده از نظر تاب‌آوری لازم است. بنابراین، باید ساختمان‌ها مقاوم‌سازی بشوند تا در برابر بروز بحران تاب‌آوری لازم داشته باشد تا کمترین آسیب را متحمل شوند. اما این به اندازه کافی برای تاب‌آوری پایدار در شهر تبریز در رابطه با سکونتگاه‌های غیررسمی کافی نیست. افزایش رشد جمعیت، توسعه اقتصادی با شکاف گسترده بین فقرا و ثروتمندان، هزینه بالای زندگی، روند فعلی مسکن به صورت غیرمقرون‌به‌صرفه و در دسترس نبودن مسکن در میان نیازمندان در رابطه با توسعه زیارساخت موجب ایجاد سکونت‌های غیررسمی و متعاقباً کاهش ظرفیت کشور برای ایجاد تاب‌آوری در آینده خواهد شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاکی از آن است که ویژگی‌های اعتماد به افراد محله در مواجهه با بحران‌ها توسط ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی و تمایل به مشارکت و تشکیل انواع نهادها در این مناطق رابطه متقابلی با مؤلفه‌های اقتصادی-اجتماعی افراد دارد. از این‌رو دستیابی به منابع اقتصادی و ارزش‌های اجتماعی از یک‌سو و وجود ساختارهای اجتماعی-اقتصادی از سوی دیگر موجبات ارتقای تاب‌آوری در سکونتگاه‌های غیررسمی و به تبع آن، تاب‌آوری اجتماعی را فراهم خواهد کرد. تحقق این شاخص‌ها تأثیر قابل توجهی بر افزایش اعتمادبه‌نفس افراد، توانایی حل مشکلات در مواقع بحرانی

- [1] Zeynali Azim, A., Mohammadian, B., Jadiri Abbasi, M., Babazadeh Oskouei, S., Akhlaghi, L. Factors Affecting Housing Prices from the Perspective of Residents in Charandab Neighborhood of Tabriz City. *Urban Economics and Planning*, 2023; 4(3): 172-187. <https://doi.org/10.22034/uep.2023.424496.1430>.
- [4] UN-Habitat. Habitat III Issue Papers, 18- Urban Infrastructure and Basic Services, Including Energy. New York, 2015. 1-10.
- [5] UN-Habitat (2016). World Cities Report. New York. 2016. <https://unstats.un.org/sdgs/metadata/files/Metadata-11-01-01.pdf>.
- [6] UN-Habitat. Habitat III Issue Papers, 19-Transport and mobility. New York, 2015 at <https://unstats.un.org/sdgs/metadata/files/Metadata-11-01-01.pdf>.
- [7] Mehranjad Bora, P., Pirbabaei, M., Shahbazi, Y. Analyzing the resilience of critical urban infrastructures with the adaptation cycle approach against the risks of Tabriz metropolis Safe City, 2023; 6(2): 50-66. <https://doi.org/10.22034/ispdrc.2023.2003632.1033>. [In Persian]
- [8] Rajaei S., Pourahmad A., Ghazi I., Spatial analysis of subjective indicators of resilience in informal settlements in the 4th district of Zahedan city, *Spatial Planning (Geography)*, 2023, 49, 45-68. <https://www.sid.ir/paper/1128481/fa>
- [9] Sohrabi, V., avish, M., zolfzade, E. Resilience in informal settlements with an emphasis on the physical dimension (Nakhel Nakhda and Talaband neighborhoods, Bandar Abbas city). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 2023; 4(1): 1-18. [In Persian]
- [10] Alizadeh, H. Analyzing and Recognizing Urban Critical Infrastructure Resilience Capacity Based on Resilience Adaptive Cycle (RAC) In Ahvaz Metropolis. *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 2022; 9(4): 1103-1123. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2021.320214.1473>. [In Persian]
- [11] Hossain Hataminejad, H., Heydari, A., Najafi, E., Izadi, B. Prioritization of Resilience Components in Informal Settlements Textures Case Study: Sohrabiyeh neighborhood of Karaj. *Sustainable city*, 2020; 3(2): 77-99. <https://doi.org/10.22034/jsc.2020.188858.1033>. [In Persian]
- [12] Haley, J, Heeks, R, Van Belle, J-P, Measuring Resilience in Marginalised Urban Communities: A South African Township Pilot Study. RABIT Working, 2021. Paper.1, <https://ssrn.com/abstract=3821218> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3821218>.
- [13] Rivero-Villar, A. Longitudinal resilience building in self-help settlements: Achieving transformations to unlock adaptations. *Geoforum*, 2021, 122, 152-163. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2021.04.005>.
- [14] Thoun, T, How formalization of urban spatial plan affects marginalized groups and resilience practices in Cambodia secondary town: A case study from Battambang, *Reg Sci Policy Pract*, 2021, 13(6), 1866-1889.
- [15] Satterthwaite, D., Archer, D., Colenbrander, S., Dodman, D., Hardoy, J., Mitlin, D., & Patel, S Building Resilience to Climate Change in Informal Settlements. *One Earth*, 2020, 2(2), 143-156. <https://doi.org/10.1016/j.oneear.2020.02.002>.
- [16] Fastenrath, S, Coenen, L, Davidson, K, Urban Resilience in Action: the Resilient Melbourne Strategy as Transformative Urban Innovation Policy? *Sustainability*, 2019, 11(693), <http://dx.doi.org/10.3390/su11030693>.
- [17] Mesagan, Ekundayo P. and Ezeji, Amarachi C. (2016): The Role of Social and Economic Infrastructure in Manufacturing Sector Performance in Nigeria. Published in: *Babcock Journal of Economics, Banking and Finance*, 2016. 101-119. <https://mpr.ub.uni-muenchen.de/78310/>.
- [18] Ijaiya GT, Akanbi SB. An empirical analysis of long run effect of infrastructure on industrialization in Nigeria. *Journal of International Economic Review*, 2009, 2:135-49. [321220621_Informal_Financial_Institutions_and_Poverty_Reduction_in_the_Informal_Sector_of_Offs_Town_Kwara_State_A_Case_Study_of_Rotating_Savings_and_Credit_Associations_ROSCAs](https://doi.org/10.1016/j.econpol.2008.09.048).
- [19] Ezebilio, E E, Patrice S. Preferences for Infrastructure and Determinants of Decision to Live in a Makeshift House in Informal Settlements. *Economies*, 2021, 9: 183. <https://doi.org/10.3390/economies9040183>.
- [20] Kali, Marnane, Kelly, Greenop. Housing adequacy in an informal built environment: case studies from Ahmedabad. *Journal of Housing and The Built Environment*, 2023, 22(3), 1-12. <http://dx.doi.org/10.1007/s10901-023-10029-x>.
- [21] pakzad E, Shahivandi A, Irandoost K. Selecting a new pattern for the betterment of informal settlements in Iran. *mmi* 2023; 13 (35): 5 <http://dx.doi.org/%E2%80%8E%2010.52547/mmi.2245.14011018>. [In Persian]
- [22] Sharif Zadehan, M. H., Safavi, S. F. Institutional solutions for dealing with informal settlements in the country with an emphasis on justice; Case study: Tehran metropolis. *Spatial Planning and Development Policy Journal*, 2023; 1(1): <https://doi.org/10.48308/spdp.2023.103702>. [In Persian]
- [23] Informality and Responding to the Challenges of Informal Settlements. The urban book series, 2023.17-36. https://doi.org/10.1007/978-3-031-22239-9_2.
- [24] Taherkhani, B., Yazdanfar, A. Investigation and Study of the Marginalization and the Phenomenon of the Informal Settlement. *Science Cultivation*, 2020; 11(1): 92-101. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.2008935.1399.11.1.9.8>. [In Persian]
- [25] Asadi, A. Evaluation of socio-economic components explaining resilience in informal settlements (Case study: Tabriz metropolis). *Regional Planning*, 2022; 12(47): 196-181. <https://doi.org/10.30495/izpm.2022.5400>. [In Persian]
- [26] Franssen, J., Hati, B., van Stapelle, N. et al. Resilience Pathways of Informal Settlements in Nairobi: Stasis, Decline, Adaptation, and Transformation. *Eur J Dev Res* 36, 355-380 (2024). <https://doi.org/10.1057/s41287-023-00605-w>.
- [27] Campanella, T. J. Urban resilience and the recovery of New Orleans". *Journal of the American Planning Association*, 2006, 72(2), pp. 141-146 <https://doi.org/10.1080/01944360608976734>.
- [28] Ahern, J. From fail-safe to safe-to-fail: Sustainability and resilience in the new urban world. *Landscape and Urban Planning*, 2011, 100(4), 341-343. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2011.02.021>.
- [29] Coaffee, J. Risk, resilience, and environmentally sustainable cities. *Energy Policy*, 2008, 36(12), 4633-4638 <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2008.09.048>.
- [30] Sharifi, A., & Yamagata, Y. Urban Resilience Assessment: Multiple Dimensions, Criteria, and Indicators, *Urban Resilience*, 2016, 259-276. https://doi.org/10.1007/978-3-319-39812-9_13.
- [31] Gomes, R., Paulo. Pena, J., & Luis, A. (2019). Urban resilience: A conceptual framework ". *Sustainable Cities and Society*, 50, 116-127. <http://dx.doi.org/10.1016/j.scs.2019.101625>.
- [32] Zeynali Azim A. Assessing the Factors Affecting the Formation of a Smart City in The Geographical Space of Tabriz City. *pos* 2022; 4 (3) :235-253. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.26455145.2022.4.3.1.5>. [In Persian]
- [33] Hakimi, H., Elhami, N., Pourhosseini, M. Evaluating and Ranking the Distribution of Urban Services in Informal Settlements Case Study: Tabriz Metropolis. *Sustainable city*, 2019; 1(4): 57-71. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24766631.1397.1.4.4.1>. [In Persian]

the number is less than 50, this method of structural equations was used. Therefore, this study used descriptive-analytical and inferential analyses to analyse the research data.

Findings

Based on the results of the research, among the variables affecting the smart city of Ardabil, the factor of educational facilities with factor load (0.812) had the most effect. After that, the factor of citizen education with a factor of (0.803), the factor of urban environment with a factor of (0.795), the factor of smart life in a smart city with a factor of (0.786), intelligent environment with a factor of (0.779), smart mobility with factor (0.718), smart government with factor (0.681), smart people with factor (0.617), smart economy with factor (0.573) were effective. The results of Table (3) and Figure (3) show the effects of independent variables on dependent variables using a two-sample t-test with a significance level of 5% (0.05). As can be seen, all t-values are higher than 1.96. In addition, the results from Table 5 also show the R2 values, which are the ranking of the path coefficients of the different independent research variables, in which the educational facilities in the smart city of Ardabil have the strongest effect of 0.709 (0.595). And after that, the education of citizens in the ed-

ucational city of Ardabil with 0.701 (0.512), then the urban environment of the educational city of Ardabil with 0.682 (0.499), intelligent people in relation with smart city with 0.659 (0.433), smart mobility in Ardabil smart city 0.439 (193), smart life in Ardabil 0.346 (0.119), that is, smart government in Ardabil city with 0.273 (0.075), smart environment in Ardabil with 0.240 (0.058), and finally smart economy with 0.189 (0.036). Therefore, the assumed path relationship (Hypothesis 1 - Hypothesis 9) is statistically significant. Because the R2 value is greater than 0.1 and the p-value is less than 0.05. This study identifies the dimensions of the smart city of education and develops the model of acceptance of the smart city of education to evaluate the smart city plan of the city of education of Ardabil.

Conclusion

According to the investigations, it can be said that in terms of smartness, Ardabil city is not in a favourable situation, and in this regard, in order to realise the smart city of Ardabil, priority should be given to planning in the dimensions of smart management, smart environment, smart citizen, smart economy, smart mobility and smart life. It is necessary. Also, in order to realise the indicators of the smart city of Ardabil, the education (teaching city) approach can play a central role.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Zavarzadeh Moghadam F. Basiri M. Saghafi Asl A. Teaching Smart City Acceptance Measurement Ardabil. Urban Economics and Planning Vol 5(2):152-167. [In Persian]

DOI: 10.22034/uep.2024.461328.1500



Teaching Smart City Acceptance Measurement Ardabil

Original Article

Farid Zavarzadeh Moghadam¹, Mostafa Basiri^{2*}, Arash Saghafi Asl³

1- Ph.D Candidate of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2- Assistant Professor, Department of Urban Planning and Architecture, Ilkhchi Branch, Islamic Azad University, Ilkhchi, Iran

3- Assistant Professor, Department of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-06-06

Revised: 2024-07-21

Accepted: 2024-07-24

Keywords

Ardabil City

City

Smart City

Teaching City

ABSTRACT

Introduction

Education is one of the areas of interest in smart cities, and in this context, smart education is a term that refers to the education provided by smart cities. Smart education, made possible thanks to the Internet of Things (IoT) and artificial intelligence (AI), is a huge step forward in the ever-changing field of education. It will completely change the way citizens learn in this digital age. Smart education is a piece of technology that can change the way we learn, a completely new way of teaching. Considering the importance of making smart cities today and the role of educational components in the realisation of this type of city, the aim of the research is to measure the formation of the smart city of Ardabil based on the educational city in Ardabil city. Ardabil city is the largest city of Ardabil province, which, according to the census data of the Iranian Statistics Center in 1400, had a population of 590,286 people, and during the 60-year period (1400-1340), it witnessed an 8-fold increase in its population. Considering its role in the hierarchy of cities, this city needs planning in different dimensions, especially the smartening of the city, in order to improve the quality of life, achieve sustainable development, and prevent the problems of people's lives from becoming more complicated, as well as prevent the migration of residents of small and medium cities. On the other hand, it is necessary to develop the knowledge capacity and acceptance of smart city indicators by the citizens by emphasizing the educational and social learning indicators in the city environment from the managers and officials. The main question of the research is, which factor had a greater impact on the adoption of the smart educational city of Ardabil than the other factors?

Materials and Methods

The present research uses a quantitative research approach that is descriptive and analytical. The sampling method is a snowball, targeted and systematic. Data collection was done in document form and by questioning 35 experts in the field of urban planning and architecture. It was done in a systematic way. It should be noted that in expert-oriented research, there is no limit to the selection of the sample size, and basically between 8-50 people are selected; the questions were measured based on a five-point Likert scale, which was compiled according to the contents of the theoretical foundations. Data analysis was done using the structural equation-partial least square method using SPSS and SMARTPLS software because the use of structural-partial least square is the best method for research with variables less than 50 items and in this research as an index. If

* Corresponding author: basiri.m@gmail.com

سنجش پذیرش شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل

مقاله پژوهشی

فرید زوارزاده مقدم^۱؛ مصطفی بصیری^{۲*}؛ آرش ثقفی اصل^۳

- ۱- دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
۲- استادیار گروه شهرسازی و معماری واحد ایلخچی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلخچی، ایران
۳- استادیار گروه شهرسازی واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

مقدمه

آموزش یکی از حوزه‌های مورد توجه در شهرهای هوشمند است و در این زمینه آموزش هوشمند اصطلاحی است که به آموزش ارائه شده توسط شهرهای هوشمند اطلاق می‌شود. آموزش هوشمند، که به لطف اینترنت اشیا (IoT) و هوش مصنوعی (AI) امکان پذیر است، گام بزرگی به جلو در زمینه مدام در حال تغییر آموزش است. این به طور کامل نحوه یادگیری شهروندان در این عصر دیجیتال را تغییر خواهد داد. آموزش هوشمند بخشی از فناوری است که می‌تواند روش یادگیری ما را تغییر دهد که روشی کاملاً جدید برای آموزش است. با توجه به اهمیت هوشمندسازی شهرهای امروزی و نقش مؤلفه‌های آموزشی در تحقق این نوع از شهر، هدف از تحقیق سنجش شکل‌گیری شهر هوشمند اردبیل بر مبنای شهر آموزش دهنده در شهر اردبیل است. شهر اردبیل شهر بزرگ استان اردبیل است که بر اساس اطلاعات سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۰، ۵۹۰۲۸۶ نفر جمعیت داشته و طی دوره ۶۰ ساله (۱۳۴۰ - ۱۴۰۰) شاهد ۸ برابر شدن جمعیت خود بوده است. این شهر با توجه به نقش خود در سلسله مراتب شهرها نیازمند برنامه‌ریزی در ابعاد مختلف به‌ویژه هوشمندسازی شهر است تا ضمن ارتقای کیفیت زندگی و دستیابی به توسعه پایدار، و جلوگیری از پیچیده‌تر شدن مشکلات زندگی مردم و همچنین، مانع از مهاجرت ساکنان شهرهای کوچک و میانی شود. از طرفی، ضروری است با تأکید بر شاخص‌های آموزشی و یادگیری اجتماعی در محیط شهر از جانب مدیران و مسئولان، شهری ظرفیت دانش و پذیرش شاخص‌های شهر هوشمند توسط شهروندان را توسعه بخشید. سؤال اصلی پژوهش این است که در پذیرش شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل کدام عامل تأثیر بیشتری نسبت به بقیه عوامل داشته است؟

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر به صورت توصیفی - تحلیلی از یک رویکرد تحقیق کمی استفاده می‌کند. روش نمونه‌گیری به صورت گلوله برفی و هدفمند و نظامند است. جمع‌آوری داده‌ها به صورت اسنادی و با پرسشگری از ۳۵ نفر از خبرگان متخصص در حوزه شهرسازی و معماری به صورت نظام‌مند انجام شد. درخور یادآوری است در تحقیقات خبره‌محور در انتخاب حجم نمونه محدودیت انتخاب وجود ندارد و اصولاً بین ۵۰-۸ نفر انتخاب می‌شوند، سوالات براساس مقیاس پنج‌گانه‌ای طیف لیکرت اندازه‌گیری شدند که با توجه به مطالب میانی نظری تدوین شده بودند. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از روش معادلات ساختاری - مربعی حداقل جزئی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و SMARTPLS انجام شد چون استفاده ساختاری - مربعی حداقل جزئی بهترین روش برای تحقیقات با متغیرهای کمتر از ۵۰ آیتیم است

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳

کلمات کلیدی

شهر
شهر هوشمند
شهر آموزش دهنده
شهر اردبیل

آموزش دهنده اردبیل با $0/682$ ($0/499$)، مردم هوشمند در رابطه با شهر هوشمند با $0/659$ ($0/433$)، تحرک هوشمند در شهر هوشمند اردبیل $0/439$ ($0/193$)، زندگی هوشمند اردبیل $0/346$ ($0/119$) یعنی دولت هوشمند در شهر اردبیل با $0/273$ ($0/075$)، محیط هوشمند در اردبیل با $0/240$ ($0/058$)، و در نهایت اقتصاد هوشمند با $0/189$ ($0/036$) است. بنابراین، رابطه مسیر فرض شده (فرضیه ۱ - فرضیه ۹) از نظر آماری قابل توجه است. چون مقدار R^2 بزرگ‌تر از $0/1$ و p -value کمتر از $0/05$ است. این مطالعه ابعاد شهر هوشمند آموزش دهنده را شناسایی می‌کند و مدل پذیرش شهر هوشمند آموزش دهنده را برای ارزیابی طرح شهر هوشمند شهر آموزش دهنده اردبیل توسعه می‌دهد.

نتیجه گیری

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت که از نظر هوشمندسازی، شهر اردبیل در وضعیت مطلوبی نیست و در این راستا به منظور تحقق شهر هوشمند اردبیل به ترتیب اولویت برنامه‌ریزی در ابعاد مدیریت هوشمند، محیط هوشمند، شهروند هوشمند، اقتصاد هوشمند، تحرک هوشمند و زندگی هوشمند ضروری است. همچنین، به منظور تحقق شاخص‌های شهر هوشمند شهر اردبیل، رویکرد آموزش (شهر آموزش دهنده) می‌تواند نقش محوری ایفا کند.

و در این تحقیق هم چون شاخص‌ها کمتر از $0/50$ است از این روش معادلات ساختاری استفاده شد. از این‌رو، در این مطالعه از تحلیل‌های توصیفی - تحلیلی و استنباطی برای آنالیز داده‌های تحقیق استفاده شد.

یافته‌ها

بر اساس نتایج تحقیق در بین متغیرهای مؤثر بر شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل، عامل امکانات آموزشی با بار عاملی ($0/812$) بیشترین اثرگذاری داشته است. بعد از آن به ترتیب عامل آموزش شهروندان با بار عاملی ($0/803$)، عامل محیط شهری با بار عاملی ($0/795$)، و عامل زندگی هوشمند در شهر هوشمند با بار عاملی ($0/786$)، محیط هوشمند با بار عاملی ($0/779$)، تحرک هوشمند با بار عاملی ($0/718$)، دولت هوشمند با بار عاملی ($0/681$)، مردم هوشمند با بار عاملی ($0/617$)، اقتصاد هوشمند با بار عاملی ($0/573$) اثرگذار بوده‌اند. نتایج حاصل از جدول ۳ و شکل ۳ اثرات متغیرهای مستقل بر وابسته را با استفاده از آزمون t دو نمونه‌ای با سطح معناداری 5% نشان می‌دهد ($0/05$). همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمام t -value ها بالاتر از $1/96$ است. علاوه بر این، نتایج حاصل از جدول ۵ مقادیر R^2 را نیز نشان می‌دهد که عبارت‌اند از: رتبه‌بندی ضرایب مسیر مختلف متغیرهای مستقل تحقیق، که در آن امکانات آموزشی در شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل دارای قوی‌ترین اثر $0/709$ ($0/595$) و پس از آن، آموزش شهروندان در شهر آموزش دهنده اردبیل با $0/701$ ($0/512$)، بعد از آن به ترتیب محیط شهری شهر

مقدمه

آموزش، نشان دادند به طور کلی آموزش در شهرهای هوشمند نشان‌دهنده یک چالش جهانی است که به رویکردی ساختاریافته و میان‌رشته‌ای در همه سطوح نیاز دارد. در نهایت، این مقاله پیشنهادهایی را برای تحقیقات آتی ارائه می‌کند و دیدگاه جامع‌تری از حوزه‌های تحقیق را از طریق تجزیه و تحلیل کل‌نگر از ذی‌نفعان اتخاذ می‌کند. اسفندی و همکاران [۱۰] در تحقیقی با عنوان «شهرهای هوشمند و برنامه‌ریزی انرژی شهری: بررسی پیشرفته‌ها و چالش‌ها»، بر اساس تجزیه و تحلیل مطالعات از ۹۳۲۰ مقاله منتشر شده بین ژانویه ۱۹۹۲ تا مه ۲۰۲۳، پنج بعد توسط محققان شناسایی شد: (۱) مصرف انرژی در مقیاس ساختمان؛ (۲) طراحی شهری و یکپارچگی برنامه‌ریزی؛ (۳) حمل‌ونقل و تحرک؛ (۴) نوسازی شبکه و شبکه‌های هوشمند، و (۵) چارچوب‌های سیاست و نظارتی. بررسی جامع ۱۹۳ مقاله نشان داد تحقیقات قبلی پیشرفت‌های تکنولوژیکی را در چهار بعد اول اولویت قرار می‌دهد. با این حال، شکاف قابل توجهی در پرداختن مناسب به سیاست ذاتی و چالش‌های نظارتی وجود داشت. این شکاف اغلب به عملکرد ضعیف تلاش‌های شهر هوشمند نسبت به اهداف مورد نظرشان منجر می‌شود. غلبه بر این شکاف مستلزم درک بهتر موضوعات گسترده‌تری مانند اثرات زیست‌محیطی، عدالت اجتماعی، انعطاف‌پذیری، ایمنی و امنیت، و به صرفه بودن چنین طرح‌هایی است. بادشاه و همکاران [۱۱] در پژوهشی با عنوان «آموزش هوشمند در شهرهای هوشمند: چالش‌ها و راه حل‌ها» به مشکلات درون سیستم سنتی پرداختند و راه‌حل‌های نوآورانه‌ای مانند آموزش هوشمند، ارزیابی، کلاس درس و مدیریت پیشنهاد دادند و تغییر به سمت آموزش هوشمند و چالش‌های مرتبط، از جمله مقاومت محاسباتی و اجتماعی را بررسی کردند. تام و ورهولزدونک [۱۲] در پژوهشی با عنوان «آموزش هوشمند در شهرهای هوشمند: مفاهیم لایه‌ای برای یادگیری شبکه‌ای و فراگیر» نشان دادند آموزش نوآورانه مزایای مشخصی را به همراه دارد و مشارکت یادگیرنده، انگیزه، حضور و نتایج یادگیری را افزایش می‌دهد. پذیرش فناوری‌های نوآورانه این پتانسیل را دارد که آموزش را مؤثرتر و کارآمدتر در برآوردن نیازهای در حال تکامل فراگیران در شهر هوشمند کند. مونولار [۱۳] در تحقیقی با عنوان «آموزش شهرهای هوشمند: بینشی نسبت به معایب موجود» سه موضوع را شناسایی کرد: کاستی‌های طرح‌های آموزشی موجود برای رفع نیازهای شهرهای هوشمند، پیامدهای منفی آموزش شهر هوشمند در سایر حوزه‌ها و مشکلاتی که در نتیجه به‌کارگیری فناوری در آموزش به وجود می‌آیند. اسدی و همکاران [۱۴] طی پژوهشی در تدوین الگوی توسعه شهر هوشمند با تأکید بر شاخص‌های شهر آموزش‌دهنده شهر قائن نتیجه گرفتند که رویکرد آموزش (شهر آموزش‌دهنده) می‌تواند نقش محوری در تحقق شاخص‌های شهر هوشمند قائن از طریق برنامه‌ریزی در سه بعد امکانات آموزشی، محیط شهری و شهروندان ایفا کند. در این راستا می‌توان گفت که حدود ۶۴ درصد از تحقق شهر هوشمند قائن را وجود و تحقق شاخص‌های شهر آموزش‌دهنده تبیین می‌کند. شیرویه‌پور و همکاران [۱۵] طی پژوهشی با عنوان «ارائه مدل عوامل مؤثر بر توسعه آینده شهرهای هوشمند پایدار با تأکید بر مدیریت بهینه انرژی» نتیجه گرفتند که اینترنت پرسرعت (فناوری ۵G) تأثیرگذارترین عامل بر آینده شهرهای هوشمند پایدار است. به‌کارگیری فناوری ۵G سرعت دسترسی کاربران به حجم زیادی از داده‌ها را افزایش و زمان آن را کاهش می‌دهد. اینترنت اشیا می‌تواند از فناوری ۵G به منظور مدیریت مصرف انرژی در شهر هوشمند پایدار بهره‌مند شود. رجی جورشری و همکاران [۱۶] در پژوهشی با عنوان «ارزیابی تحقق شهر هوشمند با تأکید بر رویکرد کیفیت زندگی شهری. مورد مطالعه: منطقه ۲ شهر تهران» به این نتیجه دست یافتند که مهم‌ترین شاخص شهر هوشمند مردم و زندگی هوشمند است و کمترین تأثیر را حکمروایی هوشمند در تحقق این امر دارد و مهم‌ترین شاخص کیفیت زندگی شهری کیفیت اقتصادی بوده و کمترین تأثیر را شاخص کیفیت کالبدی به خود اختصاص داده است. در نهایت، بار عاملی متغیر کیفیت زندگی نشان‌دهنده تأثیر قوی و تعیین‌کننده آن در تحقق شهر

امروزه، شهرنشینی با نرخ بسیار بالا در کل جهان یکی از دلایل اصلی ارائه ایده شهر هوشمند (SC) است. امروزه، بیش از ۵۴ درصد از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کنند که انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ به حدود ۶۶ درصد برسد [۱]. در سه دهه آینده به ۲/۵ میلیارد نفر دیگر اضافه شود [۲]. شهرها ۷۵ درصد منابع طبیعی را مصرف می‌کنند و ۶۰ تا ۸۰ درصد از گازهای گلخانه‌ای جهانی (GHG) را تولید می‌کنند [۳]. علی‌رغم اینکه فقط ۳ درصد از مساحت زمین را اشغال می‌کنند. نرخ رشد جمعیت از طریق افزایش تقاضا برای انرژی، آب، غذا، حمل‌ونقل و غیره اثرات زیست‌محیطی تهدیدآمیزی دارد [۴]. افزایش شدید مصرف منابع به کمبود منابع طبیعی و گرم شدن کره زمین منجر می‌شود. با در نظر گرفتن چنین تهدیدهایی، جوامع باید راه حل‌هایی برای پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ارائه دهند. با حرکت بیشتر مردم به سمت شهرها، شهرهای هوشمند به عنوان راهی برای حل چالش‌های موجود در نظر گرفته می‌شوند [۵] و زندگی شهروندان را بهبود می‌بخشد [۶]. در این رابطه آموزش یکی از حوزه‌های مورد توجه در شهرهای هوشمند است. زمانی که آموزش در زمینه شهرهای هوشمند مطرح می‌شود، آموزش هوشمند نامیده می‌شود. آموزش همچنین در درک، توضیح و پرداختن به چالش‌هایی که جامعه با آن‌ها مواجه است، بسیار مهم است. آموزش همچنین به طور فزاینده‌ای به عنوان یک عامل مهم برای توانمندسازی شهروندان و تسهیل نقش فعال‌تر در طرح‌های شهرهای هوشمند شناخته شده است [۷]. وجود طبقه خلاق و سطح تحصیلات از جمله عواملی است که با هوشمندی شهری همبستگی دارد و بنابراین، شهرها نمی‌توانند بدون خلاقیت، آموزش، دانش و یادگیری به هوشمندی دست یابند [۸]. بنابراین هدف شهرهای هوشمند، افزایش کیفیت زندگی شهروندان با استفاده از فناوری است. آموزش یکی از حوزه‌های مورد توجه در شهرهای هوشمند است و در این زمینه آموزش هوشمند اصطلاحی است که به آموزش ارائه‌شده توسط شهرهای هوشمند اطلاق می‌شود. آموزش هوشمند، که به لطف اینترنت اشیا (IoT) و هوش مصنوعی (AI) امکان‌پذیر است، گام بزرگی به جلو در زمینه مدام در حال تغییر آموزش است. این به طور کامل نحوه یادگیری شهروندان در این عصر دیجیتال را تغییر خواهد داد. آموزش هوشمند بخشی از فناوری است که می‌تواند روش یادگیری ما را تغییر دهد که روشی کاملاً جدید برای آموزش است. با توجه به اهمیت هوشمندسازی شهرهای امروزی و نقش مؤلفه‌های آموزشی در تحقق این نوع از شهر، هدف از تحقیق سنجش شکل‌گیری شهر هوشمند اردبیل بر مبنای شهر آموزش‌دهنده در شهر اردبیل است. شهر اردبیل شهر بزرگ استان اردبیل است که بر اساس اطلاعات سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۰، ۵۹۰۲۸۶، ۱۴۰۰ نفر جمعیت داشته و طی دوره ۶۰ ساله (۱۳۴۰ - ۱۴۰۰) شاهد ۸ برابر شدن جمعیت خود بوده است. این شهر با توجه به نقش خود در سلسله‌مراتب شهرها نیازمند برنامه‌ریزی در ابعاد مختلف به‌ویژه هوشمندسازی شهر است تا ضمن ارتقای کیفیت زندگی و دست‌یابی به توسعه پایدار، و جلوگیری از پیچیده‌تر شدن مشکلات زندگی مردم و همچنین، مانع از مهاجرت ساکنان شهرهای کوچک و میانی شود. از طرفی، ضروری است با تأکید بر شاخص‌های آموزشی و یادگیری اجتماعی در محیط شهر از جانب مدیران و مسئولان، شهری ظرفیت دانش و پذیرش شاخص‌های شهر هوشمند توسط شهروندان را توسعه بخشید. سؤال اصلی پژوهش این است که در پذیرش شهر هوشمند آموزش‌دهنده اردبیل کدام عامل تأثیر بیشتری نسبت به بقیه عوامل داشته است؟

پیشینه تحقیق

با گسترش تحقیقات در زمینه شهر هوشمند و آموزش‌دهنده، چندین مرور ادبیات در جنبه‌های مختلف مناطق شهرهای هوشمند انجام شده است. با این حال، تعداد کمی بر آموزش در شهرهای هوشمند تمرکز کرده‌اند. اسکالا و همکاران [۹] در مطالعه تجزیه و تحلیل در مفهوم‌سازی شهر هوشمند و

ابعاد مرتبط با شهر هوشمند آلودگی، افراد خلاق، حکمرانی شفاف، مدیریت منابع پایدار، امکانات آموزشی، شرایط بهداشتی، حمل‌ونقل عمومی پایدار، نوآورانه و ایمن، مناطق عابر پیاده، خطوط دوچرخه‌سواری، مناطق سبز، تولید زباله‌های شهری جامد، سوخت، استراتژی‌ها و دیدگاه‌های سیاسی، در دسترس بودن زیرساخت‌های ICT، انعطاف‌پذیری بازار کار [۲۹].

شهر آموزش‌دهنده

آموزش هوشمند یک عنصر کلیدی در توسعه شهر هوشمند است. قوت‌ها در آموزش پایه، آموزش‌های پیشرفته و گواهینامه، دانشگاه‌ها و کالج‌های اجتماعی، زیرساخت‌های آموزش الکترونیکی، یادگیری مادام‌العمر و نوآوری در فناوری‌های آموزشی، همگی بخشی از آن چیزی است که یک شهر هوشمند را تعریف می‌کند [۹]. برای شکوفایی شهروندان یک شهر هوشمند، ابتدا باید آموزش را در مرکز آن قرار داد. شهرهای هوشمند نیاز به «برنامه‌های آموزشی برای ایجاد فارغ‌التحصیلانی با دانش مدرن، مهارت‌های عملی و نگرش‌های مشارکتی» را تشخیص می‌دهند. شهرهای هوشمند آموزش‌دهنده می‌کوشد مناطقی را شناسایی کند که در آن باید برای هوشمند کردن یک شهر مداخله کرد و به شهروندان در مورد آن آموزش داد [۳۰]. ارتقای آموزش شهری و یادگیری اجتماعی نیز از عوامل اساسی تأثیرگذار بر ایجاد و تحقق شهر هوشمند محسوب می‌شود. در این راستا می‌توان گفت که آموزش تجربه‌ای است مبتنی بر یادگیری به منظور ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در فرد، تا او را قادر به انجام کار و بهبودبخشی توانایی‌ها، تغییر مهارت‌ها، دانش، نگرش و رفتار اجتماعی کند. همچنین، آموزش کلید شکوفا کردن همه توانایی‌های سرشتی‌ای است که در درون هستی هر فرد نهفته است. از طرفی، می‌توان گفت که آموزش نمایش دانش نیست، بلکه فرایندی است که شامل شناسایی سطح یادگیری و تصمیم‌گیری جهت مداخلات تسریع‌کننده یادگیری است [۱۰]. بنابراین، جوامع امروزی در راستای دستیابی به شاخص‌های پایداری همچون تحقق شهر هوشمند نیازمند سطح مطلوبی از آموزش، یادگیری و مهارت‌های ویژه شهروندی هستند. از نظر تاریخی ایده شهر آموزشی به اوایل دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد، اما طرح ایجاد شهرهای آموزشی در کنفرانس ۱۹۹۲ گوتنبرگ در سازمان هماهنگی و توسعه اقتصادی ارائه شد. در واقع، شهر آموزش‌دهنده شهری است که به توسعه پایدار به عنوان فرایندی آموزشی و در حال رشد می‌نگرد. همچنین، ایجاد تغییرات در راستای رسیدن به جهات مختلف توسعه پایدار شهری، نیازمند درس گرفتن از موفقیت‌ها و اشتباهات گذشته و، مهم‌تر از همه، مشارکت انسان‌هایی است که شهرها را می‌سازند. در کنفرانس ۱۹۹۲ گوتنبرگ، شهر آموزشی به عنوان منطقه‌ای پایدار برای توسعه دانش با ویژگی‌های زیر تعریف شده است: ۱- در شهر آموزشی افراد بین آموزش و محیط اطراف خود ارتباط برقرار می‌کنند. ۲- در شهر آموزشی میان فعالیت‌های گوناگون آموزشی و پژوهشی همبستگی وجود دارد. ۳- در شهر آموزشی، انجمن‌هایی وجود دارد که فعالیت‌های آموزشی را رهبری می‌کنند [۲۷-۲۵]. همچنین، لوسيو [۳۱] ارتقای سطح آگاهی و دانش افراد و مشارکت شهروندی در برنامه‌ریزی‌ها را از شاخص‌های اصلی شهر آموزش‌دهنده برمی‌شمرد. بنابراین، می‌توان گفت که توسعه پایدار شهری به بهره گرفتن از الگوهای نوین برنامه‌ریزی همچون شهر هوشمند نیاز دارد که در این راستا تأکید بر مؤلفه‌های آموزشی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر است. به بیانی، برای تحقق شاخص‌های شهر هوشمند علاوه بر اقتصاد، محیط، جابه‌جایی و تحرک، زندگی، شهروند و مدیریت هوشمند نیازمند ارتقای امکانات آموزشی، محیط شهری و شهروندان بر مبنای شاخص‌های شهر آموزش‌دهنده هستیم.

هوشمند است. همین‌طور، این رابطه دوسویه است و شهر هوشمند به نوبه خود تأثیری با شدت کمتر بر ارتقای کیفیت زندگی دارد. زینالی عظیم و بابازاده اسکویی [۱۷] در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر ایجاد شهر هوشمند قابل زندگی در شهر تبریز» نتیجه گرفتند که در این مدل انطباق تمام ویژگی‌های شهرهای هوشمند امکان‌پذیر بود. ویژگی محیط، موردی بود که بیشترین رابطه را در کمک به کارایی شهر و کاهش اثرات زیست‌محیطی در کیفیت شهرها نشان داد و ویژگی اقتصاد، موردی بود که کمترین رابطه را نشان داد. یوسفی و همکاران [۱۸] در تحقیقی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های شهر یادگیرنده با تأکید بر یادگیری مادام‌العمر» نشان دادند مهم‌ترین ابعاد شهر یادگیرنده، یادگیری رسمی و یادگیری در جوامع و خانواده‌هاست و بر اساس آن مهم‌ترین مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: «گسترش آموزش رسمی»، «استفاده از مربیان آموزش‌دیده»، «حمایت از آموزش گروه‌های محروم»، «تشویق یادگیری مداوم در خانواده و جامعه» و «یادگیری از طریق رسانه‌ها و فرهنگ‌ها» که با توجه به شرایط کشور برای دستیابی به شهر یادگیرنده می‌تواند در اولویت قرار گیرد.

مبانی نظری تحقیق

شهر هوشمند

مفهوم شهر هوشمند برای نخستین بار در سال ۱۹۹۰ به منظور ترکیب سخت‌افزار و نرم‌افزار مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات پیشرفته (ICT) در برنامه‌ریزی شهری معرفی شد [۱۹]. شهر هوشمند از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای ارتقای کیفیت زندگی شهروندان، تقویت اقتصاد، تسهیل فرایند حل مشکلات حمل‌ونقل و ترافیک از طریق مدیریت صحیح، تشویق به محیطی پاک و پایدار و ایجاد تعامل در دسترس با مقامات مربوطه از طریق آموزش شهروندان استفاده می‌کند. دولت‌ها امروزه افزایش گسترش و نوآوری در برنامه‌ریزی شهری و فناوری اطلاعات و ارتباطات برنامه‌ریزان را تشویق کرده‌اند تا با تمرکز بر ترویج مفهوم شهر هوشمند، که راه جمعیت شهری را با تمرکز بر ترکیبی از انسان، محیط زیست، اجتماعی، فرهنگی، انرژی، دسترسی و استفاده از اطلاعات، و دیگر پیشرفت‌های تکنولوژیکی / مطالعات تحرک هوشمند فراهم می‌کند را به عنوان یک بعد اساسی در شهر هوشمند پیشنهاد کرده‌اند [۲۰]. انتظار می‌رود برنامه‌ریزی شهری بر اساس مفهوم شهر هوشمند بر چالش‌های شهری مانند حمل‌ونقل متراکم، شبکه انرژی با کربن بالا، تعمیر و نگهداری زیرساخت‌ها و تعمیر و امنیت شهری غلبه کند [۲۱] و از فناوری و سیستم‌های پیشرفته استفاده کند. به عنوان مثال، شهرهایی مانند دبی، هنگ کنگ، لندن، نیویورک، مسکو و اتاوا از هوش مصنوعی و رباتیک برای توسعه برنامه‌های کاربردی هوشمند استفاده کرده‌اند [۲۲]. اقتصاد هوشمند: هزینه‌های عمومی برای تحقیق و توسعه، هزینه‌های عمومی برای آموزش، تولید ناخالص داخلی سرانه جمعیت شهر، نرخ بیکاری، [۲۳-۲۴]. افراد باهوش: درصد زیاد جمعیت با تحصیلات متوسطه، مهارت‌های زبان خارجی، مشارکت در مادام‌العمر یادگیری، سطح فردی مهارت‌های کامپیوتری، ثبت اختراع برنامه‌های کاربردی به ازای هر ساکن و غیره [۲۵]. دولت هوشمند: تعدد دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در شهر، در دسترس بودن دولت الکترونیک به صورت آنلاین، درصد خانوارهای دارای دسترسی به اینترنت در خانه، استفاده از دولت الکترونیک توسط افراد و غیره [۲۶]. محیط هوشمند: استراتژی کاهش انتشار CO₂، استفاده بهینه از برق، استفاده بهینه از آب، منطقه در فضای سبز، شدت انتشار گازهای گلخانه‌ای مصرف انرژی، سیاست‌های مهار گسترش شهری، نسبت زباله‌های بازیافتی و غیره [۲۷]. زندگی هوشمند: استفاده از خدمات فرهنگی و تفریحی، تعداد کتابخانه‌های عمومی، امانت کتاب از کتابخانه‌ها و سایر رسانه‌ها، بازدید از موزه، تماشای تئاتر و سینما [۲۸] و سایر



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

مبانی نظری تدوین شده بودند. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از روش معادلات ساختاری - مربعی حداقل جزئی با استفاده از نرم افزار SPSS و SMARTPLS انجام شد چون استفاده ساختاری - مربعی حداقل جزئی بهترین روش برای تحقیقات با متغیرهای کمتر از ۵۰ آیتیم است و در این تحقیق هم چون شاخص ها کمتر از ۵۰ است از این روش معادلات ساختاری استفاده شد. از این رو، در این مطالعه از تحلیل های توصیفی - تحلیلی و استنباطی برای آنالیز داده های تحقیق استفاده شد. جدول ۱ متغیرهای مورد بررسی تحقیق را نشان می دهد.

■ مواد و روش ها

تحقیق حاضر به صورت توصیفی - تحلیلی از یک رویکرد تحقیق کمی استفاده می کند. روش نمونه گیری به صورت گلوله برفی و هدفمند و نظامند است. جمع آوری داده ها به صورت اسنادی و با پرسشگری از ۳۵ نفر از خبرگان متخصص در حوزه شهرسازی و معماری به صورت نظام مند انجام شد. درخور یادآوری است در تحقیقات خبره محور در انتخاب حجم نمونه محدودیت انتخاب وجود ندارد و اصولاً بین ۸-۵۰ نفر انتخاب می شوند، سوالات براساس مقیاس پنج گزینه ای طیف لیکرت اندازه گیری شدند که با توجه به مطالب

جدول ۱. شاخص‌های تحقیق در دو گروه ابعاد شهر هوشمند ۶ بعد و ابعاد شهر آموزش‌دهنده ۳ بعد

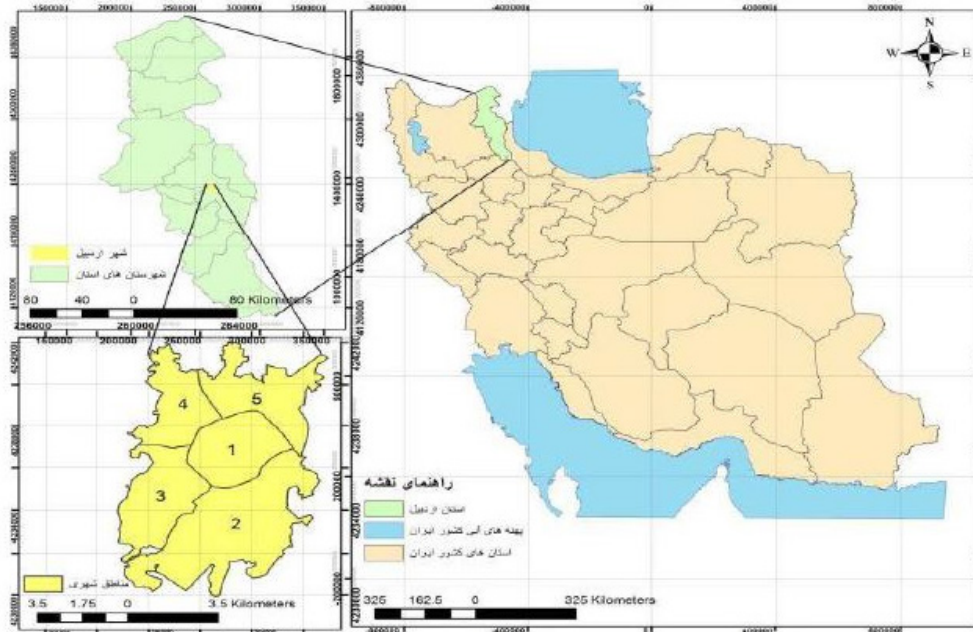
شاخص‌های اصلی و زیرشاخص‌های کدبندی شده	شاخص‌های اصلی و زیرشاخص‌های کدبندی شده
SEN4-نوسازی ساختمان‌ها و هوشمندسازی آن	SE-اقتصاد هوشمند
SEN5-ارائه محیط سالم زندگی	SE1-استفاده از IT در رابطه با ایجاد مشاغل و سامان‌دهی آن
SEN6-مدیریت منابع	SE2-توسعه ساست‌های اقتصادی شهر. هوشمند
SEN7-حفاظت از محیط زیست	SE3-توجه به افراد خلاق در زمینه کارآفرینی.
SEN8-کاهش آلودگی محیط زیست	SE4-کارآفرینی هوشمند
SEN9-افزایش آگاهی و تغییر رفتار مردم در رابطه با محیط زندگی.	SE5-انعطاف‌پذیری بازار کار
SEN10-ارائه خدمات زیربنایی زندگی آب برق، گاز تلفن و اینترنت پرسرعت	SE6-برنامه‌های تبلیغاتی شهر
SL-زندگی هوشمند	SE7-برنامه برای خدمات مالی
SL1-گردشگری و ایجاد اثرات مثبت فرهنگی	SP-مردم هوشمند
SL2-مشارکت در کارهای مدیریت فرهنگی	SP1-برتری شهروند هوشمند نسبت به شهروند سنتی.
SL3-ترویج زندگی سالم و همراه با رفاه	SP2-سطح فردی مهارت‌های کامپیوتری و خلاقیت.
SL4-مراقبت‌های آنلاین پزشکی و بهداشتی	SP3-مشارکت در رابطه با حل مشکلات به‌وجودآمده در محیط زندگی با مردم دنیا.
SL5-تأمین امنیت در همه و جوه زندگی	SP4-مهارت‌های زبان خارجی، مشارکت در مادام‌العمر یادگیری.
SL6-دسترسی معلولان جامعه به انواع خدمات	SG-دولت هوشمند
SL7-رفاه اجتماعی	SG1-ارائه خدمات آنلاین ۲۴ در شهر.
SL8-مدیریت فضاهای عمومی	SG2-حکمرانی شفاف.
SL9-پرداخت ۲۴ ساعته و برخط	SG3-ارائه خدمات اجتماعی
SL10-دسترسی به کتابخانه‌ها و سایر مکان‌های مطالعاتی	SG4-حکمرانی چندسطحی
SL11-اشتراک‌گذاری فرهنگی و گفتمان‌های فرهنگی با همه اقوام و مذاهب	SG5-در دسترس بود اطلاعات و اخبار مربوط به مدیریت شهری و جامعه
UR-آموزش شهروندان	SG6-انتخابات الکترونیک
UR1-ایجاد حس تعلق به شهر	SG7-ثبات کارهای مربوط به ازدواج طلاق و تولید و مرگ‌ومیر
UR2-ایجاد مشارکت بین شهروندان و ترویج کار گروهی	SM-تحرک هوشمند
UR3-بالا بردن آگاهی فرهنگی و اجتماعی شهروندان	SM1-مدیریت ترافیک
UR4-احترام به حقوق شهروندان	SM2-استفاده از فناوری برای کاهش خطرات و تصادفات.
UR5-برقراری ارتباط با تاریخ و هویت شهر	SM3-نظارت بر مدیریت پارک وسایل نقلیه موتوری.
EC-محیط شهری	SM4-گسترش حمل‌ونقل عمومی
EC1-ارتقای سلامت عمومی جامعه	SM5-زیرساخت‌های ITC
EC2-کاهش تبعیض اجتماعی و ایجاد عدالت اجتماعی	SM6-مدیریت تدارکات اینترنت در زمینه پهنا و باند
EC3-خوانایی شهر و محیط اجزای آن	SM7-ترویج گزینه‌های غیر وسایل نقلیه موتوری برای انجام امور روزانه
EC4-مدیریت اوقات فراغت و استحکام روابط انسانی	SM8-دسترسی به انواع مدل‌های اینترنت برای انجام کارهای روزمره
EC5-افزایش امنیت و ایمنی افراد جامعه	
EF-امکان‌ات آموزشی	
EF1-دسترسی همه گروه‌ها به اینترنت	SEN-محیط هوشمند
EF2-تبدیل آموزش تنوری به عملی	SEN1-نظارت بر شبکه و محیط زیست
EF3-توسعه مهارت‌های شخصی و اجتماعی افراد	SEN2-بهره‌وری انرژی
EF4-ارتقای سطح دانش شهروندان	
EF5-توسعه شهروند هوشمند	SEN3-برنامه‌ریزی شهری و نوسازی شهری هوشمند

[۱-۹-۱۰-۱۱-۱۸-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰]

بیش از ۶۱۰۰ هکتار گزارش شده است. همچنین، بر اساس آخرین گزارش‌های شهرداری اردبیل، دارای ۵ منطقه شهری، ۴۴ ناحیه شهری و ۹۷ محله شهری است [۳۲].

محدوده مطالعه شده

شهر اردبیل با عنوان مرکزیت اداری سیاسی استان اردبیل در دشتی به همین نام و به صورت شعاعی گسترش یافته است. بر اساس سالنامه آماری کشور در سال ۱۴۰۰ جمعیت شهر اردبیل ۵۹۰۶۸۲ نفر (۱۶۵۷۲۱ خانوار) و مساحت آن



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهر اردبیل در نظام تقسیمات کشوری و استانی

مربوط به متغیر امکانات آموزشی با میانگین ۳/۹۲ است و کمترین متغیر مربوط به اقتصاد هوشمند با میانگین ۳/۵۱ است. در رابطه با نرمال بودن داده‌ها هم از چولگی و کشیدگی استفاده شده که نتایج به دست آمده نشان‌دهنده توزیع نرمال کشیدگی بین متغیرهای ابعاد شهر هوشمند آموزش‌دهنده شهر اردبیل است.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل توصیفی

تحلیل‌های توصیفی شامل آمار، انحراف معیار و غیره است که در رابطه با ابعاد شهر هوشمند آموزش‌دهنده اردبیل در جدول ۲ آورده شده است. براساس نتایج این جدول که میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای اثرگذار در ایجاد شهر هوشمند آموزش‌دهنده شهر اردبیل را نشان می‌دهد. بیشترین میانگین

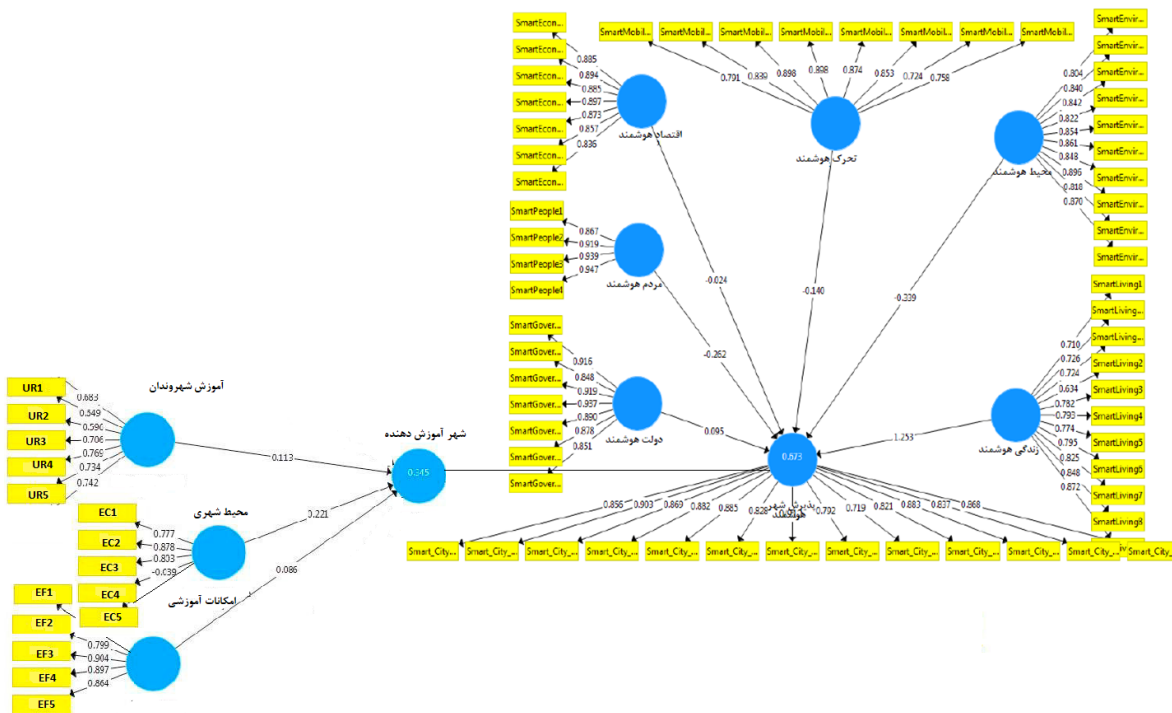
جدول ۲. تحلیل توصیفی ابعاد شهرهای هوشمند آموزش‌دهنده

ابعاد شهر هوشمند	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
اقتصاد هوشمند	۳	۴/۷۵	۵۱/۳	۷۶۳/۰	۰۳۲/۰	۴۴۵/۱۰
مردم هوشمند	۳	۴/۷۵	۹۴/۳	۷۹۲/۰	۰۳۲/۰	۵۷۵/۱۰
دولت هوشمند	۲	۴/۷۵	۸۱/۳	۷۷۶/۰	۰۰۵/۰	۴۹۱/۱۰
تحرک هوشمند	۳	۴/۷۵	۶۶/۳	۷۴۱/۰	۱۸۹/۱	۹۸۱/۰
محیط هوشمند	۳	۴/۷۵	۸۴/۳	۷۱۵/۰	۳۲۱/۰	۹۷۲/۰
زندگی هوشمند	۲	۴/۷۵	۶۰/۳	۷۰۱/۰	۴۹۵/۰	۹۳۴/۰
آموزش شهروندان	۳	۴/۷۵	۸۸/۳	۸۲۲/۰	۰۶۳/۰	۰۸۵/۰
محیط شهری	۲	۴/۷۵	۳/۷۹	۰/۷۵۲	۰/۱۴۵	۰/۰۹۲
امکانات آموزشی	۳	۴/۷۵	۳/۹۲	۰/۷۹۹	۰/۰۹۵	۰/۰۷۳

در پرسشنامه است، که در این تحقیق همچنین جدول ۳ نشان دهنده پایایی آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی است (CR) و میانگین واریانس استخراج شده (AVE) را بیان می کند و اعتبار بالای مدل تحقیق براساس ابعاد شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل را نشان می دهد. راست آزمایی مدل گویای مطلوبیت کافی در رابطه با شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل است.

تجزیه و تحلیل اکتشافی (اعتبار همگرایی و قابلیت اطمینان و واگرایی افتراقی)

در این تحقیق یک یا چند خصیصه از طریق همگرایی و واگرایی اندازه گیری شدند. همبستگی بین نمرات ابعاد شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل دارای نمره بالایی بوده که در ارزیابی اعتبار مدل در شکل ۳ و جدول ۳ آورده شده است. بنابراین، پرسشنامه دارای اعتبار همگرایی زیادی است. جدول ۳ هم نشان دهنده بارهای عاملی بارگذاری ابعاد شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل



شکل ۳. تجزیه و تحلیل مدل شهر هوشمند آموزش دهنده با PLS-SEM

جدول ۳. تحلیل های پایایی و روایی ابعاد شهر هوشمند آموزش دهنده

ابعاد شهر هوشمند	آیتمها	بارهای عاملی	آلفای کرونباخ	قابلیت اطمینان ترکیبی (CR)	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
اقتصاد هوشمند	SE1	۸۸۵/۰	۹۵۰/۰	۹۵۸/۰	۷۶۶/۰
	SE2	۸۹۴/۰			
	SE3	۸۸۵/۰			
	SE4	۸۹۷/۰			
	SE5	۸۷۳/۰			
	SE6	۸۵۷/۰			
	SE7	۸۳۶/۰			
مردم هوشمند	SP1	۸۶۷/۰	۹۳۸/۰	۹۵۶/۰	۵۹۹/۰
	SP2	۹۱۹/۰			
	SP3	۹۳۹/۰			
	SP4	۹۴۷/۰			

میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	قابلیت اطمینان ترکیبی (CR)	آلفای کرونباخ	بارهای عاملی	آیتمها	ابعاد شهر هوشمند
۷۹۵/۰	۹۶۵/۰	۹۵۷/۰	۹۱۶/۰	SG1	دولت هوشمند
			۸۴۸/۰	SG2	
			۹۱۹/۰	SG3	
			۹۳۷/۰	SG4	
			۸۹۰/۰	SG5	
			۸۷۸/۰	SG6	
			۸۵۱/۰	SG7	
۶۹۲/۰	۹۴۷/۰	۹۳۶/۰	۷۹۱/۰	SM1	تحرک هوشمند
			۸۳۹/۰	SM2	
			۸۹۸/۰	SM3	
			۸۹۸/۰	SM4	
			۸۷۴/۰	SM5	
			۷۲۴/۰	SM6	
			۷۳۴/۰	SM7	
			۷۵۸/۰	SM8	
۷۱۶/۰	۹۶۲/۰	۹۵۷/۰	۸۰۴/۰	EN1	محیط هوشمند
			۸۴۰/۰	EN2	
			۸۴۲/۰	EN3	
			۸۲۲/۰	EN4	
			۸۵۴/۰	EN5	
			۸۶۱/۰	EN6	
			۸۴۸/۰	EN7	
			۸۹۶/۰	EN8	
			۸۱۸/۰	EN9	
			۸۷۰/۰	EN10	
۸۴۳/۰	۹۴۲/۰	۹۳۸/۰	۷۱۰/۰	SL1	زندگی هوشمند
			۷۲۶/۰	SL2	
			۷۲۴/۰	SL3	
			۶۳۴/۰	SL4	
			۷۸۲/۰	SL5	
			۷۹۳/۰	SL6	
			۷۷۴/۰	SL7	
			۷۹۵/۰	SL8	
			۸۲۵/۰	SL9	
			۸۴۸/۰	SL10	
			۸۷۲/۰	SL11	
۷۲۶/۰	۹۷۲/۰	۹۶۸/۰	۸۵۶/۰	UR1	آموزش شهروندان
			۹۰۳/۰	UR2	
			۸۶۹/۰	UR3	
			۸۸۲/۰	UR4	
			۸۸۵/۰	UR5	

ایجاد شهر هوشمند	آیتمها	بارهای عاملی	آلفای کرونباخ	قابلیت اطمینان ترکیبی (CR)	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
محیط شهری	EC1	۸۲۸/۰	۰/۹۱۲	۰/۹۸۱	۰/۷۸۸
	EC2	۹۱۲/۰			
	EC3	۷۹۲/۰			
	EC4	۷۱۹/۰			
	EC5	۰/۸۲۱			
امکانات آموزشی	EF1	۸۸۳/۰	۰/۸۷۷	۰/۹۹۱	۰/۸۱۵
	EF2	۸۳۷/۰			
	EF3	۸۶۸/۰			
	EF4	۰/۸۹۲			
	EF5	۰/۸۱۵			

شاخص‌های خود است که باید بیشتر از ۰/۵ باشد. بیشترین روایی همگرا یا میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای زندگی هوشمند ۰/۸۴۳ و کمترین میانگین همگرایی برای مردم هوشمند ۰/۵۹۹ به دست آمد؛ همچنین مقدار ضریب قابلیت اطمینان ساختاری یا پایایی ترکیبی (CR) است که مقادیر به دست آمده باید بیشتر از ۰/۷ باشد تا قابل قبول باشد که برای امکانات آموزشی یا پایایی ترکیبی ۰/۹۹۱ از پایایی بالایی در بین متغیرهای شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل است که روابط قوی بین زیرشاخص‌هایش در رابطه با شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل را نشان می‌دهد.

میزان رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده با بار عاملی نشان داده می‌شود. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد، رابطه ضعیف در نظر گرفته و از آن صرف نظر می‌شود. بار عاملی بین ۰/۳ تا ۰/۶ قابل قبول است و اگر بزرگ‌تر از ۰/۶ باشد، بسیار قوی است. با توجه به نتایج جدول‌های ۳-۵ مشاهده می‌شود که تمامی متغیرها ضرایب تأثیر رگرسیونی مثبت و معناداری با مقیاس‌های خود دارند و بزرگی این ضرایب نیز نسبتاً برای همه موارد در حد زیادی است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در جدول ۵ سطح معناداری برای ضرایب رگرسیونی استاندارد متغیرها مشاهده شده است. معیار AVE نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با

جدول ۴. روایی افتراقی ابعاد شهر هوشمند آموزش دهنده

ایجاد	SME	SE	EN	SG	SL	SM	SP	UR	EC	EF
شهر هوشمند آموزش دهنده	۸۵۵/۰									
اقتصاد هوشمند	۲۱۰/۰	۸۷۸/۰								
محیط هوشمند	۴۷۶/۰	۶۶۰/۰	۸۵۶/۰							
دولت هوشمند	۲۸۸/۰	۸۴۴/۰	۷۵۳/۰	۸۹۶/۰						
زندگی هوشمند	۷۴۳/۰	۵۵۸/۰	۸۵/۰	۶۵۸/۰	۷۸۰/۰					
تحرك هوشمند	۳۶۷/۰	۶۷۴/۰	۸۱۶/۰	۸۱۲/۰	۷۳۶/۰	۸۴۹/۰				
مردم باهوش	۲۵۳/۰	۸۶۵/۰	۷۲۹/۰	۹۲۱/۰	۶۴/۰	۷۵۷/۰	۰/۹۱۱			
آموزش شهروندان	۰/۵۶۸	۰/۷۱۲	۰/۷۵۸	۰/۷۸۹	۰/۸۰۱	۰/۸۱۱	۰/۸۵۶	۰/۹۱۵		
محیط شهری	۰/۴۹۹	۰/۵۱۷	۰/۶۱۱	۰/۶۸۲	۰/۷۰۴	۰/۷۸۵	۰/۸۴۲	۰/۸۸۸	۰/۹۲۶	
امکانات آموزشی	۰/۳۷۶	۰/۴۳۷	۰/۴۹۳	۰/۵۱۷	۰/۶۸۱	۰/۷۴۹	۰/۸۱۹	۰/۸۶۳	۰/۸۹۱	۰/۹۲۳

هوشمند، زندگی هوشمند، تحرك هوشمند، مردم باهوش، آموزش شهروندان محیط شهری و امکانات آموزشی بر متغیر میانجی شهر آموزش دهنده و متغیر وابسته شهر هوشمند اردبیل مؤثر بوده و از نظر سطح معناداری همه متغیرها دارای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و آماره t بزرگ‌تر از ۱/۹۶ در رابطه با شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل هستند که قبولی همه فرضیات تحقیق در رابطه با شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل را نشان می‌دهد که بر این اساس متغیر امکانات آموزشی با ضریب مسیر ۰/۷۰۹ بیشترین اثرگذاری در ایجاد و پذیرش

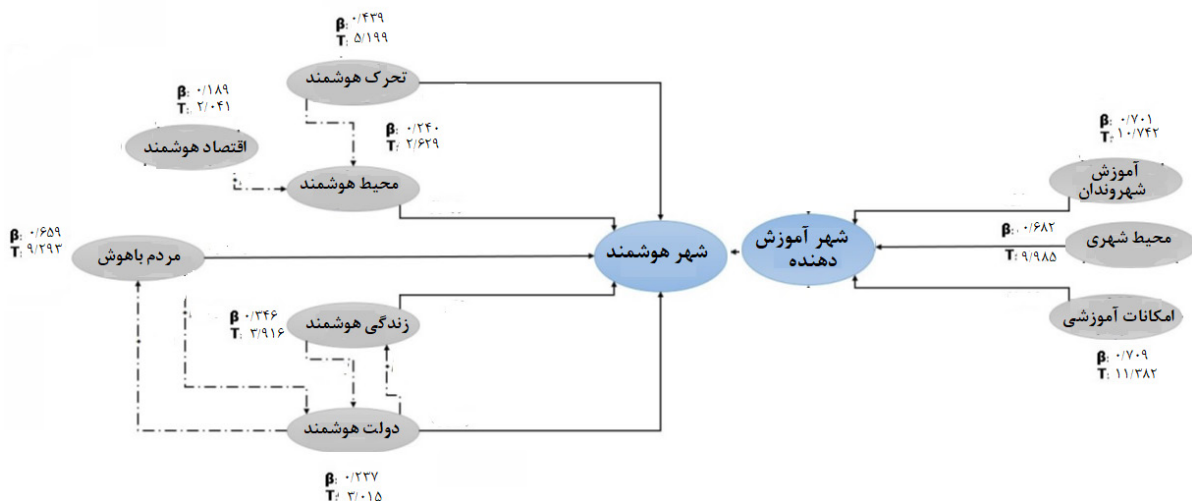
تحلیل‌های استنباطی

در این محله به راست‌آزمایی نهایی مدل پرداخته شد که براساس فرضیات شکل گرفته در قسمت میانی نظری در مورد رابطه شاخص‌های شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج این راست‌آزمایی مدل در جدول ۵ به صورت بیان ضریب مسیر استاندارد شده یا همان بتا (B) و آزمون t برای هر یک از فرضیات بیان شده است. با تشریح جدول ۵ ملاحظه می‌شود که همه متغیرهای مستقل اقتصاد هوشمند، محیط هوشمند، دولت

شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل داشته و پس از آن، آموزش شهروندان با ضریب مسیر ۰/۷۰۱ بوده و کمترین میزان اثرگذاری با ضریب مسیر مربوط به ضریب مسیر ۰/۱۸۹ است که در جدول ۵ و شکل ۴ این اثرات نشان داده شده است.

جدول ۵. نتایج رگرسیون ضریب استاندارد متغیرهای مستقل و وابسته

فرضیات	شرح مسیر	خطای استاندارد	ضریب مسیر بتا (β)	R ²	t-value	سطح اهمیت (p-value)	نتایج
فرض ۱	اقتصاد هوشمند ← شهر هوشمند	۰/۱۰۷	۰/۱۸۹	۰/۳۶۰	۰/۴۱۲	۰۰/۱۰	تایید
فرض ۲	محیط هوشمند ← شهر هوشمند	۰/۱۰۱	۲۴۰/۰	۰/۵۸۰	۶۲۹/۲	۰۰/۱۰	تایید
فرض ۳	دولت هوشمند ← پذیرش شهر هوشمند	۰/۰۹۹	۲۷۲/۰	۰/۷۴۰	۰/۱۵۳	۰۰/۱۰	تایید
فرض ۴	زندگی هوشمند ← شهر هوشمند	۰/۰۹۴	۳۴۶/۰	۱/۱۹۰	۹۱۶/۳	۰۰۰/۰	تایید
فرض ۵	تحرك هوشمند ← شهر هوشمند	۰/۰۸۸	۴۳۹/۰	۱/۹۳۰	۱۹۹/۵	۰۰۰/۰	تایید
فرض ۶	مردم هوشمند ← شهر هوشمند	۰/۰۸۱	۶۵۹/۰	۴/۳۳۰	۲۹۳/۹	۰۰۰/۰	تایید
فرض ۷	آموزش شهروندان ← شهر آموزش دهنده	۰/۰۷۹	۷۰۱	۰/۵۱۲	۱۰/۷۴۲	۰۰/۱۰	تایید
فرض ۸	محیط شهری ← شهر آموزش دهنده	۰/۰۸۴	۰/۶۸۲	۰/۴۹۹	۹/۹۸۵	۰۰/۱۰	تایید
فرض ۹	امکانات آموزشی ← شهر آموزش دهنده	۰/۰۷۲	۰/۷۰۹	۰/۵۹۵	۱۱/۳۸۲	۰۰/۱۰	تایید



شکل ۴. نتایج نهایی مدل ساختاری شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل (PLS - SEM)

محیط شهری شهر آموزش دهنده اردبیل با ۰/۶۸۲ (۰/۴۹۹)، مردم هوشمند در رابطه با شهر هوشمند با ۰/۶۵۹ (۰/۴۳۳)، یعنی تحرك هوشمند در شهر هوشمند اردبیل ۰/۴۳۹ (۱/۹۳)، یعنی زندگی هوشمند اردبیل ۰/۳۴۶ (۰/۱۱۹)

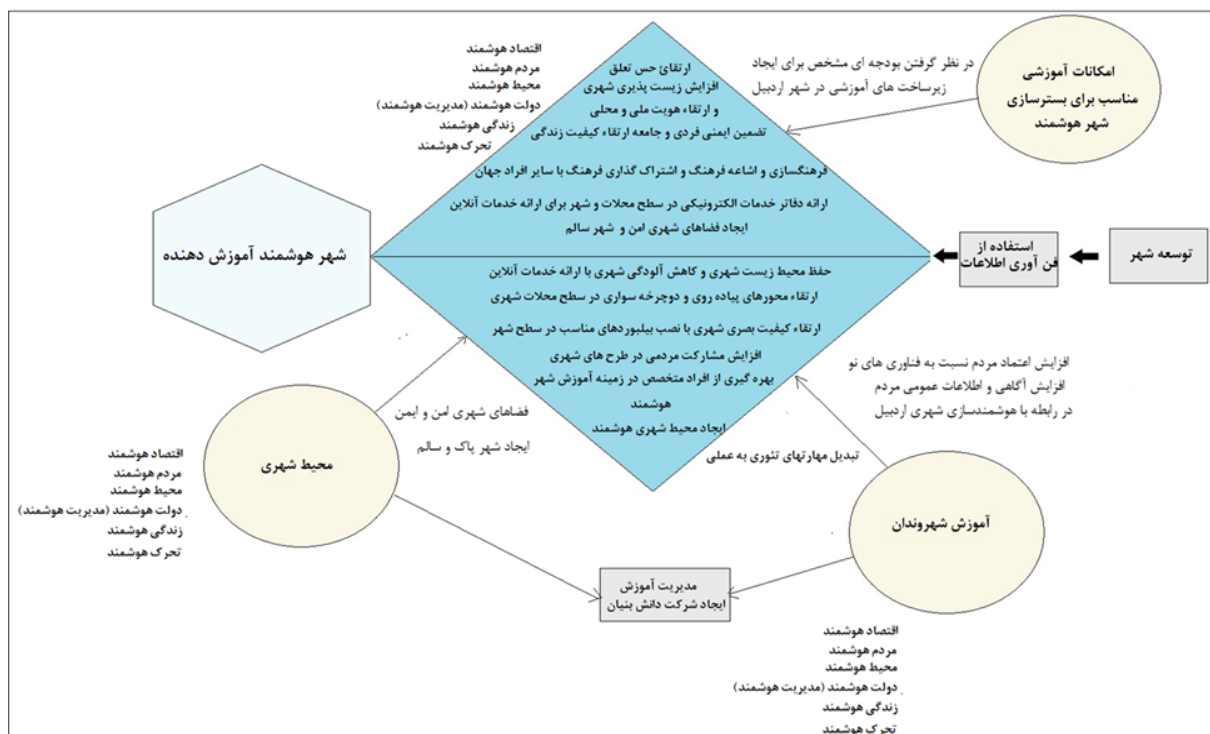
نتایج حاصل از جدول ۵ و شکل ۴ نشان داد امکانات آموزشی در شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل دارای قوی ترین اثر ۰/۷۰۹ (۰/۵۹۵) و پس از آن، آموزش شهروندان در شهر آموزش دهنده اردبیل با ۰/۷۰۱ (۰/۵۱۲)، بعد آن به ترتیب

یعنی دولت هوشمند در شهر اردبیل با $0/273$ ($0/075$)، محیط هوشمند در اردبیل با $0/240$ ($0/058$)، و اقتصاد هوشمند با $0/189$ ($0/036$) است. و امکانات مؤید این امر است که امکانات آموزشی تأثیر زیادی در شکل گیری شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل دارد و براساس یافته‌های تحقیق امکانات آموزشی مربوط به شهر اردبیل است که توسط دسترسی همه گروه‌ها به اینترنت، تبدیل آموزش تئوری به عملی، توسعه مهارت‌های شخصی و اجتماعی افراد، و ارتقای سطح دانش شهروندان و توسعه شهروند هوشمند هدایت می‌شود که در کنار آن نوآوری، انعطاف‌پذیری، محیط شهری مناسب و سالم، همراه با تحرک هوشمند و شرایط زندگی هوشمند و دولت هوشمند و اقتصاد هوشمند کارا باعث توسعه شهر هوشمند آموزش دهنده در شهر اردبیل می‌شوند و به پایداری شهر کمک می‌کنند.

نتیجه‌گیری

فناوری نقش خود را در آموزش به طور کلی افزایش داده است و در برخورد با شهر هوشمند بیشتر تأثیر را می‌گذارد، زیرا مفهوم شهر هوشمند تطبیقی است. یادگیری درک مردم در کشورهای مختلف در مورد چندین جنبه از شهرهای هوشمند و یادگیری بسیار جالب خواهد بود که در رابطه با شهر هوشمند آموزش دهنده شهر اردبیل ۶ شاخص اقتصاد هوشمند، مردم هوشمند، زندگی هوشمند، محیط هوشمند، تحرک هوشمند، دولت هوشمند و در رابطه با شهر آموزش دهنده سه شاخص آموزش شهروندان، محیط شهری و امکانات آموزشی براساس مطالعات قبلی انجام گرفت و دست‌بندی شدند. برای بررسی رابطه بین شهر هوشمند و تأثیر شهر آموزش دهنده در ایجاد شهر هوشمند آموزش محور و اثبات آن از معادلات ساختاری - مربعی حداقل جزئی استفاده شد و برای اثبات و اثرات دقیق آن و ارتباط متغیرها با هم از روش رگرسیون استفاده شد که براساس نتایج تحقیق در بین متغیرهای مؤثر بر شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل، عامل امکانات آموزشی با بار عاملی ($0/812$) بیشترین اثرگذاری داشته است. بعد از آن به ترتیب عامل آموزش شهروندان با بار عاملی ($0/803$)، عامل محیط شهری با بار عاملی ($0/795$)، و عامل زندگی هوشمند در شهر هوشمند با بار عاملی ($0/786$)، محیط هوشمند با بار عاملی ($0/779$)، تحرک هوشمند با بار عاملی ($0/718$)، دولت هوشمند با بار عاملی ($0/681$)، مردم هوشمند با بار عاملی ($0/617$)، اقتصاد هوشمند با بار عاملی ($0/573$) اثرگذار بوده‌اند. نتایج حاصل از جدول ۳ و شکل ۳ اثرات متغیرهای مستقل بر وابسته را با استفاده از آزمون t دو نمونه‌ای با سطح معناداری ۵٪ نشان می‌دهد ($0/05$)، همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمام t - value ها بالاتر از $1/96$ است. علاوه بر این، نتایج حاصل از جدول ۵ مقادیر R^2 را نیز نشان می‌دهد که عبارت‌اند از: رتبه‌بندی ضرایب مسیر مختلف متغیرهای مستقل تحقیق،

که در آن امکانات آموزشی در شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل دارای قوی‌ترین اثر $0/709$ ($0/595$) و پس از آن، آموزش شهروندان در شهر آموزش دهنده اردبیل با $0/701$ ($0/512$)، بعد آن به ترتیب محیط شهری شهر آموزش دهنده اردبیل با $0/682$ ($0/499$)، مردم هوشمند در رابطه با شهر هوشمند با $0/659$ ($0/433$)، تحرک هوشمند در شهر هوشمند اردبیل $0/439$ ($0/193$)، زندگی هوشمند اردبیل $0/346$ ($0/119$) یعنی دولت هوشمند در شهر اردبیل با $0/273$ ($0/075$)، محیط هوشمند در اردبیل با $0/240$ ($0/058$)، و در نهایت اقتصاد هوشمند با $0/189$ ($0/036$) است. بنابراین، رابطه مسیر فرض شده (فرضیه ۱ - فرضیه ۹) از نظر آماری قابل توجه است. چون مقدار R^2 بزرگ‌تر از $0/1$ و p - value کمتر از $0/05$ است. این مطالعه ابعاد شهر هوشمند آموزش دهنده را شناسایی می‌کند و مدل پذیرش شهر هوشمند آموزش دهنده را برای ارزیابی طرح شهر هوشمند شهر آموزش دهنده اردبیل توسعه می‌دهد. این نتایج با یافته‌های تحقیقات [۹-۱۸] هم‌راستا است. نوآوری، یادگیری (فراگیری) و هوشمندی دارای بعد و ماهیت مشترکی هستند که می‌توان آن را تولید، تبادل، فرآوری و پردازش اطلاعات دانست. اکنون می‌توان گفت که انقلاب اطلاعات رخ داده است و به سرعت عصر صنعت را پشت سر می‌گذاریم و با ورود به عصر ارتباطات شاخص‌های زندگی شهری نیز تغییر کرده‌اند، تغییراتی که بیشتر جنبه کیفی دارد تا کمی. در این بین، زندگی در شهر امروزی و جامعه اطلاعاتی نیازمند پیش‌فرض‌هایی از سوی سازمان‌های شهری و شهروندان آن جامعه است؛ پیش‌فرض‌هایی که موجب هوشمندسازی شهرها در ابعاد مختلف می‌شود. یکی از این پیش‌فرض‌های مهم، انتقال و تبادل یادگیری و تجارب شهروندان در قالب شبکه‌های آموزشی و ارتباط مؤثر با محیط اطراف بوده که موجب ارتقای سطح دانش، نگرش و مهارت شهروندان و به تبع آن، توسعه شهر در انواع الگوهای برنامه‌ریزی همچون شهر هوشمند می‌شود. با توجه به اهمیت هوشمندسازی شهرها و نقش آموزش در این حوزه، هدف از تحقیق حاضر تدوین الگوی توسعه شهر هوشمند اردبیل با تأکید بر شاخص‌های شهر آموزش دهنده بوده است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت که از نظر هوشمندسازی، شهر اردبیل در وضعیت مطلوبی نیست و در این راستا به منظور تحقق شهر هوشمند اردبیل به ترتیب اولویت برنامه‌ریزی در ابعاد مدیریت هوشمند، محیط هوشمند، شهروند هوشمند، اقتصاد هوشمند، تحرک هوشمند و زندگی هوشمند ضروری است. همچنین، به منظور تحقق شاخص‌های شهر هوشمند شهر اردبیل، رویکرد آموزش (شهر آموزش دهنده) می‌تواند نقش محوری ایفا کند. و در نهایت الگوی شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل به صورت شکل ۵ ارائه می‌شود.



شکل ۵. تدوین الگوی شهر هوشمند آموزش دهنده اردبیل

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر در رابطه با شهر آموزش دهنده اردبیل می توان پیشنهادهای زیر را در نظر گرفت:

- ایجاد بستر اینترنت پرسرعت برای تمام اقشار شهر اردبیل و فرهنگسازی استفاده از آن
- روش های یادگیری نحوه استفاده از فناوری و امکانات آن در شهر اردبیل
- آموزش مهارت برای فناوری در شهر اردبیل
- ارائه امکانات برای بازدید از مکان های تاریخی - میراثی در راستای ارتقای فرهنگ و اشاعه آن در میان سایر جوامع در شهر اردبیل
- امکانات محلی برای یادگیری طولانی مدت در شهر اردبیل
- حمایت از افراد خلاق در زمینه شهرهای هوشمند
- اقداماتی برای پرورش هنرمندان در عرصه های مختلف در شهر اردبیل

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول ۴۰٪؛ نویسنده دوم ۳۵٪؛ نویسنده سوم ۲۵٪ است.

تشکر و قدردانی

از کلیه کسانی که در این تحقیق محققان را یاری کرده اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می کنیم. این تحقیق منافع تجاری نداشته و پژوهشگران یادشده در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت نکرده اند و مقاله حامی مادی و معنوی ندارد و همه هزینه ها توسط نویسنده اول (دانشجو) انجام گرفته است.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

- [28] Myat, S. S. (2021). Citizens in the "smart city": participation, co-production, governance. Urban Geography, New York, Routledge, 1-2. <https://doi.org/10.1080/02723638.2021.1950983>.
- [29] Camero, A.; Alba, E. Smart City and information technology: A review. Cities 2019, 93, 84-94. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.04.014>.
- [30] Aguaded-Ramírez, E., Smart city and intercultural education. Procedia-Social Behav. Sci, 2017. 237, 326-333. <http://dx.doi.org/10.1016/j.sbspro.2017.02.010>.
- [31] Lucio, J. The educating city: an intercultural approach through social-educational mediation processes. Austria: Center for Systematic Musicology University of Graz, 2010 <https://doi.org/10.1177/0305735618775806>.
- [32] Veysi nab, B., Babaei Agdam, F. Application Gis analysis of relationship between urban overcrowding and academic achievement (Ardabil city). Geographical Engineering of Territory, 2023; 7(3): 589-598. <https://doi.org/10.1001.1.25381490.1402.7.3.7.5>

- [1] Marshall, S.; Farndon, D.; Hudson-Smith, A.; Kourniotis, A.; Karadimitriou, N. Urban Design and Planning Participation in the Digital Age: Lessons from an Experimental Online Platform. *Smart Cities* 2024, 7, 615–632. <https://doi.org/10.3390/smartcities7010025>.
- [2] Zhu, H.; Shen, L.; Ren, Y. How can smart city shape a happier life? The mechanism for developing a Happiness Driven Smart City. *Sustain. Cities Soc.* 2022, 80, 103791. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2022.103791>.
- [3] Ismagilova, E.; Hughes, L.; Dwivedi, Y.K.; Raman, K.R. Smart cities: Advances in research—An information systems perspective. *Int. J. Inf. Manag.* 2019, 47, 88–100. <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2019.01.004>.
- [4] Zeynali Azim A. Assessing the Factors Affecting the Formation of a Smart City in The Geographical Space of Tabriz City. *pos 2022*; 4 (3):235-253 URL: <http://psp.modares.ac.ir/article-42-56313-fa.html>, [In Persian]
- [5] Wang, Q. Smart City: An Innovative Understanding of Modern Society Under Sustainable Development, *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 664, Proceedings of the 2022 8th International Conference on Humanities and Social Science Research (ICHSSR 2022), 430-433. <http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>.
- [6] Sharifi, A.; Allam, Z.; Feizizadeh, B.; Ghamari, H. Three Decades of Research on Smart Cities: Mapping Knowledge Structure and Trends. *Sustainability* 2021, 13, 7140 <https://doi.org/10.3390/su13137140>.
- [7] Vijayalakshmi, S., Madhavi, B., N, J., Bansode, G., Sharma, N., & K.G, S. Smart Education with lot And Ai: Revolutionizing Learning In The Digital Age. 2024 2nd International Conference on Disruptive Technologies (ICDT), 2024, 1282-1286. <https://doi.org/10.1109/ICDT61202.2024.10489741>.
- [8] Kumar, N.M., Krishna, P.R., Pagadala, P.K., & Saravana Kumar, N.M. (2018). Use of Smart Glasses in Education-A Study. 2018 2nd International Conference on I-SMAC (IoT in Social, Mobile, Analytics and Cloud) (I-SMAC)-SMAC (IoT in Social, Mobile, Analytics and Cloud) (I-SMAC), 2018 2nd International Conference on, 56-59. <https://doi.org/10.1109/I-SMAC.2018.8653666>.
- [9] Scala, D.; Aguilar Cuesta, Á.I.; Rodríguez-Domenech, M.Á.; Canizares Ruiz, M.d.C. Bibliometric Study on the Conceptualization of Smart City and Education. *Smart Cities*, 2024, 7, 597–614. <https://doi.org/10.3390/smartcities7010024>.
- [10] Esfandi, S.; Tayebi, S.; Byrne, J.; Taminiau, J.; Giyahchi, G.; Alavi, S.A. Smart Cities and Urban Energy Planning: An Advanced Review of Promises and Challenges. *Smart Cities* 2024, 7, 414–444. <https://doi.org/10.3390/smartcities7010016>.
- [11] Badshah, A. Nasralla, M. Jalal, A, Farman, h. Smart Education in Smart Cities: Challenges And Solution Conference: 2023, IEEE International Smart Cities Conference (ISC2), 2023, <http://dx.doi.org/10.1109/ISC257844.2023.10293615>.
- [12] Tham J. C. K. & Verhulsdonck, G, Smart Education in Smart Cities: Layered Implications for Networked and Ubiquitous Learning,” in *IEEE Transactions on Technology and Society*, 2023, 4(1), 87-95, <https://doi.org/10.1109/TTS.2023.3239586>.
- [13] Molnar, A. Smart cities education: An insight into existing drawbacks. *Telematics Informatics*, 2020, 57, 101509. <https://doi.org/10.1016/j.TELE.2020.101509>.
- [14] Asadi, A., Ahadnejad Roshti, M., Zadvali khajeh, S. Presenting a Smart City Development Model with an Emphasis on the Characteristics of Education City (Case Study: Qaen City). *Geography and Urban Space Development*, 2023; 10(3): 1-20 <https://doi.org/10.22067/jgusd.2022.72739.1109>. [In Persian]
- [15] Shirooyehpour, S., Mortazavi, S. M., Bayat, R. A Model of Factors Affecting the Future Development of Sustainable Smart Cities with an Emphasis on Optimal Energy Management. *Urban Economics and Planning*, 2024; 4(4): 116-130. <https://doi.org/10.22034/uep.2024.423160.1424>. [In Persian]
- [16] Rajabi Jurshari M, Amir Azodi T, Sarvar R, Tavakoli Nia J. Evaluation of the realization of the smart city with the emphasis on the quality of urban life. Case Study: District 2 of Tehran.. *jgs 2023*; 23 (70): 25-43. <http://dx.doi.org/10.61186/jgs.23.70.487>. [In Persian]
- [17] Zeynali Azim, A., Babazadeh Oskouei, S. Analyzing of Creating a Livable Smart City in the City of Tabriz. *Urban Economics and Planning*, 2022; 3(4): 24-37. <https://doi.org/10.22034/uep.2022.365191.1286>. [In Persian]
- [18] Yousefi, M., Shieh, E., khatibi, M. R., saeidi rezvani, N. Identifying and prioritizing the components of the learning city with an emphasis on the lifelong learning. *Journal of Educational Innovations*, 2019; 18(3): 105-126. https://noavaryedu.oerp.ir/article_134580.html. [In Persian]
- [19] Zeynali Azim, A. Assessing Urban and Environmental Sustainability through Smart Urban Growth Case Study: Julfa City. *Geography and Environmental Sustainability*, 2022; 12(1): 19-39. <https://doi.org/10.22126/ges.2022.7208.2478>. [In Persian]
- [20] Herath, H., & Mittal, M. Adoption of artificial intelligence in smart cities: A comprehensive review. *Int. J. Inf. Manag. Data Insights*, 2022, 2, 100076. <https://doi.org/10.1016/j.jjime.2022.100076>.
- [21] Campisi, T.; Severino, A.; Al-Rashid, M.A.; Pau, G. The Development of the Smart Cities in the Connected and Autonomous Vehicles (CAVs) Era: From Mobility Patterns to Scaling in Cities. *Infrastructures* 2021, 6, 100. <https://doi.org/10.3390/infrastructures6070100>.
- [22] Xia, H.; Liu, Z.; Efremochkina, M.; Liu, X.; Lin, C. Study on City Digital Twin Technologies for Sustainable Smart City Design: A Review and Bibliometric Analysis of Geographic Information System and Building Information Modeling Integration. *Sustain. Cities Soc.* 2022, 84, 104009. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2022.104009>.
- [23] Mora, L., Deakin, M., Zhang, X., Batty, M., de Jong, M., Santi, P., & Appio, F. P. (2020). Assembling Sustainable Smart City Transitions: An Interdisciplinary Theoretical Perspective. *Journal of Urban Technology*, 28(1-2), 1–27. <https://doi.org/10.1080/10630732.20.1834831>.
- [24] Bibri S E 2017 The IoT for Smart Sustainable Cities of the Future: An Analytical Framework for Sensor-Based Big Data Applications for Environmental Sustainability, *Sustain. Cities Soc.*38, 230-253, <https://doi.org/10.1016/j.scs.2017.12.034>.
- [25] Gohari, S., Ahlers, D., Nielsen, B. F., & Junker, E. (2020). The Governance Approach of Smart City Initiatives. Evidence from Trondheim, Bergen, and Bodø. *Infrastructures*, 5(4), 1-20. 31. <https://doi.org/10.3390/infrastructures5040031>.
- [26] Zeynali azim A. Assessing the Factors Affecting the Formation of a Smart City in The Geographical Space of Tabriz City. *pos 2022*; 4 (3):235-253 URL: <http://psp.modares.ac.ir/article-42-56313-fa.html>
- [27] Jose, R.; Rodrigues, H. A Review on Key Innovation Challenges for Smart City Initiatives. *Smart Cities* 2024, 7, 141–162. <https://doi.org/10.3390/smartcities7010006>.

The research method is applied in a practical context and is based on qualitative content analysis. The researcher seeks to answer the question of how architectural components influence the branding of the cities of Yazd and Rasht. To facilitate this, a five-item Likert scale questionnaire was designed to compare the impact of architectural elements on branding between the two cities. Additionally, a simple random sampling method was employed to select the samples.

Findings

The reliability of the questionnaire developed in the study was assessed using Cronbach's alpha, calculated through the SPSS software, which also served as the data analysis tool. The obtained Cronbach's alpha value exceeded 0.70, indicating that the reliability of the questionnaires is confirmed.

In light of the urban branding strategy and the positioning of architectural components influencing urban branding, the study examined each defined sub-component in the two sample cities, Yazd and Rasht. The results from the questionnaire were analyzed using SPSS.

The findings reveal significant differences between the architectural components affecting branding in Yazd and Rasht, particularly concerning elements such as color, urban facade, historical texture, urban imagery, materials, location, and socio-cultural phenomena. However, no significant differences were observed between the two cities' climate and urban policy components.

Conclusion

Urban branding has emerged as a global trend actively pursued by governments, with cities worldwide striving to enhance their identity and image. This enhancement is predicated on the assumption that individuals

already possess preconceived notions about a city. The mental image of a city is shaped through perceptual processing and the imagery that individuals associate with it, indicating that people have pre-formed images of their favorite cities. Urban branding not only aids in establishing urban identities but also inspires new innovations.

Consequently, older cities with distinct cultural heritages and recognizable architectural features tend to be more popular than those lacking such characteristics. Cities that do not possess unique features are attempting to improve their global standing by reconstructing their architecture and creating new identities. A unique urban brand signifies the presence of one or more symbols that can imbue urban spaces with new meaning and identity.

Research indicates that the historical urban fabric in Yazd is recognized as a primary influencing factor, while in Rasht, the historical urban fabric and cityscape hold significant importance, albeit the impact of these factors is more pronounced in Yazd than in Rasht. This study also analyzes other components such as materials, climate, color, location, and socio-cultural phenomena, concluding that the socio-cultural component has a more substantial influence in Rasht compared to Yazd. This disparity highlights how climatic, cultural, and scale differences between the two cities affect the impact of architectural elements on urban branding.

A comprehensive examination of the architectural micro-components influencing urban branding in Yazd and Rasht reveals that all these elements play a role in the urban branding process of both cities through architecture, though the degree of influence varies. This underscores the complexity of urban branding as a strategic process that integrates various factors to foster a city's unique identity and enhance its competitive advantage in a globalized context.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Abbasi R. Shahcheraghi A. Habib F. Analytical Comparison; On the Challenges and Opportunities of Architectural Components Influencing Urban Branding in Yazd and Rasht. *Urban Economics and Planning* Vol 5(2):168-179. [In Persian]

DOI: 10.22034/uep.2024.461485.1501



Analytical Comparison; On the Challenges and Opportunities of Architectural Components Influencing Urban Branding in Yazd and Rasht*

Original Article

Rana Abbasi¹, Azadeh Shahcheraghi^{2**}, Farah Habib³

1- Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2- Associate Professor, Department of Architecture, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3- Professor, Department of Urban Development, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-06-06

Revised: 2024-08-11

Accepted: 2024-08-18

Keywords

Physical Appearance

Urban Architecture

Urban Branding

Urban Identity

ABSTRACT

Introduction

The city is conceptualized as a living entity, serving as the safest habitat for humans, with its characteristics and attributes understood through human perception. This perception fosters various emotional connections between individuals and the places they inhabit or visit. In contemporary society, dominated by images and perceptions, visual and auditory impressions convey significant messages to audiences. Urban branding emerges as a strategic approach to enhance the recognition of a city's architectural richness and to promote its history, spatial quality, culture, and lifestyle. This concept plays a crucial role in developing urban policies and strategies, simultaneously pursuing economic growth and acting as a channel for the city's identity. Each city in Iran possesses a unique reputation shaped by its specific capacities, facilities, and potentials, distinguishing it from others. This distinction often arises from prominent architectural elements and landmarks within the urban environment. Cities lacking distinctive features strive to redefine their identity through architectural revitalization.

This study aims to investigate and compare the primary architectural components that influence urban branding in the cities of Yazd and Rasht. Such an examination is deemed essential within the fields of architecture and urban planning. The research intends to assess the impact of architectural elements on urban branding, focusing on Yazd and Rasht as case studies that differ in climate, culture, and scale. Additionally, the study seeks to answer the question of how architectural components affect the branding of these two cities.

Materials and Methods

In this study, the researcher aims to collect, analyze, and interpret data obtained through observation and interviews. To achieve this, both deductive and inductive approaches are utilized. Given the research questions and objectives, it was necessary to examine the theoretical model and its criteria. The portion of the research that relies on prior assumptions regarding urban branding employs a deductive approach. Conversely, the inductive reasoning in the study is evident in the observational section, which examines criteria directly from case samples, independent of previous studies. This approach aligns with the interpretivist paradigm and qualitative description.

* This article is taken from the doctoral dissertation of the first author, titled "Analysis of Architectural Elements Influencing Urban Branding in Three Selected Cities of Iran" supervised by Dr. Azadeh Shahcheraghi (the corresponding author) and advised by Dr.

Farah Habib at the Faculty of Civil Engineering, Architecture, and Art, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran.

** Corresponding author: shahcheraghi@srbiau.ac.ir

مقایسه‌ای تحلیلی؛ بر چالش‌ها و فرصت‌های مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی شهری یزد و رشت*

مقاله پژوهشی

رعنا عباسی^۱؛ آزاده شاهچراغی^{۲*}؛ فرح حبیب^۳

- ۱- دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 ۲- دانشیار، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 ۳- استاد تمام، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه

شهر به عنوان موجودی زنده، امن‌ترین زیستگاه برای انسان به شمار می‌آید که ویژگی‌ها و مختصات آن از طریق انسان درک می‌شود. این درک باعث ایجاد رشته‌های احساسی متعددی میان انسان‌ها و مکان‌هایی که در آن‌ها زندگی می‌کنند یا از آن‌ها بازدید می‌کنند، می‌شود. دنیای امروز، دنیای تصاویر و تصورات است؛ تصورات و ادراک‌های دیداری و شنیداری که پیام‌های زیادی به ذهن مخاطبان ارسال می‌کند. برندسازی شهری به عنوان راهکاری برای شناخته شدن غنای معماری شهر و ارتقای تاریخ، کیفیت مکان، فرهنگ و سبک زندگی افراد در نظر گرفته می‌شود. این مفهوم در توسعه سیاست‌ها و خط مشی‌های شهری نیز نقش اساسی دارد، زیرا هم‌زمان به دنبال توسعه اقتصادی و به عنوان مجرای برای هویت شهر عمل می‌کند. هر یک از شهرهای ایران با توجه به ظرفیت‌ها، امکانات و پتانسیل‌های خاص خود، شهرتی منحصر به فرد دارند که آن‌ها را از سایر شهرها متمایز می‌کند. این تمایز گاهی از طریق عناصر و بناهای شاخص و معمارانه در فضای شهری شکل می‌گیرد. شهرهایی که ویژگی‌های ممتاز ندارند، در تلاش هستند تا با بازسازی معماری، هویت خود را دوباره تعریف کنند. این مقاله به بررسی و مقایسه اصلی‌ترین مؤلفه‌های معماری مؤثر در برندسازی شهری میان شهرهای یزد و رشت می‌پردازد. بررسی این موضوع در حوزه معماری و شهرسازی ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر بر آن است تا نخست با سنجش میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های معماری در حوزه برندسازی شهری، میزان تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها را در دو شهر یزد و رشت به عنوان نمونه از شهرهای ایران که به لحاظ اقلیم، فرهنگ و مقیاس متفاوت هستند بررسی کند. همچنین، این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این پرسش است که مؤلفه‌های معماری چگونه در برندسازی دو شهر یزد و رشت تأثیرگذار است؟

مواد و روش‌ها

در این پژوهش محقق در صدد جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعاتی است که از طریق مشاهده و مصاحبه به دست می‌آید. در این راستا از دو رویکرد قیاسی و استقرایی بهره گرفته شده است، زیرا با توجه به سؤالات مطرح شده در پژوهش و اهداف نیاز بود تا مدل نظری و معیارهای استخراج شده از آن بررسی شود. آن بخش از پژوهش که از مفروضات قبلی درباره برندسازی شهری کمک می‌گیرد رویکرد قیاسی دارد. استدلال استقرایی در پژوهش در بخش مشاهدات است که فارغ از مطالعاتی که در گذشته انجام شده و با بررسی مستقیم معیارها بر نمونه‌های موردی است، این رویکرد در ارتباط با پارادایم تفسیرگرایی و توصیف کیفی است. روش پژوهش براساس هدف، کاربردی است و مبتنی بر رویکرد روش تحلیل محتوای کیفی است که محقق به دنبال پاسخ به این سؤال است که مؤلفه‌های معماری چگونه در برندسازی دو شهر یزد و رشت تأثیرگذار است. در راستای رسیدن به هدف، پرسشنامه پنج‌گانه

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

کلمات کلیدی

برندسازی شهری
 سیمای کالبدی
 معماری شهری
 هویت شهری

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول، با عنوان «واکاوی مؤلفه‌های معماری مؤثر در برندسازی سه شهر منتخب ایران» و با راهنمایی دکتر آزاده شاهچراغی (نویسنده مسئول) و مشاوره دکتر فرح حبیب در دانشکده عمران معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران است.
 ** نویسنده مسئول: shahcheraghi@srbiau.ac.ir

استوار است که مردم قبلاً تصویری از آن شهر دارند. تصویر شهر در ذهن افراد از طریق پردازش ادراک و تصاویری که از آن دارند شکل می‌گیرد و در واقع، مردم تصاویری از شهرهای مورد علاقه خود را از پیش تصور کرده‌اند. برندسازی شهری نه تنها به ایجاد هویت‌های شهری کمک کرده، بلکه موجب الهام‌بخشی برای نوآوری‌های جدید نیز شده است. به همین دلیل، شهرهای قدیمی با فرهنگ مشخص و ویژگی‌های معماری قابل شناسایی، محبوب‌تر از شهرهایی هستند که این ویژگی‌ها را ندارند. برخی شهرها که فاقد ویژگی‌های منحصر به فرد هستند، می‌کوشند تا با بازسازی معماری خود و ایجاد هویت‌های جدید، موقعیت خود را در صحنه جهانی بهبود بخشند. داشتن برند شهری منحصر به فرد به معنای وجود یک یا چند نشانه است که به کمک آن‌ها می‌توان معنا و هویت جدیدی به مکان‌ها و فضاهای شهری بخشید. نتایج نشان می‌دهد بافت کهن شهری در یزد به عنوان عامل اصلی تأثیرگذار شناخته شده و در رشت نیز بافت کهن شهری و نمای شهری از اهمیت بالایی برخوردارند، هرچند تأثیرگذاری این عوامل در یزد بیشتر از رشت است. این پژوهش همچنین به تحلیل سایر مؤلفه‌ها مانند مصالح، اقلیم، رنگ، موقعیت مکانی و پدیده‌های فرهنگی - اجتماعی پرداخته و این نتیجه به دست آمد که مؤلفه فرهنگی - اجتماعی در شهر رشت تأثیرگذارتر از شهر یزد است و این نشان می‌دهد که تفاوت اقلیم، فرهنگ و مقیاس در دو شهر مورد بررسی بر میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی شهری دو شهر یزد و رشت مؤثر است. بر اساس بررسی جامع ریزمؤلفه‌های معماری تأثیرگذار بر برندسازی شهری یزد و رشت، نتیجه گرفته شد که تمامی این مؤلفه‌ها در فرایند برندسازی شهری این دو شهر از طریق معماری نقش دارند، اما میزان تأثیرگذاری هر یک متفاوت است.

مقیاس لیکرت برای مقایسه میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی بین دو شهر یزد و رشت طراحی شد، همچنین در انتخاب نمونه‌ها از روش تصادفی ساده استفاده شده است.

یافته‌ها

پایایی پرسشنامه طراحی شده در پژوهش در نرم‌افزار SPSS که ابزار تحلیل داده‌ها نیز بود از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد. از آنجا که در پرسشنامه میزان آلفای کرونباخ بیش از ۰/۷ به دست آمد، پایایی پرسشنامه تأیید می‌شود. با توجه به روند استراتژی برندسازی شهری و همچنین، جانمایی و تعریف جایگاه مؤلفه‌های معماری تأثیرگذار بر برندسازی شهری طبق پژوهش انجام شده هریک از ریزمؤلفه‌های تعریف شده در دو شهر نمونه یزد و رشت بررسی شد و نتایج پرسشنامه مورد بررسی توسط نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میان اثرگذاری مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی دو شهر یزد و رشت در مقایسه مؤلفه‌هایی مانند رنگ، نمای شهری، بافت کهن شهری، تصویر شهری، مصالح و موقعیت مکانی و پدیده‌های اجتماعی - فرهنگی بین دو شهر یزد و رشت تفاوت وجود دارد. در مقایسه میان دو مؤلفه اقلیم و سیاست‌گذاری شهری بین دو شهر یزد و رشت تفاوت چشمگیری وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

امروزه، برندسازی شهری به یک روند جهانی تبدیل شده است که دولت‌ها به طور فعال آن را دنبال می‌کنند. شهرها در سرتاسر دنیا به دنبال ارتقای هویت و تصویر خود هستند. این ارتقا به عنوان یک برند، بر پایه این فرضیه

مقدمه

بر این است که تأثیرگذاری عوامل و عناصر معماری در برندسازی هر شهر بسته به عواملی از جمله اقلیم شهر، فرهنگ شهر و مقیاس شهر متفاوت است. بنابراین سؤال پژوهش حاضر عبارت است از اینکه مؤلفه‌های معماری چگونه در برندسازی دو شهر یزد و رشت تأثیر گذار است؟

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

تغییرات منابع، سرمایه و افراد در سراسر جهان و همچنین، افزایش رقابت پذیری میان شهرها برای سرمایه گذاری، تجارت، گردشگری و رویدادهای مختلف رو به افزایش است. به جهت تصمیم گیری و برنامه ریزی صحیح، مدیران شهر باید برای تأثیر گذاری در شهر دانش جامعی را داشته باشند. آن‌ها باید تصویر درستی از شهر را بشناسند. سپس، برای طراحی تصویر مورد نظر خود اقداماتی برای بهسازی شهر، مطالعه درست تصویر شهر و شناخت هویت شهر بخش مهمی از این دانش را در روند و استراتژی برنامه ریزی شهری خود قرار دهند. در رابطه با پژوهش حاضر مطالعات مختلفی در رابطه با برندسازی شهری در سراسر جهان انجام شده است. در این میان پژوهش‌هایی که نزدیکی بیشتری با موضوع پژوهش دارند عبارتند از: فرناندز و میتان [۹] یک مطالعه مقایسه‌ای بین دو شهر پلیموت، انگلیس و مالاگا، اسپانیا انجام دادند. در نهایت، آن‌ها نتیجه گرفتند که شهر پلیموت می‌تواند با مراجعه به عناصری همچون جنگ، دوران امپراتوری و روش‌هایی مانند استفاده از نماد آزادی و پذیرش فرهنگ‌ها و ایده‌ها، به منظور جلب توریست، برندهایی را ایجاد کند. اما شهر مالاگا نام تجاری خود را از یک شهر رنگارنگ و دارای آب‌وهوای معتدل به شهری مبتنی بر نقاشی‌های پیکاسو، نقاشی به عنوان سمبل تقویت روابط، فرهنگ، استقبال از بازدیدکنندگان، ارزش‌ها، خلاقیت و هنر آوانگارد در نظر می‌گیرد. موگه ریزا [۱۰] در مقاله‌ای به استفاده از فرهنگ به عنوان یک وسیله برندسازی پرداخته است. درباره نقش فرهنگ در برندسازی شهر و مقایسه استفاده از ابزارهای محبوب اخیر، یعنی پروژه‌های بزرگ مقیاس، جشنواره‌ها و معماری نمادین به عنوان ابزاری برای اهداف برندسازی بحث می‌کند. مریم وهابیان و دیگران [۱۱] در مقاله‌ای مؤلفه‌ها و شاخص‌های برندسازی شهری را با تأکید بر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی شناسایی و با نظر ۳۰ نفر از کارشناسان و متخصصان شهری و با استفاده از نرم‌افزار تحلیل در سطح قابل توجهی مورد بررسی قرار داده‌اند. اندریا لوکارلی [۱۲] در مقاله‌ای با استفاده از مثال‌های تجربی و تحقیقات گسترده در مورد برندسازی مکان، دیدگاهی را درباره برندسازی به عنوان شکلی متفاوت از سیاست‌های شهری ارائه می‌کند. شیروانی دستگردی و دیگران [۱۳] در پژوهشی سعی در شناسایی و تبیین رابطه بین متغیرهای مؤثر بر تصویر شهر به عنوان مدل پارادایماتیک برندسازی شهر و توسعه پایدار شهری دارد. در این پژوهش این نتیجه حاصل شد که رونق تصویر شهر فرایند پیچیده‌ای است که مدام و پویا به ترکیبی معنادار از برنامه ریزی، اقدامات در سطوح مختلف سازمانی نیاز دارد. جوژیک [۱۴] در مقاله‌ای با نگاه به برندسازی شهر برای توسعه گردشگری، قصد دارد جوهر برندسازی شهر را در ارتباط با گردشگری کشف کند. در جدول ۱ پروژه‌های داخلی و بین‌المللی دیگری که در حوزه برندسازی شهری انجام شده بررسی شده که توضیح آن به شرح زیر است:

شهرها و کلان‌شهرها در مواجهه با چالش‌های ناشی از جهانی شدن و تغییرات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی قرار دارند. یکی از پیامدهای این فرایند، افزایش رقابت بین شهرها برای بهبود کیفیت محیط زندگی از طریق معماری است. این رقابت در سطوح و فعالیت‌های مختلف قابل مشاهده است و به شهرها این امکان را می‌دهد که با نوآوری‌های معماری و طراحی شهری، به جذب سرمایه و ساکنان بیشتر در شهر بپردازند [۱]. از طرفی، موضوعاتی مانند هویت شهر و برندسازی مکان در دهه‌های اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است و مطالعات بسیار محدودی وجود دارد که داده‌های جامع و کاملی را در حوزه این موضوعات ارائه دهند [۲]. شهرها در تلاش هستند تا به جایگاهی مناسب در عرصه‌های ملی و فراملی دست یابند. به همین علت، در بسیاری از زمینه‌ها دست به رقابت‌های گسترده زده‌اند [۳].

برندینگ شهری به عنوان یک ابزار کلیدی برای دستیابی به مزیت رقابتی تعریف می‌شود که به شهرها این امکان را می‌دهد تا جذب سرمایه گذاری و گردشگری را از طریق غنای معماری افزایش دهند. این فرایند همچنین به تقویت هویت شهری کمک کرده و از بروز طرد اجتماعی جلوگیری می‌کند. با ایجاد یک برند معماری، شهرها قادر خواهند بود تصویر مثبتی از خود به نمایش بگذارند و در نتیجه، توجه سرمایه‌گذاران و گردشگران را به خود جلب کنند. این رویکرد نه تنها به رونق اقتصادی شهر کمک می‌کند، بلکه به حفظ و تقویت هویت معماری، فرهنگی و اجتماعی آن نیز می‌انجامد [۴].

برندسازی شهری گرایشی نوظهور در مطالعات شهری است که در فضایی میان رشته‌ای (معماری، بازاریابی، سیاست، گردشگری، توسعه اقتصادی و...) به وجود آمده است. هدف از برندسازی شهری ایجاد تفاوت در درک مردم نسبت به شهر است [۵]. علاقه به برندسازی شهری ممکن است به عنوان جزئی از یک چارچوب شناخت گسترده‌تر تلقی شود که شهرها به وسیله آن می‌توانند از اجرای استراتژی‌های منسجم در مورد مدیریت منابع و شهرت شهر سود ببرند [۶]. شهرها از روش‌های متفاوتی برای نشان دادن شهرت و اعتبار خود استفاده می‌کنند. بنابراین، دستیابی به یک مدل برای برندسازی شهر می‌تواند چالش برانگیز و پیچیده باشد. با این حال، شناخت مؤلفه‌هایی که از طریق معماری شهرت شهر را افزایش می‌دهد به ارائه چارچوبی برنامه ریزی شده برای مدیریت شهری کارآمد منجر می‌شود [۷]. به گفته کاواراتزیس و آشورث (۲۰۰۵) شهرها به طور فزاینده‌ای از مفاهیم برندسازی استفاده می‌کنند و تکنیک‌هایی را در تلاش برای تأکید بر ویژگی‌های متمایز خود به کار می‌برند. معماری یکی از عوامل مهمی است که درک انسان‌ها نسبت به شهر را شکل می‌دهد. در دنیایی که به سمت جهانی شدن می‌رود، بسیاری از شهرها برای ایجاد تمایز میان هویت خود با سایر شهرها از برندسازی شهری برای منحصربه‌فرد شدن استفاده می‌کنند. در واقع برند شهری تصویری از مکان ارائه می‌دهد که بر ویژگی‌های منحصربه‌فرد معماری شهر تأکید می‌کند [۸]. از این رو، پژوهش حاضر بر آن است تا ابتدا با سنجش میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های معماری در حوزه برندینگ شهری، میزان تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها در دو شهر یزد و رشت به عنوان نمونه از شهرهای ایران که از لحاظ اقلیم، فرهنگ و مقیاس متفاوت هستند را بررسی کند. فرضیه پژوهش

جدول ۱. پیشینه تحقیق

ردیف	نویسنده	سال	روش تحقیق	نتایج
۱	ریمان محمد ریحان	۲۰۱۴	این مقاله به بررسی جامع مفهوم برندسازی شهری از جنبه‌های نظری، تحلیلی و عملی می‌پردازد. ابتدا، ویژگی‌های کلیدی برای توسعه استراتژی مؤثر در برندسازی شهری شناسایی می‌شود. سپس، تحلیل مفهوم «شهر اشتوتگارت» به عنوان یک نمونه عملی مورد بررسی قرار می‌گیرد که به تحلیل رویکردهای نظری مرتبط با برندسازی شهر اختصاص دارد. در نهایت، یک پرسشنامه عملی برای برنامه ریزان و طراحان به منظور شناسایی مراحل مؤثر در برندسازی شهر پورت سعید در مصر طراحی و اجرا شده است.	این مقاله به بررسی برندسازی شهری به عنوان یک استراتژی مؤثر برای شکل دهی تصویر شهرها می‌پردازد. در این راستا، برندسازی شهر اشتوتگارت در آلمان به عنوان یک نمونه موفق معرفی می‌شود. همچنین، برندسازی شهر پورت سعید در مصر نیز مورد تحلیل قرار خواهد گرفت [۱۵].

ردیف	نویسنده	سال	روش تحقیق	نتایج
۲	تان، فوکیانگ و ژو، جیانفی و ژو، بیجون و یه، جون و لی، سلیا	۲۰۲۳	این پژوهش با استفاده از نرم افزار تحلیل کیفی ROST-CM6، به تحلیل شبکه معنایی متون مرتبط با ساخت برند فرهنگی شهری در عصر جدید پرداخته است. متون جمع آوری شده از طریق مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. این فرایند به استانداردسازی و دسته بندی مفهومی متون منجر شد تا منطق پشت ساخت برند فرهنگی شهری در دوران معاصر به طور دقیق بررسی شود.	این مقاله به بررسی چارچوب منطقی ساخت برند فرهنگی برای شهرهای اقیانوسی در عصر جدید می پردازد. در این پژوهش، همدلی فضایی و حافظه فرهنگی زندگی شهری تحلیل شده و ارتباطاتی برای ایجاد برند فرهنگی در این شهرها ارائه شده است. این مطالعه به محدودیت های تحقیقات قبلی که روی چشم انداز گردشگری و فعالیت های رویداد تمرکز داشتند، غلبه کرده است [۱۶].
۴	اسدالله زاده و همکاران	۲۰۱۳	این مقاله به بررسی تعریف برند شهری و تأثیرات برندسازی بر شهرها می پردازد و دو شهر نیویورک و برلین را که دارای نام تجاری مثبت هستند، توصیف می کند. در پایان، مقایسه ای بین شهرهای ایران با نیویورک و برلین انجام می شود و توصیه هایی کاربردی برای بهبود تصویر برند این شهرها و شرکت در رقابت جهانی ارائه می شود.	این پروژه در نهایت به این نتیجه رسیده است که کلید برندسازی ایران در دست ساکنان و حاکمان کشور است [۱۷].
۵	اوی، کان-سنگ	۲۰۰۸	این پژوهش سنگاپور را به عنوان نمونه شهری که می تواند به عنوان یک شهر خلاق در جهان ظهور کند را مورد بررسی دقیق تری قرار می دهد.	این پژوهش توضیح می دهد که چطور دولت سنگاپور چشم انداز الف را معرفی، ابلاغ و اجرا می کند و اقتصاد خلاق و در عین حال کنترل شدید اجتماعی و سیاسی را حفظ می کند [۱۸].

برند به عنوان بنیادی است که به ایجاد فضایی مطلوب کمک می کند تا بتواند به مقصدی برای تجارت، گردشگری و برقراری ارتباط تبدیل شود. بنابراین، برند تنها یک شعار یا کمپین تبلیغاتی نیست، بلکه یک دیدگاه عمیق است که شهر را به مشارکت در فعالیت ها و تعاملات اجتماعی تشویق می کند. این رویکرد می تواند به توسعه پایدار و هویت فرهنگی شهرها کمک کند و به آن ها شخصیت و جذابیت بیشتری ببخشد [۲۰]. به نقل از کاوارا تریس و آشورث (۲۰۰۹)، برندسازی مکان به مجموعه ای از ویژگی های معماری، فیزیکی، روان شناختی و اجتماعی گفته می شود که در زمینه رقابت متمایز می شود و شامل ترکیبی منحصربه فرد از ویژگی های عملکردی و ارزش های نمادین در شهر است. برندسازی مکان به سه نوع تقسیم می شود:

موقعیت جغرافیایی به عنوان برند شهر

برند مشترک شهر و نشانه شهری

برند خود مکان به تنهایی [۲۱] یک شهر می تواند به طور هم زمان فضایی برای زندگی، کار، بازدید و گردشگری و تفریح باشد. برند شهری باید به گونه ای یکپارچه عمل کند که چندین حوزه از چشم اندازهای شهری را پوشش دهد. مدیریت برندینگ شامل استراتژی های آینده شهر، توسعه و جهت گیری های داخلی آن می شود. برند شهر باید بر افزایش حس تعلق جامعه و ساکنان شهر تمرکز کند و همچنین، برای افزایش غنای معماری شهر، توسعه اقتصادی و ایجاد زیرساخت های مناسب تلاش کند [۲۲]. معماری، به عنوان یک پدیده اجتماعی، با هویت ملی، فرهنگ و انسجام اجتماعی در ارتباط است. طراحان می توانند با استفاده از نمادها، الگوها و

مفاهیم را به طور هدفمندتری به کار می گیرد تا حس تعلق و همبستگی اجتماعی را در میان کاربران تقویت کند [۱۹]. ابعاد برند شهری را به شرح زیر می توان شناسایی کرد:
ابعاد اقتصادی: هم برند معماری و هم ابعاد اقتصادی آن با گروه های متعددی از ذی نفعان شهر سروکار دارند. هر دو سطح بالایی از اهمیت و پیچیدگی دارند، با هویت های چندگانه سروکار دارند و هر دو نیازمند توسعه بلندمدت هستند. شهرها از این جهت که موجوداتی پیچیده هستند، هویت ها و مسئولیت های اجتماعی متعددی دارند [۲۲].
ابعاد فرهنگی: بارز کردن برند یک شهر به ارزش های فرهنگی آن شهر بستگی دارد. شهر و رابطه بین فرهنگ و برندسازی شهری عمدتاً از دو جنبه ناشی می شود: (۱) تصویر شهر با تکیه بر گذشته و حال فرهنگی شهر؛ (۲) برند شهر با تکیه بر هویت های پنهان و آشکارسازی آن ها ایجاد می شود [۲۳].
گوزبجان (۲۰۱۸) روی نقش میراث ملموس فرهنگی و تاریخی در ایجاد برند شهر تمرکز می کند، او با امکان تحلیل و استفاده از میراث معماری و ارزش های فضایی بافت شهری برای ایجاد برندی متمایز تحقیق می کند [۲۴].
ابعاد اجتماعی: در واقع، اجتماعی شدن مردم در زندگی روزمره شهری، به عنوان برند و هویت شهر شناخته می شود. این ابعاد اجتماعی، چهره واقعی شهر را به نمایش می گذارد و از طریق تجربه مردم از شهر، شناخته می شود. بنابراین، توجه به ابعاد اجتماعی شهر و تقویت تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری، می تواند به ارتقای هویت و برند شهر کمک کند [۲۵]. در جدول ۲ نظر تعدادی از نظریه پردازان در ارتباط با برند شهری مطرح شده است:

جدول ۲. نظر نظریه پردازان در ارتباط با برند شهری

نام نظریه پرداز	نظریه
ریزا و همکاران، ۲۰۱۲	برندسازی شهر جهت ترویج یک تصویر منحصربه فرد از شهر [۲۶].
پالیگا، ۲۰۱۰	برندسازی شهری به عنوان ارائه یک تجربه مثبت از شهر [۲۷].
وانولو، ۲۰۰۸	برندسازی شهر مجموعه ای از روش ها است که برای ایجاد تصویری مثبت از شهر و ارتباط آن از طریق تصاویر و رویدادهای بصری است. برند شهر راهی برای بهبود بیرونی و تصاویر داخلی شهر است [۲۸].
سوپن، ۲۰۱۴	برند شهری به عنوان یک پدیده اجتماعی بر اساس تصورات است. که این تصورات ممکن است متأثر از جنبه های مادی و ارتباطی شهر باشد یا نباشد [۲۹].

نام نظریه پرداز	نظریه
نگای نی و لی، ۲۰۲۰	برند شهری به عنوان یک استراتژی کلیدی برای تحریک فرایندهای نوسازی شهری با هدف بازسازی تصویر شهر، تمرکز بر نقش آن در ارتقای هویت شهری و توسعه راهبردهای نوسازی پایدار است [۳۰].
دراگیچویچ و میهالژیناک، ۲۰۱۶	برند شهری مرتبط با مسائل مربوط به نقش فرهنگ در شهر و تجدید و ایجاد هویت جدید برای شهر است [۳۱].

هر شهر دارای هویت منحصر به فردی است که از تصاویر و خاطرات مثبت یا منفی تشکیل می شود و آن را از سایرین متمایز می کند. در نتیجه، هویت برند پایدار می تواند شهر را از دیگر شهرها متمایز کند و نمادی از ویژگی های

ناملموس آن شهر باشد. بر این اساس، ویژگی های اصلی در برندسازی پایدار شهرها به موارد زیر در جدول ۳ طبقه بندی می شوند:

جدول ۳. طبقه بندی ویژگی برند شهری پایدار

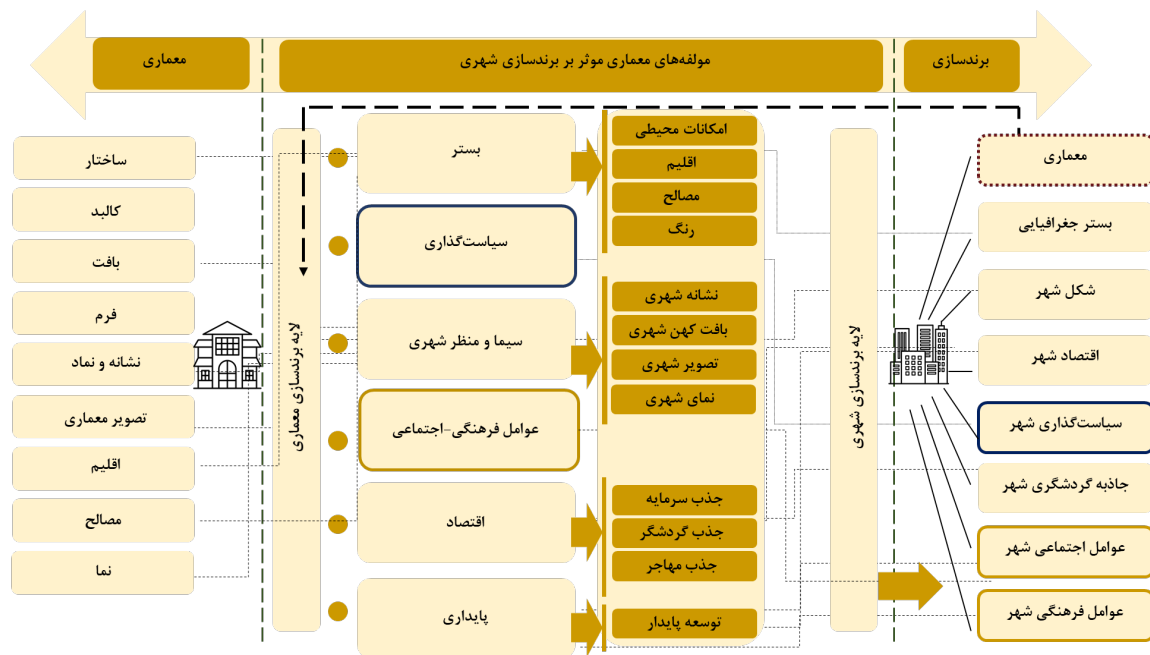
ویژگی برند شهری پایدار	نحوه تأثیر گذاری هر ویژگی
تمایز شهر	هویت باعث ایجاد ارزش متمایز می شود. مفاهیم هویت و برند شهری با توجه به اینکه تصویر شهر یک ویژگی ضروری است، ارزش برجسته سازی را دارند [۳۲].
حس تعلق به شهر	حس تعلق به شهر نقش پایداری فرهنگ و تاریخ را در شکل گیری هویت شهر به طور برجسته ای نشان می دهد، زیرا نیروی منحصر به فردی دارد که می تواند در نمونه های معمولی فضاهای شهری منعکس شود. حفظ سطح زندگی خوب از افزایش بهره وری مهم تر است. در حال حاضر، بهبود کیفیت زندگی و افزایش حس تعلق، به شهر به یکی از کارکردهای اساسی یک شهر تبدیل شده است [۳۳].
اعتبار شهر	هدف ستون اصالت در افزایش اعتبار شهرها، حفظ هویت و درک این نکته است که تغییرات سریع می تواند به هرج و مرج منجر شود [۳۴].
مکان سازی متفاوت در شهر	استراتژی برندسازی یکپارچه برای جذب علاقه بازیدکنندگان و ایجاد پیوند عاطفی با یک مکان نیازمند تجربه عاطفی عمیق تری است؛ به این معنا که این تجربه تنها به مشاهده محدود نمی شود، بلکه به احساس نیز وابسته است. یکی دیگر از عوامل مهم در فرایند ساخت مکان، تشخیص تصویر از مکان است که شامل آشکارسازی عمیق تر عناصری است که از قبل نمایان شده اند. این امر از طریق بازسازی سنتی شهر، مانند خیابان ها، مسیرها، گره ها، لبه ها و نشانه ها صورت می گیرد [۳۴].

در یک جمع بندی کلی شاخصه های برند شهری طبق مبانی نظری پژوهش در جدول جدول ۴ دسته بندی می شود.

جدول ۴. دسته بندی شاخصه های برند شهری [۳۵]

موضوع اصلی	موضوع فرعی	شاخصه ها
مشخصات	<ul style="list-style-type: none"> تفاوت / تمایز / تشخیص منحصربه فرد بودن اصالت مکان سازی 	<ul style="list-style-type: none"> « هویت نهادی (مکان برند بیانگر تمایز مکان است) « منحصربه فرد در شکل گیری هویت شهر - تجسم حس منحصر به فرد و متمایز از مکان « اصالت شهر را می توان بیشتر به عنوان شخصیت شهر تعریف کرد. - هویت و جایگاه شهر در تاریخ. « تقویت پیوندها و ارزش های عاطفی ناشی از تجربیات افراد.
ابعاد	<ul style="list-style-type: none"> ابعاد فرهنگی ابعاد اجتماعی 	<ul style="list-style-type: none"> « رابطه بین فرهنگ و بازاریابی در شهر ریشه در تصویر شهر با تکیه بر گذشته و فرهنگ اکنون شهر دارد. « تجربیات، آگاهی و باور مردم در مورد شهر / نقض زندگی روزمره و اجتماعی شدن در زندگی روزمره
انواع	<ul style="list-style-type: none"> شخصیت ساختمان اصلی و طراحی مناسبت های متمایز 	<ul style="list-style-type: none"> « وجود نشانه های فرهنگی و معماری به عنوان جاذبه « پذیرش فضاهای هنری عمومی و بناهای تاریخی به عنوان دارایی های ملموسی که قدرت شهر را نشان می دهد. « شناسایی مکان هایی با رویدادهای خاص مانند جشنواره ها برای تبلیغ برند شهر
استراتژی ها	<ul style="list-style-type: none"> تفکیک شهر خلاق شهر تجربه شده شهر توریستی 	<ul style="list-style-type: none"> « ارزش ها و احساساتی که به عنوان عنصر اساسی نماد شهر است - شناسایی سه عامل اصلی (شفافیت و هم افزایی، تجسم و همسویی فعالیت های مختلف) « شناسایی سه دسته اصلی محیط ساخته شده، رویدادهای متمایز، شخصیت های معروف - اتخاذ چند عنصر کلیدی قابل مشاهده برای جذب استعداد های خلاق جامعه « شکل گیری تصاویر مکان قبل از بازدید - تعامل فرد با محیط فیزیکی یا محیط مجازی و اجتماعی از طریق حواس مختلف « شناسایی شخصیت منحصر به فرد شهر با اتخاذ فرهنگ و نشانه های معماری به عنوان جاذبه گردشگری.

در این پژوهش پس از بررسی مبانی نظری، مفاهیم و ادبیات پژوهش و همچنین، دسته بندی شاخصه های برند شهری، دیاگرام ارتباط بین متغیرهای معماری مؤثر بر برندسازی شهری در دو لایه معماری و برندسازی توسط نگارندگان به صورت زیر ترسیم شد. این دیاگرام حاصل مطالعات انجام شده در زمینه برندسازی شهری و ارتباط آن با معماری و تحلیل و خلاصه سازی مطالب به دست آمده است.



شکل ۱. دیاگرام ارتباط متغیرهای معماری مؤثر بر برندسازی شهری

یافته‌های پژوهش

با توجه به روند استراتژی برندسازی شهری و همچنین، جانمایی و تعریف جایگاه مؤلفه‌های معماری تأثیرگذار بر برندسازی شهری طبق پژوهش انجام شده هریک از ریزمؤلفه‌های تعریف شده در دیاگرام شکل ۱ در دو شهر نمونه یزد و رشت بررسی شد و نتایج پرسشنامه مورد بررسی به صورت زیر توسط نرم افزار SPSS تحلیل شد.

پایایی پرسشنامه طراحی شده در پژوهش در نرم افزار SPSS که ابزار تحلیل داده‌ها نیز بود از طریق آلفای کرونباخ محاسبه شد. از آنجا که در پرسشنامه میزان آلفای کرونباخ بیش از ۰/۷ به دست آمد در نتیجه پایایی پرسشنامه‌ها تأیید می‌شود.

ویژگی‌های جمعیت‌شناسی پژوهش نشان می‌دهد میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان در تحقیق برابر ۳۵/۳۵±۹/۶۳ سال بود؛ ۵۹/۱ شرکت‌کنندگان درصد مرد و ۲۲/۹ درصد زن بودند؛ همچنین، سطح تحصیلات ۵/۴ درصد شرکت‌کنندگان فوق دیپلم، ۴۱/۹ درصد لیسانس، ۴۸/۱ درصد فوق لیسانس و ۴/۷ درصد دکتری بود.

با توجه به اینکه سؤال اولی که در پرسشنامه از افراد پرسیده شده بود نحوه ایجاد تصویر ذهنی آن‌ها از شهر یزد و رشت است، جدول ۵ نشان می‌دهد در مقایسه نحوه ایجاد تصویر ذهنی پرسش‌شوندگان از شهر یزد و رشت به ترتیب نتایج زیر به دست آمد:

در پرسش از شهر یزد، تصویر ذهنی ۵۴/۳ درصد شرکت‌کنندگان از طریق سفر و تجربه، ۲۴/۸ درصد از طریق تبلیغات و رسانه و ۱۵/۵ درصد از طریق شنیده‌ها و ۵/۴ درصد از طریق زندگی در شهر یزد شکل گرفته است. در پرسش اول درباره شهر رشت، تصویر ذهنی ۶۵/۱ درصد شرکت‌کنندگان از طریق سفر و تجربه، ۱۹/۴ درصد از طریق تبلیغات و رسانه و ۱۰/۹ درصد از طریق شنیده‌ها و ۴/۷ درصد از طریق زندگی در شهر رشت شکل گرفته است.

مواد و روش‌ها

روش انجام این پژوهش از حیث هدف کاربردی و مبتنی بر رویکرد روش تحلیل محتوای کیفی است. گردآوری اطلاعات اولیه از طریق مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در بخش انجام تحلیل‌ها از روش میدانی و مطالعه موردی استفاده شده است. همچنین، مطالعات میدانی پژوهش از طریق طراحی پرسشنامه برای مقایسه دو شهر یزد و رشت صورت پذیرفته است. روش نمونه‌گیری به صورت مبتنی بر انتخاب تصادفی است. بخش شناخت عمدتاً توصیفی انجام شده و برای رسیدن به نتایج نظرسنجی از افراد از طریق پرسشنامه استفاده شده است. تحلیل داده‌ها به کمک ابزارهای متفاوت در نرم افزار SPSS انجام شده، متغیر تحقیق با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی؛ نظیر، میانگین، انحراف استاندارد، و جداول و نمودارهای مربوطه توصیف می‌شود. در بخش بعد، مفروضه‌های تحلیل واریانس بررسی می‌شود. مراحل انجام پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- انجام مطالعات اولیه پیرامون موضوع برندسازی شهری و ارتباط آن با مؤلفه‌های معماری
- ۲- مشخص کردن مؤلفه‌های برندسازی شهری و مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی شهری در تقابل با هم
- ۳- مشخص کردن دو شهر منتخب برای انجام نمونه موردی
- ۴- تدوین پرسشنامه برای انجام پژوهش در نمونه‌ها
- ۷- بررسی مقایسه‌ای معیارها در دو شهر یزد و رشت از طریق پرسشنامه
- ۹- بررسی و تحلیل اطلاعات به دست آمده در نرم افزار SPSS و معدل گیری امتیازهای معیارهای بررسی شده.
- ۱۰- جمع‌بندی کلی و نتیجه گیری

جدول ۵. فراوانی و فراوانی نسبی نحوه ایجاد تصویر ذهنی

رشت	یزد	نحوه ایجاد تصویر ذهنی
۸۴ (۶۵/۱)	۷۰ (۵۴/۳)	تجربه شهر و سفر

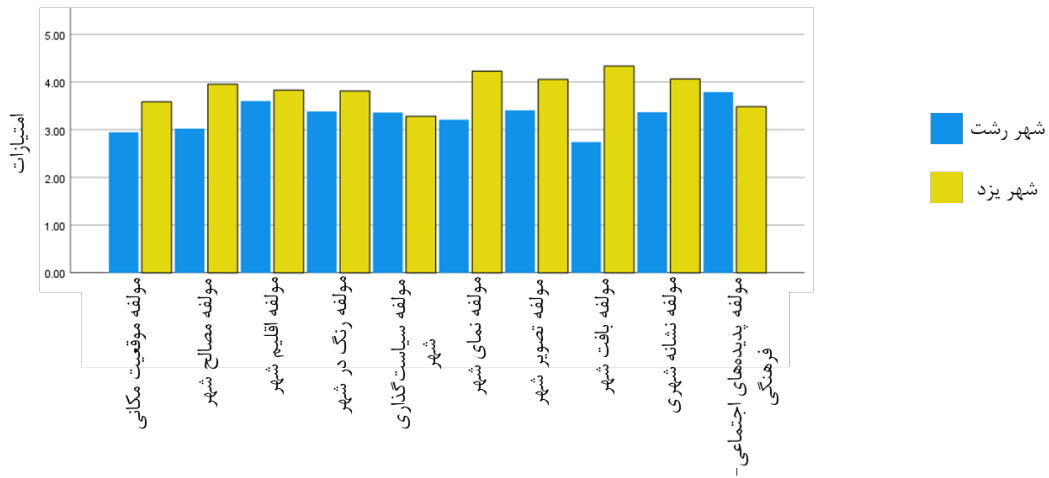
رشت	یزد	نحوه ایجاد تصویر ذهنی
۲۵ (۱۹/۴)	۳۲ (۲۴/۸)	تیلیغات و رسانه‌ها
۱۴ (۱۰/۹)	۲۰ (۱۵/۵)	شنیده‌ها
۶ (۴/۷)	۷ (۵/۴)	زندگی در شهر

یزد و رشت تفاوت معناداری وجود ندارد ($t_{(128)} = 0/609, P = 0/544$). بین میانگین اثرگذاری مؤلفه نمای شهر بر برندسازی شهری یزد و رشت تفاوت معناداری وجود دارد ($t_{(128)} = -7/20, P = 0/001$). به بیان دیگر، اثرگذاری مؤلفه نمای شهر بر برندسازی شهری یزد به طور معناداری از شهر رشت بیشتر بود. بین میانگین اثرگذاری مؤلفه تصویر شهر بر برندسازی شهری یزد و رشت تفاوت معناداری وجود دارد ($t_{(128)} = -5/15, P = 0/001$). به بیان دیگر، اثرگذاری مؤلفه تصویر شهر بر برندسازی شهری یزد به طور معناداری از شهر رشت بیشتر بود. بین میانگین اثرگذاری مؤلفه بافت کهن شهر بر برندسازی شهری یزد و رشت تفاوت معناداری وجود دارد ($t_{(128)} = -11/9, P = 0/001$). به بیان دیگر، اثرگذاری مؤلفه بافت کهن شهر بر برندسازی شهری یزد به طور معناداری از شهر رشت بیشتر بود. بین میانگین اثرگذاری مؤلفه نشانه‌های شهر یزد و رشت تفاوت معناداری وجود دارد ($t_{(128)} = -5/04, P = 0/001$). به بیان دیگر، اثرگذاری مؤلفه نشانه‌های شهر یزد بر برندسازی شهری یزد به طور معناداری از شهر رشت بیشتر بود. بین میانگین اثرگذاری پدیده‌های اجتماعی - فرهنگی بر برندسازی شهری یزد و رشت تفاوت معناداری وجود دارد ($t_{(128)} = 2/19, P = 0/030$). به بیان دیگر، میانگین اثرگذاری پدیده‌های اجتماعی - فرهنگی در شهر رشت به طور معناداری از یزد در برندسازی شهری بیشتر بود.

طبق هدف پژوهش که بررسی میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی شهری در دو شهر یزد و رشت است و همچنین، مقایسه تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌ها در دو شهر مورد بررسی، سنجش میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی شهری که در شکل ۱ توسط نگارندگان تعریف شده بود توسط آزمون t وابسته در نرم‌افزار SPSS انجام شد. جدول ۶ نشان داد با مقایسه میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی دو شهر مورد مطالعه (یزد و رشت)، بین میانگین اثرگذاری مؤلفه موقعیت مکانی بر برندسازی شهری یزد و رشت تفاوت معناداری وجود دارد ($t_{(128)} = -4/17, P = 0/000$). به بیان دیگر، اثرگذاری موقعیت مکانی بر برندسازی شهری یزد به طور معناداری از شهر رشت بیشتر بود. بین میانگین اثرگذاری مؤلفه مصالح بر برندسازی شهری یزد و رشت تفاوت معناداری وجود دارد ($t_{(128)} = -6/02, P = 0/001$). به بیان دیگر، اثرگذاری مؤلفه مصالح بر برندسازی شهری یزد به طور معناداری از شهر رشت بیشتر بود. بین میانگین اثرگذاری مؤلفه اقلیم بر برندسازی شهری یزد و رشت تفاوت معناداری وجود ندارد ($t_{(128)} = -1/54, P = 0/124$). بین میانگین اثرگذاری مؤلفه رنگ بر برندسازی شهری یزد و رشت تفاوت معناداری وجود دارد ($t_{(128)} = -2/78, P = 0/006$). به بیان دیگر، اثرگذاری مؤلفه رنگ بر برندسازی شهری یزد به طور معناداری از شهر رشت بیشتر بود. بین میانگین اثرگذاری مؤلفه سیاست بر برندسازی شهری

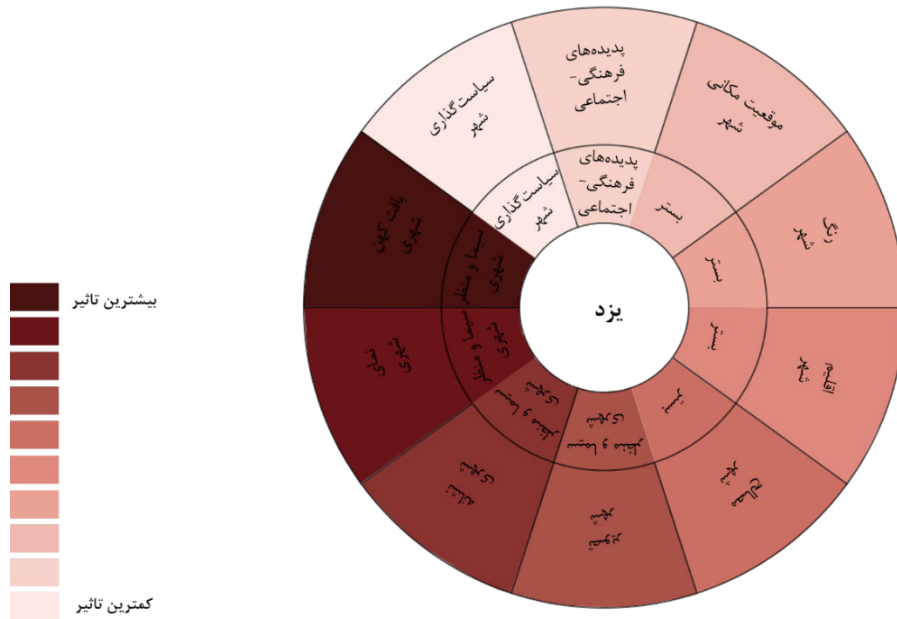
جدول ۶. نتایج آزمون t -وابسته

متغیر	شهر	میانگین (انحراف استاندارد)	t	df	P
موقعیت مکانی	رشت	۲/۹۴(۱/۳۴)	-۴/۱۷	۱۲۷	۰/۰۰۱
	یزد	۲/۵۸(۱/۳۸)			
مصالح	رشت	۳/۰۲(۱/۴۲)	-۶/۰۲	۱۲۸	۰/۰۰۱
	یزد	۳/۹۴(۱/۳۸)			
اقلیم	رشت	۳/۶۱(۱/۳۵)	-۱/۵۴	۱۲۸	۰/۱۲۴
	یزد	۲/۸۳(۱/۳۲)			
رنگ	رشت	۳/۲۷(۱/۳۴)	-۲/۷۸۲	۱۲۸	۰/۰۰۶
	یزد	۳/۸۲(۱/۲۲)			
سیاست	رشت	۳/۳۷(۱/۱۹)	۰/۶۰۹	۱۲۸	۰/۵۴۴
	یزد	۳/۲۸(۱/۲۶)			
نما	رشت	۳/۲۲(۱/۲۵)	-۷/۲۰	۱۲۸	۰/۰۰۱
	یزد	۴/۲۳(۱/۱۳)			
تصویر شهر	رشت	۳/۴۱(۱/۱۷)	-۵/۱۵	۱۲۸	۰/۰۰۱
	یزد	۴/۰۶(۱/۱۷)			
بافت	رشت	۲/۷۴(۱/۱۴)	-۱۱/۹	۱۲۸	۰/۰۰۱
	یزد	۴/۳۴(۱/۱۲)			
نشانه	رشت	۳/۳۶(۱/۱۹)	-۵/۰۴	۱۲۸	۰/۰۰۱
	یزد	۴/۰۷(۱/۲۱)			
پدیده‌های اجتماعی - فرهنگی	رشت	۳/۷۹(۱/۱۳)	۲/۱۹	۱۲۸	۰/۰۳۰
	یزد	۳/۴۹(۱/۱۹)			

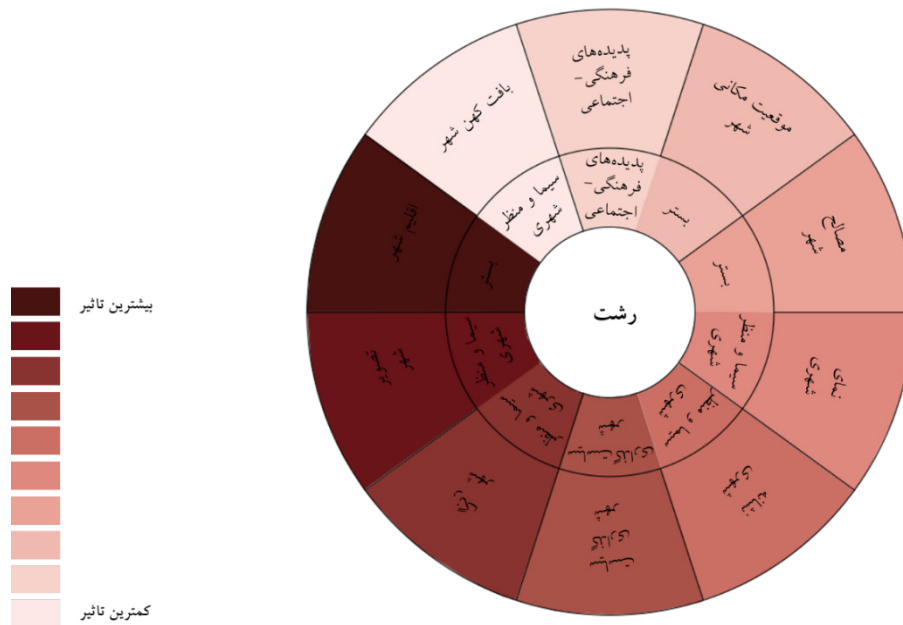


شکل ۲. نمودار مقایسه امتیازهای مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی شهری (شهر یزد و شهر رشت)

تحلیل یافته‌های پژوهش
رشت به صورت دیاگرام شکل ۳ (شهر یزد) و شکل ۴ (شهر رشت) به دست
طبق آنچه در یافته‌های پژوهش توسط نرم‌افزار SPSS به دست آمد، تحلیل
میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی شهری دو شهر یزد و



شکل ۳. میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی شهر یزد



شکل ۴. میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی شهر رشت

فرهنگی - اجتماعی پرداخته و این نتیجه به دست آمد که مؤلفه فرهنگی - اجتماعی در شهر رشت تأثیرگذارتر از شهر یزد است و این نشان می‌دهد تفاوت اقلیم، فرهنگ و مقیاس در دو شهر مورد بررسی بر میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی شهری دو شهر یزد و رشت مؤثر است. همچنین، فرضیه پژوهش یعنی تفاوت تأثیرگذاری عوامل و عناصر معماری در برندسازی هر شهر بسته به عواملی از جمله اقلیم شهر، فرهنگ شهر و مقیاس شهر اثبات می‌شود. نتایج این پژوهش با تحقیقات پیشین هم‌سو بوده و به ترسیم یک استراتژی مؤثر در برندسازی شهری کمک خواهد کرد.

■ بحث و نتیجه‌گیری

شهر به عنوان یک موجود زنده، فضایی امن و مناسب برای زندگی انسان‌ها به شمار می‌آید و درک ویژگی‌ها و مختصات آن از طریق تعاملات انسانی شکل می‌گیرد. این ارتباط عاطفی میان انسان‌ها و مکان‌ها، به‌وضوح در زندگی روزمره و سفرهای آنان مشهود است. در عصر حاضر، که تصاویر و تصورات نقش کلیدی دارند، برندسازی شهری به عنوان ابزاری مؤثر برای معرفی غنای معماری و ارتقای تاریخ، کیفیت مکان، فرهنگ و سبک زندگی افراد به شمار می‌آید.

برندسازی شهری نه تنها در توسعه سیاست‌ها و خط‌مشی‌های شهری نقش اساسی دارد، بلکه به عنوان محرکی برای توسعه اقتصادی و هویتی شهر عمل می‌کند. شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های معماری مؤثر بر برندسازی شهری، برای ارتقای کیفیت شهرها در زمینه‌های معماری، شهرسازی و اقتصاد حائز اهمیت است. این پژوهش به بررسی تأثیر مؤلفه‌های معماری در برندسازی شهری در دو شهر یزد و رشت پرداخته و نشان می‌دهد بافت کهن شهری، نمای شهری، نشانه‌های شهری و تصویر شهری از عوامل کلیدی در افزایش غنای معماری شهر در زمینه برندسازی هستند. نتایج نشان می‌دهد بافت کهن شهری در یزد به عنوان عامل اصلی تأثیرگذار شناخته شده و در رشت نیز بافت کهن شهری و نمای شهری از اهمیت بالایی برخوردارند، هرچند تأثیرگذاری این عوامل در یزد بیشتر از رشت است. این پژوهش همچنین به تحلیل سایر مؤلفه‌ها مانند مصالح، اقلیم، رنگ، موقعیت مکانی و پدیده‌های

■ مشارکت نویسندگان

سه‌م نویسنده‌گان در این مقاله یکسان بوده است.

■ تشکر و قدردانی

این مقاله حامی مالی و معنوی ندارد.

■ تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

- [1] Kavaratzis, M. (2005). Place Branding: A Review of Trends and Conceptual Models. *The Marketing Review*, 4, 329-342. DOI:[10.1362/146934705775186854](https://doi.org/10.1362/146934705775186854)
- [2] Boisen, M., Groote, P., Terlouw, K. et al. Patterns of place promotion, place marketing, and/or place branding in Dutch municipalities. *Place Brand Public Dipl* 14, 78–88 (2018). DOI:[10.1057/s41254-017-0083-5](https://doi.org/10.1057/s41254-017-0083-5).
- [3] Menin, S. (2003). Constructing place: Mind and matter. *Constructing Place: Mind and Matter*. 1-330. DOI:[10.4324/9780203561256](https://doi.org/10.4324/9780203561256).
- [4] Kavaratzis, M. From city marketing to city branding: Towards a theoretical framework for developing city brands. *Place Brand Public Dipl* 1, 58–73 (2004). DOI:[10.1057/palgrave.pb.5990005](https://doi.org/10.1057/palgrave.pb.5990005)
- [5] Harmaakorpi, Vesa & Kari, Kaarina & Parjanen, Satu. (2008). City Design Management as a Local Competitiveness Factor. *Place Branding and Public Diplomacy*. 4. 169-181. DOI:[10.1057/pb.2008.7](https://doi.org/10.1057/pb.2008.7).
- [6] Dinnie, K. (2011). Introduction to the Theory of City Branding. In: Dinnie, K. (eds) *City Branding*. Palgrave Macmillan, London DOI:[10.1057/9780230294790_1](https://doi.org/10.1057/9780230294790_1)
- [7] Ashworth, G.J. & Kavaratzis, Mihalis. (2009). Beyond the Logo: Brand Management for Cities. *The Journal of Brand Management*. 16. 520-531. DOI:[10.1057/palgrave.bm.2550133](https://doi.org/10.1057/palgrave.bm.2550133).
- [8] Dinnie, K. (2011). Introduction to the Theory of City Branding. In *City Branding*, Palgrave Macmillan: London, UK, 57-58. https://doi.org/10.1057/9780230294790_1
- [9] Fernández, D. B. (2014). The Relationship of City Branding and Tourist Promotion: The Case of Plymouth (UK) and Malaga (Spain), *Athens. Journal of Tourism*, Vol.1, No.3, pp.217-226. <https://doi.org/10.30958/ajt.1-3-4>.
- [10] Riza, Müge & Doratli, Naciye & Fasli, Mukaddes. (2012). City Branding and Identity. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 35. 293–300. DOI:[10.1016/j.sbspro.2012.02.091](https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.02.091)
- [11] Maryam Vahabian, Nowzar Ghanbari, Said Ali Nori, Bizhan Kalhorna, "Explain the Components of Urban Branding, Emphasizing the Dimensions of Tourism", *Shock and Vibration*, vol. 2021. <https://doi.org/10.1155/2021/9095302>. [In Persian]
- [12] Andrea Lucarelli, Place branding as urban policy: the (im)political place branding, *Cities*, Volume 80, 2018, Pages 12-21. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.08.004>
- [13] Shirvani Dastgerdi, Ahmadreza & De Luca, Giuseppe. (2019). Boosting City Image for Creation of a Certain City Brand. *Geographica Panonica*. 23. 23-31. DOI:[10.5937/gp23-20141](https://doi.org/10.5937/gp23-20141).
- [14] Jojic, Sonia. (2018). City Branding and the Tourist Gaze: City Branding for Tourism Development. *European Journal of Social Science Education and Research*. 5. 150-160. https://doi.org/10.1057/9780230294790_4
- [15] Reeman Mohammed Rehan, Urban branding as an effective sustainability tool in urban development, *HBRC Journal*, Volume 10, Issue 2, 2014, Pages 222-230. <https://doi.org/10.1016/j.hbrj.2013.11.007>
- [16] Fuqiang Tan, Jianfei Zhu, Yijun Zou, Jun Ye, Xi Li, Construction logic of ocean city branding: Based on cultural brand and cultural memory, *Ocean & Coastal Management*, Volume 244, 2023. <https://doi.org/10.1016/j.ocecoaman.2023.106808>
- [17] Assadollahzadeh, Tannaz & Mirmoini, Mehdi & Azimi, Salameh & Chokami, Mohammadreza. (2013). Examining the City Brand Theory and Presenting Some Solutions for Implementing of It in Iran. *Civil Engineering and Architecture*. 1. 120-124. DOI: [10.13189/cea.2013.010404](https://doi.org/10.13189/cea.2013.010404)
- [18] Ooi, Can-Seng. (2008). Reimagining Singapore as a creative nation: The politics of place branding. *Place Branding and Public Diplomacy*. <https://doi.org/10.1057/pb.2008.18>
- [19] Anholt, S. (2007). *Competitive identity: The new brand management for nations, cities and regions*. Basingstoke England: Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1057/9780230627727>
- [20] Feinberg, Barry & Zhao, Xiaoyan. (2011). *The Anholt—GfK Roper Nation Brands IndexSM: Navigating the Changing World*. https://doi.org/10.1057/9780230343320_6
- [21] Ashworth G and Kavaratzis M 2009 beyond the Logo: Brand Management for Cities. *Journal of Brand Management* 16(8): 520-31. <https://doi.org/10.1057/palgrave.bm.2550133>
- [22] Kavaratzis, Mihalis. (2009). Cities and their brands: Lessons from corporate branding. *Place Branding and Public Diplomacy*. 5. <https://doi.org/10.1057/pb.2008.3>
- [23] Bicakci, Banu. (2012). Branding the city through culture: Istanbul, European Capital of Culture 2010 1. *International Journal of Human Sciences*. 9. Retrieved from <https://j-humansciences.com/ojs/index.php/IJHS/article/view/2065>
- [24] Guzijan, Jasna. (2018). BUILDING HERITAGE AS AN IMPORTANT FACTOR OF CITY BRANDING. *САВРЕМЕНА ТЕОРИЈА И ПРАКСА У ГРАДИТЕЉСТВУ*. 13. DOI:[10.7251/STP1813313G](https://doi.org/10.7251/STP1813313G).
- [25] Winfield J 2005 *The Branding of Cities: Exploring City Branding and the Importance of Brand Image*, Master Thesis, Graduate School of Syracuse University, USA
- [26] Riza M D and Fasli M 2012 City Branding and Identity. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 35: 293-300, <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.02.091>
- [27] Paliaga M, Franjić Z and Strunje Ž 2010 Methodology of Valuation of Cities' Brands, *Economic research – Ekonomska istraživanja*, 23(2):102-12. <https://doi.org/10.1080/1331677X.2010.11517415>.
- [28] Vanolo A 2008 The Image of The Creative City: Some Reflections on Urban Branding In *Turin.Cities*, 25(6): 370-82, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2008.08.001>
- [29] Sevin E H 2014 Understanding Cities Through City Brands: City Branding as A Social and Semantic Network. *Cities*. (38): 47-56, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2014.01.003>
- [30] Nagaynay C and Lee J 2020 Place Branding and Urban Regeneration as Dialectical Processes in Local Development Planning: A Case Study on the Western Visayas, Philippines. *Sustainability*. MDPI, Open Access Journal, 12(1): 1-2. <https://doi.org/10.3390/su12010369>
- [31] Dragicevic M S and Mihaljinac N 2016 From City Identity to City Branding: Artistic Initiatives or Top-Down Urban Regeneration In book: *The Role of Cultural Institutions and Events in the Marketing of Cities and Regions*, Łódź University Press, pp93-103, DOI:[10.18778/8088-149-5.05](https://doi.org/10.18778/8088-149-5.05).
- [32] Middleton A C 2011 City Branding and Inward Investment, In: Dinnie K. (eds) *City Branding*. Palgrave Macmillan, London, p.15-26, https://doi.org/10.1057/9780230294790_3
- [33] Nursanty E 2019 Smart City Branding: Gazing and Sensing Place, *Vietnam Journal of Construction* 3: 75-79.
- [34] Hammouda K N 2019 Heritage as a Key Element of Cities and Destinations Branding, *The Academic Research Community Publication*, (IEREK press), p.32. <https://doi.org/10.21625/archive.v3i4.536>
- [35] Al-Hinkawi, Wahda & Zedan, Shireen. (2021). Branding for cities: the case study of Baghdad. *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science*, DOI:[10.1088/1755-1315/779/1/012037](https://doi.org/10.1088/1755-1315/779/1/012037)

Findings

In the last 20 years, the Tehran metropolitan region has been affected by the driving force of population growth and the increase in the rate of urbanization, and as a result, the increase in human activities, rapid economic growth and development. The process of land use transfer in the Tehran metropolitan region is first a decreasing trend for agricultural lands, forests and pastures and an increasing trend for built-up lands and water areas. The decreasing trend of farmlands in the centre and northeast of the region, the decreasing trend of pastures in the western and southern half of the region, and the decreasing trend of forests in the southeast of the region, which is to transfer from agricultural lands, forests, and pastures to built-up lands. In relation to the intensity of transfer, it can be said that in most regions, it has shown a long-term and active trend that in most cities, the intensity of transfer from agricultural lands, forests, and pastures to built-up lands is active, and only in Fardis, Varamin, Ray cities., Taleghan, Islamshahr, Damavand, Pardis and Shemiranat, transmission intensity is active in agricultural lands. Investigations also showed that active areas with an increase in pastures were observed in the cities of Fardis, Varamin, Islamshahr, and Ray. Spatial changes in population density have had the most positive effect on land use transition in the Tehran metropolitan region. Another influential variable is the slope of the region, which is considered a key inhibiting factor of natural factors. In the central, northwest, and southeast regions, which have a suitable slope in the Tehran metropolitan region, it significantly impacts land use transfer.

Conclusion

From the results of the investigation of the characteristics of land use transition in the Tehran metropolitan region, it was found that the morphology of land use in the Tehran metropolitan region has undergone changes and transformations during the 20-year period, which is the phenomenon of the transfer of agricultural land, pasture and forest to built-up land. It has been formed, which can be considered as a result of incorrect land use policies and planning at multiple levels, which have not been able to balance supply and demand. The process of land use transfer in the Tehran metropolitan region was such that the Tehran metropolitan region witnessed quantitative and structural changes and the distribution of agricultural uses, pastures, forests, and built and barren lands in space. This region has faced a decreasing trend of agricultural land, pasture and forest and an increasing trend of built-up land, including urban and industrial land, which is caused by the increase in demand. In the Tehran metropolitan region, it has been for the transfer of agricultural land, pasture, and

forest to built and barren land if the relationship between the transfer of agricultural land, pasture and forest in the Tehran metropolitan region in the period is built and barren of a two-way and positive relationship.

Finally, the factors and driving forces of land use transfer in the Tehran metropolitan region were analyzed using the logistic regression model, ordinary least squares, and geographic weighted regression. In the logistic model, among the ten independent variables, distance from rural centres with an impact factor of 4.207, distance from built-up land with an impact factor of 1.205, slope with an impact factor of -3.001, and GDP with an impact factor of 9175 0/ has had the greatest impact on the transfer of land use in the Tehran metropolitan region. In the ordinary least squares model, population density as a social factor in the Tehran metropolitan region has a direct and strong relationship with land use transition. After that, the slope and height as factors and natural driving forces have a strong but negative relationship with land use transfer in the Tehran metropolitan region. By implementing the geographically weighted regression model, population density variables, distance from built-up land, distance from rural centres and the slope of the area have had more power in transferring land use in the Tehran metropolitan region.

In general, to solve the problems in land use transfer, land policies should be changed from the quantitative dimension to the qualitative dimension, and the government should take this issue more seriously to protect natural resources and valuable lands. In addition, more attention should be paid to public interests, and a transparent system of land use information and public policy monitoring should be implemented. Also, in order to reduce the excessive transfer of agricultural land to urban and industrial built land, a balance should be created between ecological land and agricultural land with built land, and space allocation should be done optimally. Besides this, it is possible to promote modern agriculture and endogenous development and increase the efficiency of agricultural production. Finally, through stabilisation, exploitation, restoration, modification and protection of agricultural lands, forests and pastures, necessary action should be taken to integrate all types of land use in the Tehran metropolitan region.

In response to the negative effects of land use transfer in the Tehran metropolitan region on rural economic development, additional job opportunities and livelihood support activities can be created to minimise dependence on natural resources. Through rural land use planning and advanced technologies, mass economic production can be formed to prevent the transfer and crushing of agricultural lands, reduce the pressure on the land, and improve the efficiency of lands and natural resources.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Zabihi M. S. Dadashpour H. Investigating the Trend, Direction, and Factors Affecting Land Use Transition in the Tehran Metropolitan Region. *Urban Economics and Planning* Vol 5(2):180-201. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.421982.1420



Investigating the Trend, Direction, and Factors Affecting Land Use Transition in the Tehran Metropolitan Region

Original Article

Mahshid Sadat Zabihi¹, Hashem Dadashpoor^{2*}

1- Master's student, Department of Urban and Regional Planning, Faculty of Arts and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

2- Professor, Department of Urban and Regional Planning, Faculty of Arts and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2023-10-30

Revised: 2024-08-21

Accepted: 2024-08-21

Keywords

Land Use

Land Use Transition

Land Use Morphology

Tehran Metropolitan Region

ABSTRACT

Introduction

Land use transition means changes in land use morphologies, including the dominant and dominant morphology of a specific region, during a certain period of time due to socio-economic developments. It is a process in which different land use types are spatially involved, and a complex interaction is formed between natural factors and socio-economic development. Multi-level governments are trying to change the morphology of land use. It has reduced emerging contradictions and conflicts, mainly caused by changes in the supply and demand of different types of land use, so that they are responsive to various human activities. The main purpose of this research is to investigate the process, trend and direction of land use transfer in the Tehran metropolitan region. The current research seeks to identify the driving forces of land use transfer in the Tehran metropolitan region and the effect of factors on long-term changes in the structure and performance of land use in the Tehran metropolitan region.

Materials and Methods

Based on the objectives of the research, the current research has a descriptive-analytical nature. The applied paradigm is a quantitative paradigm. Due to the use of numerical data, statistical analysis, dependent and independent variables, and the dependence of research on inductive logic in order to identify, describe and explain land use transition, a quantitative paradigm has been used.

In terms of the time frame, the research is a longitudinal study because it examines land use in two-time frames: the present and the past. The method of collecting data required for this research is library and document study. In order to collect the data needed to investigate the amount of land use transition and the variables affecting land use transition in the Tehran metropolitan region, the data from the statistics centre, the documents, and satellite images were used. In order to investigate the trend and direction of land use transfer, the land use transfer matrix was used, extracted with TerrSet software, and the desired maps were prepared using GIS software. In order to identify the factors affecting land use transition in this area, geographic weighted regression (GWR), ordinary least squares (OLS), and logistic regression models were used in GIS and TerrSet software environments.

* Corresponding author: h-dadashpoor@modares.ac.ir

بررسی روند، جهت و عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان شهری تهران

مقاله پژوهشی

مهشید سادات ذبیحی^۱؛ هاشم داداشپور^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی منطقه‌ای، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
 ۲- استاد، گروه برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

مقدمه

انتقال کاربری زمین به معنای تغییرات در مورفولوژی‌های کاربری اراضی، از جمله مورفولوژی غالب و مورفولوژی مغلوب یک منطقه خاص، طی یک دوره زمانی معین ناشی از تحولات اقتصادی - اجتماعی است. در واقع، فرایندی است که انواع مختلف کاربری زمین به صورت فضایی با هم درگیر می‌شوند و بین عوامل طبیعی و توسعه اجتماعی - اقتصادی، تعامل پیچیده‌ای شکل می‌گیرد و دولت‌های چندسطحی سعی می‌کنند با تغییر مورفولوژی کاربری زمین، تضادهای و تعارضات نوظهور که عمدتاً ناشی از تغییر عرضه و تقاضای انواع کاربری زمین است را کاهش دهند تا به فعالیت‌های مختلف انسانی پاسخگو باشند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی فرایند، روند و جهت انتقال کاربری زمین در منطقه کلان شهری تهران است. تحقیق حاضر به دنبال شناسایی نیروهای محرک انتقال کاربری زمین در منطقه کلان شهری تهران و میزان اثرگذاری عوامل بر تغییرات طولانی مدت در ساختار و عملکرد کاربری زمین در منطقه کلان شهری تهران است.

مواد و روش‌ها

براساس اهداف پژوهش، تحقیق حاضر ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد. پارادایم به کار گرفته شده کمی‌گرا است. به دلیل استفاده از داده‌های عددی، تحلیل‌های آماری، به کارگیری متغیرهای وابسته و مستقل و وابستگی تحقیق به منطق استقرایی در جهت شناسایی، توصیف و تبیین انتقال کاربری زمین، از پارادایم کمی‌گرا استفاده شده است. از نظر بازه زمانی، پژوهش از نوع مطالعات طولی است، چراکه کاربری زمین را در دو بازه زمانی حال و گذشته بررسی کرده است. روش جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز تحقیق حاضر، کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد است. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز برای بررسی میزان انتقال کاربری زمین و متغیرهای تأثیرگذار بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان شهری تهران از داده‌های مرکز آمار، اسناد فرادست و تصاویر ماهواره‌ای استفاده شده است. برای بررسی روند و جهت انتقال کاربری زمین از ماتریس انتقال کاربری زمین بهره گرفته شد که با نرم‌افزار TerrSet نقشه انواع انتقال استخراج و از طریق نرم‌افزار GIS نقشه‌های مورد نظر تهیه شد. در راستای شناسایی عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین در این منطقه از مدل‌سازی رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی (GWR)، حداقل مربعات معمولی (OLS)، مدل رگرسیون لجستیک در محیط نرم‌افزارهای GIS و TerrSet استفاده شد.

یافته‌ها

طی ۲۰ سال اخیر، منطقه کلان شهری تهران تحت تأثیر نیروی محرکه رشد جمعیت و افزایش نرخ شهرنشینی و به تبع آن، افزایش فعالیت‌های انسانی، رشد و توسعه سریع اقتصادی قرار گرفته است. فرایندی که انتقال کاربری زمین در منطقه کلان شهری تهران طی کرده است ابتدا روندی کاهشی

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۳۱
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱

کلمات کلیدی

انتقال کاربری زمین
 کاربری زمین
 منطقه کلان شهری تهران
 مورفولوژی کاربری زمین

کلان‌شهری تهران را با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک و حداقل مربعات معمولی و رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی پرداخته شد. در مدل لجستیک از میان ۱۰ متغیر مستقل به ترتیب فاصله از مراکز روستایی با ضریب تأثیر ۰/۴/۲۰۷، فاصله از زمین‌های ساخته‌شده با ضریب تأثیر ۱/۲۰۵، شیب با ضریب تأثیر ۳/۰۰۱- و تولید ناخالص داخلی با ضریب تأثیر ۰/۹۱۷۵- بیشترین تأثیر را بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران داشته‌اند. در مدل حداقل مربعات معمولی تراکم جمعیتی به عنوان یک عامل اجتماعی در منطقه کلان‌شهری تهران دارای ارتباطی مستقیم و قوی با انتقال کاربری زمین است. پس از آن، شیب و ارتفاع به عنوان عوامل و نیروهای محرکه طبیعی دارای ارتباطی قوی، اما منفی با انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران دارند. با پیاده‌سازی مدل رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی متغیرهای تراکم جمعیت، فاصله از زمین‌های ساخته‌شده، فاصله از مراکز روستایی و شیب منطقه قدرت بیشتری در انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران داشته است.

در مجموع، برای حل معضلات موجود در حوزه انتقال کاربری زمین باید سیاست‌های زمین از بعد کمی به بعد کیفی تغییر کند و دولت این موضوع را بیش از پیش جدی بگیرد تا از منابع طبیعی و زمین‌های باارزش حفاظت شود. علاوه بر این، باید به منافع عمومی توجه بیشتری شود و یک سیستم شفاف اطلاعات کاربری زمین و نظارت عمومی بر سیاست‌گذاری‌ها تعبیه شود. همچنین، برای کاهش بیش از حد انتقال زمین‌های کشاورزی به زمین‌های ساخته‌شده شهری و صنعتی باید بین زمین‌های اکولوژیکی و زمین‌های زراعی با زمین‌های ساخته‌شده، تناسب ایجاد شود و تخصیص فضا به صورت بهینه صورت پذیرد. در کنار این، می‌توان به ترویج کشاورزی مدرن، توسعه درون‌زا و افزایش کارایی تولید کشاورزی مبادرت کرد. در نهایت از طریق تثبیت، بهره‌برداری، احیا، اصلاح و حفاظت از زمین‌های کشاورزی، جنگل و مراتع، به یکپارچه‌سازی انواع کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران اقدام لازم انجام گیرد.

در پاسخ به اثرات منفی انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران بر توسعه اقتصادی روستایی، می‌توان فرصت‌های شغلی اضافی و فعالیت‌های حمایتی معیشتی ایجاد کرد تا وابستگی به منابع طبیعی به حداقل برسد. می‌توان از طریق برنامه‌ریزی کاربری اراضی روستایی و فناوری‌های پیشرفته، تولید اقتصادی انبوهی را شکل داد تا از انتقال زمین‌های کشاورزی و خرید کردن این اراضی جلوگیری کرد و فشار حاکم بر زمین را کاهش داد و کارایی زمین‌ها و منابع طبیعی را بهبود بخشید.

برای اراضی کشاورزی، جنگل و مرتع و روندی افزایشی برای زمین‌های ساخته‌شده و پهنه‌های آبی است. روند کاهش اراضی کشاورزی در مرکز و شمال شرقی منطقه، روند کاهش مراتع در نیمه غربی و جنوب منطقه و روند کاهش جنگل در جنوب شرقی منطقه است که جهت انتقال از اراضی کشاورزی، جنگل و مرتع به زمین‌های ساخته‌شده است. در ارتباط با شدت انتقال می‌توان گفت که در بیشتر نواحی روندی طولانی‌مدت و فعال را نشان داده که در بیشتر شهرستان‌ها شدت انتقال از اراضی کشاورزی، جنگل و مرتع به اراضی ساخته‌شده فعال است و تنها در شهرستان‌های فردیس، ورامین، ری، طالقان، اسلامشهر، دماوند، پردیس و شمیرانات شدت انتقال در اراضی کشاورزی فعال است. همچنین، بررسی‌ها نشان داد مناطق فعال در افزایش مراتع در شهرستان‌های فردیس، ورامین، اسلامشهر و ری مشاهده شده است. تغییرات فضایی تراکم جمعیت، بیشترین اثر مثبت را بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران داشته است. متغیر تأثیرگذار دیگر، شیب منطقه است که به عنوان عامل کلیدی و بازدارنده از عوامل طبیعی محسوب می‌شود و در نواحی مرکزی، شمال غربی و جنوب شرقی که شیب مناسبی در منطقه کلان‌شهری تهران دارد تأثیر بیشتری بر انتقال کاربری زمین گذاشته است.

نتیجه‌گیری

از نتایج بررسی ویژگی‌های انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران چنین حاصل شد که مورفولوژی کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران دچار تغییر و تحولاتی طی دوره ۲۰ساله شده است که پدیده انتقال زمین‌های کشاورزی، مرتع و جنگل به زمین‌های ساخته‌شده شکل گرفته است که می‌توان آن را ناشی از سیاست‌ها و برنامه‌ریزی نادرست کاربری زمین در سطوح چندگانه دانست که نتوانسته‌اند میان عرضه و تقاضا تعادل برقرار سازند. فرایندی که انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران طی کرده است به این صورت بوده که منطقه کلان‌شهری تهران شاهد تغییرات کمی، تحولات ساختاری و نحوه پراکنش کاربری‌های کشاورزی، مراتع، جنگل و زمین‌های ساخته‌شده و بایر در فضا بوده است. این منطقه با روند کاهش زمین‌های کشاورزی، مرتع و جنگل و روند افزایشی زمین‌های ساخته‌شده اعم از زمین‌های شهری و صنعتی مواجه شده که ناشی از افزایش تقاضا است. در منطقه کلان‌شهری تهران برای انتقال از زمین‌های کشاورزی، مرتع و جنگل به زمین‌های ساخته‌شده و بایر بوده است، به گونه‌ای که رابطه میان انتقال زمین‌های کشاورزی، مرتع و جنگل در منطقه کلان‌شهری تهران در بازه زمانی با انتقال زمین‌های ساخته‌شده و بایر از نوع رابطه دوسویه و مثبت است.

در نهایت، عوامل و نیروهای محرکه انتقال کاربری زمین در منطقه

مقدمه

برای برنامه‌ریزی کاربری زمین منطقه‌ای، حفاظت از محیط زیست منطقه‌ای، کاهش تغییرات آب‌وهوای جهانی و راهبردهای احیای پوشش گیاهی، اهمیت زیادی دارد (۱۴، ۱۵).

همراه با رشد نرخ شهرنشینی در منطقه کلان‌شهری تهران و به تبع آن افزایش فعالیت‌های انسانی، صنعتی شدن و رشد سریع اقتصادی، همچنین جایگاه سیاسی منطقه کلان‌شهری تهران، کاربری زمین منطقه را با چالش‌های متعددی نظیر روند کاهش اراضی کشاورزی، جنگل و مراتع، و افزایش زمین شهری و صنعتی روبه‌رو ساخته است. علاوه بر این، موارد استفاده ناپایدار از منابع تجدیدناپذیر و مداخله شدید بشر، آسیب‌های جدی بر محیط زیست وارد ساخته است. گسترش زمین‌های شهری و صنعتی در منطقه کلان‌شهری تهران همراه با رشد بی‌نظم و بی‌قواره آن باعث آلودگی محیط زیست، استفاده ناکارآمد از زمین و بی‌عدالتی‌های فضایی شده است. همواره با تحولات اقتصادی - اجتماعی مشکلات مربوط به زمین به عنوان یک منبع تجدیدناپذیر در منطقه کلان‌شهری تهران فزونی یافته است. مشکلاتی از قبیل گسترش زمین ساخته‌شده و افزایش مهاجرت و در پی آن، افزایش تقاضا، نابودی اراضی کشاورزی و زمین‌های مسکونی روستایی، کاهش جنگل و مراتع، آلودگی آب و خاک و استفاده ناکارآمد و غیرمنطقی از زمین شده است که باعث تغییرات کوتاه‌مدت و بلندمدت بر کاربری زمین منطقه می‌شود. انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران به عنوان فرایندی طولانی‌مدت، باعث تغییراتی در مورفولوژی کاربری زمین شده است که می‌تواند به محیط زیست آسیب برساند. از طرفی، با آگاهی و دانش از این موضوع می‌توان از چنین پیامدهای ناگواری جلوگیری کرد که از منظر برنامه‌ریزی محلی، منطقه‌ای و ملی حائز اهمیت است.

با دانستن این موضوع، امروزه تحولات چشم‌گیری در فرایند انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران و پیامدهای ناشی از این‌گونه تغییرات را شاهد هستیم. تحولات گذشته و چالش‌های کاربری زمین، موجب شده نوعی ناپایداری در ابعاد مختلف زیست‌محیطی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی و کالبدی - فضایی در مناطق کلان‌شهری تهران حاکم شود. در واقع، عوامل مهمی از جمله تغییرات الگوی کاربری زمین و چگونگی تعاملات بین عوامل اقتصادی - اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاست‌گذاری‌ها بر انتقال کاربری زمین منطقه کلان‌شهری تهران تأثیر گذاشته است که به بررسی بیشتری احتیاج دارد. منطقه کلان‌شهری تهران طی دو دهه گذشته رشد جمعیتی چشمگیری داشته که عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متنوعی بر آن تأثیر گذاشته است. عواملی همچون افزایش مهاجرت‌های دائمی و موقتی، اشتغال، درآمد، سبک زندگی، میزان امکانات و خدمات، موقعیت جغرافیایی و جایگاه سیاسی کلان‌شهر تهران در این رشد دخیل بوده‌اند. نرخ شهرنشینی منطقه کلان‌شهری تهران از ۹۰/۷۶ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۹۳/۱۸ درصد در سال ۱۳۹۵ تغییر یافته است که به تبع آن، این منطقه شاهد افزایش زمین‌های ساخته‌شده و کاهش زمین‌های کشاورزی، مراتع و زمین‌های بایر شده و انتقال کاربری زمین کشاورزی، مرتع و زمین‌های بایر اتفاق افتاده است. مساحت زمین‌های ساخته‌شده در سال ۱۳۷۵ برابر ۵/۷۲ درصد بوده و به ۸/۴۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. طی این بازه زمانی ۲۰ ساله تراکم جمعیتی از ۵/۵ درصد به ۸/۳ درصد افزایش یافته و به میزان بهره‌برداری از زمین افزوده شده است. همچنین، زمین‌های کشاورزی، جنگل و مرتع همواره در حال کاهش و انتقال به دیگر کاربری‌ها بوده است. تغییر و تحولات میان عرضه و تقاضا در منطقه کلان‌شهری تهران موجب تحولات ساختاری و عملکردی کاربری زمین شده است.

از این‌رو، هدف اصلی این پژوهش بررسی فرایند، روند و جهت انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران است. تحقیق حاضر به دنبال شناسایی نیروهای محرک انتقال کاربری زمین منطقه کلان‌شهری تهران و میزان اثرگذاری عوامل بر تغییرات طولانی‌مدت در ساختار و عملکرد کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران است.

زمین منابع اساسی را در اختیار جامعه قرار می‌دهد و تغییرات آن عواقب زیادی بر محیط زیست و رفاه انسان می‌گذارد. گذشته، حال و آینده کاربری زمین، محتوای اصلی علم کاربری زمین است که تحت تأثیر تغییرات طولانی‌مدت انسانی است (۱۱). از قرن بیستم، توسعه اجتماعی - اقتصادی بشر تأثیرات گسترده‌ای بر ساختار و عملکرد سیستم کاربری زمین گذاشته است (۴). همچنین، با افزایش فعالیت‌های بشری تغییرات چشمگیری در جنبه‌ها و الگوهای استفاده از زمین در مقیاس‌های مختلف پدید آمده که باعث انتقال کاربری زمین شده است (۳، ۲). بنابراین، انتقال کاربری زمین یک موضوع کلیدی و مهم در مطالعه تغییرات کاربری/پوشش زمین است (۴).

رشد جمعیت و شهرنشینی و در پی آن افزایش فعالیت‌های انسانی در دهه‌های اخیر موجب استفاده ناکارآمد و ناپایدار از منابع محیط زیست، کاهش سریع ذخایر طبیعی زمین، کاهش و تغییر تنوع زیستی و همچنین، کاهش خدمات اکوسیستم و منافع آن‌ها بر جامعه شده است (۵). توسعه سریع علم و فناوری، رشد مداوم جمعیت و فعالیت‌های انسانی، جهانی شدن، توسعه سریع شهرنشینی در جهان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و تحولات اجتماعی - اقتصادی، تأثیرات گسترده‌ای بر سیستم سطح زمین از طریق تغییرات کاربری زمین و پوشش زمین گذاشته است (۶).

گرینگر در سال ۱۹۹۵ مفهوم انتقال کاربری زمین را ارائه داد و مطرح کرد که با توجه به تغییرات زمانی و تحولات اجتماعی - اقتصادی، مورفولوژی کاربری زمین دچار تغییر و تحول می‌شود و انتقال کاربری زمین صورت می‌گیرد (۸، ۷). لانگ و لی استدلال کردند انتقال کاربری زمین به معنای تغییرات در مورفولوژی‌های کاربری اراضی، از جمله مورفولوژی غالب و مورفولوژی مغلوب یک منطقه خاص، طی یک دوره زمانی معین ناشی از تحولات اقتصادی - اجتماعی است. به طور کلی، انتقال کاربری زمین از طریق اقدامات اقتصادی، مهندسی زمین، سیاست‌گذاری و نهادهای مدیریت زمین انجام می‌گیرد و می‌تواند در تنظیم اقدامات لازم برای زمین از طریق بازخورد اجتماعی - زیست‌محیطی نقش داشته باشد. بنابراین، سیاست‌گذاران باید با در نظر گرفتن تغییرات مورفولوژی کاربری زمین و مراحل مختلف انتقال کاربری اراضی، سیاست‌های مدیریت زمین خود را هماهنگ و برنامه‌ریزی کنند (۹). انتقال کاربری زمین فرایندی است که انواع مختلف کاربری زمین به صورت فضایی با هم درگیر می‌شوند و بین عوامل طبیعی و توسعه اجتماعی - اقتصادی، تعامل پیچیده‌ای شکل می‌گیرد و دولت‌های چندسطحی سعی می‌کنند با تغییر مورفولوژی کاربری زمین، تضادها و تعارض‌های نوظهور که عمدتاً ناشی از تغییر عرضه و تقاضای انواع کاربری زمین است را کاهش داد تا به فعالیت‌های مختلف انسانی پاسخ‌گو باشند (۱۱، ۱۰).

با توسعه علم زمین و گسترش مطالعات، کاربری زمین با مفهوم جدیدی به نام انتقال کاربری زمین (Land use transition) مواجه است. انتقال کاربری زمین، موضوعی جدید و هم‌مرز با مطالعات تغییر کاربری/پوشش زمین است که طی ۳۰ سال اخیر مورد توجه بسیاری از کشورهای در حال توسعه که شهرنشینی سریع را تجربه می‌کنند، قرار گرفته و برای برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران در حوزه کاربری زمین حائز اهمیت است. انتقال کاربری زمین به موضوعی کلیدی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی تبدیل شده است. طبق مطالعات انجام‌شده توسط نویسندگان انتقال کاربری زمین را می‌توان تجلی تغییر کاربری و پوشش زمین دانست که تحقیقات اصلی پروژه جهانی زمین (Global Land Project) و علم سیستم زمین بر آن متمرکز شده است. فعالیت‌های انسان محور تأثیر گسترده‌ای بر ساختار و عملکرد سیستم کاربری زمین دارد و پیامدهای آن نیز به همان اندازه بر رفاه انسان تأثیر می‌گذارد (۱۲). در بیشتر موارد، انتقال کاربری زمین یک فرایند تصادفی است (۱۳). از این‌رو، با شناسایی عوامل محرک انتقال کاربری زمین، می‌توان میان کمیت و کیفیت منابع زمین منطقه‌ای هماهنگی ایجاد کرد. برای برقراری تعادل

پیشینه تحقیق

زمین‌های زراعی تمرکز داشته است و به نحوه استفاده از زمین‌های قابل کشت در استان‌های مختلف در سراسر چین می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد مقدار کل و مقدار در واحد سطح ورودی و خروجی در زمین‌های زراعی در چین، روندهای مکانی - زمانی متفاوتی را همراه با توزیع فضایی ناموزون ارائه کرده است. این مطالعه بر الگوهای متنوع انتقال کاربری زمین در استان‌های مختلف چین تأکید می‌کند که نیاز به افزایش سرمایه‌گذاری فنی، بهبود راهبردهای کاشت محصول و مدیریت بهتر روابط بین مردم و زمین دارد.

با گسترش مسائل مربوط به انتقال کاربری زمین، متون نظری و تجربی در این زمینه طی ۳۰ سال پیشرفت چشم‌گیری داشته و به یک موضوع جهانی تبدیل شده است. با این وجود، این موضوع در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اثرات زیست‌محیطی ناشی از انتقال کاربری زمین، افزایش تعارض‌ها بین سکونتگاه‌ها، مسائل اکولوژیکی و پراکنده‌روی، رشد جمعیت کاهش تنوع زیستی، فرسایش خاک و مشکلات سیل، تخریب زمین و بهره‌برداری بیش از حد از اراضی کشاورزی در مناطق روستایی، کاهش خدمات اکوسیستم، رشد بی‌قواره و بی‌نظم شهری در دوره انتقال کاربری زمین، باعث شده که پرداختن به این موضوع و شناسایی عوامل کلیدی در فرایند انتقال کاربری زمین منطقه کلان‌شهری تهران برای شکل‌گیری الگوهای پایدار استفاده از زمین در منطقه کلان‌شهری تهران از اهمیت زیادی برخوردار شود. از این رو، فهم این موضوع برای تصمیم‌گیرندگان در برنامه‌ریزی کاربری زمین کمک می‌کند و نقش کلیدی برای هماهنگی اهداف توسعه اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی منطقه‌ای دارد.

مبانی نظری

برای نخستین بار ربرت والکر [۴۴] انتقال جنگل را در سال ۱۹۸۷ مطرح کرد و پس از آن ماتر [۴۵] انتقال جنگل را حاصل روند کاهش - افزایش مساحت اراضی جنگلی تعریف کرد. پس از این دو، گرینگر تعریف متفاوت و کامل‌تر از انتقال کاربری زمین را ارائه داد که به مطالعه تغییرات محیطی و جهانی اختصاص دارد. گرینگر براساس نظریه انتقال جنگل، انتقال کاربری زمین را از منظر مورفولوژی کاربری ملی زمین توضیح داد. وی مطرح کرد که با توجه به تغییرات زمانی و تحولات اجتماعی - اقتصادی، مورفولوژی کاربری زمین دچار تغییر و تحول می‌شود و انتقال کاربری زمین صورت می‌گیرد. او معتقد است که تولید غذا و گسترش فضای زندگی اغلب باعث جنگل‌زدایی می‌شود. به خصوص در کشورهایی که جنگل‌ها بیشترین مساحت را در مقایسه با سایر کاربری‌ها تشکیل می‌دهند. در واقع، میزان کاهش جنگل‌ها یک شاخص کلیدی است که انتقال کاربری زمین را نشان می‌دهد. انتقال کاربری زمین تغییراتی در مورفولوژی کاربری زمین ایجاد می‌کند که به تحول در الگوی کلی پوشش زمین در یک منطقه منجر می‌شود. الگوی انتقال کاربری ملی زمین ایجاد شده توسط گرینگر نه تنها روند تغییر مساحت زمین را نشان می‌دهد، بلکه دارای ویژگی‌های زیر است: ۱. پیوستگی جغرافیایی. به این معنا که انتقال کاربری زمین، زنجیره‌ای متشکل از تحولات انواع کاربری زمین و پوشش گیاهی طبیعی در یک منطقه است؛ ۲. پویایی. نتیجه تعامل و تغییرات مداوم بین جامعه انسانی و محیط طبیعی است؛ ۳. حد و حدود مشخص. در یک مرز جغرافیایی مشخص، یعنی در داخل یک کشور شکل می‌گیرد (۷ و ۸).

لامبین و میفروید [۶] با انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «انتقال کاربری زمین: بازخورد اجتماعی - اکولوژیکی در مقابل توسعه اجتماعی - اقتصادی» اظهار داشتند که انتقال کاربری ملی زمین می‌تواند ناشی از بازخورد اجتماعی - زیست‌محیطی و پویایی‌های اقتصادی - اجتماعی باشد که یک فرایند پیچیده را توصیف می‌کند و با تغییرات اجتماعی و بیوفیزیکی همراه است. حیطه عمل تحقیقات، بیشتر به مفاهیم انتقال کاربری زمین، مدل‌های نظری، روش‌های اندازه‌گیری، سازوکارها و نیروهای محرک و اثرات زیست‌محیطی انتقال کاربری زمین اشاره شده است. تحقیقات انجام گرفته در این بازه زمانی به تغییر و تحولات مورفولوژی کاربری زمین، رها شدن اراضی کشاورزی، تخریب

تحقیقات در مورد انتقال کاربری زمین به مطالعه علم تغییر زمین [۶]، توسعه روش‌های تجزیه و تحلیل و فناوری [۱۶]، سازوکارها و نیروهای محرک پویا [۱۸، ۱۷]، اثرات زیست‌محیطی [۲۰، ۱۹]، رابطه بین انتقال کاربری زمین و توسعه اجتماعی و اقتصادی [۲۱، ۱۶]، انتقال اراضی کشاورزی و زمین‌های مسکونی روستایی [۲۴، ۲۳، ۲۲]، انتقال زمین ساخته شده [۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵]، انتقال کاربری زمین منطقه‌ای [۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸]، چارچوب نظری و فرضیه‌های انتقال کاربری زمین [۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱]، انتقال اراضی کشاورزی و تأثیرات آن بر تولیدات [۳۷]، انتقال کاربری زمین و مدیریت زمین [۱۱]، انتقال زمین مسکونی و ادغام زمین [۳۳]، انتقال زمین‌های روستا شهری و توسعه یکپارچه شهری [۳۹، ۳۸] پرداخته شده است.

لی و همکاران [۴۰] به بررسی همبستگی میان انتقال کاربری زمین منطقه‌ای و اثرات اکولوژیکی آن در مناطق کوهستانی کارست پرداختند. این مطالعه نشان داد با انتقال کاربری زمین در منطقه، مساحت اراضی زراعی کاهش یافته و اراضی جنگلی افزایش یافته است. همچنین، الگوهای کاربری زمین از کشاورزی سنتی به جنگل‌داری اقتصادی و نوین تغییر کرده است. نیروهای محرک انتقال کاربری زمین در منطقه را می‌توان به سه عامل خلاصه کرد: عوامل اجتماعی - اقتصادی، طبیعی و سیاسی، که در میان آن‌ها به ترتیب عوامل طبیعی، عوامل اجتماعی - اقتصادی و عوامل سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای در فرایند انتقال کاربری زمین در منطقه داشته است.

لیو و همکاران [۴۱] به بررسی انتقال فضایی - عملکردی اراضی کشاورزی و بررسی مورفولوژی غالب و مغلوب پرداختند. مورفولوژی غالب از نظر مساحت و الگوی منظر و مورفولوژی مغلوب با تمرکز بر عملکرد در این کار در نظر گرفته شد. نتایج پژوهش یاد شده نشان می‌دهد اجرای پروژه‌های یکپارچه‌سازی اراضی باعث افزایش مساحت و تجمع زمین‌های کشاورزی می‌شود، در حالی که شهرنشینی و راه‌سازی، زمین‌های کشاورزی را اشغال و خرد کرده و به کاهش سطوح اراضی کشاورزی و پراکندگی اراضی منجر شده است. در واقع، شهرنشینی باعث افزایش تقاضای محصولات کشاورزی در مقیاس بزرگ شده است و تأثیر مثبتی بر تولید محصول و عملکرد زیست‌محیطی زمین‌های کشاورزی دارد. این تحقیق پیشنهاد کرد که دولت باید سیاست‌های کارآمدی را برای مهار اشغال زمین‌های کشاورزی برای استفاده شهری و ترافیکی تدوین کند.

ژو و همکاران [۴۲] مقاله‌ای تحت عنوان «انتقال کاربری زمین و نیروهای محرک آن در پلاتاؤ لوس چین» منتشر کردند که از طریق ماتریس انتقال کاربری زمین و مدل ژئودکتور به بررسی الگوهای مکانی - زمانی و نیروهای محرک انتقال کاربری زمین طی بازه زمانی ده‌ساله پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که شهرستان پو (PU)، یک فرایند شدید انتقال کاربری زمین را تجربه کرده و بیش از ۸۰ درصد از اراضی زراعی و علفزار به اراضی جنگل انتقال یافته و بیش از ۹۰ درصد از گسترش زمین‌های ساخته شده از اشغال اراضی جنگلی، اراضی زراعی و علفزار حاصل شده است. نیروهای محرک و شدت انتقال کاربری زمین در منطقه یاد شده به نوع کاربری بستگی دارد. عوامل متعددی مانند شرایط طبیعی، توسعه اجتماعی - اقتصادی و سیاست‌ها به طور مشترک باعث انتقال سریع کاربری زمین در منطقه شده است. در این مطالعه فاصله روستا تا شهرستان به عنوان عامل محرک اصلی برای تبدیل از زمین زراعی و جنگلی به زمین‌های ساخته شده شهری و صنعتی شناخته شده است. همچنین، مطالعه یاد شده نشان داد رشد جمعیت باعث تبدیل انواع کاربری زمین به زمین زراعی شد. به طور کلی، انتقال کاربری اراضی در شهرستان پو نتیجه تأثیرات جامع شرایط طبیعی، موقعیت‌های جغرافیایی، سطوح اجتماعی اقتصادی و سیستم‌های مدیریت زمین بوده است.

لو و همکاران [۴۳] به تجزیه و تحلیل سازوکار انتقال مغلوب در ۳۱ استان در چین پرداخته‌اند. آن‌ها بیان می‌کنند که در روند شهرنشینی سریع در چین، دسترسی و کیفیت منابع زمین قابل کشت در دو جنبه کمی و کیفی با چالش‌هایی مواجه است. این مطالعه به بررسی رابطه بین ورودی و خروجی در

مراعات، اثرات زیست‌محیطی و سایر عوامل بر مدیریت کاربری زمین و توسعه پایدار منطقه‌ای متمرکز هستند. فرایند انتقال کاربری زمین نتیجه تعامل پیچیده بین عوامل طبیعی و توسعه اجتماعی - اقتصادی است [۱۱]. به طور کلی، ماهیت انتقال کاربری زمین، فرایندی است که طی آن انواع کاربری زمین منافع بخش‌های مختلف و تعارض‌ها را در فضا نشان می‌دهد و سپس، این تعارض‌ها از طریق تغییر الگوی استفاده از زمین در زمان کاهش می‌یابد [۴۷، ۴۶]. همچنین، لانگ [۴۸] فرایند انتقال کاربری زمین را روند تغییرات طولانی‌مدت در مورفولوژی کاربری زمین منطقه‌ای می‌داند. او مطرح می‌کند که تغییرات اساسی و چرخه‌ای مورفولوژی کاربری زمین یا تغییر جهت آن، بیانگر تحولات کاربری زمین در یک دوره خاص است که تعارض‌هایی را در مورفولوژی کاربری زمین ایجاد می‌کند و پس از آن، روند جدید انتقال کاربری زمین منطقه‌ای آغاز می‌شود. به طور کلی و براساس آنچه در پیشینه‌ها مطالعه شد، انتقال کاربری زمین فرایندی مستمر و طولانی‌مدت است که در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی تحت تأثیر عواملی همچون عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل محیطی، عوامل سیاسی و مدیریتی و عوامل فناوری و نوآوری رخ می‌دهد. تغییر و تحولات در هر یک از این عوامل اثرگذار، باعث تشدید انتقال کاربری زمین نیز می‌شود. همان‌طور که لانگ و لی [۹] انتقال کاربری زمین را تغییرات در مورفولوژی (مورفولوژی غالب و مغلوب) کاربری اراضی در یک منطقه خاص ناشی از تحولات اجتماعی - اقتصادی و تغییر ساختار و عملکرد مورفولوژی کاربری زمین تعریف می‌کنند که فرایندی پیچیده را تحت تأثیر عوامل برون‌زا و درون‌زا طی می‌کند.

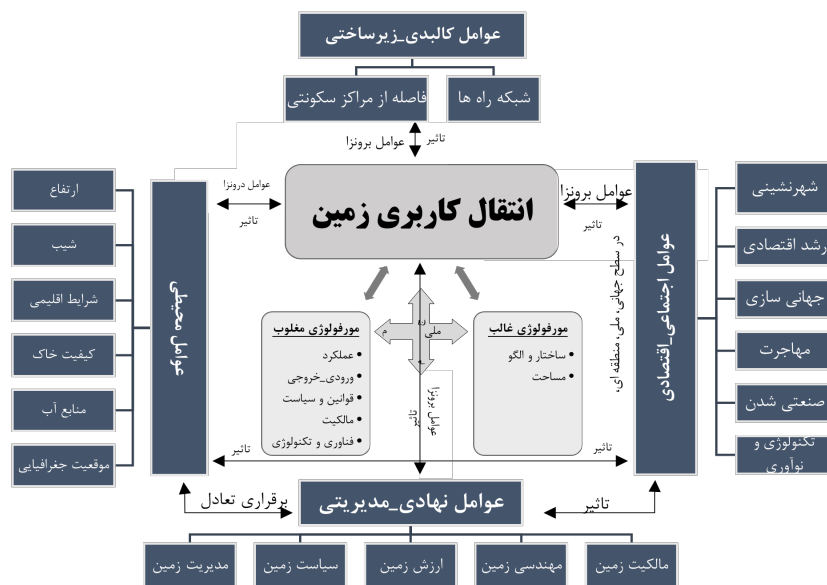
در مراحل مختلف توسعه اجتماعی - اقتصادی، مورفولوژی کاربری زمین تحت تأثیر عوامل بسیاری از جمله افزایش جمعیت، مهاجرت، وضعیت اقتصادی، صنعتی شدن، جهانی‌سازی و فناوری و نوآوری قرار می‌گیرد که باعث انتقال کاربری زمین می‌شود. با افزایش جمعیت، رشد نرخ شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر، تقاضا را برای زمین افزایش داده و باعث تغییر و تحولات ساختاری در مورفولوژی کاربری زمین می‌شود. همچنین، با افزایش و کاهش انواع کاربری زمین و تغییر در الگوی چشم‌انداز زمین، انتقال کاربری زمین اتفاق می‌افتد. اکنون با رشد روزافزون جمعیت، نرخ شهرنشینی و وجود امکانات در مراکز شهری و مهاجرت، مناطق کلان‌شهری با مسئله افزایش زمین‌های ساخته‌شده از جمله زمین‌های شهری، زمین‌های صنعتی، شهرک‌های مسکونی و صنعتی روبه‌رو است. علاوه بر این، با کاهش

مراعات، اثرات زیست‌محیطی و سایر عوامل بر مدیریت کاربری زمین و توسعه پایدار منطقه‌ای متمرکز هستند.

فرایند انتقال کاربری زمین نتیجه تعامل پیچیده بین عوامل طبیعی و توسعه اجتماعی - اقتصادی است [۱۱]. به طور کلی، ماهیت انتقال کاربری زمین، فرایندی است که طی آن انواع کاربری زمین منافع بخش‌های مختلف و تعارض‌ها را در فضا نشان می‌دهد و سپس، این تعارض‌ها از طریق تغییر الگوی استفاده از زمین در زمان کاهش می‌یابد [۴۷، ۴۶]. همچنین، لانگ [۴۸] فرایند انتقال کاربری زمین را روند تغییرات طولانی‌مدت در مورفولوژی کاربری زمین منطقه‌ای می‌داند. او مطرح می‌کند که تغییرات اساسی و چرخه‌ای مورفولوژی کاربری زمین یا تغییر جهت آن، بیانگر تحولات کاربری زمین در یک دوره خاص است که تعارض‌هایی را در مورفولوژی کاربری زمین ایجاد می‌کند و پس از آن، روند جدید انتقال کاربری زمین منطقه‌ای آغاز می‌شود.

به طور کلی و براساس آنچه در پیشینه‌ها مطالعه شد، انتقال کاربری زمین فرایندی مستمر و طولانی‌مدت است که در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی تحت تأثیر عواملی همچون عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل محیطی، عوامل سیاسی و مدیریتی و عوامل فناوری و نوآوری رخ می‌دهد. تغییر و تحولات در هر یک از این عوامل اثرگذار، باعث تشدید انتقال کاربری زمین نیز می‌شود. همان‌طور که لانگ و لی [۹] انتقال کاربری زمین را تغییرات در مورفولوژی (مورفولوژی غالب و مغلوب) کاربری اراضی در یک منطقه خاص ناشی از تحولات اجتماعی - اقتصادی و تغییر ساختار و عملکرد مورفولوژی کاربری زمین تعریف می‌کنند که فرایندی پیچیده را تحت تأثیر عوامل برون‌زا و درون‌زا طی می‌کند.

در مراحل مختلف توسعه اجتماعی - اقتصادی، مورفولوژی کاربری زمین تحت تأثیر عوامل بسیاری از جمله افزایش جمعیت، مهاجرت، وضعیت اقتصادی، صنعتی شدن، جهانی‌سازی و فناوری و نوآوری قرار می‌گیرد که باعث انتقال کاربری زمین می‌شود. با افزایش جمعیت، رشد نرخ شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر، تقاضا را برای زمین افزایش داده و باعث تغییر و تحولات ساختاری در مورفولوژی کاربری زمین می‌شود. همچنین، با افزایش و کاهش انواع کاربری زمین و تغییر در الگوی چشم‌انداز زمین، انتقال کاربری زمین اتفاق می‌افتد. اکنون با رشد روزافزون جمعیت، نرخ شهرنشینی و وجود امکانات در مراکز شهری و مهاجرت، مناطق کلان‌شهری با مسئله افزایش زمین‌های ساخته‌شده از جمله زمین‌های شهری، زمین‌های صنعتی، شهرک‌های مسکونی و صنعتی روبه‌رو است. علاوه بر این، با کاهش



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

مواد و روش‌ها

کلان‌شهری تهران است که بین دو سال ۱۳۷۵ و ۱۳۹۵ در نظر گرفته شد. با توجه به اینکه متغیر وابسته در رگرسیون لجستیک در نرم‌افزار TerrSet باید به صورت دو کلاس ۰ و ۱ بوده و باینری است. در مکان‌هایی که انتقال کاربری زمین طی دو دهه اخیر رخ داده به کلاس ۱ و مکان‌هایی که انتقال کاربری زمین رخ نداده، به کلاس صفر اختصاص داده شده است.

متغیرهای مستقل منتخب مورد استفاده در این پژوهش شامل شیب، ارتفاع، نرخ شهرنشینی، تراکم جمعیتی، تولید ناخالص داخلی، فاصله از مراکز روستایی و شهری، فاصله از زمین‌های ساخته‌شده، فاصله از رودخانه و فاصله از راه‌های اصلی است که به عنوان عوامل طبیعی، اجتماعی-اقتصادی و زیرساختی مؤثر بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران در نظر گرفته شده است. متغیرهای مستقل و وابسته را وارد محیط نرم‌افزار TerrSet کرده، سپس از ابزار GIS Analysis، منوی Statistics، زیر منوی LOGISTICREG را انتخاب کرده، پس از آن در پنجره باز شده متغیرهای شیب، ارتفاع، نرخ شهرنشینی، تراکم جمعیتی، تولید ناخالص داخلی، فاصله از مراکز روستایی و شهری، فاصله از زمین‌های ساخته‌شده، فاصله از رودخانه و فاصله از راه‌های اصلی را به عنوان متغیرهای مستقل و انتقال کاربری زمین به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود. مدل رگرسیون لجستیک برای بررسی عوامل تأثیرگذار بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران به صورت زیر فرمول‌بندی شد:

$$\text{logit}(\text{re_id_edit_transition}) = -3/9749 - 1/225\text{E-}05 * \text{id_dis_river} + 1/205 * \text{id_dis_sakhtesh} + 0/467\text{E-}05 * \text{id_dis_road} + 4/207 * \text{id_dis_village} + 1/007\text{E-}03 * \text{id_dis_city} - 2/6 * \text{id_elevation} - 3/0010 * \text{id_slope} - 0/0016 * \text{id_nerkh_shahr} + 0/9175 * \text{id_gdp} + 0/0155 * \text{id_den_jamiat}$$

مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی شاخص‌هایی را ارائه می‌دهد که به وسیله آن می‌توان رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته را تجزیه و تحلیل کرد. نتیجه حاصل از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی، که از بررسی روابط ۱۰ متغیر مستقل که شامل شیب، ارتفاع، نرخ شهرنشینی، تراکم جمعیتی، تولید ناخالص داخلی، فاصله از مراکز روستایی و شهری، فاصله از زمین‌های ساخته‌شده، فاصله از رودخانه و فاصله از راه‌های اصلی است با متغیر وابسته که انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران، در دو دهه اخیر است، به این صورت بوده است که تراکم جمعیتی به عنوان یک عامل اجتماعی در منطقه کلان‌شهری تهران دارای ارتباطی مستقیم و قوی با انتقال کاربری زمین است. پس از آن، شیب و ارتفاع به عنوان عوامل و نیروهای محرکه طبیعی دارای ارتباطی قوی اما منفی با انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران دارند و با افزایش ارتفاع و شیب در شمال منطقه میزان انتقال کاربری زمین کاهش یافته است.

برای بررسی معنادار بودن ضریب متغیر مستقل از نظر آماری از شاخص دیگری به نام Probability استفاده شد؛ که هر چه مقدار این شاخص کوچک‌تر و کمتر از ۰/۰۱ باشد، نشان از معناداری ضریب متغیر مستقل است و متغیر مستقل به عنوان یک متغیر مؤثر در پیش‌بینی متغیر وابسته خواهد بود و ارتباط بین متغیر مستقل و متغیر وابسته یک ارتباط معنادار است. شاخص دیگر پارامتر VIF (Variance Inflation Factor) است که باید برای هر یک از متغیرهای مستقل اندازه آن کمتر از ۷/۵ باشد تا بتوان متغیر مستقل را به عنوان عاملی مؤثر بر تغییرات متغیر وابسته دانست که این شاخص برای هر ۱۰ متغیر مستقل کمتر از ۷/۵ است.

تراکم جمعیتی، نرخ شهرنشینی، تولید ناخالص داخلی، فاصله از روستا، فاصله از زمین‌های ساخته‌شده، فاصله از رودخانه و فاصله از مراکز شهری به عنوان عوامل تأثیرگذار با شیب مثبت شناسایی شده‌اند. همچنین شیب، ارتفاع و فاصله از جاده با شیب منفی جزء عواملی شناسایی شده‌اند که رابطه میان آن‌ها منفی است. همچنین، بزرگی هر یک از مقادیر متغیرها نشان‌دهنده

براساس سؤال‌ها و اهداف پژوهش، تحقیق حاضر ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد. پارادایم به کار گرفته شده پارادایم کمی‌گرا است. به دلیل استفاده از داده‌های عددی، تحلیل‌های آماری، به کارگیری متغیرهای وابسته و مستقل و وابستگی تحقیق به منطق استقرایی در جهت شناسایی، توصیف و تبیین انتقال کاربری زمین، از پارادایم کمی‌گرا استفاده شده است.

از نظر بازه زمانی، پژوهش از نوع مطالعات طولی است، چراکه کاربری زمین را در دو بازه زمانی حال و گذشته بررسی کرده است. همچنین، با مقایسه کاربری زمین در سه مقطع زمانی ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ و مشاهده نوع تغییرات طی دوره دهه‌ساله، عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین در یک دوره ۲۰ ساله مورد بررسی قرار گرفته است. روش انتخاب منبع داده‌ها به صورت مطالعات موردی انجام گرفته که مناسب پژوهش حاضر است.

روش جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز تحقیق حاضر، کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد است. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز جهت بررسی میزان انتقال کاربری زمین و متغیرهای تأثیرگذار بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران از داده‌های مرکز آمار، اسناد فرادست و تصاویر ماهواره‌ای استفاده شده است. داده‌های مورد استفاده در پژوهش از نوع دست اول و دوم است. داده‌های دست اول به تهیه نقشه کاربری زمین و تغییرات آن با استفاده از تصاویر سنجنده ETM و سنجنده OLI ماهواره لندست پرداخته است که از تصاویر چندزمانه استفاده شده و پس از تصحیح هندسی، اتمسفری و پیش‌پردازش‌های اولیه، با استفاده از نرم‌افزار TerrSet، ENVI و GIS نقشه‌های مورد نیاز استخراج شده است. داده‌های دست دوم نیز به گزارش‌های مرتبط موجود در سامانه مرکز آمار برمی‌گردد. منابع داده‌های مورد استفاده در تحقیق حاضر ترکیبی از محیط تصنعی است که از روی نقشه‌ها، طرح‌ها و اسناد ملی و منطقه‌ای موجود قابل مشاهده است. همچنین منابع داده‌ها، محصولات و مصنوعات اجتماعی است که مربوط به پیشینه منطقه مورد نظر است.

برای بررسی فرایند انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران سه مرحله مد نظر است:

۱. تغییرات کمی انواع کاربری زمین: تغییرات کمی از طریق شاخص تغییر مساحت و انواع مختلف کاربری زمین در سه بازه زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۵-۱۳۹۵ بررسی شد. همچنین، با استفاده از شاخص نرخ تغییر و نقشه‌های کاربری زمین، تغییرات کمی انواع کاربری زمین محاسبه شده و در انتها نوع داده‌ها به صورت عددی و در غالب نقشه توصیف شده است.

۲. تغییرات در نوع انتقال کاربری زمین: با استفاده از مدل‌سازی کاربری زمین در نرم‌افزار TerrSet، نوع و میزان انتقال کاربری زمین، طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵ و ۱۳۹۵-۱۳۸۵ مورد سنجش قرار گرفته است.

۳. بررسی ویژگی انتقال فضایی کاربری زمین: در این مرحله توزیع فضایی انتقال و تغییرات صورت گرفته مورد بررسی و از طریق نقشه‌های تولیدشده در نرم‌افزار TerrSet و GIS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

برای بررسی روند و جهت انتقال کاربری زمین از ماتریس انتقال کاربری زمین بهره گرفته شد که با نرم‌افزار TerrSet نقشه انواع انتقال استخراج و از طریق نرم‌افزار GIS نقشه‌های مورد نظر تهیه شد. عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین شامل عوامل اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و زیرساختی است. با توجه به مقیاس محدوده مطالعاتی منطقه کلان‌شهری تهران و داده‌های در دسترس، شاخص‌ها انتخاب شدند. در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، از طریق روش‌های تحلیل آماری و مدل‌های اقتصادسنجی فضایی، عوامل تأثیرگذار بر انتقال کاربری زمین منطقه‌ای بررسی شد. برای بررسی عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران، نیاز به مدل‌سازی روابط مکانی میان عوامل مؤثر و انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران است که از سه مدل‌سازی حداقل مربعات معمولی، رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی و مدل لجستیک استفاده شد و ابزار مورد نیاز برای این مدل‌سازی نرم‌افزارهای GIS، TerrSet است و دقت هر یک با یکدیگر مقایسه شد.

متغیر وابسته مورد استفاده در این پژوهش، انتقال کاربری زمین در منطقه

از متغیرهای مستقل در آن مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج چنین حاصل شد که متغیرهای تراکم جمعیت، فاصله از زمین‌های ساخته‌شده، فاصله از مراکز روستایی و شیب منطقه قدرت بیشتری در انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران داشته است.

شناخت محدوده

منطقه کلان‌شهری تهران (شکل ۲) در محدوده جغرافیایی ۳۵ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و بین ۵۱ درجه و ۱۰ دقیقه تا ۵۳ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است. منطقه کلان‌شهری تهران به لحاظ تقسیمات سیاسی شامل دو استان تهران و البرز است. از حیث جغرافیایی این منطقه در همسایگی استان مازندران از شمال، قم از جنوب شرقی، سمنان از سمت شرق، استان مرکزی از سمت جنوب غربی، قزوین از غرب است. این منطقه براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیتی نزدیک به ۱۶ میلیون نفر و مساحت ۱۸/۸۰۰ کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد. قرارگیری ۱۹ درصد از جمعیت کشور در این منطقه نشان از تمرکز جمعیتی نسبتاً بالای این منطقه نسبت به سایر مناطق کشور است. منطقه کلان‌شهری تهران، براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ شامل ۲ استان، ۲۲ شهرستان، ۵۹ شهر و ۹۷ دهستان است که ۱/۱۴ درصد از کل مساحت کشور را به خود اختصاص داده است (برنامه آمایش استان، ۱۳۹۷).

ابتدا با بهره‌گیری از داده‌های سنجنش از دور که شامل تصاویر ماهواره‌ای چندزمانه Landsat، سنجنده‌های ETM+، TM و OLI مربوط به سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ از سایت سازمان زمین‌شناسی آمریکا اخذ شد. سپس، برای آماده‌سازی تصاویر ماهواره‌ای جهت پردازش عملیات تصحیح هندسی، تصحیح رادیومتریک و تصحیح اتمسفری روی تصاویر ماهواره‌ای انجام شد. پس از آن، به طبقه‌بندی تصاویر و تهیه نقشه‌های کاربری زمین پرداخته شد. کاربری زمین را در ۶ نوع کاربری زمین کشاورزی، جنگل، مراتع، پهنه‌های آبی، اراضی ساخته‌شده و اراضی بایر دسته‌بندی شد. مطابق جدول ۱ زمین‌های کشاورزی، جنگل و مراتع همواره در بازه زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۵ کاهش یافته و اراضی ساخته‌شده در این بازه همواره در حال افزایش بوده است. زمین‌های بایر طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ روند افزایشی و سپس در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵ روندی کاهشی داشته است.

رابطه قوی با انتقال کاربری زمین است که در این پژوهش تراکم جمعیتی رابطه مثبت و قوی، شیب و ارتفاع رابطه منفی و قوی‌ای با انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران دارد.

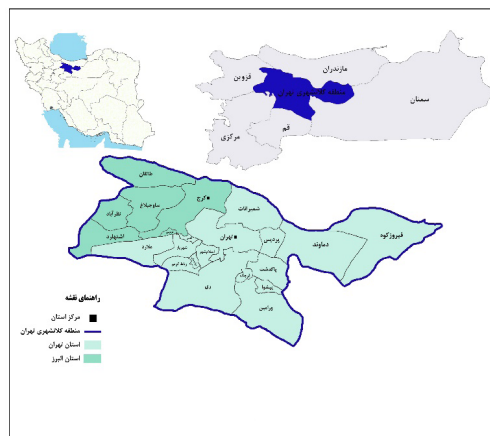
در راستای بررسی عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران با استفاده از رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی (GWR) مانند رگرسیون حداقل مربعات معمولی از نرم‌افزار ARC GIS استفاده شد. پس از اجرای رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی روی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته مدل، خروجی‌های متفاوتی حاصل شد که یکی از خروجی‌ها مربوط به اطلاعات عمومی مربوط به مدل رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی است.

پارامتر ResidualSquares مجموع مجذورهای باقی‌مانده در مدل است. هر چه مقادیر آن کوچک‌تر باشد، برازش مدل رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی به داده‌های مشاهده‌شده نزدیک‌تر است که در این پژوهش متغیرهای تراکم جمعیت به عنوان عوامل اجتماعی، فاصله از زمین‌های ساخته‌شده و فاصله از مراکز روستایی به عنوان عوامل زیرساختی و شیب به عنوان یک عامل طبیعی مهم دارای کمترین مقدار ResidualSquares هستند که برازش بهتری نسبت به دیگر متغیرها دارند. پارامتر ResidualSquares برای کل متغیرها برابر ۸/۴۴ است که نشان می‌دهد این مدل به خوبی اجرا شده است.

پارامتر دیگر Sigma است که برابر با جذر مجموع باقی‌مانده مربعات نرمال‌شده است، که در آن مجموع مربعات باقی‌مانده بر درجات آزادی مؤثر باقی‌مانده تقسیم می‌شود. این انحراف استاندارد تخمین زده‌شده برای باقی‌مانده‌ها است که مقادیر کوچک‌تر این آمار نشان از بهتر بودن آن است که برای کل مدل برابر ۱/۵۲ است که مقدار مطلوبی است.

مدل رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی دو آماره R^2 و Adjusted R^2 را هم ارائه می‌دهد که هر چه این مقادیر به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد، مدل اجراشده از برازش و دقت بالایی برخوردار است. در واقع، به این معناست که متغیرهای مستقل به خوبی توانسته‌اند تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند که برای این پژوهش، مقادیر دو آماره R^2 و Adjusted R^2 به ترتیب برابر ۰/۸۱ و ۰/۸۰ است. در مجموع، ۸۱ درصد از انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران ناشی از تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و زیرساختی در این منطقه است.

مدل یادشده گزارشی را ارائه می‌دهد که در آن ضریب رگرسیون برای هر یک



شکل ۲. موقعیت منطقه کلان‌شهری تهران

جدول ۱. مساحت کاربری زمین منطقه کلان‌شهری تهران در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵

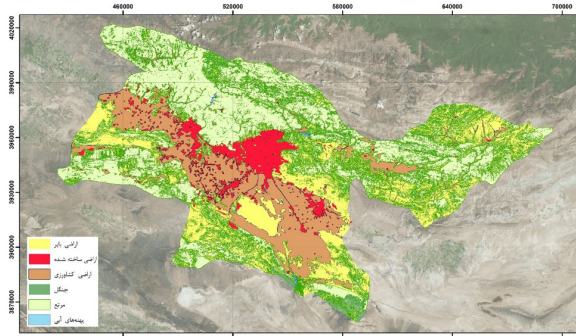
کاربری زمین	مساحت در سال ۱۳۷۵ (هکتار)	درصد	مساحت در سال ۱۳۸۵ (هکتار)	درصد	مساحت در سال ۱۳۹۵ (هکتار)	درصد
زمین کشاورزی	۸۴/۳۶۰۱۸۱	۱۵/۱۹	۸۸/۳۷۷۹۴	۰۲/۱۹	۸۸/۳۳۰۹۵۴	۵۹/۱۷

کاربری زمین	مساحت در سال ۱۳۷۵ (هکتار)	درصد	مساحت در سال ۱۳۸۵ (هکتار)	درصد	مساحت در سال ۱۳۹۵ (هکتار)	درصد
جنگل	۹۰/۴۳۸۵۵	۳۳/۲	۸۳/۳۳۶۴۰	۷۹/۱	۲۱/۳۷۱۹۶	۴۵/۱
مراتع	۵۶/۱۰۲۰۲۹۴	۲۳/۵۴	۰۰/۹۳۸۸۸۴	۹۱/۴۹	۹۴/۹۳۸۵۹۴	۸۹/۴۹
پهنه‌های آبی	۹۰/۱۳۳۰	۰/۷۰	۷۳/۱۲۱۹	۰/۶۰	۶۲/۳۰۱۲	۱۶/۰
اراضی ساخته شده	۹۱/۱۰۷۵۶۴	۷۲/۵	۸۵/۱۱۰۸۱۹	۸۹/۵	۹۲/۱۵۸۷۱۹	۴۴/۸
زمین بایر	۵۹/۳۴۸۱۵۲	۵۱/۱۸	۴۷/۴۳۸۹۳۲	۳۳/۲۳	۸۸/۴۲۲۸۱۴	۴۷/۲۲

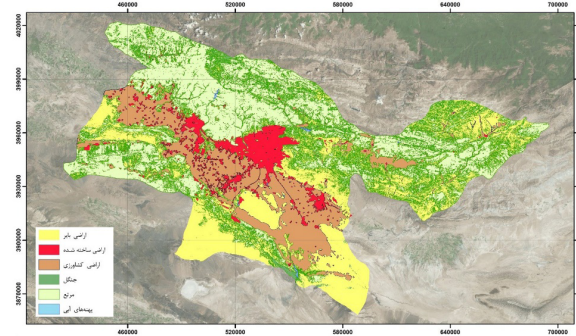
می‌شوند. متعلقه کلان‌شهری تهران در دهه‌های اخیر شاهد تغییرات گسترده و چشم‌گیر کاربری زمین شده است. همان‌طور که در شکل ۳ مشاهده می‌شود، کاربری زمین در سه بازه زمانی ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ دچار تغییرات شده، به گونه‌ای که منطقه کلان‌شهری تهران با گسترش اراضی ساخته شده و کاهش اراضی کشاورزی، جنگل و مراتع مواجه است.

تداخل و ارتباطات موجود بین کاربری‌های مختلف و توزیع فضایی آن‌ها نسبت به یکدیگر از اهمیت زیادی برخوردار است. تعارض‌ها میان انواع مختلف کاربری زمین باعث تشدید انتقال کاربری می‌شود. کاربری‌های انسان‌ساخت مانند سکونتگاه‌ها به دلیل حمایت‌های انسان و گاه منفعت‌طلبی‌های رایج، روندی رو به توسعه بی‌رویه و تخریبی را نشان می‌دهند. در نتیجه، به دلیل غفلت از فواید و نقش‌های حیاتی کاربری‌ها و پوشش‌های مبتنی بر تولید گیاهی و حفاظت از کاربری‌ها اولین قربانیان زیاده‌طلبی‌های انسانی محسوب

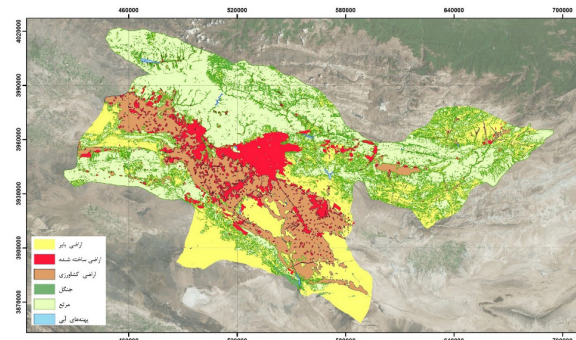
کاربری زمین در منطقه کلانشهری تهران سال ۱۳۷۵



کاربری زمین در منطقه کلانشهری تهران سال ۱۳۸۵



کاربری زمین در منطقه کلانشهری تهران سال ۱۳۹۵



شکل ۳. کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران

یافته‌های تحقیق

این مقاله با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS و چارچوب مفهومی موجود، انتقال سه نوع کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران براساس داده‌های تصویری Landsat TM برای سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵ را بررسی کرده است.

تغییرات کمی و ساختاری انواع اصلی کاربری زمین

میزان تغییرات کاربری زمین در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ و ۱۳۸۵-۱۳۹۵ در جدول

جدول ۲. نرخ تغییرات انواع اصلی کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران

کاربری زمین	مساحت ۱۳۷۵ (هکتار)	مساحت ۱۳۸۵ (هکتار)	مساحت ۱۳۹۵ (هکتار)	نرخ تغییرات ۱۳۷۵-۱۳۸۵	نرخ تغییرات ۱۳۸۵-۱۳۹۵	نرخ تغییرات ۱۳۷۵-۱۳۹۵
کشاورزی	۸۴/۳۶۰۱۸۱	۸۷/۳۵۷۷۹۴	۸۸/۳۳۰۹۵۴	۶۶/۰-	۵۰/۷-	۱۱/۸-
جنگل	۹۰/۴۲۸۵۵	۸۳/۳۳۶۴۰	۲۱/۲۷۱۹۶	۲۹/۲۳-	۱۶/۱۹-	۹۹/۳۷-
مراتع	۵۶/۱۰۲۰۳۹۴	۰۰/۹۳۸۸۸۴	۹۴/۹۳۸۵۹۴	۹۸/۷-	۰۳/۰-	۰۱/۸-
اراضی ساخته‌شده	۹۱/۱۰۷۵۶۴	۸۵/۱۱۰۸۱۹	۹۲/۱۵۸۷۱۹	۰۳/۳	۲۲/۴۳	۵۶/۴۷

معادل ۲/۰۰ است. بیشترین سهم کاربری زمین جنگل و درختچه‌زار در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ متعلق به زمین‌های ساخته‌شده و زمین‌های بایر بوده است. طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵ بیشترین مقادیر به زمین‌های ساخته‌شده با ۳۰۵۸۱ هکتار مراتع با ۶۳۴۳ هکتار اختصاص دارد. در سال ۱۳۷۵-۱۳۸۵ انتقال جنگل به اراضی بایر و مراتع بیشترین سهم را داشته که به ترتیب ۲۱/۹۲ و ۱۶/۶۱ درصد بوده است. در سال ۱۳۸۵-۱۳۹۵ انتقال جنگل به مراتع با سهم ۲۵/۱۰ درصد و اراضی بایر با سهم ۶/۰۱ درصد است. در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵ بر میزان انتقال جنگل افزوده شده و اراضی ساخته‌شده و جنگل به ترتیب سهمی ۱/۶۱ و ۱/۷۵ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. نرخ انتقال مراتع به زمین‌های ساخته‌شده در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ و ۱۳۸۵-۱۳۹۵، به ترتیب سهمی برابر با ۱۰/۹۸ و ۳/۱۷ است. در سال ۱۳۷۵-۱۳۸۵ مراتع به ۸۱۴۴۰ هکتار کاهش پیدا کرده است. این روند در سال ۱۳۸۵-۱۳۹۵ ادامه یافته و به ۱۰۸۴۹ هکتار از مراتع در این منطقه کاهش یافته است که ۱۰۱۷۶ هکتار مربوط به زمین‌های ساخته‌شده و ۷۸۱ هکتار متعلق به پهنه‌های آبی است و حدود ۱۲۸۲۱ هکتار از زمین‌های کشاورزی، جنگل و بایر سهم خود را به مراتع داده‌اند. در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ زمین‌های بایر بیشترین سهم را در تغییر مراتع داشته و باعث کاهش این زمین‌ها شده است که در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ بیشترین سهم به زمین‌های ساخته‌شده اختصاص دارد که باعث کاهش مراتع و زمین‌های بایر و درختچه‌زارها سهم بیشتری را در افزایش مراتع داشته‌اند. در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ و ۱۳۸۵-۱۳۹۵ بیشتر مراتع به زمین‌های بایر انتقال یافته‌اند که به ترتیب برابر ۱۱۷۱۶۳ و ۳۱۴۲۰ هکتار است. طی بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵ نرخ انتقال مراتع به زمین‌های ساخته‌شده بیشتر از سایر انتقال‌ها بوده است.

انتقال انواع کاربری زمین

ماتریس انتقال کاربری اراضی، نوع و جهت آن را در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بیشترین نرخ انتقال صورت‌گرفته طی دوره ۲۰ ساله، از زمین‌های کشاورزی، مراتع و جنگل به زمین‌های ساخته‌شده است و از انتقال‌های عمده در منطقه کلان‌شهری تهران است.

در ارتباط با میزان انتقال‌های صورت‌گرفته زمین‌های کشاورزی، سهم زمین‌های ساخته‌شده در انتقال زمین‌های کشاورزی طی دوره ۲۰ ساله از دیگر کاربری‌ها بیشتر است؛ به این معنا که در بازه زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۵ در مجموع حدود ۳۲۳۱۵ هکتار از زمین‌های کشاورزی به زمین‌های ساخته‌شده انتقال یافته است. طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ به مقدار ۳۱ هکتار از جنگل و درختچه‌زار به زمین‌های کشاورزی انتقال پیدا کرده‌اند. همچنین، در این بازه زمانی نزدیک به ۱۲۵ هکتار از زمین‌های کشاورزی به مراتع و ۲۲۳۴ هکتار از زمین‌های کشاورزی به زمین‌های ساخته‌شده انتقال پیدا کرده‌اند و این دو کاربری سبب کاهش زمین‌های کشاورزی در این بازه ۱۰ ساله شده‌اند. در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۵ حدود ۲۷۲ هکتار از زمین‌های کشاورزی به جنگل و درختچه‌زار، ۴۲۳ هکتار از زمین‌های کشاورزی به مراتع و ۳۰۸۱ هکتار از زمین‌های کشاورزی به زمین‌های ساخته‌شده انتقال یافته است. در مجموع، طی ۲۰ ساله گذشته، نزدیک به ۲۹۲۲۶ هکتار از زمین‌های کشاورزی به دیگر کاربری‌ها انتقال یافته است. بیشترین انتقال کاربری زمین کشاورزی صورت‌گرفته در سال ۱۳۷۵-۱۳۸۵ به زمین‌های ساخته‌شده یا سهم ۵۴ درصد و مراتع یا سهم ۵۲ درصد است. مطابق جدول ۳، نزدیک به ۱۲۷۰۴ هکتار جنگل و درختچه‌زار در سال ۱۳۷۵-۱۳۸۵ و ۳۸۱۶۴ هکتار در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ کاهش یافته و نرخ تغییر آن

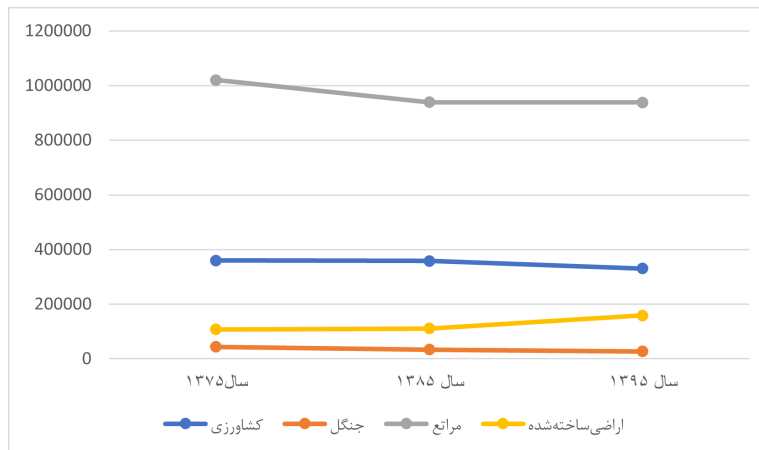
جدول ۳. انتقال انواع اصلی کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران

انتقال از	انتقال به	مساحت ۱۳۷۵-۱۳۸۵ (هکتار)	مساحت ۱۳۸۵-۱۳۹۵ (هکتار)	نرخ انتقال ۱۳۷۵-۱۳۸۵
جنگل	اراضی کشاورزی	۰۳/۴۱۶	۳۷/۷۵۱	۸۱/۰
	زمین‌های ساخته‌شده	۱۷/۳۶	۷۲/۶۹۱	۱۲/۱۸
	مرتع	۵۶/۹۵۱۷	۵۸/۱۰۸۰۵	۵۲/۰-

انتقال از	انتقال به	مساحت ۱۳۸۵-۱۳۷۵ (هکتار)	مساحت ۱۳۹۵-۱۳۸۵ (هکتار)	نرخ انتقال ۱۳۸۵-۱۳۷۵
کشاورزی	جنگل	۵۹/۳۸۷	۷۱/۱۰۴۹	۷۱/۱
	زمین‌های ساخته‌شده	۳۶/۱۹۴۹	۲۱/۲۹۹۴۷	۰۲/۵۲
	مرتع	۸۹/۱۹۰۲	۲۹/۵۹۳۱	۱۲/۲
مرتع	جنگل	۶۱/۱۰۰۰۴	۶۹/۵۹۲۷	۴۱/۰۰
	اراضی کشاورزی	۳۴/۱۷۸۷	۶۵/۵۴۵۱	۰۵/۲
	زمین‌های ساخته‌شده	۷۷/۴۸۴	۰۵/۱۰۱۴۷	۹۳/۱۹

(شکل ۴). خطی که رسم شده شبیهی منفی دارد که نشان‌دهنده روند کاهش زمین‌های کشاورزی، جنگل و مراتع در منطقه کلان‌شهری تهران است.

نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد روند انتقال زمین‌های کشاورزی، جنگل و مراتع و بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۷۵ و ۱۳۹۵-۱۳۸۵ همواره روند کاهشی داشته است



شکل ۴. روند انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران

کاربری‌های دیگر از جمله زمین‌های کشاورزی شده است. در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ نرخ رشد زمین‌های کشاورزی برابر ۰/۶۶- درصد و در سال ۱۳۹۵-۱۳۸۵ برابر ۷/۵- درصد بوده است.

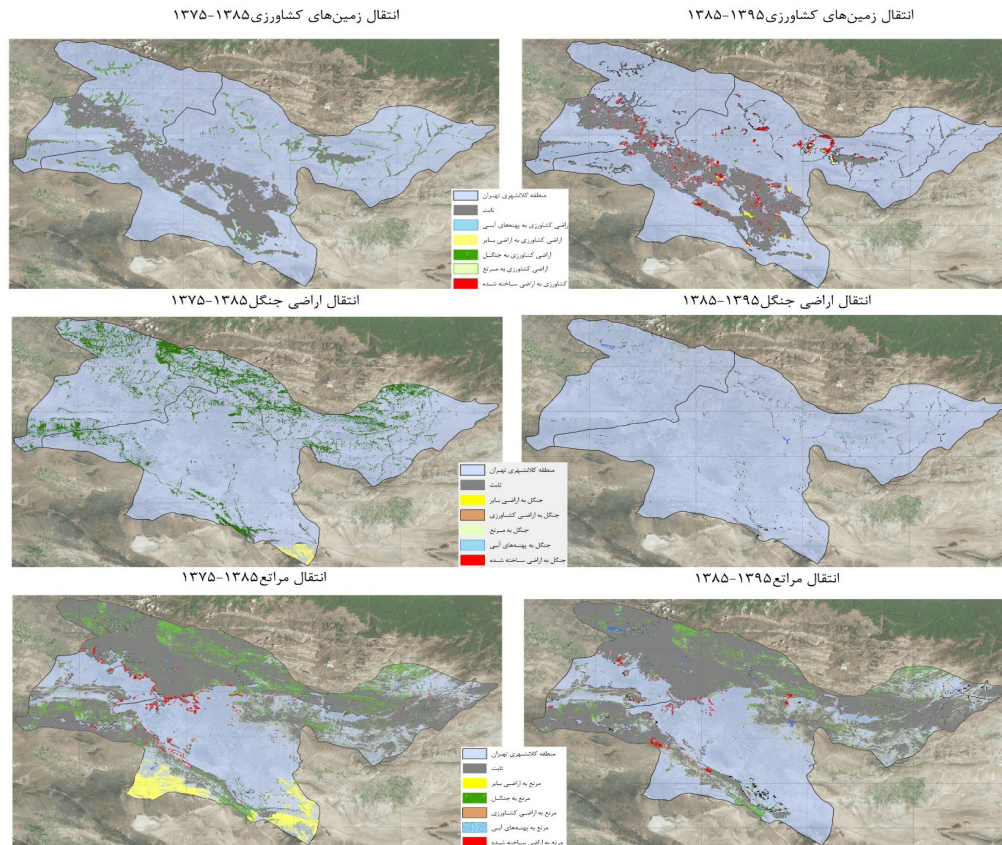
با توجه به شکل ۵، در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵، کاهش جنگل و درختچه‌زار در جنوب شرقی منطقه کلان‌شهری تهران بیشتر از سایر مکان‌ها به چشم می‌خورد. به طور کلی، جنگل و درختچه‌زار از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ طی فرایندی از ۴۳۸۵۵ هکتار در سال ۱۳۷۵ به ۳۳۶۴۰ هکتار در سال ۱۳۸۵ رسیده است. تغییرات کمی جنگل و درختچه‌زار ۱۳۸۵-۱۳۹۵ نشان می‌دهد جنگل و درختچه‌زار در جنوب شرقی منطقه کلان‌شهری تهران بیشتر از سایر مکان‌ها به چشم می‌خورد. به طور کلی، جنگل و درختچه‌زار از ۳۳۶۴۰ هکتار در سال ۱۳۸۵ و به ۲۷۱۹۵ هکتار در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ و ۱۳۸۵-۱۳۹۵ بیشتر مراتع در نیمه غربی منطقه کلان‌شهری تهران همواره در حال کاهش بوده است. در سال ۱۳۸۵-۱۳۷۵ تنها ۱۲۵ هکتار به مراتع افزوده شده است که بیشتر شامل بخش شمالی منطقه کلان‌شهری تهران می‌شود. همچنین در سال ۱۳۸۵-۱۳۷۵ در نیمه غربی منطقه کلان‌شهری تهران انتقال کاربری زمین مرتع بیشتر رخ داده است و اغلب مراتع به زمین‌های بایر، جنگل و زمین‌های کشاورزی انتقال یافته‌اند. در سال ۱۳۸۵-۱۳۹۵ افزایش مراتع عمدتاً در بخش شمال شرقی منطقه

مطابق شکل ۵، طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ و ۱۳۹۵-۱۳۸۵ بیشتر افزایش زمین‌های کشاورزی در جنوب شرقی منطقه کلان‌شهری تهران و بیشتر کاهش زمین‌های کشاورزی در مرکز و شمال شرقی منطقه کلان‌شهری تهران است که بیشتر این تغییرات در اطراف کلان‌شهر تهران و کرج است. هر چه فاصله از این دو کلان‌شهر بیشتر می‌شود، زمین‌های کشاورزی نیز افزایش پیدا می‌کند. دلیل این امر را می‌توان موقعیت منحصربه‌فرد کلان‌شهر تهران دانست که فعالیت‌های عمده اقتصادی غیر کشاورزی در آن متمرکز شده است و باعث بلعیده شدن و از بین رفتن زمین‌های کشاورزی می‌شود.

در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ بیشتر انتقال زمین‌های کشاورزی به زمین‌های ساخته‌شده است که براساس نتایج به‌دست‌آمده این انتقال‌ها در مرکز منطقه کلان‌شهری تهران (ناحیه شرق به غرب) اتفاق افتاده است. میزان انتقال زمین‌های کشاورزی در سال ۱۳۸۵-۱۳۹۵ بیشتر از سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ بوده است. با توجه به تحولات اجتماعی-اقتصادی از جمله رشد جمعیت و نرخ شهرنشینی، افزایش مهاجرت از استان‌های مجاور، افزایش مهاجرت روستا به شهر و خالی از سکنه شدن اراضی روستایی و به تبع آن، رها شدن زمین‌های زراعی، صنعتی شدن، شهرک‌سازی و ایجاد شهرهای جدید اطراف دو کلان‌شهر تهران و کرج باعث افزایش زمین‌های ساخته‌شده و کاهش

کلان‌شهری تهران رخ داده است. در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ بیشتر انتقال مراتع به زمین‌های بایر و ساخته‌شده در جنوب و ناحیه مرکزی منطقه کلان‌شهری تهران است.



شکل ۵. انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران

با ضریب تأثیر ۰/۴۲۰۷، فاصله از زمین‌های ساخته‌شده با ضریب تأثیر ۰/۱۲۰۵، شیب با ضریب تأثیر ۰/۳۰۰۱ و تولید ناخالص داخلی با ضریب تأثیر ۰/۹۱۷۵ بیشترین تأثیر را بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران داشته است. جمعیت‌پذیری و شهرنشینی بالا در منطقه کلان‌شهری تهران، باعث ازهم‌گسیختگی فضا و افتراق انواع مختلف کاربری زمین شده است. افزایش تقاضای زمین، اراضی کشاورزی را تحت تأثیر خود قرار داده که باعث انتقال اراضی مسکونی روستایی و زمین‌های کشاورزی شده است. همچنین، نتایج نشان داد هر چه به مراکز روستایی نزدیک‌تر می‌شویم، بر شدت انتقال اراضی روستایی افزوده می‌شود. علاوه بر این، همراه با رشد جمعیت و افزایش فعالیت‌های انسانی، گسترش اراضی شهری، خزش اراضی ساخته‌شده به پیرامون، صنعتی شدن و گسترش شهرهای صنعتی و خدماتی شکل گرفته است که این عوامل انتقال زمین‌های کشاورزی، مرتع و جنگل را بیشتر می‌کند. فاصله از زمین‌های ساخته‌شده شهری، روستایی و صنعتی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران در نظر گرفته می‌شود، چراکه با نزدیک شدن به این اراضی تغییر و تحولات بیشتر می‌شود و بر انتقال کاربری زمین تأثیر می‌گذارد. عامل دیگر با ضریب تأثیر بالا، شیب است که هر چه شیب و ارتفاع افزایش یابد، دخل و تصرف بر اراضی به علت شیب زیاد و نامناسب برای ساخت‌وساز، کاهش می‌یابد و بر شدت انتقال تأثیر می‌گذارد که به عنوان یک عامل بازدارنده طبیعی محسوب می‌شود.

عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران

برای بررسی تأثیر هر یک از عوامل اقتصادی-اجتماعی، طبیعی و زیرساختی بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران از سه مدل رگرسیون لجستیک، مدل حداقل مربعات معمولی و مدل رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی استفاده شد که نتایج زیر به دست آمد.

مدل‌سازی عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین با استفاده از مدل لجستیک

با استفاده از مدل لجستیک ضریب تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل به دست آمد. شاخص $Pseudo R^2$ میزان یک برازش خوب را مورد آزمون قرار می‌دهد. برای یک برازش خوب در مطالعات فضایی میزان $Pseudo R^2$ باید بیشتر از ۲/۰ باشد که در این پژوهش مقدار شاخص $Pseudo R^2$ برابر با ۰/۵۷۸۱ است که می‌توان آن را به عنوان یک برازش بسیار خوب در نظر گرفت. علاوه بر شاخص $Pseudo R^2$ ، شاخص ROC برای بررسی برازش در رگرسیون لجستیک مورد استفاده قرار می‌گیرد که میزان ROC باید بین ۰ تا ۱ باشد. هر چه مقادیر به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده توافق کامل مکانی بین نقشه پیش‌بینی شده و نقشه واقعی است. همچنین، مقادیر ۰/۵ بیانگر برازش تصادفی است. در این پژوهش مقدار شاخص ROC برابر ۰/۸۹۱۳ است، که نشان‌دهنده توافق کامل مکانی بین نقشه پیش‌بینی شده و نقشه واقعی است و برازش خوبی در رگرسیون لجستیک را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد از میان ده متغیر مستقل به ترتیب فاصله از مراکز روستایی

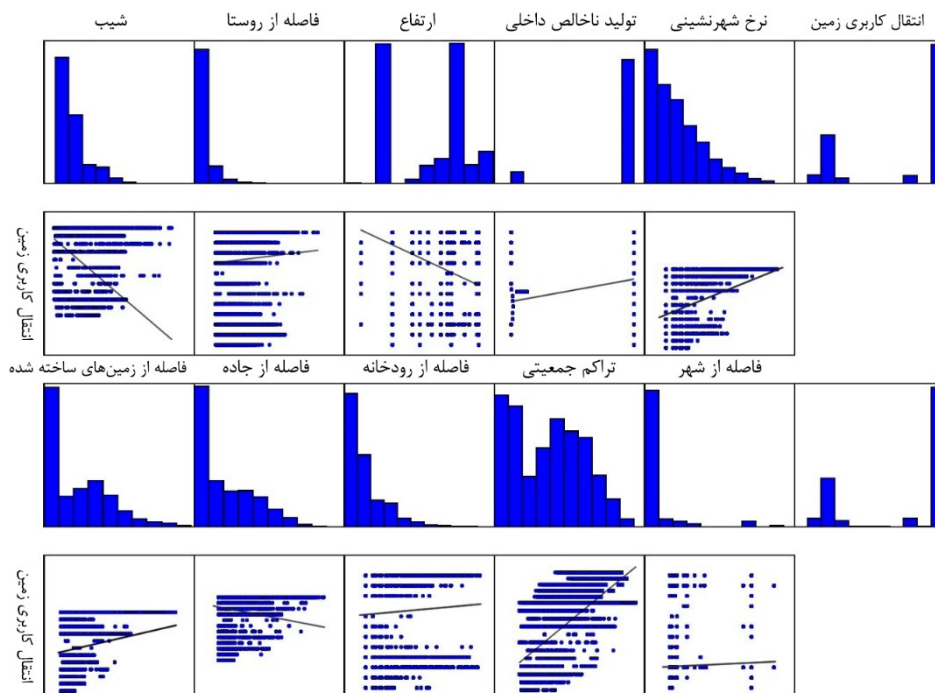
جدول ۴. ضرایب متغیرهای مستقل در مدل رگرسیون لجستیک

ضریب تاثیر	متغیر مستقل
۹۷۴۹/۳-	مجموع متغیرها
۰۵-۲۲۵E/۱-	فاصله از آبهای سطحی
۲۰۵/۱	فاصله از زمین‌های ساخته شده
۰۵-۴۶۷E/۰	فاصله از راه‌های اصلی
۲۰۷/۴	فاصله از مراکز روستایی
۰۳-۰۰۷E/۱	فاصله از مراکز شهری
۶۵۳/۲-	ارتفاع
۰۰۱۰/۳-	شیب
۰۰۱۶/۰-	نرخ شهرنشینی
۹۱۷۵/۰	تولید ناخالص داخلی
۰۱۵۵/۰	تراکم جمعیتی

رودخانه و فاصله از مراکز شهری به عنوان عوامل تأثیرگذار با شیب مثبت شناسایی شده‌اند. همچنین رابطه شیب، ارتفاع و فاصله از جاده با شیب منفی است. تراکم جمعیتی به عنوان یک عامل اجتماعی در منطقه کلان شهری تهران دارای رابطه مستقیم و قوی با انتقال کاربری زمین است. پس از آن، شیب و ارتفاع به عنوان عوامل و نیروهای محرکه طبیعی دارای ارتباطی قوی، اما منفی با انتقال کاربری زمین در منطقه کلان شهری تهران دارند و با افزایش ارتفاع و شیب در شمال منطقه میزان انتقال کاربری زمین کاهش یافته است.

مدل سازی عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین با استفاده از حداقل مربعات معمولی

برای بررسی دقت رگرسیون حداقل مربعات معمولی از دو شاخص Squared-R و Squared-R Adjusted استفاده شد که مقادیر این دو شاخص به ترتیب در پژوهش حاضر برابر ۰/۶۸ و ۰/۶۷ است که از دقت قابل قبول و بالایی برخوردار است. با توجه به دقت قابل قبول مدل حداقل مربعات معمولی، همان‌طور که در شکل ۶ مشاهده می‌شود تراکم جمعیتی، نرخ شهرنشینی، تولید ناخالص داخلی، فاصله از روستا، فاصله از زمین‌های ساخته شده، فاصله از



شکل ۶. روابط متغیرهای مستقل در مدل حداقل مربعات معمولی

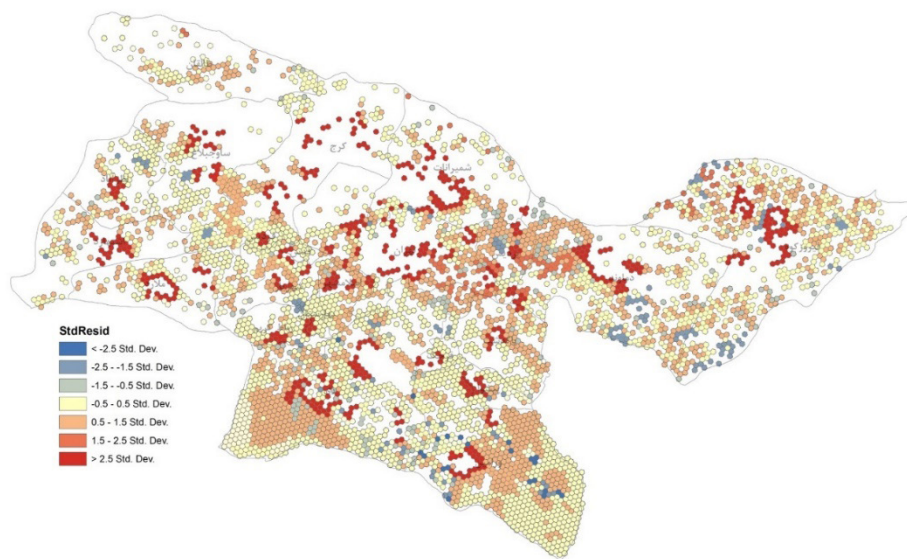
تهران ناشی از تغییر و تحولات اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و زیرساختی در این منطقه است.

مطابق شکل ۷، مقادیر مربوط به باقی‌مانده حاصل از تفاضل میان مقادیر مشاهده‌شده و تخمین‌زده‌شده توسط مدل رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی است که این مقادیر در بخش‌های آبی رنگ مقادیر پیش‌بینی‌شده کمتر از حد واقعی و در بخش‌های قرمز رنگ بیشتر از حد واقعی را به نمایش گذاشته است. با اجرای مدل رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی، خروجی‌های متفاوتی حاصل می‌شود که یکی از خروجی‌ها مربوط به اطلاعات عمومی است. پارامتر $Re-siduals$ مجموع مجذورهای باقی‌مانده در مدل است هرچه مقادیر آن کوچک‌تر باشد، برازش مدل رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی به داده‌های مشاهده‌شده نزدیک‌تر است که در این پژوهش متغیرهای تراکم جمعیت به عنوان عوامل اجتماعی، فاصله از زمین‌های ساخته‌شده و فاصله از مراکز روستایی به عنوان عوامل زیرساختی و شیب به عنوان یک عامل طبیعی مهم دارای کمترین مقدار $ResidualSquares$ هستند که برازش بهتری نسبت به دیگر متغیرها دارند. پارامتر $ResidualSquares$ برای کل متغیرها برابر $۸/۴۴$ است که نشان‌دهنده آن است که این مدل در مجموع به‌خوبی اجرا شده است. پارامتر دیگر $Sigma$ است که برابر با جذر مجموع باقی‌مانده مربعات نرمال شده است، که در آن مجموع مربعات باقی‌مانده بر درجات آزادی مؤثر باقی‌مانده تقسیم می‌شود. این انحراف استاندارد تخمین‌زده‌شده برای باقی‌مانده‌ها است که مقادیر کوچک‌تر این آمار بهتر بودن آن را نشان می‌دهد که برای کل مدل برابر $۱/۵۲$ است که مقدار مطلوبی است.

رشد جمعیت و نرخ شهرنشینی به عنوان عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین، باعث پیروی فضاها به سوی فضاهای پیرامون دو کلان‌شهر تهران و کرج، تعدی بر زمین‌های روستایی و کشاورزی و تهاجم به محیط‌های پیرامون شهرها شده است. ارتقای کانون‌های سکونتگاهی و فعالیتی از عوامل اصلی بلعیده شدن قلمروهای کشاورزی و روستایی است. علاوه بر این، فرصت‌های شغلی مناسب در منطقه کلان‌شهری تهران باعث هجوم مهاجرت از سایر نقاط کشور به این منطقه شده است. مهاجرت روستا به شهر و خالی از سکنه شدن زمین‌های روستایی به عنوان یک تهدید باعث رها شدن و تخریب زمین‌های کشاورزی و در نهایت، انتقال آن‌ها به زمین‌های ساخته‌شده شهری و صنعتی می‌شود. رشد و گسترش فعالیت‌های کشاورزی در سکونتگاه‌هایی که فاصله بیشتری از دو کلان‌شهر تهران و کرج دارند به مراتب بیشتر از سکونتگاه‌هایی است که در نزدیکی این دو کلان‌شهر هستند. در واقع، انتقال زمین‌های کشاورزی اطراف سکونتگاه‌هایی که نزدیک به این دو کلان‌شهر هستند بیشتر است.

مدل‌سازی عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین با استفاده از رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی

مدل رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی دو آماره R^2 و $Adjusted R^2$ را هم ارائه می‌دهد که هرچه این مقادیر به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد مدل اجراشده از برازش و دقت بالایی برخوردار است. یافته‌ها نشان می‌دهد متغیرهای مستقل به‌خوبی توانسته‌اند تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند که برای این پژوهش مقادیر دو آماره R^2 و $Adjusted R^2$ به ترتیب برابر $۰/۸۱$ و $۰/۸۰$ است. در مجموع، ۸۱ درصد از انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری



شکل ۷. مقادیر باقی‌مانده مدل رگرسیون جغرافیایی وزن‌دار جغرافیایی

به زمین‌های شهری شده است که در پی این انتقال، منطقه کلان‌شهری تهران شاهد کاهش و خرد شدن سطح زمین‌های کشاورزی و کاهش مراتع و جنگل می‌شود. منطقه کلان‌شهری تهران با تراکم جمعیتی بالا، به عنوان منطقه توسعه‌یافته اقتصادی است که میان نیازهای انسانی و منابع طبیعی از جمله زمین تعارض‌هایی شکل گرفته که مسائل مربوط به کاربری زمین را پیچیده‌تر کرده است. در واقع، در این منطقه با تراکم جمعیتی بالا، فرصت‌های شغلی کشاورزی کمتر و سرانه زمین‌های کشاورزی بسیار اندک شده است.

مدل یادشده گزارشی را ارائه می‌دهد که در آن ضریب رگرسیون برای هر یک از متغیرهای مستقل در آن مورد بررسی قرار گرفته است. جدول ۵ نشان می‌دهد متغیرهای تراکم جمعیت، فاصله از زمین‌های ساخته‌شده، فاصله از مراکز روستایی و شیب منطقه، قدرت بیشتری در انتقال کاربری زمین منطقه کلان‌شهری تهران داشته است. عوامل اجتماعی - اقتصادی به طور قابل ملاحظه‌ای با انتقال زمین‌های کشاورزی، مراتع و جنگل مرتبط است. به‌ویژه، تراکم جمعیتی باعث کاهش زمین‌های کشاورزی، مراتع، جنگل و انتقال آن‌ها

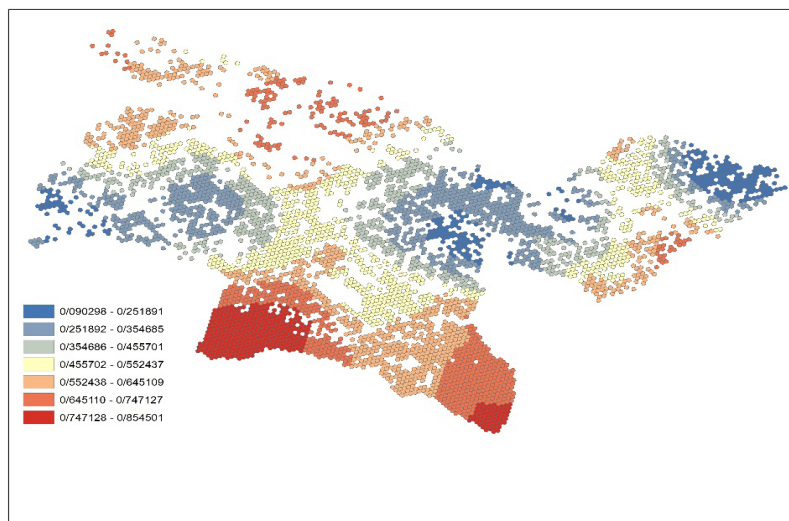
جدول ۵. اطلاعات عمومی مدل رگرسیون وزن دار جغرافیایی

ضرب تعیین تعدیل شده	ضرب تعیین	AICC	انحراف استاندارد تخمین زده شده	مجموع مجذورهای باقی مانده	
۸۰/۰	۸۱/۰	۹۰/۴۱۹۲۵۶	۵۲/۱	۴۲/۸	کل متغیرها
۷۸/۰	۷۹/۰	۸۴/۴۲۲۹۲۶	۲۶/۲	۸۶/۵۶	تراکم جمعیت
۷۶/۰	۷۸/۰	۶۸/۴۱۸۰۶۱	۳۲/۲	۲۱/۶۵	فاصله از زمین های ساخته شده
۷۵/۰	۷۶/۰	۰۷/۴۲۵۰۱۲	۱۹/۳	۳۵/۳۱۰	فاصله از مراکز روستایی
۷۴/۰	۷۵/۰	۲۶/۴۲۷۱۲۴	۴۲/۳	۸۷/۴۴۷	شیب
۶۸/۰	۶۹/۰	۲۷/۳۶۳۲۸۷	۵۱/۴	۸۸/۱۶۶۵	فاصله از راه های اصلی
۶۲/۰	۶۴/۰	۰۲/۱۰۳۳۷۷	۱۲/۶	۳۳/۸۱۸۵	فاصله از رودخانه
۵۹/۰	۶۰/۰	۶۱/۴۳۳۵۴۲	۵۲/۶	۱۵/۱۰۲۷۳	نرخ شهرنشینی
۵۸/۰	۵۹/۰	۴۰/۲۳۲۸۰۷	۲۴/۷	۶۶/۱۱۵۹۲	فاصله از مراکز شهری
۵۵/۰	۵۷/۰	۹۹/۱۴۳۷۰۱	۹۴/۷	۴۹/۳۳۲۵۷	ارتفاع
۴۶/۰	۴۹/۰	۱۵/۱۱۰۱۶۲	۲۱/۹	۱۳/۶۴۹۶۷	تولید ناخالص داخلی

سیاست های کشاورزی و اصلاح نظام اراضی، رها شدن زمین های کشاورزی، انتقال کاربری زمین در منطقه کلان شهری تهران به یکی از روندهای مهم تغییر کاربری زمین تبدیل شده که نیازمند برنامه ریزی و چشم انداز سازی است.

یکی از خروجی های مدل رگرسیون وزن دار جغرافیایی مقادیر R^2 محلی است که دقت برآورد مدل رگرسیون وزن دار جغرافیایی به صورت محلی را نشان می دهد و این مقادیر بین صفر تا یک متغیر است (شکل ۸). مقادیر نزدیک به صفر بیانگر پیش بینی ضعیف و مقادیر نزدیک به یک پیش بینی قوی با یک برازش خوب و دقت بالا را نشان می دهد. نواحی پررنگ نشان دهنده بالا بودن میزان ضرب تعیین محلی است که در بیشتر شهرستان ها برازش بهتری را نشان می دهد و تنها در ۶ شهرستان فیروزکوه، دماوند، پردیس، فردیس، ملارد و اشتهارد مدل برازش مناسبی نداشته است.

انتقال کاربری زمین در منطقه کلان شهری تهران نتیجه تعاملات بین عوامل طبیعی و عوامل اجتماعی - اقتصادی است که عوامل طبیعی درون زا و عوامل اجتماعی - اقتصادی برون زا است. این دو عوامل نقش حیاتی را در تحولات مورفولوژی کاربری زمین دارند. تصمیمات مربوط به تقاضای توسعه اقتصادی اغلب به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر عرضه زمین تأثیر می گذارد و باعث تغییر ساختار و عملکرد کاربری زمین می شود. با افزایش جمعیت و تراکم جمعیتی، به منظور پاسخ گویی به تقاضاهای مختلف مردم برای تولید و زندگی، به طور گسترده کاربری زمین های بایر، کشاورزی، مراتع و جنگل توسعه و انتقال یافته است. همواره بر سر زمین رقابت شدیدی وجود دارد و توسعه مستمر به کمبود زمین منجر می شود که تأثیر منفی بر محیط زیست می گذارد. با توجه به تحولات اجتماعی - اقتصادی و زیست محیطی در منطقه کلان شهری تهران از جمله افزایش شهرنشینی، صنعتی شدن، کاهش کیفیت خاک، افزایش هزینه های کشاورزی، خروج نیروی کار روستایی، تعدیل



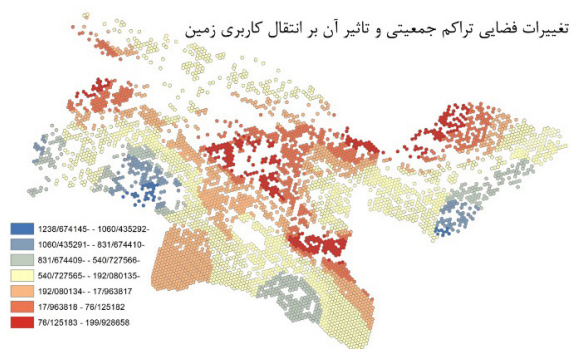
شکل ۸. مقادیر R^2 محلی در مدل رگرسیون وزن دار جغرافیایی

و عامل مهمی برای انتقال تلقی می‌شود (شکل ۹). تغییرات فضایی فاصله از مراکز روستایی به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین تأثیر بیشتری نسبت به سایر متغیرها بر انتقال کاربری زمین گذاشته است. در این شکل توزیع فضایی تأثیر متغیر فاصله از مراکز روستایی نشان داده شده و نواحی قرمز نشان‌دهنده تأثیرات بیشتر است و نواحی آبی تأثیرات کمتری را به نمایش می‌گذارد.

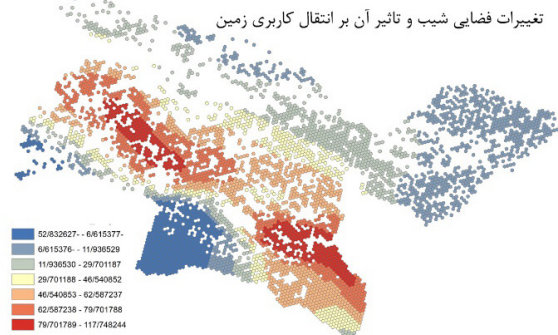
متغیر مهم دیگر شیب منطقه مورد نظر است که به عنوان عامل کلیدی و بازدارنده از عوامل طبیعی است. در نواحی مرکزی، شمال غربی و جنوب شرقی که شیب مناسبی در منطقه کلان‌شهری تهران دارد تأثیر بیشتری بر انتقال کاربری زمین گذاشته است.

تغییرات فضایی تراکم جمعیت و تأثیر آن بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران در شکل ۹ مشاهده می‌شود. متغیر تراکم جمعیتی بیشترین اثر مثبت را بر انتقال کاربری زمین در اکثر شهرستان‌های تهران داشته است؛ شهرستان‌هایی همچون تهران، کرج، فیروزکوه، دماوند، پردیس، شمیرانات، پاکدشت، پیشوا، ری، طالقان، ساوجبلاغ و نظرآباد از این دسته هستند که تراکم جمعیتی بالای آن‌ها بر انتقال کاربری زمین تأثیر گذاشته است.

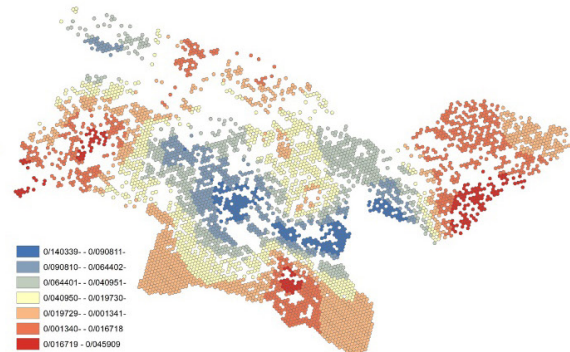
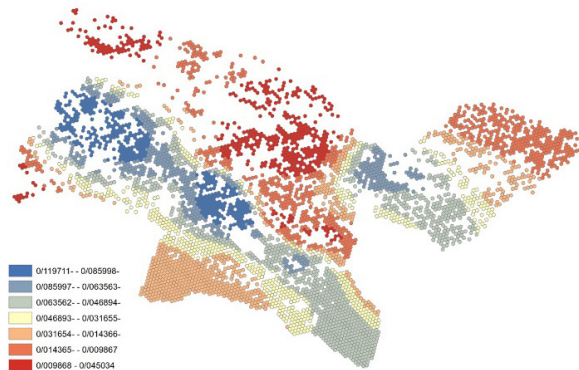
یکی دیگر از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر انتقال کاربری زمین، فاصله از زمین‌های ساخته‌شده است که در بیشتر مناطق تأثیر مثبتی بر انتقال کاربری زمین گذاشته است. در واقع، فاصله از زمین‌های ساخته‌شده اعم از زمین‌های شهری و روستایی و زمین‌های صنعتی تأثیر بسزایی بر انتقال گذاشته است و نزدیکی به این اراضی باعث شده میزان تغییر و تحولات بر زمین بیشتر شود



تغییرات فضایی تراکم جمعیتی و تأثیر آن بر انتقال کاربری زمین



تغییرات فضایی فاصله از مراکز روستایی و تأثیر آن بر انتقال کاربری زمین



شکل ۹. عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران

خود را از دست می‌دهد. افزون بر مناسبات جدید شهری، نقش تصمیمات سیاسی و مداخله دولت و به تبع آن، ضوابط و مقررات، در بسترسازی برای تغییر کاربری اراضی پیراشهری، بین شهری و دست‌اندازی به اراضی این محدوده را نباید نادیده گرفت. با توجه به موقعیت مناطق کلان‌شهری، این فضاها بیشتر در معرض دست‌اندازی و تقاضای استقرار فعالیت، جمعیت و ساخت‌وسازهای شهری و صنعتی قرار می‌گیرد. منطقه کلان‌شهری تهران و کرج به عنوان قطب‌های مهم رشد و تأثیرگذار بر انتقال کاربری زمین از این روند دخالت‌ها و استفاده بیش از حد از منابع طبیعی در امان نبوده و داد و ستد بر سر زمین‌ها، به اصلی‌ترین موضوع مربوط به حوزه ساخت‌وساز در تهران و نواحی پیرامونی آن بدل شده است. در واقع، شبکه‌ای از روابط، نیروها، نهادها و قوانین در شهر، حريم و پیرامون آن به وجود آمده است که این گونه داد و ستدها را ممکن و در موارد بسیاری قانونی می‌کند. تحت تأثیر عوامل درون‌زای طبیعی و عوامل برون‌زای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورفولوژی کاربری زمین با تغییرات

بحث و تفسیر یافته‌ها

طی ۲۰ساله اخیر، منطقه کلان‌شهری تهران تحت تأثیر نیروی محرکه رشد جمعیت و افزایش نرخ شهرنشینی و به تبع آن، افزایش فعالیت‌های انسانی، رشد و توسعه سریع اقتصادی قرار گرفته است. افزایش فعالیت‌های انسانی در دهه‌های اخیر موجب استفاده ناکارآمد و ناپایدار از منابع محیط زیست، کاهش سریع ذخایر طبیعی زمین، کاهش و تغییر تنوع زیستی و همچنین، کاهش خدمات اکوسیستم و منافع آن‌ها بر جامعه شده است. این ناپایداری‌ها از آنجا نشئت می‌گیرد که انتقال رشد شهری و شهرنشینی از شهر تهران به منطقه کلان‌شهری بدون برنامه منسجم انجام گرفته است و همین امر باعث شده تا تغییراتی در وضع زمین‌های اطراف، سکونتگاه‌ها و نوع فعالیت‌ها در سطح منطقه پدید آید که حاصل چنین جریان‌هایی گسترش فیزیکی شهر و ایجاد حومه‌های جدید شهری است. رشد و گسترش بسیاری از زمین‌های روستایی و کشاورزی، زیر نفوذ مناسبات جدید شهری قرار می‌گیرد و کارکردهای پیشین

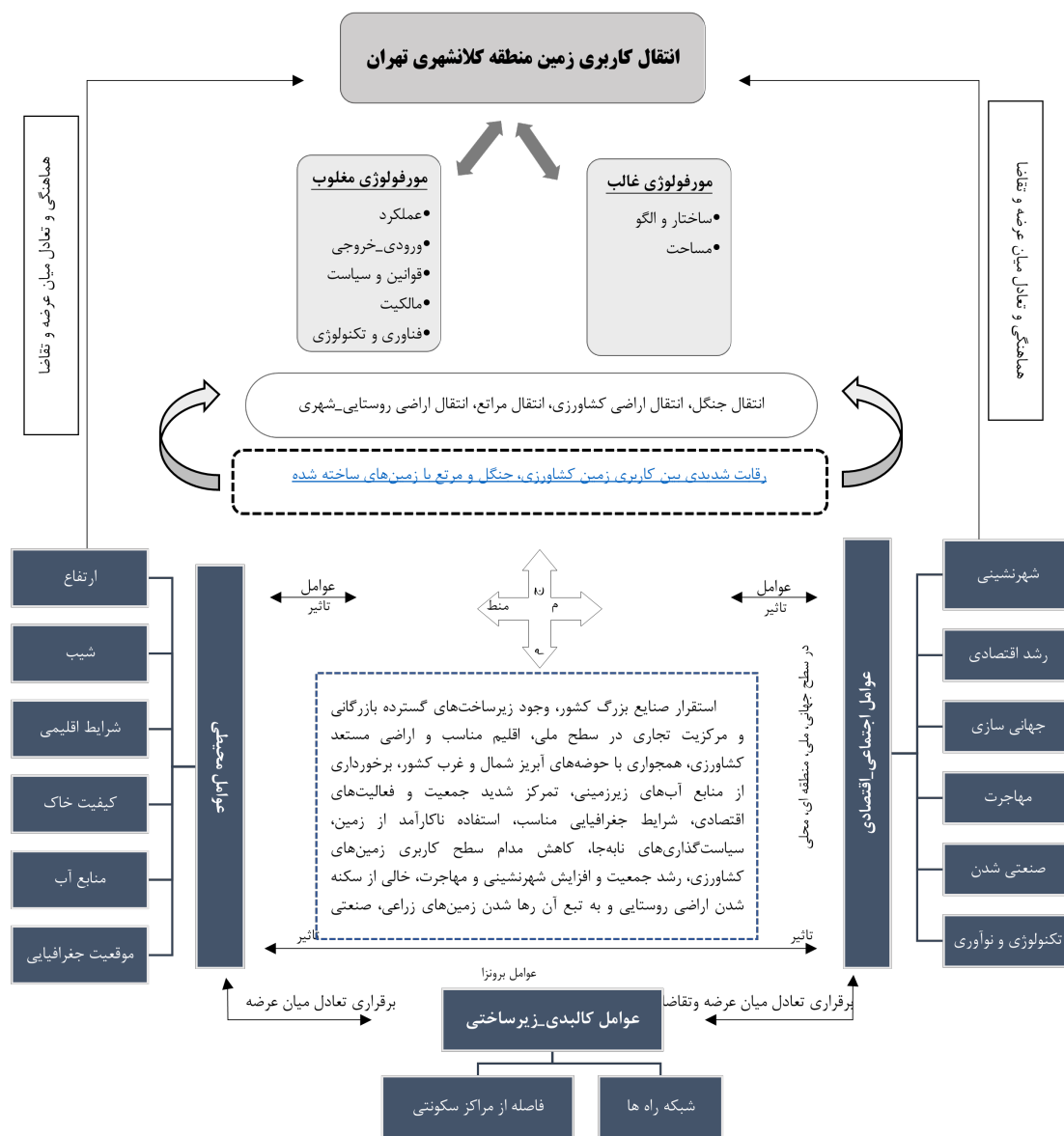
طبیعی، زمین، ازدیاد ساخت‌وسازها، کاهش اراضی کشاورزی و انتقال آن‌ها به زمین‌های ساخته‌شده شهری و صنعتی شده است. همچنین، فاصله از زمین‌های ساخته‌شده در بیشتر مناطق تأثیر مثبتی بر انتقال کاربری زمین گذاشته است، در واقع نزدیکی به زمین‌های ساخته‌شده اعم از زمین‌های شهری و روستایی و زمین‌های صنعتی باعث شده میزان تغییر و تحولات بر زمین بیشتر شود و عامل مهمی برای انتقال در نظر گرفته شود. متغیر مهم تأثیرگذار دیگر شیب منطقه است که به عنوان عامل کلیدی و بازدارنده از عوامل طبیعی محسوب می‌شود و در نواحی مرکزی، شمال غربی و جنوب شرقی که شیب مناسبی در منطقه کلان‌شهری تهران دارد تأثیر بیشتری بر انتقال کاربری زمین گذاشته است.

سیاست‌های موجود در روند تحولات کاربری اراضی در منطقه کلان‌شهری تهران، کمبود زمین و استفاده ناکارآمد از زمین، اقتصاد نوین، جمعیت و شهرنشینی از عوامل اقتصادی - اجتماعی اساسی هستند که به انتقال کاربری اراضی منجر می‌شوند. فرایند اقتصاد نوین منطقه‌ای و شهرنشینی بر رشد و مهاجرت جمعیت و همچنین میزان اقتصاد بازار و جهانی شدن تأثیر مسقیم می‌گذارد. همچنین سیاست‌های توسعه اقتصادی و صنعتی، نوآوری، بازار و جهانی شدن، سیاست‌های جمعیتی، سیاست‌های شهرنشینی و سیاست‌های توسعه فضایی بر روند رشد و مهاجرت جمعیت منطقه‌ای تأثیر گذاشته و همه این فرایندها تقاضای یک منطقه را برای انواع مختلف زمین افزایش می‌دهد و شدت انتقال کاربری اراضی در منطقه کلان‌شهری تهران را تغییر می‌دهد. از طرف دیگر، با درک و فهم دولت از کمبود منابع به تدوین و تنظیم سیاست‌های مدیریت زمین و سیاست‌های زیست‌محیطی، با هدف تنظیم عرضه زمین منطقه‌ای منجر می‌شود. متعادل ساختن میان عرضه و تقاضا، چارچوب اساسی مورفولوژی کاربری اراضی منطقه را تشکیل می‌دهد. براساس افزایش جمعیت و فعالیت‌های انسانی رقابتی شدید بین کاربری زمین کشاورزی، جنگل و مرتع با زمین‌های ساخته‌شده به وجود آمده است که نتیجه این رقابت انتقال جنگل، انتقال اراضی کشاورزی، انتقال مراتع، انتقال اراضی روستایی - شهری است. به طور کلی، انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران نتیجه تعاملات میان عوامل اقتصادی - اجتماعی و زیست‌محیطی است که تحت تأثیر سیاست‌ها و تحولات اقتصادی - اجتماعی در منطقه یادشده است.

گسترده‌ای مواجه می‌شود. با بررسی شاخص منظر مورفولوژی کاربری زمین در بازه زمانی ۲۰ساله در منطقه کلان‌شهری تهران، شاهد افزایش تعداد لکه‌ها و خرد شدن لکه‌ها در مناطق مرکزی هستیم. به بیان دیگر، این مناطق بیشتر در معرض ساخت‌وسازها و استفاده افراطی از زمین‌ها شده است و شرایطی را ممکن کرده که موجبات پیدایش فضاها و فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌نشده، افزایش نابرابری و کاهش کارآمدی سیستم برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، کلان‌شهری و پیراشهری را رقم زده است. روندی که محیط طبیعی منطقه کلان‌شهری تهران را به محلی برای تغییر گسترده کاربری زمین‌های کشاورزی و محیط طبیعی، دخالت‌های سوداگرانه و ساخت‌وسازهای کنترل‌نشده، و رشد بیش از اندازه سکونتگاه‌های خودانگیخته بدل کرده که به تبع آن، انتقال انواع کاربری زمین را به زمین‌های ساخته‌شده ممکن ساخته است.

فرایندی که انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران طی کرده است ابتدا روندی کاهش‌ی برای اراضی کشاورزی، جنگل و مرتع و روندی افزایشی برای زمین‌های ساخته‌شده و پهنه‌های آبی است. روند کاهش اراضی کشاورزی در مرکز و شمال شرقی منطقه، روند کاهش مراتع در نیمه غربی و جنوب منطقه و روند کاهش جنگل در جنوب شرقی منطقه است که جهت انتقال از اراضی کشاورزی، جنگل و مرتع به زمین‌های ساخته‌شده است. در ارتباط با شدت انتقال می‌توان گفت که در بیشتر نواحی روندی طولانی‌مدت و فعال را نشان داده که در بیشتر شهرستان‌ها شدت انتقال از اراضی کشاورزی، جنگل و مرتع به اراضی ساخته‌شده فعال است و تنها در شهرستان‌های فردیس، ورامین، ری، طالقان، اسلامشهر، دماوند، پردیس و شمیرانات شدت انتقال در اراضی کشاورزی فعال است. همچنین بررسی‌ها نشان داد مناطق فعال در افزایش مراتع در شهرستان‌های فردیس، ورامین، اسلامشهر و ری مشاهده شده است.

تغییرات فضایی تراکم جمعیت، بیشترین اثر مثبت را بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران داشته است. در شهرستان‌هایی همچون تهران، کرج، فیروزکوه، دماوند، پردیس، شمیرانات، پاکدشت، پیشوا، ری، طالقان، ساوجبلاغ و نظرآباد از این دسته هستند که تراکم جمعیتی بالای آن‌ها بر انتقال کاربری زمین تأثیر گذاشته است. در واقع، جمعیت‌پذیری بالای این منطقه و افزایش تراکم جمعیتی طی ۲۰ سال اخیر، باعث بالا رفتن میزان تقاضا بر منابع



شکل ۱۰. مدل نظری پیشنهادی پژوهش

جنوب منطقه و روند کاهش جنگل در جنوب شرقی منطقه است. برای انتقال از اراضی کشاورزی، جنگل و مرتع به زمین‌های ساخته شده است. شدت انتقال در بیشتر نواحی، روندی طولانی‌مدت و فعال را نشان داده است. در بیشتر شهرستان‌های منطقه کلان‌شهری تهران، شدت انتقال از اراضی کشاورزی، جنگل و مرتع به اراضی ساخته شده فعال است. در شهرستان‌های فردیس، ورامین، ری، طالقان، اسلامشهر، دماوند، پردیس و شمیرانات شدت انتقال در اراضی کشاورزی فعال است. همچنین، بررسی‌ها نشان داد مناطق فعال در افزایش مراتع در شهرستان‌های فردیس، ورامین، اسلامشهر و ری مشاهده شده است.

نتایج پژوهش حاضر به لحاظ ویژگی‌های انتقال کاربری زمین منطقه‌ای، با نتایج پژوهش‌های ژو و همکاران [۴۹]، وانگ و همکاران [۴]، یانگ و همکاران [۵۰]، لو و همکاران [۵۱] مطابقت دارد. این ویژگی‌های انتقال کاربری زمین،

نتیجه‌گیری

با توجه به مسائل و چالش‌های متعدد کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران، این پژوهش با هدف بررسی روند، جهت و عوامل مؤثر بر انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران انجام گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد الگوی کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران به طور قابل توجهی تغییر کرده و همراه با افزایش زمین‌های ساخته شده، زمین‌های کشاورزی، مراتع و جنگل طی دوره مطالعه شده کاهش یافته است. روندی که انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران طی کرده است ابتدا روندی کاهش برای اراضی کشاورزی، جنگل و مرتع و روندی افزایشی برای زمین‌های ساخته شده است. در واقع، با تغییر روندها انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران شدت زیادی داشته است. روند کاهش اراضی کشاورزی در مرکز و شمال شرقی منطقه، روند کاهش مراتع در نیمه غربی و

ساخته شده شهری و صنعتی باید بین زمین‌های اکولوژیکی و زمین‌های زراعی با زمین‌های ساخته شده، تناسب ایجاد شود و تخصیص فضا به صورت بهینه صورت پذیرد. در کنار این، می‌توان به ترویج کشاورزی مدرن، توسعه درون‌زا و افزایش کارایی تولید کشاورزی مباردت کرد. در نهایت از طریق تثبیت، بهره‌برداری، احیا، اصلاح و حفاظت از زمین‌های کشاورزی، جنگل و مراتع، به یکپارچه‌سازی انواع کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران اقدام لازم انجام گیرد.

در پاسخ به اثرات منفی انتقال کاربری زمین در منطقه کلان‌شهری تهران بر توسعه اقتصادی روستایی، می‌توان فرصت‌های شغلی اضافی و فعالیت‌های حمایتی معیشتی ایجاد کرد تا وابستگی به منابع طبیعی را به حداقل برسد. می‌توان از طریق برنامه‌ریزی کاربری اراضی روستایی و فناوری‌های پیشرفته، تولید اقتصادی انبوهی را شکل داد تا از انتقال زمین‌های کشاورزی و خرد کردن این اراضی جلوگیری کرد و فشار حاکم بر زمین را کاهش داد و کارایی زمین‌ها و منابع طبیعی را بهبود بخشید.

شامل رشد سریع زمین‌های ساخته شده، و کاهش مداوم زمین‌های کشاورزی، جنگل‌ها و مراتع بوده است و عوامل متعددی مانند شرایط طبیعی، توسعه اجتماعی - اقتصادی و سیاست‌ها باعث انتقال سریع کاربری زمین در منطقه می‌شود. همچنین، پژوهش حاضر با پژوهش یانگ و همکاران [۵۲] هم‌راستا است از این حیث که بیان می‌کند سطوح مختلف توسعه اقتصادی و فرایند شهرنشینی، باعث شکل‌گیری انتقال کاربری زمین می‌شود که روند، شدت و جهت‌های مختلف انتقال کاربری اراضی را باعث می‌شود و تأثیرات بالفعل و بالقوه آن‌ها، مورفولوژی غالب و مغلوب کاربری زمین را به سمت رشد سوق می‌دهد.

انتقال کاربری زمین منطقه کلان‌شهری تهران، بیشتر مربوط به ساخت‌وسازها و استفاده افراطی از زمین‌ها شده است. این نتیجه هم مطابق با پژوهش پیچر و همکاران [۵۳] که بی‌عدالتی فضایی، جنگل‌زدایی، از بین رفتن بیش از حد زمین‌ها را وجود چالش‌های سیاسی - اجتماعی و آشکار نبودن پیامدهای زیست‌محیطی انتقال کاربری زمین می‌داند هم‌راستا است.

بداعت و نوآوری اصلی این پژوهش، موضوع آن است که تا کنون هیچ تحقیقی تحت عنوان انتقال کاربری زمین منطقه‌ای در ایران انجام نگرفته است و بیشتر مطالعات حول محور تغییر کاربری/پوشش زمین است. از این رو، پژوهش حاضر به توسعه دانش در زمینه کاربری زمین کمک می‌کند و با مفهومی کامل‌تر از تغییرات کمی کاربری زمین مواجه است. در واقع، تداخل و ارتباطات موجود بین کاربری‌های مختلف و توزیع فضایی آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است که باید مورد توجه قرار گیرد، چرا که تعارض‌ها میان انواع مختلف کاربری زمین، باعث تشدید انتقال کاربری زمین می‌شود و می‌تواند آسیب‌های مخربی بر محیط زیست بزند.

در مجموع، برای حل معضلات موجود در حوزه انتقال کاربری زمین باید سیاست‌های زمین از بعد کمی به بعد کیفی تغییر کند و دولت این موضوع را بیشتر از پیش جدی بگیرد تا از منابع طبیعی و زمین‌های بارز حفاظت شود. علاوه بر این، باید به منافع عمومی توجه بیشتری شود و یک سیستم شفاف اطلاعات کاربری زمین و نظارت عمومی بر سیاست‌گذاری‌ها تعبیه شود. همچنین، برای کاهش بیش از حد انتقال زمین‌های کشاورزی به زمین‌های

■ مشارکت نویسندگان

سهم نویسندگان در این مقاله یکسان بوده است.

■ تشکر و قدردانی

این مقاله حامی مالی و معنوی ندارد.

■ تعارض منافع

هیچگونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

- and long-term transitions in the dynamic south-central United States, c. 1800 to 2006. *Land Use Policy*. 2017 Nov 1;68:345-54. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2017.07.061>
- [32] Song X. Discussion on land use transition research framework. *Acta Geogr. Sin.* 2017;72(03):471-87. <https://doi.org/10.11821/dlxb201703009>
- [33] Hu X, Li H, Zhang X, Chen X, Yuan Y. Multi-dimensionality and the totality of rural spatial restructuring from the perspective of the rural space system: A case study of traditional villages in the ancient Huizhou region, China. *Habitat International*. 2019 Dec 1;94:102062. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.102062>
- [34] Ge D, Long H, Zhang Y, Ma L, Li T. Farmland transition and its influences on grain production in China. *Land Use Policy*. 2018 Jan 1;70:94-105. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2017.10.010>
- [35] Song X, Li X. Theoretical explanation and case study of regional cultivated land use function transition. *Acta Geogr. Sin.* 2019;74(5):992-1010.
- [36] Song X, Huang Y, Wu Z, Ouyang Z. Does cultivated land function transition occur in China?. *Journal of Geographical Sciences*. 2015 Jul;25:817-35. <https://doi.org/10.1007/s11442-015-1204-9>
- [37] Ge D, Long H, Zhang Y, Ma L, Li T. Farmland transition and its influences on grain production in China. *Land Use Policy*. 2018 Jan 1;70:94-105. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2017.10.010>
- [38] Qu Y, Jiang GH, Li Z, Tian Y, Wei S. Understanding rural land use transition and regional consolidation implications in China. *Land Use Policy*. 2019 Mar 1;82:742-53. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2018.11.014>
- [39] Chen, K.; Long, H.; Liao, L.; Tu, S.; Li, T. Land use transitions and urban-rural integrated development: Theoretical framework and China's evidence. *Land Use Policy* 2020, 92, 104465. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104465>
- [40] Yang L, Li Y, Yu L, Chen M, Yu M, Zhang Y. Theory and case of land use transition promoting ecological restoration in karst mountain areas of Southwest China. *Ecological Indicators*. 2024 Jan 1;158:111393. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2023.111393>
- [41] Lyu L, Gao Z, Long H, Wang X, Fan Y. Farmland use transition in a typical farming area: The case of Sihong County in the Huang-Huai-Hai Plain of China. *Land*. 2021 Mar 31;10(4):347. <https://doi.org/10.3390/land10040347>
- [42] Huang H, Zhou Y, Qian M, Zeng Z. Land use transition and driving forces in Chinese Loess Plateau: A case study from Pu County, Shanxi Province. *Land*. 2021 Jan 13;10(1):67. <https://doi.org/10.3390/land10010067>
- [43] Lou Y, Yin G, Xin Y, Xie S, Li G, Liu S, Wang X. Recessive transition mechanism of arable land use based on the perspective of coupling coordination of input-output: A case study of 31 provinces in China. *Land*. 2021 Jan 5;10(1):41. <https://doi.org/10.3390/land10010041>
- [44] Walker R T. Land use transition and deforestation in developing countries. *Geographical Analysis*, 1987, 19(1): 18-30. <https://doi.org/10.1111/j.1538-4632.1987.tb00111.x>
- [45] Mather, A.S. The forest transition. *Area* 1992, 24, 367-379. <https://www.jstor.org/stable/20003181>
- [46] Zhu, C.; Zhang, X.; Wang, K.; Yuan, S.; Yang, L.; Skitmore, M. Urban-rural construction land transition and its coupling relationship with population flow in China's urban agglomeration region. *Cities* 2020, 101, 102701. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102701>
- [47] Tian J, Wang B, Zhang C, Li W, Wang S. Mechanism of regional land use transition in underdeveloped areas of China: A case study of northeast China. *Land Use Policy*. 2020 May 1;94:104538. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104538>
- [48] Long H. Land use transitions and rural restructuring in China. Singapore: Springer; 2020 May 27. <https://link.springer.com/book/10.1007/978-981-15-4924-3>
- [49] Huang H, Zhou Y, Qian M, Zeng Z. Land use transition and driving forces in Chinese Loess Plateau: A case study from Pu County, Shanxi Province. *Land*. 2021 Jan 13;10(1):67. <https://doi.org/10.3390/land10010067>
- [50] Qu Y, Shu Y, Zong H, Si H, Yang Z, Liu T. Understanding the characteristics and realization path of urban land use transition in the bohai economic rim: an analytical framework of "Dominant-Recessive" morphology coupling. *Land*. 2021 May 6;10(5):493. <https://doi.org/10.3390/land10050493>
- [51] Lou, Y.; Yin, G.; Xin, Y.; Xie, S.; Li, G.; Liu, S.; Wang, X. Recessive Transition Mechanism of Arable Land Use Based on the Perspective of Coupling Coordination of Input-Output: A Case Study of 31 Provinces in China. *Land* 2021, 10, 41. <https://doi.org/10.3390/land10010041>.
- [52] Qu Y, Shu Y, Zong H, Si H, Yang Z, Liu T. Understanding the characteristics and realization path of urban land use transition in the bohai economic rim: an analytical framework of "Dominant-Recessive" morphology coupling. *Land*. 2021 May 6;10(5):493. <https://doi.org/10.3390/land10050493>
- [53] Pichler M, Bhan M, Gingrich S. The social and ecological costs of reforestation. Territorialization and industrialization of land use accompany forest transitions in Southeast Asia. *Land Use Policy*. 2021 Feb 1;101:105180. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.105180>

- [1] Lyu L, Gao Z, Long H, Wang X, Fan Y. Farmland use transition in a typical farming area: The case of Sihong County in the Huang-Huai-Hai Plain of China. *Land*. 2021 Mar 31;10(4):347. <https://ideas.repec.org/a/gam/jlands/v10y2021i4p347-d527142.html>
- [2] Long HL. Land use transition: A new integrated approach of land use/cover change study. *Geogr. Geo-Inf. Sci.* 2003;19:87-90.
- [3] Meyfroidt P, Lambin EF. Forest transition in Vietnam and Bhutan: Causes and environmental impacts. Reforesting landscapes: Linking pattern and process. 2010:315-39. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4020-9656-3_14
- [4] Tian J, Wang B, Zhang C, Li W, Wang S. Mechanism of regional land use transition in underdeveloped areas of China: A case study of northeast China. *Land Use Policy*. 2020 May 1;94:104538. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104538>
- [5] Mastrangelo ME, Weyland F, Villarino SH, Barral MP, Nahuelhual L, Lateral P. Concepts and methods for landscape multifunctionality and a unifying framework based on ecosystem services. *Landscape Ecology*. 2014 Feb;29:345-58. <https://doi.org/10.1007/s10980-013-9959-9>
- [6] Liu Y. Research on the urban-rural integration and rural revitalization in the new era in China. *Acta Geogr. Sin.* 2018;73(4):637-50. <https://doi.org/10.11821/dlxb201804004>
- [7] Grainger A. National land use morphology: Patterns and possibilities. *Geography*. 1995 Jul 1:235-45. <https://www.jstor.org/stable/40572668>
- [8] Grainger A. The forest transition: an alternative approach. *Area*. 1995 Sep 1:242-51. <https://www.jstor.org/stable/20003580>
- [9] Long H, Li T. The coupling characteristics and mechanism of farmland and rural housing land transition in China. *Journal of Geographical Sciences*. 2012 Jun;22:548-62. <https://doi.org/10.1007/s11442-012-0946-x>
- [10] Wang Q, Li Y, Luo G. Spatiotemporal change characteristics and driving mechanism of slope cultivated land transition in karst trough valley area of Guizhou Province, China. *Environmental Earth Sciences*. 2020 Jun;79:1-8. <https://doi.org/10.1007/s12665-020-09035-x>
- [11] Long H, Qu Y. Land use transitions and land management: A mutual feedback perspective. *Land use policy*. 2018 May 1;74:111-20. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2017.03.021>
- [12] Lyu L, Gao Z, Long H, Wang X, Fan Y. Farmland use transition in a typical farming area: The case of Sihong County in the Huang-Huai-Hai Plain of China. *Land*. 2021 Mar 31;10(4):347. <https://doi.org/10.3390/land10040347>
- [13] Foley JA, DeFries R, Asner GP, Barford C, Bonan G, Carpenter SR, Chapin FS, Coe MT, Daily GC, Gibbs HK, Helkowski JH. Global consequences of land use. *science*. 2005 Jul 22;309(5734):570-4. DOI: [10.1126/science.1111772](https://doi.org/10.1126/science.1111772)
- [14] Ojoyi MM, Mutanga O, Odindi J, Kahinda JM, Abdel-Rahman EM. Implications of land use transitions on soil nitrogen in dynamic landscapes in Tanzania. *Land Use Policy*. 2017 May 1;64:95-100. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2017.02.023>
- [15] Arai T, Akiyama T. Empirical analysis for estimating land use transition potential functions—case in the Tokyo metropolitan region. *Computers, Environment and Urban Systems*. 2004 Jan 1;28(1-2):65-84. [https://doi.org/10.1016/S0198-9715\(02\)00043-1](https://doi.org/10.1016/S0198-9715(02)00043-1)
- [16] Ferreira MP, Alves DS, Shimabukuro YE. Forest dynamics and land-use transitions in the Brazilian Atlantic Forest: the case of sugarcane expansion. *Regional Environmental Change*. 2015 Feb;15:365-77. <https://doi.org/10.1007/s10113-014-0652-6>
- [17] Jadin I, Meyfroidt P, Lambin EF. International trade, and land use intensification and spatial reorganization explain Costa Rica's forest transition. *Environmental Research Letters*. 2016 Feb 24;11(3):035005. DOI: [10.1088/1748-9326/11/3/035005](https://doi.org/10.1088/1748-9326/11/3/035005)
- [18] Liu Y, Wang L, Long H. Spatio-temporal analysis of land-use conversion in the eastern coastal China during 1996–2005. *Journal of Geographical Sciences*. 2008 Aug;18:274-82. <https://doi.org/10.1007/s11442-008-0274-3>
- [19] Long H, Qu Y. Land use transitions and land management: A mutual feedback perspective. *Land use policy*. 2018 May 1;74:111-20. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2017.03.021>
- [20] Long H. Land use policy in China: Introduction. *Land use policy*. 2014 Sep 1;40:1-5. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2014.03.006>
- [21] Chen R, Ye C, Cai Y, Xing X, Chen Q. The impact of rural out-migration on land use transition in China: Past, present and trend. *Land use policy*. 2014 Sep 1;40:101-10. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2013.10.003>
- [22] Njoh AJ. Municipal councils, international NGOs and citizen participation in public infrastructure development in rural settlements in Cameroon. *Habitat international*. 2011 Jan 1;35(1):101-10. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2010.04.001>
- [23] Long H, Ge D, Zhang Y, Tu S, Qu Y, Ma L. Changing man-land interrelations in China's farming area under urbanization and its implications for food security. *Journal of environmental management*. 2018 Mar 1;209:440-51. <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2017.12.047>
- [24] Jiang G, Zhang R, Ma W, Zhou D, Wang X, He X. Cultivated land productivity potential improvement in land consolidation schemes in Shenyang, China: Assessment and policy implications. *Land use policy*. 2017 Nov 1;68:80-8. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2017.07.001>
- [25] Long H, Li Y, Liu Y, Woods M, Zou J. Accelerated restructuring in rural China fueled by 'increasing vs. decreasing balance' land-use policy for dealing with hollowed villages. *Land use policy*. 2012 Jan 1;29(1):11-22. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2011.04.003>
- [26] Li T, Long H, Liu Y, Tu S. Multi-scale analysis of rural housing land transition under China's rapid urbanization: The case of Bohai Rim. *Habitat International*. 2015 Aug 1;48:227-38. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2015.04.002>
- [27] Gu C, Li Y, Han SS. Development and transition of small towns in rural China. *Habitat international*. 2015 Dec 1;50:110-9. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2015.08.017>
- [28] Zhu F, Zhang F, Li C, Zhu T. Functional transition of the rural settlement: Analysis of land-use differentiation in a transect of Beijing, China. *Habitat international*. 2014 Jan 1;41:262-71. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2013.07.011>
- [29] Holmes J. Impulses towards a multifunctional transition in rural Australia: Gaps in the research agenda. *Journal of rural studies*. 2006 Apr 1;22(2):142-60. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2005.08.006>
- [30] Hussain A. Demographic transition in China and its implications. *World development*. 2002 Oct 1;30(10):1823-34. [https://doi.org/10.1016/S0305-750X\(02\)00070-0](https://doi.org/10.1016/S0305-750X(02)00070-0)
- [31] Drummond MA, Griffith GE, Auch RF, Stier MP, Taylor JL, Hester DJ, Riegler JL, McBeth JL. Understanding recurrent land use processes

management, and data-driven decision-making, providing accurate data to decision-makers. This enhances decision-making quality and public services. Such advancements can lead to increased accountability, timely decisions, and transparency in governance. To support this initiative, it is essential to raise citizen awareness through training and workshops that educate residents about smart city concepts, encourage participation, create opportunities for involvement in decision-making, establish platforms for gathering citizen opinions, develop smart city projects, disseminate information about initiatives, conduct research, and create national databases as effective measures.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Abagheri Mahabadi N. Fathi S. Zare Z. Urban Smartization and Efficient Governance. Urban Economics and Planning Vol 5(2):202-217. [In Persian]

DOI: 10.22034/uep.2024.472170.1527



interviews with 19 residents of Tehran through theoretical sampling. From the interviews, 14 selective codes were identified and organized into five categories: causal conditions, strategies, intervening factors, contextual factors, and outcomes. Additionally, 133 axial codes and 668 open codes were extracted. The primary focus of this research is "smart city development in Tehran." The researcher achieved theoretical saturation after the 16th interview but continued interviewing up to the 19th participant to ensure greater reliability. Data analysis and coding were performed using MAXQDA 2020. The standards of acceptability, confirmability, reliability, and transferability were applied to evaluate the quality criteria.

Findings

Smart city development, which serves as the focal point of this research, is a process that employs modern technologies such as the Internet of Things (IoT), artificial intelligence, data analysis, and geographic information systems to improve citizens' quality of life, enhance resource efficiency, protect the environment, and streamline communication within urban settings. The identified causal conditions in this study include deficiencies in urban management and a lack of integration among organizations, economic difficulties, inadequate financial resources, urban social and environmental challenges, and a failure to meet global standards. The notion of deficiencies in urban management and the absence of organizational integration involves a technological culture and structure that is outdated, a lack of unified urban governance, political and social challenges at the management level, the absence of comprehensive strategies for city administration, unpreparedness for managing crises arising from natural disasters, and the obsolescence of traditional management practices. Economic difficulties and insufficient financial resources encompass sanctions, budget shortfalls in government funding, and a lack of private-sector investment. Social and environmental challenges include environmental degradation and resource scarcity, a mismatch between urban infrastructure and population growth, inadequate adaptation of pathways, shifts in the status of social issues, and rising social anomie. The concept of lagging behind global standards pertains to the failure to align with and adhere to international norms, regulations, and methodologies across various domains, including technology, environmental management, economic practices, and social issues. This lag can result in diminished competitiveness, backwardness, and constraints on international collaboration.

The strategies outlined in this study include establishing a foundation for smart city development, implementing knowledge management practices, creating a financing framework, and adopting modern technologies. Establishing a foundation for smart city development entails formulating, reviewing, and communicating regulations, utilizing human resources, and developing essential infrastructure and hardware. Knowledge management promotes the exchange of knowledge and experiences among members of the organization and at the city level. This sharing of knowledge fosters increased collaboration and coordination among participants and, ultimately, among organizations, leading to improved processes and more informed decision-making. The establishment of a financing framework, both from internal and external sources, is another critical strategy for realizing smart city development in Tehran. The adoption of modern technologies includes innovative training methods using advanced tools and the application of cutting-edge instruments.

Security and privacy concerns and ineffective management systems are significant intervening factors in this research. Security and privacy issues involve the potential for personal data breaches and leaks, as well as government surveillance of citizens' behavior through digital means, which diminishes trust and encourages a preference for foreign applications over domestic ones. Ineffective management systems are characterized by a lack of concern and accountability among managers in addressing urban challenges, the concentration of resources in Tehran, insufficient attention to ethical standards by managers, inadequate needs assessments before planning, inappropriate responses to current issues, a preference for foreign applications over local ones, a lack of consistency in government planning and oversight, and a failure to implement merit-based practices while underutilizing the talents and creativity of citizens.

The contextual factors identified in this study encompass optimal and integrated governance as well as transnational communications. Optimal and integrated governance within a smart city signifies the existence of a management system that ensures all organizations and ecosystems involved in smart city development function in a cohesive and aligned manner. Key components and indicators of effective governance in a city include transparency, citizen engagement, coordination, adaptability, efficiency and effectiveness, sustainability, and innovation. Transnational communications refer to the exchange of data, trade, and enhanced technical and cultural collaborations between cities and countries. The advantages of transnational communications include the sharing of experiences and knowledge, collaboration on joint initiatives, and the attraction of foreign investments.

The impacts of smart city development discussed in this research include both positive and negative effects. Positive impacts are reflected in social aspects (such as the convergence of urban information, increased job opportunities, improved social security, enhanced social capital, mitigation of urban challenges, sustainable urban growth, and the establishment of integrated management) as well as in individual aspects (including easier access to urban services, development of communication networks, enhanced quality of personal life, opportunities for social mobility, and easier access to knowledge). Conversely, negative impacts encompass social consequences (such as an excessive reliance on technology within national structures, the displacement of certain jobs, and the diminishing of traditional practices) and individual consequences (including the emergence of new risks, sedentary behavior, and related health issues, reduced soft skills, and a rise in psychological disorders).

Conclusion

The development of smart cities plays a vital role in achieving sustainable development and enhancing residents' quality of life. This concept is realized through information and communication technologies aimed at improving urban management, increasing transparency, fostering citizen engagement, and optimizing resources. Consequently, effective governance in smart city development promotes greater transparency and citizen involvement in decision-making, streamlines processes to reduce bureaucracy, enhances communication, and establishes suitable regulations. Additional benefits include advancements in electronic urban services, cost savings, intelligent traffic management, reduced congestion, improved public transport safety and efficiency, effective waste management, smart energy management, efficient water resource

Urban Smartization and Efficient Governance

Original Article

Noushin Abagheri Mahabadi¹, Soroush Fathi^{2*}, Zahra Zare³

1- Ph.D candidate of Sociology, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2- Associate Professor, Department of Sociology, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3- Assistant Professor, Department of Sociology, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-08-08

Revised: 2024-09-02

Accepted: 2024-09-07

Keywords

Efficient Governance

Smart City

Smartization

Urban Management

ABSTRACT

Introduction

A smart city leverages cutting-edge technologies to deliver automated and efficient services, ultimately enhancing its citizens' lifestyles and quality of life. While smart cities are characterized by three key aspects - institutional factors, technological factors, and human factors - it is the integrated amalgamation of these three elements that give rise to the six core components of a smart city, categorised as smart economy, smart people, smart governance, smart living, smart mobility, and smart environment. These six components serve as effective tools for governments to operate more efficiently within the framework of sound management and governance practices. Historically, urban development trajectories have demonstrated that a city's intelligence relies not solely on innovative technological factors but, more crucially, on the intelligent management and coordination of various urban domains and stakeholders. Smart governance holds a position of high importance among other smart city pillars, owing to its prominent role in policymaking, planning, fostering public participation, and providing public services, as well as its significant contribution to shaping the foundational elements of a smart city. This importance is so pronounced that some experts posit that smart cities are initiated through smart governance. Urban managers must recognize that technology alone is insufficient to make a city smarter; rather, building a smart city necessitates a political understanding and application of technology.

Consequently, we conclude that the implementation of smart city development is an absolute necessity due to its immense potential, as it enables effective governance. This is because its foundation is built upon the smart participation of citizens through information and communication technologies. Smart city development empowers city authorities to engage in direct interaction with society and urban infrastructure, which can shape a highly effective management approach. Such an approach can mitigate administrative corruption, facilitate proper oversight, enable immediate responses to challenges, prevent resource wastage, and more. Ultimately, this can culminate in efficient governance and earn citizens' trust. It is crucial to recognize that this method of city management is an ongoing process, not a project or a final objective. The present study underscores the importance of efficient governance predicated on smart city development. This research aims to propose macro-level strategies for realizing the vision of the role of smart city development in efficient governance, as perceived by the citizens of Tehran. The primary question driving this research is the impact of smart city development on efficient governance from the citizens' perspective.

Materials and Methods

This study employed the grounded theory approach as formulated by Strauss and Corbin, emphasizing open coding, axial coding, and selective coding, and conducted in-depth, semi-structured

* Corresponding author: fathi_soroush@gmail.com

نقش هوشمندسازی شهر در حکمروایی کارآمد

مقاله پژوهشی

نوشین آباقری مهابادی^۱؛ دکتر سروش فتحی^{۲*}؛ زهرا زارع^۳

- ۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 ۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 ۳- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه

شهر هوشمند شهری است که فناوری‌های مدرن را برای خدمات خودکار و کارآمد یکپارچه می‌سازد تا سبک و کیفیت زندگی شهروندان را بهبود بخشد. در حالی که سه جنبه مهم شهر هوشمند شامل عوامل نهادی، عوامل فناوری و عوامل انسانی است، در ادغام یکپارچه این سه عامل است که شش مؤلفه اصلی شهر هوشمند تحت عناوین اقتصاد هوشمند، مردم هوشمند، حکمروایی هوشمند، زندگی هوشمند، پویایی هوشمند و محیط زیست هوشمند شکل می‌گیرد. این شش مؤلفه ابزار کارآمد کردن دولت در لوای مدیریت و حکمروایی شایسته است. از نظر تاریخی، توسعه شهری نشان می‌دهد هوشمندی یک شهر نه تنها به عوامل فناوری نوآورانه متکی است، بلکه مهم‌تر از آن به مدیریت و هماهنگی هوشمندانه حوزه‌های مختلف شهری و بازیگران شهری متکی است. حکمروایی هوشمند در میان سایر محورهای شهر هوشمند از یک سو به دلیل نقش بارزی که در امر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، جلب مشارکت عمومی و تأمین و ارائه خدمات عمومی به عهده داشته و از سوی دیگر به واسطه نقش مهمی که در شکل‌گیری بنیان‌های اصلی شهر هوشمند دارد از اهمیت بالایی برخوردار است. این اهمیت تا جایی است که به نظر برخی صاحب‌نظران، شهرهای هوشمند با حاکمیت هوشمند آغاز می‌شوند. مدیران شهری باید بدانند که فناوری به خودی خود شهری را هوشمندتر نخواهد کرد، بلکه ساخت شهر هوشمند نیازمند درک سیاسی از فناوری است. از این رو نتیجه می‌گیریم که هوشمندسازی شهر به دلیل پتانسیل بالا ضرورت به کارگیری آن کاملاً احساس می‌شود و باعث کارآمدی در حکمروایی می‌شود زیرا مبنای آن مشارکت هوشمند شهروندان در نگاه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات شکل می‌گیرد. هوشمندسازی شهرها به مقامات شهرها امکان تعامل مستقیم با جامعه و زیرساخت‌های شهری را می‌دهد و این موضوع می‌تواند رویه مدیریت اثربخشی را رقم زند که باعث کاهش فساد اداری، نظارت درست، امکان پاسخ‌دهی‌های آنی به چالش‌ها، جلوگیری از هدررفت منابع و غیره را میسر کند که می‌تواند به کارآمدی در حکمروایی و جلب اعتماد در شهروندان منجر شود. باید به این نکته توجه داشت که این شیوه اداره شهرهای کشور یک فرایند است و نه یک پروژه، هدف و مقصد نهایی. مطالعه حاضر تأکید بر حکمروایی کارآمد بر مبنای هوشمندسازی شهر است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر ارائه راهبردهای کلان تحقق چشم‌انداز نقش هوشمندسازی شهر در حکمروایی کارآمد از دید شهروندان تهرانی است. سؤال اصلی در این پژوهش آن است که هوشمندسازی شهر در حکمروایی کارآمد از نظر شهروندان چه تأثیری دارد.

مواد و روش‌ها

این تحقیق با استفاده از روش گراند تئوری اشتراوس و کوربین با محوریت کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی و با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۱۹ نفر از شهروندان

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۸
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

کلمات کلیدی

حکمروایی کارآمد
 شهر هوشمند
 مدیریت شهری
 هوشمندسازی

تهران، توجه کم مدیران به اخلاق‌مداری، عدم نیازسنجی قبل برنامه و پاسخ نامناسب به مسائل موجود، ترجیح اپلیکیشن خارجی به داخلی، عدم استمرار در برنامه‌ریزی و نظارت دولت، عدم شایسته‌سالاری و ضعف استفاده از نخبگان و خلایق شهروندان است.

شرایط زمینه‌ای در این پژوهش شامل حکمرانی مطلوب و یکپارچه و ارتباطات فرامرزی است. حکمرانی مطلوب و یکپارچه در شهر هوشمند به معنای داشتن یک سیستم مدیریتی که اطمینان حاصل کند تمامی ارگان‌ها و بوم‌های مرتبط با توسعه شهر هوشمند، به صورت هماهنگ و همسو عمل کنند. مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی مطلوب در یک شهر شامل شفافیت، مشارکت شهروندی، هماهنگی، انعطاف‌پذیری، کارایی و اثربخشی، پایداری و نوآوری است. ارتباطات فرامرزی شامل تبادل داده‌ها، تجارت، همکاری‌های فنی و فرهنگی بیشتر بین شهرها و کشورها می‌شود. اشتراک تجارب و دانش، همکاری در پروژه‌های مشترک و جذب سرمایه‌گذاری خارجی از مزایای ارتباطات فرامرزی است.

پیامدهای هوشمندسازی در این پژوهش شامل پیامدهای مثبت و منفی است. پیامدهای مثبت هم در ابعاد اجتماعی (همگرایی اطلاعات شهری، افزایش فرصت‌های شغلی، افزایش امنیت اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی، کاهش مشکلات شهری، توسعه پایدار شهر و ایجاد مدیریت یکپارچه) هم در ابعاد فردی (سهولت دسترسی به خدمات شهری، توسعه شبکه ارتباطی، افزایش کیفیت زندگی فردی، امکان پیشرفت اجتماعی و سهولت دسترسی به دانش) است. پیامدهای منفی هم شامل تبعات اجتماعی (وابستگی مفرط ساختارهای کشور به فناوری، حذف برخی مشاغل و از بین رفتن سنت‌ها) و هم تبعات فردی (ایجاد آسیب‌های نوپدید، کم تحرکی و مشکلات جسمی و کاهش مهارت‌های نرم و افزایش اختلالات روان‌شناختی) است.

نتیجه‌گیری

هوشمندسازی در حکمروایی شهری نقش مهمی در توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی شهروندان دارد. این مفهوم، با استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، به منظور بهبود مدیریت شهری، افزایش شفافیت، مشارکت شهروندان و بهینه‌سازی منابع شهری شکل می‌گیرد. پس به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که حکمروایی کارآمد در بستر هوشمندسازی می‌تواند باعث ترویج شفافیت و مشارکت بیشتر شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای برنامه‌ها، کاهش بروکراسی با ساده‌سازی فرایندها، بهبود ارتباطات و تنظیم مقررات مناسب در حوزه مدیریت شهری می‌شود. از دیگر دستاوردهای آن، توسعه خدمات الکترونیک شهری و کاهش هزینه‌ها، مدیریت ترافیک و حمل‌ونقل هوشمند، کاهش ترافیک، بهبود ایمنی و کارآمدی حمل‌ونقل عمومی، مدیریت پسماندها، مدیریت و هوشمندسازی شبکه‌های انرژی، مدیریت منابع آبی و جلوگیری از هدررفت منابع آبی، مدیریت بهره‌وری، تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات از جمله ارائه داده‌ها و آمارهای دقیق و به‌روز به حکمرانان و افزایش کیفیت تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها، بهبود خدمات عمومی است که می‌تواند به افزایش پاسخ‌گویی، تصمیمات به‌موقع و مناسب و شفافیت در اداره شهر منجر شود. برای هموار کردن این مسیر نیاز به ترویج آگاهی شهروندان از جمله برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌ها برای آگاهی‌بخشی به شهروندان در مورد مفاهیم هوشمندسازی، تشویق به مشارکت شهروندان و ایجاد فرصت‌های مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با شهر، ایجاد پلتفرم‌های الکترونیکی برای دریافت نظرات و پیشنهادها، شهروندان، توسعه پروژه‌های هوشمندسازی و اطلاع‌رسانی در خصوص آن، تحقیق و پژوهش و ایجاد پایگاه داده‌های ملی از راهکارهای اثرگذار در این مسیر است.

تهرانی با نمونه‌گیری به روش نظری بوده است. ۱۴ کد‌گزینی در پنج دسته شرایط علی، راهبردها، مداخله‌گر، زمینه‌ای و پیامدها و ۱۳۳ کد محوری و ۶۶۸ کد باز از مجموع مصاحبه‌ها استخراج شد و پدیده محوری در این پژوهش «هوشمندسازی شهر تهران» است. محقق از مصاحبه شماره ۱۶ به اشباع نظری رسید، اما برای اطمینان بیشتر مصاحبه را تا نفر ۱۹ ادامه داد. تحلیل داده‌ها و کدگذاری با نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰۲۰ است. برای ارزیابی معیارهای کیفیت معیار مقبولیت، قابلیت تأیید، قابلیت اعتماد و معیار انتقال‌پذیری انجام شد.

یافته‌ها

هوشمندسازی شهر به عنوان پدیده محوری در این پژوهش فرایندی است که با استفاده از فناوری‌های نوین مانند اینترنت اشیا، هوش مصنوعی، تحلیل داده‌ها و سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی به منظور بهبود کیفیت زندگی شهروندان، بهره‌وری منابع، حفظ محیط زیست و تسهیل ارتباطات در شهرها انجام می‌شود.

شرایط علی در این پژوهش ضعف در مدیریت شهر و عدم یکپارچگی بین سازمان‌ها، مشکلات اقتصادی و کمبود منابع مالی، مشکلات اجتماعی و زیست‌محیطی شهری و عقب‌ماندگی از استانداردهای جهانی است. مفهوم ضعف در مدیریت شهر و عدم یکپارچگی بین سازمان‌ها شامل فرهنگ و ساختار عقب‌مانده از تکنولوژی، عدم مدیریت واحد شهری، مشکلات سیاسی و اجتماعی در سطح مدیریتی جامعه، نبود استراتژی‌های جامع در اداره شهر، عدم آمادگی مدیریت شهر در بحران بلایای طبیعی و منسوخ شدن مدیریت سنتی است. مفهوم مشکلات اقتصادی و کمبود منابع مالی شامل تحریم، کسری بودجه در منابع دولتی و کمبود سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی است. مفهوم مشکلات اجتماعی و زیست‌محیطی شامل مشکلات زیست‌محیطی و کمبود منابع، عدم تناسب زیرساخت شهری با جمعیت و عدم مناسب‌سازی معابر، تغییر وضعیت آسیب‌های اجتماعی و افزایش آلودگی است. مفهوم عقب‌ماندگی از استانداردهای جهانی به معنای عدم تطابق و پیروی از استانداردها، مقررات و رویکردهای بین‌المللی است که در زمینه‌های مختلفی از جمله فناوری، محیط زیست، اقتصاد و اجتماعی وجود دارند. این عقب‌ماندگی می‌تواند باعث کاهش رقابت‌پذیری، عقب‌ماندگی و محدودیت همکاری بین‌المللی شود.

راهبردها در این پژوهش شامل بسترسازی برای هوشمندسازی، پیاده‌سازی مدیریت دانش، ایجاد بستر تأمین مالی و بهره‌گیری از فناوری نوین است. بسترسازی برای هوشمندسازی ایجاد، بازنگری و اطلاع‌رسانی قوانین، بهره‌گیری از سرمایه انسانی و بسترسازی زیرساختی و سخت‌افزاری است. مدیریت دانش به اشتراک‌گذاری دانش و تجربیات بین اعضای سازمان و در سطح کلان‌شهر کمک می‌کند. این اشتراک دانش باعث افزایش همکاری و هماهنگی بین اعضا و در نهایت سازمان‌ها می‌شود و بهبود فرایندها و اتخاذ تصمیمات بهتر را تسهیل می‌کند. ایجاد بستر تأمین مالی هم در داخل و هم از خارج از دیگر راهبردهای تحقق هوشمندسازی در شهر تهران است. بهره‌گیری از فناوری نوین شامل آموزش‌های نوین با ابزار نوین و بهره‌گیری از ابزارهای نوین است.

نگرانی امنیتی و حریم خصوصی و سیستم مدیریت ناکارآمد از عوامل مداخله‌گر در این پژوهش است. نگرانی امنیتی و حریم خصوصی شامل آسیب‌های شدن اطلاعات شخصی افراد و نشت اطلاعات، رصد کردن رفتار شهروند توسط دولت از طریق ابزارهای دیجیتال که باعث ایجاد اعتماد کمتر و ترجیح اپلیکیشن‌های خارجی نسبت به داخلی است از دیگر مصادیق این امر است. سیستم مدیریت ناکارآمد به معنای پایین بودن دغدغه‌مندی و مسئولیت‌پذیری مدیران در حل مشکلات شهری، تمرکز امکانات در شهر

مقدمه

بالا ضرورت به کارگیری آن کاملاً احساس می‌شود و باعث کارآمدی در حکمروایی می‌شود، زیرا مبنای آن مشارکت هوشمند شهروندان از درگاه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات شکل می‌گیرد [۵]. هوشمندسازی شهرها در قالب حکمروایی در زمان حاضر در مجامع بین‌المللی و محافل کارشناسی تنها راه خروج از بن‌بست فقر و توسعه‌نیافتگی شهرها تلقی می‌شود و مدیریت شهری چاره‌ای جز اجرای آن ندارد [۶].

در سال‌های اخیر نیز موضوع شهر هوشمند در ایران همواره مطرح بوده و برخی از شهرهای آن نیز به عنوان شهرهای هوشمند ایران معرفی شدند. با این حال، طبق مطالعات محقق در این حوزه و بررسی مقالات مختلف در سطح کشور نشان می‌دهد این شهرها هنوز با شاخص‌های شهر هوشمند فاصله دارند و لزوم ارتقای فناوری، ایجاد زیرساخت، تغییر در رویه‌های مدیریتی کشور و غیره در این زمینه احساس می‌شود. هوشمندسازی شهرها به مقامات شهرها امکان تعامل مستقیم با جامعه و زیرساخت‌های شهری را می‌دهد و این موضوع می‌تواند رویه مدیریت اثربخشی را رقم زند که باعث کاهش فساد اداری، نظارت درست، امکان پاسخ‌دهی‌های آتی به چالش‌ها، جلوگیری از هدررفت منابع و غیره را میسر کند که می‌تواند به کارآمدی در حکمروایی و جلب اعتماد در شهروندان منجر شود. باید به این نکته توجه داشت که این شیوه اداره شهرهای کشور یک فرایند است و نه یک پروژه، هدف و مقصد نهایی. مطالعه حاضر تأکید بر حکمروایی کارآمد بر مبنای هوشمندسازی شهر است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر ارائه راهبردهای کلان تحقق چشم‌انداز نقش هوشمندسازی شهر در حکمروایی کارآمد از دید شهروندان تهرانی است. سؤال اصلی در این پژوهش آن است که هوشمندسازی شهر در حکمروایی کارآمد از نظر شهروندان چه تأثیری دارد؟ این پژوهش بر آن است به سؤالات زیر از دید شهروندان تهرانی پاسخ دهد:

- عوامل علی تأثیرگذار در نقش هوشمندسازی شهر در حکمروایی کارآمد در شهر تهران چیست؟
- چه راهبردهایی برای نقش هوشمندسازی شهر در حکمروایی کارآمد در شهر تهران وجود دارد؟
- عوامل مداخله‌گر در راهبردهای پیشنهادی شهروندان در نقش هوشمندسازی شهر در حکمروایی کارآمد در شهر تهران چیست؟
- چه عوامل زمینه‌ای در نقش هوشمندسازی شهر در حکمروایی کارآمد در شهر تهران وجود دارد؟
- پیامدهای تأثیرگذار در نقش هوشمندسازی شهر در حکمروایی کارآمد در شهر تهران چیست؟

پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های پیشین در حوزه حکمروایی و هوشمندی شهر در زیر به آن‌ها اشاره شده است. باستس و همکاران [۷] در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌های شهر هوشمند برای ترویج مشارکت شهروندان در مدیریت و حکمرانی شهر: بررسی سیستماتیک» به توسعه کاربردهای شهر هوشمند برای ارتقای مشارکت شهروندان در مدیریت و حکمرانی شهر می‌پردازد. اهداف مطالعات تحقیقاتی با استفاده از زیرساخت‌های شهر هوشمند برای ارتقای مشارکت شهروندان در مدیریت و حکمرانی شهرها و همچنین، بررسی ویژگی راه حل‌های پیشنهادی از نظر منابع داده، کیفیت داده‌ها و مکانیسم امنیت داده‌ها و حفظ حریم خصوصی نیز به عنوان استراتژی‌هایی برای تشویق شهروندان به مشارکت است. اکثر مطالعات وارد شده، شهروندان را به عنوان عواملی در نظر گرفتند که می‌توانند مسائل را گزارش کنند (به عنوان مثال، مسائل مربوط به نگهداری زیرساخت‌های شهری یا تحرک در فضاهای شهری)، نظارت بر پارامترهای محیطی خاص (به عنوان مثال، آلودگی هوا یا صوتی) و به اشتراک گذاشتن نظرات (به عنوان مثال، نظرات در مورد عملکرد مقامات محلی برای حمایت از مدیریت شهری)، علاوه بر این، اقلیتی از مطالعات وارد شده، برنامه‌های

یکی از مقوله‌های مهم در شهرهای امروز، موضوع رشد سریع جمعیت و به تبع آن، گسترش شتابان شهرهاست که به دلیل نبود برنامه و مدیریتی کارآمد، با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شده‌اند و از طرفی، مدیران دیگر با روش‌های سنتی قادر به اداره شهرها نیستند. در پاسخ‌گویی به این مسائل و مشکلات، مفاهیم و رویکردهای جدیدی برای توسعه‌های آتی مطرح شده است. از جمله این رویکردها، شهر الکترونیک، شهر دیجیتال، شهر خلاق، شهر هوشمند و... است. هم‌اکنون مفهوم جدیدی که در سال‌های اخیر با محوریت استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای توسعه کیفی زندگی شهری و پایداری آن مطرح است تئوری ایجاد شهرهای هوشمند است.

شهر هوشمند شهری است که فناوری‌های مدرن را برای خدمات خودکار و کارآمد یکپارچه می‌سازد تا سبک و کیفیت زندگی شهروندان را بهبود بخشد. در حالی که سه جنبه مهم شهر هوشمند شامل عوامل نهادی، عوامل فناوری و عوامل انسانی است، در ادغام یکپارچه این سه عامل است که شش مؤلفه اصلی شهر هوشمند تحت عناوین اقتصاد هوشمند، مردم هوشمند، حکمروایی هوشمند، زندگی هوشمند، پویایی هوشمند و محیط زیست هوشمند شکل می‌گیرد. مؤلفه‌هایی که فصل مشترک نگاه اندیشمندان مختلف شهرهای هوشمند دنیا است. این شش مؤلفه ابزار کارآمد کردن دولت در لواي مدیریت و حکمروایی شایسته است. در وراي چنین نگاهی، دولتمردان با کمک برنامه‌ریزان شهری و فناوریان دست به ایجاد شهرهای هوشمند جدید و یا هوشمندسازی شهرهای فعلی کرده‌اند. حکمروایی هوشمند در میان سایر محورهای شهر هوشمند از یک سو به دلیل نقش بارزی که در امر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، جلب مشارکت عمومی و تأمین و ارائه خدمات عمومی به عهده دارد، و از سوی دیگر به واسطه نقش مهمی که در شکل‌گیری بنیان‌های اصلی شهر هوشمند دارد از اهمیت بالایی برخوردار است. این اهمیت تا جایی است که به نظر برخی صاحب‌نظران، شهرهای هوشمند با حاکمیت هوشمند آغاز می‌شوند. در واقع، به دلیل آنکه الگوی مدیریت شهری سنتی با شکل‌گیری تحولات سیاسی و تغییر و تحولات در حوزه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در دهه‌های پایانی قرن بیستم و افزایش چالش‌ها و مشکلات مناطق شهری و ناتوانی مدیران و سیاست‌گذاران برای حل یا کاهش آن‌ها، مورد انتقادات وسیعی قرار گرفته است. در چنین شرایطی است که الگوی حکمروایی شهری به عنوان بدیلی برای الگوی سنتی مدیریت شهری از سوی اندیشمندان و به‌ویژه سازمان‌های جهانی و بین‌المللی ارائه شد که به نوعی تأکید بر گذار از نقش ساختارهای رسمی به عنوان محور تصمیم‌گیری به سوی نقش‌یابی جامعه مدنی در اعمال حقوق دموکراتیک و انجام وظایف است [۱]. در واقع، شهرهای هوشمند در کشورهای در حال توسعه تنها زمانی تحقق می‌یابد که اصلاحات هم‌زمان اجتماعی-اقتصادی، انسانی، قانونی و مقرراتی وضع شوند. دولت‌ها باید تلاش خود را برای برآورده کردن نیازهای زیربنایی شهروندان، افزایش درآمدهای بیشتر، ایجاد چارچوب‌های نظارتی شفاف برای کاهش ریسک‌های تکنولوژیکی موجود، توسعه سرمایه انسانی و ترویج پایداری محیط زیست، افزایش دهند [۲]. از نظر تاریخی، توسعه شهری نشان می‌دهد هوشمندی یک شهر نه تنها به عوامل فناوری نوآورانه متکی است، بلکه مهم‌تر از آن به مدیریت و هماهنگی هوشمندانه حوزه‌های مختلف شهری و بازیگران شهری متکی است، به بیان دیگر، حکمروایی شهری با چشم‌انداز هوشمند و ساختار بهینه دولت، مشارکت جامعه و سیاست‌ها، ابتکارات، مشارکت شهری برای عملکرد روان شهری ضروری است [۳]. مدیران شهری باید بدانند که فناوری به خودی خود شهری را هوشمندتر نخواهد کرد، بلکه ساخت شهر هوشمند نیازمند درک سیاسی از فناوری است [۴]. هوشمندسازی شهر بیشتر متکی بر دانش و اطلاعات تولیدشده توسط تکنولوژی است و ادغام آن با حکمروایی یک روش اجتماعی فنی را برای تولید دانش جهت اداره شهرها در عصر هوشمند را ترویج می‌کند. از این‌رو، نتیجه می‌گیریم که هوشمندسازی شهر به دلیل پتانسیل

می‌شود که اصل عدالت و برابری با مفهوم ایجاد فرصت‌های مناسب برای همه و تخصیص عادلانه منابع اجرایی شود [۱۳] و شهر هوشمند شهری است که تعامل دموکراتیک در سطح شهری و ملی (حکومت هوشمند) را فراهم می‌کند.

در نظریه ساختارگرایی، ساختار، یک رویکرد نظریه‌ای است که از طریق زبان‌شناسی و فلسفه آن وارد ادبیات جغرافیایی شده است. هر ساختاری از عوامل و عناصری تشکیل می‌شود و رفتار ما را تشکیل می‌دهد. چشم‌اندازهای جغرافیایی، به وسیله عاملان یا بازیگران آگاه صحنه‌های جغرافیایی به وجود می‌آید و در داخل یک رشته میانجی، نظیر نهادها صورت می‌گیرد [۱۴]. این نهادها، عملکرد انسان‌ها را توانمند و یا با ایجاد موانع آن‌ها را در تنگنا قرار می‌دهد. جغرافیای ساختاری، دوگانگی، روابط متقابل میان ساختار و عاملیت (انسان) و پیوستگی میان این دو در زمان و فضا را تبیین می‌کند [۱۵]. بر اساس جامعه‌شناسی تغییر ساختارها ثابت نیستند و طی زمان تغییر می‌کنند و به قول دریدا همواره ساختارها به خود خیانت می‌کنند و خود را در هم می‌شکنند و ساختار شکنی در پدیده‌ی درست مانند اسطوره‌زدایی بارتی می‌تواند پوچی و تصنعی بودن ساختارها را رسوا کند. تالکوت پارسونز تغییر ساختاری را دلالت بر تغییرات بنیادی در نظام و ساختارها و کارکردهای جامعه می‌داند (همان) که به واسطه آن یک جامعه تبدیل به جامعه‌ای از نوعی دیگر می‌شود. به عقیده پارسونز گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی یا از جامعه صنعتی فتودالی به صنعتی از نوع تغییرات ساختاری هستند. در همین راستا تغییر از مدیریت شهری تمرکزگرا به سوی مدیریت بر مبنای فناوری اطلاعات و حکمروایی شهری از جمله تغییرات ساختاری به شمار می‌آید. به تعبیر کاستلز جامعه شبکه‌های جهانی، جامعه‌ای است که ساختارهای اجتماعی آن پیرامون شبکه‌های فعال شده از طریق فناوری‌های اطلاعاتی، ارتباطی و پردازش شده دیجیتال و مبتنی بر میکروالکترونیک شکل گرفته است [۱۶]. کاستلز در کتاب شهر اطلاعاتی (۱۹۹۳) معتقد است جهانی نو در حال شکل‌گیری است، جهانی که بر اثر تقارن سه فرایند مستقل انقلاب تکنولوژی اطلاعات، بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری، دولت‌سالاری پدیدار شده است [۱۶]. از نظر کاستلز، شبکه‌ها ریخت اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند. در حالی که شکل شبکه‌های سازمان اجتماعی در دیگر زمان‌ها و مکان‌ها نیز وجود داشته است [۱۵]. در رابطه شبکه‌ای به خلاف رابطه سلسله‌مراتبی همه اجزا در شبکه با هم ارتباطی هم‌ارز و همسطح دارند. همه دانا هستند. تنوع در دانایی هست، اما اولویت در دانایی پذیرفته شده نیست. پس از آنکه تغییر فرهنگی زمینه‌ساز اندیشه شبکه‌ای شد باید ساختارها به کمک فناوری‌های جدید و به صورت شبکه سازماندهی شوند و اجزای شبکه با فناوری‌های ارتباطی به هم پیوندند و تفکر سلسله‌مراتبی که ریشه تاریخی در جوامع دارد فراموش شود. دوری فیزیکی اجزای شبکه‌ها به یاری ارتباطات هوشمند و الکترونیک از بین می‌رود و واحدهای محلی، منطقه‌ای، ملی و فراملی با یکدیگر مرتب می‌شوند. البته باید به خاطر داشت آنچه ساختار شبکه‌ای را از سایر ساختارها متمایز می‌سازد ارتباطات منعطف، نامتمرکز، غیر سلسله‌مراتبی و ساده و سهل است [۱۷].

شهر هوشمند تئوری افزایش کیفیت زندگی را هم‌زمان با توسعه دستگاه‌های الکترونیکی در شهر مد نظر قرار می‌دهد و مباحث توسعه پایدار را به همراه حکومت مشارکتی در مدیریت شهری مطرح می‌سازد. با توجه به مطالب یادشده می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که حکمروایی کارآمد شهری و شهر هوشمند به شکل عمده‌ای متأثر از نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز هستند و فصل مشترک آن‌ها ایجاد بستر حکومت مشارکتی و پاسخ‌گویی است [۱۵].

کاربرد مشترکی را برای مشارکت شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی شهری توسعه دادند.

محمدی ده چشمه و مرادی [۸] در پژوهشی با عنوان «راهبردهای تحقق چشم‌انداز حکمروایی هوشمند در شهرهای ایران» به روش پیمایشی پرداخته نتایج به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان می‌دهد بیشترین تحقق‌پذیری در مورد شاخص‌های عوامل انسانی - اجتماعی، عوامل تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی هوشمند و عوامل مدیریتی زیرساختی است که در این شاخص‌ها، متغیرهای دانش و آگاهی شهروندان، تسهیل مداخله شهروندان در روند توسعه محلی و آینده‌نگاری پروژه‌های شهری با بینش راهبردی مشخص همگی دارای بیشترین تحقق‌پذیری هستند.

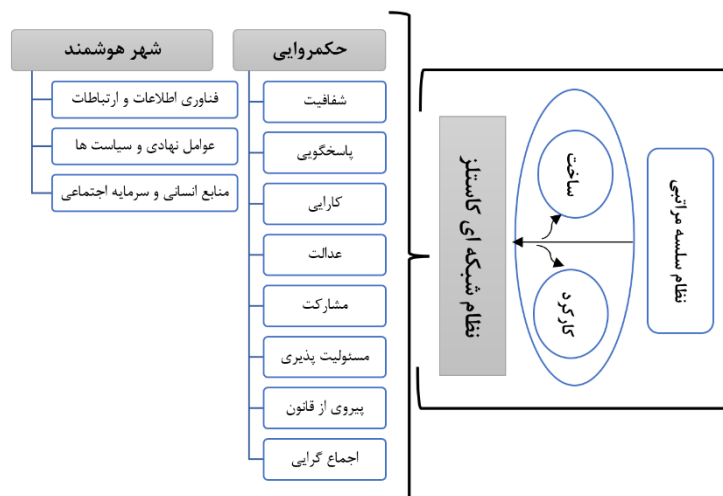
بلوچی و همکاران [۹] در بررسی «طراحی الگویی برای شهر هوشمند با الهام از مفروضات خدمات دولتی نوین و ارزیابی مؤلفه‌های زیرساختی آن در شهرداری بندرعباس» به روش ترکیبی کمی و کیفی پرداخت. یافته‌های مرحله کیفی حاکی از آن است که لازمه تحقق شهر هوشمند، ایجاد زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (زیرساخت هوشمند خدمات هوشمند)، توجه به بعد جامعه (مشارکت سرمایه‌های انسانی و اجتماعی) و مدیریت یکپارچه شهری و مبتنی بر مفروضات خدمات دولتی نوین (در سطح خرد شهرداری‌ها و سیاست‌گذاران کلان) است و تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحله کمی بیانگر آن است که شهر بندرعباس از تمام زمینه‌های فنی، انسانی و مدیریتی در وضع نامطلوبی قرار دارد. همچنین، نبود زیرساخت‌های انسانی و نهادی (مدیریتی) لازم، موانع و محدودیت‌های بیشتری در مسیر هوشمندسازی شهر بندرعباس قرار داده است.

خمجانی و همکاران [۱۰] در پژوهشی با عنوان «تحلیل تطبیقی حکمروایی خوب شهری (مطالعه موردی: مناطق ۲ و ۱۰ شهر تهران)» نشان دادند میانگین مطلوبیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در منطقه ۱۰ شهر تهران کمتر از حد متوسط بوده، بنابراین منطقه از وضعیت نامناسب و نامطلوبی از حکمروایی برخوردار است. نتایج پژوهش یادشده نشان می‌دهد منطقه ۲ وضعیت بهتری داشته و منطقه ۱۰ در اولویت اول برای بهبود شرایط اجرای حکمروایی خوب شهری است.

هاشمی و همکاران [۱۱] در پژوهشی با عنوان «نسبت سنجی حکمروایی خوب و شهر هوشمند (مطالعه موردی شهر تهران)» به روش توصیفی - تحلیلی نتایج نشان داد اگرچه کشورهای فراوانی در دنیا به سوی اتخاذ پارادایم شهر هوشمند در راستای ارتقای کارایی و پاسخ‌گویی مدیریت کلان‌شهرها قدم برداشته‌اند، اما ایران هنوز نتوانسته است حتی در پایتخت که مهم‌ترین کلان‌شهر آن به شمار می‌رود، این پارادایم مدیریت کلان‌شهری را انتخاب و اجرا کند.

■ مبانی نظری

حکمروایی شهری آن نظام مطلوبی است که در مدیریت ساختاری شهرها به آن تأکید می‌شود و با زیرمؤلفه‌های تمرکززدایی، پاسخ‌گویی، شفافیت، مشارکت، عدالت و دربرگیرندگی، اجماع‌گرایی، کارایی و کارآمدی، ضابطه‌مندی مطرح است. اصول حکمروایی به صورت زنجیره‌ای بهم متصل هستند و اجرایی شدن هر یک مستلزم اجرای سایر اصول خواهد بود [۱۲]. به طور مثال نقش مردم به منزله حسابرسان جامعه (شفافیت) و تأثیرگذاریشان بر تصمیم‌گیری‌ها (مشارکت) در کنار پاسخ‌گویی به عنوان اهرم کنترلی مسئولان و تصمیم‌گیرندگان قرار می‌گیرد و در ادامه این رابطه درست و قانونمند است که این نظام مشروعیت می‌یابد. همچنین، کارایی و اثربخشی به معنای استفاده مطلوب منابع و برآورده کردن همه نیازهای جامعه زمانی محقق



شکل ۱. مفهوم شهر هوشمند و حکروایی شهر [۱۵]

«هوشمندسازی شهر تهران» است. محقق از مصاحبه شماره ۱۶ به اشباع نظری رسید، اما برای اطمینان بیشتر مصاحبه را تا نفر ۱۹ ادامه داد. یعنی گردآوری اطلاعات را تا زمانی ادامه دادیم که افزایش اطلاعات، مفاهیم، مقوله‌ها و خرده‌مقوله‌های نوینی به دست نیاید. اطلاعات از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، مصاحبه عمیق اکتشافی و نیمه‌ساختاریافته با افراد نمونه جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها و کدگذاری با نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰۲۰ است. برای ارزیابی معیارهای کیفیت معیار مقبولیت (بررسی فرایند کار در زمان بلندمدت زیر نظر اساتید محترم راهنما و مشاور)، معیار قابلیت تأیید (بازنگری کدها توسط دو نفر متخصص آشنا با موضوع مورد مطالعه)، معیار قابلیت اعتماد (بازنگری نتایج توسط سه نفر از شرکت‌کنندگان مطلع و مشرف به موضوع) و معیار انتقال‌پذیری (بازنگری نتایج با دو نفر با تجربه مشابه با مشارکت‌کنندگان در خارج از پژوهش) انجام شد.

یافته‌ها

پدیده محوری

پدیده محوری در روش گراند تئوری به عنوان یک مفهوم کلیدی عمل می‌کند که طی فرایند تحقیق به دست می‌آید و به عنوان راهنمایی برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های بیشتر عمل می‌کند. این پدیده به نوعی محور تحقیق است و جهت‌دهی به نمونه‌برداری نظری و تحلیل داده‌ها را فراهم می‌آورد. به طور خلاصه، پدیده محوری نقطه تمرکز اصلی در تحقیق است که بر اساس آن، نظریه‌ای تکوین می‌یابد که فرایند، عمل یا تعامل مورد مطالعه را تبیین می‌کند. هوشمندسازی شهر به عنوان یک هسته و پدیده محوری، فرایندی است که با استفاده از فناوری‌های نوین مانند اینترنت اشیا، هوش مصنوعی، تحلیل داده‌ها و سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی به منظور بهبود کیفیت زندگی شهروندان، بهره‌وری منابع، حفظ محیط زیست و تسهیل ارتباطات در شهرها انجام می‌شود.

شرایط علی

شرایط علی به عواملی اشاره دارند که باعث بروز یک پدیده می‌شوند. به بیان دیگر، این عوامل محرک اولیه‌ای هستند که به وقوع یک رویداد یا فرایند منجر می‌شوند. در ادامه، به تفصیل هر یک عوامل علی تأثیرگذار در هوشمندسازی شهر عنوان شده است.

۱. ضعف در مدیریت شهر و عدم یکپارچگی بین سازمان‌ها

- فرهنگ و ساختار عقب‌مانده از تکنولوژی: که شامل فرسوده و به‌روز نبودن

در ادامه می‌توان گفت که حکمروایی کارآمد به معنای مدیریت و رهبری مؤثر و با کیفیت در انجام امور و اداره کشور یا سازمان است. این نوع حکمروایی به معنای اجرای عادلانه و کارآمد سیاست‌ها، استفاده از منابع بهینه، ایجاد شفافیت و پاسخ‌گویی، ارتقای امنیت و حفظ قانون و نظم است. حکمروایی کارآمد باعث افزایش بهره‌وری، ارتقای کیفیت خدمات عمومی، افزایش اعتماد عمومی و توسعه پایدار در جوامع و سازمان‌ها می‌شود. هوشمندسازی در حکمروایی کارآمد نقش بسیار مهمی دارد. این فناوری می‌تواند با ارائه داده‌ها و اطلاعات دقیق و به‌موقع، تصمیم‌گیری‌های بهینه‌تر و مؤثرتر ارائه کند. مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمروایی در یک شهر هوشمند شامل عناصر زیر می‌شود:

- شفافیت: اطمینان از دسترسی آسان و شفاف به اطلاعات و تصمیم‌گیری‌های شهری
- مشارکت شهروندی: فراهم کردن مکانیزم‌هایی برای مشارکت شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری و ارائه خدمات شهری
- هماهنگی: ایجاد هماهنگی بین ارگان‌ها و بوم‌های مختلف شهری
- انعطاف‌پذیری: قابلیت سازگاری با تغییرات و نوآوری‌های فناوری جدید
- کارایی و اثربخشی: ارزیابی و ارتقای عملکرد و کارایی برنامه‌ها و پروژه‌های هوشمندسازی شهر
- پایداری: اتخاذ تدابیری برای تضمین پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در توسعه شهری
- نوآوری: تشویق به کاربردهای نوآورانه فناوری برای بهبود خدمات شهری و حل مشکلات شهری

روش

روش گراند تئوری یا نظریه زمینه‌ای، روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگر در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به عوض اتکا به نظریه‌های موجود و از پیش تدوین شده، خود به تدوین نظریه‌ها و گزاره‌ها اقدام کند که به شکلی نظام‌مند و بر اساس داده‌های واقعی تدوین می‌شوند [۱۸]. این تحقیق با استفاده از روش گراند تئوری اشتراوس و کوربین با محوریت کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی و با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۱۹ نفر از شهروندان تهرانی با نمونه‌گیری به روش نظری بوده است. ۱۴ کدگزینشی در پنج دسته شرایط علی، راهبردها، مداخله‌گر، زمینه‌ای و پیامدها و ۱۳۳ کد محوری و ۶۶۸ کد باز از مجموع مصاحبه‌ها استخراج شد و پدیده محوری در این پژوهش

ممکن است باعث تأخیر در اجرای طرح‌های مرتبط با فرهنگ، محیط زیست، حمل‌ونقل هوشمند و سایر زمینه‌ها شود.

- کمبود سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی: عدم جذب سرمایه‌گذاری کافی از بخش غیردولتی می‌تواند باعث کاهش قابلیت توسعه شهر هوشمند شود. این می‌تواند به عدم توانایی در ارائه خدمات پیشرفته و عدم بهبود کیفیت زندگی شهروندان منجر شود.

۳. مشکلات اجتماعی و زیست‌محیطی شهری

- مشکلات زیست‌محیطی و کمبود منابع طبیعی

• تغییرات اقلیمی: تغییرات اقلیمی و تهدیدهای مربوط به آن می‌تواند به مشکلاتی مانند افزایش دمای هوا، سیلاب‌ها و خشکسالی‌ها منجر شود. هوشمندسازی شهرها شامل ارائه سیستم‌های هوشمند مدیریت بحران، استفاده از فناوری‌های هوشمند برای پیش‌بینی و مدیریت بهتر تغییرات اقلیمی و ارائه راهکارهای سبز و پایدار می‌شود.

• خاکستری بودن شهر تهران: در اینجا به طور کلی شرکت‌کنندگان به کمبود فضای سبز، پارک و فضاهای عمومی زیبا و عدم دسترسی به فرصت‌های تفریحی اشاره داشتند که از نظر آن‌ها شکلی خاکستری و غیر جذاب به چهره شهر داده است.

• آلودگی و ترافیک: زیاد شدن تعداد خودروها و ترافیک شهری به افزایش آلودگی هوا و مشکلات مربوط به ترافیک منجر می‌شود. برای مقابله با این مسئله، هوشمندسازی شهرها شامل ارائه سیستم‌های هوشمند ترافیکی، مدیریت هوشمند پارکینگ و ارتقای حمل‌ونقل عمومی می‌شود.

• محدودیت و هدررفت منابع طبیعی: کاهش منابع طبیعی مانند آب، انرژی و فضای سبز، نیازمندی به استفاده بهینه و هوشمند از این منابع را افزایش می‌دهد. هوشمندسازی شهرها شامل استفاده از سیستم‌های هوشمند مدیریت انرژی، بهره‌برداری بهینه از منابع آب و ارائه فضاهای سبز هوشمند می‌شود. هدررفت منابع به افزایش هزینه‌ها در آینده منجر شود.

- عدم تناسب زیرساخت شهری با جمعیت و عدم مناسب‌سازی معابر

• عدم تناسب زیرساخت شهری با جمعیت شهر تهران به دلیل آنکه امکانات در خود جا داده میزان مهاجرت در آن زیاد بوده و این موضوع باعث افزایش جمعیت شده است. یکی از مشکلاتی است که ممکن است در بسیاری از شهرها وجود داشته باشد عدم تناسب زیرساخت شهر با میزان جمعیت آن شهر است. زیرساخت‌های حمل‌ونقل شهری ممکن است نتوانند با جمعیت رو به افزایش سازگاری داشته باشند. این می‌تواند باعث تراکم و تداخل در ترافیک شهری، افزایش زمان سفر و تأخیرها شود. زیرساخت‌های مربوط به تأمین آب، فاضلاب، برق، گاز و سایر امکانات عمومی به اندازه کافی برای جمعیت شهری مورد نیاز ممکن است فراهم نباشد. این می‌تواند به مشکلاتی مانند کمبود آب، عدم پایداری در امکانات عمومی و کاهش کیفیت زندگی منجر شود. عدم تناسب زیرساخت‌های مسکن با جمعیت شهری می‌تواند باعث کاهش توانایی افراد برای دسترسی به مسکن مناسب، افزایش هزینه‌های مسکن و افزایش ناهنجاری‌های شهری مانند افزایش سکونت‌های غیررسمی شود.

• عدم مناسب‌سازی معابر شهری و استاندارد نبودن: معابر نامناسب می‌تواند به عدم ایمنی عابران پیاده و رانندگان منجر شود. با ایجاد سیستم‌های هوشمند نظارت و کنترل ترافیک، می‌توان ایمنی را بهبود بخشید. همچنین معابر نامناسب می‌تواند باعث افزایش زمان سفر و هزینه‌های اضافی برای رانندگان و مسافران شود.

- تغییر وضعیت آسیب‌های اجتماعی و افزایش آثومی اجتماعی: وجود تفاوت‌های بزرگ در درآمد و ثروت بین افراد شهر تهران می‌تواند به افزایش نابرابری اجتماعی منجر شود. این نابرابری می‌تواند به ایجاد فقر و بیکاری در لایه‌های ضعیف‌تر جامعه منجر شود که در نتیجه مشکلات اجتماعی مختلفی مانند جرم و جنایت، معتادان، خیابانی‌ها و... را به همراه داشته باشد. افزایش نارضایتی عمومی، کاهش انسجام اجتماعی، کاهش تعهد و مسئولیت، کاهش توجه به اصول و ارزش‌های اجتماعی، افزایش بی‌نظمی اجتماعی، کاهش

سیستم حمل‌ونقل و تأخر فرهنگی است. از نظر مشارکت‌کنندگان فرهنگ و ساختار عقب‌مانده از تکنولوژی به عنوان یکی از شرایط علی در بحث هوشمندسازی، به این امر اشاره دارد که در جامعه ما، با وجود ورود تکنولوژی به زندگی روزمره، هنوز هوشمندسازی به صورت کامل اتفاق نیفتاده است و تکنولوژی به طور معمول به صورت برگشت‌پذیر یا قابل استفاده برای همه شهروندان در نظر گرفته نشده است. این فرهنگ و ساختار عقب‌مانده معمولاً ناشی از عوامل متعددی است که می‌توان به عدم دسترسی برخی از افراد به تکنولوژی، کمبود آموزش و آگاهی درباره استفاده از تکنولوژی، مقاومت و موانع ساختاری از طرف برخی از نهادها و حتی مقاومت فرهنگی به طور خاص اشاره کرد.

- عدم مدیریت واحد شهری: این مورد به این اشاره دارد که اگر سازمان‌ها به طور جداگانه در حال توسعه و پیاده‌سازی برنامه‌های هوشمندسازی شهر هستند، ممکن است منابع مالی، انسانی و زمانی به طور ناکارآمد تخصیص داده شود و هدررفت منابع رخ دهد. همچنین عدم یکپارچگی می‌تواند به موازی کاری سازمان‌ها شده یا موجب تداخل و ناسازگاری بین سیستم‌ها و برنامه‌ها، تصمیم‌گیری‌ها به صورت جداگانه و بدون هماهنگی و یا حتی ناکارآمد و ناسازگار منجر شود.

- مشکلات سیاسی و اجتماعی در سطح مدیریتی جامعه: یکی از مشکلات مربوط به نداشتن زیرساخت‌های اجتماعی و عدم دسترسی آسان به خدمات اساسی مانند بهداشت، آموزش و مشاوره در سطح مدیریت یک شهر است. این عدم توازن باعث شده است که برخی افراد از خدمات اساسی منع شوند و عدم دستیابی آن‌ها در توسعه و پیشرفت فردی و اجتماعی‌شان تأثیر مستقیم داشته باشد. به این ترتیب در تصمیمات جامعه، به‌ویژه در بخش‌های مدیریتی، همچنین مشکلاتی همچون فساد، ناکارآمدی و ارتباط ناسالم بین سازمان‌ها و نهادها نیز به وجود می‌آید.

- نبود استراتژی‌های جامع در اداره شهر: که شامل پیشروی سریع تغییرات از برنامه‌ها، ضعف برنامه‌ریزی در گسترش و توسعه شهر تهران، بی‌برنامگی و نبود استراتژی در سطح کلان در اداره شهر است. همچنین، عدم برنامه‌ریزی و نداشتن استراتژی جامع مناسب در ساخت‌وساز و توسعه شهر به نقص‌های بنیادی در زیرساخت‌های شهری منجر شده است.

- عدم آمادگی مدیریت شهر در بحران بلایای طبیعی: عدم آمادگی مدیریت شهر در بحران‌های بلایای طبیعی می‌تواند احساس ناتوانی و عدم اطمینان در ذهن شهروندان ایجاد کند. وقوع بلایای طبیعی ممکن است باعث ایجاد ترس، نگرانی و ناامنی در جامعه شود و اگر مدیریت شهری برای مقابله با این بحران‌ها آماده نباشد، این احساسات در شهروندان تشدید می‌شود که نهاد‌های مسئول برای حفاظت از آن‌ها در برابر بلایای طبیعی آماده نیستند. عدم آمادگی مدیریت شهر در بحران‌های بلایای طبیعی ممکن است باعث کاهش اعتماد شهروندان به مدیریت شهری و ارگان‌های مربوطه شود.

- منسوخ شدن مدیریت سنتی: مدیریت سنتی در شهرهای بزرگ به دلیل تغییرات و تقاضای امروز دیگر قابل استفاده نیست. شهرهای بزرگ با چالش‌های متعددی مانند ترافیک شدید، مصرف انرژی بالا، آلودگی هوا و مشکلات امنیتی روبه‌رو هستند. برای مدیریت این چالش‌ها و بهبود کیفیت زندگی شهروندان، نیاز به رویکردی هوشمند و نوین است. مدیریت هوشمند شهرها با استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند اینترنت اشیا، سنسورها، تحلیل داده‌ها و هوش مصنوعی، امکانات و خدمات شهری را بهبود می‌بخشد. این شامل مدیریت ترافیک هوشمند، پارکینگ هوشمند، روشنایی هوشمند، مدیریت پسماند هوشمند و سیستم‌های اطلاعات شهری هوشمند است.

۴. مشکلات اقتصادی و کمبود منابع مالی

- تحریم: تحریم‌های اقتصادی می‌تواند باعث کاهش منابع مالی و تکنولوژی مورد نیاز برای پیاده‌سازی شهر هوشمند شود. این می‌تواند به کاهش سرعت و کیفیت توسعه شهر هوشمند منجر شود.

- کسری بودجه در منابع دولتی: کمبود بودجه در منابع دولتی می‌تواند موجب محدودیت در سرمایه‌گذاری و توسعه پروژه‌های شهر هوشمند شود. این

اجرای پروژه‌های هوشمندسازی شهری مورد استفاده قرار گیرند. به نظر آن‌ها، شهروندان می‌توانند به عنوان افرادی که از خدمات هوشمند شهری استفاده می‌کنند، نقش مهمی در شناسایی نیازها، مشکلات و ایده‌های مرتبط با هوشمندسازی شهری داشته باشند. این افراد می‌توانند با ارائه بازخوردهای مثبت و منفی، بهبود و توسعه خدمات هوشمند شهری را تسهیل کنند.

- *بسترسازی زیرساختی (نرم / سخت)*

• *زیرساخت: بسترهای زیرساختی مناسب می‌توانند شرایط لازم برای ارائه خدمات هوشمند به شهروندان را فراهم کنند. این شامل ایجاد شبکه‌های ارتباطی پیشرفته، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، سیستم‌های حمل‌ونقل هوشمند و ساختارهای شهری هوشمند می‌شود که بهبود زندگی روزمره شهروندان را تسهیل می‌کنند. در واقع بسترهای زیرساختی مناسب می‌توانند به شهروندان امکان ارائه بازخوردهای مثبت و منفی در مورد خدمات هوشمند شهری را فراهم کنند. این امر می‌تواند به شهروندان کمک کند تا به عنوان شرکای فعال در فرایند هوشمندسازی شهرها مطرح شوند و نقش مهمی در بهبود خدمات شهری ایفا کنند. این امر می‌تواند افزایش شفافیت و شرکت مردم در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با هوشمندسازی شهری را تسهیل کرده و ارتقای شهرهای هوشمند را تسریع کند.*

۲. *پیاده‌سازی مدیریت دانش*

پیاده‌سازی مدیریت دانش در اداره شهر به عنوان راهبردی برای بهبود عملکرد و افزایش کارایی می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد. مدیریت دانش به اشتراک‌گذاری دانش و تجربیات بین اعضای سازمان و در سطح کلان‌شهر کمک می‌کند. این اشتراک دانش باعث افزایش همکاری و هماهنگی بین اعضا و در نهایت سازمان‌ها می‌شود و بهبود فرایندها و اتخاذ تصمیمات بهتر را تسهیل می‌کند. مدیریت دانش باعث افزایش کارایی و بهره‌وری در اداره شهر می‌شود. با دسترسی به دانش و اطلاعات مناسب، اعضای یک سازمان و حتی یک شهر قادر خواهند بود تصمیمات بهتری اتخاذ کنند، بهبودهای لازم را در فرایندها انجام دهند و مشکلات را به صورت سریع و کارآمد حل کنند. همچنین، مدیریت دانش به ارتباطات بهتر و افزایش اطلاعات میان اعضا و سازمان‌ها منجر می‌شود. این ارتباطات بهبودیافته باعث ایجاد فضایی برای تبادل ایده‌ها، نظرات و دانش بین اعضا می‌شود و باعث ایجاد یک فرهنگ یادگیری و بهبود مستمر در سازمان می‌شود.

۳. *ایجاد بستر تأمین مالی*

- *بستر تأمین مالی داخلی: ایجاد بستر تأمین مالی داخلی در هوشمندسازی شهر تهران به این معناست که منابع و سرمایه‌های داخلی شهر، از جمله بودجه عمومی و منابع مالی دیگر، به طور بهینه مدیریت و به سوی پروژه‌های هوشمندسازی هدایت شوند. این رویکرد باعث می‌شود تا شهر توانایی خودماندگاری و پایداری در تأمین منابع مالی برای پروژه‌های هوشمندسازی را داشته باشد.*

- *بستر تأمین مالی خارجی: ایجاد بستر تأمین مالی خارجی در هوشمندسازی شهر تهران به این معناست که شهر به منابع مالی از خارج از کشور، از طریق سرمایه‌گذاری‌های خارجی، وام‌ها و همکاری‌های بین‌المللی دسترسی داشته باشد. این رویکرد می‌تواند به شهر کمک کند تا منابع مالی مورد نیاز برای پروژه‌های هوشمندسازی را تأمین کند و همچنین، به تبادل دانش و تجربیات بین‌المللی در زمینه هوشمندسازی شهری کمک کند.*

۴. *بهره‌گیری از فناوری نوین*

- *آموزش‌های نوین با ابزار نوین: با استفاده از فناوری‌های نوین مانند واقعیت مجازی، آموزش‌های آنلاین و سیستم‌های هوشمند، می‌توان آموزش‌های نوین را برای کارکنان و مدیران مرتبط و حتی شهروندان با هوشمندسازی شهر فراهم کرد. این آموزش‌ها می‌توانند به ارتقای دانش و مهارت‌های فنی و مدیریتی کارکنان و مردم کمک کنند و آن‌ها را برای بهره‌برداری از فناوری‌های نوین آماده سازند.*

- *بهره‌گیری از ابزارهای نوین: استفاده از ابزارهای نوین مانند سیستم‌های هوشمند، اینترنت اشیا، سنسورها و تجهیزات هوشمند، هوش مصنوعی و...*

مشارکت عمومی و کاهش اعتماد عمومی از موارد تأکیدشده در این دسته از نظر شرکت‌کنندگان است.

۴. *عقب‌ماندگی از استانداردهای جهانی*

عقب‌ماندگی از استانداردهای جهانی به عنوان یک مشکل در سطح کشورها و حتی شهرها به معنای عدم تطابق و پیروی از استانداردها، مقررات و رویکردهای بین‌المللی است که در زمینه‌های مختلفی از جمله فناوری، محیط زیست، اقتصاد و اجتماعی وجود دارند. این عقب‌ماندگی می‌تواند باعث کاهش رقابت‌پذیری، عقب‌ماندگی و محدودیت همکاری بین‌المللی شود که این موضوع می‌تواند به از بین رفتن فرصت‌های اقتصادی، کاهش اعتماد ساکنان و مردم نسبت به اقدامات و پروژه‌های کلان کشور و باعث نگرانی و کاهش مشارکت مردم منجر شود. با این حال، برای رفع این مشکل، نیاز به هماهنگی و همکاری بین اقسام مختلف جامعه، دولت و بخش خصوصی برای تطابق با استانداردهای جهانی و اجرای پروژه‌های شهر هوشمند با استفاده از فناوری‌های مدرن است.

راهبردها

راهبردها به روش‌ها یا تکنیک‌هایی اشاره دارند که افراد یا گروه‌ها برای مدیریت، کنترل یا تغییر پدیده‌ها به کار می‌برند. در ادامه راهبردهای پیشنهادی مشارکت‌کنندگان عنوان شده است.

۱. *بسترسازی برای هوشمندسازی*

- *بسترسازی در حوزه ایجاد قوانین و سیاست‌گذاری کلان (تأمین امنیت حریم خصوصی)*

• *ایجاد قوانین در رابطه با هوشمندسازی: ایجاد قوانین در حوزه هوشمندسازی به عنوان عامل راهبردی از دید مشارکت‌کنندگان بسیار مهم است که می‌تواند تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی و رفاه شهروندان داشته باشد. قوانین و مقررات مناسب و تسهیل‌گر برای هوشمندسازی شهرها می‌توانند به شهروندان امکانات و فرصت‌های جدیدی را ارائه دهند و همچنین، به ایجاد یک محیط شهری هوشمند و پایدار کمک کنند. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان قوانین تسهیل‌گر هوشمندسازی باید به شکلی آگاه‌کننده و انعطاف‌پذیر ارائه شوند و در ضمن، شهروندان باید از اهمیت و تأثیرات مثبت هوشمندسازی شهرها مطلع شوند و به آن‌ها امکان داده شود تا در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای این قوانین شرکت کنند. علاوه بر موارد یادشده قوانین تسهیل‌گر باید از لحاظ اجتماعی و فرهنگی با توجه به نیازها و تمایلات شهروندان طراحی شوند. این قوانین باید از نظر اجتماعی قابل قبول و از نظر فرهنگی قابل تطبیق با شرایط و فرهنگ محلی باشند.*

• *بازنگری در قوانین: بازنگری در قوانین و جلوگیری از وضع قوانین دست‌وپاگیر در خصوص هوشمندسازی شهر، به عنوان یک راهبرد مهم در حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندان از دید مردم مطرح می‌شود. از جمله حق حریم خصوصی، حق دسترسی به اطلاعات، حق امنیت و حق شکایت، می‌تواند به اطمینان مردم از حفظ حقوقشان کمک کند. ایجاد سازوکارهای نظارتی مستقل، انتشار گزارش‌های عمومی و ایجاد مکانیزم‌های شفاف برای ارتقای کیفیت و امنیت سامانه‌های هوشمند نیز در مسیر بازنگری قوانین می‌تواند به عنوان اهرم کمکی استفاده شود.*

• *اطلاع‌رسانی در خصوص قوانین: اطلاع‌رسانی و ارائه راهنماها و آموزش‌های مربوطه در خصوص قوانین به مردم در حوزه هوشمندسازی شهر، به شهروندان کمک می‌کند تا به طور کامل از حقوق و وظایف خود آگاه شوند و در فرایند هوشمندسازی شهر مشارکت کنند.*

- *بسترسازی بهره‌گیری از سرمایه انسانی*

از دید مشارکت‌کنندگان استفاده از سرمایه انسانی به عنوان راهبردهای هوشمندسازی در شهر بسیار اهمیت دارد. از دید مشارکت‌کنندگان در تحقیق، شهروندان به عنوان اعضای فعال جامعه، می‌توانند به عنوان منابع اصلی و تأثیرگذار در فرایند هوشمندسازی شهرها شناخته شوند. افراد با داشتن دانش، تجربه و توانایی‌های مختلف، می‌توانند به عنوان منابع اصلی برای ایجاد و

می‌تواند در جمع‌آوری داده‌ها، ارتباطات بین ادارات، ارزیابی و کنترل عملکرد و ارائه خدمات بهتر و تصمیمات اثبات‌تر برای شهروندان مؤثر باشد. این ابزارها می‌توانند بهبودی در مدیریت یکپارچه و افزایش کارایی در پیاده‌سازی شهر هوشمند ایجاد کنند.

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر به عواملی اشاره دارند که می‌توانند بر راهبردها تأثیر بگذارند. این موارد می‌تواند شامل سیاست‌ها، قوانین، یا حتی رویدادهای ناگهانی باشد که بر نحوه تحقق پدیده تأثیر می‌گذارند. در ادامه هر یک از عوامل مداخله‌گر از نظر مشارکت‌کنندگان عنوان شده است.

۱. نگرانی/میتنی و حریم خصوصی

حفظ حریم شخصی افراد یکی از مسائل مهمی است که از نظر مشارکت‌کنندگان در حوزه هوشمندسازی باید به آن توجه کرد. در این راستا باید توجه داشت که حفظ حریم شخصی افراد نباید توسط هوشمندسازی نادیده گرفته شود و افراد به عنوان عامل مداخله‌گر در این فرایند حس شده و تحت تأثیر آن قرار نگیرند. آسیب‌ها شدن اطلاعات شخصی افراد و نشت اطلاعات، رصد کردن رفتار شهروند توسط دولت از طریق ابزارهای دیجیتال که باعث ایجاد اعتماد کمتر و ترجیح اپلیکیشن‌های خارجی نسبت به داخلی است از مصادیق دیگر این امر است. شهروندان می‌ترسند که با گسترش سیستم‌های هوشمند در شهر، حریم خصوصی آن‌ها نقض شود و اطلاعات شخصی آن‌ها در اختیار افراد یا سازمان‌های دیگری قرار بگیرد. علاوه بر این، شهروندان نگران هستند که با هوشمندسازی شهر، در شرایط کنترل بیشتری بر زندگی‌شان قرار گیرند.

۲. سیستم مدیریت ناکارآمد

پایین بودن دغدغه‌مندی و مسئولیت‌پذیری مدیران در حل مشکلات شهری: این عامل می‌تواند باعث ضعف در طراحی معماری شهر منطبق با هوشمندسازی شهر و عدم بهره‌برداری کامل از امکانات شود. پایین بودن دغدغه‌مندی مدیران در حل مشکلات شهر می‌تواند باعث شود که مردم از بهره‌برداری کامل از امکانات هوشمندسازی شهر محروم شوند. این می‌تواند باعث ایجاد نابرابری در دسترسی به خدمات و امکانات شهری شود و مردم در بهره‌برداری از امکانات هوشمندسازی محدودیت داشته باشند. همچنین، عدم توجه مدیران به رفع معضلات مردم می‌تواند باعث کاهش اعتماد عمومی به مدیران و سامانه‌های هوشمند شهری شود. این می‌تواند باعث کاهش همکاری و مشارکت مردم در فرایند هوشمندسازی شهر شود و مانع از پیشرفت و توسعه صحیح سامانه‌های هوشمند شود.

تمرکز امکانات در شهر تهران: تمرکز منابع در شهر بزرگ می‌تواند باعث عدم توازن در توسعه شهرها و مناطق دیگر شود. این می‌تواند باعث ایجاد تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی بین شهرهای بزرگ و مناطق روستایی یا شهرهای کوچک شود و مردم در مناطق دیگر از بهره‌برداری کامل از امکانات هوشمندسازی محروم شوند. همچنین، تمرکز منابع در شهر بزرگ می‌تواند باعث افزایش تراکم جمعیتی در این مناطق شود که این موضوع می‌تواند باعث افزایش مشکلات مانند ترافیک، کاهش کیفیت زندگی و کاهش فضای سبز در شهرهای بزرگ شود و در طولانی‌مدت نابرابری فرصت‌ها ایجاد می‌شود.

توجه کم مدیران به اخلاق‌مداری: می‌تواند به عنوان عامل مداخله‌گر باعث ایجاد نقض حقوق شهروندان، کاهش اعتماد عمومی و نارضایتی از خدمات شهری توسط شهروندان شود. مثلاً، استفاده ناعادلانه از داده‌های شخصی شهروندان، عدم رعایت حریم خصوصی و احترام به حقوق شهروندان می‌تواند باعث نارضایتی و نگرانی مردم شود. همچنین، باعث کاهش اعتماد عمومی به سامانه‌های هوشمند و مدیران شهری شود.

عدم نیازسنجی قبل برنامه و پاسخ نامناسب به مسائل موجود: پاسخ نامناسب به مسائل موجود به عنوان عامل مداخله‌گر در هوشمندسازی یعنی راه‌حلی که ناکارآمد، غیرعادل‌آمیز یا نادرست هستند. این نوع پاسخ‌ها

ممکن است شامل تحریم، قوانین سخت و سنگین بدون توجه به شرایط و آموزش، یا برنامه‌های وابسته به تمیزهای نژادی یا جنسی باشند. در نتیجه، باعث ایجاد تفاوت‌های ناعادلانه بین شهروندان می‌شود و به جای حل مسئله، باعث ایجاد تنش‌های بیشتری در جامعه می‌شود.

ترجیح اپلیکیشن خارجی به داخلی (عدم نظارت بر برخی اپ‌ها و جرایم سایبری): استفاده از اپلیکیشن‌های داخلی به عنوان عامل مداخله‌گر در هوشمندسازی شهری در نگاه مشارکت‌کنندگان، اعتماد کمتری را به همراه دارد. یکی از دلایل این اعتماد کمتر ممکن است مرتبط با کیفیت نرم‌افزارهای داخلی باشد، زیرا در بسیاری از موارد، نرم‌افزارهایی که توسط شهرداری یا سازمان‌های دولتی توسعه داده می‌شوند، با مشکلات عملکردی و عدم استقرار نرم‌افزار مواجه‌اند. این مشکلات می‌تواند باعث عدم اعتماد شهروندان به این نرم‌افزارها شود و آن‌ها را از استفاده فعال و مداوم از آن‌ها منع کند. علاوه بر این، شهروندان ممکن است مرتبط با حفظ حریم خصوصی خود نگران باشند. زمانی که اپ‌های داخلی در حال جمع‌آوری اطلاعات حساس شهروندان هستند، امکان واگذاری اطلاعات به سازمان‌های غیرتجاری وجود دارد. این ممکن است به شهروندان اعتماد نداشته باشد و آن‌ها را از استفاده از این اپ‌ها باز دارد. آن‌ها باید مطمئن شوند که اطلاعات شخصی و خصوصی خود در امان هستند و نرم‌افزارها بدون تجاوز به حریم خصوصی آن‌ها به بهبود زندگی شهروندان کمک می‌کنند.

عدم استمرار در برنامه‌ریزی و نظارت دولت: عدم استمرار در برنامه‌ریزی و نظارت دولت می‌تواند به عنوان یک عامل مداخله‌گر در فرایند هوشمندسازی شهرها مورد نقد قرار بگیرد. این مورد می‌تواند از نبود دانش کافی در سطح مدیریت شهری، عدم مسئولیت‌پذیری نهادها، تعدد تصمیمات دولتی در حوزه‌های گوناگون، بی‌نظمی و ناهماهنگی در مدیریت کشور و نبود اراده و استمرار نسبت به هوشمندسازی است. در برخی موارد، پروژه‌های هوشمندسازی بدون در نظر گرفتن نظرات و نیازهای شهروندان، براساس تصمیماتی که از بالا اعمال می‌شود، اجرا می‌شوند. این می‌تواند به دلیل عدم شناخت دقیق از زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهر باشد و باعث ناموفقیت در برپایی زیرساخت‌ها و خدمات هوشمند می‌شود. همچنین، عدم شفافیت و عدم ارائه اطلاعات واضح درباره مزایا و هزینه‌های پروژه‌های هوشمندسازی، باعث نابسامانی‌ها و عدم اطمینان شهروندان درباره پوشش همه‌جانبه و کیفیت خدمات هوشمند می‌شود.

عدم شایسته‌سالاری: عدم شایسته‌سالاری یکی از مسائل مهمی است که از دیدگاه مشارکت‌کنندگان می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه داشته باشد. این موضوع می‌تواند به عنوان یک عامل مهم در کاهش اعتماد شهروندان به دولت و نهادها، ایجاد نارضایتی و بی‌توجهی، و افزایش نابرابری‌ها و اختلافات اجتماعی مطرح شود. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، عدم شایسته‌سالاری از یک سو به احساس ناامنی و ناامیدی منجر می‌شود. از سوی دیگر، نهادها و سازمان‌ها به دلیل فساد و ناکارآمدی، قادر به ارائه خدمات عادلانه و مساوی به تمامی افراد جامعه نیستند.

ضعف استفاده از نخبگان و خلاقیت شهروندان: عدم استفاده از خلاقیت شهروندان می‌تواند به از دست دادن پتانسیل‌ها و ایده‌های نوآورانه شهروندان در بهبود و توسعه شهر هوشمند منجر شود. این می‌تواند باعث از دست رفتن فرصت‌های بهبود و نوآوری در زمینه‌های مختلف شهری شود. عدم استفاده از خلاقیت شهروندان ممکن است باعث کاهش مشارکت و مشارکت فعال شهروندان در فرایند پیاده‌سازی شهر هوشمند شود. این می‌تواند باعث ایجاد احساس عدم ارتباط و عدم تعامل بین شهروندان و مسئولان شهری شود.

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای به محیط یا زمینه‌ای اشاره دارند که در آن پدیده رخ می‌دهد. این عوامل می‌توانند شامل زمان، مکان، فرهنگ و سایر شرایط اجتماعی - اقتصادی باشند که بر پدیده تأثیر می‌گذارند. در ادامه شرایط زمینه‌ای مطرح شده در مصاحبه‌ها عنوان شده است.

۱. حکمرانی مطلوب و یکپارچه

حکمرانی به معنای روش‌ها و فرایندهایی است که برای مدیریت و ادارهٔ یک جامعه، شهر یا کشور استفاده می‌شود. حکمرانی معمولاً شامل فرایندهای قانونی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای تصمیم‌گیری و اجرا در یک جامعه است. حکمرانی مطلوب و یکپارچه در شهر هوشمند به معنای داشتن یک سیستم مدیریتی که اطمینان حاصل کند تمامی ارگان‌ها و بوم‌های مرتبط با توسعهٔ شهر هوشمند، به صورت هماهنگ و همسو عمل کنند. این نوع حکمرانی بر اساس هماهنگی و همکاری بین بخش‌ها، اطمینان از شفافیت و دسترسی به اطلاعات، ارزیابی کارایی و اثربخشی برنامه‌ها و پروژه‌ها، و همچنین شناسایی و رفع موانع موجود برای توسعهٔ شهر هوشمند است. این نوع حکمرانی به این کمک می‌کند که تمامی منابع و توانمندی‌های شهر بهینه‌سازی شده و به نحو اثربخش مورد استفاده قرار گیرند. مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی مطلوب در یک شهر شامل شفافیت، مشارکت شهروندی، هماهنگی، انعطاف‌پذیری، کارایی و اثربخشی، پایداری و نوآوری است.

۲. ارتباطات فرامرزی

ارتباطات فراتر از مرزها در هوشمندسازی شهر نقش بسیار مهمی دارد. این نوع ارتباطات شامل تبادل داده‌ها، تجارت، همکاری‌های فنی و فرهنگی بیشتر بین شهرها و کشورها می‌شود. برخی از تأثیرات ارتباطات فراتر از مرزها در هوشمندسازی شهر عبارت‌اند از: اشتراک تجارب و دانش (این ارتباطات به شهرها این امکان را می‌دهند تا از تجارب و دانش‌های یکدیگر بهره‌مند شوند و روش‌های جدید و کارآمدتر را در هوشمندسازی شهر به کار ببرند)، همکاری در پروژه‌های مشترک (ارتباطات فراتر از مرزها می‌توانند شهرها را به همکاری در پروژه‌های مشترک برای بهبود زیرساخت‌های شهری و ارتقای سطح خدمات شهری تشویق کنند) و جذب سرمایه‌گذاری خارجی (وجود ارتباطات فراتر از مرزها می‌تواند باعث جذب سرمایه‌گذاری خارجی به شهرها شود و فرصت‌های تجاری و اقتصادی جدید را فراهم کند). به طور کلی، ارتباطات فراتر از مرزها می‌توانند به ایجاد شهرهای هوشمند تعاملی، پویا و به‌روز کمک و به بهبود کیفیت زندگی شهروندان و توسعهٔ پایدار شهرها منجر شود.

پيامدها

پيامدها، نتایج یا عواقب هستند که از پدیدهٔ محوری و تعامل بین شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و راهبردها ناشی می‌شوند. در ذیل پیامدهای مطرح‌شده عنوان شده است.

۱. مثبت

- توسعهٔ ابعاد اجتماعی

- همگرایی اطلاعات شهری: همگرایی اطلاعات از نظر مردم شامل یکپارچه‌سازی اطلاعات، ارتباط مستقیم مردم و مسئولان، جلوگیری از موازی‌کاری و همگرایی داده‌های غیرمترکز است. هوشمندسازی شهر با ایجاد سامانه‌های متصل و یکپارچه، امکان به‌اشتراک‌گذاری و دسترسی آسان به اطلاعات شهری را فراهم می‌کند. این امر می‌تواند به بهبود برنامه‌ریزی شهری، افزایش کارایی و بهره‌وری، و ارائهٔ خدمات بهتر به شهروندان کمک کند.
- افزایش فرصت‌های شغلی: هوشمندسازی شهرها امکانات و خدمات پیشرفته‌ای را به منظور بهبود کیفیت زندگی و رفاه شهروندان فراهم می‌کند. یکی از پیامدهای مثبت این فرایند، ایجاد شغل جدید در جامعه است. با توسعه و استقرار سیستم‌های هوشمند مانند شبکه‌های ارتباطی، سنسورها و فناوری‌های نوین، نیاز به توانمندی‌های فنی و مهارت‌های خاصی در جامعه افزایش می‌یابد. به همین دلیل، شهروندان با تسلط بر این تکنولوژی‌ها و با توانایی استفاده از آن‌ها می‌توانند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در صنعت مربوطه به کار بگیرند.
- افزایش امنیت اجتماعی: با استفاده از فناوری‌های هوشمند مانند دوربین‌های نظارتی و سامانه‌های تشخیص صورت، می‌توان جرایم را

به‌سرعت شناسایی و پیگیری کرد. این امر می‌تواند به افزایش امنیت شهروندان و کاهش جرم و جنایت در شهر کمک کند. می‌تواند به بهبود نظم و انضباط عمومی در شهر کمک کند.

- افزایش سرمایهٔ اجتماعی: که مصادیق آن شامل: افزایش مشارکت، افزایش آگاهی و افزایش اعتماد است. هوشمندسازی شهر با ایجاد فرصت‌های مشارکت شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری و مدیریت شهری، می‌تواند افزایش مشارکت اجتماعی را به همراه داشته باشد. این امر می‌تواند به تقویت ارتباطات اجتماعی، تعاملات مثبت و توسعهٔ اجتماعی شهر کمک کند. همچنین، ارائهٔ اطلاعات و خدمات هوشمند به شهروندان، می‌تواند سطح آگاهی افراد را افزایش دهد.

- کاهش مشکلات شهری: هوشمندسازی شهری به عنوان یکی از راهکارهای مهم برای بهبود کیفیت زندگی در شهرها شناخته می‌شود. از جمله این فواید هوشمندسازی، کاهش آلودگی محیط زیست است. با ایجاد شهرهای هوشمند، استفاده بهینه از منابع طبیعی ممکن می‌شود و از اندازهٔ واقعی منابع بهره‌برداری می‌شود. این امر می‌تواند به کاهش مصرف انرژی و آلودگی ناشی از آن منجر شود. در شهرهای هوشمند، سیستم‌های مدیریت ترافیک، بافت شهری و تولید پسماندها به صورت هوشمند طراحی شده‌اند. این سیستم‌ها با استفاده از سنسورها و داده‌های ماشینی، عملکرد بهینه‌ای را برای مدیریت جریان ترافیک، کاهش زمان سفرها و کاهش آلودگی هوا فراهم می‌کنند. علاوه بر این، استفاده از فناوری در زمینهٔ مدیریت پسماندها و بازیافت آن‌ها می‌تواند به کاهش بهترین نحو ممکن آلودگی هوا، آب و خاک منجر شود.

- توسعهٔ پایدار شهر: ایجاد فضاهای تفریحی و سبز در مناطق تهران، به عنوان یک راهبرد در توسعهٔ پایدار شهر و هوشمندسازی شهر، دارای تأثیرات مثبتی است. این اقدام می‌تواند باعث بهبود کیفیت زندگی، جذابیت شهری و حفظ محیط زیست شود.

- ایجاد مدیریت یکپارچه: در این قسمت این موضوع مطرح شده است که اگر راهبردها در حوزهٔ هوشمندسازی شهر اتفاق بیفتد باعث ایجاد مدیریت یکپارچه در سطح شهر می‌شود، زیرا مدیران شایسته به عنوان سرمایه انسانی در جای مناسب قرار می‌گیرند. اثرات مثبت اشتراک داده‌ها و اطلاعات، هماهنگی و ارتباط درست سیستم‌های یک شهر، نظارت و ارزیابی درست از فرایندها به صورت یکپارچه، ضمانت اجرایی و بازخورد مناسب انجام می‌گیرد و مجموع این موارد می‌تواند رضایت‌مندی شهروندان را افزایش دهد.

- توسعهٔ ابعاد فردی

- سهولت دسترسی به خدمات شهری: سهولت دسترسی به خدمات از دید شرکت‌کنندگان شامل: خدمات خرید، خدمات بانکی و جابه‌جایی پول، فرهنگی و تفریحی، حمل‌ونقل، بهداشتی و درمانی، خدمات شهری و دولت الکترونیک و آموزشی و تحصیلات است. هوشمندسازی در واقع به کاربرد تکنولوژی‌ها در ارتباط با منابع و خدمات شهری اطلاق می‌شود. این فرایند باعث صرفه‌جویی در وقت و انرژی شهروندان شده و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها را تسهیل می‌کند.
- توسعهٔ شبکهٔ ارتباطی: از مصادیق آنکه توسط شرکت‌کنندگان مطرح شد تعدد دوست و برقراری ارتباط از راه دور است. توسعهٔ شبکهٔ ارتباطی به عنوان پیامد مثبت هوشمندسازی، از دید مشارکت‌کنندگان اهمیت بسیاری دارد. با رشد سریع فناوری‌ها و تقدم هوش مصنوعی، شبکه‌های ارتباطی تبدیل به عصبیات اجتماعی جامعه شده‌اند.
- افزایش کیفیت زندگی فردی: از مصادیق آنکه توسط شرکت‌کنندگان مطرح شده است شامل: افزایش احساس امنیت، صرفه‌جویی در وقت و هزینه، خودکفایی معلولان، خودکفایی سالمندان، آسایش و رفاه عمومی است. افزایش کیفیت زندگی یکی از مقولات محوری است که به عنوان یکی از نتایج مثبت هوشمندسازی بیان شده است. هوشمندسازی شهر با استفاده از فناوری‌های پیشرفته می‌تواند احساس امنیت را در فضای عمومی

فضای مجازی و موبایل یک مسئله جدی است که از دیدگاه بسیاری از مشارکت‌کنندگان از تأثیرات منفی هوشمندسازی است. افرادی که به اینترنت اعتیاد دارند، ممکن است وقت زیادی را در فضای مجازی صرف کنند و این موضوع می‌تواند به کاهش تعاملات اجتماعی و اختلال در روابط شخصی منجر شود.

- کم‌تحرکی و مشکلات جسمی: کمبود فعالیت‌های فیزیکی و رها کردن آن‌ها می‌تواند به مشکلات جسمی مانند ضعف عضلات، افزایش وزن، کاهش انعطاف‌پذیری و مشکلات مربوط به جهت‌گیری بدن منجر شود. این مشکلات می‌توانند به محدودیت‌های جسمی و کاهش کیفیت زندگی منجر شوند. همچنین، ممکن است افراد کمتر به حرکت و ورزش بپردازند. این می‌تواند به کم‌تحرکی و مشکلات جسمی مانند چاقی، بیماری‌های قلبی و عروقی، افزایش استرس و افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های مزمن منجر شود.
- کاهش مهارت‌های نرم و افزایش اختلالات روانشناختی: کاهش مهارت‌های نرم شامل کاهش مهارت حل مسئله، کاهش تاب‌آوری، کاهش حافظه و کاهش ارتباطات عمیق انسانی است. کاهش مهارت حل مسئله بین مردم می‌تواند یکی از پیامدهای منفی هوشمندسازی شهری باشد که از دیدگاه مشارکت‌کنندگان مورد توجه قرار می‌گیرد. این پیامد می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله وابستگی زیاد به فناوری‌های هوشمند، کاهش تمرکز و توجه به مسائل و مشکلات، و افزایش وابستگی به راه‌حل‌های فنی و ماشینی ناشی شود. زمانی که افراد مدام به راه‌حل‌های فنی و هوشمند متکی می‌شوند، ممکن است مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری آن‌ها کاهش یابد. این مورد از نظر شرکت‌کنندگان باعث اضطراب و افسردگی و انزوای اجتماعی می‌شود. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، فضای مجازی دارای جنبه‌های تاریکی است که می‌تواند تأثیرات منفی بر زندگی آن‌ها داشته و اختلالات روانشناختی را افزایش دهد.

مدل پارادایمی پژوهش

مدل پارادایمی در روش گردن‌تثوری به معنای یک الگو یا قالب تفکر است که برای تبیین روابط بین عوامل مختلف و شناخت عمیق‌تر وضعیت‌ها و مسائل استفاده می‌شود. این مدل به دلیل ارائه یک چارچوب مفهومی جامع و ساختاری برای تحلیل پیچیدگی‌های موجود به شناخت بهتر و پیش‌بینی موضوعات کمک می‌کند. همان‌طور که در نمودار شکل ۲ مشخص است مدل پارادایمی تحقیق با پدیده محوری هوشمندسازی شهر تهران ترسیم شده و کدهای انتخابی هر یک از عوامل علی، راهبردها، عوامل مداخله‌گر، شرطی و زمینه‌ای و پیامدها مشخص است.

و خصوصی بهبود بخشد.

- امکان پیشرفت اجتماعی: از دید مشارکت‌کنندگان در تحقیق افزایش امکان پیشرفت اجتماعی یکی از نتایج مثبت هوشمندسازی است. این پیشرفت‌ها، به شهروندان اجازه می‌دهد در زندگی شهری بهتر و راحت‌تری سپری کنند و به نتیجه‌های بهتری دست یابند.
- سهولت دسترسی به دانش: از مصادیق آن از نظر شرکت‌کنندگان شامل: جنبه آموزشی فضای مجازی، دانش محیط زیستی، اخبار و اطلاعات است. آموزش فضای مجازی به عنوان یک پیامد مثبت هوشمندسازی درک جدیدی از آموزش و یادگیری را به مشارکت‌کنندگان ارائه کرده است. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، فضای مجازی توانایی ارائه محتوای آموزشی متنوع و جذاب را داراست که روش‌های سنتی آموزش مانند کتابخانه‌ها و مدارس نتوانسته‌اند به همان اندازه به طور مستقیم و فوری به عرضه محتوا بپردازند.

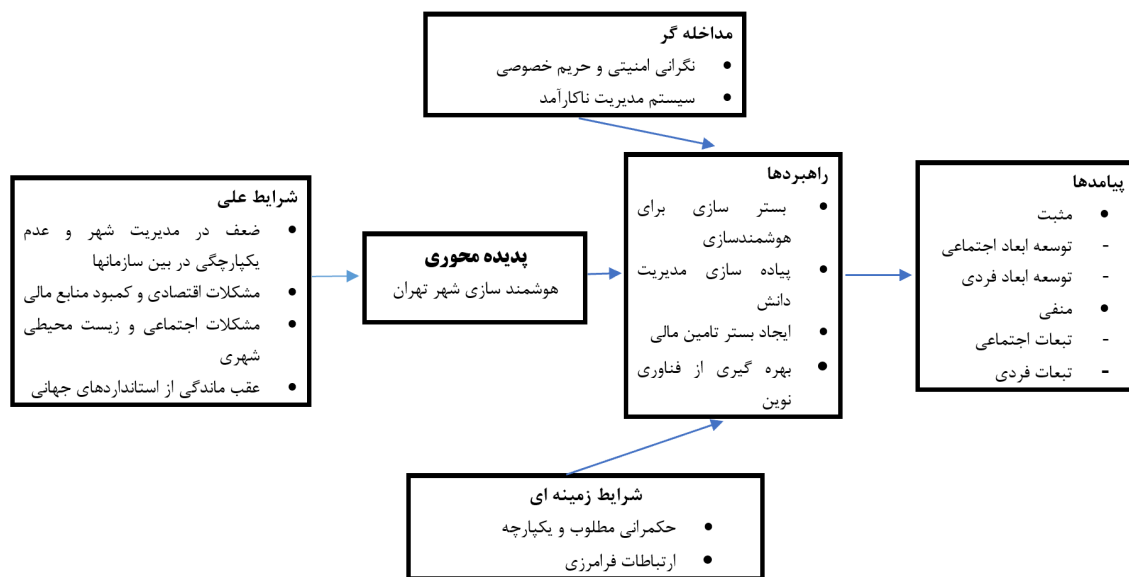
۲- منفی

- تبعات اجتماعی

- وابستگی مفرط ساختارهای کشور به فناوری: اگر ساختارهای کشور به طور کامل به فناوری وابسته باشند، در صورت بروز مشکلات فنی یا خرابی‌های سیستم، عملکرد ساختارها و خدمات عمومی ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد و به مشکلات جدی در جامعه منجر شود.
- حذف برخی مشاغل: هوشمندسازی و پیشرفت فناوری ممکن است به حذف مشاغل و شغل‌ها منجر شده، بیکاری را افزایش دهد و این یکی از پیامدهای منفی این فرایند است که از دید مشارکت‌کنندگان مطرح می‌شود. با پیشرفت فناوری و اتوماسیون، بسیاری از وظایف و کارها که قبلاً توسط انسان‌ها انجام می‌شد، به صورت مجازی و اینترنتی انجام می‌شوند. این موضوع ممکن است به از دست رفتن مشاغل و شغل‌ها برای بسیاری از افراد منجر شود.
- از بین رفتن سنت‌ها: یکی از پیامدهای منفی که توسط شرکت‌کنندگان از هوشمندسازی شهر و تکنولوژی مطرح کردند از بین رفتن سنت‌ها بود. سنت‌ها جزئی از هویت فرهنگی یک جامعه هستند. با از بین رفتن سنت‌ها بر اثر هوشمندسازی، بخشی از هویت فرهنگی و زندگی اجتماعی افراد ممکن است به خطر بیفتد. این می‌تواند موجب از دست رفتن ارتباطات اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی باشد. سنت‌ها معمولاً برای تقویت ارتباطات انسانی و ایجاد اتحاد و همبستگی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

- تبعات فردی

- ایجاد آسیب‌های نوپدید: آسیب‌های نوپدید از نظر شرکت‌کنندگان شامل: تأثیر فضای مجازی روی کودکان، تعارض‌های خانوادگی، تنوع‌طلبی افراطی، اعتیاد به موبایل و فضای مجازی و اعتیاد رفتاری است. اعتیاد به



شکل ۲. مدل پارادایمی پژوهش

سه تهدید «چالش قانون گذاری»، «فقدان ارتباط امن» و «میانجی برنامه کاربردی و پروتکل های ناامن» به عنوان کلیدی ترین تهدیدها تعیین شدند [۲۴]. همچنین، نتایج نشان داد اگرچه کشورهای فراوانی در دنیا به سوی اتخاذ پارادایم شهر هوشمند در راستای ارتقای کارایی و پاسخ گویی مدیریت کلان شهرها قدم برداشته اند، اما ایران هنوز نتوانسته است حتی در پایتخت که مهم ترین کلان شهر آن به شمار می رود، این پارادایم مدیریت کلان شهری را انتخاب و اجرا کند [۱۱].

پس به طور کلی می توان مشابهت میان تحقیق پیشرو با سایر مقالات را این گونه تفسیر کرد که در مقاله حاضر به موضوعات ضعف در مدیریت شهر و عدم یکپارچگی بین سازمان ها، مشکلات اقتصادی و کمبود منابع مالی به عنوان عوامل علی در هوشمندسازی در بستر حکمرانی اشاره کرد از عوامل علی جدید در این تحقیق که مقالات پیشین به آن توجه نداشتند می توان به عقب ماندگی از استانداردهای جهانی و مشکلات اجتماعی و زیست محیطی شهری اشاره کرد که در قسمت پیشین مورد بحث قرار گرفت. راهبردهای پیشنهادی در این تحقیق که با سایر مقالات مشابهت دارد از جمله بستر سازی زیرساختی در حوزه هوشمندسازی، ایجاد بستر تامین مالی و بهره گیری از فناوری نوین است از راهبردهای جدید در این تحقیق که در مقالات پیشین به آن توجه نداشتند موضوع پیاده سازی مدیریت دانش در سطح سازمان ها و ادارات است که می تواند در ایجاد حکمرانی کارآمد نقش بسزایی داشته باشد. عواملی مانند نگرانی های امنیتی از حریم خصوصی و سیستم های مدیریت ناکارآمد به عنوان عامل مداخله گر در ایجاد حکمرانی کارآمد و حکمرانی مطلوب و یکپارچه نیز به عنوان عامل زمینه ای در این تحقیق مشابه سایر مقالات مطرح شده است از عوامل جدید زمینه ای در این تحقیق می توان به عامل ارتباطات فرامرزی مؤثر و نقش آن در حکمرانی کارآمد از نظر شهروندان اشاره کرد. در نهایت، برآیند موارد یاد شده می تواند دارای پیامدهای مثبت و منفی باشد به طوری که در صورت ایجاد عوامل یاد شده می توان توسعه ابعاد اجتماعی (از جمله همگرایی اطلاعات شهری، افزایش فرصت های شغلی، افزایش امنیت اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی، کاهش مشکلات شهری، توسعه پایدار شهر و ایجاد مدیریت یکپارچه) و توسعه ابعاد فردی (از جمله سهولت دسترسی به خدمات شهری، توسعه شبکه ارتباطی، افزایش کیفیت زندگی فردی، امکان پیشرفت اجتماعی و سهولت دسترسی به دانش) را در

نتیجه گیری و پیشنهادها

هوشمندسازی در حکمرانی شهری نقش مهمی در توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی شهروندان دارد. این مفهوم، با استفاده از فناوری های اطلاعات و ارتباطات، به منظور بهبود مدیریت شهری، افزایش شفافیت، مشارکت شهروندان و بهینه سازی منابع شهری شکل می گیرد.

حکمرانی در بستر هوشمندسازی با عنوان «مشارکت سیاسی و فعال، خدمات شهروندی و استفاده هوشمند از دولت الکترونیک» از معیارهای اصلی مورد بررسی در این موضوع است [۱۹]. از دیگر معیارهای مورد بررسی در مقالات مشابه در خصوص حکمرانی در بستر هوشمندسازی می توان به موارد زیر اشاره کرد: مدیریت هوشمند، امنیت سایبری، شفاف سازی، انگیزش و مشارکت، شهرداری الکترونیک، خدمات دولتی نوین، چشم انداز و استراتژی سیاسی، توانایی نهادی، تصمیم سازی هوشمند، توان کنشگران سازمانی، زیرساخت های هوشمند، دولت الکترونیک، در دسترس بودن فناوری اطلاعات و ارتباطات، خدمات عمومی و اجتماعی، مبارزه با فساد و جرایم، عملکرد دولت، شرکت در انتخابات، مسئولان اداری، مشارکت در تصمیم گیری، خدمات عمومی و اجتماعی، حکمرانی شفاف است [۲۰].

همچنین، یافته های برخی مقالات نشان می دهد آموزش مستقیم شهروندی، طراحی فرصت های مشارکت عمومی، تدوین سیاست های محلی، مدیریت یکپارچه شهری، ایجاد مدل مالی جهت تخصیص بودجه مناسب، توسعه زیرساخت ارتباط داده و شبکه دسترسی، تشویق سرمایه گذاران با ارائه مجوزهای سودآور، ایجاد پرتال های داده باز برای آزادسازی داده و اطلاعات، وضع قوانین قوی برای حفظ حریم خصوصی افراد و سازمان ها، ارائه خدمات به صورت آنلاین و حذف بروکراسی و برنامه ریزی دقیق دولت هوشمند در سطح ملی بیشترین امتیاز را در رسیدن به الگوی حکمرانی شهری هوشمند آینده نگر به دست آوردند [۲۱]. مهیا بودن زیرساخت های نرم افزاری و سخت افزاری، تشکیل پایگاه داده، تداوم به کارگیری نوآوری در سازمان ها و نهادهای مرتبط، مبادله داده و اطلاعات میان تمام ذی نفعان و غیره باید مهیا شود [۲۲]. همچنین، نتایج و یافته ها بیانگر آن است که هشت متغیر مکنون درونی: شفاف سازی، پاسخ گویی، مشارکت، اثربخشی، اجماع گرایی، قانونمندی، مسئولیت پذیری، عدالت، بر سه متغیر مکنون بیرونی: عوامل انسانی، سرمایه اجتماعی مدیریت و سیاست، عوامل فناوری تأثیرگذار بر همدیگر هستند [۲۳].

۱۳. افزایش پاسخ‌گویی: با استفاده از فناوری هوشمند، اطلاعات به صورت شفاف و قابل دسترس برای همه ارائه می‌شود که باعث افزایش پاسخ‌گویی و اعتماد مردم به حکومت می‌شود.

راهکارها

۱. ترویج آگاهی شهروندان: برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌ها برای آگاهی‌بخشی به شهروندان در مورد مفاهیم هوشمندسازی.
۲. تشویق مشارکت شهروندان: ایجاد فرصت‌های مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با شهر.
۳. ایجاد پلتفرم‌های الکترونیکی برای دریافت نظرات و پیشنهادهای شهروندان.
۴. توسعه پروژه‌های هوشمند: اجرای پروژه‌های هوشمندسازی در زمینه‌های مختلف مانند ترافیک، مدیریت پسماند، انرژی و غیره.
۵. توسعه شبکه‌های ارتباطی: توسعه شبکه‌های ارتباطی پایدار و قابل اعتماد برای انتقال داده‌ها و اطلاعات مرتبط با هوشمندسازی.
۶. تحقیق و پژوهش: انجام تحقیقات در زمینه‌های مختلف مرتبط با حکمروایی هوشمند شهری.
۷. ایجاد پایگاه داده‌های ملی: در این زمینه با توجه به شرایط و نیازهای شهری می‌توان اقدامات مشخصی را انتخاب کرد.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول ۴۰ درصد، نویسنده دوم ۴۰ درصد و نویسنده سوم ۲۰ درصد.

تشکر و قدردانی

به این وسیله از همه مشارکت‌کنندگان این پژوهش متواضعانه سپاسگزار بوده، زیرا با انتقال دانش، تجربیات و ایده‌های خود به ما امکان دسترسی به دانش‌های نوین را داده‌اند و در انتها امیدوار هستیم این تلاش‌ها باعث بهبود دانش اجتماعی شده و به مدیران و برنامه‌ریزان این حوزه کمک کند. در این پژوهش کوشش شد، جهت فراهم کردن اصول اخلاقی در بخش گردآوری داده‌ها، فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها و نمایاندن برآیندها تهیه و نگهداشت شود. این مقاله حامی مادی و معنوی ندارد.

تعارض منافع

این مقاله تعارض منافع ندارند.

سطح کشور برای ایجاد حکمروایی کارآمد انتظار داشت و در غیر این صورت تبعات اجتماعی (از جمله وابستگی مفرط ساختارهای کشور به فناوری، حذف برخی مشاغل و از بین رفتن سنت‌ها) و تبعات فردی (از جمله ایجاد آسیب‌های نوپدید، کم‌تحرکی و مشکلات جسمی و کاهش مهارت‌های نرم و افزایش اختلالات روان‌شناختی) پیش رو خواهد بود که از عوامل جدید پیامد در تحقیق حاضر است.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت تأثیر نقش هوشمندسازی شهر در حکمروایی کارآمد باعث عوامل زیر شود:

۱. شفافیت و مشارکت شهروندان: حکمروایی هوشمند شهری، شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای برنامه‌ها را ترویج می‌دهد. شهروندان می‌توانند از طریق پلتفرم‌های الکترونیکی نظرات خود را ارائه کنند و در فرایند تصمیم‌گیری شهری شرکت کنند.
۲. کاهش بروکراسی: حکمروایی هوشمند شهری با کاهش تصدیگری و ساده‌سازی فرایندها، بهبود ارتباطات، و تنظیم مقررات مناسب به مدیریت شهری کمک می‌کند.
۳. توسعه خدمات الکترونیک شهری: ایجاد پورتال‌ها و سامانه‌های الکترونیکی برای ارائه خدمات به شهروندان و کاهش هزینه‌ها.
۴. توسعه سرمایه اجتماعی شهر: حکمروایی هوشمند شهری با جلب مشارکت عمومی شهروندان و ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌ها به توسعه سرمایه اجتماعی شهر کمک می‌کند.
۵. تنظیم مقررات مناسب: ایجاد قوانین قوی برای حفظ حریم خصوصی افراد و سازمان‌ها و تنظیم مقررات مناسب برای توسعه شهری.
۶. مدیریت ترافیک و حمل‌ونقل: هوشمندسازی ترافیک و حمل‌ونقل شهری با استفاده از سیستم‌های ترافیک هوشمند، کاهش ترافیک، بهبود ایمنی و کارآمدی حمل‌ونقل عمومی را ممکن می‌سازد.
۷. مدیریت پسماندها: انتشار داده‌های مرتبط با پسماندها و تشویق شهروندان به مشارکت در جمع‌آوری و دفع پسماندها.
۸. مدیریت انرژی: هوشمندسازی شبکه‌های انرژی، کاهش مصرف انرژی، و افزایش کارایی در تولید و توزیع انرژی.
۹. مدیریت منابع آبی: استفاده هوشمند از منابع آبی شهری، کاهش هدررفت آب، و مدیریت بهینه منابع آبی.
۱۰. تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات: ارائه داده‌ها و آمارهای دقیق و به روز به حکمرانان، باعث افزایش کیفیت تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها می‌شود.
۱۱. بهبود خدمات عمومی: هوشمندسازی می‌تواند منجر به بهبود کیفیت و ارتقای خدمات عمومی شود و از طریق این راهکار، اعتماد عمومی به حکومت افزایش یابد.
۱۲. مدیریت بهره‌وری: هوشمندسازی می‌تواند به بهره‌وری بیشتر در استفاده از منابع مالی و انسانی منجر شود و به افزایش کارایی و اثربخشی حکمرانی کمک کند.

- [1] Hosseini Sh. Analysis of Good Governance Indicators in Torbat Haydarieh: Emphasizing on the citizens and urban managers' viewpoints. *Motaleate Shahri*. 2016;5(20):43-52. [In Persian]
- [2] Tan SY, Taeighagh A. Smart city governance in developing countries: A systematic literature review. *sustainability*. 2020;12(3):899. <https://doi.org/10.3390/su12030899>
- [3] Toan NQ, Nhu DT, editors. Smart urban governance in smart city. IOP Conference Series: Materials Science and Engineering; 2020: IOP Publishing. doi:[10.1088/1757-899X/869/2/022021](https://doi.org/10.1088/1757-899X/869/2/022021)
- [4] Meijer A, Bolívar MPR. Governing the smart city: a review of the literature on smart urban governance. *International review of administrative sciences*. 2016;82(2):392-408. <https://doi.org/10.1177/0020852314564308>
- [5] Jiang H, Geertman S, Witte P. Smartening urban governance: An evidence-based perspective. *Regional Science Policy & Practice*. 2021;13(3):744-59. <https://doi.org/10.1111/rsp3.12304>
- [6] Barakpour N, Asadie I. Areas of Transition to Integrated Urban Management in Iran, with Emphasizing the Duties, Functions and Competencies of the City Council and Municipality. *Urban Economics and Planning*. 2022;3(2):70-81. DOI: [10.22034/uep.2022.319517.1151](https://doi.org/10.22034/uep.2022.319517.1151). [In Persian]
- [7] Bastos D, Fernández-Caballero A, Pereira A, Rocha NP, editors. Smart city applications to promote citizen participation in city management and governance: A systematic review. *Informatics*; 2022: MDPI. <https://doi.org/10.3390/informatics9040089>
- [8] Mohammadi Deh Cheshmeh M, Moradi H. Strategies for Realizing the Vision of Smart Governance in Iranian Cities. *Urban Economics and Planning*. 2022;3(4):114-31. DOI: [10.22034/uep.2022.366428.1293](https://doi.org/10.22034/uep.2022.366428.1293). [In Persian]
- [9] Balochi Asma; Behboodi Mohammad Reza; Torabi M. Designing a model for a smart city inspired by the assumptions of modern government services and evaluating its infrastructural components in Bandar Abbas Municipality. *Iranian Management Studies*. 2021;12(4):159-89. doi: [10.22034/jipas.2022.295680.1202](https://doi.org/10.22034/jipas.2022.295680.1202). [In Persian]
- [10] Khomejani S, Sarver R, Amirazodi T, Arbabi Sabzvari A. Comparative Analysis of good urban governance-Case Study: Regions 2 and 10 of Tehran. *Geography*. 2022;20(72):79-94. <http://dor.net/dor/20.1001.1.27833739.1401.20.72.5.1>. [In Persian]
- [11] Hashemi SA, Rahnejat M, Sharifzadeh F, Saadi MR. Relationship between Good Governance and a Smart City: A case study of Tehran. *Socio-Cultural Strategy*. 2020;9(1):67-90. [In Persian]
- [12] Saidi A, Masoumi K, RAHMANI FA, ETAAT J. Water Governance and Regional Development The Case of Karkheh Irrigation Area (Khuzestan, Iran). 2018. [In Persian]
- [13] Qadermarzi H, Ahmadi H, Ahmadi A, Javan F. An analysis of the effect of good governance in improving the quality of rural life (case study: Dehgalan city). *Geography Quarterly*. 2018;58(16):175-90. [In Persian]
- [14] Shokouei H. Environmental philosophies and geographical schools. Tehran: Gitashenasi; 2003. [In Persian]
- [15] Roostaii S, Pourmohammadi MR, Ghanbari H. Investigating the Structural Role of Good Urban Governance in Creating Smart Cities (Case Study: Tabriz Municipality). *Urban Planning and Research Quarterly*. 2017;8:31. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1396.8.31.7.5> [In Persian]
- [16] Manuel C. Information Age of Economy, Society and Culture: new design 2001.
- [17] Holohan A. The challenge of becoming a network organization. Los Angeles: University of California Press; 2000.
- [18] Mustafa A. Qualitative research method from theory to practice: Keihan; 2016. [In Persian]
- [19] Hoseini A, Taghiloo AA, Movaghari A. Zoning of urban smart living spaces Case study: Five Municipalities area of Urmia city. *Human Geography Research*. 2021;53(4):1335-51. doi: [10.22059/jhgr.2021.293172.1008040](https://doi.org/10.22059/jhgr.2021.293172.1008040). [In Persian]
- [20] Abagheri Mahabadi N, Fathi S, Zare Z. Scoping review to investigate the smart city in Iran. *Iranian Sociological Review*. 2024;51(1). [In Persian]
- [21] Ziari K, ehsanifard a. The Role of Smart Urban Governance in the Post-Corona Period for the Purpose of Sustainable Urban Development and Excellence with Exploratory-Confirmatory Factor Analysis Model and SEM Modeling with AMOS (Case Study: Semnan City). *Physical Social Planning*. 2022;9(2):87-108. <https://doi.org/10.30473/psp.2022.61905.2548>. [In Persian]
- [22] Hosseini SA, Laali Niyat I, Heidarinia S. Analysis of the Pattern of Urban Smart Management, a New Way to Improve Urban Governance. *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*. 2019;7(4):743-62. doi: [10.22059/jurbangeo.2019.276474.1064](https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2019.276474.1064). [In Persian]
- [23] Roostaei S, pourmohammadi mr, Ghanbari H. The structural modeling a theory of smart cities based on urban good governance in Iran (Urban management of Tabriz municipality). *Journal of Geography and Planning*. 2022;26(79):155-69. <https://doi.org/10.22034/gp.2022.10828>. [In Persian]
- [24] Seddighi N, Sanaei MR, Ehtesham Rasi R. A framework for assessing cyber security and privacy threats and investigating their impact on smart city performance. *Electronic and Cyber Defense*. 2022;10(3):77-91. [In Persian]

of social life is the appearance that evokes the remembrance of God. The purpose of this research is to investigate the effective factors in improving the quality of pedestrian spaces with an emphasis on the Iranian Islamic cities of Behbahan city from the residents' point of view and to answer the following questions.

1- What are the effective indicators in planning, design, and management of urban streets according to Islamic teachings and Iranian culture?

Therefore, the current research aims to determine the effective parameters for improving the quality of pedestrian spaces as research components with a systemic approach to evaluate and analyze the effective factors of strengthening the sidewalk with an Iranian-Islamic perspective in the city of Behbahan.

Materials and Methods

The current research is practical due to the analysis and investigation of the factors affecting the improvement of the quality of pedestrian spaces, with an emphasis on the Iranian Islamic cities of Behbahan from the perspective of the residents. Its general approach is quantitative. The data collection tool is a questionnaire that was designed to study the research and the theoretical foundations of the research. It was also designed by surveying experts with five indicators in the form of 30 items in the form of a five-point Likert scale. The analyzed indicators are: 1- traffic and access (4 items); 2- public security and traffic safety (7 items); 3- physical-visual (7 items); 4- Social-functional performance (7 items) and 5- Environment (5 items) (Table 1). SPSS26 and Excel software were used to analyze data and information. Depending on the measurement level of variables, suitable tests such as Pearson's correlation coefficient test have been used. The statistical population of the current research includes all urban residents and residents of Behbahan City, located in Khuzestan province, according to the official census of population and housing in 2015, the population of this city was equal to 122,604 people. Therefore, the statistical sample of this research was obtained based on Cochran's 386 formula. The calculated alpha value of 0.814 represents the reliability of the questionnaire.

Findings

Data screening

In order to check the assumptions of parametric statistics, as already stated, the data of the research was measured in an interval manner, and the

probability sampling method was used to select the samples. Its dimensions are in the range of +2 and -2, which shows that the assumption of normality of distribution has been met. The T-test statistical method was used to investigate and analyze the research components. Analyses were performed using spss26 software, and the level of significance for the two-domain test was considered to be equal to 0.05.

The situational results of the quality of sidewalks in Behbahan City show that the calculated average score of the subjects is in the 95% confidence interval of the t-test and is in the low limit. Therefore, it can be concluded that the state of urban health in the studied area (Behbahan City) is in a suitable and favorable condition and is positive, and this finding is significant at the level ($\alpha=0.01$).

Conclusion

The emergence of urbanization problems and, as a result, the reduction of the quality of urban spaces has led experts to find a suitable way to adjust the conditions of urban spaces and improve their quality level. In the past, the architecture and urban planning of Iranian cities were in accordance with the culture of the people, their spirit, and the urban community, while today, in urban design, these features have been forgotten, and economic interests are mostly taken into account. As a result, urban streets and sidewalks are like showcases of cities, and the character of cities is largely focused on their existence. Some streets may even influence the identity and character of that city. As a result of the present research, it has investigated and studied the quality indicators of pedestrian spaces in Behbahan City with an emphasis on Iranian Islamic cities. The results of the t-test (at level $\alpha=0.01$) of indicators and variables of the quality of pedestrian spaces in Behbahan city show that: 1) traffic and access component with a coefficient (105/83); 2) public security and traffic safety component with coefficient (95/105); 3) physical-visual component with coefficient (369/116); 4) The social-functional performance component with the coefficient (335/128) and 5) the environmental component with the coefficient (461/90) are significant. The calculated average score of the subjects is in the 95% confidence interval of the t-test and is at its upper limit. This indicates that the quality of pedestrian spaces in Behbahan city is good and suitable.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Safaeepour M. Nasiri Barmalvan E. Investigating the Effective Factors on Improving the Quality of Sidewalks with an Emphasis on Islamic Iranian Cities (Case Example: Behbahan City). Urban Economics and Planning Vol 5(2):218-230. [In Persian]

DOI: 10.22034/uep.2024.475862.1532



Investigating the Effective Factors on Improving the Quality of Sidewalks with an Emphasis on Islamic Iranian Cities (Case Example: Behbahan City)

Original Article

Masoud Safaeepour^{1*}, Eghbal Nasiri Barmalvan²

1- Professor of Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

2- Ph.D candidate in geography and urban planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-08-29

Revised: 2024-09-04

Accepted: 2024-09-14

Keywords

Behbahan City

Space

Iranian-Islamic Pattern

Sidewalk

ABSTRACT

Introduction

In the last few decades, the expansion of vehicles, space and urban passages has distanced urban design and planning from human-centeredness and the special causes of Islamic Iranian characteristics. As a result, social and cultural interactions and the values of urban spaces have decreased. The continuation of such a flow has caused the urban life of its spaces and its civilization to face damage, as well as the quality of the city spaces. Therefore, urban and civil life reaches its peak that the presence of urban residents in public spaces, while providing comfort, will lead to the acquisition of knowledge and spiritual advancement and the excellence of their collective spirit and culture. which is a function of religious values and beliefs of Islamic history and culture in the public spaces of the city [11]. Sidewalks are the place where all urban residents are present and participate in social life. Therefore, their presence in the cities helps to improve people's mental image of the city. Therefore, the existential philosophy of sidewalks is not just the physical and communicative manifestations, but rather strengthening and stabilizing some economic issues and expanding socio-cultural interactions and creating a human scale and uses in the public space [12]. In Iranian-Islamic cities, due to the predominance of the Islamic worldview, the privacy of people in private and semi-private spaces is of particular importance. In fact, privacy has been a personal right of individuals and induces concepts such as space, privacy, territory and sphere of influence. In favorable conditions, a network of privacy hierarchies encompasses the urban space. This hierarchy starts from the residential units as the most confidential and private space and ends with the most public central space of the city [9]. For this reason, in Iranian Islamic cities, in order to eliminate isolation, social connection is given special importance. In fact, these spaces are part of the open and public spaces of cities where collective life is going on. All people are allowed to access these spaces, and social interaction and confrontation is one of its most important features. Creating relaxation, entertainment, providing communication, socializing and the possibility of movement are other functions of urban public spaces. The existence of these spaces is very effective and necessary to prevent helplessness, depression, isolation and violence. In this way, these spaces can create a situation for the growth of creativity and be a constructive environment in an urban complex [2]. The urban development of today's cities lacks spiritual and religious principles and values, as well as native and local features and characteristics. The lack of criteria based on theoretical foundations arising from Islamic-Iranian culture has prevailed in all the elements and parts of the city [13]. Among the issues that have been emphasized in the Holy Quran and Hadith in the creation

* Corresponding author: safaeep@scu.ac.ir

بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت پیاده‌روها با تأکید بر شهرهای ایرانی اسلامی (نمونه موردی: شهر بهبهان)

مقاله پژوهشی

مسعود صفایی‌پور^{۱*}؛ اقبال نصیری برم الوان^۲

۱- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

چکیده

مقدمه

در چند دهه ساله اخیر، گسترش وسایل نقلیه، فضا و معابر شهری، طراحی و برنامه‌ریزی شهری را از حالت انسان‌محور بودن و به‌خصوص ویژگی‌های ایرانی اسلامی، فاصله داده و در نتیجه، از تعاملات اجتماعی و فرهنگی و ارزش‌های فضاهای شهری کم کرده است. تداوم چنین جریانی باعث شده زندگی شهری فضاها و تمدن آن و به دنبال آن، کیفیت فضاهای شهر با آسیب روبه‌رو شود. بنابراین، سطح زندگی شهری و مدنی زمانی به اوج خود می‌رسد که حضور ساکنان شهری در فضاهای همگانی ضمن آسایش، موجب کسب دانش و ارتقای معنوی و تعالی روح و فرهنگ جمعی آن‌ها، که تابعی از ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی، تاریخ و فرهنگ اسلامی است در فضاهای همگانی شهر شود [۱۱]. پیاده‌راه‌ها، محل حضور همه ساکنان شهری و مشارکت در زندگی اجتماعی است. به همین دلیل، وجود آن‌ها در شهرها به ارتقای تصویرسازی ذهنیتی مردم از شهر کمک می‌کند. لذا فلسفه وجودی پیاده‌راه‌ها فقط عمل نمودهای فیزیکی و ارتباطی نیست، بلکه تقویت و تثبیت بعضی مسائل اقتصادی و گسترش تعاملات اجتماعی- فرهنگی و ایجاد، مقیاس انسانی و کاربری‌ها در فضای همگانی است [۱۱]. در شهرهای ایرانی- اسلامی به علت غلبه جهان‌بینی اسلامی، حریمت افراد در فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع، حریمت به عنوان حق شخصی افراد بوده و القاکننده مفاهیمی مانند فضا، حریم، قلمرو و حوزه نفوذ است. در شرایط مطلوب، شبکه‌ای از سلسله‌مراتب حریمت، فضای شهری را در بر می‌گیرد. این سلسله‌مراتب از واحدهای مسکونی به عنوان محرم‌ترین و خصوصی‌ترین فضا شروع شده و به همگانی‌ترین فضای مرکزی شهر ختم می‌شود [۱۲]. به همین دلیل، در شهرهای ایرانی اسلامی برای از بین بردن انزوای همگانی، به ایجاد ارتباط اجتماعی اهمیت خاصی داده می‌شود. در حقیقت، این فضاها بخشی از فضاهای باز و همگانی شهرها هستند که زندگی جمعی در آن‌ها در جریان است. همه مردم اجازه دسترسی به این فضاها را دارند، و تعامل و تقابل اجتماعی از مهم‌ترین مشخصه‌های آن است. ایجاد آرامش، سرگرمی، فراهم آوردن ارتباط، زمینه معاشرت و امکان تردد از دیگر عملکردهای فضاهای همگانی شهری است. وجود این فضاها برای پیشگیری از درماندگی، افسردگی، گوشه‌گیری و خشونت بسیار مؤثر و ضروری است. به این ترتیب، این فضاها می‌توانند موقعیتی برای رشد خلاقیت به وجود آورند و محیطی سازنده در یک مجموعه شهری باشند [۲].

شهرسازی شهرهای امروزی فاقد اصول و ارزش‌های معنوی و اعتقادی و همچنین ویژگی‌ها و مشخصه‌های بومی و محلی هستند. فقدان معیارهای مبتنی بر مبانی نظری برآمده از فرهنگ اسلامی- ایرانی در همه عناصر و اجزای شهر غالب و چیره شده است [۱۳]. از جمله مسائلی که در فضا سازی زندگی اجتماعی مورد تأکید قرآن کریم و حدیث قرار گرفته ظواهری است که برانگیزنده یاد خدا باشد. هدف این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت فضاهای پیاده‌رو با تأکید بر شهرهای ایرانی اسلامی شهر بهبهان از دیدگاه ساکنان و پاسخ‌گویی به سؤال زیر است.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴

کلمات کلیدی

الگوی ایرانی- اسلامی

پیاده‌رو

شهر بهبهان

فضا

کشیدگی و چولگی متغیر پژوهش و ابعاد آن در محدوده +۲ و -۲ قرار دارد که نشان می‌دهد فرض نرمال بودن توزیع نیز رعایت شده است. به دلیل بررسی و تحلیل مؤلفه‌های پژوهش از روش آماری آزمون تی، استفاده شد. تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS26 انجام و میزان سطح معناداری برای آزمون دو دامنه برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. نتایج وضعیت‌شناسی کیفیت فضای پیاده‌روهای شهر بهبهان نشان می‌دهد میانگین محاسبه‌شده نمره آزمون‌ها در فاصله اطمینان ۹۵ درصدی آزمون t و در حد پایین قرار دارد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت سلامت شهری در محدوده مورد مطالعه (شهر بهبهان) در وضعیت مناسب و مطلوب قرار دارد و مثبت است و این یافته در سطح $(\alpha=0.01)$ معنادار است.

نتیجه‌گیری

پیدایش مشکلات شهرنشینی و در نتیجه، کاهش کیفیت فضاهای شهری، متخصصان امر را به سوی یافتن راهی مناسب برای تعدیل شرایط فضاهای شهری و ارتقای سطح کیفیت آن‌ها سوق داده است. معماری و شهرسازی شهرهای ایران در گذشته متناسب با فرهنگ مردم، روحیات آنان و اجتماع شهری بود، در حالی که امروزه در طراحی شهری این شاخصه‌ها به دست فراموشی سپرده شده و بیشتر منافع اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. در نتیجه، خیابان‌ها و پیاده‌روهای شهری همچون ویت‌ترین شهرها بوده و شخصیت شهرها تا حد زیادی معطوف به وجود آن‌ها بوده و حتی ممکن است برخی از خیابان‌ها روی هویت و شخصیت آن شهر تأثیرگذار باشد. در نتیجه، پژوهش حاضر به بررسی و مطالعه شاخصه‌های کیفیت فضاهای پیاده‌رو در شهر بهبهان با تأکید بر شهرهای ایرانی اسلامی پرداخته است. نتایج آزمون t (در سطح $\alpha=0.01$) شاخص‌ها و متغیرهای کیفیت فضاهای پیاده‌رو در شهر بهبهان نشان می‌دهد: (۱) مؤلفه تردد و دسترسی با ضریب $(1.05/0.83)$ ؛ (۲) مؤلفه امنیت همگانی و ایمنی تردد با ضریب $(3.95/1.05)$ ؛ (۳) مؤلفه کالبدی-بصری با ضریب $(3.69/1.16)$ ؛ (۴) مؤلفه کارنمودهای اجتماعی-کارکردی با ضریب $(3.35/1.28)$ و (۵) مؤلفه محیط زیست با ضریب $(4.61/0.90)$ ، معنادار است. میانگین محاسبه‌شده نمره آزمون‌ها در فاصله اطمینان ۹۵ درصدی آزمون t و در حد بالای آن قرار دارد؛ و بیانگر آن است که کیفیت فضاهای پیاده‌رو در شهر بهبهان در وضعیت مطلوب و مناسب قرار دارد.

۱- شاخص‌های مؤثر در برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت خیابان شهری با توجه به آموزه‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی چیست؟
بنابراین پژوهش حاضر در صدد آن است که با ملاحظه وضعیت پارامترهای مؤثر بر ارتقای کیفیت فضاهای پیاده‌رو، به عنوان مؤلفه‌های پژوهش با نگرشی سیستمی به ارزیابی و تحلیل عوامل مؤثر بر تقویت پیاده‌رو با نگرش ایرانی اسلامی را در شهر بهبهان مشخص سازد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به دلیل تحلیل و بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت فضاهای پیاده‌رو با تأکید بر شهرهای ایرانی-اسلامی شهر بهبهان از دیدگاه ساکنان، کاربردی بوده و رویکرد کلی آن کمی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای است که با مطالعه پژوهش‌های صورت‌گرفته، مبنای نظری تحقیق و نظرسنجی از کارشناسان با ۵ شاخص در قالب ۳۰ گویه به صورت طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت طراحی شد. نماگرهای مورد بررسی عبارتند از: ۱- تردد و دسترسی (۴ گویه)؛ ۲- امنیت همگانی و ایمنی تردد (۷ گویه)؛ ۳- کالبدی-بصری (۷ گویه)؛ ۴- کارنمودهای اجتماعی-کارکردی (۷ گویه) و ۵- محیط زیست (۵ گویه) (جدول ۱). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات از نرم‌افزارهای SPSS26 و Excell استفاده شد.

با توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمون‌های مناسب از جمله آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده و ... بررسی شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه ساکنان شهری و ساکنان شهر بهبهان واقع در استان خوزستان بوده است، بر اساس آمارگیری رسمی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیت این شهر معادل ۱۲۲۶۰۴ نفر بوده است؛ لذا نمونه آماری این پژوهش بر اساس فرمول کوکران ۳۸۶ به دست آمد. میزان آلفای محاسبه‌شده به مقدار ۰/۸۱۴ نمایانگر مطلوبیت پایایی پرسشنامه است.

یافته‌ها

غریب‌گیری داده‌ها

برای بررسی مفروضه‌های آمار پارامتریک، همان‌گونه که از قبل مشخص شد، داده‌های پژوهش به صورت فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است. همچنین، از روش نمونه‌گیری احتمالاتی برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است. از طرف دیگر، با توجه به یافته‌های جدول ۳ می‌توان گفت که ضرایب

مقدمه

اقتصادی و گسترش تعاملات اجتماعی - فرهنگی و ایجاد، مقیاس انسانی و کاربری‌ها در فضای همگانی است. مناطق پیاده از جمله منطقه پیاده‌رو (Pedestrian zone)، منطقه بدون ماشین (Car free zone)، محدوده پیاده‌راه (Pedestrian Area)، خیابان قابل پیاده‌روی (Walkable Street) و پیاده‌راه تجاری (Pedestrian Mall) که از همان ابتدا ممکن است برای تردد عابران ساخته شده باشد و یا که تغییر کاربری یافته و خیابان‌هایی باشد که به پیاده‌راه تبدیل می‌شود. پیاده‌راه‌ها، محل حضور همه ساکنان شهری و مشارکت در زندگی اجتماعی است. به همین دلیل وجود آن‌ها در شهرها به ارتقای تصویرسازی ذهنیتی مردم از شهر کمک می‌کند [۱۲].

شهرسازی شهرهای امروزی فاقد اصول و ارزش‌های معنوی و اعتقادی و همچنین، ویژگی‌ها و مشخصه‌های بومی و محلی هستند. فقدان معیارهای مبتنی بر مبانی نظری برآمده از فرهنگ اسلامی - ایرانی در همه عناصر و اجزای شهر غالب و چیره شده است [۱۳]. از جمله مسائلی که در فضا سازی زندگی اجتماعی مورد تأکید قرآن کریم و حدیث قرار گرفته، ظواهری است که برانگیزنده یاد خدا باشد.

هدف این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت فضاهای پیاده‌رو با تأکید بر شهرهای ایرانی اسلامی شهر بهبهان از دیدگاه ساکنان و پاسخ‌گویی به سؤال زیر است.

۱- شاخص‌های مؤثر در برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت خیابان شهری با توجه به آموزهای اسلامی و فرهنگ ایرانی چیست؟

بنابراین پژوهش حاضر در صدد آن است که با ملاحظه وضعیت پارامترهای مؤثر بر ارتقای کیفیت فضاهای پیاده‌رو، به عنوان مؤلفه‌های پژوهش با نگرشی سیستمی به ارزیابی و تحلیل عوامل مؤثر بر تقویت پیاده‌رو با نگرش ایرانی اسلامی را در شهر بهبهان مشخص سازد.

مبانی نظری پژوهش

پیشینه نظری

پیاده‌محوری

شامل مجموعه اقدامات یا ایجاد محدوده‌های خاص (اغلب در مرکز شهرها) با حذف کامل تردد سواره یا ایجاد محدودیت زمان و سرعت ترافیک سواره بوده است که به نام طرح‌های آرام‌سازی ترافیک شناخته می‌شود [۲]. خودروهای شخصی از نواحی مرکزی و تاریخی شهرها در اواخر دهه ۱۳۵۰، به دلیل تهدید مراکز شهرهای اروپا به وسیله ترافیک و تخریب بافت‌های ارزشمند شهری به بیرون رانده شد، تا سال ۱۹۷۵ تقریباً شهرهای مهم و تاریخی اروپا ورود اتومبیل را به بخش و ناحیه تاریخی و مرکزی خود محدود کردند و پیاده‌راه‌های تاریخی - تجاری در آن‌ها به وجود آوردند [۱۲].

پیاده‌راه‌ها یا مسیر پیاده، مسیری هستند که بالاترین سطح نقش اجتماعی که تسلط کامل با عابر پیاده را دارند و این معابر می‌تواند به صورت کوچه، مسیری در میدان، بازار، بازارچه، پارک یا فضای یک مجتمع شکل بگیرند و محیطی برای گذران اوقات فراغت ساکنان شهری فراهم آورند [۱۴]. تعاملات اجتماعی، نقش اساسی را دارند؛ از یک سو پیاده‌راه‌ها قسمتی از فضای شهر شناخته شده که به دلایل خاص، در تمام یا بخشی از شبانه‌روز روی حرکت سواره بسته می‌شوند و به طور کامل به حرکت عابران پیاده اختصاص می‌یابند [۱۵]. مراکز شهری تجربه انسان و تصویر فیزیکی موجود به شدت تحت تأثیر ماشین است و منطقه‌بندی پیاده‌راه، جزئی از احیای بخش‌های تاریخی است؛ زیرا باعث کاهش آلودگی، ایمنی، توسعه، کاهش تراکم و ازدحام و آرام‌سازی محله‌ها می‌شود و در شهرهای مختلف به منظور منطقه‌بندی عاری از ترافیک و بازگرداندن یکپارچگی بافت تاریخی بوده است. در این میان، پیاده‌محورسازی به دلیل ویژگی‌های خود در ایجاد تعاملات اجتماعی، نقش اساسی را دارد. حذف ماشین‌ها عمدتاً ضروری است که آلودگی هوا و ارتعاشاتی که ساختارهای فیزیکی را ویران می‌سازد، کاهش دهد [۱۵].

فضاهای عمومی شهری (خیابان، پیاده‌رو، میدان، پارک و...) مهم‌ترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند که در چنین عرصه‌هایی بیشترین تماس، ارتباط و تعامل میان انسان‌ها رخ می‌دهد. این فضاها تمام بخش‌های بافت شهری که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند را شامل می‌شود [۱]. در حقیقت، این فضاها بخشی از فضاهای باز و همگانی شهرها هستند که زندگی جمعی در آن‌ها در جریان است. همه مردم اجازه دسترسی به این فضاها را دارند، و تعامل و تقابل اجتماعی از مهم‌ترین مشخصه‌های آن است. ایجاد آرامش، سرگرمی، فراهم آوردن ارتباط، زمینه معاشرت و امکان تردد از دیگر عملکردهای فضاهای همگانی شهری است. وجود این فضاها برای پیشگیری از درماندگی، افسردگی، گوشه‌گیری و خشونت بسیار مؤثر و ضروری است. به این ترتیب، این فضاها می‌توانند موقعیتی برای رشد خلاقیت به وجود آورند و محیطی سازنده، در یک مجموعه شهری باشند [۲]. در ادبیات قرن بیست و یکم، به حوزه پیاده‌مداری و منافع آن اشاره شده است که زندگی در محله‌های ایمن و قابل پیاده‌روی به سمت خرده‌فروشی، مراکز اداری - تفریحی دارای منافع بی‌شماری در حوزه‌های سلامت [۳] عوامل اجتماعی [۴]؛ محیط زیست [۵]؛ و اقتصاد [۶] برای افراد است. در مقایسه با محله خودرومحور، محله‌های به اصطلاح قابل پیاده‌روی برای زندگی، عادلانه‌تر، پایدارتر، اقتصادی‌تر و سازنده‌تر مناسب هستند. با این حال، تحقیقات اخیر [۷] و پوشش رسانه‌ای [۸] نشان می‌دهند تقاضا برای زندگی در چنین محلات و مناطقی به شدت در حال افزایش است.

در شهرهای ایرانی - اسلامی به علت غلبه جهان‌بینی اسلامی، حریمت افراد در فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع، حریمت به عنوان حق شخصی افراد بوده است و القاکننده مفاهیمی مانند فضا، حریم، قلمرو و حوزه نفوذ است. در شرایط مطلوب، شبکه‌ای از سلسله مراتب حریمت، فضای شهری را در بر می‌گیرد. این سلسله‌مراتب از واحدهای مسکونی به عنوان محرم‌ترین و خصوصی‌ترین فضا شروع شده و به همگانی‌ترین فضای مرکزی شهر ختم می‌شود [۹]. به همین دلیل، در شهرهای ایرانی اسلامی برای از بین بردن انزوایزینی، به ایجاد ارتباط اجتماعی اهمیت خاصی داده می‌شود [۱۰].

در چند دهه‌ساله اخیر، گسترش وسایل نقلیه، فضا و معابر شهری، طراحی و برنامه‌ریزی شهری را از حالت انسان‌محور بودن و به خصوص ویژگی‌های ایرانی - اسلامی، فاصله داده و در نتیجه از تعاملات اجتماعی و فرهنگی ارزش‌های فضاهای شهری کم کرده است. تداوم چنین جریانی باعث شده، زندگی شهری فضاها و تمدن آن و به دنبال کیفیت فضاهای شهر با آسیب روبه‌رو شود. بنابراین زندگی شهری و مدنی زمانی به اوج خود می‌رسد که حضور ساکنان شهری در فضاهای همگانی ضمن آسایش، موجب کسب دانش و ارتقای معنوی و تعالی روح و فرهنگ جمعی آن‌ها، که تابعی از ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی، تاریخ و فرهنگ اسلامی است در فضاهای همگانی شهر شود. ابتدا هدف از پرداختن به مسئله پیاده‌راه شهری، بیشتر جلوگیری از تصادفات بود [۱۱]، ولی آنچه مطلع نظر است نقش‌هایی است که مردم را به اماکن پیوند می‌زند و موجب خاطره‌سازی و سرزندگی فضای شهر می‌شود. لذا این پتانسیل پیاده‌محورسازی به غیر از کمک به بخش تجاری پیرامون، موجب تعامل اجتماعی روحی و روانی ساکنان شهری می‌شود و این به واسطه ترکیبی از تجارت خرده‌فروشی و ارائه خدمات اداری، سیاسی و فرهنگی صورت می‌پذیرد.

هدف از پیاده‌راه‌ها و مراکز خرید پیاده، ایجاد و ساختن فضا است که علاوه بر کاهش تردد وسایل موتوری و غیره به جز وسایل نقلیه اضطرابی که دارای سیستم خیابان پیرامونی باشد، ظرفیت‌های خیابانی از دست‌رفته است. تداوم چنین جریانی باعث شده که زندگی شهری فضاها و تمدن آن و به دنبال آن، کیفیت فضاهای شهر با آسیب روبه‌رو شود. لذا فلسفه وجودی پیاده‌راه‌ها فقط عمل نموده‌های فیزیکی و ارتباطی نیست، بلکه تقویت و تثبیت بعضی مسائل

فضای شهری

این نوع از فضا جغرافیایی بر اثر تعامل ویژگی‌های طبیعی و ساختار اجتماعی - اقتصادی محیط شکل می‌گیرد [۱۶]. این نوع فضا را می‌توان ظرفی با محتوای رفت‌وآمد، تحرکات اجتماعی، فعالیت‌های روزمره، ابعاد فرهنگی، اقتصادی و... دانست [۱۷].

فضای عمومی

این نوع از فضا، فضای باز و در دسترس عموم بوده، که مردم برای انجام فعالیت‌های فردی و جمعی به آنجا می‌روند. تنها آن دسته از فضای باز شهری در زمرة فضاهای عمومی بالفعل تلقی می‌شوند که کنش جمعی در آن‌ها رخ می‌دهد یا اثرات اجتماعی قابل توجهی دارند، از جمله استراحت و تمدید قوا، معاشرت و تعامل اجتماعی یا خبرگیری و اطلاع‌رسانی از منظر اجتماعی [۱۸]. فضای عمومی عصری اساسی در محیط شهری، مکان‌های روبرویی با دیگران و جایی است که زندگی همگانی آشکار می‌شود. فضاهای همگانی منعکس‌کننده پیچیدگی‌های جوامع شهری هستند.

عوامل تأثیرگذار بر حرکت پیاده

عابر پیاده، به طور کلی متأثر از دو شاخص فیزیکی و فرهنگی - اجتماعی است. عوامل بی‌شمار، کیفیت محیط، شرایط فیزیکی عابر و زیبایی و جذابیت مسیر در جابه‌جایی حرکت عابر پیاده تأثیرگذار است. از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر حرکت پیاده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پیوستگی مسیر [۱۹].

- کوتاهی و جذابیت مسیر [۲۰].

- زیبایی و امنیت، پیاده‌ها در محله‌های خلوت [۱۹].

- ایمنی [۲۱].

- راحتی [۲۲].

در راستای دستیابی به فضاهای عمومی انسانی تفکر پیاده‌مداری مطرح شده است. آغاز این فرایند در سال ۱۹۷۷ در کتاب فقط عابر پیاده در ایالات متحده بوده است که نواحی مرکزی شهرها، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مهم‌ترین شبکه دسترسی شهری پیاده‌رو است که مقیاس آن در جهت حرکت انسان قرار دارد و از این‌رو باید از دیدگاه سهولت در حرکت، کاملاً بی‌مانع باشد.

کیفیت پیاده‌رو

پیاده‌رو مهم‌ترین شبکه دسترسی شهری در جهت حرکت انسان است و از این‌رو باید از دیدگاه سهولت در حرکت، کاملاً بی‌مانع باشد [۲۳]. پیاده‌راه‌ها محل حضور شهروند و مشارکت آنان در زندگی جمعی هستند. وجود آن‌ها به همین دلیل در شهر به ارتقای تصویر ذهنی افراد از شهر کمک می‌کند. پیاده‌راه در مقیاس شهر عمل و باید پذیرای گروه‌های مختلفی از ساکنان شهری با اندیشه، احساس و ادراک فضا، جنس و توانایی‌های جمعی متفاوت باشند [۱۲].

الگوی ایرانی - اسلامی

ترویج عنوان «شهر اسلامی» از قرن نوزدهم میلادی توسط مستشرقین بود. از آن دوران به بعد «شهر اسلامی» که به شهرهای ساخته‌شده توسط مسلمانان و محل زندگی آنان گفته می‌شد، به مرور در نوشته‌ها و آثار مربوط به تبعات شهری سکونتگاه‌های مسلمانان، بر این اساس که با حریم فیزیکی و یا ذهنی خاص خود تجلی جامعه فرهنگی متمایز از سایر تمدن‌ها هستند، در ادبیات غرب تثبیت شد [۲۴].

شهرسازی اسلامی، مشتمل بر مبانی نظری و تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی (به انضمام روش طراحی و برنامه‌ریزی و اجرایی متکی بر آن‌ها) است که باید بر محیط زندگی مسلمین و محیط اطراف و با سایر هم‌نوعان خویش حاکم باشند. این اصل و ارزش‌ها از تعالیم اسلامی استخراج شده و دربردارنده عوامل مهم فرهنگی - ملی هستند.

در الگوی شهر ایرانی - اسلامی عامل مسلط دین اسلام است از آنجا که شهر

اسلامی - ایرانی متأثر از ساکنان شهری ایرانی مؤمن و مسلمانی است که به آن‌ها هویت می‌دهند و شهرسازی و کالبد شهر براساس الگوها و معیارهای ویژه مذهبی و اسلامی سامان‌دهی می‌شود که مدیریتی درخور را طلب کرده و دارای معنا و روحی خواهد بود که هویت‌های شهر را آشکار می‌کند.

شهر اسلامی در تعالیم اسلامی، حائز مباحث گسترده و وسیعی بوده است. به نظر می‌رسد شهر اسلامی تنها شهری با مناره‌ها و گنبد‌های متعدد، برخوردار از اماکن مذهبی متنوع و دارای چهره تاریخی و باستانی مانند شهرهای اوایل اسلام نیست؛ بلکه شهری است با انسان‌های موحد و با عقایدی که نشئت‌گرفته از آموزه‌های اسلامی است. از آنجا که شهر مجموعه‌ای زنده از کلیه امور است که در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با زندگی ساکنان آن است و این مهم که زندگی بشر بدون مراد و تعامل اجتماعی امکان ندارد مورد تأیید اسلام است [۱۰]. به‌اختصار باید گفت که منبع اصلی اصول حاکم بر کلیه اعمال مسلمانان و از جمله شهرسازی آن‌ها قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) است [۱۰]. اختلاف طبقاتی شدید، آسیب‌های اجتماعی، آشفستگی جامعه و غیره حاکی از موضوع به فراموشی سپردن مبانی ناب اسلامی و نیز احاطه فرهنگ غرب بر زندگی مسلمانان است [۱۰]. لذا باید همه جوانب فرهنگی، اقتصادی، اقلیمی، سیاسی، زمانی و مکانی شهر تاریخی با هم مورد توجه قرار گیرند. بنابراین در شهر ایرانی - اسلامی، این ویژگی‌ها باید در زمینه و بستر ایرانی و بر پایه تعالیم اسلامی و فرهنگی در جامعه اسلامی تبیین شوند.

محور قرار دادن انسان، مهم‌ترین ارتباطات او را با فضاهای دیگر هستی در

چهار مورد زیر برمی‌شمارد:

۱- ارتباط انسان با خدا؛

۲- ارتباط انسان با خود؛

۳- ارتباط انسان با جهان هستی؛

۴- ارتباط انسان با هم‌نوعان خود.

در الگوی شهر ایرانی - اسلامی، عامل مسلط دین اسلام است و به طور حتم تمامی شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر براساس این عامل نظام و هویت می‌یابند [۲۵].

پیشینه تجربی

جو و همکاران [۲۶] در مطالعه رضایت از محیط پیاده‌روی طی covid-19 در کره جنوبی نشان می‌دهند در مقایسه با ساکنان شهری، ساکنان روستایی بیشتر از محیط پیاده‌روی ناراضی بوده‌اند. بنابراین، برای ترویج فعالیت‌های پیاده‌روی در سطح جامعه، تمرکز بر راحتی پیاده‌روی و اجرای تلاش‌های مرتبط با زیباسازی محیط ضروری است.

نگ و همکاران [۲۷] در ارزیابی روابط بین رضایت کاربر، محیط فیزیکی و رفتار کاربر در زیرساخت عابر پیاده نشان می‌دهد عواملی که احتمالاً به طور قابل توجهی بر رضایت کلی کاربر از امکانات عابر پیاده تأثیر می‌گذارند، حائل، سهولت پیاده‌روی، عبور از خط عابر پیاده، پیوستگی مسیر پیاده‌روی، ایمنی در شب و مکان هستند. پس از آن، داده‌های ترجیحی نشان دادند بهبود تداوم مسیر پیاده‌روی در مقایسه با سایر بهبود رفتارهای فردی، با بهبود عوامل ترکیب، بیشترین تأثیر را در احتمال ایجاد تغییر در رفتار کاربر دارد.

سعید و همکاران [۲۸] اشاره کردند که چندین جنبه از محیط پیاده‌روی (مانند کیفیت پیاده‌راه‌ها، تمیزی و موانع موجود بر سر آن‌ها) تأثیر مشهودی بر سطح رضایت دارند.

محرری و همکاران [۲۹] در پژوهش خود با عنوان «برنامه‌ریزی و طراحی خیابان با رویکرد آموزه‌های هنر ایرانی اسلامی» به بیان شاخص‌های تأثیرگذار روی کیفیت خیابان‌ها می‌پردازد و آن‌ها را به پنج دسته کلی که عبارت‌اند از: عملکردی، زیباشناختی، زیست‌محیطی، آموزه‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی تقسیم می‌کند. اطلاع از جهان‌بینی، اقلیم، نیازها و فرهنگ مردم هر شهری برای برنامه‌ریزی و طراحی خیابان شهری واجد اهمیت است.

پژوهش را از سایر پژوهش‌های مرتبط، متمایز می‌سازد، توجه هم‌زمان به معیارهای کیفی و کالبدی مؤثر بر پیاده‌روهای شهری و همچنین، توجه به شاخصه‌های ایرانی - اسلامی در ارتقای سطح کیفیت پیاده‌روها و تأثیرپذیری پیاده‌روها شهر بهبهان از معیارهای ایرانی اسلامی است، چرا که در این پژوهش سعی شده تا راهکارهای مناسب برای ارتقای کیفیت فضاهای پیاده‌رو با تأکید بر شهر ایرانی - اسلامی در شهر بهبهان ارائه شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به دلیل تحلیل و بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت فضاهای پیاده‌رو با تأکید بر شهرهای ایرانی - اسلامی شهر بهبهان از دیدگاه ساکنان، کاربردی بوده و رویکرد کلی آن کمی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای است که با مطالعه پژوهش‌های صورت گرفته، مبنای نظری تحقیق و نظرسنجی از کارشناسان با ۵ شاخص در قالب ۳۰ گویه به صورت طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت طراحی شد. نماگرهای مورد بررسی عبارتند از: ۱- تردد دسترسی (۴ گویه)؛ ۲- امنیت همگانی و ایمنی تردد (۷ گویه)؛ ۳- کالبدی - بصری (۷ گویه)؛ ۴- کارنمودهای اجتماعی - کارکردی (۷ گویه) و ۵- محیط زیست (۵ گویه) (جدول ۱). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات از نرم‌افزارهای SPSS26 و Excell استفاده شد.

زینالی و همکاران [۳۰] در مقاله‌ای با عنوان «سنجش رضایت از خدمات پیاده‌راه‌ها به عنوان یک فضای شهری با کمک روش تحلیل عاملی و معادلات ساختاری (مورد مطالعه: پیاده‌راه ولیعصر (عج) تبریز)» به این نتایج دست یافته‌اند که ادراکات و انتظارات پیاده‌روی کنندگان در مورد سطح خدمات پیاده‌راه‌ها و پیاده‌روها خیلی مهم است، بنابراین سطح خدمات ارائه شده در میزان رضایت عابران تأثیرگذارند.

آرام و همکاران [۳۱] مقاله‌ای با عنوان «اهمیت و تأثیر پیاده‌روها در بهبود کیفیت زندگی و نقش آن در فضای شهری» انجام داده‌اند و به این نتایج دست یافته‌اند که پیاده‌روها در کیفیت زندگی و فضاهای شهری، سرزندگی و تعاملات شهری شهروندان نقش بسزایی دارند. رسیدگی و طراحی مناسب پیاده‌روها باعث حضور شهروندان در فضای شهری خواهد شد. این امر پیاده‌روی را افزایش داده و استفاده بیش از حد وسایل نقلیه شخصی را کاهش می‌دهد. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حضور مردم در فضای شهری و استفاده از پیاده‌روها شامل امنیت و ایمنی، سرزندگی، خوانایی، دسترسی به کاربری‌ها، دسترسی مناسب معلولان و ناتوانان جسمی، جذابیت بصری و... است که رعایت آن‌ها حضور هر چه بیشتر مردم را در فضاهای شهری و پیاده‌روها حاصل می‌شود.

تا کنون پژوهش‌های زیادی در مورد پیاده‌روها ارائه شده است، ولی آنچه این

جدول ۱. شاخص‌ها و معیارهای سنجش پیاده‌روهای شهر بهبهان

ردیف	شاخص	گویه‌ها
۱	تردد و دسترسی	دسترسی با وسایل حمل و نقل همگانی
		دسترسی به پارکینگ همگانی
		کیفیت حرکت پیاده در خیابان
		کیفیت فضای سواره
۲	امنیت همگانی و ایمنی تردد	کیفیت امنیت اجتماعی محیط (وجود ناهنجاری‌هایی مانند سرقت، زورگیری، تجمع افراد بزهکار، ایدای گروه‌های خاص مثل کودکان، سالمندان و زنان و...)
		نورپردازی و سیستم روشنایی موجود در خیابان
		موانع حرکتی در مسیر پیاده و وجود سطوح ناهموار
		کف‌سازی و ایجاد مسیرهای ویژه برای گروه‌های خاص (مانند نابینایان، سالمندان...)
		ورود موتورسیکلت به قسمت پیاده‌رو و تداخل حرکت پیاده و سواره
		وجود زیرگذر و روگذرهای مخصوص پیاده
		وجود مسیر مخصوص تردد و پارک دوچرخه
		وضعیت مبلمان شهری (فضاهایی برای نشستن، آب‌نما، مجسمه و...)
۳	کالبدی - بصری	وضعیت مراکز خرید (خرده‌فروشی)
		وضعیت بناهای خاص فرهنگی مانند نمایشگاه‌ها
		وضعیت اغذیه‌فروشی و رستوران
		وضعیت فضاهای گردشگری
		رنگ آمیزی بلوارهای شهری، جداره‌ها و دیوارهای شهری
		وضعیت ارتفاع ساختمان‌های مجاور خیابان را چگونه ارزیابی می‌کنید
		برگزاری مراسم، نمایش و جشن‌های خیابانی
۴	نمودهای اجتماعی	فعالیت‌های فرهنگی مانند نمایشگاه‌ها
		ملاقات و گفت‌وگو با دوستان

ردیف	شاخص	گروه‌ها
۴	نمودهای اجتماعی	حضور اقشار و طبقات مختلف اجتماعی در خیابان (زنان، کودکان، سالمندان و معلولان)
		وجود فضاهای تردد ویژه معلولان و سالمندان
		وجود پارک و فضای سبز مناسب برای تمام گروه‌های سنی، جنسی و حسی - حرکتی
		وجود فضاها و مبلمان مناسب در فواصل معین برای استراحت افراد
۵	محیط زیست	آلودگی و عدم نظافت مناسب معابر شهری
		وجود جانوران موذی (سگ، موش، سوسک و...) در محدوده خیابان
		آلودگی هوای ناشی از تردد وسایل نقلیه موتوری
		آلودگی صوتی ناشی از تردد وسایل نقلیه موتوری
		فضای سبز و پارک

جمعیت این شهر معادل ۱۲۲۶۰۴ نفر بوده است؛ لذا نمونه آماری این پژوهش بر اساس فرمول کوکران ۳۸۶ به دست آمد. میزان آلفای محاسبه شده به مقدار ۰/۸۱۴ نمایانگر مطلوبیت پایایی پرسشنامه است (جدول ۲).

با توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمون‌های مناسب از جمله آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده و... بررسی شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه ساکنان شهری و ساکنان شهر بهبهان واقع در استان خوزستان بوده است، بر اساس آمارگیری رسمی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵،

جدول ۲. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای سنجش شاخص‌های پیاده‌روی شهر بهبهان

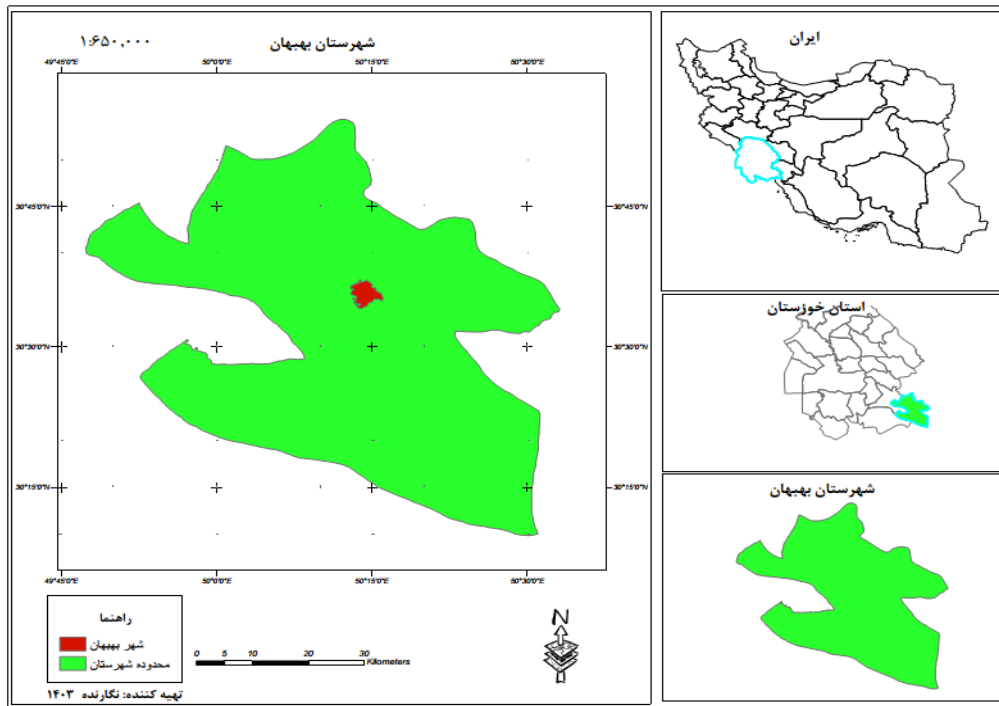
ردیف	عامل	نماینگر	آلفای کرونباخ
۱	تردد و دسترسی	۴	۰,۸۶۶
۲	امنیت همگانی و ایمنی تردد	۷	۰,۸۶۹
۳	کالبدی - بصری	۷	۰,۸۴۶
۴	کارنمودهای اجتماعی - کارکردی	۷	۰,۸۹۸
۵	محیط زیست	۵	۰,۸۸۰
	کل پرسشنامه	۳۰	۰,۸۱۴

شهرستان بهبهان در استان خوزستان قرار دارد. این شهر به لحاظ موقعیت ریاضی در مختصات ۵۰ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی واقع شده است و به لحاظ نسبی در فاصله تقریباً ۲۰۵ کیلومتری اهواز، ۹۰ کیلومتری رامهرمز، ۴۵ کیلومتری جنوب شرق آغاچاری، ۶۵ کیلومتری جنوب شرق شهر امیدیه و ۷۰ کیلومتری شمال غرب دوگنبدان به عنوان مهم‌ترین مراکز جمعیتی قرار گرفته است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی، شاخص‌های گرایش به مرکز، شاخص‌های پراکندگی (کشیدگی و چولگی و...) استفاده شد. همچنین از روش‌های آماری ضریب همبستگی، استفاده شد. تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای Excell, Spss26 انجام و میزان سطح معناداری برای آزمون دو دامنه برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

معرفی محدوده مورد پژوهش

براساس تقسیمات سیاسی - اداری کشور در سال ۱۳۹۵ شهر بهبهان مرکز



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

روش نمونه‌گیری احتمالاتی برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است. از طرف دیگر، با توجه به یافته‌های جدول ۳ می‌توان بیان کرد که ضرایب کشیدگی و چولگی متغیر پژوهش و ابعاد آن در محدوده $+2$ و -2 قرار دارد که نشان می‌دهد فرض نرمال بودن توزیع نیز رعایت شده است.

یافته‌های پژوهش غربالگری داده‌ها

برای بررسی مفروضه‌های آمار پارامتریک، همان‌گونه که از قبل مشخص شد، داده‌های پژوهش به صورت فاصله‌ای اندازه‌گیری شده است. همچنین، از

جدول ۳. تحلیل توصیفی مؤلفه‌های پژوهش

Descriptive Statistics									
	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation	Skewness		Kurtosis	
	Statistic	Statistic	Statistic	Statistic	Statistic	Statistic	Std. Error	Statistic	Std. Error
Q11	۳۸۶	۱	۵	۲,۹۱	۱,۱۴۳	-.۲۱۵	.۱۲۴	-.۹۱۶	.۲۴۸
Q12	۳۸۶	۱	۵	۲,۹۱	.۹۹۵	-.۳۳۲	.۱۲۴	-.۶۰۴	.۲۴۸
Q13	۳۸۶	۱	۵	۲,۹۹	۱,۰۲۳	-.۲۶۷	.۱۲۴	-.۵۰۷	.۲۴۸
Q14	۳۸۶	۱	۵	۲,۹۵	۱,۰۱۱	-.۱۱۸	.۱۲۴	-.۶۴۹	.۲۴۸
تردد و دسترسی	۳۸۶	۱	۵	۳,۰۵	.۷۲۱	-.۰۵۲	.۱۲۴	-.۰۴۷	.۲۴۸
Q21	۳۸۶	۱	۵	۳,۰۴	۱,۰۰۳	-.۲۸۵	.۱۲۴	-.۶۳۰	.۲۴۸
Q22	۳۸۶	۱	۵	۲,۹۰	۱,۰۶۲	-.۱۴۶	.۱۲۴	-.۹۰۸	.۲۴۸
Q23	۳۸۶	۱	۵	۳,۰۱	.۹۶۸	-.۱۵۴	.۱۲۴	-.۶۳۹	.۲۴۸
Q24	۳۸۶	۱	۵	۲,۹۲	۱,۰۱۰	-.۰۳۱	.۱۲۴	-.۱۸۰	.۲۴۸
Q25	۳۸۶	۱	۵	۳,۱۴	.۹۵۳	-.۱۶۹	.۱۲۴	-.۰۶۹	.۲۴۸
Q26	۳۸۶	۱	۵	۲,۸۲	۱,۰۳۳	-.۰۵۱	.۱۲۴	-.۵۲۱	.۲۴۸
Q27	۳۸۶	۱	۵	۲,۹۵	.۹۴۳	-.۰۳۳	.۱۲۴	-.۵۷۷	.۲۴۸
امنیت همگانی و ایمنی تردد	۳۸۶	۱	۴	۲,۹۸	.۶۱۵	-.۲۵۷	.۱۲۴	.۵۰۲	.۲۴۸

Descriptive Statistics									
	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation	Skewness		Kurtosis	
	Statistic	Statistic	Statistic	Statistic	Statistic	Statistic	Std. Error	Statistic	Std. Error
Q۳۱	۳۸۶	۱	۵	۳,۰۴	۱,۰۲۰	-۰,۲۸۵	۰,۱۲۴	-۰,۷۸۱	۰,۲۴۸
Q۳۲	۳۸۶	۱	۵	۲,۸۰	۰,۹۶۶	۰,۰۰۳	۰,۱۲۴	-۰,۵۰۴	۰,۲۴۸
Q۳۳	۳۸۶	۱	۵	۲,۹۹	۰,۹۲۶	-۰,۲۹۵	۰,۱۲۴	-۰,۲۱۵	۰,۲۴۸
Q۳۴	۳۸۶	۱	۵	۳,۰۲	۰,۹۶۹	-۰,۱۷۹	۰,۱۲۴	-۰,۴۹۶	۰,۲۴۸
Q۳۵	۳۸۶	۱	۵	۲,۹۱	۰,۹۵۴	۰,۰۶۳	۰,۱۲۴	-۰,۰۱۱	۰,۲۴۸
Q۳۶	۳۸۶	۱	۵	۲,۸۸	۱,۰۲۷	-۰,۰۵۳	۰,۱۲۴	-۰,۶۵۳	۰,۲۴۸
Q۳۷	۳۸۶	۱	۵	۳,۰۱	۰,۹۹۷	-۰,۱۲۱	۰,۱۲۴	-۰,۲۶۹	۰,۲۴۸
کالبدی- بصری	۳۸۶	۱	۴	۲,۹۷	۰,۵۰۱	-۰,۴۴۱	۰,۱۲۴	۱,۴۰۷	۰,۲۴۸
Q۴۱	۳۸۶	۱	۵	۲,۹۲	۰,۹۹۹	-۰,۲۱۵	۰,۱۲۴	-۰,۴۵۹	۰,۲۴۸
Q۴۲	۳۸۶	۱	۵	۲,۹۲	۰,۹۰۱	۰,۰۶۳	۰,۱۲۴	-۰,۳۳۷	۰,۲۴۸
Q۴۳	۳۸۶	۱	۵	۳,۰۹	۰,۹۰۳	-۰,۱۶۹	۰,۱۲۴	-۰,۵۲۲	۰,۲۴۸
Q۴۴	۳۸۶	۱	۵	۲,۹۸	۰,۹۲۴	۰,۰۰۷	۰,۱۲۴	-۰,۴۴۸	۰,۲۴۸
Q۴۵	۳۸۶	۱	۵	۲,۷۸	۰,۹۷۵	۰,۰۷۵	۰,۱۲۴	-۰,۳۸۵	۰,۲۴۸
Q۴۶	۳۸۶	۱	۵	۲,۹۸	۰,۹۵۳	-۰,۱۹۴	۰,۱۲۴	-۰,۴۲۰	۰,۲۴۸
Q۴۷	۳۸۶	۱	۵	۳,۰۲	۱,۰۴۲	۰,۰۱۰	۰,۱۲۴	-۰,۴۵۱	۰,۲۴۸
کارنمودهای اجتماعی- کارکردی	۳۸۶	۱	۴	۲,۹۷	۰,۳۹۴	-۰,۷۴۱	۰,۱۲۴	۵,۹۵۷	۰,۲۴۸
Q۵۱	۳۸۶	۱	۵	۲,۸۷	۰,۹۵۸	-۰,۱۰۲	۰,۱۲۴	-۰,۴۵۴	۰,۲۴۸
Q۵۲	۳۸۶	۱	۵	۲,۷۸	۱,۰۴۹	۰,۰۵۱	۰,۱۲۴	-۰,۶۲۵	۰,۲۴۸
Q۵۳	۳۸۶	۱	۵	۲,۶۴	۱,۰۵۳	۰,۳۱۸	۰,۱۲۴	-۰,۴۵۹	۰,۲۴۸
Q۵۴	۳۸۶	۱	۵	۲,۶۷	۱,۰۰۹	۰,۲۳۵	۰,۱۲۴	-۰,۵۴۱	۰,۲۴۸
Q۵۵	۳۸۶	۱	۵	۲,۶۳	۰,۹۵۳	۰,۰۸۸	۰,۱۲۴	-۰,۵۷۵	۰,۲۴۸
محیط زیست	۳۸۶	۱	۴	۲,۷۳	۰,۵۹۲	-۰,۴۳۹	۰,۱۲۴	۰,۳۸۲	۰,۲۴۸
کیفیت فضاهای پیاده‌رو	۳۸۶	۱	۴	۲,۹۱	۰,۳۷۸	۱,۵۰۹۰	۰,۱۲۴	۱,۸۲۰	۰,۲۴۸
Valid N (listwise)	۳۸۶								

تحلیل همبستگی مؤلفه‌ها
جدول ۴ ماتریس همبستگی مؤلفه‌های پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه همه ضرایب میزان بالا و معنادار را نشان می‌دهد، می‌توان فرض خطی بودن رابطه را هم مورد پذیرش قرار داد.

جدول ۴. ماتریس همبستگی مؤلفه‌های کیفیت فضاهای پیاده‌رو

محیط زیست	کارنمودهای اجتماعی - کارکردی	کالبدی - بصری	امنیت همگانی و ایمنی تردد	تردد و دسترسی	
۰,۵۲۹	۰,۶۶۱**	۰,۷۸۵**	۰,۶۳۰**	۱	تردد و دسترسی
۰,۷۸۴**	۰,۷۲۶**	۰,۶۰۲**	۱	۰,۶۳۰**	امنیت همگانی و ایمنی تردد
۰,۵۸۸**	۰,۶۵۱**	۱	۰,۶۰۲**	۰,۷۸۵**	کالبدی - بصری
۰,۵۹۲**	۱	۰,۶۵۱**	۰,۷۲۶**	۰,۶۶۱**	کارنمودهای اجتماعی - کارکردی
۱	۰,۵۹۲**	۰,۵۸۸**	۰,۷۸۴**	۰,۵۲۹	محیط زیست

** ضریب همبستگی معنادار در سطح ۰/۰۱ (دو دامنه)

تحلیل مؤلفه‌های پژوهش
 برای بررسی و تحلیل مؤلفه‌های پژوهش از روش آماری آزمون تی، استفاده شد. تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای spss26 انجام و میزان سطح معناداری برای آزمون دو دامنه برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

جدول ۵. نتایج آزمون t شاخص‌های پژوهش

One-Sample Statistics				
	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
تردد و دسترسی	۳۸۶	۳,۰۵	۰,۷۲۱	۰,۰۳۷
امنیت همگانی و ایمنی تردد	۳۸۶	۲,۹۸	۰,۶۱۵	۰,۰۳۱
کالبدی - بصری	۳۸۶	۲,۹۷	۰,۵۰۱	۰,۰۲۵
کارنمودهای اجتماعی - کارکردی	۳۸۶	۲,۹۷	۰,۳۹۴	۰,۰۲۰
محیط زیست	۳۸۶	۲,۷۳	۰,۵۹۲	۰,۰۳۰

	= Test Value					
	t	df	(tailed-۲) .Sig	Mean Difference	%۹۵ Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
تردد و دسترسی	۸۳,۱۰۵	۳۸۵	۳,۰۴۹	۲,۹۸	۳,۱۲
امنیت همگانی و ایمنی تردد	۹۵,۱۰۵	۳۸۵	۲,۹۷۹	۲,۹۲	۳,۰۴
کالبدی - بصری	۱۱۶,۳۶۹	۳۸۵	۲,۹۶۶	۲,۹۲	۳,۰۲
کارنمودهای اجتماعی - کارکردی	۱۲۸,۳۳۵	۳۸۵	۲,۹۷۴	۲,۹۳	۳,۰۱
محیط زیست	۹۰,۴۶۱	۳۸۵	۲,۷۲۵	۲,۶۷	۲,۷۸

همان گونه که مشاهده می‌شود، نتایج جدول ۵ میانگین محاسبه شده نمره آزمون تی در فاصله اطمینان ۹۵ درصدی آزمون t و در حد بالای خود قرار دارد؛ می‌توان نتیجه گرفت که شاخص‌های کیفیت فضاهای پیاده‌رو در محدوده مورد مطالعه در مطلوب بوده است و این یافته در سطح (α=۰.۰۱) معنادار است.

همان گونه که مشاهده می‌شود، نتایج جدول ۵ میانگین محاسبه شده نمره آزمون تی در حد پایین قرار دارد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت سلامت شهری در محدوده مورد مطالعه (شهر بهبهان) در وضعیت مناسب و مطلوب قرار دارد و مثبت است و این یافته در سطح (α=۰.۰۱) معنادار است.

جدول ۶. نتایج آزمون t شاخص‌های کیفیت فضاهای پیاده‌رو

One-Sample Statistics				
	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
کیفیت فضاهای پیاده‌رو	۳۸۶	۲,۹۱	۰,۳۷۸	۰,۰۱۹

	Test Value = .					
	t	df	Sig. (-۲tailed)	Mean Difference	%۹۵ Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
کیفیت فضاهای پیاده‌رو	۱۵۱,۲۵۷	۳۸۵	۲,۹۱۲	۲,۸۷	۲,۹۵

در نتیجه به طور کلی از دیدگاه ساکنان شهری شهر بهبهان وضعیت کیفیت فضاهای پیاده‌رو، مثبت و مطلوب است.

شهری و ارتقای سطح کیفیت آن‌ها سوق داده است. معماری و شهرسازی شهرهای ایران در گذشته متناسب با فرهنگ مردم، روحیات آنان و اجتماع شهری بود در حالی که امروزه در طراحی شهری این شاخصه‌ها به دست فراموشی سپرده شده و بیشتر منافع اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. نتیجه خیابان‌ها و پیاده‌روهای شهری همچون وینترین شهرها بوده و شخصیت شهرها تا حد زیادی معطوف به وجود آنها بوده و حتی ممکن است برخی از

شهری و ارتقای سطح کیفیت آن‌ها سوق داده است. معماری و شهرسازی شهرهای ایران در گذشته متناسب با فرهنگ مردم، روحیات آنان و اجتماع شهری بود در حالی که امروزه در طراحی شهری این شاخصه‌ها به دست فراموشی سپرده شده و بیشتر منافع اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. نتیجه خیابان‌ها و پیاده‌روهای شهری همچون وینترین شهرها بوده و شخصیت شهرها تا حد زیادی معطوف به وجود آنها بوده و حتی ممکن است برخی از

نتیجه گیری

پیدایش مشکلات شهرنشینی و در نتیجه، کاهش کیفیت فضاهای شهری، متخصصان امر را به سوی یافتن راهی مناسب برای تعدیل شرایط فضاهای

- ایجاد پیاده‌راه‌های مناسب برای گروه‌های مختلف سنی ساکنان شهری به‌خصوص برای افراد مسن؛
- ایجاد مسیرهای دوچرخه‌سوار مجزا در حاشیه و طول در طول پیاده‌راه‌ها؛
- طراحی محیطی پیاده‌روها و به‌کارگیری نمادهای شهری بر اساس فرهنگ، رسوم، هویت، عقاید، احساسات شهروندی؛
- طراحی عناصر و نمادهای پیاده‌روها طبق معماری ایرانی - اسلامی؛
- طراحی پیاده‌روهای مطلوب برای شهروندان بهتر است، علاوه بر اینکه کالبد آن منطبق بر آموزه‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی باشد روح آن نیز اسلامی و ایرانی باشد.

■ مشارکت نویسندگان

نویسنده اول (پژوهشگر اصلی ۵۰ درصد)، نویسنده دوم (۵۰ درصد).

■ تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر حامی مالی نداشته و حاصل فعالیت علمی نویسندگان است.

■ تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی ندارند.

■ یادداشت‌ها

^۱ منظور عوامل فرهنگی - ملی است که با اصول و ارزش‌های اسلامی در تضاد و تناقض نباشند.

خیابان‌ها روی هویت و شخصیت آن شهر تأثیرگذار باشد. در نتیجه، پژوهش حاضر به بررسی و مطالعه شاخصه‌های کیفیت فضاهای پیاده‌رو در شهر بهبهان با تأکید بر شهرهای ایرانی اسلامی پرداخته است. نتایج آزمون t (در سطح $\alpha=0.1$) شاخص‌ها و متغیرهای کیفیت فضاهای پیاده‌رو در شهر بهبهان نشان می‌دهد: (۱) مؤلفه تردد و دسترسی با ضریب (۸۳/۱۰۵)؛ (۲) مؤلفه امنیت همگانی و ایمنی تردد با ضریب (۹۵/۱۰۵)؛ (۳) مؤلفه کالبدی - بصری با ضریب (۱۱۶/۳۶۹)؛ (۴) مؤلفه کارنمودهای اجتماعی - کارکردی با ضریب (۱۲۸/۳۳۵) و (۵) مؤلفه محیط زیست با ضریب (۹۰/۴۶۱)، معنادار است. میانگین محاسبه‌شده نمره آزمودنی‌ها در فاصله اطمینان ۹۵ درصدی آزمون t و در حد بالای آن قرار دارد؛ و بیانگر آن است که کیفیت فضاهای پیاده‌رو در شهر بهبهان در وضعیت مطلوب و مناسب قرار دارد.

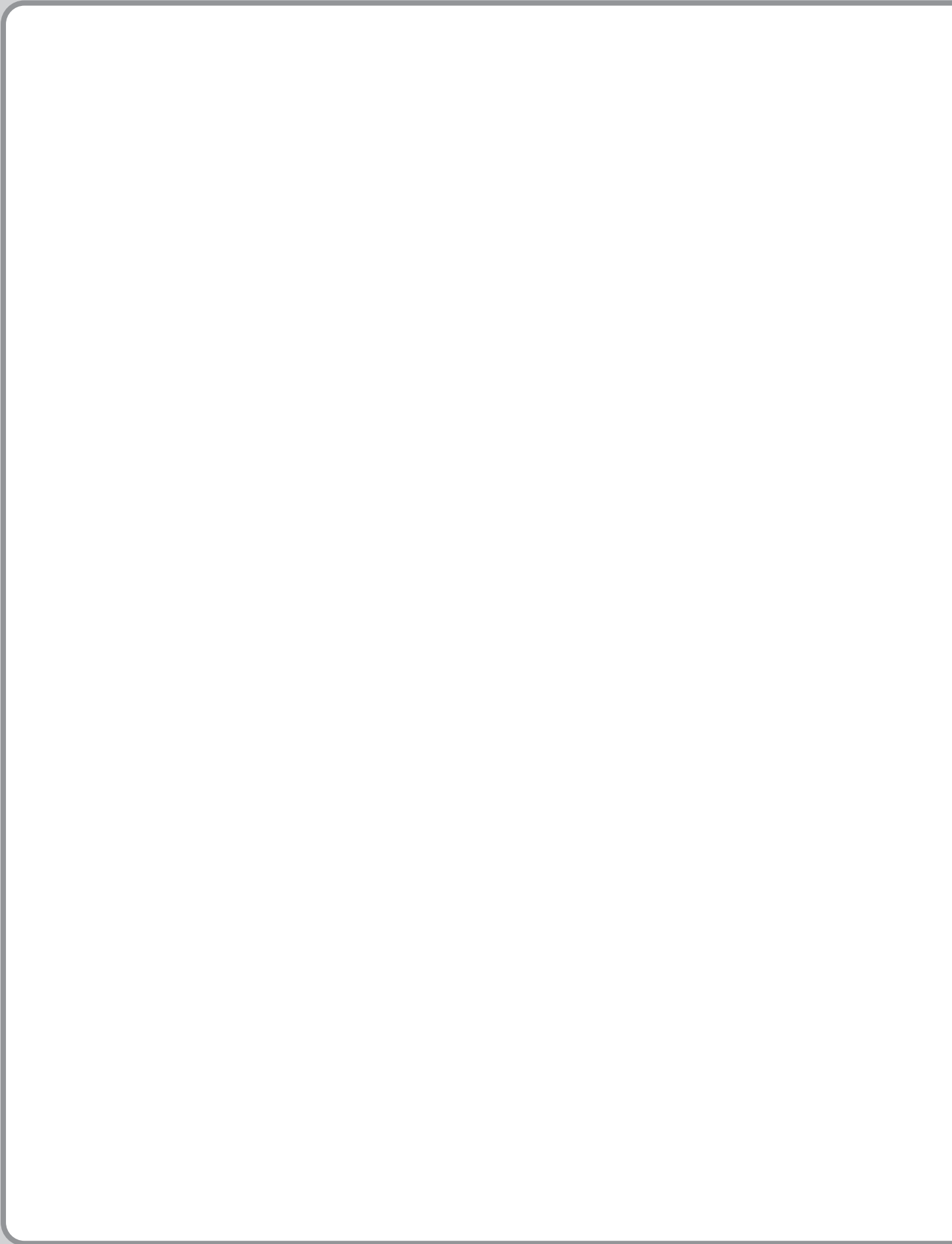
نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش در تطابق با نتایج پژوهش‌های سعید و همکاران [۲۸]، زینالی و همکاران [۳۰] و آرام و همکاران [۳۱]، نشان می‌دهد پیاده‌روها در کیفیت زندگی و فضاهای شهری، سرزندگی و تعاملات شهری شهروندان نقش بسزایی دارند و ادراکات و انتظارات عابران پیاده در مورد سطح خدمات پیاده‌روها خیلی مهم است. علاوه بر این، نتایج این پژوهش هم‌راستا با تحقیقات نگ و همکاران [۲۷] و محرری و همکاران [۲۹] است که به بیان شاخصه‌های تأثیرگذار روی کیفیت پیاده‌روها با رویکرد آموزه‌های ایرانی اسلامی می‌پردازد، همسو است.

■ پیشنهادهای کاربردی

- ایجاد فضاهای پیاده‌مدار شهری بیشتر و احداث پارک و فضای سبز شهری مناسب در سطح شهری به‌خصوص محلات جنوبی شهر؛
- ارتقا و تعریض پیاده‌راه‌ها در محلات حاشیه‌ای شهر؛
- استفاده از نظر مردم و ساکنان شهری در زمینه حل مسائل و مشکلات موجود شهر در مورد مدیریت مشارکتی شهر؛
- بهبود بهتر سیستم روشنایی در طول پیاده‌راه‌ها برای آسایش و امنیت؛

منابع

- [1] Tibbalds, and Citizen-oriented urbanization, translator: Mohammad Ahmadinejad. 2017. Architecture and Urbanism Publications, Isfahan, second edition. <https://www.gisoom.com/book/11315591/>
- [2] Pakzad, J. Urbanization ideas from quantity to quality. 2017. Tehran, Armanshahr Publications. <https://www.sid.ir/paper/895475/fa>
- [3] Wanga, Fang, Zhangb Ruoping, Dongb Shisheng, and Liangb Lei (2013), Urban Planning and Design of Pedestrian Space from Perspectives of Fitness." International Conference on Green Buildings and Sustainable Cities, 363. DOI:[10.1016/j.proeng.2011.11.2027](https://doi.org/10.1016/j.proeng.2011.11.2027)
- [4] Yung, E. H. K. et al. (2017), Underlying social factors for evaluating heritage conservation in urban renewal districts." Habitat International 66: 135-148. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2017.06.004>
- [5] Yildizer, G. et al. (2018), The association of various social capital indicators and physical activity participation among Turkish adolescents, Journal of Sport and Health Science 7(1): 27-33. <https://doi.org/10.1016/j.jshs.2017.10.008>
- [6] Wall et al. (2006), More Urban Less Poor - An introduction to Urban Development and Management. London, UK: Earthscan Publications Ltd. <https://www.environmentandurbanization.org/>
- [7] Uysal, Ü. E. (2021), An urban social movement challenging urban regeneration: The case of Sulukule, Istanbul, Cities 29(1): 12-22. DOI:[10.1016/j.cities.2011.06.004](https://doi.org/10.1016/j.cities.2011.06.004)
- [8] Tan, X. et al. (2018), Localized place-making and the knowledge-based regeneration strategies – The case of Xiasha Village in Shenzhen, Habitat International. DOI:[10.1016/j.habitatint.2018.11.005](https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2018.11.005)
- [9] Tabibian, M., Cherbgou, N., Abdullahi Mehr, A. Reflecting the principle of hierarchy in Iranian-Islamic cities. 2018. Armanshahr Magazine, No. 7. <https://www.sid.ir/paper/202430/fa>
- [10] Safaeipour, M., Häjipour, N. Measuring and Evaluating the Level of Urban Creativity Based on the Iranian-Islamic Components in Dezful City. Geographical Studies of Coastal Areas Journal, 2022; 3(2): 1-25. doi: [10.22124/gscj.2022.21152.1128](https://doi.org/10.22124/gscj.2022.21152.1128)
- [11] Moini S. Increasing walkability, a step towards a more humane city. fine arts 2015. (27).5-16. <https://sid.ir/paper/5749/fa>
- [12] Pakzad, J. A guide to designing urban spaces in Iran. 2016. Third edition, Deputy of Urban Planning and Architecture, Ministry of Housing, Tehran. <https://www.sid.ir/paper/895475/fa>
- [13] Bamanian, M. Islamic Iranian city: meaning and conceptualization of the Iranian-Islamic city, theoretical foundations and examples. 2013. National Planning and Management Conference. Sustainable City, Volume 1, Number 1, pp. 69-88. <https://sid.ir/paper/836052>
- [14] Mortazavi, p. Recognizing the sidewalk as a platform for spending leisure time in the city. 2018. Shahr and Manzar Monthly, second year, number 12. magiran.com/p879864
- [15] Cowan, Robert (2008), The Dictionary of Urbanism. Streetwise Press. <https://www.abebooks.com/9780954433000>
- [16] Madanipour, A., Mortezaei, F. Designing urban spaces, a new approach to social and spatial processes. 2017. Urban Planning and Processing Company.
- [17] Iranmanesh, Sh. Public arenas, forgotten arenas in new cities. 2016. https://www.sepehr.org/article_26061_294c4612500
- [18] Khatam, A. Public domain and public spaces in Iran. 2014. Tehran: Cultural Research Office. Andisheh Iranshahr Magazine, No. 3. <https://www.magiran.com/volume/38821>
- [19] Su, S. Zhou, H. Xu, M. Ru, H. Wang, W. & Weng, M. (2019). Auditing street walkability and associated social inequalities for planning implications. Journal of Transport Geography, 74, 62-76. <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2018.11.003>
- [20] Wang, R. Lu, Y. Zhang, J. Liu, P. Yao, Y. & Liu, Y. (2019). The relationship between visual enclosure for neighbourhood street walkability and elders' mental health in China: Using street view images. Journal of Transport & Health, 13, 90-102. DOI:[10.1016/j.jth.2019.02.009](https://doi.org/10.1016/j.jth.2019.02.009)
- [21] Jensen, W. A. Stump, T. K. Brown, B. B. Werner, C. M. & Smith, K. R. (2017), Walkability, complete streets, and gender: Who benefits most? Health & Place, 48, 80-89. doi: [10.1016/j.healthplace.2017.09.007](https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2017.09.007)
- [22] Zhou, H. He, S. Cai, Y. Wang, M. & Su, S. (2019). Social inequalities in neighborhood visual walkability: Using street view imagery and deep learning technologies to facilitate healthy city planning. Sustainable Cities and Society, 50, 101605. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2019.101605>
- [23] Rahnema, M., Masgrani, N. Analysis of the quality of urban sidewalks with emphasis on health components (case study of Hefdeh Shahrivar Street, Mashhad). 2013. Urban and Regional Studies and Research Quarterly, No. 22, Fall, pp. 43-66; https://urs.ui.ac.ir/article_20101.html?lang=en
- [24] Naghizadeh, M. Attributes of the Islamic city in Islamic texts. 1390. Fine Arts Magazine, No. 4 and 5. https://journals.ut.ac.ir/article_17130.html
- [25] Baali, F. Society, government and urbanization in Ibn Khaldoun's sociological thinking, translated by Gholamreza Jamshidi. 2014. Tehran University Press, Tehran.
- [26] Jo H, Lee H.H, Kim D-H, Kong, ID. (2022). Satisfaction with the walking-related environment during COVID-19 in South Korea. PLoS ONE 17(4), e0266183. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0266183>.
- [27] Nag, D; Bhaduri, E; Kumar, G. P; Goswami, A. K. (2020). Assessment of relationships between user satisfaction, physical environment, and user behavior in pedestrian infrastructure. Transportation Research Procedia, 48(4), 2343-2363. <https://doi.org/10.1016/j.trpro.2020.08.284>.
- [28] Said, M.; Abou-Zeid, M.; Kaysi, I (2017). Modeling satisfaction with the walking environment: the case of an urban university neighborhood in a developing country, Journal of Urban Planning and Development 143(1), 1-18. <https://doi.org/10.1061>
- [29] Moharreri, M., Ahmadi, F., Naghizade, M., Toghiani, S. Street planning and design with the approach of Iranian Islamic art teachings. Islamic Art Studies, 2023; 20(50): 662-684. doi: [10.22034/ias.2021.253598.1409](https://doi.org/10.22034/ias.2021.253598.1409)
- [30] Zeynali Azim, A., Babazadeh Oskouei, S., Noorzadeh, Z. Measuring satisfaction of sidewalk services as an urban space with the help of factor analysis methods and structural equations (case study: Valiasr sidewalk in Tabriz). Journal of Urban Sustainable Development, 2022; 3(7): 99-119. doi: [10.22034/usd.2022.700745](https://doi.org/10.22034/usd.2022.700745)
- [31] Aram, A., mansourian, E. The importance and impact of sidewalks in improving the quality of life and its role in urban space. Geography and Human Relationships, 2021; 4(2): 189-193. doi: [10.22034/GAHR.2021.293730.1577](https://doi.org/10.22034/GAHR.2021.293730.1577)



راهنمای نویسندگان

۱- هر مقاله باید نتیجه پژوهش نویسنده (ها) و در راستای الویت های فصلنامه و موضوعات تدوین شده بوده و دارای اصالت و نوآوری و نتیجه یک کار تحقیقاتی باشد.

۲- فصلنامه به مقالاتی که در سایر نشریات و یا همایش ها منتشر شده اند، ترتیب اثر نخواهد داد و در صورت آگاهی از این امر در هر مرحله (اعم از دریافت، داوری و یا چاپ)، فرایند داوری و چاپ را متوقف خواهد کرد و من بعد از نویسنده های آن مقاله ای را پذیرش نخواهد نمود.

۳- تمامی مقالات ارسالی قبل از ورود به فرایند داوری از طریق سامانه های مشابهت یاب بررسی خواهند شد (مشابهت زیر ۱۰ درصد قابل قبول، بین ۱۰ تا ۳۰ درصد نیازمند اصلاح و بیشتر از ۳۰ درصد غیرقابل قبول است). توجه داشته باشید مسئولیت اصالت اثر یا نویسنده مسئول است و در صورت تخلف نویسنده، آگاهی نشریه در هر مرحله از فرایند سبب رد مقاله خواهد شد و حق نشریه برای پیگیری قانونی محفوظ خواهد بود.

۴- از هر نویسنده مسئول تنها یک مقاله به طور هم زمان در فرایند داوری شرکت داده می شود.

۵- با توجه به دو سو کور بودن فرایند داوری مقالات، فایل اصل مقاله باید بدون نام و مشخصات نویسندگان تنظیم شده و مشخصات نویسندگان در فایل جداگانه ای بارگزاری شود.

۶- از فروردین ماه ۱۴۰۱، هرگونه مشارکت و درج اسامی معاونان، مدیران و کارشناسان در مقالات مستخرج از آثار پژوهشی اعم از پروژه های مطالعاتی در تمامی سطوح و پایان نامه های دانشجویی ممنوع می باشد.

۷- نوشته های مقاله باید روان و برابر دستور زبان فارسی بوده و در صورت استفاده از واژه های مخفف لاتین، تنها برای اولین بار فرم کامل آن دقیقاً کنار آن و در پرانتز آورده شود و در صورت تکرار نیازی به تکرار فرم کامل و گسترده آن نیست. از درج پاورقی خودداری فرمایید.

۸- مقاله باید در نرم افزار Word ۲۰۰۷ و یا بالاتر به صورت تک ستونی و مطابق فرمت فصلنامه تایپ شود. آماده سازی مقاله جهت چاپ توسط تیم ویراستاری و صفحه آرایی صورت خواهد پذیرفت.

۹- کلیه شکلها، عکسها و نمودارها باید به فرمت JPEG و با کیفیت خوب در داخل فایل اصلی مقاله قرار داده شده و در صورت نیاز و تقاضای نشریه به صورت جداگانه نیز بارگزاری شوند.

۱۰- مقالات بایستی دارای بخش های زیر باشد:

الف- عنوان

عنوان باید صریح، دقیق و مختصر باشد.

توجه: مشخصات کامل نویسندگان (فارسی و انگلیسی) در فایل جداگانه ثبت شود. هم چنین نویسنده مسئول با قرار دادن ستاره در بالای نام و در پانویس صفحه اول مشخص و ایمیل او ذکر گردد. لطفاً توجه شود که نویسنده مسئول ضرورتاً نویسنده رابط نبوده، اما مسئولیت علمی مقاله بر عهده اوست.

عنوان نویسندگان باید در برگبرنده درجه دانشگاهی (مربی، استادیار، دانشیار، استاد)، نام دانشکده و یا گروه آموزشی، نام دانشگاه و محل جغرافیایی (شهر و کشور) آن ذکر شود.

مثال: هاشم داداشپور، دانشیار گروه طراحی و برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران

ب- چکیده فارسی و انگلیسی

چکیده باید به زبان فارسی و انگلیسی، حداکثر تا ۲۵۰ کلمه و در برگبرنده زمینه و هدف، روش بررسی، یافته ها، بحث و نتیجه گیری باشد. از آوردن نکات مقدماتی، بدیهی، حاشیه ای یا توجیهی خودداری شود. چکیده انگلیسی باید

ج- کلمات کلیدی

کلمات کلیدی بایستی بین ۴ تا ۷ واژه بوده و به ترتیب حروف الفبا نوشته شود (هم در فارسی و هم در انگلیسی).

د- متن اصلی مقاله

این بخش شامل عناوین زیر است:

۱- **مقدمه:** باید در برگبرنده دانش موجود درباره موضوع و مبانی نظری آن، ضرورت انجام تحقیق و هدف مطالعه باشد. در صورت استفاده از جدول، نمودار، شکل یا نقشه بایستی نمات زیر مورد توجه قرار گیرد:

شماره و عنوان جداول در بالای جدول و همراه با منبع بیان شود. شماره و عنوان شکل ها در پائین و همراه با منبع بیان شود. از ذکر عنوان های «نمودار»، «عکس»، «نقشه» و... خودداری شده و همه با عنوان «شکل» آورده شود.

۲- پیشینه تحقیق

۳- **مواد و روشها:** نوع مطالعه، جامعه پژوهشی، نمونه مورد مطالعه، روش نمونه گیری، ابزار گردآوری داده ها و روشهای آماری (در صورت استفاده) به دقت بیان شود.

۴- **یافته ها:** در این قسمت، از متن، جداول، نمودار و عکس به تناسب برای بیان یافته ها استفاده شود. جداول و نمودارها باید دارای شماره و عنوان کامل و رسا باشد و محل قرار گیری عناوین به همان ترتیبی که در بالا ذکر شد، قرار گیرد.

۵- **بحث و نتیجه گیری:** مقاله در آخرین بخش از بدنه اصلی خود، باید بخشی به نام بحث و نتیجه گیری داشته باشد، که مروری بر کل مقاله به عنوان نتایج حاصل است. در این بخش بایستی یافته های مهم تحقیق بر اساس اهداف ویژه آن به اختصار و با رعایت ترتیب منطقی ذکر گردد. هم چنین اگر فرضیاتی در مطالعه مطرح شده، تأیید و یا رد آن مورد بحث قرار گیرد. این بخش بایستی به صورت روشن و در حد یافته های تحقیق بیان شود.

۶- **مشارکت نویسندگان:** درصد همکاری نویسندگان بدون ذکر نام نوشته شود.

۷- **تشکر و قدردانی:** چنانچه مقاله دارای حامی مادی یا معنوی باشد، درج قدردانی از حامی یا تامین کننده اعتبار پژوهش الزامی است. در صورت عدم وجود نیز ذکر گردد که مقاله حامی مادی و معنوی ندارد.

۸- تعارض منافع

۹- **منابع:** ارجاعات به منابع و مأخذ در متن مقاله و در انتهای آن باید بر اساس شیوه ارجاع دهی ونکوور (Vancouver) باشد:

- منابع مورد استفاده به ترتیب ورود به متن شماره گذاری شوند؛ مثال: [۱].
- چنانچه از یک منبع در دو قسمت از متن استفاده میشود همان شماره منبع اصلی مجدداً تکرار شده و نیازی به اختصاص شماره جدید نیست.
- چنانچه دو منبع برای یک جمله مد نظر است، شماره هر دو منبع در پایان جمله بیاید؛ مثال: [۱و۴].

به طور مثال برای منابع انگلیسی:
Dadashpour H. Yousefi Z. Centralization or decentralization? A review on the effects of information and communication technology on urban spatial structure. Cities 2018 Aug; Vol 78:194-205

و برای منابع فارسی:
Raеisi M. Noghrekar A. Semantics in Architectural Works Based on Islamic View. Naqshejahan 2019; 8(4): 259-266 [In Persian]

*بمنابع در فهرست منابع به صورت زیر بیان شود:

-تعداد منابع پایانی با منابع استفاده شده در متن باید یکسان باشد. منابع فارسی به انگلیسی برگردان شود و در انتها کلمه [In Persian] نوشته شود.

-نحوه منبع دهی:
نام خانوادگی نویسنده(فاصله)حرف اول نام کوچک(نقطه)عنوان مقاله(نقطه) نام مجله(فاصله)سال انتشار(فاصله)ماه(ز) دوره ی انتشار(شماره)(دو نقطه) شماره صفحات

اصول اخلاقی انتشار مقاله

در اختیار شخصی غیر از سردبیر قرار دهند.
بی طرفانه بودن: داوران باید مقالات را به طور عینی، بی طرفانه و عادلانه ارزیابی کنند. داوران باید از طرفداری های شخصی در توصیه ها و قضاوت های خود اجتناب کنند.

مراجع: داوران باید مراجعی را که نویسنده به آن ها ارجاع داده شناسایی و بررسی کنند. هرگونه نتیجه گیری یا بحثی که پیش از این مطرح شده باشد، باید همراه با منبع ذکر شود. همچنین، داوران باید در صورت مشاهده هر گونه شباهت یا هم پوشانی بین مقاله ارسالی و مقاله دیگر مراتب را به سردبیر اطلاع دهند.

تضاد منافع: داوران نباید از اطلاعات یا ایده هایی که طی فرایند داوری به دست می آورند، برای منافع شخصی استفاده کنند. همچنین، داوران باید از ارزیابی مقالاتی که از دید آن ها مشمول تضاد منافع اعم از منافع مشترک مالی، سازمانی، شخصی یا هرگونه ارتباط یا پیوندهای دیگر با شرکت ها، نهادها یا افراد مرتبط با مقالات است، اجتناب کنند.

نویسندگان:

نویسنده مسئول مکاتبه، مسئول محتوای مقاله ارسالی است. نویسندگان متعهد هستند، یافته های خود را به طور کامل گزارش کنند و در ارائه یافته ها و تفسیر آن ها دقت ویژه داشته باشند. مقاله باید دارای جزئیات و منابع کافی باشد به نحوی که امکان دسترسی سایر پژوهشگران به داده های یکسان برای تکرار مطالعه وجود داشته باشد.

اصالت: نویسندگان باید اعلام کنند، نسخه ارسالی اصلی است و قبلاً به طور جزئی یا به طور کامل در هیچ جای دیگر نه به زبان فارسی و نه به هیچ زبانی دیگر چاپ نشده است. نویسندگان نمی توانند مقاله ای را که کل یا بخشی از آن در جای دیگری در دست بررسی است، یا قبلاً به نشریه دیگری ارسال شده به مجله «اقتصاد و برنامه ریزی شهری» ارسال کنند.

تألیف مقاله: همه نویسندگان مندرج در مقاله باید در نوشتن مقاله مشارکت و همکاری جدی داشته و پاسخگوی نتایج باشند. اعتبار و امتیاز نویسندگی یا تألیف باید به نسبت مساعدت در نوشتن بخش های مختلف تسهیم شود. نویسندگان باید مسئولیت مقاله را بپذیرند. نویسنده مسئول مکاتبه که مقاله را به نشریه ارسال می کند باید یک نسخه یا پیش نویس مقاله را به همه نویسندگان همکار ارسال و رضایت آن ها را برای ارسال مقاله به نشریه و انتشار آن کسب کند.

تغییر نویسندگان: فهرست و ترتیب نویسندگان پیش از ارسال مقاله باید توسط همه نویسندگان تأیید شود. هر گونه افزودن، حذف یا باز نویسی در فهرست نویسندگان باید با ذکر دلایل توسط نویسنده

به باور نشریه اقتصاد و برنامه ریزی شهری تمامی افرادی که در روند چاپ یک مقاله درگیر هستند (نویسنده، کادر مجله و داوران) می باید قوانین و منشور اخلاقی مجله را پذیرفته و بر مبنای آن عمل کنند. «این نشریه با احترام به قوانین بین المللی اخلاق در نشریات تابع قوانین کمیته اخلاق در انتشار (COPE) می باشد و از آیین نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی پیروی می نماید»

برای دسترسی کامل به این دستورات عمل ها، تعاریف و قوانین می توانید به آدرس www.publicationethics.org/resources مراجعه فرمایید.

سردبیر، اعضای هیئت تحریریه و مشاوران علمی:

پذیرش مقالات: سردبیر نشریه مسئول پذیرش یا رد مقالات ارسالی است. سردبیر با مشورت هیئت تحریریه و مشاوران علمی، داوران و ویراستاران و با در نظر گرفتن حق کی برداری، سرقت علمی و سایر موضوعات مرتبط به مقاله درباره پذیرش مقاله تصمیم می گیرد.

عدالت: سردبیر وظیفه قضاوت درباره مقالات را فقط از لحاظ شایستگی علمی برعهده دارد و باید بدون طرفداری یا کینه توزی شخصی یا در نظر گرفتن ملیت، جنسیت، مذهب و مسائل قومی، نژادی و سیاسی رفتار کند.

حریم شخصی: طی فرایند داوری، سردبیر، هیئت تحریریه و مشاوران علمی نباید اطلاعات مربوط به مقاله را برای فردی غیر از داوران، نویسندگان و ویراستاران افشا کنند.

محرمانه بودن و عدم استفاده شخصی: همه یا بخشی از مطالب مقالات ارسالی که منتشر نشده است، نباید در پژوهش شخصی سردبیر، هیئت تحریریه یا مشاوران علمی بدون کسب رضایت مکتوب نویسنده استفاده شود. اطلاعات یا ایده های محرمانه که از طریق داوری مقالات کسب شده اند، باید به طور محرمانه حفظ شوند و برای منافع شخصی استفاده نشوند.

داوران:

پذیرش مقالات: داوران به سردبیر، اعضای هیئت تحریریه و مشاوران علمی در اتخاذ تصمیم برای پذیرش یا رد مقاله کمک می کنند و با ارسال اصلاحات به نویسندگان در بهبود مقاله آن ها سهیم هستند.

حق امتناع و عدم پذیرش: امتناع و رد درخواست داوری مقاله برحسب زمان یا موقعیت ضروری و لازم است. داوری که احساس عدم صلاحیت کافی برای ارزیابی مقاله می کند، باید از داوری مقاله امتناع کند.

محرمانه بودن: داوران باید به محرمانه بودن فرایند ارزیابی احترام بگذارند و نباید اطلاعات مربوط به مقاله را بدون اجازه مکتوب نویسنده

مسئول توضیح داده شود و توسط سایر نویسندگان تأیید شده و پیش از ارسال مقاله برای داوری و فقط با تأیید سردبیر نشریه انجام شود.

- **قدردانی:** نویسندگان باید به مراکز یا افرادی که در شکل‌گیری پژوهش آن‌ها اثرگذار بودند، اشاره کرده و از کمک آن‌ها قدردانی کنند. همچنین در صورت وجود، حامی مالی پژوهش در این بخش ذکر شده و قدردانی شود.
- **تضاد منافع:** نویسندگان باید هر گونه تضاد منافی را که بر نتایج پژوهش یا تفسیر یافته‌ها اثرگذار بوده است، مطرح کرده و منابع مالی حامی پژوهش خود را ذکر کنند.
- **بازبینی مقاله:** اگر نویسنده یا نویسندگان متوجه اشتباه یا بی‌دقتی مهمی در کار خود شود، موظف است مراتب را به سرعت به سردبیر مجله «اقتصاد و برنامه ریزی شهری» اطلاع دهد و در فرایند بازبینی و اصلاح مقاله همکاری کند.

سامانه داوری مقاله:

- نشریه از فرایند داوری مخفی دو طرفی (دو سو کور) برای ارزیابی همه مقالات استفاده می‌کند.

سرقت ادبی:

- از نرم‌افزار سرقت ادبی (نرم‌افزار مشابهت یاب همیاب سیناوب) برای تشخیص شباهت بین مقالات ارسال شده و سایر مقالات چاپ شده استفاده می‌شود.

خط مشی دسترسی آزاد:

- این نشریه دسترسی آزاد به محتوای مقالات را براساس این اصل فراهم می‌کند که پژوهش را به‌طور رایگان در دسترس عموم قرار می‌دهد تا از تبادل جهانی گسترده دانش حمایت کند.

حق کپی برداری:

- مراحل ثبت، بررسی، داوری و انتشار مقالات در مجله «حسابداری و منافع اجتماعی» برای نویسندگان رایگان است.
- کاربران به‌طور رایگان حق خواندن، دانلود، کپی و پرینت کل متن مقالات را دارند.
- بدین معنا که در استفاده علمی و پژوهشی باید به مقاله مربوط ارجاع دهند و حق تغییر مطالب یا استفاده تجاری از آن را ندارند.

سیاست نشریه در مورد نحوه برخورد با سرقت ادبی:

- در صورتی که برای نشریه سرقت ادبی یک مقاله محرز شود، نشریه نویسنده/نویسندگان را در لیست سیاه قرار داده و اگر مقاله ایشان منتشر شده باشد، مقاله بایگانی شده و ذیل نام نویسنده/نویسندگان، عبارت «مقاله سرقت ادبی می‌باشد» درج می‌شود.

تألیف مشترک:

- همه نویسندگان مقاله باید در کارپژوهش مساعدت و همکاری جدی داشته و در مقابل نتایج پاسخگو باشند. اعتبار و امتیاز نویسندگی یا تألیف، باید به نسبت مساعدت‌های بخش‌های مختلف تقسیم شود. نویسندگان باید مسئولیت و اعتبار کار را تقبل کنند که شامل اعتبار نویسندگی یا تألیف، تنها برای کاری که به‌طور عملی انجام داده‌اند یا کاری که در انجام آن مساعدت کرده‌اند، است.
- نویسندگان باید در تجدید نظر و انجام اصلاحات مقاله سریع و مناسب عمل کنند. اگر نویسنده ای نمی‌تواند در سررسید زمانی تعیین شده عمل کند، باید هر چه زودتر با سردبیر برای تعیین مدت زمان بیشتر یا انصراف از فرایند ارزیابی تماس گیرد.



Director in Charge

A. Rafiei Atani, Ph.D.
Head of Tehran urban research and planning Center, Tehran, Iran
Email: rafieiatani@iust.ac.ir

Editor in Chef

H. dadashpour, Ph.D.
Professor, Department of Urban and Regional Planning, Faculty of Arts and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
Email: h-dadashpour@modares.ac.ir

Managing Editor

Z. Rouhi Dehkordi, Ph.D. candidate,
Department of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran
Email: zhr.rouhi@ut.ac.ir

English Editor

Leyla Ghasempour, Ph.D.,
Department of Urban and Regional Planning, Faculty of Arts and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Cover and Page Designer

M. Nazarzade

Editorial Contact Information

Innovation Center and City Technology Park, Shaghayegh Street, Ostad Hassan Bana Street, Tehran, Iran
Postal Code: 1617396551

Tel.: +989022458457, +982196015424

Fax: +982196090641

Email: info@juep.net

Website: JUEP.net

Printed at

Shahr Publication



Urban Economics and Planning

Vol 5(2), Summer 2024

(QUARTERLY PUBLICATION)



Editorial Board

Mohammad Mannan Raeisi

Head of Tehran Urban Research and Planning Center

Hashem Dadashpour

Professor, Department of Urban and Regional Planning, Faculty of Arts, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Behnaz Aminzadeh Goharrizi

Professor, Department of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran

Ali Akbar Anabestani

Professor, Human Geography and Spatial Planning, Faculty of Earth sciences Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Hossein Kalantari

Associate Professor, Urban Planning Department, Institute of Humanities and Social Studies, Jahad University

Ali Khaksari

Professor, Urban and Regional Planning department, Faculty of Social Science, Allameh Tabataba'i University

Reza Kheiroddin

Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architectural and Urban Engineering, University of Science and Technology, Tehran, Iran

Hossein Panahi

Professor, Department of Economics, University of Tabriz, Iran

Parvin Partovi

Professor, Department of Urban Planning and design, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Tehran

Reza Ranjpour

Associate Professor, Department of Economic Development and Planning, Faculty of Economics and Management, Tabriz University, Tabriz, Iran

Mohammad Taghi Pirabaei

Professor, Urban Planning, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University

Sayed Saeid Zahed Zahedani

Associate Professor, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University





Journal of Urban Economics and Planning

Scientific rank "B"
Ministry of Science Research and Technology

Vol 5(2), Summer 2024

Investigating the Mechanism of Socio-Cultural Component in The Educating City Based on Global Experiences Sara Feli, Farah Habib, Hossein Zabihi	7
Pedestrian-Oriented Movement Analysis in Terms of the Lack of Air Quality in Tabriz's Arak Sidewalks Afrang Beignejad Heric, Reza Valizadeh, Ali Panahi	23
Explanation of the Effective Factors in the Weakness of Urban Tourism in the Urban Development Plans of Tabriz Metropolis Roya Sardari, Ebrahim Taghavli, Bakhtiyar Ezzat Panah	41
Evaluation of Urban Regeneration for the Development of Cultural Heritage Tourism in the Historical Context of Tabriz City Ladan Aghlara, Hassan Ahmadzadeh, Ali Panahi	59
Providing a Sensitive and Responsive Urban Design Framework to Pandemic Conditions Mahya Hassani Marand, Asghar Molaei, Masoumeh Ayashm	77
Presentation of Urban Regeneration Scenarios in Khajeh Rabi Neighborhood in Mashhad Mohammad Rahim Rahnama, Marzieh Sabouri, Mahsa Ghafourian	93
Estimating the Tourism Carrying Capacity of Yasouj City and Presenting a Strategic Plan with the Help of a SWOT Analysis Model Vajihe Ghorbannia Kheybari, Elahe Azimi, Mohsen Armin	109
Explaining the Exploratory Mixed Model of Establishing the New Generation of New Towns (Case Study: Tiss City) Nasim Ghasemi Gharyeh Aali, Hamidreza Saremi, Arash Baghdadi	123
Evaluation of Economic-Social Characteristics of Informal Settlements in Tabriz City Naser Mohammadi Mivehrood, Karim Hosseinzadeh Dalir, Daruosh Sattarzadeh	139
Teaching Smart City Acceptance Measurement Ardabil Farid Zavarzadeh Moghadam, Mostafa Basiri, Arash Saghafi Asl	153
Analytical Comparison; On the Challenges and Opportunities of Architectural Components Influencing Urban Branding in Yazd and Rasht Rana Abbasi, Azadeh Shahcheraghi, Farah Habib	169
Investigating the Trend, Direction, and Factors Affecting Land Use Transition in the Tehran Metropolitan Region Mahshid Sadat Zabihi, Hashem Dadashpoor	181
Urban Smartization and Efficient Governance Noushin Abagheri Mahabadi, Soroush Fathi, Zahra Zare	204
Investigating the Effective Factors on Improving the Quality of Sidewalks with an Emphasis on Islamic Iranian Cities (Case Example: Behbahan City) Masoud Safaeepour, Eghbal Nasiri Barmalvan	219

